

فتاویٰ
دارالعلوم
دیوبند

فارسی

تألیف

مفتی اعظم العارف بالله حضرت مولانا الشیخ عزیز الرحمن عثمانی دیوبندی رحمۃ اللہ علیہ

تصحیح ترجمہ و ترتیب جدید

مولانا الحافظ محمد أحمد الحقانی الأفغانی رحمۃ اللہ علیہ

جلد چہارم (۴)

مکتبہ حنفیہ

کاسی روڈ ، کوئٹہ . فون : 081 - 2662510

آگاهی: جمله حقوق برای ناشر محفوظ است.

© All Rights Reserved for publisher.

al-ilmcorp@hotmail.com

چاپ اول

حوت ۱۳۸۸ \ ربيع الأول ۱۴۳۱ \ مارچ ۲۰۱۰

مکتبہ حنفیہ	Maktabah Hanafiyah
مؤسسه انتشارات	Publishing Organization
العلم کمپیوٹرز	AL - ILM Computers
کمپوزنگ ادارہ	Composing Organization

کاسی روڈ، حاجی غیبی چوک، کوئٹہ، شماره تلفون: 0812662510 Kasi Road, Quetta, Pakistan . Phone :

العلم کمپیوٹرز، کوئٹہ، پاکستان، شماره تلفون: 03218016371 AL-ILM Computers, Quetta. Mob:

فہرست فتاوی دار العلوم دیوبند جلد چہارم

صفحہ	مضمون	صفحہ	مضمون
	اگر در وقت فجر برازار داغ های را مشاهده نماید آیا نماز فجر را اعاده کند یا نه؟	۴۴	الباب السابع فيما يفسد الصلاة وما يكره فيها
۴۸	اگر امام در حالت نماز بگفتار مقتدی قدم پیش بردارد نماز میشود یا نه؟	۴۴	فصل أول: مفسدات الصلاة يعني چیزهای شکندۀ نماز
۴۸	اگر در جریان نماز هر دو دست ها در داخل لباس ها باشد آیا نماز میشود یاخیر؟	۴۴	اگر امام بگفتار شخص بیرون از نماز عمل نماید نماز فاسد میشود یاخیر؟
۴۸	فتح دادن و گرفتن یا ترک شدن یک نماز چگونه است؟	۴۵	اگر زانو آشکار شود نماز میشود یا نه؟
۴۹	اگر مقتدی دو یک رکعت اقتداء را ترک نمود آیا نماز در شده یا نه؟	۴۵	باقهقه در نماز وضو و نماز هر دو فاسد میشود یا تنها یکی؟
۵۰	در حالت نماز نعره و صراخ کشیدن نماز را فاسد می نماید یا نه؟	۴۵	اگر در حالت سجده پاها بلند شود نماز میشود یاخیر؟
۵۰	اگر از پیش روی نماز خوان سگ عبور کند نماز فاسد میشود یا نه؟	۴۶	لباس سرقت شده را اگر بقیمت اخذ نموده باشد در آن لباس نماز درست است یاخیر؟
۵۱	با گذاشتن چیز ناپاک در جیب نماز میشود یا نه؟	۴۶	در نماز باتکلم نمودن نماز میشکند یا نه؟
۵۱	در نماز پا جامه خلاص و باز گردیدن چه باید کرد؟	۴۶	اگر مقتدی قبل از اتمام رکوع نماید و در سجده شریک شود چه حکم دارد؟
۵۱	اگر بجای ستره چتری و غیره باشد کافی خواهد باشد یا نه؟	۴۶	الضالین و ابادوالین خواندن نماز درست میشود یا نه؟
۵۱	با اخذ نمودن تنفس برصراط الذین نه کفر لازم میشود و نه نماز فاسد میشود	۴۷	باتکبیر گفتن غیر مقلد نماز فاسد نمیشود؟
۵۲		۴۷	بالای هر آیت وقف جائز است یا نه و آیا بر آن نماز فاسد نمیشود؟
		۴۷	اگر در نماز سخنهاي فراموش و گذشته بهادش آید نمازش میشود یاخیر؟

صفحہ	مضمون	صفحہ	مضمون
۵۷	جنبانیدن پای را دست در نماز مفسد نماز نیست	۵۲	آنکسی کہ نماز گزار نباشد برای نماز گزار پکے بزند نماز خوان فاسد نمیشود؟
۵۷	مسجد ملکیت کسی نیست و در آن نماز درست است.	۵۲	در لفظ (ماہیہ) ظاہر نمودن تاء غلط است مگر مفسد صلاۃ نیست
۵۸	آنکس کہ موی زیر ناف را نمیراشد نمازش درست است	۵۳	شب در مورد قبلہ پرسید و نماز خواند سپس از آن معلوم شد کہ قبلہ غلط بود آیا این نماز شدہ یا نہ؟
۵۸	اگر صحیح قرائت نمود نماز شدہ و سامع را اعتبار نیست	۵۳	اگر مسبوق سہوا با امام سلام گردانید و کسی اورا بیادش داد سپس ایستاد شود این چہ حکم دارد؟
۵۸	در حالت نماز رقص وغیرہ نماز را فاسد مینماید	۵۴	اگر بجای علیکم لفظ علیم بیرون شود آیا نماز میشود یا نہ؟
۵۹	برپول زکاة گلیم یا پوریای خرید شدہ است بر آن نماز جائز است یا نہ؟	۵۴	در چوغہ و عمامہ نماز میشود یا نہ؟
۵۹	اگر مقتدی با امام سجدہ ثلاث نکرد نمازش میشود یا نہ؟	۵۴	اگر بالای لباس اثر و داغ را بنگرد چہ باید کرد؟
۵۹	طوری قرائت نمودن کہ خودش نیز نشنود آیا نماز میشود یا نہ؟	۵۵	ذکر سری مفسد نماز است یا نہ؟
۶۰	اگر تنها بوجہ شکل سجدہ سہوہ بکند آیا نماز میشود یا نہ؟	۵۵	اندکی انحراف مسجد از قبلہ نمازہای خواندہ شدہ؟
۶۰	در اثناء استعمال ناقوس نماز درست است یا نہ؟	۵۶	در نماز فجر اگر آفتاب طلوع نمود آیا نماز فاسد میشود یا خیر؟
۶۰	اگر در پیش روی نماز گذار زن یا کدام جانور عبور کند آیا نماز خواہد شد یا نہ؟	۵۶	بعوض ضاد ظاء خواندن نماز فاسد میشود یا نہ؟
۶۱	با جنبیدن پاہا نماز فاسد نمیشود	۵۶	در لباس رشوت نماز میشود یا نہ؟
۶۱	با سرانیدن ناقوس در نماز هیچ نقصان وارد نمیشود؟	۵۷	با شکستاندن نیت امام نماز مقتدی فاسد میشود؟

صفحہ	مضمون	صفحہ	مضمون
	آب کہ درمشک آورده میشود اگر	۶۲	مقصد از محاذات بودن زن
۶۵	اجرت آن داده نشود آیا بر آن آب	۶۲	اگر مرد زن را بوسه نمود یا زن مرد را
۶۶	نماز و وضوء جائز است یا نہ؟	۶۲	آیا نماز میشود یا نہ؟
۶۶	تعديل نمودن در جلسه وقومہ		پوست کیارت یا قطعی کوگرد در جیب
۶۶	به اساس گاهش رکعت امام نماز	۶۲	باشد آیا نماز میشود یا نہ؟
۶۶	همہ فاسد میشود		موی ریش کہ چسبیده باشد نماز فاسد
۶۶	اگر مقتدی بامام رکوع نکرد او چه	۶۲	نمیشود
۶۶	باید کرد؟		در حالت نماز عارض شدن خیالات
۶۷	بعد از سلام گردانیدن در مابین نماز	۶۳	دنیای نماز را فاسد نمی نماید
۶۷	نماز فاسد میشود		اگر امام مسافر نماز را کاملاً اداء کرد
۶۷	سجد سهوہ قائم مقام رکعت نیست	۶۳	پس نماز مقتدی مقیم نخواهد شد
۶۷	کسیکہ اعاده نمود نماز او درست		در حالت نماز از صحن مسجد بداخل
۶۷	شده است	۶۳	مسجد رفتن نماز فاسد میشود یا نہ؟
۶۸	همزه وسین اگر غلط اداء شود آیا		با ترک نمودن اِمالہ بر مجریہ نماز
۶۸	نماز فاسد میشود یا نہ؟	۶۴	میشود یا نہ؟
۶۸	طریقہ فتحہ دادن چگونه است؟		با دکمہ های صلیبی نماز جائز است یا
۶۸	اگر امام التحیات را ترک نماید و قیام	۶۴	نہ؟
۶۸	ورزد، اورا با التحیات گفتن یاد دهانی		با ترک شدن برخی از حصہ قرائت
۶۸	نمودن چگونه است؟	۶۴	نماز میشود یا نہ؟
۶۸	فتحہ دادن با سبحان اللہ از حدیث		بنا بر فراموشی امام فتحہ دادن درست
۶۸	ثابت است	۶۴	است
۶۸	دروقت رفتن بسجده پاجامہ یا زار را		اگر امام فتح را نگیرد آیا نماز فتح دهنده
۶۸	بلند نمودن مفسد صلاۃ است یا نہ؟	۶۵	فاسد میشود یا نہ؟
۶۹	نماز فرض عشاء را بی وضوء اداء		در موتر حامل گاوها کہ در جریان و رفتار
۶۹	نمود سنت و وتر را با وضوء آیا سنت	۶۵	باشد در آن نماز جائز است یا نہ؟
۶۹	را نیز اعاده نماید؟	۶۵	نماز غلط خوان درست است یا نہ؟

صفحہ	مضمون	صفحہ	مضمون
	بعد از قعدہ اخیر با گفتن السلام علیکم	۶۹	بپالش اسپرت نماز درست است یا نہ؟
۷۳	فتحہ دادن چگونه است؟	۶۹	فتح دادن لاحق درست است
	رکعت دوم را اگر قعدہ اخیر پندارد		تنہا بخاطر حسن صوت سلفہ نمودن
۷۳	و فتحہ بدهد چه حکم دارد؟	۷۰	مفسد صلاۃ است یا خیر؟
	با چیغ زدن در حالت خمیازہ نماز		اگر در جنگل نماز خوان سترہ رانصب
۷۳	فاسد میشود یا نہ؟		نکند پس از کدام جای عبور نمودن
	نماز خواندن بر مکان دومتزلہ درست	۷۰	بکار است؟
۷۴	است؟		با شنیدن صدای تفنگ اگر از دهن
	مسائل زلۃ القاری (یعنی لغزش های		نماز خوان إلا اللہ بیرون شود آیا نماز
۷۵	قرائت کنند)	۷۰	میشود یا نہ؟
	اگر بجای ایلنا علینا بخواند آیا نماز		در نماز جمعہ فتحہ دادن درست است
۷۵	میشود یا نہ؟	۷۱	یا نہ؟
	در قرائت اگر بجای (من الظلمات		در حالت خوف در کجاوہ نماز درست
	إلی النور) بطریق قلب مکات تلاوت	۷۱	میشود یا نہ؟
۷۵	شود آیا نماز فاسد میشود یا نہ؟		در وقت مکث نمودن قائلہ در کجاوہ
	اگر بعد از مقدار واجب آیت راترک	۷۱	نماز خواندن چه حکم دارد؟
۷۵	نمود چه حکم دارد؟		در وقت شب در کجاوہ نماز درست
۷۶	اگر یک لفظ ترک شود	۷۲	است یا نہ؟
۷۶	اگر تخطی اعرابی شود چه حکم دارد؟		نماز فجر در شغوف یا کجاوہ درست
	اگر بجای ثاء شین تلفظ شود آیا	۷۲	میشود یا نہ؟
۷۶	نماز درست میشود یا نہ؟		نماز عشاء را بوجہ عذر بی وقت اداء
	اگر بجای (ایاتہ) (ایاتنا) بگویند چه	۷۲	نمودن چگونه است؟
۷۶	حکم دارد؟		اگر زن در پہلوئی مرد ایستادہ شود چه
	لفظ (انا) با ثبات الف خواندن چگونه	۷۲	حکم دارد؟
۷۷	است؟		اگر مصحف را نظر کردہ نماز خون
۷۷	اگر در فتح و کسرہ غلطی شود آیا	۷۳	چه حکم دارد؟

صفحہ	مضمون	صفحہ	مضمون
	اگر (زینہ) بہ (فتنہ) تبدیل شود واذانہم بہ اثارہم در این صورت نماز میشود یا نہ؟	۷۷	نماز فاسد میشود یا نہ؟
۸۰	بابتدیل لفظ یا آیت نماز میشود یا نہ؟	۷۷	اگر امام بعد از اندک قرائت خواندن بند سپس از آن بہ پیش برود آیا نماز درست خواهد شد یا نہ؟
۸۰	در سورت زلزال یک حصہ فراموش شد آیا نماز درست شدہ یا نہ؟	۷۷	با غلطی امام بر مقتدی قاری هیچ اثر نمی افتد؟
۸۱	اگر بجای فتحہ ضمہ تلاوت شود چہ حکم دارد؟	۷۷	اگر آیت را بدل خواند چہ حکم دارد؟ در اخلاص (الله الصمد) را ترک نمود ایا نماز درست شدہ است یا نہ؟
۸۱	اگر یک فقرہ سورت از تلاوت ترک شود آیا نماز میشود یا نہ؟	۷۸	اگر در مابین قرائت کدام لفظ ترک شود کہ معنی را متغیر ننماید هیچ کراہت ندارد
۸۱	اگر در مابین آیات ہا را بگذارد وہ پیش رود چہ حکم دارد؟	۷۸	بعد از سہ آیت تلاوت نیز یا غلطی مفسد صلاۃ نماز فاسد میشود
	دروقت قرائت نمودن سورت العصر بہ سورت والتین بپردازد آیا نماز درست میشود یا نہ؟	۷۸	اگر در قرائت کدام لفظ باقی بماند آن نماز میشود یا نہ؟
۸۱	اگر بجای (دہاقا) لفظ (دحاقا) بگوید چہ حکم دارد؟	۷۸	اگر قاف را بہ کاف بدل نمود آیا نماز میشود؟
۸۲	یکہ حصہ آیت را مبدل نمود ایا نماز فاسد خواهد شد یا نہ؟	۷۹	بر (صراط الذین) سکوت نمودن نماز فاسد نمیشود
۸۲	اگر بجای یکذہون لفظ (یمسکون) یا بجای (یعملون) لفظ (تعلقون) را بگوید آیا نماز درست میشود یا خیر؟	۷۹	اگر دروقت قرائت بجای (کریم) لفظ (عظیم) بگوید چہ حکم دارد؟
۸۲	اگر درجای تفخیم ترقیق خواندہ شود آیا نماز درست خواندہ شد یا نہ؟	۷۹	در جای مد کسرہ ودر جای فتحہ مد خواندن نماز میشود یا نہ؟
۸۳	اگر لام (علیہم) را زیاد کش و طولانی نمود آیا نماز درست شدہ است یا نہ؟	۷۹	اگر برخی از حصہ آیت ترک شود کہ معنی متغیر نشود نماز جائز است
۸۳		۸۰	

صفحہ	مضمون	صفحہ	مضمون
	بوجہ متشابہ بودن کدام لفظ ترک	۸۳	در جای غنہ اظهار کردن
۸۷	شود آیا نماز میشود یا نه؟		اگر بجای لفظ (نزد) (لا نزد) تلاوت
	الف مقصوره یا ممدوده را بانون غنہ	۸۳	نمود آیا نماز فاسد میشود یا نه؟
۸۷	تلاوت نمودن نماز می شود یاخیر؟		در (قتل داود جالوت) در دیگر کدام
	اگر بجای ضا ظاء تلفظ شود آیا نماز		آیت از نگاه اعراب غلطی واقع شد آیا
۸۸	میشود یا نه؟ بجای شین سین تلفظ	۸۳	نماز درست میشود یا نه؟
۸۸	نمودن نماز درست میشود یا نه؟		اگر بجای (خیر لک من الاولی)
	باغلط قرائت نمودن نماز درست	۸۴	(والاولی) بگوید چه حکم دارد؟
۸۹	میشود یا نه؟		اگر بجای (لفی) (لا فی) تلاوت شود
	آیا با وقف نمودن وعدم وقف در	۸۴	کدام حرج نیست؟
	سورت فاتحه اسم شیطان ساخته		اگر بجای ذال جیم تلاوت شود آیا نماز
۸۹	میشود؟	۸۵	درست میشود یا نه؟
۸۹	اداء نمودن سمع الله لمن حمده؟		اگر بجای ضاد، ذال یا بجای زاء، ظاء
۸۹	غلطیهای مقصد صلاۃ	۸۵	تلاوت شود آیا نماز فاسد میشود یا نه؟
۹۰	ترتیل	۸۵	تأثیر غلط خواندن بر نماز
	(لا اعیذ) را بحذف لام تلاوت نمود		اگر (اسفل السافلین) را با (إلا الذین)
۹۰	آیا نماز درست شده است یا نه؟	۸۵	یکجا وصل نماید چه حکم دارد؟
	اگر بجای کسره فتح خوانده شود	۸۶	باطرز سرود قرآن خواندن چگونه است؟
۹۰	آیا نماز درست خواهد شد یا نه؟		در آیت (فمن کان یرجو لقاء ربہ) لفظ
	اگر دو آیت قرائت نماید آیا نماز	۸۶	(کان) ترک شود چه باید کرد؟
۹۰	درست میشود یا نه؟		اگر بجای (فالمملقیات ذکر) (فالمدهبرات
	در قرائت بعد از تلاوت نمودن یک		أمر) بگوید آیا نماز درست خواهد شد
	حصه سورت بفراوشی سورت دیگر	۸۷	یا خیر؟
۹۰	رفت چه حکم دارد؟		اگر بجای (ولا انتم عابدون) (ولا انتم
۹۱	مخرج ضاد کدام است؟	۸۷	تعبدون) بگوید چه حکم دارد؟
۹۱	در قرائت بعضی الفاظ ترک شده	۸۷	بعد از قرائت نمودن سیزده آیت اگر

صفحه	مضمون	صفحه	مضمون
۹۶	نمی آید؟	۹۱	است آیا نماز درست شده است یا نه؟
	با همچنان اشتغال در غیر قرآن مفسد		اگر در مابین برخی از قرائت ترک شود
۹۶	صلوة است یا نه؟	۹۲	چه حکم دارد؟
	اگر کراهیت داشته باشد آیا اعاده		در نماز حرف ضادر اچگونه خواندن بکار
۹۶	اش واجب است یا نه؟	۹۲	است؟
۹۶	در ائمه اربعه این مذهب کیست؟		اگر بجای (لحافظون) (لنا حافظون)
	اگر تنها کلاه بسر باشد نماز مکروه	۹۲	بخواند نماز درست میشود یا نه؟
۹۷	نیست		مخروج ضاد کدام است و کسیکه دال را
	با اشاره یک دست نابینا را بطرف		مفخم بگوید آیا امامت او درست است
۹۷	قبله متوجه کردن چگونه است؟	۹۲	یا نه؟
	دروازه رامسلود نموده نماز را شروع	۹۳	فصل دوم: مکروهات نماز
	کرد و در آن اثنا کسی آمد و در شوز		آن چیزهایی که بسبب آنها در نماز
۹۷	شغب پرداخت بناء چه باید کرد؟	۹۳	کراهیت پیدا میشود
	اگر در حالت نماز انسان یا جانور	۹۳	روبروی قبر نماز خواندن چگونه است؟
۹۸	حمله آور باشد پس چه باید کرد؟		آیا در وقت رفتن بسجده پا جامه را بلند
	اگر لنگ یا ازار نماز خوان بکشد	۹۴	نمودن نا پسند است؟
	آیا به هردو دست آن رابستن درست		در زمین کسی بغیر از اجازه نماز جائز
۹۸	است یا نه؟	۹۴	است یا نه؟
	از جلد دباغت شده آهومصلی ساختن		بطور عاجزی سر لج نماز خواندن بلا
۹۹	درست است	۹۴	کراهیت جائز است
	بازونی برهنه نماز خواندن مکروه		امامت دادن با بستن دستمال یا دست
۹۹	است	۹۴	پاک چگونه است؟
	با کلاه ساخته شده رخت سرقه نماز	۹۵	در نماز بر ختم بعضی آیت ها دعا و حکم
۹۹	چگونه است؟		آن برای امام بر همچو آیت ها مکث
	اگر نماز خوان با استعمال پکه خوشنود	۹۶	نمودن چگونه است؟
۱۰۰	میشود پس در نماز او کدام کراهیت	۹۶	آیا بر همچو کردن اشتغال بر غیر قرآن

صفحه	مضمون	صفحه	مضمون
	اگر در جریان قرائت سورت را فراموش نمود پس سورت دیگر را شروع نماید	۱۰۰	نیست؟
۱۰۴	اگر در گوشه غربی مسجد و بیرون از دیوار مقبره باشد در نماز کدام نقصان عارض نمیشود	۱۰۰	حد عبور نمودن از پیش روی نماز گذار در نماز تصفیه نمودن خاک پیشانی چطور است؟
۱۰۴	در لباس خارجی نماز درست است	۱۰۱	با کلاه عسکری نماز جائز است
۱۰۵	در پیش روی نماز گذار در مسجد خوابیدن و گفتگو کردن مکروه است	۱۰۱	اگر در جیب پول رشوت باشد نماز درست میشود یا نه؟ و همچنان با پول رشوت لباس خریده شده نماز در آن چگونه است؟
۱۰۵	تمباکو با خود داشتن نماز درست میشود یا نه؟	۱۰۱	در نماز تصور بجه و غیره ناپسند است
۱۰۵	در نماز مکرر را بلند نمودن ازار ناپسند است	۱۰۱	قصدا تصور نمودن پسر چگونه است؟
۱۰۶	در سجده پاها را بیجا نمودن چگونه است؟	۱۰۲	بعد از اسلام بغیر از دعا کردن مقتدی رفته میتواند
۱۰۶	اگر ما بین سر برهنه باشد انتظار خواندن چگونه است؟	۱۰۲	اصلاح نمودن نماز خوان که جهت قبله را غلط نموده باشد جائز است
۱۰۶	در نماز آشکار نمودن بازوها مناسب نیست	۱۰۲	در حالت نماز قطفه یا کمال از خود پنهان کردن درست است یا نه؟
۱۰۶	با کلاه جالی دار نماز مکروه نیست	۱۰۳	در وقت غلطی زیر وزیر فتحه دادن درست است
۱۰۷	چشم پوشیدن در نماز چگونه است	۱۰۳	در مابین ترک نمودن سورت کوچک مکروه است در چنان حالت اعاده نمودن نماز مستحب است
۱۰۷	بوجه شک ضرورت برای اعاده نیست	۱۰۴	در وقت سجده رفتن ازار را بلا ضرورت بلند نمودن خلاف ادب است
۱۰۷	خلاف ترتیب قرائت مکروه است	۱۰۴	چه وقت فتحه دادن بکار است؟
۱۰۷	در رکعت اول والضحی و در رکعت دوم با خواندن والتین کراهیت در	۱۰۴	با کرته بدون دامن نماز خواندن جواز دارد

صفحہ	مضمون	صفحہ	مضمون
	در فرائض باتکرار آیت ها آیا نقصان	۱۰۷	نماز پیدا نمیشود
۱۱۱	وارد میشود یا نه؟		در لباس های طلایی یا ابریشمی نماز
۱۱۱	با اشاره نمودن در نماز نقصان نمی آید	۱۰۸	درست است یا نه؟
	خیمه مسجد که بخاطر محفل رقص		روی گردانیدن بطرف نماز گذار نشسته
	داده شده باشد در آن نماز خواندن	۱۰۸	مکروه است
۱۱۲	درست است		اگر امام بر فرش باشد مقتدی بر مصلی
	بخاطر شخص آمدنی، طولانی نمودن	۱۰۸	از آن نماز فاسد نمیشود
۱۱۲	قرائت ناپسندیده است		در (ساری) که یک نوع لنگ هندوستانی
۱۱۲	اشاره مفسد صلاۃ نیست	۱۰۹	است نماز زنان جائز است یا نه؟
	شکستادن نیت بوب و سوسه مناسب		با چربی جانور بحری مسمی به ناکه
۱۱۳	نیست	۱۰۹	نماز درست است
۱۱۳	علاج و سوسه		با اقامت فاسق در نماز نقصان وارد
	اگر دو نفر در یکجا علیحدہ علیحدہ	۱۰۹	نمیشود
۱۱۴	نماز میخوانند جائز است		اگر در نماز تف دهنش غلبه کند چه باید
۱۱۴	با رو پرو آمدن زن نماز فاسد نمیشود	۱۰۹	کرد
	در قرائت بند شدن واعادہ نمودن آن		بخاطر خوف قطره بر عضو تناسلی خویش
۱۱۴	نماز را فاسد نمی نیاید		روغت را پیچاندن در نماز نقصان نمی
۱۱۴	فتح دادن درست است	۱۱۰	آید
۱۱۵	پاهارا بیجا نمودن مفسد صلاۃ نیست	۱۱۰	مرور بین الصفین
	در نماز جنبانیدن سر و یکسو، و سویی		در مسجد شیعه ها نماز منی درست
۱۱۵	دیگر فرود، و پائین شدن ممنوع است	۱۱۰	است
۱۱۵	در چیز پاک نماز جائز است		در نماز از بینی آواز خارج نمودن چگونه
	غیر نماز گذار را فتح دادن درست	۱۱۰	است؟
۱۱۶	نیست		بنا بر نسیان خلاف ترتیب حکم قرائت
۱۱۶	بلا عمامه نماز مکروه نیست	۱۱۱	چیست
۱۱۷	اگر در حالت نماز از دهن چیزی خارج	۱۱۱	بر سقف مسجد نماز مکروه است

صفحہ	مضمون	صفحہ	مضمون
	برمصلی دارای نقش ونگار نماز جائز	۱۱۷	شود نماز فاسد نمیشود
۱۲۲	است یا نہ؟	۱۱۷	با استعمال صابون نماز درست است
۱۲۲	در لباس کثیف نماز جائز است یا نہ؟		در پیزار و لباس جدید نماز خواندن درست
	در ورکشاپ با وجود ممانعت نماز	۱۱۷	است
۱۲۲	اداء نمودن چگونه است؟		قیام نمودن امام در جای بلند و در داخل
	بسبب کثرت نماز خوانان قیام نمودن	۱۱۸	محراب مکروه است
۱۲۲	در (در) مسجد درست است یا نہ؟		در قمیص کہ نصف آستین دارد نماز
	اگر بر عکس پرندہ قطیفہ یا چیزی	۱۱۸	مکروه است
	دیگر را فراموش نماید و نماز را اداء		دست ها را داخل آستین قباء وجہ
۱۲۳	کند آیا نماز خواهد شد یا نہ؟	۱۱۸	نکرده نماز خواندن مکروه است
۱۲۴	در پیزار نماز جائز است یا نہ؟	۱۱۸	بر چارپائی نماز جائز است
	بعد از نماز دعا و در آن علاوہ نمودن		تلی پیزا را گر ناپاک باشد در آن نماز
۱۲۴	دارک بعد از ختم نماز جماعت چگونه	۱۱۹	درست نیست
۱۲۴	دعا خواستہ شود؟		وجہ عدم جواز نماز در پیزار ناپاک
	بعد از آشامیدن چای بغیر از کنگال		و جائز بودن نماز بر زمین پاک کہ بر آن
۱۲۵	نمودن دهن نماز خواندن چگونه است؟	۱۱۹	فرش پاک باشد
	در وقت کشته شدن امام مقتدیان نیست		در محن مسجد با جماعت نماز درست
۱۲۵	را شکستندہ میتوانند یا نہ؟	۱۱۹	است
	ازار یا لنگ کہ از شتالنگ پائین تر		ویاح را مسدود نموده نماز اداء نمودن
۱۲۵	باشد نماز در آن مکروه است	۱۲۰	چگونه است
۱۲۵	تنها در لنگ نماز درست است		در لباسهای مستعمل قوم نصاری نماز
	با ازار بند ابریشمی نماز درست است	۱۲۰	جائز است یا نہ؟
۱۲۶	یا نہ؟	۱۲۰	در لباس ابریشمی نماز چگونه است؟
	بر کاغذ دولتی یا بکس دولتی نماز		در ازار کہ از شتالنگ پائین باشد نماز
۱۲۶	خواندن	۱۲۱	اداء نمودن چگونه است؟
۱۲۷	اگر چارپائی در پیشروی نماز گذار	۱۲۲	در محراب نماز جائز است یا خیر؟

صفحہ	مضمون	صفحہ	مضمون
	در نماز در تخیل آمدن رحمت عالم	۱۲۷	باشد کدام حرج بار نمی آورد
	و یا تصور نمودن آنجناب چگونه		در صورت نقصان پنجاه پول شکستادن
۱۳۲	است؟	۱۲۷	نماز چگونه است؟
	در محراب تنها نماز نماز خوان درست		در صورت عدم گنجایش در داخل در
۱۳۳	است یا نه؟	۱۲۷	دروازه ایستاد شدن چگونه است؟
	در داخل محراب قیام نموده امامت	۱۲۷	در انگشتری طلا، نماز مکروه است؟
۱۳۳	داد آیا نماز درست شده است یا نه؟		اگر بعد اندک قرائت از امام فراموش
	داخل محراب نماز مقتدی درست	۱۲۸	شود چه باید کرد؟
۱۳۳	خواهد شد یا نه؟		آیا در آن صورت از سر نو نماز را شروع
	امام بکدام اندازه ارتفاع امامت کرده	۱۲۸	نماید؟
۱۳۳	میتواند؟		در صورت فوق الذکر ترجیح دادن به
	امام در، در چقدر بلندی ایستاده شده	۱۲۸	شکستادن نماز غلط است
۱۳۳	میتواند؟	۱۲۸	معنی (بترکها) چیست؟
	قصدا در نماز ارتکاب مکروه چگونه		از پیش روی نماز خوان بکدام اندازه
۱۳۳	است؟	۱۳۰	فاصله عبور نمودن بکار است؟
۱۳۳	فتویٰ یک مولوی		بعد از نماز به آواز بلند کلمه خواندن
۱۳۳	در چقدر بلندی مسجد کرده شود؟	۱۳۰	چگونه است؟
	مقتدی از امام بلند قیام نموده میتواند		در لباس که عکس باشد نماز درست
۱۳۳	یا نه؟	۱۳۰	میشود یا نه؟
	اگر امام یک واجب بلند قیام نموده		شمه اگر بسیار دراز باشد آیا نماز مکروه
۱۳۳	باشد در آن مورد چه حکم است؟	۱۳۱	تحریمی خواهد شد؟
	اگر تکبیرات و سلام را با امام یکجا		در لباس ابریشمی نماز اداء شده درست
	اجراء نکرد و قبل آن را ختم نمود	۱۳۱	است یا نه؟
۱۳۴	بناء در آن مورد چه حکم است؟	۱۳۲	در لباس کثیف نماز مکروه است یا نه؟
	مقتدی که قبل از امام رکوع و سجده		بعد از نماز بطرف چپ توجه گردانیدن
۱۳۴	میکند آیا نمازش میشود یا نه؟	۱۳۲	ودعاء کردن چگونه است؟

صفحہ	مضمون	صفحہ	مضمون
۱۳۹	قیام نمودن امام در محراب	۱۳۴	وقت غلبہ خواب دنبال امام نماز میشود یا نہ؟
۱۴۰	در پیش روی نماز گذار اگر کسی نماز میخواند آیا او از پیش روی وی یکسو شدہ میتواند؟	۱۳۴	اگر مقتدی قبل از ختم نماز سلام بگرداند در این مورد چه حکم است؟
۱۴۰	مسائل مسجد	۱۳۴	در حین غلبہ خواب نماز را ادا کند یا ترک؟
۱۴۰	مسدود نمودن دروازہ مسجد چطور است؟	۱۳۴	اگر در نماز بدن خارش میکند چه باید کرد؟
۱۴۱	در همچو مسجد نماز درست است یا خیر؟	۱۳۴	اگر قومہ با اطمینان نشود در این مورد چه حکم است؟
۱۴۱	در منزل دوم مسجد نماز چگونه است؟	۱۳۴	اگر خینہ استعمال نمودہ باشد نمازش درست است یا نہ؟
۱۴۲	اگر در جوارش دو مسجد باشند در کدام مسجد نماز اداء نماید؟	۱۳۴	با بستہ نمودن مشت ہا نماز خواندن در مقبرہ نماز جائز است یا نہ؟
۱۴۲	فصل اول: مسائل وتر	۱۳۴	ریاح را بند کردہ نماز را اداء نمود آیا نماز درست شدہ است یا نہ؟
۱۴۲	هر مقتدی کہ رکوع نکرد آیا نمازش درست شدہ است؟	۱۳۸	اگر در پیش روی نماز گذار نوع درخت مسمی بہ درخت پیبل باشد نماز مکروہ نمیشود؟
۱۴۲	دعای قنوت را فراموش کرد و تکیہ بباشد آمد آن را خواندہ سجۃ سہوہ نمود در این مورد چه حکم است؟	۱۳۸	با انحصار نمودن شاش در نماز جماعت شرکت وزیدن مکروہ است
۱۴۳	وتر را بہ نیت سنت اداء نمودن چه حکم است؟	۱۳۸	اگر در جیب پول باشد همچنان نماز میشود
۱۴۳	فرض را با جماعت اداء نکرد آیا وتر را با جماعت اداء نمودہ میتواند؟	۱۳۸	بابریشم و طلاء نماز درست میشود یا نہ؟
۱۴۳	لفظ (مُلَحِّق) را بکسر وفتح حاء ہردو خواندہ میتواند	۱۳۸	نمازہای کہ عاری از تعدیل الارکان باشد حکم آن چیست؟
۱۴۴	در مورد سلسلۃ رفع الیدین در وتر یک غلط مشہور	۱۳۹	

صفحہ	مضمون	صفحہ	مضمون
	قنوت را با امام خواند و در رکوع آنکسی که شامل شدنی است و قنوت را نخواند ایشان چه باید کرد؟	۱۴۹	امام دعای قنوت را ختم کرد و رکوع کرد و رکوع نمود و مقتدی دعای قنوت را هنوز ختم نکرده است بناءا چه باید کرد؟
۱۴۹	در نیت وتر گفتن واجب اللیل چگونه است؟	۱۴۴	اگر در جماعت عشاء شریک نشد آیا وتر را با جماعت کرده میتواند؟
۱۵۰	ترک نمودن نصف سورت چگونه است؟	۱۴۵	در مورد وتر مطلب یک عبارت نیت وتر
۱۵۰	در وتر به فراموشی قبل از دعا رکوع نمودن	۱۴۶	قنوت را ترک نموده بر رکوع رفتن
۱۵۰	یاد دهانی مقتدی برای امام چگونه است؟	۱۴۶	در وتر قبل از رکوع رفع الیدین و در حدیث ذکر دعای قنوت
۱۵۰	اگر امام بعد از اداء نمودن یک سجده، سجده دیگر فراموش شود و قتیکه دعای قنوت را یاد داشته باشد آیا دعای دیگر را خوانده میتواند یا نه؟	۱۴۷	وقتیکه وتر را ختم نمود پس سبحان الملک القدوس را چه وقت بگوید؟
۱۵۱	دعای قنوت از حدیث ثابت است یا نه؟	۱۴۷	وقتیکه در جماعت وتر در رکعت سوم شامل شود دعای قنوت را چه وقت بگوید؟
۱۵۱	دعای قنوت از حدیث ثابت است یا نه؟	۱۴۸	سورة اخلاص بعوض دعای قنوت کافی خواهد شد یا نه؟
۱۵۱	چه وجه است که قبل از دعای قنوت رفع الیدین میشود؟	۱۴۸	امام نماز وتر علاوه از امام نماز فرض شخص دیگر شده میتواند یا نه؟
۱۵۲	در وقت اداء وتر رالفظ واجب گفتن چگونه است؟	۴۸	بعد از دو رکعت وتر قعدہ بکند یا نه؟
۱۵۲	در دعای قنوت (ملحق) را بکسرہ حاء خواندن	۱۴۸	دعای قنوت تنها در وتر منحصر است
۱۵۲	ثبوت رفع الیدین قبل از دعای قنوت؟	۱۴۹	قعدہ وتر از آنحضرت ﷺ ثابت است
۱۵۳	حکم آن کسی که بعد از وتر سبحان	۱۴۹	برای اداء نمودن وتر نیت یک رکعت است یا سه رکعات؟
		۱۴۹	در رکعت سوم شخص شامل شدنی که

صفحہ	مضمون	صفحہ	مضمون
۱۷۷	ہا و آمین گفتن مقتدیان بطور آہستہ		الملك القدوس را و همچنان آن کسی
	قنوت نازلہ در مقرب و عشاء درست		کہ در وقت رفتن بہ نماز عید قربان جہرا
۱۷۸	است یا نہ؟	۱۵۳	تکبیر نگريد
۱۷۸	دعا در نماز فرض برای دفع شدن وباء		اگر دعای قنوت را یاد نداشته باشد چہ
۱۷۸	قنوت نازلہ برای جنگ طرابلس	۱۵۳	بخواند؟
	در موقع جنگ ایتالیا خواندن قنوت		تہجد گذار با فرائض وتر را اداء نمودہ
۱۷۹	نازلہ	۱۵۴	میتواند یا نہ؟
	بنزد کدام امام قنوت نازلہ در نماز	۱۵۴	برای دعای قنوت تکبیر و رفع یدین
۱۸۰	فجر است		بغیر از دعا بر کوع رفت و بعد از یاد
	در نماز جمعہ قنوت نازلہ درست است		دہانی دعا را خواند و دوبارہ رکوع نمود
۱۸۰	یا نہ؟	۱۵۴	این چہ حکم دارد؟
	قنوت نازلہ جائز است یا نہ و اگر جائز		جواز سہ رکعات وتر با یک سلام و در
۱۸۰	است پس چرا؟	۱۵۴	رمضان مع الجماعت
	قنوت نازلہ در سائر نمازهای جہری		ہر شخصیکہ نماز عشاء را با جماعت
۱۸۱	است یا تنها در نماز فجر؟	۱۵۵	اداء نکند آیا و امام نماز وتر شدہ میتواند؟
۱۸۲	جواز قنوت نازلہ و ثبوت آن		در وتر برای مسبوق با امام خواندن دعا
	قنوت نازلہ در سائر نمازها و دعا با	۱۵۶	کافی است
۱۸۳	رفع الیدین	۱۵۶	وتر واجب است دلائل مخالف و موافق
	فصل ثالث: سنن مؤکدہ و غیر مؤکدہ	۱۷۵	فصل ثانی: مسائل قنوت نازلہ
۱۸۴	مسائل سنن مؤکدہ	۱۷۵	آیا قنوت نازلہ در نماز فجر درست است؟
	دروقت جماعت فجر سنت را کجا	۱۷۵	قنوت نازلہ
۱۸۴	اداء نماید؟		در قنوت نازلہ دست ہا را ارسال بکند
	در داخل صفوف نماز فجر اجازہ سنت	۱۷۶	یا بیندند؟
۱۸۴	فجر نیست		بنزد احتاف قنوت نازلہ بعد از رکوع
	در میان فرائض و سنن سخنان دنیاوی	۱۷۶	و تنها در نماز فجر میباشد
۱۸۴	و حکم آن	۱۷۷	در وقت قنوت نازلہ ارسال داشتن دست

صفحہ	مضمون	صفحہ	مضمون
۱۹۰	حیثیت چہار رکعت سنت ظہر بعد از اداء نمودن فرض	۱۸۵	در حصہ داخل مسجد در حالت جماعت دلیل گنجایش سنت در حصہ بیرونی
۱۹۰	اگر بفراومشی در نیت سنت نام فرض را تذکر نمایند چه حکم دارد؟	۱۸۵	اگر کسی نیت چہار رکعت را بشکستند پس بر آنکس چند رکعت واجب می باشد
۱۹۰	سنت را در خانہ اداء کردن بہتر است تسبیحات بعد از فرض و قبل از سنت	۱۸۵	سنت ظہر بخاطر اداء فرض بردو رکعت ختم کردہ شد بناء بعد از فرض چہار رکعت اداء نماید
۱۹۱	مؤکدہ	۱۸۵	شخصیکہ در وقت نماز جماعت ظہر آمد پس سنت قبلای راجعہ وقت اداء کند؟
۱۹۱	بعد از نماز فرض ظہر معمول چہار رکعت چگونہ است؟	۱۸۶	اگر سنت فجر ترک شود چہ وقت اداء گردد؟
۱۹۲	بعد از فرض تا بہ کدام حد تاخیر درست است	۱۸۶	اگر سنت قبلای جمعہ ترک شود سخت فجر را در کدام وقت اداء نمودن بکار است
۱۹۲	بعد از فرائض سنت را در خانہ اداء کند یا در مسجد؟	۱۸۶	نوافل بعد از نمازهای ظہر مغرب وعشاء سنت فجر را بعد از فرض و قبل از طلوع آفتاب اداء نمودن جائز است یا نہ؟
۱۹۲	بعد از سنن و نوافل دعا انفرادی است	۱۸۷	بہ امید دریافت نمودن یک رکعت در وقت جماعت فجر اداء نمودن سنت درست است یا نہ؟
۱۹۳	واجتماعاً ثابت نیست	۱۸۷	در نیت سنت سنت رسول گفتن چگونہ است؟
۱۹۳	قرائت در سنن ذی الشفعین	۱۸۷	اداء نمودن سنت در خانہ سنت بعد از مغرب
۱۹۳	اگر امام از محراب علیحدہ شود و سنت را اداء می نماید وجہ آن چیست؟	۱۸۸	بعد از فرائض فوراً سنت اداء کردن بکار است و یا تاخیر نیز کردہ میتواند؟
۱۹۴	اگر سنت قبلۃ جمعہ را اداء کردہ نتوانست چہ باید کرد؟	۱۸۸	
۱۹۴	در میان سنت و فرض سخن دنیاوی گفتن موجب کاهش ثواب میشود	۱۸۹	
۱۹۴	وقتیکہ سنت فجر ترکہ شود آن را چہ وقت اداء کند؟	۱۸۹	
۱۹۴	تداوم برسر سورۃ کافرون و سورۃ إخلاص	۱۸۹	

صفحه	مضمون	صفحه	مضمون
۲۰۱	جار شوند؟	۱۹۴	در سنت فجر ومغرب وحکم آن
۲۰۲	نوافل در شب قدر شب برات ومعراج		اگر سنت فجر بعد از فرض اداء شود
	عشت رکعت نقل شبانه بیک سلام	۱۹۵	آیا در آن حرج است؟
۲۰۳	وطریقه آن؟		نفل را قیاما اداء نمودن افضل است یا
۲۰۳	نفل را بلزوم نمودن لازم نمیشود	۱۹۶	به نشستن؟
۲۰۳	نوافل بجبر نقصان فرائض		آیا بعد از رسیدن بمسجد نخست بنشینند
۲۰۳	مراد از سکینه چیست؟	۱۹۶	سپس سنت را اداء کند؟
	نیت زیادتیر از هشت رکعت مکروه		در حالت نشستن نفل اداء نمودن باعث
	تحریمی است یا تنزیهی وحکم تمام	۱۹۷	ثواب است یا نه؟
۲۰۴	نفل در عیدگاه و داخل وخارج مسجد	۱۹۷	صلاة الوابین
	سنن ونوافل در منزل افضل است		بعد از وتر نفل را نشسته ادا کند یا
۲۰۴	وبوجه غنر در مسجد نیز افضل میباشد	۱۹۷	ایستاده؟
	صلاة الوابین ورکعات تهجد ونماز	۱۹۸	نوافل قبل الوتر وبعد الوتر
۲۰۵	تراویح		بعد از اقامت سنت فجر را تا به کدام
۲۰۶	با جماعت نفل جائز است یا نه	۱۹۸	وقت اداء کرده میتواند؟
۲۰۶	جماعت نفل بعد از تراویح	۱۹۹	مسائل سنن غیر مؤکده
	در نماز نفل حساب کردن بر انگشت	۱۹۹	بعد الوتر نوافل درست است
۲۰۷	ها جائز است یا نه؟	۱۹۹	جماعت در تهجد رمضان
	جائیکه فرض را اداء کند از آن مکان	۱۹۹	جماعت سائر نوافل
۲۰۷	جدا نفل اداء نمودن بکار است	۲۰۰	بعد از رمضان جماعت تهجد ونوافل
	بعد از عشاء وبعد از دو رکعت سنت	۲۰۰	حکم نوافل بتداعی در رمضان المبارک
۲۰۷	نفل کردن	۲۰۰	تفصیل تداعی وکراهیت
	در قعدہ اولی سنن قبل از عشاء وقبل		علاوه از ماه رمضان آیا در ماه های دیگر
	العصر درود ودعا هر دو را بخواند	۲۰۱	جماعت وتر درست است؟
۲۰۸	یا تنها التحیات را ؟	۲۰۱	در رمضان تهجد بجماعت
۲۰۸	نفل را بعد اوتر چگونه اداء کند؟	۲۰۱	در رمضان در تهجد اگر دو یا چهار نفر دو

صفحہ	مضمون	صفحہ	مضمون
	برای مردم قریہ گفتن کہ در مسجد	۲۰۸	در یوم جمعہ نفل چاشت چگونہ است؟
	خود تراویح اداء کنید این چگونہ	۲۰۹	نماز عشق
۲۱۷	است؟		نفل کنندہ بوجہ آواز بلند وتلاوت جہیر
۲۱۸	رکعات تراویح وابن الہمام	۲۱۰	شخص دیگر نماز را ترک نگوید
	بعد از تراویح بہ آواز بلند درود	۲۱۱	طول قرائت در نوافل
۲۱۹	وسلام ثبوت ندارد		نماز نفل بشروع شدن واجب میشود
۲۲۰	بیست رکعت تراویح	۲۱۱	اگر شروع آن صحیح باشد
	اگر نیت معاوضہ را داشتہ باشد اما	۲۱۱	قبل از نماز عشاء چہار رکعت سنت
	بزیان نگوید پس در این صورت داد		تحیۃ المسجد را در وقت دخول مسجد
۲۲۰	وستد نیز ناجائز است؟	۲۱۲	اداء کند ربا بعد از نشستن؟
	چند سالہ بچہ امامت تراویح را اداء	۲۱۲	صلۃ الارابین وتحقیق آن
۲۲۱	میتواند	۲۱۳	قبل از عشاء چہار رکعت سنن وثبوت آن
۲۲۱	ختم القرآن در تراویح سنت است		بعد از شرکت نمودن در دعای مروجہ
۲۲۲	در ترویجہ مناجات درست است یا نہ؟	۲۱۳	خلاف سنت است
	در تراویح با استماع قرآن مجید ثواب	۲۱۳	نوافل در میان فرائض وسنت مؤکدہ
۲۲۲	قرآن ہر آورده میشود یا نہ؟	۲۱۴	قبل العصر چہار رکعت مستحب
	آیا قاری شیعہ بشریک شدن در		اگر فرائض قضاء شدہ بذمہ باشد آیا
۲۲۲	جماعت فتحہ دادہ میتواند؟	۲۱۴	برایش سنت ونوافل درست است
	آیا تراویح بعد از سورت والضحیٰ در	۲۱۵	در سنن قرائت جہیری بہتر است یا سری؟
	ختم ہر سورت گفتن اللہ اکبر سنت		بعد از ظہر مغرب وعشاء نوافل را بہ پابندی
۲۲۳	است؟		اداء نمودن ضروری است یا احياناً آن
	در داخل منزل در تراویح اقتداء زنان	۲۱۵	را ترک کند
۲۲۳	محرم وغیر محرم درست است یا نہ؟	۲۱۶	فصل رابع: مسائل تراویح
	آیا تراویح چنان اداء نمودن درست	۲۱۶	رکعات تراویح
	است کہ در رکعت اول یک سورت		با وجود تراویح در مسجد جامع در
۲۲۴	قرائت نماید و در رکعت دوم تنها	۲۱۷	مسجد همجوارش نیز تراویح درست است

صفحہ	مضمون	صفحہ	مضمون
۲۲۹	فتح دادن غلط در تراویح برای مشوش	۲۲۴	سورت اخلاص را بخواند؟
۲۳۰	نیت را ہستہ نمودہ فتحہ داد ہبس		آنکس کہ در منزلی تراویح را بجماعت
۲۳۰	نیت را شکست این چگونہ است؟		اداء میکند وبمسجد نمیرود دراین مورد
	بہیئت خوابیدہ در وقت تراویح گفتگو	۲۲۴	حکم چیست؟
۲۳۰	نمودن		تراویح کہ فوت شدہ باشد آن را چہ
۲۳۰	یک قاری در دو مساجد تراویح میدہد	۲۲۴	وقت اداء کند؟
	در ختم قرآن از (الم) تا یہ (ہم)	۲۲۵	امامت نابالغ در تراویح درست نیست
۲۳۱	المفلحون خواندن مستحب است	۲۲۶	بعد از وتر و تراویح دعا ثابت است یا نہ؟
	آیا تراویح فوت شدہ را بعد الوتر		تہجد و تراویح از آنحضرت <small>ﷺ</small> ثابت
۲۳۱	اداء نمودہ میتواند؟	۲۲۶	است
۲۳۲	در تراویح مقدار قرائت مسنون		در ترویج تراویح رواج وعظ درست
	دہ رکعت بامامی دو مسجد اداء	۲۲۶	است یا نہ؟
۲۳۲	کردن چگونہ است؟	۲۲۷	در مورد تراویح یک چند سوالات
	زنان بدنبال مرد پی پردہ افتداء	۲۲۷	حکم تارک تراویح
۲۳۳	کردہ میتوانند	۲۲۸	شبینہ جائز است یا نہ؟
	در چہار رکعت تراویح قعدہ اولی را		قرائت نمودن سورت الاخلاص در ہر
۲۳۳	نکرد	۲۲۸	رکعت تراویح درست است یا نہ؟
	بسم اللہ را در تراویح جہرا خواندن		بخاطر در مضیقہ آخستہ نمودن قاری
۲۳۳	چگونہ است؟		شور وشغب کردن در وقت تراویح نا
	در ترویجہ سرا گفتن تسبیحات	۲۲۸	جائز است
۲۳۴	مناسب است		قرآن مجید را آنقدر سرعت خواندن
	برای قاری ہر تراویح ہول دادن چگونہ	۲۲۹	مناسب نیست کہ در فہم نیاید
۲۳۴	است؟		بوجہ فراموشی خاموش شدن وتفکر
	آیا در تراویح در شروع ہر سورت	۲۲۹	نمودن چگونہ است؟
۲۳۵	جہرا خواندن بسم اللہ بکار است		در وقت فراموشی از یکجا وجای دیگر
۲۳۵	در ختم قرآن خواندن آیت ہای دیگر	۲۲۹	خواندن جواز دارد یا نہ؟

صفحہ	مضمون	صفحہ	مضمون
	این گفتار غلط است کسی کہ بنا بر	۲۳۵	چگونه است؟
	عذر شرعی روزہ نگرفت اوتراویح	۲۳۶	جماعت تراویح زنان
۲۴۰	نیز نخواند		امامت پسر یک ماہ کم پانزدہ سالہ در
	نبی اکرم ﷺ چند رکعت تراویح را	۲۳۶	تراویح درست است یا نہ؟
۲۴۱	اداء نمودہ اند؟		باواز بلند در ترویجہ گفتن صلوات
	آیا دوترویجہ شنواندن نصاب درست	۲۳۷	چگونه است؟
۲۴۱	است؟		تراویح را بنیت دو دور رکعت اداء نمودن
	در تراویح در شب ختم قرآن بعد از	۲۳۷	بکار است
	قرائت (الم) تا بہ (ہم المفلحون)		در تراویح سجدۂ تلاوت برکوع کردن
	بعضی آیات دیگر را قرائت نمودن	۲۳۷	اداء خواہد شد یا نہ؟
۲۴۱	ثابت نیست	۲۳۷	جہرا خواندن بسم اللہ چگونه است؟
	آیا برای تراویح امام مقرر نمودن		اگر نماز تراویح بنیت چہار رکعات اداء
۲۴۲	درست نیست؟		شود پس حکم قعدۂ اولی ودرود شریف
	اگر احتاف بدنیال غیر مقلد تراویح	۲۳۸	وغیرہ چیست؟
	را اداء کنند پس متبقی رکعات را		با امامت شخص سی سالہ تراویح ہلا
	چہ وقت تکمیل نمایند آیا قبل الوتر	۲۳۸	کراہیت درست است
۲۴۲	یا بعد الوتر؟		در مورد تراویح حدیث ہشت رکعت
	در تراویح زیادتر از یک ختم قرآن	۲۳۸	راجع است یا از بیست رکعت؟
۲۴۲	چگونه است؟		در دکانہا اداء نمودن تراویح چگونه
	اگر در رکعت دوم بغراموشی برخاست	۲۳۹	است؟
	سہس برایش یاد شد اکنون چہ باید		شخصیکہ از او تراویح فوت شدہ بود
۲۴۳	کرد؟		او نخست وتر را بجماعت اداء کند
	سجدۂ تلاوت با سجدۂ صلاحیہ اداء	۲۳۹	بعد از آن تراویح را اداء نماید
۲۴۳	میشود یا نہ؟		آیا بعد از تراویح وبعد از ختم القرآن
۲۴۴	آیا تطویل تراویح بکار نیست؟	۲۴۰	دعا مکروہ است؟
۲۴۴	بعد از چہار رکعات تراویح چہ باید	۲۴۰	دعا در ترویجہ مسنون است یا مستحب؟

صفحہ	مضمون	صفحہ	مضمون
۲۴۷	سہو نیست	۲۴۴	کرد؟
۲۴۸	آیا نماز تراویح بیک سلام جائز است؟		در رکعت اول تراویح در حال نشستن بود اما وقتیکہ برایش اشارہ دادہ شد قیام نمود حکم آن چیست؟
۲۴۸	بدون عذر شرعی ترک نمودن تراویح چگونه است؟	۲۴۴	آیا سجدہ سہوہ را اداء کند؟
۲۴۹	نیت دو رکعت تراویح نمود لکن در رکعت دوم برای قعدہ نشست نمود بناء در آن مورد حکم چیست؟	۲۴۵	وقتیکہ اندک نشست نمود سہس بر خاست آیا سجدہ سہوہ واجب است؟
۲۴۹	تراویح دادن حق یک امام مستقل است و یا حق دیگر قاری مقرر شدہ؟	۲۴۵	در رکعت اول بکدام مقدار نشست سجدہ سہوہ لازم میشود؟
۲۴۹	بعد از نماز فرض آنکسانی کہ آمدنی ہستند در جماعت وتر شریک شدہ میتوانند؟	۲۴۵	بجملہ استراحت سجد سہوہ لازم نمیشود
۲۴۹	آنکس کہ از سن پانزدہ سالگی تجاوز نمود و علامت بلوغ در او ظاہر نشد حکم امامت او چگونه است؟	۲۴۶	در تراویح بعد از بعضی آیت ہا گفتن برخی از کلمات
۲۵۰	تراویح قبل الوتر افضل است و بعد الوتر جائز میباشد	۲۴۶	یک نفر در تراویح در آغاز ہر سورت بسم اللہ را جہرا قرائت می نماید در این مورد حکم چیست؟
۲۵۰	شانزدہ رکعت تراویح را اداء نمود و متبائی چہار رکعت را در وقت تہجد اداء کرد حکم آن چیست؟	۲۴۶	در ہر ترویجہ دست بالا کردن ودعا خواستن درست است یا نہ؟
۲۵۱	حکم شبینہ	۲۴۶	بعد از ترویجہ از دعا خواستن منع کردہ شود یا نہ؟
۲۵۱	نبی اکرم ﷺ کہ کدام نماز را در رمضان المبارک اداء نمودہ بودند آن تراویح بود	۲۴۷	آیا دعا خواستن ممنوع است
۲۵۱	بخاطر وظایف ترک نمودن جماعت	۲۴۷	تراویح سنت رسول اللہ ﷺ است یا سنت خلفاء راشدین؟
۲۵۲		۲۴۷	اگر در تراویح سجدہ سہوہ لازم شود آیا اداء بشود؟
		۲۴۷	این گفتن غلط است کہ در تراویح سجدہ

صفحہ	مضمون	صفحہ	مضمون
۲۵۹	تلاوت نماید آیا آن جواز دارد یا نه؟	۲۵۲	تراویح درست نیست
۲۵۹	بدنبال نابالغ تراویح کننده گنہگار است یا نه؟	۲۵۲	دروود بعد از چہار رکعات تراویح
۲۵۹	برای قاری کرایہ رفت و آمد تأدیہ نمودن و طعام خوردنیدن در معاوضہ داخل است یا نه؟	۲۵۲	تراویح را اداء می نماید اما از طرف روز روزہ گرفته نمیتواند
۲۵۹	بدنبال بسر چہارہ سالہ تراویح درست است یا نه؟	۲۵۲	قرآن را کاملاً در تراویح قرائت نمودن بہتر است
۲۶۰	در تراویح امام و سامع را برابر ایستادہ نمودن چگونہ است؟ و برای سامع اجرت دادن جائز است یا نه؟	۲۵۲	سجدہ تلاوت در تراویح
۲۶۰	در مورد حدیث تراویح پرسش	۲۵۴	تنہا بخاطر فتح دادن در تراویح شرکت نمودن
۲۶۱	تراویح سنت است یا واجب و یا نفل؟ کسی کہ بیست ۲۰ رکعت تراویح را تسلیم کند و بعد از آن احیاناً سیزدہ ۱۳ یا چہل و یک ۴۱ رکعت اداء میکند آیا گنہگار میباشد یا نه؟	۲۵۴	یک نفر در دو جای تراویح دادہ میتواند یا نہ؟
۲۶۱	تمامی تراویح را بہ یک سلام اداء نمودن	۲۵۵	تراویح ہشت رکعت است یا بیست رکعت؟
۲۶۲	آیات متروکہ را در کدام وقت معاد و تکرار نماید؟	۲۵۶	در تراویح سہ بار خواندن (قل هو اللہ احد) چگونہ است؟
۲۶۳	اجرت شنواندن تراویح	۲۵۶	بعد از ترویجہ نوافل و مناجات جائز است یا نہ؟
۲۶۳	شبینہ	۲۵۶	گناہ ترک تراویح؟
۲۶۴	تہاگذار تراویح را بہ آواز بلند بخواند یا آہستہ؟	۲۵۷	فیصلہ اختلاف رکعات تراویح
۲۶۴	زنان جماعت و تراکریدہ میتوانند یا نہ؟	۲۵۷	حدیث تراویح
			اگر یک قاری در یک ہفتہ در یک مسجد قرآن را ختم میکند در تراویح و در ہفتہ دیگر در مسجد دیگر ختم میکند بناء در این مورد حکم چیست؟
			در جریان تراویح اگر بعضی آیت ہا سہوا ترک شود امام آن را در شب دوم یا سوم

صفحہ	مضمون	صفحہ	مضمون
۲۶۹	از تہجد بود یا از تحیۃ الوضوء بود؟	۲۶۴	بعد از سنت تراویح را شروع کند
۲۶۹	این دعا در کدام جای خوانده شود؟	۲۶۴	در یک مسجد جماعت دوم تراویح
۲۶۹	این دعا را ایساہ بگوید یا نشسته؟		آیا بہ یک سلام بیست رکعت تراویح
	بنا بر نیست موافقت با آن حضرت	۲۶۴	درست است؟
	نماز تہجد احوانا زیاد و احیانا	۲۶۵	فصل خامس: مسائل تہجد
۲۶۹	کم اداء شود یا نہ؟		کسی کہ نمازها را قضاء نموده باشد
۲۶۹	وقت تہجد		وقضاء را اداء نماید و یا تہجد را کدام
۲۷۰	رکعات نماز تہجد	۲۶۵	الفضل است؟
۲۷۰	نقصان ترک تہجد چیست؟		در تہجد ادعیۃ مختلفہ چہ وقت خواندہ
۲۷۱	نماز تہجد چگونه اداء گردد؟	۲۶۱	شود؟
۲۷۱	نماز اشراق وغیرہ		تہجد را بعد از نماز عشاء و قبل الوتر
	تہجد ہشت رکعت است یا دوازده	۲۶۱	اداء نمودن چگونه است؟
۲۷۱	؟۱۲	۲۶۱	قرائت ورکعات تہجد
۲۷۳	وقت صلاۃ تہجد		در ہر رکعت تہجد سورت اخلاص
۲۷۳	قضاء تہجد	۲۶۱	ضروری نیست
	اگر نماز تہجد بجماعت اداء شود	۲۶۷	قرائت جہری در تہجد
۲۷۳	حکم آن چیست؟		در تہجد خواندن سورت دراز و کوتاہ
۲۷۴	فصل سادس: مسائل صلاۃ التبیح	۲۶۷	وقت تہجد
۲۷۴	در صلاۃ التبیح اوقات تسبیح	۲۶۷	چند رکعت تہجد افضل است؟
۲۷۴	جماعت صلاۃ التبیح مکروہ است	۲۶۸	نماز تہجد در تاریکی
۲۷۵	ثواب صلاۃ التبیح	۲۶۸	بعد از عشاء فوراً تہجد میشود یا نہ؟
۲۷۵	در صلاۃ التبیح سہوہ	۲۶۸	رکعات تہجد چقدر دراز باشد؟
	در آخری جمعہ رمضان صلاۃ التبیح	۲۶۸	تورم قدمہای آن حضرت ﷺ
۱۷۵	را بجماعت اداء نمودن ثبوت ندارد	۲۶۹	مقدار قرائت فی التہجد در صحابہ رضی اللہ عنہم
	تسبیح معروفہ در کدام کدام اوقات	۲۶۹	ادعیۃ بعد از تکبیر تحریمہ
۲۷۱	خواندہ شود؟	۲۶۹	در موقع تہجد قبل از دو رکعت خفیف

صفحہ	مضمون	صفحہ	مضمون
۲۸۰	سنت را آغاز نمود کہ فوراً جماعت شروع شد پس چه باید کرد؟	۲۷۶	در قنوت صلاۃ التبیح دست ہا را ارسال بدارد
	اگر کسی بنیت نوافل در جماعت عشاء شریک شد آیا آنکس سنت	۲۷۶	چہار رکعت صلاۃ التبیح بہ یک سلاح اداء شود یا بدو؟
۲۸۱	ووتر را دوبارہ نیز اداء نماید؟		اگر تسبیحات را در یک جای فراموش نمود آیا آن را در جای دیگر اداء نمودہ میتواند یا نہ؟
	اگر بفکر آنکہ ریل (قطار) مواصلت نمودہ نیت را بشکند حکم چیست	۲۷۷	الباب التاسع فی ادراک الفریضۃ
	و در آن مورد برای امام برای اختصار نمودن بگوید یا نہ؟	۲۷۷	در جماعت شریک شدن
۲۸۱	جواب اعتراض بر سنت فجر در وقت جماعت		بوقت اقامت نماز فرض آن حکم چرا است کہ متفرق نیت نماز فرض را بشکند
	چہار رکعت سنت ظہر کہ فوت گردیدہ آن را بعد از فرض فوراً اداء نماید و یا آنکہ بعد از اداء دو رکعت	۲۷۷	لکن نیت نوافل و سنن را نشکند؟
۲۸۲	سنت؟		بعد از گفتن تکبیر برای امام تا بہ دیرتر مکث نمودن و سپس تحریمہ بستن چگونہ است؟
	بعد از شروع نمودن سنت فجر اگر اقامت شود چه باید کرد؟	۲۷۸	بکدام وجوہات نماز شکستانہ میشود؟
۲۸۲	آنکس کہ بغیر از اداء سنت در جماعت شریک شود او سنت را در آن وقت اداء نکند	۲۷۸	جماعت را ترک نمودن و بمسجد دیگر رفتن برای آنکہ جماعت کامل را در یافت نماید این چگونہ است؟
۲۸۳	در وقت جماعت سنت فجر را خارج از مسجد اداء نماید	۲۷۹	سنت فجر اگر قبل فرض اداء نشود پس آن را چہ وقت اداء نماید؟
۲۸۳	سنت فجر در وقت جماعت شخصی کہ در وقت جماعت رسید چہ باید بکند؟	۲۷۹	یک رکعت را اداء نمودہ بود کہ جماعت ظہر شروع شد بناء رکعت دوم را تکمیل نماید و در جماعت شریک شود
۲۸۴			امام مسجد دیگر جماعت یک مسجد ترا ترک نمودہ رفتہ میتواند یا نہ؟
۲۸۵	سنت بوقت جماعت فجر	۲۸۰	

صفحہ	مضمون	صفحہ	مضمون
	اگر در وقت گنجایش سائر قضاء		اگر بحماقت ایستاده باشد پس سنت
۲۹۱	مرتب نباشد پس چه باید کرد؟	۲۸۵	فجر را چه وقت اداء کند؟
۲۹۱	در قضاء مطلب ترتیب چیست؟	۲۸۶	اناب العاشر فی قضاء الفوائت
	طریقہ درست اداء نمودن قضاء	۲۸۶	اداء نمودن نمازهای قضائی
۲۹۲	چگونه است؟		بوجه ضیق الوقت یا فراموشی نماز وقتی
	تنہا بتوبہ کردن نمازهای قضاء شدہ	۲۸۶	را پیش از قضائی اداء کردہ می‌تواند
	معاف نمیشود بلکہ اداء نمودن	۲۸۶	سبب نماز فائتہ
۲۹۲	ضروری است	۲۸۷	قضای نماز وروزہ
	بخطا اداء نمودن فوائت کثیرہ ترک	۲۸۷	قضائی نمازهای قضاء شدہ
۲۹۳	کردن تراویح نادرست است	۲۸۷	قضاء نماز قصر، قصر میباشد
	در زمان اداء نمودن فوائت کثیرہ اگر		آیا اداء نمودن نماز قضاء در مسجد
	یک نماز فوت شد در آن مورد حکم	۲۸۷	درست نیست؟
۲۹۴	چیست؟		طریقہ مروجہ عمری ثابت نیست بی
	حکم قرائت در نماز قضاء عمری	۲۸۸	اساس است
۲۹۴	چیست؟	۲۸۸	حیلہ اسقاط صاحب ترتیب نخست
	اداء نمودن فوائت ضروری است		نمازهای فوت شدہ را اداء نماید اگر چه
	لکن ضرورت بترک نمودن نوافل	۲۸۹	جماعت از وی فوت میشود؟
۲۹۵	نیست		کسی کہ نمازها را قضاء نموده است او
	اداء نمودن فوائت بعد از نمازهای	۲۸۹	نمازها را بکدام ترتیب اداء نماید؟
۲۹۵	عصر و فجر درست است یا نہ؟		کسی کہ نمازهای زیاد را قضاء نموده
	صاحب ترتیب قبل از نماز جمعہ قضاء	۲۸۹	باشد آنها را چگونه اداء کند؟
۲۹۶	را بجا آورد		کسی کہ نمازهای یکسال را قضاء نماید
	کدام طریقہ مروجہ قضاء عمری کہ	۲۹۰	بر او ترتیب لازم نیست
	در برخی از کتاب هامنقول است ثابت		مدت چند نماز را قصری می نمود پس
۲۹۶	نیست		معلوم شد کہ مسافر نبود بناءا چه باید
۲۹۷	دریک وقت چقدر نمازهای قضاء را	۲۹۱	کرد؟

صفحہ	مضمون	صفحہ	مضمون
۳۰۰	کرد؟	۲۹۷	کہ بخواند اداء کردہ میتواند
	بعد از فجر وعصر نماز قضاء را اداء		بخاطر اداء نمودن نمازهاي فوت شده
۳۰۱	نموده میتواند یا نہ؟	۲۹۷	سنن مؤکدہ را ترک نگوید؟
	در آخرین جمعہ رمضان رواج قضاء		در نمازهاي فوت شده ترتیب وقتی
۳۰۱	عمری ثابت نیست	۲۹۷	نیست کہ او صاحب ترتیب نباشد
	نماز قضاء را بجماعۃ اداء نمودن		نماز عشاء فوت شده اگر بیادش باشد
۳۰۱	چگونہ است؟	۲۹۸	نماز فجر نمیشود
۳۰۱	کفارۃ نماز قضائی چیست؟		در وقت مغرب قضائی ظهر وعصر را
۳۰۱	قضاء نمازهاي فوت شده	۲۹۸	چگونہ بجا آورد؟
۳۰۲	حکم صاحب ترتیب		چند نمازهاي فوت شده را در یک
۳۰۲	کفارۃ نمازهاي قضاء	۲۹۸	وقت اداء نمودن درست است یا نہ؟
۳۰۲	مسائلۃ اسقاط		نمازهاي فوت شده ده یا بیست سال را
۳۰۲	قضاء الفوائت	۲۹۹	چگونہ اداء نماید؟
۳۰۳	صاحب ترتیب کدام شخص است؟		برای نماز قضاء آذان وتکبیر است یا
۳۰۳	قضاء فوراً اداء شود	۲۹۹	نہ؟
۳۰۳	قضاء عمری		یک نفر نمازهاي ایام متعدد را قضاء
۳۰۳	اداء نمودن قضاء عمری		نمود اگر او بجای سنن قضاء فرض را
	اگر بطور شک نمازهاي قضاء را	۳۰۰	بجا می آورد این چگونہ است؟
۳۰۴	اداء می نماید این چه خواهد باشد؟		نماز هروقتیکہ قضاء باشد آن را بعینہ
	شخصی نماز قضاء فجر را اداء نمود		در همان وقت اداء نمودن ضروری
	حالانکہ بذمہ ایشان نماز قضاء نبود	۳۰۰	نیست
۳۰۴	حکم آن چیست؟		در قضاء آوردن نمازهاي فجر مغرب
	نمازهاي قضاء شدہ فجر، ظهر وعصر		وعشاء قرائت بالجہر نموده میتواند
	را قبل از نماز مغرب اداء نماید و یا	۳۰۰	یا نہ؟
۳۰۵	بعد از آن؟		اگر نماز سال هاي متعدد قضاء شود
۳۰۵	قضاء عمری ثابت است یا نہ وطریقہ	۳۰۰	و موقع اداء نمودن آنها نباشد پس چہ باید

صفحہ	مضمون	صفحہ	مضمون
	را اداء نماید وبعد از اختتام وقت	۳۰۵	اش چگونه است؟
۳۱۴	قضاء را اداء کند؟		ترک نمودن نماز و از آن ممانعت و وزیدن
	بعد از بلوغ اداء نمودن نمازهای	۳۰۵	چگونه است؟
۳۱۴	فوت شدہ ضروری است	۳۰۶	کفارہ نمازهای قضاء شدہ چیست؟
	اگر احصائیہ تعداد نمازهای قضاء		کفارہ نمازها تنها صدقہ است یا چیزی
	بیادش نباشد بس بنا بر تخمین آن را	۳۰۶	دیگر؟
۳۱۵	اداء نماید		کفارہ نمازهای قضاء شدہ شیخ فانی
	قضاء را اداء نموده نتوانست کہ	۳۰۶	و مریض چیست؟
	بمرض موت مبتلا شد پس اکنون چه		قضاء عشاء را قبل از نماز فجر اداء
۳۱۵	باید کرد؟	۳۱۱	نماید
	بعد از نماز فجر و قبل از طلوع آفتاب		اگر نماز عشاء قضاء شد پس آن را تا بہ
۳۱۵	اداء نمودن قضاء درست است	۳۱۱	چہ وقت اداء نموده میتواند؟
	شخصی کہ عصر را قضاء نمود او	۳۱۱	بعد از صبح صادق
	در وقت مغرب نخست اداء نماید یا		قضاء نماز ظہر را قبل از عصر اداء
۳۱۵	قضاء؟	۳۱۱	نمودن بکار است یا نہ؟
۳۱۵	قضاء جماعت درست نیست		در جماعت مغرب اداء نمودن قضاء
	نماز قضاء و روزہ تنها بتوبہ معاف	۳۱۱	درست است
۳۱۶	نمیشود	۳۱۱	قضاء دو سال را چہ وقت اداء کند؟
۳۱۶	بعد از موت کفارہ نماز		قضاء فجر را قبل از آذان ظہر اداء نماید
	کفارہ نمازها بعد از موت است یا در	۳۱۳	یا بعد از آن؟
۳۱۶	حیات نیز است؟	۳۱۳	برای نماز قضاء آذان گفته شود یا نہ؟
	اگر از طرف بی نماز ورثہ اش فدیہ		و برای ہر نماز علیحدہ علیحدہ آذان
۳۱۷	اداء کند بری خواهد شد یا نہ؟	۳۱۳	باشد یا یکی کافی است؟
	کفارہ بی نمازی چہ وقت ضروری		نمازهای قضاء شدہ پنجاہ سال واداء
۳۱۷	میشود؟	۳۱۳	نمودن انها
۳۱۸	اگر موی درمورد فدیہ نمازهای فوت	۳۱۴	در حالت احتلام بعد از غسل نمودن نماز

صفحہ	مضمون	صفحہ	مضمون
۳۲۴	بہتکار قرائت سجدہ سہوہ لازم نمیگردد	۳۱۸	شدہ وصیت نماید پس آن را از ثلث مال اداء باید کرد
۳۲۵	درست ظہر اگر قعدہ اولی را براموش نماید و سجدہ سہوہ کرد آیا نماز خواهد شد	۳۱۸	وصیت درمورد روزہ و نماز و اداء نمودن آن؟
۳۲۵	بفراموشی یک سورت را شروع نمود سپس سورت دیگر را قرائت نمود از آن سجدہ سہوہ لازم نمیشود	۳۱۹	اگر در صورت وصیت ورثہ کفارہ نمازها را ندهند در این مورد حکم چیست؟
۳۲۵	بتاخیر واجب سجد سہوہ در رکعت های آخری بضم سورت سجدہ سہوہ لازم نمیگردد	۳۱۹	اگر احصائیہ نمازهای فوت شدہ روشن نباشد در این صورت بنا بر تخمین نمودن فدیہ را اداء نماید
۳۲۶	اگر در رکعت اول تنها یک سجدہ نمودہ و متصل ایستادہ شد بناءا چہ باید کرد؟	۳۲۰	علاوہ از گندم دیگر غلہ جات یا قیمت آن در فدیہ اداء نمودن نیز درست است
۳۲۶	بنا بر شبہہ شکستادن نماز اگر در هر رکعت واجب ترک شود در آخر سجدہ سہوہ لازم میشود	۳۲۰	رقم کفارہ را در مسجد یا چاہ مصرف نمودن درست نیست کفارہ نماز در حال حیات نیست
۳۲۶	در قعدہ آخر بدر دفعہ خواندن التحیات سجدہ سہوہ لازم نمیشود	۳۲۱	حیثیت شرعی حیلة اسقاط چیست؟
۳۲۷	بہتکار نمودن آیات سجد سہوہ لازم نمیگردد	۳۲۲	قرآن مجید در فدیہ اعطاء نمودن چگونه است؟
۳۲۷	بعد از قرائت بقدر واجب در قرائت غلطی مفسد صلاہ است یا نہ؟	۳۲۲	قیمت قرآن
۳۲۷	اگر مسبوق مع الامام سلام گشتاند نمازش فاسد نمیشود تنها سجدہ سہوہ کافی است؟	۳۲۳	بعد از ایصاء نمودن فدیہ نمازها از حصہ سوم ترکہ ضروری است
۳۲۷		۳۲۳	فدیہ روزہ مرض الوفات نیست بلکہ تنہا از نمازها است
		۳۲۴	بلا وصیت فدیہ بلذمہ هیچ یک از ورثہ لازم نیست
		۳۲۴	الباب الحادي عشر في سجود السهو
		۳۲۴	مسائل سجدہ سہوہ

صفحہ	مضمون	صفحہ	مضمون
۳۳۲	باقی بماند		وقتیکہ این سخن واضح معلوم نباشد
	اگر در تکبیرات زوائد عیدین کاهش		کہ سجدہ سہو واجب است یا نہ بناء
۳۳۲	نمود حکم آن چیست؟	۳۲۸	نماز گذار چہ باید بکند؟
	قعدہ اخیری فرض را بفراموشی ترک		سجدہ سہوہ باء نمودن دو رکوع در
	نمود و رکعت پنجم را ہمراہش	۳۲۸	یک رکعت
۳۳۳	ضمیمہ نمودہ نماز نقل شد		بعد از اداء نمودن نماز بجماعت ثانیاً
	حکم ترک نمودن سجد سہوہ عمدتاً		مقتدی اعادہ نمودن بناء در آن ہر دو،
۳۳۳	ونسیاناً	۳۲۹	کدام یکی درست شدہ است؟
	اگر در نماز چہار رکعتی سہوا در		بعد از التحیات بہ چقدر تأخیر در فاتحہ
	رکعت سوم نشست نمود حکم آن		وقعدہ وسطانی سجد سہوہ لازم میگردد
۳۳۳	چیست؟	۳۲۹	سجدہ سہوہ بوجہ سجدہ سوم
	اگر بہ فراموشی در رکوع تسبیح	۳۳۰	اگر در سجدہ سوم اقتداء ننماید
۳۳۴	سجدہ را بگوید حکمتش چیست؟		برای مقتدی در سلام سہوہ اقتداء نمودن
۳۳۴	در سجدہ تسبیح رکوع	۳۳۰	بکار است
۳۳۴	ترک تعدیل و سجدہ سہوہ		اگر امام با تلقین تسبیح رکعت پنجم را
	برای سجد سہوہ تنها یک طرف		شروع نماید پس مقتدی اقتداء او را
۳۳۴	سلام بگرداند	۳۳۰	نباید کرد
	مسبوق ہر دو طرف سلام گردانید		در نماز مغرب فاتحہ را آہستہ قرائت
	وقتیکہ بیادش دادہ شد فوراً قیام		نمود و بعد از فتوح دادن سورت را جہراً
۳۳۴	نمود در این مورد حکم چیست؟		تلاوت نمود آیا سجدہ سہوہ را اداء
	بعد از فاتحہ تا بوقتی خاموش بود بناء	۳۳۱	نماید یا نہ؟
۳۳۵	حکم آن چیست؟		بوجہ متشابہ بہ تکرار آیت سجدہ سہوہ
	امام در رکعت سوم عشاء نشست	۳۳۱	لازم نیست
۳۳۵	مگر فوراً ایستادہ شد حکمتش چیست؟		در رکعت آخر بعد از تشهد قیام نمود
	سجدہ سہوہ بفراموش نمودن قعدہ	۳۳۲	سپس نشست او سجدہ سہوہ را بکند
۳۳۵	اولی در سنت قبل الظہر	۳۳۲	از نابینائی کہ بوجہ غلطی امام یک رکعت

صفحہ	مضمون	صفحہ	مضمون
۳۳۹	آن را ثانیاً خواند فلہذا بر او سجدہ نست	۳۳۶	اگر زانواش را ایستادہ نمودہ باشد پس بنشیند
۳۳۹	در آخرین رکعات قرائت بضم سورت سجد سہوہ لازم نمیگردد	۳۳۶	زانوہا از زمین بلند شد اما درست ایستادہ نشدہ است پس بنشیند
۳۴۰	در رکعت آخری نماز چہار رکعتی قرائت	۳۳۶	اگر در صلاۃ تسبیح بجای تسبیح الحمد للہ را بگوید چہ حکم دارد؟
۳۴۰	در قرائت بسبب متشابہ شدن بقرائت مکرر سجدہ سہوہ واجب نمیشود	۳۳۶	در صلاۃ التسیح بعد از قرائت برکوع رقت
۳۴۰	در نماز واجب وسنت در قعدہ اولی بعد از تشهد بخواندن درود شریف	۳۳۷	در میان فاتحہ و قرائت یکدام مقدار تاخیر سجد سہوہ لازم میشود؟
۳۴۰	سجدہ سہوہ	۳۳۷	بعد از قعدہ اخیر مغرب امام ایستادہ شد وبعد از آن نشست بناء چہ باید کرد؟
۳۴۱	اگر در تعداد رکعات سہوہ شد پس بگمان غالب عمل نماید	۳۳۷	سجدہ سہوہ بسبب جہر نمودن در آخرین رکعات عشاء
۳۴۱	در نماز دو رکعتی بعد از قرائت تشهد کہ برکعت سوم قیام می ورزد و پس رجوع نمودہ می نشیند فلہذا سجدہ سہوہ ضروری است	۳۳۸	سجدہ سہوہ بسبب جہر نمودن در رکعات آخری ظہر
۳۴۲	اگر مسبوق در رکعت باقیماندہ سہوہ شد پس سجد سہوہ بر او لازم است	۳۳۸	در رکعت دوم عید امام تکبیرات وزوائد را ترک نمود و برکوع رقت و تکیہ از رکوع بالا شد تکبیرات را گفت پس حکم آن چیست؟
۳۴۲	در رکوع بجای تسبیح بسم اللہ خواندن موجب سجد سہوہ است یا نہ؟	۳۳۹	اگر مسبوق در رکعات متبای خویشت کدام واجب را ترک نماید آیا سجدہ سہوہ بر او است یا نہ؟
۳۴۲	بتکرار نمودن سورت فاتحہ سجد سہوہ لازم میشود یا خیر؟	۳۳۹	در قعدہ اخیر ہلو بارہ خواندن درود سجدہ سہوہ نیست
۳۴۳	در آخرین رکعات نمازہای رباعی بضم سورۃ سجدہ سہوہ لازم نمیشود	۳۳۹	برخی از درود و التکرار نمود و بعد از دعا

صفحہ	مضمون	صفحہ	مضمون
۳۴۷	را تکمیل نمود اما مردم برایش کاهش رکعات را وانمود می نمایند پس چه باید بکند؟	۳۴۳	اگر مسبوق در نماز متباقی خویش قعدہ را ترک نماید سجده سہوہ لازم خواهد شد
۳۴۷	اگر بجای در رکعت لجر، چہار و بجای چہار رکعت عصرش رکعت را اداء نماید پس حکم آن چیست؟	۳۴۴	در نماز لجر بعد از رکعت دوم بفراغوشی ایستادہ شد پس فوراً بنشیند
۳۴۸	در سنن بجای التحیات فاتحہ را خواند آیا سجده سہوہ لازم میشود یا نہ؟	۳۴۴	اگر در رکعت اول ضم سورت را فراغوش نماید پس باید چہ کرد؟
۳۴۸	سجده سہوہ بخفیہ خواندن در نماز جہری سلام گردانیدن مسبوق مع الامام وسجده سہوہ	۳۴۴	بعد از یک طرف سلام بمردانیدن سجده سہوہ را اداء کند و تشہد را کامل بخواند
۳۴۸	اگر در میان برخی از آیت ترک شود آیا سجده سہوہ خواهد واجب شد یا نہ؟	۳۴۵	در دو رکعت اول قرائت ضم سورت را فراغوش نمود وسجده سہوہ را اداء کرد نمازش درست شدہ است
۳۴۹	بعد از سجده سہوہ اگر بجای تشہد الحمد را بخواند پس حکم آن چیست؟	۳۴۵	اگر مسبوق مع الامام سلام بگرداند در آن مورد حکم چیست؟
۳۴۹	اگر مقتدی یک رکن را فراغوش نماید او چہ باید بکند؟	۳۴۵	در قعدہ اخیر بعد از ختم نمودن درود و دعا بتاخیر سلام گردانید آیا سجده سہوہ لازم است
۳۴۹	بعد از رکعت چہارم فوراً قیام نمود و رکعت پنجم را نیز اداء کرد سجده سہوہ نمودہ نماز را بانجام رساند در این مورد حکم چیست؟	۳۴۵	لاحق ہمراہ امام مسجد سہوہ نکند
۳۵۰	اگر قرائت مکرر شود حکم آن چیست؟	۳۴۶	اگر بعد از قرائت نمودن برخی از سورت سورت دیگر را شروع نمود آیا نمازش درست شدہ است یا نہ؟
۳۵۰	سجد سہوہ بعد از یک سلام است و یا آنکہ بعد از دو سلام میاشد	۳۴۶	بہ یک آیت بزرگ نماز میشود بعد از نسیان قرائت بہ جقدر وقت خاموش ایستادہ شدن امام سجد سہوہ واجب میگردد؟
۳۵۰	بتکرار آیت سجد سہوہ لازم است	۳۴۶	اگر خودش متیقن باشد کہ من رکعات

صفحہ	مضمون	صفحہ	مضمون
	الحمد را خواند و تکیہ بیادش آمد	۳۵۰	یا نہ؟
	پس التحیات را نیز خواند آیا نماز		یک سجدہ را کرد و ایستادہ شد اکنون
۳۵۵	درست شدہ است یا نہ؟	۳۵۱	چہ باید کرد؟
	امام بفراوشی در قعدۂ اولیٰ ہر دو		اضافہ نمودن در تکبیرات زوائد موجب
	طرف سلام گرانید آیا او متبائی نماز	۳۵۱	سجد سہوہ نیست
۳۵۵	را اداء نمودہ میتواند یا نہ؟		امام قعدۂ اولیٰ را ترک نمود و ایستادۂ
	اگر در قعدۂ اولیٰ بعد از تشہد درود	۳۵۲	شد سپس نشست حکم آن چیست؟
	بخواند یا سلام بگرداند آیا سجد		ہمراہ فاتحہ تنہا در آیت کونانہ را خواند
۳۵۶	سہوہ بر آن لازم است یا نہ؟	۳۵۲	پس حکم آن چیست؟
	اگر سجد سہوہ بر او واجب شود		در والعادیات لفظ فالمغیرات را ترک
	وبعد از ہر دو طرف سلام گردانیدن	۳۵۲	نمود پس حکم آن چیست؟
۳۵۶	بیادش شود پس چہ باید بکند؟		بعد از درود ودعا سجدۂ سہوہ را اداء
	در کم از سہ آیات اگر از وی فراوش	۳۵۲	نماید یا نہ؟
	شد آیا سورت دیگر را یکجا نماید		در نماز جہری سرا قرائت نمود سپس از
۳۵۶	یا نہ؟	۳۵۲	آن بچہر خواند حکم آن چیست؟
	اگر درست فجر بفراوشی بہ رکعت	۳۵۳	در نوافل و سنن سجدۂ سہوہ است یا نہ؟
۳۵۶	سوم ایستادہ شد پس چہ باید کرد؟		برای شافعی در نماز فجر رعایت چگونہ
	تنہا سورت فاتحہ یا تنہا سورت را	۳۵۳	است؟
	قرائت نمود وہ رکوع رفت در این		در نماز چہار رکعتی امام بعد از سہ رکعت
۳۵۷	مورد حکم چیست؟		سلام گردانید و تکیہ از جانب مقتدیان
	اگر سجد سہوہ واجب شد و آن را		فتح را شنید ایستادہ شد بناء حکم آن
۳۵۷	اداء ننمود حکم آن چیست؟	۳۵۴	چیست؟
	برای ادا نمودن چیزی باقی ماندہ از		کسی کہ در رکعت ششم شریک شد
	رکوع بطرف قیام رجوع نمودن	۳۵۴	نمازش درست نیست
۳۵۷	چگونہ است؟	۳۵۵	در جمعہ و عیدین سہوہ اش است یا نہ؟
۳۵۷	در رکعت سوم جلوس نمود لکن فوراً	۳۵۵	در فرض فجر بفراوشی بجای التحیات

صفحہ	مضمون	صفحہ	مضمون
۳۶۲	سہس بیادش امد اکون چہ باید کرد؟	۳۵۷	ایستادہ شد حکم آن چیست؟
۳۶۲	در نماز خوابیدن		بعد از قعدۂ اخیر بفراموشی ایستادہ شد
۳۶۲	الباب الثاني عشر في سجود التلاوة	۳۵۸	پس چہ باید کرد؟
	سجدۂ تلاوت چہ وقت و در کجا واجب		بعد از ثناء خواندن بہ رکوع رفت سہس
۳۶۲	میگردد؟	۳۵۸	بیادش آمد کہ قرائت ترک شد
	اگر بعد از تلاوت نمودن آیت سجدہ	۳۵۸	رکوع را فراموش نمود
	معنی آنرا نیز بگوید در آن صورت	۳۵۸	تنہا سک سجدہ کرد
۳۶۳	چند سجدہ بکند؟		امام بفراموشی بہ رکعت پنجم ایستادہ
	در سجدہ تلاوت گنجایش تأخیر است	۳۵۸	شد آیا مقتدی متابعت او را بکند؟
۳۶۳	یا نہ؟	۳۵۹	فتح دادن
	در رکوع یا سجدہ صلاحتہ نیت	۳۵۹	فتح دادن بعد از قرائت سہ آیات
۳۶۳	نمودن سجدۂ تلاوت میشود یا نہ؟		سائر رکعات را پُر اداء نمود حکم آن
۳۶۴	سجدۂ آخری سورت حج و حکم آن	۳۵۹	چیست؟
	اگر در نماز سجدۂ تلاوت را فراموش	۳۵۹	قرائت در سنن و نوافل
۳۶۵	نماید		در قعدۂ اخیر برایش شک عارض شد
	در نماز آیت سجدۂ تلاوت را قرائت		کہ قعدۂ اولی را اداء ننمودہ ام پس چہ
۳۶۵	نمود پس چہ باید کرد؟	۳۶۰	باید کرد؟
۳۶۵	تأخیر سجدۂ تلاوت	۳۶۰	سجد سہوہ را بعد از سلام اداء نماید
	بعد از نماز فجر و قبل از طلع آفتاب	۳۶۱	حکم ترک تشهد اول؟
	و بوقت زوال و همچنان بعد از نماز	۳۶۱	حکم خواندن مقدم و مؤخر سورت
۳۶۶	عصر سجدہ تلاوت جائز است یا نہ؟	۳۶۱	اگر شک باشد چہ باید کرد؟
	آیت سجدہ را از تہب (ضبط صوت)	۳۶۱	سجد سہوہ بلا ضرورت
	یا پرنده شنیدن موجب سجدہ تلاوت	۳۶۱	خلاف ترتیب سور قرائت نمودن
۳۶۶	نیست	۳۶۱	در نماز حکم قرائت بلا ترتیل
	اگر بغیر از نیت تلاوت آیت سجدہ را	۳۶۲	امام را بسبحان اللہ گفتن تنبیہ دادن
۳۶۶	قرائت نمود نیز سجدۂ تلاوت واجب	۳۶۲	قعدۂ اخیر را فراموش نمودہ ایستاد شد

صفحہ	مضمون	صفحہ	مضمون
	سجدہ تلاوت فرض است یا واجب	۳۶۶	نمیگردد
۳۷۰	و طریقہ اداء نمودن آن چگونه است؟		در دل بتلاوت سجدہ سجدہ تلاوت
۳۷۱	الباب الثالث عشر فی صلاة المريض	۳۶۶	واجب نمیگردد
۳۷۱	رعایتها برای مریض در ارکان نماز		اگر در مجمع عام از واعظ آیت سجدہ
	بدنبال نماز گذارنشسته اقتداء شخص		شنیده شود پس سائر حاضرین علیحدہ
۳۷۱	قیام کنندہ درست است	۳۶۷	سجدہ بکنند
	تنہا در یک چادر خود را پیچاندن		بعد از تلاوت نمودن آیت سجدہ سجدہ
۳۷۲	نماز درست است		را اداء کرد کہ قبلا بہادش بود پس
۳۷۲	بناہر مجہوریت نماز در لباس نجس	۳۶۷	اکنون چہ باید کرد
	در حالت مریضی شدید ترک نمودن		اگر تمام سجدہ ہای تلاوت قرآن مجید
۳۷۲	روزہ و نماز و کفارہ آن		را در آخر تلاوت یکجا اداء نماید حکم
	بیماران قرح چشم چگونه نماز را	۳۶۷	آن چیست
۳۷۳	اداء نماید	۳۶۸	سجدہ تلاوت واجب است
	بوجہ ضعف نشسته نماز خواندن درست		اگر نشسته آیت سجدہ را تلاوت نماید
۳۷۵	است		بناء آہ سجدہ را نشسته اداء نمودہ
	و فتیکہ قدرت وضوء و تیمم را نداشتہ	۳۶۸	میتواند یا نہ؟
۳۷۵	باشد آیا نماز بر او فرض است یا نہ؟	۳۶۸	بعد از فجر و عصر سجدہ نمودن
	بعضی اوقات معان میباشد و بعضی	۳۶۸	بلا وضوء سجدہ تلاوت درست نیست
	اوقات موجود نمیباشد پس چہ باید		سجدہ تلاوت واجب میشود بہ تکرار
۳۷۵	کرد؟	۳۶۹	نمودن قرائت آیت سجدہ
	و فتیکہ برای مریض قدرت توجہ		اگر برخصی از آیات سجدہ را بخواند و برخصی
۳۷۵	بجہت قبلہ نباشد پس چہ باید کرد؟	۳۶۹	را نخواند حکم آن چیست؟
	در آخری وقت نمازہای بسیاری		ان عدہ سجدہ ہای تلاوت را کہ اداء
	اوقات را اداء نمود پس چہ باید کردہ		نمودہ است اکنون طریقہ اداء نمودن
۳۷۵	شود؟	۳۶۹	آنها چگونه است؟
۳۷۶	کسیکہ قدرت ندارد آیا اولدبہ نماز را	۳۶۹	اطلاع سجدہ تلاوت

صفحہ	مضمون	صفحہ	مضمون
	داده میتواند یانہ؟	۳۷۶	منطقہ امبرسر را ترک گفت و لاہور
	خارج کشتی پایان شدہ و نماز را اداء نمودم آیا این نماز شد یانہ؟	۳۷۷	را وطن اقامت گرفت اکنون او در
۳۸۲	بعد از بیهوشی اگر بھوش آمد پس در		امبرسر نماز را چگونه اداء کند
۳۸۲	مورد نمازهایش چه حکم است؟		مسافت قصر ۴۸ میل است
۰	آیا کفارہ سائر نمازهای یک سال بیک نسخه قرآن ممکن است؟	۳۷۷	در وقت اطمینان مسافر منت را اداء
۳۸۲	اگر قدرت جلوس را ندارد پس چگونه نماز را اداء نماید		نماید
۳۸۳	بوجه مریضی جبیرہ شراب را بستہ نمود پس نماز را چگونه اداء نماید	۳۷۸	مسافر در چقدر مسافت قصر نماید
	خانم در وقت ولادت نماز را چگونه اداء نماید	۳۷۸	هر مسافر حنفی اگر بجای قصر نماز را
	اگر در داخل نماز از مریض ریح، ریح خارج شود حکم آن چیست؟		کامل اداء می نماید حکم آن چیست
	آیا در آن کشتی نماز جائز است کہ در کنار ساحل بستہ شدہ باشد یا نہ؟	۳۷۹	اگر اولاً در جای نیت اقامت پانزدہ روز نمود بناء در آن مدت نماز را
	الباب الرابع عشر فی صلاة المسافرين		کامل اداء نماید
	مسافر چگونه نماز را اداء نماید و متبانی مسائل این باب	۳۷۹	احکام مامور هوا پیما
	اگر بلا اختیار اتفاقاً پانزدہ یوم مکث نماید پس چه باید کرد	۳۸۰	آن عدلی مردمیکہ ہمیشہ دربندر گاہ
	بکدام راہ کہ سفر شدہ باشد همان قابل اعتبار است		بسر میرند
	جائیکہ پدر مقیم باشد در آنجاہ پدر بغیر از نیت پانزدہ روز قصر نباید کرد	۳۸۰	کسیکہ ہموار در سفر باشد
		۳۸۰	جائیکہ نیت اقامت پانزدہ روز نباشد
		۳۸۱	در آنجاہ قصر باید کرد
		۳۸۱	آنکسیکہ دو مکان سکونت دارد او
		۳۸۱	نماز را چگونه اداء نماید
		۳۸۱	جائیکہ مسلسل نیت اقامت پانزدہ روز نباشد قصر باید کرد
		۳۸۱	حکم صاحب دو خانہ
		۳۸۱	اگر معلوم نباشد کہ چقدر وقت اقامت نمود پس چه باید کرد
		۳۸۱	اگر مسافر چہار رکعت ظهر را تمام

صفحہ	مضمون	صفحہ	مضمون
	شخصیکہ خودش دریک شہرتجارت می نماید واطفالش در شہر دیگر باشد پس درآنجا او نماز را چگونه اداء کند؟	۳۸۷	اداء نمود پس اعاده واجب است
۳۹۲	بسته کننده گان سفینہ کہ در بحر سکونت دارند آیا آنها نماز را قصر کنند یا اتمام؟	۳۸۸	امام مسافر اگر قصداً چہار رکعت اداء نمود پس نماز مقتدی نشد
۳۹۳	مسافری کہ بعد از رسیدن بوطن بنا بر نادانی نماز را قصر می نماید برای او و برای اقتداء کننده اش اعاده ضروری است	۳۸۸	بہر راہ کہ سفر میکند همان قابل اعتبار است
۳۹۴	مقتدی مقیم بعقب امام مسافر چگونه نماز را کامل نماید؟	۳۸۹	مسافت را کم پنداشتن نماز را اتمام می نمود وفتیکہ بتحقیق برایش روشن شد کہ مسافت قصر بود پس باید قصر کرد
۳۹۴	جائیکہ عقد نکاح نمود آیا او در حکم وطن است یا نہ؟	۳۸۹	نمازهای قضاء شدہ حالت سفر در صورت قصر میاشد
۳۹۴	دختر اگر بعد از عروسی بخانہ والدین برود و نیت کم از پانزدہ روز را بکند آیا نماز را قصر نماید یا اتمام؟	۳۹۰	معلوم نیست کہ چند روز اقامت خواهد باشد پس چہ باید کرد
۳۹۵	بخانہ خسر رفت و نماز را اتمام نمود حکم آن چیست؟	۳۹۰	نوازل و سنن و امسافر ترک نمودہ میتواند یا نہ؟
۳۹۵	در حالت سفر از کدام وقت قصر واجب است و آیا نماز را اتمام نمودہ نمیتواند؟	۳۹۰	شخصی کہ ہموار در گشت و دوران باشد او نماز را چگونه اداء نماید؟
	فتیکہ امام مسافر از قعدہ اولی بر خاست و رکعت سوم را ضم کند آیا نماز مقتدی فاسد خواهد شد یا نہ؟	۳۹۱	بلا نیت سفر قصر نیست
۳۹۵	مسافر بعقب امام مقیم اقتداء می نماید پس او نیت چہار رکعت را بکند یا ازدو؟ عملہ و رواندہ قصر کن یا اتمام؟	۳۹۱	شخصی کہ بخاطر تجارت میرود و هیچ جای زیاد از یک شب اقامت نمی ورزد بناءً او نماز را چگونه اداء کند؟
۳۹۶	مسافر بعقب امام مقیم نیت چہار رکعت	۳۹۱	فتیکہ مسافر بہ امام مقیم دو رکعت سوم اقتداء کند پس او نماز را چگونه اتمام نماید؟
		۳۹۱	فتیکہ مسافر بعقب امام مقیم اقتداء می نماید پس او نیت چہار رکعت را بکند یا ازدو؟ عملہ و رواندہ قصر کن یا اتمام؟
		۳۹۲	

صفحہ	مضمون	صفحہ	مضمون
	اگر در یک شهر وطن اصلی اقامت نمود پس درکشتی یا سفینہ ملازم شد پس چہ باید کرد؟	۴۹۶	را باید کرد
۴۰۲	جائیکہ سفینہ دو، سہ ماہ باقی بماند آیا در آنجا بہ نیت اقامت مقیم خواہد شد یا نہ؟	۴۹۶	عساکر قصر کنند یا اتمام؟
۴۰۲	ملازمان کشتیہا مقیم نمیباشند	۴۹۷	دروطن اقامت اگر نیت پانزدہ روز باشد پس نماز را اتمام کند ورنہ قصر نماید
۴۰۳	سفر شرعی چند منزل میباشد؟	۴۹۷	اگر مسافر سہوا نیت چہار رکعت را نمود پس چند رکعت را اداء نماید؟
	بعد از عودت نمودن از سفر اگر در بازار جدار از خانہ قیام نماید آیا او مسافر میباشد یا نہ؟	۴۹۷	مسافر امام را مقیم پنداشتہ بعقبش اقتداء نمود پس چہ باید کرد؟
۴۰۳	مسافر در مکان پسر و پسر در خانہ پدر مسافر است یا مقیم؟	۴۹۸	شخصی کہ از منطقہ کالکا بمنطقہ شملہ میرود او قصر کند یا اتمام؟
۴۰۴	جائیکہ جایداد باشد در آنجا قصر کند یا اتمام؟	۴۹۸	اگر سفر سہ منزل باشد قصر باید کرد و قتیکہ شب او در اقامتگاہش بگذارد او از طرف روز چکومیزند حکم آن چگونه است؟
۴۰۴	در سفر شرعی بترک نمودن قصر گتہکار خواہد شد یا نہ؟	۴۹۹	برای ملازم سفینہ معلوم نیست کہ در کجا و چند روز باقی ماند بناء قصر باید نمود
۴۰۵	شخصی در خانہٴ عسر مقیم محسوب میباشد یا مسافر؟	۴۹۹	رفت براهی کہ موجب قصر است و باز گشت نمود براهی کہ موجب قصر نیست پس او در حین بازگشت قصر بکند یا نہ؟
۴۰۶	نخستین وطن اصلی در حکم وطن است یا نہ؟	۵۰۰	بعد از طی نمودن دہ میل راہ نیت سفر را لمسخ نمود پس اکنون چہ باید کرد؟
۴۰۷	بمجرد خروج از منطقہ خویش قصر را شروع کند خواہ از آنجا منطقہ اش آشکار نیز شود	۵۰۰	مسافری کہ معتقد قصر نیست حکم او چیست؟
۴۰۷	بقصد سفر شرعی اگر کسی بیرون شود پس بمجرد خروج قصر را شروع نماید	۵۰۱	در سفر منزل قابل اعتبار است یا فرسخ؟
۴۰۷		۵۰۱	خانہٴ عسر وطن اصلی نیست

صفحہ	مضمون	صفحہ	مضمون
۴۱۳	مقتدی مسافر بعقب امام مقیم نیت چند رکعت را بکند	۴۰۸	قبلا نیت اقامت را نموده بود سپس نیت بدل شد او قصر باید کرد
۴۱۳	یک شهر را ترک گفت و بشهر دیگر اکنون اگر بشهر سابق آید در آن مورد حکم چیست؟	۴۰۸	بقصد سفر اگر در ماحول قریہ های مختلف آنقدر گشت و چکر بزند کہ مسافت مجموعہ آن بمسافت شرعی میرسد پس حکم آن چیست؟
۴۱۴	در چقدر سفر قصر باید کردہ شود؟	۴۰۹	در سفر شرعی قصر باید کرد اگر چہ بفاصلہ اندک اندک اقامت چرا نباشد
۴۱۴	شخصی کہ قصر نمی کند آیا گنہگار خواهد شد یا نہ؟	۴۰۹	اگر در جنگل تصمیم اقامت یک ماہ را داشتہ باشد باز ہم قصر باید کرد
۴۱۴	در حالت قصر سنت و وتر است یا نہ؟	۴۰۹	وتر در سفر معاف نیست و اداء نمودن سنت نیز ثابت است
۴۱۵	در حالت سفر نماز عصر و ظهر را در یک وقت اداء نمودن جواز دارد یا نہ؟	۴۱۰	کسی کہ ہموار در سفر باشد او قصر باید کرد
۴۱۵	بطور گردش سفر کنندہ را قصر جائز است یا نہ؟	۴۱۰	ساکنین کشتی نماز را قصر کنند
۴۱۵	امام قصر کنندہ نماز را اتمام نمود آیا نماز مقتدی و امام درست شدہ است یا نہ؟	۴۱۰	رائندہ ریل کہ او با انجن (موتور) در دویدن باشد و قیامش در یکجا بیشتر از چند ساعت نباشد او چہ باید کرد؟
۴۱۵	بسیار ریل اتمام نماز چگونہ است؟	۴۱۱	أجیر ماتحت مالک خود است اگر او قصر میکرد أجیر نیز قصر کند
۴۱۶	اگر فاصلہ شصت میل دور باشد آیا قصر کند یا خیر؟	۴۱۱	اگر در چند قریہ بہ چکر رفتن مسافت کامل شود پس حکم آن چیست؟
۴۱۶	و قتیکہ بعد از اقامت ہانزدہ یوم واپس میرود پس سفرش از آنجا شمار میشود یا از شہر سابق؟	۴۱۲	قصر نمودن غیر مقلدین در مسافت سہ میل و تاویل حدیث مستدل ایشان
۴۱۶	مقیم بعقب مسافر نیت چہار رکعت را باید کرد	۴۱۲	اگر أجیر بوطن خود رسید پس او در حکم مقیم میباشد اگر چہ مال ہمراہش نباشد
۴۱۶	جائیکہ نکاح کردہ باشد آیا آن جای		

صفحہ	مضمون	صفحہ	مضمون
۴۲۱	رکعت متبائی فاتحہ را بخواند یا نہ؟	۴۱۶	مطلقاً در حکم وطن اصلی است
۴۲۱	در جای خسر قصر کند یا اتمام؟		وطن اصلی زن خانه خسر است یا خانہ
	امام مسافر نماز را اتمام نمود آیا نماز		والدین و اگر کسی بفاصله ۵ یا دوازده
۴۲۲	مقتدی درست شدہ است یا نہ؟		میل از وطن اقامت سفر می نماید آیا
	مقیم بعد از یک رکعت امام مسافر	۴۱۶	مسافر خواهد باشد یا نہ؟
	اقتداء نمود پس چگونه نماز خود را		مامور دولت در گردش فاصلہ ۴۸ یا میل
۴۲۲	به انجام برساند؟	۴۱۷	۶۰ باشد او قصر نماز کند یا اتمام؟
۴۲۲	مسافر امام جمعه شدہ میتواند؟		ازالہ آبادیہ نیت دو چہار ماہ بصوبہ بمبئی
۴۲۳	دلیل قصر در ہر حال	۴۱۸	روان شد آیا در مسیر راہ قصر کند یا نہ؟
۴۲۳	در ریل بچققلر مسافت قصر نماید؟	۴۱۸	یک چند سوالات در مورد قصر
	آن حضرت ﷺ در سفر چند رکعت		چقدر فاصلہ رفتن از خانہ قصر را شروع
۴۲۳	را اداء نمودہ است؟	۴۱۹	نماید؟
۴۲۴	در حالت سفر وتر و سنت		ملازمی کہ در ریل ہموار در سفر باشد
۴۲۴	برای قصر تعمیر ساختن معتبر نیست	۴۱۹	او چہ باید بکند؟
	مسافری کہ نیت پانزدہ روز را نمودہ		با وجود حکم قصر اتمام شود آیا جواز
۴۲۵	است	۴۱۹	دارد یا نہ؟
	بمسفر بدان نیت رفتن کہ خدا میداند		در وقت سفر حکم وتر و سنتن مؤکدہ
	کہ چہ وقت عودت باشد پس چہ	۴۱۹	چیست؟
۴۲۵	باید کرد؟		فرض مغرب قصر دارد یا نہ؟ اگر دارد
	خانہ خسر بفاصلہ ۵ میل قرار دارد	۴۱۹	پس چگونه خواهد باشد؟
۴۲۶	آیا در آنجا قصر کند یا نہ؟		اگر برای عساکر میدان نبرد علم نباشد
۴۲۶	سفر بلا قصر	۴۲۰	آنان چہ باید بکنند؟
	آیا برای قصر بیرون شدن از شہر		اگر در یک ماحول ہموار گردش می
۴۲۶	ضروری است؟		نماید لکن آن اماکن بہ اندازہ مسافت
	اگر مسافر بفراوشی نماز را اتمام	۴۲۱	۵ یوم نباشد پس چہ باید کرد؟
۴۲۷	نماید حکم آن چیست؟	۴۲۱	مقتدی مقیم بعد از اسلام امام مسافر در دو

صفحہ	مضمون	صفحہ	مضمون
۴۲۸	شخصی کہ از منطقہ میرتہ بدہلی میرود قصر کند یا نہ؟	۴۲۷	اگر در راہ باشد واو براہ قصر رفت در این مورد حکم چیست؟

ختم شد فہرست



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فتاویٰ دار العلوم دیوبند (مکمل و مدلل) جلد چهارم

نحمده ونصلی علی رسولہ الکریم، اما بعد:

احسان و کرم الله پاک است بر بنده عاجز و لافروتن که ایشان مرا شوق و ذوق خدمت دین قیم و علوم دینی نصب نموده است و در حین تقدیم نمودن جلد چهارم آن فتاویٰ قلبم مملوء از سپاس و اطمینان و خرسود میباشد.

و از صمیم قلب دعا می نمایم که این خدمت ناچیز را شرافت قبول حاصل نماید و برای بنده سبب عروج مدارج بلندی ساخته شد.

بخاطر ترتیب و تدوین فقه جدید و برای حل نمودن مسائل مجدد احساس نیازمندی آغاز و عام میشود و علماء کرام در آن مورد سعی و کوششهای ابتدائی را نیز راه پیمای نموده اند و در آن سلسله از همه اولتر در هندوستان نهاد (تحقیقات شرعی) گذاشته شد که فرائض صدارت آنرا رکن ممتاز مجلس شوری مایان حضرت مولانا سید شاه منت الله رحمانی دامت برکاتهم امیر شریعت بهار او اویسه ادا نموده کسیکه با معیت بودن یک عالم با عمل دور اندیش و دور بین و از مقتضیات موجوده بطور کامل مطلع میباشد، پس در پاکستان قیام یک مجلس بعمل درآمد و بالاخره تحت نگرانی حکومت مصر اجلاس (مجمع البحوث الاسلامیه) در قاهره خواسته شد که در آن اجلاس علماء کرام چهل دو (۴۲) ممالک شرکت ورزیده بودند و در آن اجلاس از جانب هندوستان سر براه دار العلوم دیوبند حکیم الاسلام حضرت مولانا محمد طیب صاحب مولانا سید شاه منت الله رحمانی و مولانا سید احمد اکبر آبادی دامت برکاتهم شریک شدند و در پرتوی کتاب و سنت و تاریخ ایشان نظریات خویش را ارائه نمودند خلاصه آنکه بزرگان دارالعلوم دیوبند جایزه حالات موجوده را اخذ نمودند و کدام چیزی را که با اعتدال کرده میتوانست آنرا میکرد و درآینده نیز خواهد کرد و این حقیقت واضح است که الله پاک بدار العلوم دیوبند بصیرت دینی و فقهی و مزاج معتدل بخشیده است که با نظر داشتن بطور صحیح برای انجام نمودن این کار اولویت برایش حاصل است، و در آن هیچ شک نبوده که دار العلوم از صدها سال با خدمت های گوناگون آن خدمت عظیم الشان را نیز در مرتبه اداء می نماید و برنامه جدید فتاوهای مایان که از خود دار العلوم دیوبند شائع میشود از مطالعه آن برای شما هویدا خواهد شد که دار الافتاء دار العلوم دیوبند با مسائل قدیم فریضه حل مسائل جدید را نیز بطریقه احسن اداء می نمایند

و در آینده إن شاء الله بر آن موضوع کوشش روشنی و توضیح انداخته خواهد شد و در آخر استدعاء دارم که ای خداوند بی نیاز خدمت بنده حقیر خود را قبول فرما و آن خدمت او را برایش تحفه آخرت بگردان.

رَبَّنَا قَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

طلبگار دعا

محمد ظفیر الدین غفر له

شعبه ترتیب فتاویٰ دار العلوم دیوبند ۲ ربیع الثانی ۱۳۸۴ هـ ق

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيد المرسلين وعلى آله وصحبه أجمعين.

الباب السابع فيما يفسد الصلاة وما يكره فيها

فصل اول

مفسدات الصلاة (يعني چیزهاي شکندۀ نماز)

اگر امام بگفتار شخص بیرون از نماز عمل نماید نماز فاسد میشود یا خیر؟ سوال:

(۱۳۰۶) در وقت عصر شخصی امی امامت میداد و امام جهرا قرائت خواند و شخصی خارج از نماز به آواز بلند گفت که آهسته و خفیه بخوان و حالانکه در وقت نماز عصر قرائت به آواز بلند خوانده نمیشود و هر گاه آنرا شنید امام فوراً در خواندن قرائت خفیه آغاز نمود و نماز را به انجام رسانید نماز درست شده یا نه؟

جواب: برای شخص خارج از نماز فتح دادن درست نیست اما اگر امام بعد از فتح دادن آن شخص با اندک توقف بطور خفیه قرائت خواندن را شروع نموده باشد نماز صحیح است. و اگر بالفور با دادن فتح آن شخص خواندن قرائت خفیه را شروع کرده باشد نماز صحیح نخواهد بود و اعاده نمودن آن لازم و واجب است در در المختار ذکر است: حتی لو امتثل امر غیره فقال له تقدم فتقدم او دخل فرجة الصف احد فوسع فسدت بل يمكث ساعة ثم يتقدم برأيه^(۱) الخ. فقط

اگر زانو آشکار شود نماز میشود یا نه؟ سوال: (۱۳۰۷) زانو در آن حصه بدن شامل است که پنهان نمودن آن واجب میباشد یا خیر؟ و آیا در آن لباس یا در حالیکه زانو آشکار میباشد نماز میشود یا خیر؟

جواب: صحیح آنست که ركبها (زانو) در عورت داخل و شامل است که ستر نمودن آن ضروري میباشد در شامی مذکور است: فالركبة من العورة لرواية الدار قطني: ما تحت السرة إلى الركبة من العورة الخ ولحديث علي عليه السلام قال قال رسول الله ﷺ الركبة من العورة.^(۲) لكن اختلاف در آن است که زانو در آن هردو باهم یک عضو اند و یا هردو جدا جدا دو عضو مستقل میباشد اما بنا

(۱). البراء المختار علی هامش رد المختار باب ما یفسد الصلوة و ما یکره فیها ج ۱ ص ۵۸۱، ط. س. ج ۱ ص ۶۲۲، طبر

(۲). رد المختار، باب شروط الصلوة، مطلب ستر العورة ج ۱ ص ۳۷۵، ط. س. ج ۱ ص ۴۰۴، طبر

بر روایت اول تنها با آشکار شدن زانو در نماز نمیشکند زیرا که زانو تنها حصہ چہارم ران نیست و مفسد نماز کشف ربع^(۱) میباشد. و اما موافق روایت دوم با آشکار شدن حصہ چہارم زانو نیز نماز میشکند، بناء با نمایان شدن زانو بدرجہ اولی مفسد است. در شروع منیہ از خلاصہ نقل نموده است کہ راجع و مختار روایت اول است یعنی عدم فساد^(۲) نماز اما سخن ظاهر آنست کہ احتیاط شود تا کہ زانو در نماز و غیرہ مکشوف نگردد و چونکہ راجع آنست کہ زانو عورت است بناء آشکار نمودن زانو در هیچ حالت درست نیست و کدام اختلاف کہ بروز کرده است در مورد فساد و عدم فساد نماز است فقط. اگر در نماز عورت آشکار شد فوراً آنرا پنهان نماید کہ تأخیر در آن نباشد نماز فاسد نمیشود: ولو انکشف عضو وهو عورة في الصلوة فستر من غير لبس لا يضر هذا لان الانكشاف الكثير في الزمان القليل عفو كالانكشاف القليل في الزمان الكثير (غنیۃ المستملی ص ۲۱۳. ظفری)

با قہقہہ در نماز وضوء و نماز هر دو فاسد میشود یا تنها؟ سوال: (۱۳۰۸) در نماز قہقہہ

نمودن (باواز بلند خندیدن) وضوء و نماز هر دو را فاسد میکند یا تنها نماز را فاسد می نماید؟
جواب: در نماز با قہقہہ کردن وضوء و نماز هر دو فاسد میشود کما فی الدر المختار: وقہقہہ بالغ یقظان یصلی بطہارۃ صغری مستقلة صلوة کاملۃ ولو عند السلام عمداً انتہی ملخصاً^(۳) فقط.
اگر در حالت سجده باها بلند شود نماز میشود یا خیر؟ سوال: (۱۳۰۹) در بعض کتابہای
زبان اردو نوشته شدہ کہ اگر در سجده هر دو باها بلند شود نماز نمیشود و کم از کم باید یک انگشت پای بر زمین نہادہ باشد این سخن چطور است؟

جواب: مسئلہ بلند شدن قدمہا در در المختار و شامی نیز موجود است و مطلب آن این است کہ اگر در سجده تا بہ انجام آن ہردو قدمہا بالکل بلند باشند سجده درست و جائز نیست و اما وقیقہہ سجده نشد بناء نماز بطریق اولی صحیح نشدہ زیرا در وقت سجده اقلاً باید یک انگشت

(۱) و یمنع الخ کشف ربع عضو قدر اداء وکن بلا صدم من عورة غلیظہ او خفیۃ علی المعتمد (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب شروط الصلوة مطلب ستر العورة ج ۱ ص ۳۷۹ ، ط. س. ج ۱ ص ۴۰۸). ظفری

(۲) و کذا اختلفوا ایضاً فی الركعة مع المحذور هل کل منها عضو علی حدة او هما عضو واحد فقال بعضهم کلها عضو علی حدة و علی هذا لو انکشف القدر السامع کالربع من الركعة و سجد لا تجوز الصلوة الخ و قال بعضهم الركعة مع الفخذ کلاهما عضو واحد و فی الخلاصہ هو المحتار و فی شرح الہدایہ لابن الہمام و الاصح ان الركعة تبع للفخذ لانها مفتی المظنن لا عضو مستقل. انتہی (غنیۃ المستملی ص ۲۱۰)

ر ص ۲۱۱. ظفری

(۳) الدر المختار علی هامش رد المحتار کتاب الطہارۃ نواقض الوضوء ج ۱ ص ۱۳۴. ظفری

پای بر زمین نهدا باشد و چنین نبوده که اگر پاها از زمین بلند شد و باز آنرا گذاشت نیز نماز درست نباشد بلکه مقصود آنست که اگر بالکل وقطعا از زمین تابه آخر بلند بود باز نماز نمیشود فقط^(۱).

لباس سرقت شده را اگر بقیمت اخذ نموده باشد در آن لباس نماز درست است یا خیر؟

سوال: (۱۳۱۰) اگر لباس سرقت شده را خریده و در آن نماز اداء نمودن چطور است؟

جواب: نمازش صحیح است اما با معلوم بودن آنکه این لباس سرقت شده است خریدنش بکار نیست.^(۲)

در نماز با تکلم نمودن نماز میشکند یا نه؟ سوال: (۱۳۱۱) بعد از تکبیر تحریمه در پاسخ یک مقتدی اگر امام چنین بگوید که ساعت از صبح خاموش است و چیزی نمیگوید و شاید اکنون نیز خاموش باشد و با چنین گفتار کدام نقصان وارد نمیشود؟ و اگر سپس با گفتن تکبیر تحریمه نماز را آغاز نماید؟

جواب: با گفتن چنین سخن نماز میشکند^(۳) و نماز را دوباره شروع کردن لازم است و همچنان تکبیر تحریمه را معاد نمودن بکار است فقط.

اگر مقتدی قبل از امام رکوع نماید و در سجده شریک شود چه حکم دارد؟ سوال:

(۱۳۱۲) یک مقتدی نابینا (کور) است و تکیه امام در قیام بود و رکوع می نمود و هرگاه امام از رکوع فارغ شد و بطرف سجده روان شد و مقتدی بعد از ادا نمودن قومه در سجده شریک گردید نماز این مقتدی درست شده یا نه؟

جواب: در شامی در باب ما یفسد الصلاة چنین مذکور است: ولو رکع وسجد بعده صح و کذا لو قبله و ادركه الامام فيها لکنه یکره الخ^(۴) از آن جزئیة معلوم شد که در صورت مسئلة نمازش

(۱) ومنها السجود بجهته وقدمه ووضوح اصبع واحدة منها شرط (در مختار) وافاد انه لو لم يضع شيتا من القدمين لم يصح السجود (ردالمحتار باب صفة الصلاة بحث الركوع والسجود) ویکفیه وضع اصبع واحدة فلولم يضع الاصابع اصلا ووضوح ظهر القدم لانه لا يجوز (البحر الرائق باب صفة الصلاة ج ۱ ص ۳۳۹). ظفر

(۲) وما نقل عن بعض الحنفية من ان الحرام لا يعتدی لزمین سالت عنه الشهاب بن الشلی لقال هو محمول علی ما اذا لم یعلم بذلك او لو رأى المكاس مثلا باخذ من احد شیتا من المكس لم یعطه اخر لم باخذ من ذلك الاخر فهو حرام (ردالمحتار باب البیع الفاسد مطلب الحرمة تعدد ج ۴ ص ۱۸۰، ط. س. ج ۵ ص ۹۸). ظفر

(۳) یفسدوا الکلم هو النطق بحرلین او حرف ولو ففهم (الدو المختار علی هامش ردالمحتار باب ما یفسد الصلاة ج ۱ ص ۵۷۴، ط. س. ح ۱)

فاسد نخواهد شد و عمداً همچو عمل نمودن مکروه است اما نابینا معذور است بناءً از معصیت دور و بری است. فقط

الضَّالِّینَ رَا بِا دَوَالِینَ خواندن نماز درست میشود یا نه؟ سوال: (۱۳۱۳) الضَّالِّینَ رَا بِا
دوالین قرائت نمودن نماز میشود یا نه؟

جواب: قراء عربها و علماء نیز ضالِّین را در همچو صورت چنین اداء میکنند که آواز مخفم دال بر آید و بخاطر آن چنین گفتن مشکل است که نماز سائر آنها نمیشود حالانکه آنها با آوازه‌ای حروف و مخارج خوبتر لهمیده اند. فقط

با تکبیر گفتن غیر مقلد نماز فاسد نمیشود؟ سوال: (۱۳۱۴) اگر در نماز جماعت احناف
غیر مقلد تکبیر بگفت آیا در نماز فساد واقع میشود یا نه؟

جواب: هیچ فساد واقع نمیشود فقط.

با هر آیت وقف جائز است یا نه و آیا بر آن نماز فاسد نمیشود؟ سوال: (۱۳۱۵) بر هر آیت
وقف نمودن خواه این آیت بماقبل یا بمابعد تعلق دارد یا ندارد جائز است یا نه؟ و همچنان رَبَّ
الْعَالَمِینَ، الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ، را با وصل قرائت نمودن در نماز، نماز فاسد میشود یا نه؟
جواب: در جواز آن هیچ شبه نیست و اما وقف نمودن بر رَبَّ الْعَالَمِینَ، الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ، درست
است و بر آن نماز فاسد نمیشود فقط.

اگر در نماز سخنهای فراموش و گذشته بیادش آید نمازش میشود یا خیر؟ سوال:
(۱۳۱۶) کدام مردم که ظاهراً مصروف نماز باشند و خیالات پراکنده آنها ایشان را به بازآرها
و محاکم ببرد و سائر سخنهای گذشته و فراموش شده برایش در نماز بیاد آید این نماز باطل است
یا نه؟

جواب: نمازش فاسد و باطل نیست ^(۱) فقط. (عن عثمان بن ابی العاص قال قلت یارسول الله ان
الشیطان قد حال بینی و بین صلوٰتی و بین قراءتی یلبسها علی فقال رسول الله ذالک شیطان یقال
له خنزب فاذا حسسته فتعوذ بالله منه و اتقل علی یسارک ثلثا ففعلت ذالک فاذهب الله عنی. رواه

(۴). ردالمحتار باب ما یفسد الصلاة وما یکره لہا ج ۱ ص ۵۸۹، ط. س. ج ۱ ص ۶۳۰، ظہیر

(۱) عن ابی ہریرۃ ؓ قال قال رسول اللہ ﷺ ان الله تجاوز عن أمتی ما وسوست به صدورہا ما لم تعمل به او تنکلم بفق علیہ. (مشکوٰۃ باب
الوسوسه ص ۱۸). ظہیر

مسلم (مشکوٰۃ باب الوسوسة ص ۱۹، ظفیر).

اگر در وقت فجر بوزار داغ های را مشاهده نماید آیا نماز فجر را اعاده کند یا نه؟

سوال: (۱۳۱۷) دربهشتی زیور نوشته است که کدام شخص بعد از ادا نمودن نماز عشاء خوابید و بعد از طلوع آفتاب که بیدار شود و بر ازار خود داغ های منی را ببیند برای آن شخص اعاده نمودن نماز عشاء واجب است آیا این حکم صحیح است یا خیر؟

جواب: شخصی که بعد از نماز عشاء خواب شد و کدام وقت که صبح بیدار شد و بر لباس داغ های منی را مشاهده نمود بناءً حکم اعاده نمودن نماز عشاء برایش نیست و در کتاب مذکور همچو مسأله ذکر نخواهد شد و شاید که غلط فهمی شده باشد فلذا ثانیاً آن کتاب بدقت و غور مطالعه شود فقط.

اگر امام در حالت نماز بگفتار مقتدی پیش قدم بردارد نماز میشود یا نه؟ سوال:

(۱۳۱۸) زید نماز جماعت فجر را میداد و تنها یک مقتدی دیگر همایش بود که مطابق قواعد شرعی شخص زید بالکل عنقریب طرف راست ایستاده و قبل از اختتام قرائت رکعت ثانی یک مقتدی دیگر آمد و میخواست که در جماعت شامل شود و در آن اثنا برای مقتدی اول موقع بعقب آمدن حاصل نبود بناءً مقتدی ثانی در الفاظ خود برای زید گفت که شما یک قدم پیش شوید و بعد از آن زید یک قدم پیش رفت و قرائت را همانطور جاری تلاوت نمود و نماز را به انجام رسانید زید میگوید که نماز همه فاسد شده است بخاطر برای مقتدی بعضی گفتن بدست اشاره نمودن بکار بود بناءً ضرورت اعاده نماز است یا خیر؟

جواب: در آن صورت بعضی فقهاء قول نموده اند برفساد نماز اما صحیح آنست که نماز درست و صحیح است واقعا برای همچو مقتدی بکار است که با اشاره امام را بگوید که یک قدم پیش رود لکن به هر حال نماز درست شده و برای اعاده نمودن آن نیازی نیست ^(۱) فقط.

اگر در جریان نماز هر دو دست ها در داخل لباسی ها باشد آیا نماز میشود یا خیر؟ سوال:

(۱) لم نقل لصحیح عدم الفساد فی مسئله من جذب من الصف فانخر (در المختار) و عارة المصنف فی المنح بعد ان ذکر لو جذبہ آخر فانخر الاصح لا تصد صلاۃ ولی القہ قبل لصل منعد تقدم تقدم بامرہ اودخل رجل فرجة الصف بتقدم المصلی حتی وسع المکان علیہ لصدت صلاۃ و بیہی ان ہمکت ساعة ثم بتقدم برای نفسہ و علیہ فی شرح القدوری ہاتھ امتثال لیر امر اللہ تعالی اقول ماتقدم من تصحیح صلاۃ من تاخر بمایفید لصحیح عدم الفساد فی مسئله القیۃ لانہ مع تاخرہ تعد بہ لا تصد صلاۃ (رد المحتار باب الامامة ج ۱ ص ۵۳۳ ط س.

(۱۳۱۹) اگر در حین اداء نماز دست ها در داخل لباس باشد آیا نماز درست است یا نه؟

جواب: نماز درست است ^(۱) فقط.

دادن و گرفتن یا ترک شدن یک نماز چگونه است؟ سوال: (۱۳۲۰) زید امام مسجد است

و در نماز خفتن آیت ذیل را قرائت نموده: **وَسَيُكْفَرُاُ** ، **وَبَا** : **فَتَحَّتْ اَبْوَابُهَا** ، آنرا منظم کرده و به پیش تلاوت نمودن را شروع کرد در آن اثنای عمر و کسیکه حافظ قرآن کریم است و همچنان از قدر ما **تَجَوَّزَ بِه الصَّلَاةُ** ، نیز واقف بود برایش فتح داد: **وَيُنذِرُوكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا** ، زید باز همانطور تکرار نمود و در آن جای توقف و رزید سپس با رسوم آنرا تکرار کرده و بمشکل به پیش رفت لکن: **وَيُنذِرُوكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا** ، را ترک نمود و سورت زمر به پایان رسید و بغیر از سجده سهو نماز را انجام نمود و این عمل در محضر صدها نمازگذار از طرف زید صادر شد.

آیا استیناف صلاة بکار است یا نه؟

جواب: در این صورت نماز امام و مقتدیا صحیح است. اما سجده سهو واجب نمیباشد

و همچنان اعاده نمودن نماز لازم نیست: **كما صرح به فی الدر المختار والشمی بخلاف فتحه علی امامه فانه لا یفسد مطلقاً لفتاح و أخذ بكل حال (در المختار) قوله بكل حاجل ای سواء قرء الامام قدر ما تجوز به الصلوة ام لا انتقل الی آیه اخری ام لا تکرار الفتح ام لا هو الاصح نهر، شامی ^(۲) جلد اول ص ۴۱۸، پس واضح گردید که با تکرار فتح اصح نیست که در نماز فساد واقع نمیشود و همچنان هیچ وجه و سبب وجوب سجده نیست زیرا با تکرار نمودن قرائت اگر**

در یک رکن تأخیر شود موجب سجده سهو نیست: **كما فی الدر المختار واعلم انه اذا شغله ذلك الشک فتفکر قدر اداء رکن لم یشتغل حالة الشک بقراءة الخ وجب علیه سجود السهو ^(۳) الخ، از توضیح فوق چنین معلوم شد که در صورت اشتغال بالقرآن سجده سهو لازم نمیشود البته در شامی و غیره تصریح شده است: قسمیکه برای مقتدی فوراً فتح دادن مکروه است همچنان برای امام نیز مکروه است که مقتدی را مضطر و مجبور بطرف فتح دادن نماید بلکه برای امام بکار است که به آیت مناسب دیگر و یا کاملاً بجانب سورت دیگر انتقال نماید.**

(۱) رفع یدیه الخ مأمراً بابهاجمی ضمنی ازیه هو المراد بالمحاذاة (در المختار) ووفق بينهما بین رؤایات الرفع ای المتکین بان الثانی اذا كانت یدان فی الباب للرد كما قاله الطحاوی الخ (رد المحتار فصل ثالث الصلوة ج ۱ ص ۴۵۰ ، ط. س. ج ۱ ص ۴۸۲) . غیر

(۲) رد المحتار باب ما یفسد الصلوة ج ۱ ص ۵۸۲ ، ط. س. ج ۱ ص ۶۲۲ . غیر

(۳) الدر المختار علی هامش ودر المختار باب سجود السهو ج ۱ ص ۷۰۶ ، ط. س. ج ۲ ص ۹۳ . غیر

واگر امام بمقدار واجب یا مستحب قرائت خوانده باشد باید که برکوع برود و رکوع کند: كما قال لي الشامي يكره ان يفتح من ساعته كما يكره للامام ان يلجئها اليه بل ينتقل الى آية اخرى لا يلز من وصلها ما يفسد الصلوة او الى سورة اخرى او يركع اذا قرء قدر الفرض كما جزم به الزيلعي وغيره وفي رواية قدر المستحب كما رجحه الكمال بانه الظاهر من الدليل^(۱) الخ فقط

اگر مقتدی در یک رکعت اقتداء و ترک نمود آیا نماز درست شده یا نه؟ سوال: (۱۳۲۱)

امام مسجد در نماز مغرب بعد از اداء نمودن دو رکعت التحيات (تشهد) را فراموش نمود اما مقتديها بنا بر غلطی یا بفراموش آنرا خواندند و امام در رکعت سوم: اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ را آهسته خواند و رکوع نمود و مقتديها با گفتن: اللهُ اَكْبَرُ ایستادند و امام بعد از تکمیل نمودن تسبیحات رکوع بسجده رفت و سائر مقتديها او را متابعت نمودند که در آن صورت نماز امام کامل شده اما مقتديها بنا بر غلطی در رکعت سوم اقتدای به امام نکردند بلکه بعض آنها در رکوع نیز شامل نشدند بناء حکم نماز مقتديها چگونه است؟

جواب: آنچه مقتديهای که رکوع نکردند اند نماز آنها نشده است و آنچه مقتديهای که در ایستادن رکوع نمودند خواه در حال ایستادن یا امام در رکوع شامل شدند و یا بعد از آن رکوع نمودند نماز شان درست شده^(۱) و بر عهده امام مسجد سهو بنا بر ترک نمودن قعدۀ اولی لازم است.^(۲) فقط.

در حالت نماز فقره و صراخ کشیدن نماز را فاسد نماید یا نه؟ سوال: (۱۳۲۲) یک گروه

امیان از یک پیر تعلیم گرفته اند و ایشان در نماز جهري احيانا باشنیدن قرائت و احيانا در نماز سري نیز شور و شغب می نمایند و صراخ و نعره ها میکشند آیا با این عمل نماز ایشان فاسد میشود یا نه؟ زیرا این کلمه آه یا اف نیست بلکه خالص چیغ و آواز بلند است.

جواب: در الدر المنختار مذکور است: والاین هو قوله اه بالقصر والتاوه هو قوله آه بالممد والتانیف

(۱) نعم تكون المتابعة فرضا بمعنى ان يأتي بالفرض مع امامه او بعده كما لو ركع امامه فركع معه مقارنا او معالفا وشاركه فيه او بعد ما رفع يده فلو لم يركع اصلا الخ بطلت صلاته (رد المحتار باب صفة الصلاة مطلب تحقيق متابعة الامام ج ۱ ص ۴۹ ، ط. س. ج ۱ ص ۴۷۱). ظهير الدين غفرله

(۲) ولها واجبات لا تفسد بتركها وتعاد وجوبا الخ ان لم يسجد له اي للسهر الخ وهي قراءة فاتحه الكتاب الخ والقعود الاول (الدر المنختار على هامش رد المحتار ج ۱ ص ۴۲۴ ، ط. س. ج ۱ ص ۴۵۶) سها عن القعود الاول من الفرض الخ ثم تذكره عاد اليه الخ ما لم يستقم الخ والا اي وان استقام لاقاما لا يعود لاشتغاله بفرض القيام وسجد للسهر لترك الواجب (الدر المنختار على هامش رد المحتار باب سجود السهر ج ۱ ص ۶۹۶ ، ط. س. ج ۲ ص ۸۳). ظهير

اُف او تف والبكاء بصوت يحصل به حروف لوجع او مصیبة الخ لا کذا ذکر جنۃ او نار فلو اعجبته قراءة الامام فجعل یبکی وبقوله بلی او نعم او اری لا تفسد، سراجیه لدلالته علی الخشوع الخ او به شامی کی دی: قوله: لدلالته علی الخشوع افاد انه لوکان استلذاذاً بحسن النعمة یكون مفسداً^(۱) الخ، پس معلوم وروشن شد کہ در نماز همچنان چیغ و نعره زدن و هو هو کردن اگر از وجه ذکر جنت و دوزخ نباشد آن آوازه‌ها شکننده و فاسد کننده نماز است لهذا جاهلان باشند و درشتی از همچو نعره‌ها و شور شغب منع نمودن بکار است زیرا ایشان نماز خود را فاسد می نمایند همچنان در نماز متباقی نماز گذاران نیز خلل واقع میکنند کما جریبناه فقط.

اگر از پیش روی نماز خوان سگ عبور کند نماز فاسد میشود یا نه؟ سوال: (۱۳۲۳)

در بیش روی نماز خوان سه مرور کند آیا نماز فاسد میشود یا خیر؟

جواب: نماز فاسد نمیشود و ضرورت برای اعاده نمون آن ثانی نیست^(۲) فقط.

با گذاشتن چیز ناپاک در جیب نماز میشود یا نه؟ سوال: (۱۳۲۴) اگر در جیب قصداً یا

سہرا کدام چیز ناپاک یا رخت ناپاک باقی بماند و نماز اداء شود آیا نماز میشود یا نه؟

جواب: در آن صورت نماز صحیح نمیشد و اعاده کردن آن نماز ضروری است^(۳) فقط.

در نماز ازار یا پا جامه خلاصی و بازگردید چه باید کرد؟ سوال: (۱۳۲۵) اگر در حین نماز

خواندن ازار بند یا جامه و ازار مقتدی یا امام بگسلد در آن صورت نماز گذار چه ببلد بکند؟

جواب: اگر با یک دست یعنی با عمل یسیر درست نمودن آن ممکن نباشد باید کہ نماز را

بشکند و با هر دو دست لنگ یا پا جامه را ببندد و سپس با جماعه شرکت ورزد^(۴) فقط.

اگر بجای بستری چیزی و غیره باشد کافی خواهد باشد یا نه؟ سوال: (۱۳۲۶) اگر در پیش

(۱) رد المحتار باب ما یفسد الصلوة وما یکره فیہا ج ۱ ص ۵۷۹، ط. س. ج ۱ ص ۶۱۹ - ۶۲۰، ظہیر

(۲) ولا یفسد الخ مروره بین یدیه ای حاظ القیلة فی بیت و مسجد صبر مطلقاً الخ و امر او کلاً و الذم المختار علی هاشم رد المحتار

باب ما یفسد الصلوة وما یکره فیہا ج ۱ ص ۵۹۲، ط. س. ج ۱ ص ۶۳۴، ظہیر

(۳) و علی الشارع من قدر درهم وان کره تحریم الخ و قوله یبطل (رد المحتار) ففی المحيط بکره ان یصلی و مع قدر درهم او دونه من

التجاسة عالماً به الخ (رد المحتار باب الانحاس ج ۱ ص ۲۹۲، ط. س. ج ۱ ص ۳۱۹)، ظہیر

(۴) و یفسدها کل عمل کثیر لیس من اعمالها ولا لاصلاحها و فیہ الوال خمسة اصحاب مالائیک بسبب الناظر من بعد فی فاعله انه لیس فیہا (رد المحتار) القول الثانی ان ما یعمل عادة بالیدن کثیر وان عمل بواحدة کالتعم و شد السراويل و ما عمل بواحدة قلیل وان عمل بهما کعمل السراويل و لیس الفلترة و نزعه (رد المحتار باب ما یفسد الصلوة وما یکره فیہا ج ۱ ص ۵۸۳ - ۵۸۴، ط. س. ج ۱ ص ۶۲۴ -

روی نمازگذار قטיפه یا جتري بجاي ستره گذاشته شود آیا کافی خواهد باشد یا نه؟ و یا ستره ضروري است که از چوب باشد؟ و یا ضرورت است که ستره چوب اقلاً به اندازه یک انگشت کلفت باشد و یا از آن نیز کم کافی شده میتواند؟

جواب: اگر جتري یا قטיפه در پیش روی نمازگذار باشد بعضی ستره کافی خواهد بود و در آن مورد تخصص چوب نیست. و اما قید غلط اصابع (به اندازه عریض بودن انگشت) را صاحب بدائع قول ضعیف گفته است: فی الشامی لکن جعل فی البدائع بیان الغلط قولاً ضعیفاً و انه لا اعتبار بالعرض و ظاهره انه المذهب ^(۱) بحر الخ . فقط

با أخذ نمودن تنفس بر صراط الذین نه کفر لازم میشود و نه نماز فاسد میشود: سوال:

(۱۳۲۷) هر کیسکه در مورد علم قرائت معلومات نداشته باشد و در یکی از نمازهای جهري امام شود و در حالت اضطراري نفسش بر صراط الذین به پایان رسید آیا این امام کافر شد و نماز فاسد شد یا خیر؟

جواب: در همچو موارد نه نماز فاسد میشود و نه امام کافر میگردد بل که او را کافر گفتن خوف کفر است برای گوینده کما فی الحدیث: ایما رجل قال لایخه کافر فقد باء بها احدهما. رواه الشیخان ^(۲) و فی حدیث اخر: سباب المسلم فسوق و قتاله کفر، و فی حدیث اخر ایضا: من دعا رجلاً بالكفر او قال: عدو الله و لبس کذلک إلا حار علیه، متفق علیه.

آنکسی که نمازگذار نباشد برای نمازگذاریکه بزند نماز نماز خوان فاسد نمیشود؟

سوال: (۱۳۲۸) اگر غیر نماز خوان برای نمازگذار بکه بزند آیا در نماز نماز خوان فساد واقع میشود یا نه؟

جواب: در نماز نماز خوان با استعمال نمودن بکه هیچ خلل و فساد لازم نمیشود. اگر چه این عمل خوب نیست که نمازگذار در حالت نماز بذریعه کسی بکه بزند و برای نمازگذار بکار است که بکه کننده را از آن منع نماید فقط.

در لفظ (ماهیه) ظاهر نمودن ناء غلط است مگر مفسد صلاة نیست: سوال: (۱۳۲۹) اگر

(۱) و یفرز ندبا الامام و کذا المنعرد فی الصحراء و نحوها ستره بقدر ذراع طولاً و غلط اصبع لیسو للناظر بقرینه دون ثلاثة اذرع علی حذاه احد صاحب الخ (دوالصناعت) لکن جعل فی البدائع بیان اللفظ الخ (رد المحتار ج ۱ ص ۵۹۵ - ۵۹۶ . باب ما یفسد الصلاة ط. س. ج ۱ ص ۶۳۶ - ۶۳۷). ظهیر

(۲) مشکوٰۃ ، باب حفظ اللسان و العیة و الشتم ، ص ۴۱۱ . ظهیر

بحای (های) هوز در (ماهیه) تاء با تنوین تلاوت شود آیا درست است یا نه؟ و بر آن نماز فاسد میشود یا خیر؟

جواب: در آیت: وَمَا آذَاكَ مَآيَةٍ، هاء آخری که های سکه است آنرا بتاء خواندن لحن فی القراءه^(۱) میباشد و صراحة غلطی است زیرا این فاء مبدل از تاء نیست اما اگر کسی به غلطی آنرا همانطور خواند نمازش میشود. فقط

شب در مورد قبله ی رسید و نماز خواند سپس از آن معلوم شد که قبله غلط بود آیا این نماز شده یا نه؟ سوال: (۱۳۳۰) زید شبانه از رفیق خود در مورد قبله پرسید و نماز را اداء نمود و بعد از چند روز معلوم شد که قبله غلط بوده آیا آن نماز شده یا نه؟

جواب: نماز درست شده است. فقط

اگر مسبوق سهوا با امام سلا گردانید و کسی او را بیادش داد سپس ایستاد شود این چه حکم دارد؟ سوال: (۱۳۳۱) یک روز من در نماز عشاء در رکعت ثانی شریک شدم اما با امام یکجا هردو طرف سلام گردانیدم و نماز رابه پایان رسانیدم و درصدد دعا نمودن بودم که در همان لحظه یک مقتدی دیگر که کاملاً با امام در نماز شرکت ورزیده بود مرا بم یاد دهانی کرد که برخیز و نماز را کامل کن بناء اگر در أثناء من بنده گنهگار ایستاد میشدم و نماز را تکمیل می نمودم آیا نمازم درست بود یا نه؟ و در آن صورت که من سخن او را نه بدیرفتم بلکه از سر نو مجدداً چار رکعت فرض را اداء نمودم آیا این نماز شده یا نه؟ وجه عدم قبولیت من آن بود کل در قلبم فکر و اشتباه خطور کرد که با فتح دادن شخص که بیرون و خارج الصلاة باشد نماز فاسد میشود.

جواب: اگر بعد از گفتن آن شخص فکر و تدبر می نمودی و برایت بیاد میشد که بیشک از من یک رکعت باقی مانده است و بنا براین مقصد قیام کرده و یک رکعت را اداء نموده تکمیل می نمودی و بعد از آن سجده سهوه اداء کرده بودی نماز درست می شد زیرا امتثال (قبول نمودن سخن) از شخص غیر نیست بلکه هرگاه بیادت درآمده پس همان طرف قیام منسوب میشود. در الدر المختار مذکور است: حتی لو امتثل أمر غیره فقیل له تقدم فتقدم اودخل فرجة الصف احد

(۱) ومنها القراءة بالالحن ان غیر المعنی والا لا. (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب ما یفسد الصلوة ج ۱ ص ۵۸۹، ط. م. ح. ۱ ص

فوسع له فسدت بل يمكث ساعة ثم يتقدم برأيه ^(۱) ودرشامي تصحيح عدم فساد نموده است: وقدمنا عن الشربلالي عدم الفساد وتقدم تمام الكلام عليه ^(۲) الخ شامي جلد اول. فقط

اگر بجای عَلَیْکُمْ لَفْظ عَلَیْشُم بیرون شود آیا نماز میشود یا نه؟ سوال: (۱۳۳۲) اگر در صورت قرائت السَّلام عَلَیْکُمْ بجای عَلَیْشُم از دهن بیرون شود آیا نماز میشود یا نه؟ **جواب:** نماز درست شده ^(۳). فقط

در جوغہ و عمامہ نماز میشود یا نه؟ سوال: (۱۳۳۳) امام کہ لباس شرعی مثل جوغہ وازار و رداء و عمامہ را پوشیدہ امامت می سازد ولیکن پوشیدن این لباس او راناخوش است آیا نماز جائز می شود یا نه؟

جواب: نماز اداء میشود.

اگر بالای لباس اثر و داغ را بنگرد چه باید کرد؟ سوال: (۱۳۳۴) امام محتلم شد و لباس های خود را شسته و امامت را اداء می نمود و بعد از دو یا سه روز بر قمیص خود داغ و اثر منی را مشاهده نمود اکنون اعاده نمودن نمازهای اداء شده بکار است یا نه؟ و همچنان معلوم نیست کہ کدام کدام اشخاص در آن نمازها با امام معیت داشتند و نماز را باجماعت همراه امام اداء نموده اند؟

جواب: در مورد همچو صورت در کتابهای فقه چنین نوشته شده است: اگر یک انسان بر لباس خود زیاد از مقدار درهم داغ و اثر منی را مشاهده نمود و بعد از خواب نهائی کہ کدام نماز را در آن لباس اداء نموده است آنرا اعاده باید نمود مثلاً امروز بعد از نماز ظهر بر لباس منی را مشاهده نمود سپس اگر در حین چاشت همچنان خواب شده باشد از آن وقت لباس های او پلید و ناپاک دانسته میشود. و اگر در حین چاشت نخوابیده باشد بلکه از طرف شب خوابیده باشد پس از همان وقت لباس او ناپاک پنداشته میشود و از همان وقت هر چند نمازها را کہ اداء نموده باشد آنرا اعاده باید نمود و همچنان بقدر امکان مقتدیها را نیز مطلع ساختن بکار است و هر

(۱) و یحتمل وهو بذل المجہود لیل المفصود للعاجز عن مرفة القبلة فان ظهر خطاه لم يعد لئلا و الذرا المختار علی ہاشم رد المحتار باب شروط الصلوة واستقبال القبلة ج ۱ ص ۴۰۱ ، ط. س. ح ۱ ص ۴۳۳. ظہیر

(۲) الذر المختار - ہاشم رد المحتار باب ما یفسد الصلوة وما یکرہ فیہا تحت الفروع ج ۱ ص ۵۸۱ ، ط. س. ج ۱ ص ۶۲۲. ظہیر

(۳) ومنہا الخروج - مع کفیلہ المنالی لها بعد لئلا و الذرا المختار علی ہاشم رد المحتار باب صفة الصلوة ج ۱ ص ۴۱۸ ، ط. س. ج ۱ ص ۴۴۸ - ۴۴۹. ظہیر

کسیکے بیادش می آید او را آگاہ و مطلع نماید۔ کما فی الدرالمختار: کما یلزم الامام اخبار القوم اذا مهم وهو محدث اوجب او فاقد بشرط اورکن الخ^(۱)۔ فقط

ذکر سری مفسد نماز است یا نہ؟ سوال: (۱۳۳۵) مریدان بزرگان نقشبندیہ موجب فہمائیدن مرشدان در نماز فرائض و نوافل ذکر سری می نمایند کہ الفاظ (لون) و (هون) مسموع میشوند نماز فاسد خواهد شد یا نہ؟

جواب: ظاہر همین است کہ نماز فاسد شود لہذا احتیاط درین امر واجب است^(۲)۔ فقط

اندک انحراف مسجد از قبلہ نمازہای خواندہ شدہ؟ سوال: (۱۳۳۶) در یکی از مساجد مردم نماز میخواندند و بعد از چند روز معلوم شد کہ مسجد از جہت قبلہ منحرف است و بعد از تحقیق بعض مردم حسب سابق توجہ می نمایند و نماز را اداء میکنند و بعضی مردم اندک از آن جہت تمایل نمودہ نماز را اداء می نمایند؟ سپس اکنون آن عہدہ مردم کہ بجہت اول نماز اداء نمودہ اند آیا برای ایشان اعادہ کردن نماز بکار است یا نہ و همچنان قبل از تحقیق آن عہدہ نمازہا کہ اداء شدہ است اعادہ نمودن آن بکار است یا نہ؟ و همچنان اگر کسی منحرف از قبلہ نماز بخواند آیا نمازش صحیح باشد یا نہ؟

جواب: آن عہدہ مردم کہ بر جہت اول نماز میخوانند نماز ایشان صحیح است و بر ایشان اعادہ نمودن نمازہای سابقہ لازم نیست زیرا بر اندک انحراف از استقبال قبلہ کدام فرق وارد نمی آید و همچنان حساب قطبی نیز تحقیقی نیست بلکہ تقریبی است۔^(۳) فقط

در نماز فجر اگر آفتاب طلوع نمود آیا نماز فاسد میشود یا خیر؟ سوال: (۱۳۳۷) اگر در حین اداء نماز فجر آفتاب طلوع نمود آیا نماز صحیح است یا خیر؟

جواب: نزد احناف نماز فاسد میشود بناء بعد از طلوع و ارتفاع آفتاب برایش اعادہ نمودن نماز فجر لازم است۔ کما فی الدر المختار و الشامی: بخلاف الفجر فتبطل بطل الطلوع الذي هو وقت

(۱) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب لامامة مطلب المواضع التي تفسد صلاة الامام ، ج ۱ ص ۵۵۳ ، ط. س. ج ۱ ص ۵۹۱ - ۵۹۲ ، ظفر

(۲) و ذکر فی الملطف ان المصلی اذا سئعه الحية فقال بسم الله الرحمن الرحيم تفسد صلوته الخ و ذکر فی الذخيرة انه اذا قال المربيع يارب اوفال بسم الله لما يلحقه من الشقة الخ اما عندهما ای الطرفين تفسد الخ (غنية المستملی)۔ ظفر

(۳) للسلکی الخ اصابه عنها الخ ولغيره ای لغير معانيها اصابه جهتها بان یبلی شی من سطح الوجه مسامتة للکمة الخ (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب شروط الصلوة ج ۱ ص ۳۹۷ ، ط. س. ج ۱ ص ۴۲۷-۴۲۸)۔ ظفر

فساد الخ شامی. والاحادیث تعارضت فتساقطت الخ. الدرالمختار^(۱) فقط.

بعوض ضاد ظاء خواندن نماز فاسد میشود یا نه؟ سوال: (۱۳۳۸) در نماز بجای (ض) (ظ) خواندن نماز فاسد میشود یا نه؟

جواب: قبل از همه در مورد این مسئله ضرورت بر آن احساس میشود که عمداً و قصداً از خواندن ظاء احتراز کرده شود بخاطر آنکه در آن مورد روایات فاسد شدن نماز حتماً موجود است بلکه در شرح فقه اکبر از محیط نقل نموده است که تعمداً قرائت نمودن آن کفر است عبارتش قرار ذیل است: وفي المحيط سئل الامام الفضلی عن يقرأ الظاء المعجمة مكان الضاد المعجمة اوبقرء اصحاب الجنة مكان اصحاب النار اوعلى العكس فقال لايجوز امامته ولو تعمد يكفر قلت اما كون تعمده كفراً فلا كلام فيه اذا لم يكن فيه لغتان ففى ضنين الخلاف شامی.^(۲) اما مطلب بنده از تحویر سابق آنست که باوجود اراده اداء نمودن ضاد از مخرج خویش اگر مشابهت باطاء يادال آید نماز صحیح است. در الدر المختار مذکور است: الا ما يشق تميزه كالضاد والطاء فاکثرهم لم يفسدوها^(۳)، در شامی مذکور است: قال فى الخاوية الاصل فيها اذا ذكر حرفا مكان حرف وغير المعنى ان امکن الفصل بينهما بلا مشقة تفسد وان لا يمكن الا بمشقة كالطاء مع الضاد الخ قال اکثرهم لا تفسد وفى خزنة الاكمل قال القاضى ابو عاصم ان تعمد ذلك تفسد وان جرى على لسانه ولا يعرف التميز لا تفسد وهو المختار عليه وفى البرازية وهو اعدل الاقاريل وهو المختار^(۴) الخ، وبنابر آن بسبب این احتیاط قراءت علماء عرب قاطبه در موقع ضاد از خواندن ظاء قطعاً خود داری می نمایند وضاد را بشکل دال مخفی اداء میکنند کما هو مشاهد و معروف، فقط.

در لباس رشوت نماز میشود یا نه؟ سوال: (۱۳۳۹) در ملبوسات رشوت نماز جائز است یا خیر؟

جواب: نماز اداء میشود اما آنکس عاصی و فاسق است یعنی در کمائی نمودن لباس حرام نماز اداء نمودن مکروه^(۵) است لکن نماز اداء میشود. فقط.

(۱) رد المحتار کتاب الصلاة تحت قوله بحلاف الفجر ج ۱ ص ۳۴۶ ط. س. ج ۱ ص ۲۷۴ ظفر

(۲) شرح فقه اکبر ص ۲۰۵ ظفر

(۳) الدر المختار علی هامش رد المحتار، باب ما یفسد الصلوة مطلب زلة القاری ج ۱ ص ۵۹۲ ظفر

(۴) رد المحتار، باب ما یفسد الصلوة مطلب زلة القاری ج ۱ ص ۵۹۲ ط. س. ج ۱ ص ۶۳۳ ظفر

با شکستادن نیت امام نماز مقتدی فاسد میشود؟ سوال: (۱۳۴۰) امام در قعدہ اولی سہرہ شد ومقتدیان با گفتن اللہ اکبر برایش اطلاع دادند وامام بنا برغلطی نماز راشکستند آن عدہ مقتدیان کہ بجانب راست یا چپ بودند یا درصاف دیگر بودند برای ایشان عمل نبود کہ امام نماز را فاسد نمودہ وایشان بر آن نیت نخستین قائم بودند وچنان می پنداشتند کہ بخاطر تکمیل نمودن رکعت سوم توقف نمودہ است اکنون امام رکوع رکعت نماز دیگر را کردہ ومقتدیان ہمہ با امام برکوع رفتند وامام چهار رکعت را کامل نمودہ سلام گردانیدند ومقتدیان نیز چہار رکعت را تکمیل کردند اکنون سوال چنین مطرح است آن عدہ مقتدیان کہ دوبارہ با امام نیت ننمودند بلکہ با تکبیر گفتن امام برکوع رفتند آیا نماز آنها دراین صورت صحیح شدہ یا نہ؟ وآن تکبیر نخستین کہ با امام درحین رفتن برکوع گفتہ بودند آیا تکبیر تحریمہ محسوب خواہد شد یا نہ؟

جواب: دراین صورت نماز مقتدیان درست نشدہ است زیرا وقتیکہ امام نماز خود راشکستند سپس بالتبع نماز سائر مقتدیان فاسد گردیدہ ویس از آن مقتدیان بیت اقتداء نمودن تکبیر تحریمہ را نگفتہ اند وثانیاً نماز را شروع نکردند بلکہ بر نماز نخستین کہ فاسد شدہ بود برآن بناء کردند واین قاعدہ است کہ بناء علی الفاسد فاسد است فلہذا ناگزیر نماز ایشان فاسد میباشد^(۱). فقط

جنبابدن پای راست در نماز مفسد نماز نیست: سوال: (۱۳۴۱) زید انگشت بزرگ پای راست را در نماز جنبانید آیا نمازش فاسد میشود یا نہ؟

جواب: حرکت دادن انگشت بزرگ پای راست مفسد صلاۃ نیست^(۲). فقط

مسجد ملکیت کسی نیست ودرآن نماز درست است: سوال: (۱۳۴۲) ان عدہ مردم قریہ کہ مسجد قریہ را ملکیت خود میدانند درآن مسجد شرعاً نماز چگونه است؟

جواب: مسجد ملکیت کسی نمیباشد^(۳) وبادعوا نمودن ملکیت کسی درآن کدام تغییری وارد نمیشود بناء درآن مسجد نماز صحیح است وثواب مسجد درآن حاصل میشود. فقط

(۵) ردالمحتار، باب ما یفسد الصلوۃ مطلب زلۃ القاری ج ۱ ص ۵۹۲، ط. س. ج ۱ ص ۶۳۳، ظفر

(۱) وکذا تکرہ فی امکان کفری کما الخ وارضی مقصوبۃ والدوامختار شامی کتاب الصلوۃ ج ۱ ص ۳۵۴، ظفر

(۲) واذا ظہر حدث امامہ وکذا کل مفسد فی رأی مقتد یظن اعدائہا لضعف صلاۃ المؤمن صحتہ ولسادۃ والدیر المختار علی ہاشم رد

المختار باب الامامۃ ج ۱ ص ۵۵۳، ط. س. ج ۱ ص ۵۹۶، ظفر

(۳) وأن المساجد فی (سورۃ الجن، آیۃ: ۱۸) ویزول ملکہ عن المسجد والمصلی بالقلع ولقوله جعلتہ مسجداً عند الثانی بشرط محمد والامام الصلاۃ فیہ جماعۃ وقیل یحکم واحد وجعلہ فی العانیۃ ظاہر الروایۃ والیر المختار علی ہاشم رد المختار کتاب الولف مطلب فی

احکام المسجد ج ۳ ص ۵۱۰ - ۵۱۱، ط. س. ج ۴ ص ۳۵۵ - ۳۵۶.

آنکس کہ موی زیر ناف را نمیتواند نمازش درست است: سوال: (۱۳۴۳) آنکسکہ موی

زیر ناف را نمی تراشد آیا نماز او صحیح است یا نه؟

جواب: نمازش صحیح است لکن این عمل قبیح است و موی زیر ناف را بیشتر از چهل روز باقی گذاشتن مکروه میباشد^(۱). فقط

اگر صحیح قرائت نمود نماز شده و سامع را اعتبار نیست: سوال: (۱۳۴۴) زید در نماز جہری سورۃ وَالْعَصْرِ راجعان تلاوت نمود کہ ہالای وَالْعَصْرِ رقف کرد و سامع آنرا وَالْعَصْرِ بِحذف راء شنید، وثانیاً ہالای لَقِیْ خُسْرٍ وقف کرد و سامع آن را لَقِیْ خُسْ بِاسقاط راء شنید اگر وقف آخر باسقاط حرکت یا بغیر لز تنوین راء باشد در آن مقام وقف نمودن جائز است و یکی از آن مواضع ہفدہ گانہ کہ بر آن وقف نمودن مقضیٰ إلی الکفر منقول است از حضرت علی (رض) قَوْلُ لِّلْمُصَلِّينَ است کہ فساد آن اظہر من الشمس میباشد و علاوہ آزان مواضع وقف کردن در مابین مبتداء و خبر صفت و موصوف فعل و فاعل و مستثنیٰ منہ، صلہ و موصول و غیر ذلک آنها بنا بر قاعدہ نحرہ فصل و وقف جائز و ناجائز کہ آن موضع متنازع فیہ جملہ استثنائہ است.

جواب: اعتبار برای خوانندہ است، سامع اگر یک حرف را نشنود از آن عدم قرائت قاری لازم نمیشود بناء و فیکہ قاری وَالْعَصْرِ را تلاوت نمود و همچنان اِنَّ الْاِنْسَانَ لَقِيْ خُسْرٍ را تلاوت کردہ است پس نماز شدہ و بر آن وقف نمودن کفر نیست و اما آن روایت کہ از حضرت علی (رض) در مورد وقف نمودن بر ہفدہ مواضع منقول شدہ است کہ کفر میباشد و بر آن کفر لازم میشود آن روایت صحیح نیست^(۲). فقط

در حالت نماز رقص و غیرہ نماز را فاسد مینمایند: سوال: (۱۳۴۵) بعضی مردم در نماز شور و شغب مینمایند یعنی چک، چک نمودن، ہا ہو، آواز کردن و جستن رقصیدن آیا این امور جائز است یا نہ؟ و برخی از ملایمان منتقد آنها میگویند کہ در الدر المختار و غیرہ کتاب ہای فقہ

(۱) الافضل ان یقلع اظفارہ و یحلی شارہ و یحلق عانہ و ینظف بدنہ بالاغسال فی کل اسبوع مرۃ فان لم یفعل ففی کل خمسۃ عشر یوماً لا یطر فی ترکہ و رواہ الاربعین الخ و یستحق الوعد کذا فی القنیۃ (عالمگیری مصری کتاب الکراہیۃ الباب التاسع عشر ح ۵ ص ۳۹۸، ط. ماجدہ ج ۵ ص ۳۵۷). ظہیر

(۲) اذا وقف فی غیر موضع الوقف اربعاً فی غیر موضع الابتداء ان لم یغیر بہ المعنی تغیراً فاحشاً نحو ان الذین أنسروا عملوا الصالحات ووقف لم ابتداء بقولہ اولک ہم غیر البریۃ لا تغیرہ بالاجماع بین علمائنا حکماً فی المحيط و کذا ان وصل فی غیر موضع الوصل الخ لا تغیر لکنہ لیج حکماً فی الخلاصۃ (عالمگیری مصری زلۃ القاری ج ۱ ص ۷۵، ط. ماجدہ ج ۱ ص ۸۱). ظہیر

نوشته شده است که بخاطر شوق جنت و خوف جهنم گریان نمودن نماز را فاسد نمیکند آیا این صحیح است یا نه؟

جواب: این امور فاسد کننده نماز اند، و اما در کتاب های فقه بدون شک گریان نمودن بخاطر شوق جنت و خوف جهنم را جائز نگاشته اند لکن چک چک کردن و ورقصیدن را هیچکس جائز نه نوشته است، بریژه همچو حرکات را در نماز بالاتفاق مفسد صلاة قرار داده اند و تفصیله فی کتب الفقه ^(۱). فقط

بر پول زکاة یا بورئای خرید شده است بر آن نماز جائز است یا نه؟ سوال: (۱۳۴۶) اگر کسی به پول زکاة جای نمازهای خرید نموده و آن را بمساجد اعطاء نمود آیا برای مردم ثروتمند بالای آنها نماز جائز است یا نه؟ و نماز ایشان درست خواهد شد یا خیر؟

جواب: نماز بر آن جائز میشود اما زکاة او اداء نشده است ^(۲). فقط

اگر مقتدی یا امام سجده تلاوت نکرد نمازش میشود یا نه؟ سوال: (۱۳۴۷) اگر مقتدی سهوا یا امام سجده تلاوت را ننمود آیا نماز مقتدی درست شده است یا نه؟

جواب: هر آن سجده تلاوت که در نماز واجب گردد بعد از نماز اداء نمیشود بلکه ساقط میگردد: وکل سجدة فی الصلوة ولم تؤد فیها سقطت ای لم یبق السجود لها لفوات محله ^(۳) الخ شامی، بناءً معلوم شد که سجده ساقط شده و نیازي برای اعاده نمودن نماز نیست و اگر قصداً آن را ترک نموده باشد باید که توبه نماید، وفي البدائع: واذا لم یسجد اثم فتلزمه التوبة ^(۴) الدر المختار. فقط

طوری قرائت نمودن که خودش نیز نشنود آیا نماز میشود یا نه؟ سوال: (۱۳۴۸) در نماز الحمد و سوره و غیره را طوری خواندند که آوازش بگوش هایش نیز نمی آید آیا نمازش میشود

(۱) والمصحح بحرفین بلا علم الخ او بلا عرض الخ والا بین الخ والتأوه الخ والتألیف الخ والبكاء بصوت الخ لا لذكر جنة أو نار الخ او بفسدها کل عمل کثیر لیس من اعمالها ولا صلاحها (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب ما یفسد الصلاة ج ۱ ص ۵۷۸ ، ط. س. ج ۱ ص ۶۱۸-۶۱۹). ظفر

(۲) خرج کردن و مصرف نمودن پول زکاة در تعمیر مساجد درست نیست زیرا در اینجا تملیک موجود نیست بناءً زکاة او اداء نگردیده: یصرف المزمی الخ تملیکاً لا اباحه کما مر لا یصرف الی بناء نحو مسجد ولا الی کفن میت الخ (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب المصروف ج ۲ ص ۸۵ ، ط. س. ج ۲ ص ۳۴۴). ظفر

(۳) رد المحتار. باب سجود التلاوة تحت قوله اذا لم یسجد ج ۱ ص ۷۲۲ ، ط. س. ج ۲ ص ۱۱۰. ظفر

(۴) الدر المختار علی هامش رد المحتار باب سجود التلاوة ج ۱ ص ۷۲۲ ، ط. س. ج ۲ ص ۱۱۰. ظفر

یانہ؟

جواب: در این مورد زیاد سخن صحیح وقابل اعتبار آنست که طوری قرائت نماید که کدام مانع نباش، بگوش هایش آواز بیاید واما کرخی (رح) وبلخی (رح) بغیر از این نیز نماز را صحیح میگویند، والا اول اصح وارجح شامی^(۱) فقط

اگر تنها بوجه شک سجده سهو بکند آیا نماز میشود یا نه؟ سوال: (۱۳۴۹) سجده سهو

را بلا سبب وجوب، کسی بنا بر محض شک اداء نماید آیا این نماز صحیح خواهد شد یا نه؟

جواب: غیر از سبب وجوب سجده سهو محض بنا بر شک سجده سهو کردن بکار نیست و اگر اتفاقا بنا بر غلطی چنان کرد نماز میشود اما نیازی برای اعاده نمودن نماز نیست و در آینده بنا بر چنان شک وشبه سجده سهو کردن بکار نیست البتہ اگر گمان غالب بر باقی ماندن واجب باشد پس سجده سهو را حسب معمول بعد از یکطرف سلام گردانیدن اداء نماید. فقط

در اثناء استعمال ناقوس نماز درست است یا نه؟ سوال: (۱۳۵۰) در شهر بانی پت در میان

مسلمانان و اهل هند اندک تنازع بوقوع پیوست وباعث آن شد که در وقت نماز مغرب اهل هند ناقوس را استعمال نمودند ویا منع نمودن منع نشدند ومعامله بدعوا ومقدمه رسید و بنا بر مشورہ وکیل مسلمانان در وقت نماز مغرب آذان گفتن را در مساجد و نماز راترک نمودند آیدارجین استعمال ناقوس در آن مساجد اداء نمودن نماز صحیح است یا نه؟

جواب: در آن حالت نماز صحیح است^(۲) وترک نماز وهمچنان ترک نمودن آذان وجماعت در آن مساجد عمل پسندیده نیست. فقط

اگر در روی نماز گذار زن یا کدام جانور عبور کند آیا نماز خواهد شد یا نه؟ سوال:

(۱۳۵۱) اگر در پیشروی نماز خوان سگ یا کدام جانور دیگر یا زن عبور نماید آیا نماز اوفاسد میشود یا نه؟

(۱) وادنی الجهر اسماع غیرہ وادنی المخالفة اسماع نفسه (درمختار) اعلم انهم اختلفوا فی حد وجود القراءة علی ثلاثة احوال فشرط الهندوانی والفصلی لوجودها خروج صوت یصل اذنه وبه قال الشافعی وشرط المرینی واحمد خروج الصوت من الفم وان لم یصل الی اذنه لکن بشرط كونه مسوعا فی الحمله حتی لو دنی احد صماخیه الی فیہ یسمع ولم یشرط الکرخی وابوبکر اللہی السماع واکتفا بتصح الحروف الع وان ما قاله الهندوانی اصح وارجح لاعتماد اکثر علمائنا (ردالمحتار فصل فی القراءة ج ۱ ص ۴۹۸ ، ط. س. ج ۱ ص ۴۳۴ - ۴۳۵) ظفر

(۲) زیرا هیچ چیز از مفسدات نماز یافته نشده است. ظفر

جواب: اگر در پیشروی نماز خوان سگ یا کدما جانور دیگر یا زن مرور کند نماز او فاسد نمیشود در درالمختار است: ولا یفسدها مرور ما یلخ ولو امرأة او کلباً الخ^(۱) ودرشامی ازحلیہ منقول است در آن مورد کدام حدیث که وارد است یا منسوخ میباشد ویا مؤول است،^(۲) کما هو منقول فی الشروح والحواشی، بھر حال اعاده نمودن نماز واجب نیست. فقط

باجنبیدن پاها نماز فاسد نمیشود: سوال: (۱۳۵۲) در نماز ازجای قیام هردو پاها را حرکت دادن نماز را فاسد می نماید یا نه؟

جواب: در این صورت نماز فاسد نمیشود. فقط^(۳)

باسرائیدن ناقوس در نماز هیچ نقصان وارد نمیشود: سوال: (۱۳۵۳) اگر در وقت صلاہ بنابر ضدیت ناقوس سرائیده شود وشور شغب ساخته شود آیا در نماز شرعا نقصان وارد نمیشود یا نه؟

جواب: اگر انسداد نمودن آن بذریعہ حکام ممکن باشد پس مسدود نمودن آن ضرورت است اگر چه با سرائیدن ناقوس وشور شغب کسی درنماز فساد نمی آید لکن برای نماز خوانان سبب تشویش ونقصان، توجه قلب وعدم خشوع، وخضوع از آن عارض میشود، فلہذا ضروری است کہ بذریعہ حکام، آنها دروقت نماز از این مسدود ومنع شوند، زیرا فقہاء کرام درحین اداء نماز در مسجد از ذکر جہری منع فرمودہ اند^(۴) زیرا بہ سبب آن توجه قلب مختل میگردد، وهمچنان ممکن است کہ از نماز خوان قرأت وغیرہ فراموش شود، بناء وفتیکہ درحین صلاہ ذکر از ذکر جہری ممانعت شدہ پس استعمال باجہ وسرائیدن ناقوس درائناء نماز، سخن واضح وروشن است کہ بسیار عمل قبیح ونامناسب است اما چونکہ مسلمانان را توانائی وقدرت نیست کہ آنها در انسداد آنها بہرہ دازند وآن را مسدود نمایند، ناگزیر اگر ممکن باشد آن را بذریعہ حکام مسدود نمایند. فقط

(۱) الدرالمختارعلی ہاشم ردالمحتار باب ما یفسد الصلوۃ وما یکثر فیہا ج ۱ ص ۵۹۳ . ط. س. ح ۱ ص ۶۳۴. ظہیر

(۲) ولو امرأة او کلبا بیان للاطلاق و اشارہ بہ الی الرد علی الطاہریہ بقولہم یقطع الصلوۃ مرور المرأة والکلب والحمار وعلی احمد فی الکتب الاسود والی ان ما روی فی ذلک منسوخ کما حققہ فی الحلیۃ رد المحتار باب ایضاً ج ۱ ص ۵۹۳ . ط. س. ح ۱ ص ۶۳۴. ظہیر

(۳) وان حرکت وحلاً واحداً لا علی الدوام لا تقصد صلوتہ (عالمگیری کشوری باب ما یفسد الصلوۃ ج ۱ ص ۱۰۳ . ط. محدثہ ح ۱ ص ۱۰۳). ظہیر

(۴) ویکثر الخ رفع صوت مذکر (ردمخار) لانه حیث خیف الریاء انذاری المصلین الخ (ردالمحتار باب ما یفسد الصلوۃ مطلب فی رفع الصوت بالذکر ج ۱ ص ۶۱۸ . ط. س. ح ۱ ص ۶۵۹ - ۶۶۰). ظہیر

مقصد از محاذات بودن زن: سوال: (۱۳۵۴) مراد از محاذات زن چیست و این تنها از زن

اجنبی میباشد یا از زن محرم نیز؟

جواب: محاذات زن بر سه طرح و سه جوانب مفسد نماز است، در شامی است: وقد صرحوا بان المرأة الواحدة تفسد صلوة ثلثة الخ من عن یمینها ومن عن یمینها ومن عن خلفها^(۱)، واین عبارت عام است خواه زن محرمه باشد یا غیر محرمه باشد، شامی.^(۲)

اگر مرد زن را بوسه نمود یا زن مرد را آیا نماز میشود یا نه؟ سوال: (۱۳۵۵) مرد در نماز بود که زن او را بوسه نمود و از آن برای مرد خواهش پیدا شد نمازش فاسد میشود اگر چه این عمل خود او نبوده است، و همچنان زن نماز میخواند که مرد او را بوسه نمود و از آن برای زن شوق و خواهش پیدا شد و نماز زن فاسد نمیشود اگر چه این نیز فعل خود او نبوده این قول زید صحیح است یا نه؟

جواب: در درالمختار این مسئله طوری نوشته است که اگر مرد زن را در نماز بوسه نمود به این معنی که زن نماز میخواند و مرد از او بوسه گرفت خواه شهوت باشد خواه نباشد نماز زن فاسد میشود. و اگر مرد نماز میخواند و زن او را بوسه نمود و از آن شهوت مرد برانگیخته شده نماز مرد نیز فاسد شده و اگر شهوت مرد پیدا نشده بود پس نماز او فاسد نخواهد شد و عبارت از آن قرار است: مسها بشهوة اقبلها بدونها فسدت لا لو قبلت ولم یشتها^(۳) الخ در المختار. فقط

پوست گارت یا قطعی گوگرد در جیب باشد آیا نماز میشود یا نه؟ سوال: (۱۳۵۶) (۱) پوستکارت و سکه مروج و همچنان قطعی گوگرد که بر آن عکس جانور ذی روح باشد اگر در جیب گذاشته شود و نماز بخواند آیا نماز درست میباشد یا نه؟

موی ریش که چسبیده باشد نماز فاسد نمیشود: سوال: (۱۳۵۷) (۲) موی شکسته شده ریش که در ریش چسبیده باشد آیا در نماز کدام فرق وارد نمیشود؟

جواب: (۱) نماز همراهش صحیح است.^(۴)

(۱) و در المختار باب الامامة مسئله محاذات ج ۱ ص ۵۳۵، ط. م. ج ۱ ص ۵۷۲، ظفر.

(۲) المرأة اذا حلت مع زوجها فی البیت ان كان قد مسح بها قدم الزوج لاجتواز صلاهما بالجماعة (ایضا) قوله غیر معلول بالشهوة، ای ليست علة الفساد الشهوة ولذا فسدنا بالاجتواز الشهوة وبالمحرم كآدم وبنه (ایضا) ج ۱ ص ۵۳۹، ط. م. ج ۱ ص ۵۷۲، ظفر.

(۳) البرالمختار علی هامش و در المختار باب ما یفسد الصلوة و ما یكروه فیها ج ۱ ص ۵۸۷، ط. م. ج ۱ ص ۶۲۸، ط.

(۴) وان یكون فرق راسه او بین یدیه او بحداته تمشال الخ و لا یكروه لو كانت تحت قدمیه الخ و اعلى خنامه بنفش غیر مستین قال فی البحر =

جواب: (۲) ہمراہش در نماز کدام خلل واقع نمیشود زیرا این شکستہ شدہ پلید و ناپاک نیست. فقط

در حالت نماز عارض شدن خیالات دنیاوی نماز را فاسد نمی نماید: سوال: (۱۳۵۷)

در نماز عارض شدن تصورات دنیاوی و پیدا شدن وسوس نماز صحیح است یا نہ؟

جواب: در نماز با عارض شدن تصورات دنیاوی نماز فاسد نمیشود و حتی المقدور آن تصورات و وسوس را دفع نمایند^(۱).

اگر امام مسافر نماز را کاملاً اداء کرد پس نماز مقتدی نخواهد شد: سوال: (۱۳۵۹)

یک امام مسافر بنا بر فراموشی بجای دو رکعت چهار رکعت را اداء نمود حالانکہ سائر مقتدیان مقیم بودند و آن عدہ مردم کہ در دو رکعت آخری شامل شدہ اند بس اکنون نماز امام و مقتدیان صحیح است یا نہ؟

جواب: نماز امام مسافر در این صورت میشود اما سجدہ سہوہ بر او لازم است و متباقی نماز مقتدیان صحیح نیست^(۲). فقط

در حالت نماز از صحن مسجد بداخل مسجد رفتن نماز فاسد میشود یا نہ؟ سوال:

(۱۳۶۰) زید در صحن مسجد امامت میداد کہ آب بشدت آمد و او نیت را شکستاند و بکر مقتدی بود برایش گفت کہ باید بغیر از تحویل وجہ بداخل میرفتی و مقتدیان نیز بداخل رفتہ می توانستند و شکستاندن نماز لازم نبود زید برایش گفت: کہ بر این طرح عمل کردن نماز فاسد میشود زیرا این عمل کثیر است بناء در آن مورد قول زید صحیح است یا قول بکر؟

جواب: در این صورت قول زید درست است و برای زید همانطور عمل کردن مناسب و بکار بود زیرا درین صورت وقتیکہ نماز را از سر نو اداء کند بلا خلاف صحیح است و اگر او در نماز داخل مسجد رفتہ باشد و بعد از او مقتدیان نیز بتعقیب او رفتہ باشند پس در آن صورت از سائر

= و مفادہ کراہۃ المسجن لا المستتر بکس او صرۃ او لوب أخر ابرکانت صغیرۃ لا تبین تفاصيل اعضائها للناظر قائما الخ (ردالمحتار علی هامش ردالمحتار باب ما یفسد الصلوۃ و یکره فیہا ج ۱ ص ۶۰۶ - ۶۰۷ ، ط. س. ج ۱ ص ۶۴۸). ظفر

(۱) عن ابی ہریرۃ رضی اللہ عنہ قال قال رسول اللہ ﷺ ان الله تجاوز عن أمتی ما وسوست به صدورہا ما لم تعمل بہ او تتکلم بطق علیہ. (مشکوٰۃ باب الوسوسہ ص ۱۸). ظفر

(۲) ولو نوى الأمانة لا لتحقیقہ بل لیم صلوۃ المقیمین لم یضر عقیما (رد المحتار) فلو اتم المقیمون صلاتهم معہ فسدت لانه القداء المفترض بالتستقل. ظہیرہ، ای اذا قصدوا متابعہ اما لو نواوا مفارقتہ ووافقوہ صورۃ فلا یفسد (ردالمحتار باب صلاۃ المسافر ج ۱ ص ۷۴۱ ، ط. س. ج ۲ ص ۱۳۰). ظفر

ایشان عمل کثیر صادر شده که عند البعض عمل کثیر مقصد است و تفصیل آن در شامی موجود است^(۱). فقط

باترک نمودن اِماله بر مجریها نماز میشود یا نه؟ سوال: (۱۳۶۱) درایت: بِسْمِ اللّٰهِ مَجْرِيهَا اگر اِماله ترک شود نماز میشود یا نه؟

جواب: نماز می شود اما این تخطی قرائت است که با اِماله خوانده نشود. فقط

با دگمهای صلیبی نماز جائز است یا نه؟ سوال: (۱۳۶۲) دگمه های صلیبی که در لباس نصب گردیده باشد همراهش نماز خواندن جائز است یا نه؟ و همچنان این دگمه های صلیبی حلال و پاک است یا نه؟

جواب: نماز صحیح است و صلیب حلال و پاک است^(۲). فقط

با ترک شدن برخی از حصه قرائت نماز میشود یا نه؟ سوال: (۱۳۶۳) رکوع آخرین سوره مزمل در نماز تلاوت شد اما سهواً آیت: وَمَا تَقْدِمُوا، تابه: وَاعْظُمُ اجْرًا، ترک شد آیا نماز درست شده است یا نه؟ و در آن صورت زید اعاده نماز را واجب میگوید.

جواب: نماز درست شده و قول زید صحیح نیست کذا فی الدر المختار و غیره من کتب الفقه^(۳) فقط.

بنا بر فراموشی امام فتحه دادن درست است: سوال: (۱۳۶۴) (۱) امام در نماز جهری: تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ، را تلاوت نمود و متبای از وی فراموش شد و مقتدی برایش فتح داد و امام متبای آیت هارا تلاوت نموده بر کوع رفت و در نهایت سجده سهو و اهماچنان اداء کرد آیا

(۱) و یفسدها کل عمل کثیر لیس من اعمالها ولا اصلاحها (در المختار) الثالث الحركات الثلاث المتواليه کثیر والا فقليل الخ (ردالمحتار باب ما یفسد الصلاه ج ۱ ص ۵۸۳ - ۵۸۴) منی مستغیل القبلة هل یفسد ان قدر صف ثم وقف قدر رکن ثم منی ووقف کذا لک و هكذا لا یفسد وان کثر ما لم یختلف المکان و قبل لا یفسد حالة العز و ان کثر فسدت وان کان مفردا فالعصر موضع سجده لان کان اماما فجاوز موضع سجده فان بقدر ما بینة و بین الصف الذی یلیه لا یفسد وان اکثر فسدت وان کان مفردا فالعصر موضع سجده لان جازوه فسدت والا فلا الخ قوله: لا یفسد حالة العز الخ و القیاس الفساد اذا کثر الخ ثم اختلفوا فی تاویلہ اذا لم یجاوز المصروف او موضع سجده والا فسدت و قبل اذا لم یکن متلاحقا بل خطوه ثم خطوه فلا متلاحقا یفسد وان لم یستدبر القبلة لانه عمل کثیر الخ (ردالمحتار باب ما یفسد الصلوة و ما یکره فیها ج ۱ ص ۵۸۶ - ۵۸۷ . ط . س . ج ۱ ص ۶۲۴ - ۶۲۵). ظفر

(۲) و شعر المینه و عظمها الخ و کذا کل ما لا تحله الحیاة الخ طاهر (الدر المختار علی هامش رد المختار باب المیاء ج ۱ ص ۱۹۰ . ط . س . ج ۱ ص ۲۰۶). ظفر

(۳) و تجب قراءة الفاتحة و ضم السورة او ما یقوم مقامهما من ثلاث آیات قصار او أية طويلة (عالمگیری و اجابات الصلوة ج ۱ ص ۶۶ . ط . ماجلہ ج ۱ ص ۲۷۱). ظفر

نماز امام مقتدی و فتح دہندہ صحیح شدہ یا نہ؟

اگر امام فتح را نگیرد آیا نماز فتح دہندہ فاسد میشود یا نہ؟ سوال: (۱۳۶۵) (۲) اگر

امام فتح را نگیرد آیا نماز مقتدی فتح دہندہ فاسد میشود یا نہ؟

جواب: (۱) نماز مقتدی و فتح دہندہ در این صورت صحیح شدہ و همچنان نیازی برای سجدہ سہرہ نیست و اگر سجدہ سہرہ بنا بر غلطی اداء شدہ باز ہم نماز درست شدہ است کذا فی الدر المختار^(۱).

جواب: (۲) نماز فاسد نمیشود. فقط

در موثر حامل گاوہا کہ در جریان و رفتار باشد در آن نماز جائز است یا نہ؟ سوال:

(۱۳۶۶) در موثر حامل گاوہا کہ در رفتار باشد نماز جائز است یا نہ؟

جواب: در قطار کہ در رفتار باشد نماز جائز است و اما در موثر حامل گاوہا بلا عذر نماز درست نیست^(۲).

نماز غلط خوان درست است یا نہ؟ سوال: (۱۳۶۷) شخص در قرائت: وَلَا الضَّالِّينَ، گوید و یا: رَبُّ الْعَالَمِينَ، الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، گوید نماز درست است یا نہ؟

جواب: درین صورت نماز درست نخواہد شد و حکم اللغو و غیرہ در کتب فقہ باید دید^(۳). فقط
آب کہ در مشک آورده میشود اگر اجرت آن داجہ نشود آیا بر آن آب نماز و وضوء جائز است یا نہ؟ سوال: (۱۳۶۸) در یک مسجد بخاطر وضوء و غیرہ مزدور مقرر میشود کہ آب بیاورد و برایش گفتہ میشود کہ ذخیرہ آب مسجد را بوجہ احسن مملوء و پر کند و اجرت آن برایت دادہ میشود و بعد از مدت یکسال مزدوری آب را مطالبہ می نماید و در آن اثنا بعضی در آن

(۱) بخلاف دفعہ علی امامانہ لا یفسد مطلقاً لفتح و اخذ بکل حال (الدر المختار علی ہاشم و المختار باب ما یفسد الصلوة ج ۱ ص ۵۸۲ ط. س. ج ۱ ص ۶۲۲). ظہر

(۲) و اما الصلوة علی المجلد ان کان طرف المجلد علی الدابة وھی تسیر اولاً تسیر لہی صلوة علی الدابة فنجوز فی حالة العذر المذكور فی الیمم لا فی غیرہا ومن العذر المعرف وطن یحب فیہ الوجه الخ (در المختار) قوله المذكور فی الیمم بان یحاف علی مالہ او نفسہ او نخاف العراء من فاسق (در المختار باب الوتر والاقوال مطلب فی الصلوة علی الدابة ج ۱ ص ۶۵۶ ط. س. ج ۲ ص ۴۰). ظہر

(۳) ولا غیر الا لفتح بہ ای بالفتح علی الاصح کما فی البحر عن المجتبی وحرر الحلی وابن الشحنة انه بعد بذل جہدہ دائماً حتماً کلامی فلا یوم الا مثله ولا تصح صلاتہ اذا امسکہ الاقتداء بمن یحسہ الخ (در المختار) اللغو التحریک قال فی المغرب هو الذي يتحول لسانه من السين الى التاء وقيل من الراء الى العين او اللام الى الياء . زاد فی القاموس اوم حرف الى حرف الخ الا حوٹ عدم الفصح (در المختار باب الامامة. مطلب فی الا لفتح ج ۱ ص ۵۴۴ ط. س. ج ۱ ص ۵۸۱ - ۵۸۲) ظہر

فکر اند کہ مزدوری برایش داده شود و برخی در آن فکر هستند کہ مزدوری برایش داده نشود اکنون آن عدہ کہ وضوء و نماز بر آن نموده اند آیا آن وضوء و نمازها درست است یا نہ؟
جواب: دادن اجرت و مزدوری ساقی کہ آب را آورده است برایش بکار است ^(۱) وضوء و نمازهای ہمہ درست است. فقط

تعطیل نمودن در جلسہ وقومہ: سوال: (۱۳۶۹) در قمرہ و جلسہ نماز جمعہ امام آفتاب درنگ و مکث می نماید کہ در آن مدت یک سورہ کوچک بوجہ أحسن تلاوت شدہ میتواند بناء در نماز با همچو عمل کدام نقصان واقع نمیشود؟

جواب: در این صورت نماز صحیح است و هیچ نقصان در نماز نیامدہ است. ^(۲) فقط
بہ اساسی گاہش رکعت امام نماز ہمہ فاسد میشود: سوال: (۱۳۷۰) در نماز مغرب امام دو رکعت را اداء نمودہ اند و رکعت سوم را اداء نہ کردند آیا نماز درست شدہ است یا نہ؟
جواب: در این صورت نماز امام و مقتدیان درست نشدہ است و اعادہ نمودن از نماز بکار است فقط. ^(۳)

ضم نمودن سورت در ہر چہار رکعت فرائض نماز فاسد نمیشود: سوال: (۱۳۷۱)
 در ہر چہار رکعت نماز عصر ضم سورت نمود آیا نماز بغیر از سجدہ سہوہ میشود یا نہ؟
جواب: نمازش بغیر از سجدہ سہوہ درست شدہ است ^(۴).

اگر مقتدی با امام رکوع نکرد او چہ باید کرد؟ سوال: (۱۳۷۲) مقتدی از ابتداء در نماز شریک است و بنا بر کدام وجہ رکوع نمودن از وی فراموش شد و بعد از آن در سجدہ شریک شد آیا نماز درست شدہ است یا نہ؟

(۱) قال رسول اللہ ﷺ اعطوا الاجیر اجراً قبل ان یحف عرقہ رواہ ابن ماجہ (مسندکۃ باب الإمامۃ ص ۲۵۸). ظہیر

(۲) و تعطیل الارکان ای تسکین الجوارح لدر تسبیحہ فی الركوع والسجود و کذا فی الرکع منہما علی ما اختارہ الکمال (در المختار) ای یجب التعطیل ایضاً فی الرکوع والجلسۃ بین السجدتین الخ (رد المحتار باب صفۃ الصلوۃ مطلب واجبات الصلاۃ ج ۱ ص ۴۳، ط. س. ج ۱ ص ۴۶۴). ظہیر

(۳) واذا ظهر حدث امامہ و کذا کل مفسد فی رأی مقلد یظن فیلزم اعادةها لتضمنها صلاۃ المؤمن صحۃ و لیسوا (در المختار) لئلا قال المصنف کما فی النہر ولو ظهر ان امامہ ما یمنع صحۃ الصلوۃ لکان اولی لیشمل ما لو اخذ بشرط اورکن الخ (رد المحتار باب الإمامۃ ج ۱ ص ۵۵۳، ط. س. ج ۱ ص ۵۹۱). ظہیر

(۴) و اکفی المفترض فیما بعد الاولین بالقائۃ لانہا سئۃ علی الظاہر ولو زاد لا یاس بہ (در المختار) ای لو ضم الیہا سورۃ لباس بہ لان القراءۃ فی الاخرین مشروعة من غیر تقدیر والاتصاف علی القائۃ مستون لا واجب فکان الضم خلاف الاولی وذلک لا ینافی المشروعة والاباحۃ بمعنی عدم الالام فی الفعل والترک (رد المحتار باب صفۃ الصلاۃ فصل تالیف الصلاۃ ج ۱ ص ۴۷۷، ط. س. ج ۱ ص ۵۱۱). ظہیر

جواب: برای آن مقتدی لازم است که اگر در داخل نماز رکوع نکرد بعد از فراغت امام قیام نماید و رکوع کند و سجده سهو نماید در آن وقت نماز خواهد درست شد. ^(۱) فقط

بعد از سلام گردانیدن در مابین نماز نماز فاسد میشود: سوال: (۱۳۷۲) امام سهوا بعد از سه رکعت سلام گردانید و کسی او را فتحه نداد و در آن اثنا فیما بین امام و مقتدیان بسیار گفتگو و کلام شد سپس باقی یک رکعت اداء شد یا چهار رکعت و حدیث کلام منسوخ است یا نه؟

جواب: هرگاه بعد از رکعت سوم سلام گردانید و در میان امام و مقتدیان کلام صورت گرفت بناءا عاده نمودن هر چهار رکعت ضروری است زیرا حدیث کلام یا مؤول است یا منسوخ میباشد و ظاهر آن قابل عمل نیست زیرا کلام منافی نماز است ^(۲) قال الله تعالی: وَكُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ. فقط

سجده سهو قائم مقام رکعت نیست: سوال: (۱۳۷۴) (۱) امام در نماز عشاء بعد از اداء نمودن سه رکعت سهوا بر آن فکر نشست که چهار رکعت کامل شده لکن فوراً برایش یقین حاصل شد که سه رکعت شده است و التحیات لله را تکمیل کرده سجده سهو نمود و بر همان سه رکعت سلام گردانید آیا نماز شد یا نه؟

کسیکه اعاده نمود نماز او درست شده است: سوال: (۱۳۷۵) اگر کسی تنها نماز را اعاده نمود آیا عمل پسندیده شده یا نه؟

جواب: (۱) در آن حالت نماز درست نشده است. ^(۳)

جواب: (۲) اعاده نمودن نماز برای همه ضروری است و کسیکه بتنهائی نماز را اعاده نمود نماز او صحیح شده است. ^(۴) فقط

(۱) و رعایة الترتیب بین القراءة و الركوع و لیسما ینکرر اما لیسما لا ینکرر ففرض کما فی کل رکعة کالسجدة او فی کل الصلوة کعدد صلاتها حتی لو نسی سجدة من الاولی قضاء ولو بعد السلام قبل الکلام لکنه ینشهد لم یسجد للسهر لم ینشهد الخ (الدرا المختار علی هامش رد المحتار باب صفة الصلوة مطلب واجبات الصلوة ج ۱ ص ۴۲۹ و ج ۱ ص ۴۳۲ . ط. س. ج ۱ ص ۴۶۰ و ص ۴۶۳). ظفر

(۲) یسلطها الفکر هو المنظر بحرین اوحرف ولو مفهم الخ عده و سهو قبل قعوده قدر الفشهد سیان الخ و حدیث ذی الیدین منسوخ بحدیث مسلم ان صلاتنا هذا لا یصلح لیسها شیء عن کلام الناس (والفصل فی الشامی) (الدرا المختار علی هامش رد المحتار باب ما یفسد الصلوة و ما یکره فیها ج ۱ ص ۵۷۴ - ۵۷۵ . ط. س. ج ۱ ص ۶۱۳). ظفر

(۳) ثلاثی رکعت یسجد سهو نمیشود لهنذا نماز درست نشد و سجده برای ترک واجب و بغاظر تقدیم و تاخیر آن میباشد: یجب الخ بترک الخ واجب مما مر فی صفة الصلوة سهواً الخ و تاخیر لیس الخ (الدرا المختار علی هامش رد المحتار باب سجود السهر ج ۱ ص ۹۹۳ . ط. س. ج ۲ ص ۷۹ - ۸۰). ظفر

(۴) و اذا ظهر حدث امامه و کذا کل فسد فی رأی مقید بطلت لیلزم اعادةها لتضمنها صلاة المأتم صحة و فسادا کما یلزم الامام اخبار القوم اذا امهم وهو محدث او جنب او فائد شرط او رکن (الدرا المختار علی هامش رد المحتار باب الامامة ج ۱ ص ۵۵۳ . ط. س. ج ۱ =

همزه وسین اگر غلط اداء شود آیا نماز فاسد میشود یا نه؟ سوال: (۱۳۷۶) زید در نماز در سورة قیامة: لَسَانِكَ بِه، را بهمزه تلاوت نمود و همچنان در: وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ بَاسِرَةٌ، بجای (بَاسِرَةٌ) (بَاصِرَةٌ) تلاوت نمود آیا درین صورت نماز فاسد میشود یا نه؟

جواب: در آن هر دو صورتین نماز درست شده است و لِسَانُكَ را هموز تلاوت نمودن لحن فی الاداء است و معنی متغیر نمیشود و اما در معنی (بَاسِرَةٌ) و (بَاصِرَةٌ) فرق است لکن این فرق شکننده نماز نیست زیرا قسمیکه: وَجُوهٌ بَاسِرَةٌ، شدید العبوس میباشد همچنان (بَاصِرَةٌ) نیز میباشد یعنی کسیکه بیننده نیز همانطور میباشد فلا فساد^(۱) الخ. فقط

طریقه فتنه دادن چگونه است؟ سوال: (۱۳۷۷) اگر امام در نماز سهو شد پس طریقه فتنه دادن برای امام چگونه است؟

جواب: با گفتن سبحان الله برای امام فتنه باید داده شود^(۲). فقط

اگر امام التحیات را ترک نماید و قیام ورزد، او را با (التحیات) گفتن یاد دهانی نمودن

چگونه است؟ سوال: (۱۳۷۸) اگر در قعده اولی از امام التحیات فراموش شد و در صدد قیام بود که مقتدی برایش با گفتن (التحیات) بیادش نمود پس آیا در نماز کدام جرح واقع میشود؟

جواب: در این صورت گفتن سبحان الله بکار است و اگر لفظ التحیات را بگوید نیز نماز صحیح است.

فتحه دادن با سبحان الله از حدیث ثابت است: سوال: (۱۳۷۹) یک شخص بر سهو امام

در هر موقع گفتن سبحان الله را الفضل میگوید آیا این امر از حدیث ثابت است یا خیر؟

جواب: در حدیث شریف بعینه همانطور وارد شده است^(۳). فقط

در وقت رفتن بسجده یا جامه یا ازار را بکنند نموده منفسد صلاة است یا نه؟ سوال:

۱- ص ۵۹۱، ظفر

(۱) و منها القراءة بالاحسان إن غير المعنى وإلا لا (در مختار) ای وإن لم يغير المعنى فلا فساد الخ (رد المحتار باب ما يفسد الصلوة ج ۱ ص ۵۸۹، ط. س. ج ۱ ص ۶۳۰) او بدله بآخر الخ لم يفسد مالم يتغير المعنى (الرد المحتار على هامش رد المحتار باب ايضا ج ۱ ص ۵۹۲، ط. س. ج ۱ ص ۶۳۳)، ظفر

(۲) او بدله باليسح لما روينا من قبل، هداية، قوله: لما روينا من قبل يعني قول النبي ﷺ إذا نأت أحدكم نائة وهو في الصلوة ليسح (حاشیه هداية ص ۱۲۴ باب ما يفسد الصلوة)، ظفر

(۳) قال عليه الصلوة والسلام والتسبح للرجاء وللصفيق للنساء (رد المحتار باب شروط الصلوة ج ۱ ص ۳۷۷، ط. س. ج ۱ ص ۴۰۶)، ظفر الدين غفر الله له

(۱۳۸۰) اگر کسی در نماز در وقت رفتن بسجده با هر دو دست ازار خود را بلند نماید آیا این فعل در عمل کثیر داخل است یا نہ؟

جواب: این عمل در فعل کثیر داخل نیست و همچنان مفسد صلاۃ نیز نمیباشد البتہ همچو عمل پسندیدہ نیست ^(۱) فقط

نماز فرض عشاء را بی وضوء اداء نمود، سنت ووتر را با وضوء آیا سنت را نیز اعادہ

نماید؟ سوال: (۱۳۸۱) اگر بنا بر فراموشی نماز فرض عشاء را بی وضوء اداء نمود و اما سنت ووتر را با وضوء اداء نماید و در همان اثناء بیادش آید بناء با فرض اعادہ نمودن بسنت بکار است نہ از وتر بنزد امام صاحب رح و بنزد صاحبین اعادہ وتر را نیز باید کرد وجہ و دلیل آن چیست؟

جواب: این مسئلہ اداء نمودن نماز در داخل وقت است، و اما وجہ اعادہ نمودن سنت وعدم اعادہ نمودن وتر موافق مذهب امام اعظم آنست، و قتیکہ فرض عشاء درست نشده ناگزیر با اعادہ نمودن فرض اعادہ نمودن سنت نیز باید بشود زیرا سنت تابع فرض است و اما وتر چونکہ واجب مستقل است و با وضوء اداء شدہ است بناء اعادہ نمودن آن ضروری نیست و اما صاحبین رح چونکہ وتر را سنت میگویند فلہذا ایشان حکم بہ اعادہ نمودن وتر را نافرض نیز می نمایند و صور مسئلہ آنست کہ بعد از نماز در داخل وقت بیادش آید و اگر بعد از مرور وقت بیادش آمد پس تنها فرض عشاء را اداء نماید ^(۲) فقط

بیائش اسیر نماز دوست است یا نہ؟ سوال: (۱۳۸۲) هل تجوز الصلوة علی الموائد اللتی تزين بخلصة الخمر أم لا ؟

جواب: ما كان فيه إختلاط بخلصة الخمر (سہرت) فهو نجس لا تجوز الصلوة عليه بلا بسط اللوب الطامر. فقط ^(۳)

فتح دافن لاحق دوست است؟ سوال: (۱۳۸۳) در نماز وضوء یک مقتدی شکست و قتیکہ

(۱) و بسمعا کل عمل کثیر لیس من اعمالہا ولا لإصلاحہا ولہ الوال عیسة اصحابہا ما لا یشک سببہ الباطرین من بعد فی فاعلہ آنہ لیس لہا وإن شک آنہ لہا ما لا، للقلیل (در مختار) القول الثاني أن ما يعمل عادة باليدین کثیر وإن عمل بواحد الخ و ما عمل بواحدة للقلیل وإن عمل بهما کحل السراويل الخ (رد المحتار باب ما یفسد الصلوة ج ۱ ص ۵۸۴، ط. س. ج ۱ ص ۶۲۴ - ۶۲۵). ظہیر

(۲) و علی هذا إذا صلی العشاء ثم توضأ و صلی السنة و الوتر ثم تبین أنه صلی العشاء بغير طهارة فمعه بعد العشاء و السنة دون الوتر فإن الوتر فرض علی حدة عنده و عندهما بعد الوتر ایضا لکونه تبعاً للعشاء و الله اعلم. (هدایہ باب قضاء الفوائت ج ۱ ص ۱۳۹). ظہیر

(۳) و بہ یعلم أن ما یستقطر من ردی الخمر و هو المسمى بالعرقی فی ولاية الروم نجس حرام کسائر أصناف الخمر (رد المحتار باب الانحسان مطلب العرقی الذی یسفي من ردی الخمر ج ۱ ص ۳۰۰، ط. س. ج ۱ ص ۳۲۵). ظہیر

بخاطر وضوء کردن رفت و خارج نماز کدام فعل منافی نماز را انجام نموده اکنون امام سهو شده وضوء کننده برایش فتحه داد در حالیکه خارج از مسجد بود اکنون شاه صاحب نوشته است که در نماز کدام نقصان وارد نمیشود و شما نوشته اید که نماز درست نیست؟

جواب: با فتح دادن لاحق و گرفتن امام فتح او را در نماز هیچ خلل واقع نمیشود و همان صحیح است ^(۱) زیرا که او حکما امام است برای لاحق و برای امام فتح دادن و رفتن در نماز کدام فساد نمی آید. و نگارش قبلی بیادام نیست و شاید که آن نوشته در آن صورت باشد که لاحق کدام عمل مفسد صلاۀ را انجام داده باشد فقط.

تنها بخاطر حسن صوت سلفه نمودن مفسد صلاۀ است یا خیر؟ سوال: (۱۳۸۴) اگر امام بدون عذر در نماز حنجره خود را تنها بخاطر زینت بخشیدن صوت تازه نمود که به سه بار میرسید بناء با تنحنح نمودن نماز فاسد میشود یا نه؟

جواب: قال فی الدرالمختار: والتحنح بلا عذر الخ فلو لتحسين صوته الخ فلا فساد علی الصحيح ^(۲) پس معلوم گردید از عبارات فوق که برای تحسین صوت تنحنح نمودن نماز فاسد نمیشود خواه سه مرتبه باشد یا کم و بیش باشد: لا طلاق الروایة.

اگر در جنگل نماز خوان ستره را نصب نکند از کدام جای عبور نمودن بکار است؟ سوال: (۱۳۸۵) اگر یک شخص در مسجد یا جنگل نماز اداء می نماید و ستره را نصب ننموده پس تا به کدام حد از پیش روی او عبور نمودن بکار نیست؟

جواب: در جنگل نظر نماز خوان تا به کدام حدی که می رسد ازان به پیش از پیش روی او رفتن درست است ^(۳). فقط

با شنیدن صدای تفنگ اگر از دهن نماز خوان إلا الله بیرون شود آیا نماز میشود یا نه؟ سوال: (۱۳۸۶) یک شخص نماز اداء می نمود که ناگهان بگوشش صدای تفنگ یا مرمی آمد

(۱) واللاحق من فاتته الركعات كلها اربعضها لكن بعد التذاته الخ وحكمه كمؤتم الخ (ایضاً باب الامامة ج ۱ ص ۵۵۷، ط. س. ج ۱ ص ۵۹۴). ظفر

(۲) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب ما یفسد الصلوة وما یکره فیها ج ۱ ص ۵۷۸، ط. س. ج ۱ ص ۶۱۸، ط.

(۳) ولا یفسدها نظره الی مکتوب الخ ومرور مار فی الصحراء ولی مسجد کبیر بموضع سجوده فی الاصح مرور بین بدیه الخ فی بیت ومسجد صهر الخ وان الم المار فی ذالک المرور لو بلا حائل الخ (درالمختار علی هامش ردالمحتار باب ما یفسد الصلوة وما یکره فیها ج ۱ ص ۵۹۳، ط. س. ج ۱ ص ۶۳۴ - ۶۳۶). ظفر

وبلا اختیار از دهن او إلا الله خارج شد آیا در این صورت نماز فاسد میشود یا خیر؟ وهمچنان لفظ
الا الله بغیر از ذکر نمودن لا إله جاتز است یا نه؟

جواب: قال فی الدرالمختار: ولو سقط شیء من السطح قَبَسَمَلَّ او دَعَى لاحد او علیه فقال آمین
تفسد ولا یفسد الكل عند الثاني والصحيح قولهما الخ ، وفي رد المحتار قوله: فبسمَلْ یشكل
علیه ما فی البحر لو لدغته عقرب او اصابه وجع فقاجل بسم الله قبل افسد لانه كالامین وقيل لا
لانه ليس من كلام الناس. وفي النصاب علیه الفتوى وجزم به فی الظهيرية وكذا لو قال یا رب كما
فی الذخيرة ^(۱) الخ، پس معلوم شد که در صورت بسمله راجع عدم فساد نماز است، و ذکر إلا
الله بدون لا اله در میان صوفیان کرام معروف و رائج است و درست است زیرا مقصود در آن اثبات
بعد النفی است فلهمذا بخاطر برآورده نمودن آن مقصد صوفیان کرام و قتیکه ذکر می نمایند
نخست ایشان کاملاً کلمه لا إله الا الله را میگویند و سپس با نفی اول کلمه اثبات را یکجا و پیهم
می نمایند و این سخن ظاهر است که مقصد اصلی از إلا الله همین میباشد که هیچکس معبود
و مقصود بغیر از الله (ج) نه نیست. فقط

در نماز جمعه فتحه دادن درست است یا نه؟ سوال: (۱۳۸۷) زید در نماز جمعه امام بود
و او سورت هل آتی الخ شروع نمود و در آخر سهو شد بکر که مقتدی بود برایش فتحه داد بناء
در این صورت نماز درست شده است یا نه؟

جواب: در این صورت نماز درست شده ایست. ^(۲)

در حالت خوف در کجاوه نماز درست میشود یا نه؟ سوال: (۱۳۸۸) (۱) کدام قافله که از
مکه مکرمه به مدینه منوره میرود پس اگر از شغدف یا از کجاوه پائین شود از قافله دور میشود
که در آن حالت خوف هلاکت جان میباشد فلهمذا اداء نمودن نماز عصر در کجاوه چگونه است؟
در وقت مکث نمودن قافله در کجاوه نماز خواندن چه حکم دارد؟ سوال: (۱۳۸۹) (۲)
در وقت مغرب قافله لحظات درنگ و مکث می نماید و سائر آنکسان بر زمین نماز را اداء می
نمایند اما بعضی حجاج از شغدف یا کجاوه پائین میشوند و استنجاء و وضوء میکنند و سپس میروند

(۱) رد المحتار باب ما یفسد الصلاة وما یکره فیها ج ۱ ص ۵۸۱ ، ط. س. ج ۱ ص ۶۲۱ - ۶۲۲ . غیر

(۲) بخلاف فتحه علی امامه لانه لا یفسد مطلقاً لقاتح وأخذ بكل حال (الدرالمختار باب ما یفسد الصلاة وما یکره فیها ج ۱ ص ۵۸۲ ، ط.

س. ج ۱ ص ۶۲۲) وایضا مطالعه کنید: عالمگیری کشوری ج ۱ ص ۹۸. ظفر

و در کجاوه نماز را اداء می کنند آیا این عمل جائز است یا نه؟

دروقت شب در کجاوه نماز درست است یا نه؟ سوال: (۱۳۹۰) (۳) نماز عشاء را شوافع

دروقت مغرب اداء می نمایند و این وقت بسیار خوفناک میباشد.

نماز فجر در شغف یا کجاوه درشت میشود یا نه؟ سوال: (۳۹۱) (۴) در وقت فجر

همچنان مانند عصر بعضی رفقاء از شتران پائین میشوند و نماز را اداء میکنند و اکثر ایشان در کجاوه اداء می نمایند.

نماز عشاء و ابوجه عذر بی وقت اداء نمودن چگونه است؟ سوال: (۱۳۹۲) (۵) در سفر

در برخی فاصله های کوچک در نصف شب قبل از طلوع صبح صادق قیام میشود و در این صورت بعضی مردم در نماز عشاء تاخیر می ورزند و بعد از مواصلة نمودن بمنزل نماز اداء می نمایند و اما اکثر مردم بنا بر وقت موعوده در کجاوه نماز را ادا می نمایند.

جواب: (۱) به اساس عذر مذکور در کجاوه نماز صحیح است^(۱).

جواب: (۲) در این وقت در کجاوه نماز خواندن صحیح نیست.

جواب: (۳) در این وقت نیز همچنان در کجاوه نماز صحیح است.

جواب: (۴) حکم این نیز مانند پاسخ نخستین است.

جواب: (۵) آن عده مردم که بخلا انتظار منزل در کجاوه نماز اداء می نمایند نماز ایشان همچنان

صحیح است. کذا حققه فی الشامي^(۲) فقط. اکنون نه مصیبت کجاوه است و نه راه خوفناک و خطرناک میباشد و الان حجاج کرام بذریعه موتر میروند و با جماعت نماز را اداء کرده میتوانند و در کجاوه اداء نمودن نماز فرض درست نخواهد باشد زیرا عذر باقی نمانده است. ظفر

اگر زن در پیلوی مرد ایستاده شود چه حکم دارد؟ سوال: (۱۳۹۳) یک زن اگر در ظهر

و عصر نمازهای پنج وقت بپاید و در جماعت با مردان یکسان هموار قیام ورزد آیا نماز مردان درست میشود یا نه؟

(۱) و اعلم ان ما عدا الف من الفرض والواجب بانواعه لا یصح علی الدابة الا للضرورة کحرف لیس علی نفسه او دابة او ثیابه او ثمل و خوف سب و طین و نحوه مما ینافی بالصلاة علی المحمل الذی علی الدابة کالتصلاة علیها فیوم علیها (رد المحتار باب الوتر والوافل مطلب الصلاة علی الدابة ج ۱ ص ۶۵۵ ط. س ج ۲ ص ۴۰) اکنون در حجاز مقدس این نوع خطر باقی نمانده است و نه سفر نمودن بر کجاوه رائج است. ظفر

(۲) الدرالمختار علی هامش رد المحتار باب ما یجسد الصلاة و ما یکره لیه ج ۱ ص ۵۸۳ ط. س. ج ۱ ص ۶۲۳. ظفر

جواب: در همچو صورت هر کسیکه از مردان بالغ بود و در پهلوی این زن هموار یکسان ایستاده باشد نماز او نمیشود کذا فی الدرالمختار: واذا حاذته ولو بعض واحد الخ امرأة مشتهاة الخ فسدت صلوته لو مکلفاً.^(۱)

اگر مصحف را نظر کرده نماز خواند چه حکم دارد؟ سوال: (۱۳۹۴) در نماز تراویح یک نفر بعقب امام نشسته و قرآن شریف را در دست باز نموده و برای مقتدی نزدیک خویش که نظراً بر قرآن مجید إصابت کرده باشد همراهش در مطالعه قرآن مجید معاونت می نماید و او قرآن مجید را مشاهده نموده و برای امام فتحه میدهد و این شخص رهنمائی کننده قرآن در یک رکعت با جماعت نیز شریکت نمی ورزد، هرگاه امام در رکعت دوم رکوع می نماید او همراهش شریک میشود و یک رکعت را بعد از آن تنها اداء می نماید آیا به این طریق نماز فاسد نمیشود؟

جواب: در الدرالمختار مذکور است: وقرآته من مصحف، و فاسد می نماید نماز نماز خوان را قرائت نمودن از مصحف شریف پس آن صورتیکه در سوال درج است در آن همچنان اندیشه فساد صلاة است بناءً چنین نباید کرد.

بعد از قعدۀ اخیر با گفتن السّلام علیکم فتحه دادن چگونه است؟ سوال: (۱۳۹۵) (۱) امام در نماز چهار رکعتی در قعدۀ اخیر سلام نگردانید و قیام نمود و زید برای امام السّلام علیکم گفت پس در آن صورت نماز زید قائم باقی مانده یا نه؟

رکعت دوم را اگر قعدۀ آخر پندارد و فتحه بدهد چه حکم دارد؟ سوال: (۱۳۹۶) (۲) امام نماز سه رکعتی را امامت داد و برای زید در قعدۀ رکعت دوم چنان فکر و اندیشه عارض شد که این شاید رکعت سوم باشد و خواست که امام را بلفظ السّلام علیکم یا تنها بگفتن السّلام بنشانند بناءً در این صورت نماز زید قائم باقی مانده یا نه؟

جواب: (۱ و ۲) در این هر دو صورتها در نماز زید کدام خلل واقع نمیشود زیرا هدف او برای امام تلقین دادن بود یعنی این وقت گردانیدن سلام است و همچنان در قعدۀ آخر وقت نشستن است البته در همچو موقع برای زید سبحان الله گفتن بکار بود^(۳) لکن با گفتن لفظ السّلام الخ نیز در نماز

(۱) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الإمامة ج ۱ ص ۵۳۴ - ۵۳۵ . ط. س. ج ۲ ص ۵۷۲ - ۵۷۵ . طبر

(۲) قال رسول الله ﷺ من تأبه شيء في صلوة لم يسبح فانه اذا سح التفت اليه وانما التصديق للسنة رتب. لرایه ج ۲ ص ۷۶ . طبر

کدام خلل و فساد نیامد.

با چیغ زدن درحالت خمیازه نماز فاسد میشود یا نه؟ سوال: (۱۳۹۷) هر شخصیکه آنقدر

با خمیازه آواز رابلند نماید که صدای او را خارج از مسجد بشنوند آیا نماز او میشود یا نه؟
و همچنان اگر آن شخص بوجه درد شدید چیغ زد چه حکم خواهد داشت؟

جواب: درخمیازه نمودن آواز بلند شدن نماز را فاسد نمی نماید و اما بسبب درد یا مصیبت با صدای بلند چیغ زدن و گریان نمودن مقصد صلاۃ است کذا فی الدرالمختار^(۱).

نماز خواندن بر مکان دو منزله درست است؟ سوال: (۱۳۹۸) بر مکان دو منزله نماز

خواندن جائز است یا نه؟

جواب: جائز است.^(۲)

اگر امام در سجده فوت شود پس مقتدیان چه باید کرد؟ سوال: (۱۳۹۹) اگر درحالت

سجده وفات شد پس مقتدیان چگونه نماز را تکمیل نمایند؟

جواب: این نماز فاسد شده و از سر نو کسی دیگر را امام بسازند و مجدداً نماز را اداء نمایند.

نماز خواندن بر شتر درست است یا نه؟ سوال: (۱۴۰۰) در وقت سفر حجاز بر شتر نشسته

نماز جائز است یا نه؟

جواب: بسفر حجاز بر شتر نشسته نماز خواندن درست نیست^(۳) لکن فتویٰ علماء احناف

حرمین شریفین بر آنست که در آنجا جمع بین الصلاة نمودن درست است مثلاً در وقت مغرب

قافله استراحت می ورزند اگر در وقت عشاء پائین شدن دشوار باشد پس در وقت مغرب بعد

از نماز مغرب نماز عشاء را نیز اداء کرده میتوانند و همچنان بهماتطور ظهر و عصر را جمع کرده

(۱) والیکاه بصوت یحصل به حروف لوجع او مصیبه فیہ للاربعه الا لمریض لا یملک نفسه عن ان ینزل و تارة لانه یجئد کمطاس و سعال و جشاء و تالاب وان حصل حروف للضرورة و الدرالمختار علی هامش و الدرالمختار باب ما یفسد الصلاة و ما یکره فیها ج ۱ ص ۵۷۹، ط. س. ج ۱ ص ۶۱۹، ظفر

(۲) زیرا دو منزله در حکم زمین است در مورد محل فقهائ می نویسند: لا تجز الصلاة علیها اذا كانت واقفة الا ان تكون عیدان المحمل الارض بان کثر تحته عشبۃ و در المختار و هذا لو بحث بقی قرار المحمل علی الارض الخ فیصیر بمنزلة الارض فصیح القرعۃ فیہ فانما و در المختار باب الوتر و التوالل ج ۱ ص ۹۵۹، ط. س. ج ۲ ص ۴۰، ظفر

(۳) و اذا ظهر حدث امامه و کذاکمل مفسد فی رأی مقتد بطلت فیلزم اعادتها لنفسها صلاة الموم صحۃ و لفساد و در المختار و اشار به الی حدیث الامام شامخ الخ و در المختار باب الامامة ج ۱ ص ۵۵۳، ط. س. ج ۱ ص ۵۹۱، بقی من المفسدات اورداد بلبله و موت و حزن الخ و کل موجب لوضوء و در المختار) قوله و موت الاول تظهر لمره فی الامام لو مات بعد القعدة الاخيرة بطلت صلاة المقتدین به فیلزمهم استیفاءها و در المختار باب ما یفسد الصلاة الخ ج ۱ ص ۵۸۸، ط. س. ج ۱ ص ۶۲۹، ظفر

میتوانند^(۱) فقط

مسائل زلة القاری

(یعنی لغزش های قرائت کننده)

اگر بجای: اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی نَبِیِّکُمْ وَاٰلِہٖ وَسَلَّمَ یا نہ؟ سوال: (۱۴۰۱) یکنفر در نماز بجای: **اِنَّ اِلٰہَنَا اِیَّاهُمْ (۲۵) ثُمَّ اِنَّ عَلٰی حِسَابِهِمْ،** چنین گفت: **اِنَّ اِلٰہَنَا اِیَّاهُمْ (۲۵) ثُمَّ اِنَّ عَلٰی حِسَابِهِمْ،** آیا نماز میشود یا نہ؟

جواب: در: **اِنَّ اِلٰہَنَا اِیَّاهُمْ،** اگر: **اِنَّ اِلٰہَنَا اِیَّاهُمْ** سهوا بگوید نمازش میشود زیرا باهمجو گفتن کدام تغییری و فرقی در معنی نیامده^(۲) فقط

در قرائت اگر بجای: **مِنَ الظُّلُمَاتِ اِلَى النُّورِ،** بطریق قلب مکان تلاوت شود آیا نماز فاسد میشود یا نہ؟ **سوال:** (۱۴۰۲) یک نفر در نماز آیت کریمه: **اَللّٰهُ وَلِیُّ الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا یُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ اِلَى النُّورِ وَالَّذِیْنَ کَفَرُوْا اُولٰٓئِہُمْ الطَّاغُوتُ یُخْرِجُوْنَهُمْ مِنَ النُّورِ اِلَى الظُّلُمَاتِ،** در آن هر دو مکان سهوا یعنی بجای **(مِنَ الظُّلُمَاتِ اِلَى النُّورِ)** و بجای **(مِنَ الظُّلُمَاتِ اِلَى النُّورِ)** قرائت نمود آیا در این صورت نماز صحیح شده یا نہ؟

جواب: در این صورت نماز درست نشده زیرا این غلطی مفسد معنوی است و در آن نماز صحیح نمیشود^(۳) فقط

اگر بعد از مقدار واجب آیت را ترک نمود چه حکم دارد؟ سوال: (۱۴۰۳) در نماز قرائت مسنونہ را کرده بود و بعد از آن در میان سهوا یک آیت کوچک را ترک نمود آیا نماز درست شده یا نہ؟

(۱) و یقتل المقيم راکبا خارج المصر (رد المحتار) واحتیج بالقل عن الفرض والواجب باتواعه کالوتر والمنفور وما نزم بالشروع والالساد وصلاة الجنابة وسجدة ثلث على الارض فلا يجوز على الدابة بلا عذر لعدم الحرج (رد المحتار باب الترتي والحوال مطلب في الصلاة على الدابة ج ۱ ص ۶۵۴، ط. س. ج ۱ ص ۳۸)، ظفر

(۲) ومنها ذکر کلمة مکان کلمة على وجه البدل ان كانت الكلمة التي قراها مکان کلمة يقرب معناها وهي في القرآن لا نفس صلوته (عالمگیری مصری کتاب الصلوة الباب الرابع ج ۱ ص ۷۴، ط. ماجدیہ ج ۱ ص ۸۰)، ظفر

(۳) وان كان في القرآن ولكن لا يظن انهما في المعنى نحو فراء وعدا علينا انكنا (خالفين) مکان (ناعلين) ونحوهما لو اعتقدہ مکفر تفسد عند عامة مشائخنا وهو الصحيح من ملحق ابي يوسف هكذا في الخلاصة (عالمگیری مصری زلة القاری ج ۱ ص ۷۵، ط. ماجدیہ ج ۱ ص ۸۰)، ظفر الدين

اگر یک لفظ ترک شود: سوال: (۱۴۰۴) در آیت: وَكَلَّمَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ،

اگر در آن سہرا (أَنْتَ) ترک شود آیا نماز میشود یا نہ؟

اگر تخطی اعرابی شود چه حکم دارد؟ سوال: (۱۴۰۵) اگر (مَا ضَعَفُوا) را (وَمَا ضَعَفُوا)

تلاوت نمود آیا نماز درست شدہ یا نہ؟

جواب: (۱) اگر معنی متغیر نشود نماز درست شدہ و اگر معنی متغیر شدہ پس نماز نیز درست

نشده خواہ بمقدار فرض قرائت را خواندہ خواہ نخواندہ باشد^(۱). فقط

جواب: (۲) نماز صحیح است^(۲).

جواب: (۳) این غلطی است اما نماز درست شدہ است^(۳). فقط

اگر بجای ثاء شین تلفظ شود آیا نماز درست میشود یا نہ؟ سوال: (۱۴۰۶) زید امام جمعہ

بود و در سورت اعلیٰ (فَجَعَلَهُ غَنَاءً أَحْوًی) را (عُشَاءً أَحْوًی) یعنی بجای (ثاء) شین تلفظ کرد آیا

نماز او جائز است یا نہ؟

جواب: در این صورت نماز فاسد نخواہد شد کما فی الشامی و شرح قوله او بدلہ باخر، فإذا لم

یغیر المعنی الخ لا تفسد^(۴). فقط

اگر بجای (آیاتہ) (آیاتنا) بگوید چه حکم دارد؟ سوال: (۱۴۰۷) قاری صاحب در روز جمعہ

در رکعت اول نماز چنان سہوہ شد کہ بجای کلمۃ (آیاتہ) سورۃ جمعہ (آیاتنا) تلفظ نمود در این

صورت نماز صحیح شدہ یا نیازی بہ اعادہ نمودن نماز است و همچنان در میان (آیاتہ) و (آیاتنا)

کدام فرق معنوی موجود است؟

جواب: در این صورت نماز درست شدہ و ضرورت بہ اعادۃ نماز نیست اترّ چه درما بین (آیاتہ)

و (آیاتنا) فرق معنوی موجود است لکن در این موقع مطلب ہر دو طریقہ صحیح است^(۱) چنانچہ

بہر ذلک اہل بلاغت التفات از غائب بسوی تکلم یک تزیین و خوبی دانستہ میشود و در قرآن مجید

(۱) ان الخطأ فی القرآن اما ان یکون فی الاعراب الخ اوی الحروف الخ او زیادہ او نقص الخ او فی الکلمات اوی الحمل کذلک الخ والقاعدۃ عند المتقدمین ان ما غیر تعصیراً یکون اعتقادہ کفر یا فسد فی جمع ذلک (غنیۃ المستملی ص ۴۴۶). طبع

(۲) قال فی شرح المبیۃ وان ترک کلمۃ من آیۃ فان لم یغیر المعنی مثل حزاء سینۃ مثلها بترک سینۃ الثانیۃ لا تفسد (رد المحتار زلۃ القاری ج ۱ ص ۵۹۱، ط. س. ج ۱ ص ۶۳۰). طبع

(۳) وصہا زلۃ القاری فلو فی اعراب او تحلیف الخ لم تفسد (رد المحتار) فلو فی اعراب ککسر قوامۃ وفتح باء تعید مکان صہا الخ وکذا لفساد مطر المدورین بکسر الفاء واما ک بعد بکسر الکاف (رد المحتار ج ۱ ص ۵۹۰، ط. س. ج ۱ ص ۶۳۰ - ۶۳۱). طبع

(۴) رد المحتار باب ما یفسد الصلوۃ الخ مطلب فی زلۃ القاری ج ۱ ص ۵۹۲، ط. س. ج ۱ ص ۶۳۳ طبع

در بسیاری موارد التفات واقع شده است. فقط

لفظ (أَنَا) بآبائات الف خواندن چگونه است؟ سوال: (۱۴۰۸) لفظ (أَنَا) ضمیر متکلم که در رسم الخط کلام پاک بآبائات الف است اگر درحین قرائت همچنان بآبائات الف خوانده شود مثلاً (أَنَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ) الایه، پس اکنون این نماز چه حکم دارد؟

جواب: (أَنَا) را بآبائات الف خواندن اگر چه نماز میشود اما این لحن فی القرائت میباید^(۲). فقط اگر در فتح و کسره غلطی شود آیا نماز فاسد میشود یا نه؟ سوال: (۱۴۰۹) زید در پاره چهارم لفظ (مُنْزِلِينَ) را که در رکوع چهارم است بفتح خواند آیا نماز جائز است یا نه؟
جواب: در این صورت نماز درست شده^(۳). فقط

اگر امام بعد از اندک قرائت خواندن بند شد سپس از آن به پیش برود آیا نماز درست خواهد شد یا نه؟ سوال: (۱۴۱۰) امام آغاز به قرائت نمود و بعد از قرائت نمودن یک یادو آیت بند میشود و برخی از الفاظ را ترک نموده و از آیت بعدی قرائت خواندن را شروع نمود آیا نماز جایز باشد یا نه؟

جواب: نماز جائز است^(۱). فقط

با غلطی امام بر مقتدی قاری هیچ اثر نمی افتد؟ سوال: (۱۴۱۱) اگر از امام ناظره خوان غلطی شود آیا نماز مقتدی قاری درست میشود یا نه؟

جواب: اگر چنان غلطی نکرده باشد که بر آن نماز فاسد میشود پس نماز مقتدی قاری نیز درست میشود. فقط

اگر آیت وابدل خواند چه حکم دارد؟ سوال: (۱۴۱۲) اگر یک نفر در نماز بجای (بَلْ يُرِيدُ

(۱) ولو زاد كلمة او نقص حرفا او لدمه او بطله بأخر الخ لم يفسد ما لم يتغير المعنى الخ (رد المحتار على هامش رد المحتار باب ما يفسد الصلوة الخ مطلب زلة القاري ج ۱ ص ۵۹۱، ط. س. ج ۱ ص ۶۳۲ - ۶۳۳). ظهير

(۲) ومنها القراءة بالحنان ان غير المعنى والألا، الأ في حروف مد ولين اذا فحش والألا، (رد المحتار على هامش رد المحتار، باب ما يفسد الصلوة، مطلب مسائل زلة القاري ج ۱ ص ۵۸۹، ط. س. ج ۱ ص ۶۳۰). ظهير

(۳) ومنها زلة القاري للو في اعراب الخ لم يفسد وان غير المعنى به يفتي، بزاوية (رد المحتار) قوله: للو في اعراب الكسر فواما مكان فتحها وفتح باء تعبد مكان ضمها الخ (رد المحتار باب ما يفسد الصلوة مطلب مسائل زلة القاري ج ۱ ص ۵۸۹ - ۵۹۰، ط. س. ج ۱ ص ۶۳۱ - ۶۳۲). ظهير

(۴) ولو زاد كلمة او نقص كلمة الخ لم يفسد ما لم يتغير المعنى (رد المحتار) قوله نقص كلمة ولم يسل له الشارح قال في شرح المنية وان ترك كلمة من آية فان لم يتغير المعنى مثل وجزاء ستة ستة مثلها يترك ستة الثانية لا يفسد (رد المحتار باب ما يفسد الصلوة مسائل زلة القاري ج ۱ ص ۵۹۱، ط. س. ج ۱ ص ۶۳۲ - ۶۳۳). ظهير

الْإِنْسَانُ لِفَجْرٍ أَمَامَهُ) چنین بگوید (بَلْ يَرِيدُ أَنْ لَنْ تَجْمَعَ عِظَامَهُ) آیا نمازش صحیح شده است یا نه؟

جواب: نمازش درست خواهد شد ^(۱). لفظ

در اخلاص (اللَّهُ الصَّمَدُ) را ترک نمود آیا نماز درست شده است یا نه؟ سوال: (۱۴۱۳)

امام (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ) را خواند و (اللَّهُ الصَّمَدُ) را ترک نموده سجده سهو کرد آیا نماز درست شده است یا نه؟

جواب: نماز درست شده است ^(۲). فقط

اگر در مابین قرائت کدام لفظ ترک شود که معنی را متغیر ننماید هیچ کراهت ندارد:

سوال: (۱۴۱۴) اگر از امام در ما بین قرائت یک آیت ترک شود آیا نماز میشود یا نه؟

جواب: نماز بغیر از کراهت صحیح شده است بشرطیکه معنی متغیر نشده باشد. فقط

بعد از سه آیت تلاوت نیز با غلطی مقصد صلاة نماز فاسد میشود: سوال: (۱۴۱۵) اگر

امام بعد از تلاوت بیشتر از سه آیات مرتکب غلطی فاحش مقصد صلاة بشود آیا نماز فاسد میشود یا نه؟

جواب: غلطی مقصد صلاة در هر وقت که در نماز عارض شود نماز فاسد میگردد ^(۳) البته اگر غلطی مذکور تلافی کرده و دوباره اعاده نماید و صحیح تلاوت کند پس نماز درست خواهد شد.

اگر در قرائت کدام لفظ باقی بماند نماز میشود یا نه؟ سوال: (۱۴۱۶) در رکعت دوم نماز

جمعه اگر یک نفر آیت: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ، را تا به آخر تلاوت نمود و بعد از لفظ (نُودِيَ) عمداً لفظ (لِلصَّلَاةِ) خوانده نشد و قنیه سلام گردانیده شد بعد از آن برایش گفته شده پس جواب داد که آیت طولانی بود بناءً آنرا ترک نمودم فلماذا در آن صورت نماز درست شده است یا نه؟

جواب: دراین صورت نماز درست شده اما بعد از (نُودِيَ) عمداً لفظ (لِلصَّلَاةِ) را ترک نمودن غلط است و این جهالت و غلطی امام است که همچو تأویل رکیک را می نماید زیرا برای امام

(۱) او قدمه او بدله یا آخر الخ لم یفسد المعنی (والدر المختار علی هامش رد المحتار ج ۱ ص ۵۹۱، ط. س. ح. ۱ ص ۶۳۳). ظفر

(۲) ولزاد کلمة او نقص کلمة الخ لم یفسد ما لم یغیر المعنی (والدر المختار علی هامش رد المحتار باب ما یفسد الصلوة مطلب فی رلة

القاری ج ۱ ص ۵۹۱، ط. س. ح. ۱ ص ۶۳۲ - ۶۳۳). ظفر

(۳) ان ما غیر المعنی تغیراً بكون اعتقاده کفرًا یفسد فی جمیع ذالک الخ (رد المحتار زلة القاری ج ۱ ص ۵۹۰). ظفر

واضح گفتن بکار بود که من سهوہ شدہ ام و این کلمہ سہوا ترک شدہ است اما نماز صحیح شدہ بنا بر عدم فساد معنی.^(۱)

اگر قاف را بہ کاف بدل نمود آیا نماز میشود؟ سوال: (۱۴۱۷) در سورت الطارق امام در (لَقَوْلٍ فَمَلَّ) بجای قاف لفظ کاف تلاوت نمود حالانکہ آن شخص قادر بتلفظ نمودن صحیح نیز بود آیا نماز فاسد شدہ است؟ و در این صورت اعادہ واجب است یا نہ؟

جواب: در ہمچو صورت اعادہ نمودن این نماز ضروری است زیرا با موجودیت قدرت چنین تلاوت نمودن نماز را فاسد می نماید^(۲). فقط

بر (صراط الذین) سکوت نمودن نماز فاسد نمیشود؟ سوال: (۱۴۱۸) یک امام وقتیکہ سورۃ فاتحہ را تلاوت می نماید بر (صراط الذین) وقفہ می کند و تنفس نیز را می گیرد آیا نماز می شود یا نہ؟

جواب: نماز میشود اما این غلطی بزرگی است کہ درآیندہ تکرار آن بکار نیست^(۳). فقط

اگر دروقت قرائت بجای (کَرِیمَ) لفظ (عَظِیمَ) بگوید چہ حکم دارد؟ سوال: (۱۴۱۹) یک روز در نماز آخرین آیت ہای سورۃ المؤمنون را تلاوت نمودم و سہوا بجای (رَبُّ الْعَرْشِ الْکَرِیمِ) را خواندم آیا نماز درست شدہ یا نہ؟

جواب: در این صورت نماز درست شدہ است^(۴). فقط

درجای مد گسره ودرجای فتحہ مد خواندن نماز میشود یا نہ؟ سوال: (۱۴۲۰) درقرائت اگر بجای فتحہ مد و بجای مد فتحہ خواندہ شود و همچنان واحد جمع و جمع واحد تلاوت شود آیا نماز میشود یا نہ؟

(۱) ولو زاد کلمۃ او نقص کلمۃ الخ لم یفسد ما لم یغیر المعنی. (رد المحتار ج ۱ ص ۵۹۳). قال فی شرح المنیۃ وإن ترک کلمۃ من آتہ فان لم یغیر المعنی مثل (وجزاء سبتہ مثلها) بترک (سبتہ) الثانیۃ لا ینفسد باب ما یفسد الصلاة وما یکرہ فیها مطلب ذلۃ القاری ج ۱ ص ۵۹۳. ظہیر الدین

(۲) قال فی الخانیۃ والخلاصۃ الاصل فیما اذا ذکر حرفا مکان حرف و غیر المعنی ان امکن الفصل بلام مشقۃ ینفسد الخ ولی غزاة الاكمل قال الفاضل ابو عاصم ان تعدد ذالک الفسد وان جرى علی لسانہ اولاً یعرف التمییز لا ینفسد وهو المختار (رد المحتار باب ابھاء ج ۱ ص ۵۹۲. ط. س. ج ۱ ص ۶۳۳). ظہیر

(۳) بر (انعمت علیہم) نفس گفتن بکار است. ظہیر

(۴) او قدمہ او بذلہ باخر الخ لم ینفسد ان لم یغیر المعنی والدرا المختار علی هامش رد المحتار ذلۃ القاری ج ۱ ص ۵۹۱. ط. س. ج ۱ ص ۶۳۲. ظہیر

جواب: روشن نمودن این موقع بکار است که در آن تغییر معنی واقع شده است یا نه بخاطر آنکه موافق مطلب و معنی آن را دیده حکم نوشته شود. فقط

اگر بوضی از حصه آیت ترک شود که متخیر نشود نماز جائز است: سوال: (۱۴۲۱) اگر امام صاحب در نماز سورۃ جمعه را قرائت می نمود و در ما بین سهوا از او این: بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ، ترک شد زید میگوید که نماز درست نشده است و عمرو میگوید که نماز درست شده است بناء در این صورت ضرورت به سجده سهوه است یا نه؟

جواب: در این صورت در نماز هیچ نقصان نیامده و همچنان سجده سهوه واجب نمیگردد زیرا سجده سهوه باترک واجب لازم میشود و اما در اینجا بمقدار قرائت فرض و واجب اداء شده و در میان با ترک قرائت هیچ واقع نشده است^(۱).

اگر (زینة) به (فتنة) تبدیل شود، و (آذانهم) به (آثارهم) در این صورت نماز میشود یا نه؟ سوال: (۱۴۲۲) (۱) اگر کسی در نماز (إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا) بجای او (فتنة لها) تلاوت نماید بناء این فساد معنی مفسد صلاة میباشد یا نه؟

سوال: (۱۴۲۳) (۲) اگر کسی در نماز بجای (فَضَرَبْنَا عَلَى آذَانِهِمْ)، (عَلَى آثَارِهِمْ) قرائت نمود آیا نماز درست شده یا نه؟

سوال: (۱۴۲۴) (۳) اگر کدام شخص در نماز (أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ) را تلاوت نمود اما (لقائه) را ترک نماید آیا نماز میشود یا نه؟

جواب: (۱ - ۳) در این هر سه صورت نماز درست و صحیح است^(۲). فقط

با تبدیل لفظ یا آیت نماز میشود یا نه؟ سوال: (۱۴۲۵) (۱) امام در سورۃ رعد بجای (وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ) (قُلْ إِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أَرَادَ) و رکوع چهارم را شروع نمود (وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا) را اِلی آخره تلاوت نمود حالانکه در سورت محمد در رکوع سوم (وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا لَوْ لَا نُزِّلَتْ سُورَةٌ) الخ نیز موجود است بناء در این صورت نماز میشود یا نه؟

(۱) ولو کلمة او نقص کلمة الخ لم یفسد ما لم یتغیر المعنی (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب ما یفسد الصلوة زلة القاری ج ۱ ص ۵۹۱ ، ط. س. ج ۱ ص ۶۳۲). ظفر

(۲) ولو زاد کلمة او نقص حرفا او بدلہ بآخر الخ لم یفسد ما لم یتغیر المعنی (الدر المختار علی هامش رد المحتار، باب ما یفسد الصلوة زلة القاری ج ۱ ص ۵۹۲ ، ط. س. ج ۱ ص ۶۳۲). ظفر

سوال: (۱۴۲۶) (۲) در سورت مریم رکوع اول (يَا يَحْيَىٰ خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ) الخ (وَكَانَ تَقِيًّا) (۱۳) و بِرًّا يُولَدِيهِ بجای او (يُولَدِيَّ) تلاوت نمود سپس این نماز چه حکم دارد؟

جواب: در صورت نخستین و دوم نماز درست شده است و این قول اوسع است. فقط

در سورت زلزال یک حصه فراموشی شد آیا نماز درست شده یا نه؟ سوال: (۱۴۲۷) یک

نفر در نماز بعد از سوره فاتحه سورت (إِذَا زُلْزِلَتْ) را خواند و (وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا) را فراموش نمود آیا نماز درست شده است یا نه؟

جواب: با ترک شدن آیت (وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا) در مابین نیز کدام تغیر در معنی وارد نمیشود بناء در صحت بودن نماز کدام شبه نیست ^(۱).

اگر بجای فتنه ضمه تلاوت شود چه حکم دارد؟ سوال: (۱۴۲۸) امام در نماز جمعه آیت

کریمه را تلاوت نمود (تَصَلَّى نَارًا حَامِيَةً) بجای نصب رفع خواند یعنی بجای (حَامِيَةً) (حَامِيَةً) تلاوت نمود آیا نماز درست شده یا نه ؟

جواب: در این صورت نماز درست شده است زیرا در اینجا با قرائت رفع در معنی کدام تغیر نمی

آید و صحت ثابیل ممکن است گویا چنان گفته شود که (تَصَلَّى نَارًا حَامِيَةً) ^(۲). فقط

اگر یک فقره سورت از تلاوت ترک شود آیا نماز میشود یا نه؟ سوال: (۱۴۲۹) امام

در نماز جهری آیت (بَلَىٰ قَادِرِينَ عَلَىٰ أَنْ تُسَوَّىٰ بَنَانُهُ) را از تلاوت نمودن فراموش نمود و از ۲۰ ول تابه آخر سائر سورت را قرائت نمود بناء در این صورت نماز درست شده است یا نه؟

جواب: در این صورت مذکور نماز درست شده است ^(۳). فقط

اگر در مابین آیات ها را بگذارد و به پیش رود چه حکم دارد؟ سوال: (۱۴۳۰) (۱) یک

نماز خوان تا به (وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا) قرائت نمود و در ما بین آیت ها را فراموش نموده ترک شد و از (وَالسَّمَاءَ وَمَا بَنَاهَا) تابه آخر آن را قرائت کرد بناء در همچو صورت نماز درست شده است یا نه و همچنان آیا ضرورت برای سجده سهو است؟

دروقت قرائت نمودن سورت وَالْعَصْرِ سورت وَالتِّينِ بپردازد آیا نماز درست میشود یا نه؟

(۱) ولو زاد کلمة اوفى الخ لم يفسد ما لم يتغير المعنى الخ حواله سابقه. ظفر

(۲) ولو في اعراب او تخفيف الخ لم يفسد (ايضا ح ۱ ص ۵۹۱، ط. س. ج ۱ ص ۶۳۲). ظفر

(۳) ولو زاد كلمة او نقص الخ لم يفسد ان لم يتغير المعنى (الدرالمختار على هامش رد المحتار زلة القاري ج ۱ ص ۵۹۲، ط. س. ج ۱ ص ۶۳۲). ظفر

سوال: (۱۴۳۱) (۲) در سورت وَالْعَصْرِ بعد از تلاوت (آمِنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ) به سورت وَالْتَيْنِ رفت و (فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ) را آغاز نمود و تا به آخر سورت را پایان رساند در این صورت آیا ضرورت به سجده سهو است یا نه؟

جواب: (۲) در این صورت نماز درست شده است و ضرورت به سجده سهو نیست ^(۱).
جواب: (۲) در این صورت همچنان نماز درست شده است و نیازی به سجده سهو نیست ^(۲). فقط

اگر بجای (دِهَاقًا) لَفْظ (دِحَاقًا) بگوید چه حکم دارد؟ سوال: (۱۴۳۲) اگر شخصی بنا بر اعتماد غلطی خود بجای (دِهَاقًا) لَفْظ (دِحَاقًا) تلفظ نمود آیا در این صورت نماز درست میشود و یا اعاده نمودن نماز واجب میباشد؟

جواب: (دِهَاقًا) را (دِحَاقًا) تلاوت نمودن باهای حطی باعتبار ظاهر مطابق قواعد مفسد صلاة است زیرا در آن وقت معنی متغیر میشود ^(۳)، فلذا نماز درست نخواهد شد. فقط

یکه حصه اُیت را مبطل نمود آیا نماز فاسد خواهد یا نه؟ سوال: (۱۴۳۳) یک امام این اُیت را غلط میخواند: اَنَا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا، بِه این شکل: اَنَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا، آیا نماز فاسد شد یا نه؟

جواب: در این صورت نماز فاسد نمیشود. ^(۴) فقط

اگر بجای (يُكَذِّبُونَ) لَفْظ (يُمَسْكُونَ) یا بجای (يَعْمَلُونَ) لَفْظ (تَعْمَلُونَ) را بگوید آیا نماز درست میشود یا خیر؟ سوال: (۱۴۳۴) امام در نماز بجای (أَنْ يُكَذِّبُونَ) ، (أَنْ يُمَسْكُونَ) تلاوت نمود و در نماز دیگر بجای (يَعْمَلُونَ)، (تَعْمَلُونَ) گفت آیا در این صورت اعاده نمودن نماز بکار است یا خیر؟

(۱) ایضاً، ط. س. ج ۱ ص ۶۳۲. ظفر

(۲) ایضاً، ط. س. ج ۱ ص ۶۳۲. ظفر

(۳) ان ذکر حرفاً مکان حرف ولم یغیر المعنی الخ لم یفسد صلوته وان غیّر المعنی فان امکن الفصل بین الحرفین من غیر مشقّه کالغاء مع الصاد الخ یفسد صلوته عند الكل وان کان لا یسکن الفصل الا بمشقة کالغاء مع الضاد والصاد مع السين والطاء مع التاء اختلف المشائخ قال اکثرهم لا یفسد صلاته هکذا فی فتاوی لاضی خان وکثیر من المشائخ افزا به قال الامام ابوالحسن والقاضی الامام ابو عاصم ان تعدد لست وان جرى علی لسانه او کان لا یعرف التميز لا یفسد وهو اعدل الاقارب والمختار. هکذا فی الوجیز للکردوی (عالمگیری مصری زلة الفاری ج ۱ ص ۷۴، ط. ماجدیة ج ۱ ص ۷۹). ظفر

(۴) او قدمه او بدله باخر الخ لم یفسد مالم یغیر المعنی (الدرا مختار زلة الفاری ج ۱ ص ۵۹۲، ط. س. ج ۱ ص ۶۳۲) ظفر

جواب: در صورت اول نماز را اعاده نماید و اما در صورت دوم نماز درست شده است ^(۱). فقط

اگر در جای تفخیم ترقیق خوانده شود آیا نماز درست خواهد شد یا نه؟ سوال: (۱۴۳۵)

در کدام موارد که (ر) و (ل) مخفم خواندن بکار است اگر در این مواقع باریک خوانده شود آیا در نماز کدام نقصان وارد میشود یا نه و اگر باشد پس چه قدر خواهد بود؟

جواب: نماز صحیح است و در آن هیچ خلل واقع نشده است ^(۲). فقط

اگر لام (علیهم) را زیاد کشی و طولانی نمود آیا نماز درست شده است یا نه؟ سوال:

(۱۴۳۶) (۱) اگر بر (ی) لفظ (عَلَيْهِمْ) بمقدار نو ۹ و یاده ۱۰ الف مد را تمطید و کش نمود نماز درست میشود یا نه؟

در جای غنه اظهار کردن: سوال: (۱۴۳۷) (۲) در جائیکه میم و نون با غنه خوانده میشود اگر در این موارد در میم و نون اظهار شود نماز درست میشود یا نه؟

جواب: (۱) این سخن واضح است که در اینجا حسب قواعد تجوید مد نیست بناء این لحن و خطا میباشد اما نماز درست میشود.

جواب: (۲) در آن صورت نماز صحیح است. ^(۳) فقط

اگر بجای لفظ (نُودُ) ، (لَا نُودُ) تلاوت نمود آیا نماز فاسد میشود یا نه؟ سوال: (۱۴۳۸)

در آیت کریمه بجای (يَا أَيُّهَا نُودُ)، لَا نُودُ تلفظ نمود آیا نماز فاسد شده است یا نه؟

جواب: در همچو موارد سخن احوط آن است که نماز را اعاده نماید ^(۴).

در (قَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ) در دیگر کدام آیت از نگاه اعراب غلطی واقع شد آیا نماز درست میشود یا نه؟ سوال: (۱۴۳۹) در آیت کریمه (وَقَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ) اگر دال دوم را

(۱) لو زاد كلمة الخ او بدله بأخر الخ لم يفسد ما لم يتغير المعنى (در المحتار) وان غير فسدت الخ (رد المحتار) زلة القاری ج ۱ ص ۵۹۲، ط. س. ج ۱ ص ۶۳۲، طغیر

(۲) وفي التارخانية عن الحاوی حکى عن الصفا انه كان يقول الخطأ اذا دخل فی الحروف لا يفسد لان فيه بلوى عامة الناس لانهم لا يقيمون الحروف الا بمشقة (رد المحتار) زلة القاری ج ۱ ص ۵۹۲، ط. س. ج ۱ ص ۶۳۳، طغیر

(۳) این شایسته متعلق به هر دو جواب اول و دوم میباشد: وفي التارخانية عن الحاوی حکى عن الصفا انه كان يقول الخطأ اذا دخل فی الحروف لا يفسد لان فيه بلوى عامة الناس لانهم لا يقيمون الحروف الا بمشقة (رد المحتار) زلة القاری ج ۱ ص ۵۹۲، ط. س. ج ۱ ص ۶۳۳، طغیر الدين غفر الله له

(۴) اعلم ان الكلمة الزائدة إما ان تكون فی القرآن أولا، وعلى كل إِمّا ان تغیر أولا، فان غيرت افسدت مطلقا الخ (رد المحتار) زلة القاری ج ۱ ص ۵۹۱، ط. س. ج ۱ ص ۶۳۲، طغیر

مفتوح وتاء را مضموم خوانند آیا نماز درست میشود یا نه و نیز آیا تلاوت کنندہ کافر میشود یا خیر؟ و همچنان دو (قَعَصَى فِرْعَوْنَ الرَّسُولَ) اگر نون را مفتوح و لام را مضموم خواند آیا نماز فاسد میشود یا نه؟

جواب: در آیت (وَقُلْ دَاوُدُ جَاوِلَتْ) اگر دال دوم را مفتوح وتاء جالوت را مضموم تلاوت نمود نماز فاسد میشود اما شخصی کہ غلط تلاوت نموده کافر نمیشود و همچنان در آیت (قَعَصَى فِرْعَوْنَ الرَّسُولَ) اگر در آن نون مفتوح و لام مضموم خوانده شود نماز فاسد خواهد شد^(۱) و اگر آن را صحیح نمود و دوبارہ اعادہ کرد نماز صحیح میاشد. فقط

اگر بجای (خیر لک من الأولى)، (والاولی) بگوید چه حکم دارد؟ سوال: (۱۴۴۰) امام در نماز بجای (خیر لک من الأولى) (خیر لک من الأولى) تلاوت نمود آیا نماز درست شدہ است یا نہ؟

جواب: در این صورت نماز درست شدہ است بخاطر آنکہ در معنی چنان تغییری وارد نشده است کہ مفسد صلاۃ باشد و اکنون معنی آیت چنین است کہ آخرت و دنیا هر دو برای شما بہتر است چنانچہ مفہوم آیت کریمہ (رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً) نیز است^(۲).

اگر بجای (لَقِيْ)، لَا فِي تِلَاوَتِ شُود کدام حرج نیست؟ سوال: (۱۴۴۱) در سورت العَصْرِ اگر بجای (لَقِيْ حَسْبُ)، لَا فِي حَسْبُ، تلاوت نماید آیا نماز درست میشود یا نہ؟ یعنی بجای فتحہ بست فتحہ ایستادہ یا اَلف تلفظ نمود نماز درست میشود یا نہ؟

جواب: باہمچو غلطی نماز درست نمیشود و در آن احتیاط بکار است^(۳) و کسی را امام باید نمود کہ بتواند درست و صحیح قرآن را بخواند. فقط

(۱) إِذَا لَحِنَ فِي الْإِعْرَابِ تَحْتَ لَا بِغَيْرِ الْمَعْنَى بِأَنْ قَرَأَ لَا تَرَعُوا أَمْرًا كَمَا بَرَعَ النَّاسُ لَا تَفْسِدُ صَلَاتَهُ بِالْإِجْمَاعِ وَإِنْ غَيَّرَ الْمَعْنَى تَغْيِيرًا فَاحْشَا كَانَ قَرَأَ وَعَصَى أَتَمَّ رُبَّهٖ بِتَبَسُّبِ الْمِيمِ وَوَلَعَ الرَّبَّ وَمَا أَشْبَهَ ذَلِكَ مَا لَوْ تَعَمَّدَ بِهِ يَكْفُرُ. إِذَا قَرَأَ خَطَا فُسِدَتْ صَلَاتُهُ فِي قَوْلِ الْمُتَقَدِّمِينَ وَاعْتَلَفَ الْمُتَأَخَّرُونَ: قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ مُقَاتِلٍ وَأَبُو نَصْرٍ مُحَمَّدُ بْنُ سَلَامٍ أَلَمْ لَا تَفْسِدُ صَلَاتَهُ. وَمَا قَالَهُ الْمُتَقَدِّمُونَ أَوْحُو: لِأَنَّهُ لَوْ تَعَمَّدَ يَكُونُ كَقَرَأَ وَمَا يَكُونُ كَقَرَأَ لَا يَكُونُ مِنَ الْقُرْآنِ وَمَا قَالَهُ الْمُتَأَخَّرُونَ أَوْسَعُ: لِأَنَّ النَّاسَ لَا يُمَيِّزُونَ بَيْنَ إِعْرَابٍ وَإِعْرَابٍ أَلَمْ وَهُوَ الْأَشْبَهُ، كَذَا فِي السَّحِيطِ وَبِهِ يَفْنَى كَذَا فِي الْقِتَابَةِ وَمَكَذَا فِي الظُّهْرِيَّةِ. (عالمگیری مصری زلۃ القاری ج ۱ ص ۷۹، ط. ماحدیه ج ۱ ص ۸۱) مفتی علامہ رحمہ اللہ فتویٰ با ہر احوط دادہ است. ظہیر

(۲) اور بدلہ باخبر اللع لم تفسد مالم يتغير المعنى والد المختار على هامش ودالمختار زلة القاری ج ۱ ص ۵۹۲، ط. م. ج ۱ ص ۶۳۳. ظہیر

(۳) ومنہا زیادہ حروف ان زاد حرفاً فان كان لا يغير المعنى لا تفسد صلواته عند عامة المشايخ اللع وان غير المعنى اللع تفسد هكذا في العلاءة (عالمگیری کشوری زلۃ القاری ج ۱ ص ۷۸، ط. ماحدیه ج ۱ ص ۷۹). ظہیر

اگر بجای ذال جیم تلاوت شود آیا نماز درست میشود یا نه؟ سوال: (۱۴۴۲) امام در نماز

بجای ذال جیم تلفظ نمود آیا نماز درست شده است یا نه؟

جواب: امامیکه در جای ذال جیم تلاوت می نماید مثال آن باید تحریر میشد بخاطر آنکه حالت تغیر و تبدیل معنی معلوم و هویدا میشد که دارای کدام درجه تغیر واقع شده است اما ظاهر آن است که در این صورت نماز درست نشده است بهر حال احوط آن است که نماز مذکور اعاده شود و همان حکم تلاوت نمودن ظاء بجای تاء است ^(۱). فقط

اگر بجای ضاده، ذال یا بجای زاء ظاء تلاوت شود آیا نماز فاسد میشود یا نه؟ سوال:

(۱۴۴۳) اگر یک شخص بجای (ض) (ذ) یا (ز) یا (ظ) بگوید آیا نمازش صحیح باشد یا فاسد؟
و اگر در نماز بعد از قرائت نمودن مقدار مفروضه غلطی فاسد کننده نماز شود آیا نماز صحیح شده یا فاسد؟

جواب: لفظ (ض) معجمه را از مخرج اصلی خویش خارج کردن بکار است نه آنکه از مخرج (ذ) یا (ز) یا (ظ) بخاطر آنکه قصدا و عمدا سائر آنها نا جائز است بلکه در شرح فقه اکبر از محیط نقل نموده است که اگر کسی قصدا بجای ضاد معجمه ظاء معجمه تلفظ نماید کافر میشود ^(۲) العیاذ بالله تعالی و نمازش فاسد خواهد شد و اگر کسی در نماز بعد از قرائت مفروضه غلطی فاسد کننده نماز را مرتکب شود نماز فاسد میشود و اگر اعاده صحیح آن را بکند نماز درست نخواهد شد ورنه فاسد است. در عالمگیری آورده است: لو قرأ فی الصلاة بخطأ فاحش ثم رجع وقرأ صحيحا قال فی الفوائد عندی صلاته جائزة وكذلك الاعراب ^(۳). فقط

تأثیر غلط خواندن بر نماز: سوال: (۱۴۴۴) (۱) امام در آیت سورت توبه بجای (عزیز) لفظ (ما) را با (علیه) وصل کرده قصدا وقف می نماید آیا نماز درست خواهد شد یا نه؟

اگر (أَسْفَلَ سَافِلِينَ) وَاِذَا (الَّذِينَ) يَكْبِتُ وصل نماید گارد؟ سوال: (۱۴۴۵) (۲) در

(۱) ان ذکر حرفا مکان حرف ولم یغیر المعنی الخ ثم نفسد صلاته وان غیر المعنی فان امکن الفصل بین الحرفین من غیر مشقة کاتطاع مع الصاد الخ نفسد صلاته عند الكل وان کان لا یمکن الفصل الا بمشقة کاتطاع مع الصاد والصاد مع السین والطاء مع التاء اختلف المشایخ قال اکثرهم لا نفسد صلاته الخ قال الامام ابوالحسن والقاضی الامام ابر عاصم ان تعدد فسدت وان جرى علی لسانه او کان لا يعرف التمييز لا نفسد وهو اعدل الاقوال والمختار هكذا فی الوجیز للکردری (عالمگیری مصری زلة القاری ج ۱ ص ۷۴، ماجدیه ج ۱ ص ۷۹). ظفر

(۲) وفي المحيط سئل الامام الفضلي عن يقرء الظاء المعجمة مكان الصاد المعجمة او يقرأ اصحاب الجنة مكان اصحاب النار او على العكس فقال لا يجوز امامته ولو تعدد يكثر قلت اما كون تعدد كثر فلا كلام فيه اذا لم يكن فيه لغتان (شرح فقه اكبر ص ۲۰۵). ظفر

(۳) عالمگیری كشوری باب صفة الصلوة فصل رابع زلة القاری ج ۱ ص ۸۱، ط. ماجدیه ج ۱ ص ۸۲. ظفر

سورت والتین (أَسْفَلَ سَافِلِينَ) را با (إِلَّا الَّذِينَ) الآیة وصل تلاوت نماید آیا نماز درست خواهد شد یا نه؟

جواب: (۱ - ۲) فقهای متأخرین در این مورد توسیع نموده اند که خلاصه آن اینست که با همچو تغییرات نماز فاسد نمیشود تا وقتی که چنان تغییر واقع نشود که معنی را بالکل فاسد نماید حکم صحت نماز باقی خواهد باشد: ولو زاد كلمة او نقص كلمة او نقص حرفاً او قدمه اویدله بآخر لم یفسد ما لم یتغیر المعنی^(۱) الخ اما امامیه اکثرًا همچو غلیظها را مرتکب میشوند آن امام قابلیت عهده امامت را ندارد بناء در عوض امام مذکور یک امام دیگر که فراگیر شرائط امامت باشد نصب گردد. فقط

با طرز سرود قرآن خواندن چگونه است؟ سوال: (۱۴۴۶) بطرز سرود خوانان خواندن قرآن مجید چگونه است؟ آیا خوش آوازی در سرود خواندن داخل است در ما بین سرود و خوش آوازی فرق چگونه است؟

جواب: بطرز سرود خواندن قرآن مجید ناجائز است قسمیکه در حدیث شریف از آن منع آمده است: وعن حذیفة قال قال رسول الله ﷺ اقرأوا القرآن بلحون العرب واصواتها وایاکم ولحون اهل العشق ولحون اهل الکتابین وسیحی بعدی اقوام یرجعون بالقرآن ترجیع الغناء والنوح لایجاوز حناجرهم مفتونة قلوبهم قلوب الذین یعجبهم شانهم رواه الیهقی فی شعب الایمان. ^(۲) ودر غناء ترجیع آواز و تردید آن میشود مانند: آ آ آ آ آ الخ بخلاف خوش آوازی که در آن مد و غیره مطابق قواعد تجرید میشود ولحن خوش و خوش آوازی در سرود شامل نیست.

در آیت (فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ) لَفْظُ (كَانَ) تَرْكٌ شَوْدٌ چَه بَابِدْ كُرد؟ سوال: (۱۴۴۷) امام در نماز جمعه در آیت (فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ) در آن لفظ (كان) را سهوا ترک نمود آیا نماز صحیح شده یا نه؟ یا اعاده ضروری است و بوجه عدم اعاده کسیکه بر امام طعن می نماید برای او چه حکم است؟

جواب: در این صورت نماز صحیح شده است ^(۳) پس هر کسیکه بوجه عدم واقفیت اعاده نماز را

(۱) الدر المختار علی هامش رد المحتار . باب ما یفسد الصلوة وما یکره فیها . مطلب زلة القاری ج ۱ ص ۵۹۲ . ط. س. ج ۱ ص ۶۳۲ . طبر الدین غفر له

(۲) مشکوٰۃ . کتاب فضائل القرآن . فصل ثلاث صحیح ص ۱۹۱ . ظفر

(۳) ولو زاد كلمة الخ لم یفسد ان لم یتغیر المعنی (در المختار) قال فی شرح المنية وان ترک كلمة من اية فان لم یتغیر المعنی مثل وجراء -

ضروری می‌پندارد او را باید بفهمانند که اصل مسأله از آن قرار است. فقط

اگر بجای (فَالْمُذْبِرَاتِ ذُكْرًا) (فَالْمُذْبِرَاتِ أَمْرًا) بگوید آیا نماز درست خواهد شد یا خیر؟

سوال: (۱۴۴۸) زید سورة المرسلات را شروع نمود اما بجای (فَالْمُذْبِرَاتِ ذُكْرًا) آیت سورة والنازعات را که (فَالْمُذْبِرَاتِ أَمْرًا) بود تلاوت نمود اکنون نماز صحیح شده است یا نه؟

جواب: در این صورت نماز درست شده است^(۱). فقط

اگر بجای (وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ) (وَلَا أَنْتُمْ تَعْبُدُونَ) بگوید چه حکم دارد؟ سوال: (۱۴۴۹)

در فرض نماز مغرب سورت قل یا ایها الکافرون را تلاوت نمود و در (لا اعبدُ ما تعبدون) (ولا انتم تعبدون) ما اَعْبَدُ قرائت نموده رکعت اول را اداء کرد و در رکعت دوم (إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ) را تلاوت کرد آیا نماز درست شده است یا خیر؟

جواب: نماز درست شده است بخاطر آنکه معنی اش صحیح است. فقط

بعد از قرائت نمودن سیزده آیت اگر بوجه متشابه بودن کدام لفظ ترک شود آیا

نماز میشود یا نه؟ سوال: (۱۴۵۰) اگر امام در قرائت نماز بعد از تلاوت نمودن سیزده (۱۳)

آیت، آیت متشابه را قرائت نمود یا یک لفظ در مابین ترک شد و بغير از سجده سهو نماز را به انجام رساند آیا نماز صحیح است یا نه؟

جواب: نماز صحیح شده است. فقط.

ألف مقصورة یا ممدوده را با نون غنة تلاوت نمودن نماز میشود یا خیر؟ سوال: (۱۴۵۱)

اگر یک قاری در نماز الف مقصورة و ممدوده را نون تلفظ کند آیا در نماز کدام تقصیر وارد میشود یا نماز صحیح است؟ مثلاً (موسی) را (موسان) میگویند و (صحری) را (صحران) و (بشری) را (بشران) تلفظ می‌نماید و علی هذا القیاس و هرگاه برایش گفته شود که این غلطی را مکن او خشمگین و بغضب میشود و میگوید که من همچو تلفظ نمی‌نمایم حال آنکه حفاظ آن را نیز شنیده‌اند و ایشان همچنان شکایت می‌نمایند.

جواب: نماز صحیح شده است اما برای امام همچو غلطی کردن بکار نیست در همچو غلط

= سینه مظهر بترک سینه التالیه لا نفسد وان غیرت مثل لما لهم یؤمنون بترک لا، فانه یفسد عند العامة ولبل لا والصحیح الأول ورد المحتر باب مائنه الصلوة و ما یکره لیهما مطلب زلة القاری ج ۱ ص ۵۹۱، ط. س. ج ۱ ص ۶۳۲. ظفر
(۱) و منها ذکر کلمة علی وجه البدل ان کانت الکلمة الی قرأها مکان کلمتی یقرب معناها و هی فی القرآن لا نفسد صلوته نحو ان قرأ مکان العلم حکم (عالمگیری کشوری فصل حامس زلة القاری ج ۱ ص ۷۸، ط. ماجدی ج ۱ ص ۷۹). ظفر

خواندن هیچ کلام نیست و این لحن است لکن اعاده نمودن نمازهای قبلی لازمی نیست و درآینده احتیاط کردن ضروری است^(۱) و اگر امام این غلطی را ترک نمیکند ناگزیر باید که دیگر امام صحیح تلفظ کننده مقرر کرده شود. فقط

اگر بجای ضاد ظاء تلفظ شود آیا نماز میشود یا نه؟ سوال: (۱۴۵۲) هر کسیکه در نماز قصد اداء نمودن ضاد را از مخرجش نمود اما در وقت اداء کردن سهوا یا بطور لغزش زبان ضاد را ظاء تلفظ کرد آیا نماز او صحیح است یا نه؟ و هر کسیکه قصدا بجای ضاد ظاء یا زاء بگوید آیا نماز او صحیح است یا خیر؟

جواب: اگر خطاء بجای ضاد معجمه ظاء معجمه تلفظ شد پس بنا بر قول اکثر نماز صحیح است لکن اگر قصدا بجای ضاد ظاء یا زاء تلفظ نمود پس قاضی ابوعاصم رح میفرماید که نمازش فاسد است و همین را قول مختار گفته شده است و در بزایه همچنان آن را قول مختار و اعدل الاقوال گفته است در شامی است: قال فی الخاتمة والخلاصة فیما ذکر بشقة کالظاء مع الضاد المعجمتين والصاد مع السين المهملتين والطاء مع التاء قال اکثرهم لا تفسد اه وفي خزنة الاكمل قال القاضي ابو العاصم ان تعدد ذالک تفسد وان جرى علی لسانه اولاً يعرف التمييز لا تفسد وهو المختار، عليه، وفي البزایه وهو اعدل الاقوال وهو المختار وفي التارخانیة عن الحاوی حکى عن الصقار انه كان یقول الخطاء اذا دخل فی الحروف لا یفسد لان فیہ بلوی عامة الناس^(۲) آه ص ۴۲۵ شامی جلد ۱. فقط

بجای شین سین تلفظ نمودن نماز درست میشود یا نه؟ سوال: (۱۴۵۳) امام نمودن شخص را که شین را سین تلفظ می نماید وسین را شین چگونه است و آن عده نمازهای که با همجو غلطی اداء شده است آن نمازها درست شده است یا نه؟

جواب: آنکس را امام بمعین نمودن بکار است که قرآن مجید را صحیح قرائت نماید و آنکس را امام مقرر نکنید که دارای غلطی های مذکور باشد و نمازهای که با غلطیهای فوق اداء شده است آنها همه درست شده اند اما درآینده آنکس را امام نسازید تا وقتی که تلفظ قرآن کریم را صحیح

(۱) ومنه القراءة بالالهام ان غیر المعنی والألا، الآ فی حرف مد ولین اذا فحش والألا، والدر المختار علی هامش رد المحتار باب ما یفسد الصلوة ج ۱ ص ۵۸۹، ط. س. ج ۱ ص ۶۳۰، ظفر

(۲) رد المحتار مطلب زلة القاری باب ما یفسد الصلوة ج ۱ ص ۵۹۲، ط. س. ج ۱ ص ۶۳۳، ظفر

نماید. ^(۱) فقط**با غلط قرائت نمودن نماز درست میشود یا نه؟ سوال:** (۱۴۵۴) یک امام بجای (آمن

الرسول بما انزل الیه من ربه والمؤمنون) تلاوت نمود آیا نماز درست شده است یا نه؟

جواب: کدام صورت سوال را که شما مطرح و تحریر نمودید در آن نماز درست شده است ^(۲).

فقط

آیا با وقف نمودن وعد وقف در صورت فاتحه اسم شیطان ساخته میشود؟ سوال: (۱۴۵۵)

زید میگوید که بعد از وقف نمودن بردال (الحمد لله) گفتن بکار است زیرا بعدم وقف نمودن لفظ

دُلْ فهمیده میشود و دُلْ اسم شیطان است و همچنان بر کاف (یا کاف) وقف نمودن بکار است

زیرا بسبب عدم نمودن کَنَحْ فهمیده میشود و (کَنَحْ) اسم شیطان است، بناءً آیا این قول صحیح

است یا نه؟

جواب: این قول زید غلط است. فقط**اذا نمودن سَمِعَ اللهُ لَمِنْ حَمْدِهِ؟ سوال:** (۱۴۵۶) یک نفر سَمِعَ اللهُ لَمِنْ حَمْدِهِ را قسماً

تلفظ می نماید که از لَمِنْ بسمع میرسد و شنیده میشود آیا این صحیح است یا غلط؟

جواب: همجو قرائت نمودن آنکس باعتبار قرائت غلط است درست نیست در قاعده قرائت

آنست که در ضمه و کسره تنها بوی واو، و یا می آید، نه آنکه صریح واو و یا یعنی (هو لیمن)

تلفظ شود این قطعاً غلط است بناءً مناسب است که امام مذکور (سمع الله لمن حمده) بگوید و از

همجو قرائت خود داری نماید. فقط

غلطیهای مفسد صلاة: سوال: (۱۴۵۷) (۱) یک امام قرآن مجید را غلط میخواند که

غلطیهایش از این قرار است: در (الحمد لله) لفظ (ال) چنان تلفظ میکند که از آن کسره لام معلوم

میشود و دال (نَعْبُدُ) را مفتوح میگوید و قاف (مُسْتَقِيمٌ) را کاف میخواند الخ بناءً با غلطیهای فوق

الذکر نماز درست میشود یا نه؟

(۱) در المصنوع مذکور است: ان كان الخطاء بابدال حرف بحرف فان امكن الفصل بينهما بلا كلفة كالصاد مع الطاء ... فتفقوا على انه مفسد وان لم يمكن الا بمشقة كالطاء مع الصاد والصاد مع السين فاكثرهم على عدم الفساد لعدم البلوى وبعضهم يعتبر عسر الفصل بين

الحرفين وعدمه وبعضهم قرب المخرج وعدمه (ج ۱ ص ۶۵۹ ، ط. س. ج ۱ ص ۶۳۳). ظفر

(۲) و منها ذكر كلمة مكان كلمة على وجه البدل ان كانت الكلمة التي قرأها مكان كلمة يقرب معناها وهي قرأ القرآن لا نفس صلوة

(عالمگیری کشوری ج ۱ ص ۷۸ . ط. ماجده ج ۱ ص ۷۹). ظفر

ترتیل: سوال: (۱۴۵۸) (۲) ترتیل ضروری است یا خیر شد و مد ضروری است یا بطور؟

جواب: (۱) با ہجو غلطیہ کہ در سوال مذکور است بعقب او نماز نمیشود و اعادہ نمودن بکار است^(۱).

جواب: (۲) آنقدر ترتیل کہ حروف ہمراش صحیح شود فرض است و درست شد و مد بعضی ضروری است و بعضی ادنی است^(۲).

(لَا أَعْبُدُ) را بخذف لام تلاوت نمود آیا نماز درست شدہ است یا نہ؟ سوال: (۱۴۵۹) در سورت کافرون در آغاز آیت دوم کہ (لَا أَعْبُدُ) است و با میم (ما تعبدون) است اگر الف لفظ (لا) و الف لفظ (فا) ساقط شود و تنها با فتحہ ہر دو تلاوت شود آیا نماز درست خواہد شد یا نہ؟

جواب: نماز درست شدہ است برای ہمہ اعادہ نمودن بکار است^(۳). فقط

اگر بجای کسرہ فتح خوانندہ شود آیا نماز درست خواہد شد یا نہ؟ سوال: (۱۴۶۰) در یک کتاب نگاشته است کہ اگر نماز خوان در نماز بجای کسرہ فتحہ یا بر عکس بگوید پس کافر میشود آیا این صحیح است یا بطور؟

جواب: کافر نمیشود اما نماز فاسد میگردد^(۴). فقط

اگر دو آیت قرائت نماید آیا نماز درست میشود یا نہ؟ سوال: (۱۴۶۱) در نماز والشمس را شروع نمود و در ما بین دو آیت: وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا، وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا، را تلاوت نمود آیا نماز درست شدہ است یا نہ؟

جواب: نماز درست شدہ است^(۵).

در قرائت بعد از تلاوت نمودن یک حصہ سورت بفرا موشی سورت دیگر رفت چہ حکم

(۱) ولا غیر الاثبع به ای: بالاثبع علی الاصح کما فی المعر عن المحتج الخ (الدر المختار علی هامش رد المحتار ج ۱ ص ۵۴۴ ، ط. م. ج ۱ ص ۵۸۱) فرولہ: غیر الاثبع به قال فی المغرب هو الذی یحول لسانہ من السین الی التاء وقیل من الراء الی الفین او اللام او الیاء زاد فی القاموس اومن حرف الی حرف (رد المحتار ج ۱ ص ۵۴۴ ، ط. م. ج ۱ ص ۵۸۱). ظفر

(۲) ورتل القرآن ترتیلاً (سورہ زمزل: ۴). ظفر

(۳) ومنہا حذف حرف الی فرولہ: ان لم یکن علی وجہ الایجاز والترخیم ان غیر المعنی تفسد صلواتہ عند عامۃ المشائخ (عالمگیری کشوری ج ۱ ص ۷۸ ، ط. ماجدہ ج ۱ ص ۷۹). ظفر

(۴) ان الخطاء اما فی الاعراب ای الحركات والسکون (الی فرولہ) ان غیر المعنی تقریرا یكون اعتقاده کفر یفسد فی جمیع ذالک سواء کان فی القرآن اولاً الخ (رد المحتار ج ۱ ص ۵۹۰). ظفر

(۵) ومن فرائضہ التي لا تصح بدونها (الی فرولہ) ومنہا القراءة لقادر علیہا (رد المختار) فرولہ: ومنہا القراءة ای آیت من القرآن وهي فرض علی فی جمیع رکعات اسئل والوتر ولی رکعتین من العرض (رد المحتار ج ۱ ص ۴۹۵ ، ط. م. ج ۱ ص ۴۹۲ - ۴۹۳). ظفر

سوال: (۱۴۶۲) عمرو در رکعت اول بعد از سورت فاتحه آیت ذیل را تلاوت نمود: اللَّهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ، تَابَهُ: وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ، تلاوت نمود و سپس از آن بازگشت نمود و آخرین رکوع سورت بقره را شروع کرد؟ (لَا مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ) و تا به آخر آن را قرائت نمود و در رکعت دوم بعد از سورت فاتحه آخرین رکوع سورت مزمل را خوانده نماز را به پایان رساند بناءً در این حالت نماز صحیح شده است یا نه؟

جواب: عمرو اول بنا بر فراموشی تلاوت را غلط نمود، سپس آخرین آیت های سورت بقره را صحیح خواند و در رکعت دوم آخرین رکوع سورت مزمل را خواند بناءً نماز درست شده است و سجده سهو و غیره هیچ لازم نیست اما راجح و بهتر آنست که در هر یک از نماز فرض در هر یک رکعت در هر دو رکعت اولین سورت کامل را بعد از: الْحَمْدُ بخواند و قرائت نمودن آیت های متفرق در قرائت خلاف مستحب است (۱). فقط

مخرج ضاد کدام است؟ سوال: (۱۴۶۳) ضاد را با ظاء مشابه و یکسان خواندن بکار است یا با دال مشابه و یا چگونه خوانده شود؟

جواب: حرف ضاد یک حرف مستقل و جداگانه است که با لسان عربی اختصاص دارد و ضاد را نه با دال مشابه خواندن بکار است و نه با ظاء خواندن بکار است و آموختن تلفظ ضاد بغیر از قاری مستند و مشافهه در فهم آمده نمیتواند باقی ماند آنکه در آن یکنوع آنچه که تشابه پنداشته میشود از کتاب های تجوید و قرائت و عبارات آنها تشابه با ظاء معلوم میشود در نهایت القول المفید فی علوم التجوید مطبوعه مصر: ص ۴۸ مطالعه شود و معمول قراء حرمین شریفین زاد الله شرفهما تشابه بالدال جریان دارد و میشود که دلائل آنها در اینجا بسبب مضیقه عرض شده نمیتواند و چونکه این یک چیز حالی و کیفی است که تنها در کتابت و نگارش دشوار میباشد. فقط

در قرائت بعضی الفاظ ترک شده است آیا نماز درست شده است یا نه؟ سوال: (۱۴۶۴) (۱) اگر امام در نماز آیت: وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ، یعنی بعد از (یا

(۱) الأفضل ان بقرا فی کل رکعة الفاتحة وسورة كاملة فی المکتوبة (عالمگیری کشوری ج ۱ ص ۷۷، ط. ماجدی ج ۱ ص ۷۸) و لو قرا فی رکعة من وسط سورة ومن آخر سورة وقرا فی الركعة الاخری من وسط سورة اخری او من آخر سورة اخری لا یبطل له ان یعمل ذالک علی ما هو ظاهر الرواية ولكن لو فعل ذالک لا یبطل به (ایضا، ط. ماجدی ج ۱ ص ۷۸)، غیر

بَنِي) (إِسْرَائِيلَ إِنِّي) را ترک نمود آیا نماز درست شده است یا ناقص گردیده؟ و در این وقت یک مقتدی دیگر این آیت را بیاد داشت اما او نیز برایش فتحه نداد آیا نماز او درست شده است یا نه؟

اگر دوما بین برخی از قرائت ترک شود چه حکم دارد؟ سوال: (۱۴۶۵) (۲) در سورت رحمن آیت (حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ) را شروع نمود و در ما بین آیت ها را ترک نموده و از (مُتَكِينٌ عَلَى رُقُوفٍ) إلى آخره آن را تلاوت نمود آیا نماز درست شده است یا نه؟

جواب: (۱) نماز درست شده است و کدام نقصان در آن وارد نیامده است و همچنان نماز آنکس نیز درست شده است که فتحه نداده است، و نماز سائر مقتدیان همچنان درست شده است (۲). فقط

جواب: (۲) در این صورت نیز نماز درست شده است و کدام نقصان در آن نیامده (۳) فقط.
در نماز حرف ضاد را چگونه خواندن بکار است؟ سوال: (۱۴۶۶) حرف ضاد را در نماز چگونه خواندن بکار است؟

جواب: ضاد را از مخرج خویش اداء نمودن بکار است و اگر از مخرج بیرون شده نمیتواند پس هر قسمیکه اداء شود نماز درست و اداء میشود (۳) فقط

اگر بجای (لَحَافِظُونَ) لنا حافظون بخواند نماز درست میشود یا نه؟ سوال: (۱۴۶۷)
علماء دین و مفتیان شرع متین در مورد آن مسأله چه میفرمایند که امام در رکعت اول نماز بعد از مقدار ده (۱۰) آیت قرائت نمودن اگر سهوا بجای (لَحَافِظُونَ) لنا حافظون بگوید در این صورت نماز درست خواهد شد یا نه؟ بناء پاسخ سوال را با ارائه حواله کتاب تحریر فرمائید؟

جواب: نماز درست شده است (۴) فقط.
مخرج ضداد کدام است و کیسکه دال را مضخم بگوید آیا امامت او درست است یا نه؟

(۱) ولو زاد كلمة او نقص كلمة او نقص حرفا او قدمه او بدله آخر الخ لم يفسد مالم يتغير المعنى (الدر المختار فصل زلة القارى ج ۱ ص ۵۹۰، ط. س. ج ۱ ص ۶۳۲). طبر

(۲) ولو زاد كلمة او نقص كلمة او نقص حرفا او قدمه او بدله آخر الخ لم يفسد مالم يتغير المعنى (الدر المختار فصل زلة القارى ج ۱ ص ۵۹۰، ط. س. ج ۱ ص ۶۳۲). طبر

(۳) إلا ما ينشئ له كالمضام والماء فلو أنهم لم يفسدوا (الدر المختار ج ۱ ص ۵۹۱، ط. س. ج ۱ ص ۶۳۳). طبر

(۴) ولو زاد كلمة او نقص كلمة او نقص حرفا او قدمه او بدله آخر الخ لم يفسد مالم يتغير المعنى (الدر المختار فصل زلة القارى ج ۱ ص ۵۹۰، ط. س. ج ۱ ص ۶۳۲). طبر

سوال: (۱۴۶۸) از عبارت جزریه وشاطیبه وتحفة النذریة وملا علی قاری واضح وروشن است که ضاد معجمه را از دال وطاء جدا خواندن فرض است؟ اگر کسی می آموزد یقیناً ضاد را صحیح خوانده میتواند لکن نمیخواهد که بیاموزد و او را مشابه طاء ویا دال مفخم میگوید بناء امامت او درست است یا نه؟

جواب: اگر ضاد را در صورت خواندن دال مفخم بر آن حکم عدم صحت نماز شود پس نماز هیچکس از علماء و قراء عرب وامامان مساجد درست نخواهد شد و همچنان نماز یکی از مقتدیان نیز درست نخواهد شد زیرا ایشان همه (دوالین) تلفظ می نمایند. پس معلوم شد که چنین حکم صادر نمودن غلط و نادرست است و در آن حرج میباشد البته عمده و بهتر آنست که کوشش شود از مخرج اداء گردد نه آن را طاء تلفظ کند و نه دال و حضرت مولانا رشید احمد گنگوہی قدس سره تحریر فرموده است: که ضاد را در صورت دال مفخم خواندن دال نیست قسمیکه طاء، تاء نیست و قس علیه، بلکه مخرج ضاد ناقص است آنکه مشابه دال مفخم معلوم میشود. ^(۱) فقط

فصل دوم مکروهات نماز

آن چیزهای که بسبب آنها در نماز کراهیت پیدا میشود

روبرو قبر نماز خواندن چگونه است؟ سوال: (۱۴۰۹) زید یک مسجد را اعمار نمود که در ما بین صحن آن مسجد یک قبر است که نقشه آن منسلک میباشد بناء اگر کدام شخص رو یا روی قبر نماز اداء کند آیا جائز است یا نه؟

جواب: روبروی محاذات قبر نماز اداء نمودن مکروه است بناء مناسب آنست که در همچو موارد اگر قبر باشد چنانچه در آن صورت موجوده است پس نشانی آن قبر محوه گردد و هر گاه نشانی قبر در فرش مسجد باقی نماند پس در نماز کدام کراهیت نخواهد باشد و اگر نشانی قبر از بین نرود و محوه نشود پس در آن صورت روبروی محاذات قبر نماز خواندن مکروه است علاج و راه بیرون رفت آن اگر قسماً شود که در هر جانب قبر یک دیوار ساخته شود پس در آن

(۱) قوله مخرج ناقص است الخ دلیلش آنست که در صورت دال مفخم مخرج ضاد یعنی از حافة لسان مع الاصراس بسیار کار گرفته میشود و مخرج دال نمیی برای کناره زبان و بیخ شایعاً نیز فی الجملة شمول داشته میباشد البته کدام صفات دال که است در صورت دال معخم اداء نمیشود و در اینجا مخارج و صفات از فوائد مکیه مأخوذه است. جمیل الرحمن

وقت کراهیت مرتفع و دور خواهد شد^(۱). فقط

آیا در وقت سجده رفتن پا جامه را بلند نمودن نا پسند است؟ سوال: (۱۴۷۰) در وقت

رفتن از قومه بطرف سجده بعضی مردم ازار را بلند می نمایند آیا این نماز جائز است یا نه؟

جواب: بلا ضرورت چنین بمردن ناپسند است و نماز اداء میشود. فقط^(۲)

در زمین بشیر از اجازه نماز جائز است یا نه؟ سوال: (۱۴۷۱) اگر بدون اجازه در زمین کنی

نماز اداء نمود آیا نماز درست شده است یا خیر؟

جواب: نماز درست شده است^(۳). فقط

بطور عاجزی سرلج نماز خواندن بلا کراهیت جائز است؟ سوال: (۱۴۷۲) در یک کتاب

نوشته شده است هر کسیکه سرلج بر این نیت نماز اداء نماید که با تواضع و عاجزی به درگاه

خداوند حاضر میشود آیا در آن کدام حرج نیست؟

جواب: همانطور در کتاب های فقه نیز نوشته شده است که با داشتن نیت مذکوره سرلج نماز

خواندن کراهیت ندارد. در الدر المختار^(۴) مذکور است: لا بأس به للتذلل الخ. فقط

امامت دادن با بستن دستمال یا دست پاک چگونه است؟ سوال: (۱۴۷۳) بجای دستار

دستمال یا دست پاک را بسر نموده امامت دادن جائز است یا نه؟ و دست پاک را بر کلاه بسته

نمودن مکروه است یا خیر؟ و همچنان درین صورت نماز دادن مکروه است یا نه؟ و این اعتبار

(۱) وکذا نکره فی اماکن کثرت کمة الخ و مقبرة (در مختار) و اختلف فی علته فقیل لان فیها عظام الموتی و صیدهم و هو نجس و به نظر و قبل لان اصل عبادۃ الاصنام اتخاذ قیور الصالحین مساجد و قیل لانه تشبه بالیهود و علیه منی فی الخایه و لایاس بالصلاة فیها اذا کان فیها موضع احد للصلاة و لیس فی قبر ولا نجاسة ولا قیلة الی قبر (رد المحتار کتاب الصلاة ج ۱ ص ۳۵۲، ط. س. ج ۱ ص ۳۷۹). ظفر

(۲) وکره کفه ای رفعه ولو لثراب کثیر کم و ذیل و عیبه به ای بینه و بحسبه للهی الا لعاجه ولا بأس به خارج صلاة (در مختار) قال فی الهایه و حاصله ان کل عمل موفید للصلى فلاباس به اصله ما روی ان النبی ﷺ عرق فی صلاته فقلت العرق عن جنبه ای مسح لانه کان یؤذیه لکان فکد ولی زمن الصیف کان مفیدا کما تبلی صورة فاما لیس بمفید فهو البت آه و قوله کی لاتبلی صورة یعنی حکایتہ صورة الالهة کما فی الحوائی السعدیة الخ (رد المحتار باب مایفسد الصلوة و ما یکره فیها ج ۱ ص ۵۹۸ - ۵۹۹، ط. س. ج ۱ ص ۶۴۱). ظفر

(۳) وکذا نکره الخ او للغير لو مزروعة (در مختار) فإن اضطر بین أرض مسنم و کافر یصلی فی أرض المسلم إذا لم تکن مزروعة، فلو مزروعة أو لکافر یصلی فی الطريق اهد ای لان له فی الطريق حقا کما فی مختارات الوائز، و فیها: نکره فی أرض الغير لو مزروعة أو مکروبة، إلا إذا کانت بینهما صدقة لا رأى صاحبها لا یکرهه فلا بأس اهد نقل سیدی عبد الغنی عن الاحکام لوالده الشیخ إسماعیل أن النزول فی أرض الغير، إن کان لها حائط أو حائل يمنع من دخول الفلا، و المعبر فیہ العرف اهد یعنی عرف الناس بالرضا (رد المحتار کتاب الصلاة ج ۱ ص ۳۵۴، ط. س. ج ۱ ص ۳۸۱). ظفر

(۴) الدر المختار علی هامش رد المحتار باب مایفسد الصلوة و ما یکره فیها ج ۱ ص ۵۹۹، ط. س. ج ۱ ص ۶۴۱. ظفر

است یا نہ؟ و اگر کسی ہر او طعن می نماید الفاظ جاہلانہ و توهین آمیز را بگوید آیا او را عتاب دادن بکار است یا نہ؟

جواب: دست پاک و رومال را بر کلاه بستن مکروه نیست یعنی بطور عمامہ آن را بستہ کردن مکروه نیست و نماز نیز ہمراش مکروه نمیباشد و این اعتجار مکروه نیست و لفظ عصابہ بمعنی عمامہ نیز آمدہ است و کدام جبیرہ کہ بالای سر بستہ میشود آن را همچنان عصابہ میگویند، چنانچہ العصابۃ ثانی بمعنی العمامۃ کما فی القاموس و شرح شمائل للقاری^(۱) در مورد عمامہ مبارکہ آن حضرت ﷺ منقول است کہ ایشان دو نوع عمامہ داشتند یکی ہفت ذراع و دوم دوازده ذراع بود لکن صحیح آنست کہ در آن هیچ نوعہ تحدید شرعاً نیست و بقدر ضرورت شدن کافی است^(۲)۔ در کتاب جمع الوسائل شرح الشمائل لعلي القاري چنین مذکور است: وقال الشيخ الجزري في تصحيح المصباح: تتبع الكتب وتطلبت من السير والتواريخ لاقف على قدر عمامة النبي ﷺ فلم أقف حتى أخبرني من اتق به انه وقف على شيء من كلام النووي ذكر فيه انه كان له ﷺ عمامة قصيرة وعمامة طويلة وإن القصيرة كانت سبعة أذرع مطلقاً من غير تقييد بالقصير والطويل^(۳) الخ. فقط

در نماز بوختیم بعضی آیت ها دعا و حکم آن: سوال: (۱۴۷۴) (۱) یک امام عالم در نماز تراویح سورت رحمن را تلاوت نمود (قَبَّأَيَّ آلَاءَ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ) و بعد از آن خاموش شد و مقتدیان در جواب او (لَا يَشْيءٌ مِنْ نَعْمِكَ رَبَّنَا نَكْذِبُ فَلَكَ الْحَمْدُ) بالجهر خواندند، و همچنان در آن فرائض کہ قرائت در آنها جہراً خواندہ میشود و در آن با ختم شدن سورت قیامۃ لفظ بلی و در سورت اعلیٰ (سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ) (سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى) و در ختم شدن سورۃ التین (بَلَىٰ وَآنَا عَلَىٰ ذَٰلِكَ مِنَ الشَّاهِدِينَ) و غیرہ مقتدیان جہراً بگویند، در نماز تراویح و فرائض برای مقتدیان ارانہ نمودن تعلیم خواندن جواب آیت های مذکورہ و بر آن عمل کردن چطور است؟

(۱) جمع الوسائل. ظفر

(۲) فان لم تكن عمامه بالكبرية التي يؤذى حملها حاملها الخ ولا بالصغيرة التي تقصر عن وقاية الرأس من الحر والبرد بل كانت وسط بين ذلك الخ وقال السهرطي لم يفت في مقدارها حديث وفي ما يدل على انها عشرة اذرع والظاهر انها كانت نحو العشرة او فوقها يسير وقال الطحاوي في فتاويه رأيت مناسيب لعائشة ان عمامته ﷺ في السفر بيضاء وفي الحضر سواد وكل منها سبعة اذرع الخ وفي تصحيح المصباح لان الجزوي تتبع الكتب الخ لاقف على قدر عمامته ﷺ فلم ألق على شيء حتى أخبرني من اتق به انه وقف على شيء من كلام النووي ذكر فيه انه كان له عمامة قصيرة ستة اذرع وعمامة طويلة اثنا عشر ذراعاً (شرح المواهب اللدنية للزرقاني ج ۵ ص ۴). ظفر

(۳) جمع الوسائل. ظفر

برای امام بر همچو آیت ها مکث نمودن چگونه است؟ سوال: (۱۴۷۵) (۲) برای امام در حالت نماز تراویح و یا فرائض بعد از خواندن آیت های جوابی مکث نمودن و بعد از شنیدن جواب های مقتدیان باز قرائت شروع کردن چگونه است؟

آیا بر همچو کردن اشتغال بر غیر قرآن نمی آید؟ سوال: (۱۴۷۶) ارائه نمودن جوابات فوق الذکر در نماز فرض یا تراویح مقتدی مشغول بغیر القرآن دانسته میشود یا نه؟

با همچنان اشتغال در غیر قرآن مقصد صلاہ است یا نه؟ سوال: (۱۴۷۷) (۳) با چنین نوع اشتغال بغیر القرآن نماز چه حکم دارد؟

اگر گواہیت داشته باشد آیا اعاده اش واجب است یا نه؟ سوال: (۱۴۷۸) اگر حکم کراهیت تحریمی ثابت شود پس اعاده نماز لازم میشود یا نه؟

در ائمه اربعه این مذهب کیست؟ سوال: (۱۴۷۹) (۴) در خیر القرون از آن وقتیکه بر بیست رکعت تراویح اجماع منعقد شده است آیا همچو عمل را کسی انجام داده است یا خیر؟ و در ما بین ائمه اربعه این فعل مذهب کیست؟

جواب: (۱) جائز نیست: يظهر من الروایات المنقولة فی السؤال، وفي شرح المنية الكبير واما الامام والمقتدى فلا يفعل ذلك السؤال والتعوذ لا فی الفرض ولا فی النفل الذي تقصد منه الجماعة كالتراویح .^(۱)

جواب: (۲) این فعل امام مکروه است و منافی موضوع نماز میباشد.

جواب: (۳) و (۴) و (۵) ظاهر است که این اشتغال بغیر القرآن است و با همچو کردن در نماز کراهیت تحریمی واقع می شود و در صورت کراهیت تحریمی اعاده نمودن نماز واجب است و از ضرورت اعاده معلوم شد که نخست در نماز نقصان آمده و بخاطر جبریه نقصان مذکور اعاده واجب شده است^(۲).

جواب: (۶) ثابت نیست و در جمله ائمه امام شافعی است که آن را جائز فرموده کما فی شرح المنية الكبير: وإن كان المصلي المنفرد في الفرض يكره له ذلك لعدم ورود وفيه خلاف الشافعي

(۱) غبة المستطير ص ۳۴۵ . طغیر

(۲) وکل صلوۃ ادیت مع کراهة التعميم تجب اعادتها والمختار انه جابر الاول و الدر المختار علی هامش رد المختار باب صفة الصلاة مطلب واجبات الصلوة ج ۱ ص ۴۲۵ - ۴۲۶ . ط . س . ج ۱ ص ۴۵۶ . طغیر

(رج) استدلال بالحديث ولنا أنه في النفل كما مر. فقط

اگر تنها کلاه بسر باشد نماز مکروه نیست: سوال: (۱۴۸۰) کلاه بسر نمودن امامت دادن

بغیر کراہیت جائز است یا نہ؟

جواب: کلاه پوشیدن امامت دادن درست است و در آن کراہیت نیست البتہ با عمامہ نماز خواندن و امامت دادن افضل و باعث ثواب مزید است لکن کلاه نیز مکروه نیست. کذا فی شرح النعیۃ الکبیر^(۱). فقد

با اشاره یک دست نابینا را بطرف قبلہ متوجہ کردن چگونه است: سوال: (۱۴۸۱) اگر

کدام نابینا بغیر از درست بودن سمت قبلہ در نماز جماعت شامل شود و نماز خوان همجوارش دست را دراز نموده او را بجهت قبلہ ہموار نمود در حالیکہ سینہ نماز خوان همجوار از قبلہ نگشتہ بود ونہ دیگر کدام حرکت شکستہ نماز از او صادر شدہ بود آیا نماز او خواہد شد یا نہ؟ واگر نابینا ہموار و درست بطرف قبلہ ایستاد نباشد و نماز را اداء نماید آیا نماز او درست خواہد شد یا خیر؟

جواب: اگر با اشارہ یک دست رخ نابینا مذکور را درست نماید پس اینقدر عمل فعل قليل است و فعل قليل مفسد صلاۃ نیست و اگر ضرورت برای درشت نمودن او بہ ہردو دست باشد پس این عمل و فعل کثیر است و در این صورت نماز کم کنندہ درست نخواہد شد و بہتر آنست کہ اگر رخ نابینا را نماز خوان همجوار درست نماید پس از سر نو تجدید نیت کند^(۲) و اگر نماز خوان همجوار رخ او را درست نکرد پس نماز نابینا درست میشود. فقط

دروازہ را مسدود نمودہ نماز را شروع کرد و در آن اثنا آمد و در شور شتب پرداخت بناء

چہ باید کرد؟ سوال: (۱۴۸۲) اگر کسی در کدام حالت دروازہ اطاق را از طرف داخل

مسدود نماید و نماز را شروع کند و کسی دیگر میخواہد کہ بداخل تشریف آورد اما برایش

(۱) والمستحب ان يهلي الرجل في لفظة الثواب ازار وقميص وعمامة ولو صلى في ثوب واحد متروحا به جميع بدنہ كما يفعله اللصّار في المقبرة جاز من غير كراهة مع تسير وجود الطاهر الزائد ولكن فيه ترك الاحتياط (غنية المستملی ص ۳۳۷). ظہیر

(۲) ویسندھا کل عمل کثیر لیس من اعمالھا ولا صلاحھا ولیہ الیوال خمسة اصحابھا ما لا شک بسببہ الناظر من بعد فی فاعلہ انه لیس فیہا وان شک انه فیہا ام لا، فقلیل (در المختار) رواہ الطحطاوی عن اصحابنا، حلیہ. القول الثانی ان ما یعمل عادة بالیدین کثیر وان عمل بواحدة کانتعم وشد السراويل واما عمل بواحدة للیل الخ واکثر الفروع او جمعھا مفرع علی الاولین والظاهر ان ناھما لیس خارجا عن الاول لان ما یقام بالیدین عادة یطلب من الناظر انه لیس فی الصلوة (رد المختار باب ما یفسد الصلوة الخ ج ۱ ص ۵۸۳ - ۵۸۴). ط. س. ج ۴ ص ۶۲۴.

معلوم نیست که شخص در داخل نماز میخواند و حالانکه شخصی بیرونی آفتاد فریاد و مزیقه را آغاز کرده است که برای شخص داخلی رجوع نمودن از نماز بسیار مشکل شده است بناء اکنون نماز خوان چه طریقه اختیار نماید؟

اگر در حالت نماز انسان یا جانور حمله آور باشد یسی چه باید کرد؟ سوال: (۱۴۸۳)

همچو حالت قائم نمودن نماز مقابلہ دشمن را چگونه باید کرد خواه انسان باشد یا حیوان باشد یا حشرات الارض باشد که از آن اندیشهٔ اذیت و نقصان احساس شود؟

جواب: (۱) در همچو حالت اگر با تازه نمودن حلقوم مشکل حل میشد پس تازه نمودن حلقوم درست است بخاطر آنکه شخص که از بیرون آمدن است او بداند که نماز اداء مینماید قسمیکه در در مختار فرموده است: او للإعلام أنه فی الصلاة فلا ساد علی الصحيح ^(۱) الخ و باقی نماز خواندن در آن صورت درست نیست کما ینظر من تفصیل العلماء.

جواب: (۲) نماز را بشکنند درالدر المختار مذکور است: وما یباح قتل حیه ^(۲) الخ فقط، و قبل از این چنین عبارت مذکور است: وند دایه و فور قدر و ضیاع ما قیمته درهم له أو لغيره الدر المختار قوله: و یباح قطعها ای ولو کانت فرضا کما فی الامداد، شامی ^(۳) فقط.

اگر لنگ یا ازار نماز خوان بگشاید آیا به هر دو دست آن را بستن درست است یا نه؟ سوال: (۱۴۸۴)

اگر در حالت نماز لنگ یا ازار نماز خوان بگشاید آیا نماز خوان آن را با هر دو دست بسته کرده و نماز را به انجام رسانده میتواند یا از سر نو نماز اداء نماید و همچنان دکمهٔ کلاه قطیفه و غیره همه افعال است که با هر دو دست انجام می پذیرد اگر با هر دو دست آن امور درست شود پس آن نماز چه حکم خواهد داشت؟

جواب: در کبیری شرح منیه مذکور است: ویکره ایضا فی الصلوة نزع القميص والقنصلوة الخ و کذا یکره لبسها اذا کان النزع واللبس بعمل یسیر لانه عمل اجنبی من الصلوة لا یحصل به تَمِیم شی من اعمالها و لهذا کان مفسداً اذا حصل بعمل کثیر بان احتاج الی الیدین او کان مما لو رآه الناظر ظنه لیس فی الصلوة ^(۴) الخ. از این عبارت معلوم شد که درحالت نماز اگر پوشیدن

(۱) الدر المختار علی هامش رد المختار باب ما یفسد و ما یکره فیها ج ۱ ص ۵۷۸ ، ط. م. ج ۱ ص ۶۱۹. ظفر

(۲) الدر المختار علی هامش رد المختار باب ما یفسد الصلوة و ما یکره فیها ج ۱ ص ۶۱۲ ، ط. م. ج ۱ ص ۶۵۱. ظفر

•

(۳) رد المختار ایضا ، ط. م. ج ۱ ص ۶۵۴. ظفر

(۴) غیة المستملی مکروهات صلوة ص ۳۴۴. ظفر

و کشیدن، کرته و کلاه بعمل میسر باشد یعنی بیک دست باشد و بدان طریقۀ طور ی باشد که نگاه کننده و ناظر بر نماز گذار چنان فکر نکند که او در نماز نیست پس در آن صورت مکروه است و اگر بعمل کثیر باشد پس این عمل مفسد صلاۀ است بسته نمودن ازار بند، لنگ و غیره بغیر از مردود دست ظاهراً دشوار است لهذا این عمل کثیر است و مفسد صلاۀ میباشد^(۱). فقط

از جلد دیباخت شدۀ آہو مصلی ساختن درست است: سوال: (۱۴۸۵) از آن جلد آہو مصلی ساختن کہ ہر چہار ناخون و شاخہایش آویزان باشد و بر آن نماز ادا نمودن مکروه است یا نہ؟

جواب: برہمچو جلد نماز اداء نمودن بغیر از کراہیت درست است زیرا ہیچ دلیل کراہیت در آن نیست^(۲). فقط

بازوئی برہنہ نماز خواندن مکروه است: سوال: (۱۴۸۶) اگر بازو برہنہ باشد نماز میشود یا نہ؟

جواب: نماز میشود اما این عمل خلاف سنت و مکروه است یعنی وقتیکہ لباس موجود باشد و اگر نباشد پس در آن کدام کراہیت نیست^(۳). فقط

با گلہ ساختہ شدہ رخت سرفت نماز چگونہ است: سوال: (۱۴۸۷) اکثر مردم چنان عمل میکنند کہ از خیاط لباس میخواہند یا در کر تہ بطور مثال نشانی (کالر) را نصب می نمایند و خیاط از لباس دیگر در آن نصب میکند بناء در ہمچو لباس نماز خواندن جائز است یا نہ؟

جواب: نماز اداء میشود لکن ہمچو کردن جائز نیست و اگر گمان غالب بر آن باشد کہ خیاط در آن رخت سرفت را استعمال نمودہ است باز ہم نماز مکروه میشود اگر چہ اداء خواہد شد.

(۱) و ہندھا کل عمل کثیر لیس من اعمالہا ولا لاصلاحہا ولیہ الزوال خمسۃ اصحابہ لا یشک بسببہ الناظر من بعد فی فاعلہ ان لیس فیہا وان شک انہ فیہا ام لا فقلیل الخ (رد المحتار) القول الثانی ان ما یعمل عادۃً بالبدین کثیر وان عمل بواحدۃ کانعمم وشد السراویل وما عمل بواحدۃ لیل وان عمل بہما کعمل السراویل ولیس القنصۃ الخ (رد المحتار باب ما یفسد الصلوۃ وما یکرہ لہا ج ۱ ص ۵۸۳ - ۵۸۴، ط. س. ج ۱ ص ۶۲۴). ظہیر

(۲) فسر المیعۃ وعظمتہا ظاہر وکلما المعصب والحادی والغلب والظلف والقرن والصف والوبر والبرش والسن والنفار والمغلب الخ (عالمگیری کشوری باب المیاء فصل لانی ج ۱ ص ۲۳، ط. ماجدنیہ ج ۱ ص ۲۴) کل اعاب دبیغ دہافۃ حلقیۃ بالادویۃ لرحیمۃ بالتریب والتشسس والافشاء فی الريح فقد ظہر وجازت الصلوۃ فیہ (ایضاً، ط. ماجدنیہ ج ۱ ص ۲۵). ظہیر

(۳) ولو علی ما لایستحب فیہ کما فی فتاوی لاضی خان (عالمگیری کشوری باب ما یکرہ فی الصلوۃ ج ۱ ص ۱۰۵، ط. ماجدنیہ ج ۱ ص ۱۰۶). ظہیر

فقط (۱)

اگر نماز خوان با استعمال پکه خوشنود میشود در نماز او کدام گزاهیت نیست؟ سوال:

(۱۴۸۸) اگر برای نماز گذار کسی پکه میزند و نماز خوان بر آن فعل خرسند باشد آیا نمازش درست میشود یا نه؟

جواب: اگر برای نماز گذار کسی خاص به رضای الله پکه میزند و نماز خوان از آن راحت محسوس می نماید و یا اطمینان نماز خود را کامل نماید در این صورت در نماز کدام فساد و گزاهیت نمی آید و نماز گذار اگر به این خرسند شود باز هم در نمازش کدام فساد و گزاهیت نمی آید و آن عده باد پکه های که در مساجد نصب است با جریان آنها نیز در نماز کسی فساد و گزاهیت واقع نمیشود البته برای نماز خوان در آن مورد حکم نمودن بکار نیست که در وقت نماز خواندن بر ایم باد پکه بزن بخاطر آنکه این سخن خلاف ادب است اگر چه با آنها در نماز چیزی گزاهیت نیز نمی آید. فقط

حد عبور نمودن از پیش روی نماز گذار: سوال: (۱۴۸۹) عبور نمودن از پیشروی نماز

گذار ممنوع است وجه آن چیست که اگر کسی بیرون بالای فرش نماز بخواند و در داخل مسجد از پیشروی او عبور کردن جائز است یا نه؟

جواب: وجهش آنست که در مسجد بزرگ تا جایی که نظر نماز خوان میرسد و تا وقتی که نظر خود را نماز خوان بر جای سجده داشته باشد تا به آن حدود از پیشروی او کسی مرور نمیکند فلذا اگر کسی بیرون بالای فرش نماز بخواند پس در حصه داخل مسجد از پیشروی او عبور کرده میتواند (۲). فقط

در نماز تصفیه نمودن خاک پشانی چطور است؟ سوال: (۱۴۹۰) در نماز اکثر اوقات

پشانی خاک آلود میشود و پاک نمودن آن چگونه است؟

جواب: در نماز آن را نباید پاک کرد و اگر بعد از نماز آن را پاک کند در آن کدام حرج نیست

(۱) و کلاً تکره فی امکان کفری کلمة الخ وارض مصلوبة (الدراختار علی هامش رد المحتار کتاب الصلوة قبل باب الاذان ج ۱ ص ۳۵۴ ، ط. ب. ج ۱ ص ۴۰۳). ظفر

(۲) و مرور مای فی الصحراء و فی مسجد کبر بموضع سجوده فی الاصح او مرور بین یدیه احواط القبلة فی بیت و مسجد صبر لانه کففة واحدة مطلقا (الدراختار علی هامش رد المحتار باب ما یفسد الصلوة و ما یکره فیها ج ۱ ص ۵۹۳ ، ط. ب. ج ۱ ص ۶۳۴). ظفر

لکن بہتر آنست کہ آن را تصفیہ نکند (۱)۔ فقط

با کلاه عسکری نماز جائز است؟ سوال: (۱۴۹۱) اگر کسی بجای کلاه عسکری را بسر نموده نماز را اداء کند یا امامت می نماید آیا نمازش جائز است یا نه؟ وهمچنان بغیر از نماز بسر نمودن آن چگونه است؟

جواب: با کلاه عسکری نماز خواندن درست میشود و در لباس و کلاه کدام وضع وطریقہ خاص مامور بہ نیست بلکہ ہر قسمیکہ عادت و رواج یک مملکت باشد موافق آن لباس و کلاه وغیرہ استعمال نمودن درست است در حدیث شریف است: کَلُوا مَا شِئْتُمْ وَابْسُوا مَا شِئْتُمْ، الحدیث (۲) یعنی ہر چیزیکہ پسند شما باشد بنوشید و ہر چیزی را کہ خوش دارید بنوشید اما از حرام خود داری کنید تکبر و اسراف مکنید۔ فقط

اگر در جیب پول رشوت باشد نماز درست میشود یا نہ؟ وهمچنان با پول رشوت لباسی خریدہ شدہ نماز در آن چگونه است؟ سوال: (۱۴۹۲) اگر در جیب یک نفر پول رشوت باشد آیا نماز او درست میشود یا نہ؟ وهمچنان لباس کہ با پول رشوت ساختہ شدہ باشد و در بدن نماز خوان باشد آیا نماز درست خواہد شد یا نہ؟

جواب: نماز درست میشود و در نماز بخاطر آن وجہ کراہیت نیست کہ گناہ رشوت علیحدہ میباشد و اگر در بدنش لباس ساختہ شدہ بہ پول رشوت باشد در این صورت نماز مکڑوہ است (۳)۔ فقط

در نماز تصور بچہ وغیرہ ناپسند است؟ سوال: (۱۴۹۳) در نماز تصور نمودن پسر وغیرہ جائز است یا نہ؟

(۲) و همچنان کدام چیز دنیاوی را تصور نمودن چگونه است؟

قصدا تصور نمودن پسر چگونه است؟ سوال: (۱۴۹۴) (۳) بعد از تکبیر تحریمہ کہ تصور پسر کردہ شود چطور خواہد باشد؟

جواب: (۱ و ۲) در نماز بغیر از اللہ تصور هیچ چیز و قصدا در خیال و نظر آوردن هیچ کس بکار

(۱) و بکرہ للمصلیٰ ان یسبح عرقہ اوبسح التراب عن جہتہ فی الاء الصلوۃ الخ ولایکرہ بعد الصلاہ و غیۃ المسلمیٰ ص ۳۴۵۔ ظہیر

(۲) با ہمجوز الفاظ بعینہ الفاظ را درایت نکردم و بالی در جواز نماز قطعا هیچ کلام نیست واللہ اعلم۔ ظہیر

(۳) قسمیکہ در ارض معصومہ نماز مکڑوہ است و کذا نکرہ فی اماکن کثرت کبۃ الخ و ارض معصومۃ (الدوا المختار علی ہامش رد المحتار کتاب الصلاۃ ج ۱ ص ۳۸۴)۔ ظہیر

ہے^(۱).

جواب: (۳) مناسب نیست. (۲) لفظ

بعد از سلام بشیر از دعا کردن مقتدی رفته میتواند: سوال: (۱۴۹۵) برای مقتدی در

دعای امام شرکت ورزیدن ضروری است و یا رعایت وقت باید بشود؟

جواب: ۱ اگر مقتدی ضرورت داشته باشد و یا کار عاجل دارد او بعد از سلام فوراً رفته میتواند

و در آن کدام گناہ نیست و بر او طعن گفتن مناسب نیست و اگر تا بہ ختم دعا انتظار نماید و با امام

در دعا شرکت ورزد بہتر خواهد بود و در آن بواب مزید میآید^(۲). فقطاصلاً نمودن نماز خوان کہ جہت قبلہ را غلط نمودہ باشد جائز است: سوال: (۱۴۹۶)

ہر کسبکہ بلا جہت قبلہ نماز میخواند او را بطرف قبلہ مستقیم نمودن بدست بکار است یا بہ

زبان؟

جواب: او را بدست و زبان ہر دو مستقیم نمودن درست است کہ در آن صورت در نماز کدام

نقصان واقع نخواہد آمد^(۳) یعنی در نماز این نماز خوان خلل نمی آید و اگر مستقیم کنندہ

خودش در نماز باشد در آن صورت او را با یک دست درست ایستاد نمودن بکار است و اگر

در آن حالت بزبان برایش گفت نمازش درست نخواہد شد زیرا در نماز سخن گفتن نماز فاسد می

نماید. واللہ اعلم. ظفر

در حالت نماز قعیفہ یا کمبل از خود پیچاندن درست است یا نہ؟ سوال: (۱۴۹۷) (۱)

در وقت نماز قعیفہ یا کمبل را بر شانہ انداختن بکار است یا بالای سر باشد و همچنان ہر دو کعب

ہای طرف چسب آویزان باشد زیرا وقتیکہ کنارہ طرف راست آن بر شانہ انداخت در آن حکم

سدل الثوب متوجہ نمیشود کہ آن را فقہاء مکروہ قرار دادہ اند بناء کراہیت باقی نماند و بہتر

آنست کہ ہر دو اطراف کارہ چپ آن نیز بالای شانہ اندازد^(۴). فقط

(۱) ان المساجد لله فلا تدعوا مع الله احدا (الجن: ۱۸). ظفر

(۲) ولی الفناوی لو تفکر فی صلاۃ فذکر حدیث او شراً او عطفہ او مسئلہ پکرہ ولا یفسد صلاۃ کذا فی السراج الوہاج (والمکبری مصری

باب ما یفسد الصلوۃ ج ۱ ص ۹۴، ط. ماجدہ ج ۱ ص ۹۸). ظفر

(۳) ویتحب ان یستطیر الخ ویدعو ویعزم یسبحان ربک (الدرالمختار علی هامش ودمختار باب صلاۃ الصلاۃ بعد الفصل ج ۱ ص ۴۹۵،

ط. س. ج ۱ ص ۵۳۰). ظفر

(۴) ولو اعنی لمرأۃ ورجل بنی (الدرالمختار علی هامش ودمختار باب شروط الصلوۃ ج ۱ ص ۴۰۳، ط. س. ج ۱ ص ۴۳۴). ظفر

(۵) وکرہ الخ سدل ثوب ای ارسالہ بلا لبس معناد (در المختار) لملی هذا تکرہ الطیلان الذی یجعل علی الرأس ولد صرح بہ شرح =

در وقت زیر وزیر فتحه دادن درستی است: سوال: (۱۴۹۸) اگر از امام غلطي زیر وزیر
 لیسما صادر شود که در معنی هیچ نوع فرق نیاید در همچو حالت فتحه دادن کراهیت خواهد
 باشد یا نه؟

جواب: در همچو حالت فتحه دادن هیچ کراهیت بدنبال ندارد و اما اصلاح غلطي ضروري است
 فقط^(۱)

در ما بین ترک نمودن سورت کوچک مکروه است در چنان حالت اعاده نمودن نماز
مستحب است: سوال: (۱۴۹۹) امام در نماز مغرب در رکعت اول سورت کوثر و در رکعت
 دوم سورت نصر را تلاوت نمود نخست آنکه سورت خورد و بزرگ و دوم آنکه خلاف ترتیب
 سورت کوچک در بین ترک شد در آن صورت اعاده واجب است یا نه؟ اگر اعاده نمود آیا
 گناهکار نمیشود؟ و برایش ثواب خواهد داده شد یا نه؟

جواب: ترک نمودن سورت کوچک در ما بین مکروه تنزیهی است فلذا اعاده نمودن آن نماز
 واجب نیست لکن اگر کسی اعاده نمود در آن گناه نیست بلکه بهتر و باعین ثواب است چنانچه
 در شامی از فتح القدیر منقول است: والحق التفصیل بین کون تلک الکراهیه کراهیه تحریم
 فتجب الإعادة او تنزیهية فتستحب الخ^(۲) و در سورت کوثر و سورت نصر کوچک بودن
 و بزرگ بودن آنقدر فرق ندارد که از آن کراهیت لازم شود^(۳) فقط

در وقت سجده رفتن ازار را بلا ضرورت بلند نمودن خلاف ادب است: سوال: (۱۵۰۰)
 در وقت سجده رفتن ازار را بلند نمودن چگونه است؟
جواب: بلا ضرورت ناپسند است^(۴) فقط

= الرواية اه اذا لم يضره على عهده والا لفسد (ردالمحتار باب ما يفسد الصلوة وما يكره فيها ج ۱ ص ۵۹۷ . ط. س. ج ۱ ص ۶۳۹). ظهير
 (۱) بخلاف فتحه على امامه لانه لا يفسد مطلقا لفتحته وأخذ بكل حال (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب ما يفسد الصلوة وما يكره فيها
 ج ۱ ص ۵۸۲ . ط. س. ج ۱ ص ۶۲۲). ظهير

(۲) رد المحتار باب صفة الصلوة، واجبات الصلوة ج ۱ ص ۴۲۵ . ط. س. ج ۱ ص ۴۵۵. ظهير

(۳) وأطالة الأتية على الأولى يكره فيها إجماعا أن ثلاث أيات أن تفاوت طولها وقصرها ولا اعتبر الحروف والكلمات واعتبر الحلقى لحش
 الطول لأعداد الأيات واستثنى في البحر ما وردت به السنة واستظهر في الثقل عدم الكراهة مطلقا (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب صفة
 الصلوة فصل في القراءة ج ۱ ص ۵۰۶ . ط. س. ج ۱ ص ۵۴۱). ظهير

(۴) وكره كفة أي رفعه ولو لثواب كمشتر كم أو ذبل وجهه به أي ثوبه للنهي الأ لاحتاجة (رد المحتار) وحاصله أن كل عمل هو مفيد للمصلى
 فلا بأس به (ردالمحتار باب ما يفسد الصلوة وما يكره فيها ج ۱ ص ۵۹۸ - ۵۹۹). ظهير

چہ وقت فتحہ دادن بکار است؟ سوال: (۱۵۰۱) امام در قرائت بنا بر فراموشی سورت دیگر را شروع کرد و دو مرتبہ برایش فتحہ داده اما امام فتحہ را نگرفت بناء فتحہ دادن در کدام وقت بکار است و همچنان نماز فتح دہندہ درست شدہ است یا نہ؟

جواب: اگر امام بعد از قرائت سورت فاتحہ بمقدار سہ آیات تلاوت نمودہ باشد در این صورت انتظار فتح دادن مکروہ است بلکہ فوراً باید برکوع برود و اگر قبل از تلاوت سہ آیت از وی فراموش شد پس بہتر آنست کہ از یکجای دیگر تلاوت را شروع نماید اگر امام همچو نمود در آن وقت ہر گاہ برایش ثابت شد کہ برای امام ایت قبلی بیاد نمیشود ناگزیر برایش فتح بدهد و بغير از دادن مہلت فوراً دادن فتحہ مکروہ است کما فی الشامی^(۱) ص ۶۵۰ و نماز در ہر حال صحیح است^(۲) فقط .

با کرتہ بدون دامن نماز خواندن جواز دارد: سوال: (۱۵۰۲) اگر کسی کرتہ بدون دامن را بپوشد و در آن نماز را اداء نماید آیا نمازش مکروہ میشود یا نہ؟
جواب: در کرتہ بدون دامن بغير از کراہیت نماز خواندن جائز است زیرا مقصود ستر عورت است و ستر عورت در آن صورت حاصل است فقط .

اگر در جریان قرائت سورت را فراموش نمودہ پس سورت دیگر را شروع نماید: سوال: (۱۵۰۳) اگر امام بعد از اَلْحَمْدُ لِلّٰہ یک سورۃ پارۂ عم را شروع کرد و بسبب نسیان عارضہ آن را خواندہ نتوانست بناءاً آیا برای امام اختیار است کہ از تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ یا از کدام سپارہ دیگر رکوع را شروع کردہ آن را تلاوت نماید.

جواب: در این صورت برای امام بکار است کہ از جای قرائت خواندن را آغاز نماید^(۳) فقط .

اگر در گوشۂ غربی مسجد و بیرون از دیوار مقبرہ باشد در نماز کدام نقصان عارض نمیشود: سوال: (۱۵۰۴) در سائر سہ اطراف یک مسجد بغير از سمت غربی آن مقبرہ ساختہ

(۱) ویکرہ ان ینفخ من ساعۃ کما یکوہ للامان ان یلجئ الیہ بل ینزل الی اہۃ اخری لا یلزم من وصلہا ما یفسد الصلوۃ اوالی سورۃ اخری او یرکع اذا قرأ لغیر الغرض کما جزم بہ الزہلی ولی رواۃ قدر المستحب کما وجہہ الکمال الخ (ردالمحتار باب ما یفسد الصلوۃ وما یکوہ لہا) ج ۱ ص ۵۸۲ ط. س. ج ۱ ص ۶۲۲ ظہر .

(۲) بعلاف فتحہ علی امامہ فالان لا یفسد مطلقاً لفتح وأخذ بکل حال (الدردالمختار علی هامش ردالمحتار باب ما یفسد الصلوۃ وما یکوہ لہا) ج ۱ ص ۵۸۲ ط. س. ج ۱ ص ۶۲۲ ظہر .

(۳) ویکرہ ان ینفخ من ساعۃ کما یکوہ للامان ان یلجئ الیہ بل ینزل الی اہۃ اخری لا یلزم من وصلہا ما یفسد الصلوۃ او الی سورۃ اخری (ردالمحتار باب ما یفسد الصلوۃ وما یکوہ لہا) ج ۱ ص ۵۸۲ ط. س. ج ۱ ص ۶۲۲ ظہر .

شده است؟ آیا در طرف غرب همچنان قبر ساختن شده میتواند یا نه و آیا دیوار که حائل واقع شده کافی است یا خیر؟^(۱)

جواب: اگر در سمت مغرب مسجد قبور ساخته شود پس در نماز کراهت نخواهد آمد بخاطر آنکه دیوار سمت غرب مسجد حائل کافی میباشد قال فی شرح المنية: لا بأس فی الصلاة فی المقبرة إذا كان فیها موضع اعد للصلاة وليس فیہ قبر وهذا لان الکراهية مطلقة بالتشبيه بأهل الکتاب وهو متف فیما كان علی الصفة المذكورة الخ.^(۲) فقط

در لباس خارجی نماز درست است: سوال: (۱۵۰۵) در لباس خارجی نماز جائز است یا نه؟

جواب: در این لباس نماز درست است^(۳) فقط

در پیش روی نما گذار در مسجد خوابیدن و گفتگو کردن مکروه است: سوال: (۱۵۰۶)

وقتی که در مسجد نماز خوان نماز اداء می نماید در ما بین آنان خوابیدن و در حالت نشستن گفتگو کردن جائز است یا نه؟

جواب: نزدیک نماز گذاران قسماً گفتگو کردن که از آن خوف عارض شدن سهو ونقصان باشد مکروه است^(۴) فقط

تمباکو با خود داشتن نماز درست میشود یا نه؟ سوال: (۱۵۰۷) اگر کسی تمباکو نوشیدنی

را با خویشتن داشته نماز اداء نماید آیا نمازش درست میشود یا نه؟ و همچنان اکثر مردم دود ودخان تمباکو را حرام قرار داده اند بناء استعمال تمباکو نیز مکروه شد یا نه؟

جواب: نوشیدن تمباکو و دود آن حرام نیست و نه نجس میباشد پس وقتی که تمباکو هیچ نوع نجاسة همراه ندارد بناء تمباکو را با خویشتن داشتن نماز درست میشود مطلب آنکه تمباکو باعتبار ذات خود ناپاک نیست اما در آن اگر کدام نوع شیره و غیره آمیخته میشود اگر ناپاک نباشد بلکه پاک باشد در آن وقت همراهش نماز صحیح است اگر چه سخن پسندیده نیست.

(۱) غنية المستطلي ص ۳۵۰ . ظفر

(۲) زیرا حکما پاک است و برای صحت نماز همین شرط است: ولو شك فی نجاسة ماء أو ثوب الخ لم یمنع (در المختار) من شك فی اتاله و ثوبه لغير طاهر الخ و کذا ما ینتخذہ اهل الشوک والجهلة من المسلمین کالسمن والخمر والأطعمة رد المحتار کتاب الطهارة مطلب ابیات الفصل ۱ ج ۱ ط. ص. ج ۱ ص ۱۵۱ . ظفر

(۳) و صلاته علی وجه انسان ککراهة استقباله لالاستقبال لو من المصلی فالكراهة علیه و لا فعلی المستقبل ولو بعدا الخ ولا بکراهة الی طهر قاعد اولاتم ولو یحدث الا اذا خیف الغلط بحديثه (رد المحتار) علی هامش رد المحتار باب ما یفسد الصلاة و ما یکره فیها ج ۱ ص ۶۰۲

و ص ۶۱۰ . ط. ص. ج ۱ ص ۶۴۴ . ظفر

لفظ (۱)

در نماز مکروا بلند نمودن ازار ناپسند است: سوال: (۱۵۰۸) (۱) در نماز تکرارا بلند نمودن ازار چگونه است؟

در سجده پاها را بیجا نمودن چگونه است؟ سوال: (۱۵۰۹) (۲) در وقت سجده رفتن هر دو پاها را از زمین بلند نمودن یا پیش و پس نمودن چگونه است آیا با همجو عمل نماز درست میشود یا نه؟

جواب: (۱) تکرارا بلند نمودن پاها ناپسند است لکن نماز صحیح میباشد. (۲) **جواب:** (۲) در آن صورت نیز نماز صحیح است لکن حتی المقدور همجو قصدا نباید کرد (۳). فقط

اگر ما بین سر برهنه باشد نماز خواندن چگونه است؟ سوال: (۱۵۱۰) اگر بالای سر عمامه بدون کلاه باشد و در ما بین سر برهنه بود نماز چگونه است؟

جواب: در این صورت نماز مکروه است اما نماز درست میشود (۴). فقط

در نماز آشکار نمودن بازوها مناسب نیست: سوال: (۱۵۱۱) در نماز آستین ها را تا به شانه بلند و جمع نمودن چگونه است آیا در نماز کدام خلل واقع نمیشود؟

جواب: نماز درست میشود اما این فعل پسندیده نیست (۵). فقط

با کلاه جالی دار نماز مکروه نیست: سوال: (۱۵۱۲) کلاه جالی دار را بسر نمودن نماز

(۱) قلت لیهتم منہ حکم البات الذی شاع فی زماننا السی بالخن وقد کره شیخنا الصادی فی ہدیتہ بالثوم والبصل بالارلی (در المختار) لولہ لیهتم منہ حکم البات وهو الاباحۃ علی المختار (رد المختار کتاب الاشرۃ ج ۵ ص ۴۰۷ . ط. س. ج ۱ ص ۴۶۰). ظہیر

(۲) وبکرہ للمصلی ان یبث یتوبہ ویجسده الخ (ہدایہ مایکرہ فی الصلوۃ ج ۱ ص ۱۲۴). ظہیر

(۳) ومنہا السجود بجهنہ وقدیمہ ووضع اصبع واحدہ منہا شرط (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صفۃ الصلوۃ ج ۱ ص ۴۱۶ . ط. س. ج ۱ ص ۴۴۷). ظہیر

(۴) وبکرہ اشتمال الصغراء والاعتبار (درمختار) لہی السی ~~تکبر~~ عہ وهو شد الرأس او تکبیر عمامۃ علی رأسہ ترکہ وسعہ مکشوفاً (ردالمحتار ج ۱ ص ۶۱۰-۶۱۱ . ط. س. ج ۱ ص ۶۵۲). ظہیر

(۵) وکرہ کفہ ای رفعہ ولو لتراب کمشمر کم اوذیل وعینہ بہ ای یتوبہ (در المختار) لولہ کمشمر کم الخ ای کما لو دخل فی الصلوۃ وهو مشمر کمہ اوذیل الخ لکن لال فی القنیۃ واختلف فیمن علی ولد شمر کمہ کمعل کان یعملہ قبل الصلوۃ اوہینۃ ذالک ومنہ ما لوشر للروضہ لم یعمل لادراک الرکۃ مع الامام واذا دخل فی الصلوۃ کذلک وقلنا بالکرہۃ لہل الاقتل اوخام کمہ لہا یعمل لقلل اوترکہا لم ارہ والاظهر الاول الیہ وقید الکراۃ فی الخلاصۃ والمعنیۃ بان رفعہا کمہ الی المرلفین (رد المختار باب ما یلحد الصلاۃ وما یکرہ لہا ج ۱ ص ۵۹۸ . ط. س. ج ۱ ص ۴۰۰). ظہیر

مکروه است یا نه؟ و علی الدوام بسر نمودن گلابی دار چه حکم دارد؟

جواب: لباسی که برای طبقه ذکور پوشیدن آن مباح است خواه جالبی دار باشد و یا نباشد و با کلاه جالبی دار نماز درست است و استعمال آن لباس را طوری نمودن که از آن کشف عورت نمیشود صحیح است. فقط

چشم پوشیدن در نماز چگونه است: سوال: (۱۵۱۳) چشم پوشیده در نماز قرائت نمودن گونه است؟

جواب: در نماز چشم پوشیدن ناپسند و مکروه تنزیهی و خلاف اولی است ^(۱) و بتخاطر تحضیل خشوع و خضوع تمعیض چشمان بلا کراهیت درست است بلکه بعضی علماء فرموده اند که برای حصول کمال خشوع و خضوع تمعیض چشمان اولی است در شامی مذکور است: بل قال بعض العلماء إنه الاولى ^(۲). فقط

بوجه شک ضرورت برای اعاده نیست: سوال: (۱۵۱۴) اگر در سجده نماز بسبب عدم واقفیت دعاء نمود سپس برایش معلوم شد که این جائز نیست اکنون برایش این شک عارض شد که این کلام الناس بود یا نه؟ بناء در آن وقت اعاده واجب است یا خیر؟

جواب: در وقت شک ضرورت برای اعاده نیست اگر اعاده نمود بهتر است. فقط

خلاف ترتیب قرائت مکروه است: سوال: (۱۵۱۵) زید بعد از الضحی در رکعت دوم والشمس را تلاوت نمود آیا در نماز کدام نقصان عارض شده است؟ و نماز درست شده است یا نه؟

جواب: قصدا در نماز همچو کردن مکروه است اگر سهوا چنان عمل کرد پس کدام حرج نیست بهر حال نماز صحیح است ^(۳). فقط

در رکعت اول والضحی و در رکعت دوم یا خواندن والتین کراهیت در نماز پیدا نمیشود: سوال: (۱۵۱۶) در رکعت اول سورة والضحی را تلاوت نمود و در رکعت دوم آلم نَشْرَحَ را

(۱) وكره الخ تمعیض عنه للنهی الا تكمال الخشوع (رد المحتار) ثم الظاهر ان الكراهة تنزيهية (رد المحتار باب ما يفسد الصلوة وما يكره فيها ج ۱ ص ۶۰۵، ط. س. ج ۱ ص ۶۴۵). ظفر *

(۲) رد المحتار باب ما يفسد الصلوة وما يكره فيها ج ۱ ص ۶۰۵، ط. س. ج ۱ ص ۶۴۰. ظفر

(۳) وكره الفصل بسورة قصيرة وان يقرأ منكروا الا اذا عزم القرآن (رد المحتار) منكروا بان يقرأ في الثانية سورة اعلى مما قرأ في الاولى لان ترتيب السور في القراءة من واجبات الصلوة (رد المحتار فصل في القراءة ج ۱ ص ۵۱۰، ط. س. ج ۱ ص ۵۴۶). ظفر

ترک نموده و سورة وَالَّتین را قرائت کرد آب این نماز مکروه است یا نه؟

جواب: در مورد سورت های کوچک همچو کردن فقهاء کرام کراهیت نوشته اند یعنی آنکه یک سورت را در ما بین ترک نمودن و سورت سوم را در رکعت دوم فرائض خواندن مکروه است لکن (وَالضُّحَى) در سورت های کوچک داخل نیستند بلکه از جمله اوساط مفصل میباشد فلینذا در اینجا صورت مذکوره مکروه نیست ^(۱). فقط

در لباس های طلائی یا ابریشمی نماز درست است یا نه؟ سوال: (۱۵۱۷) در هر کلاه و تاقن که طلاء سوچه یا ردی استعمال شده و در آن نماز خواندن یا نماز دادن و همچنان در لباس ابریشمی نماز خواندن چگونه است؟

جواب: اگر از چهار انگشت زیاد بر آن کار شده باشد و در آن صورت استعمالش ناجائز است و نماز همراهش مکروه میباشد و همانطور حکم لباس ابریشمی نیز است ^(۲). فقط

روی گردانیدن بطرف نماز گذار نشسته مکروه است: سوال: (۱۵۱۸) بطرف نماز خوان توجه نموده نشستن چگونه است اگر کسی قبلاً نشسته بود و کسی بطرف او نماز خواندن را شروع نماید و یا کسی در نماز بود و بطرف او کسی دیگر روی خود را گردانیده بنشیند پس در این هر دو صورت نماز مکروه خواهد باشد یا در یک صورت میباشد و این کراهیت در هر دو صورت بطرف کدام یکی راجع میشود؟

جواب: در در المختار مذکور است: و صلّوته الی وجه انسان ککراهة استقباله فالاستقبال لو من المصلی فالکراهة علیه و الاّ فعلى الْمُسْتَقْبَل ^(۳) الخ یعنی اگر استقبال از جانب نماز گذار باشد پس کراهیت بطرف او متوجه میشود و اگر از جانب کسی دیگر باشد در آن وقت کراهیت بطرف او متوجه میباشد نه بطرف نماز خوان.

اگر امام بوفرش باشد و مقتدی بر مصلی از آن نماز فاسد نمیشود: سوال: (۱۵۱۹) زید میگوید که در جماعت امام بالای مصلی یا جای نماز باشد و مقتدیان همانطور بلا مصلی ایستاد

(۱) و بکروه الفصل بسورة قصيرة (در المختار) اما بسورة طويلة بحيث يلزم منه الطالة الركعة الثانية الطالة كثيرة فلا يكره شرح الصیة

(ردالمحتار فصل في القراءة ج ۱ ص ۵۱۰ ط. س. ج ۱ ص ۵۴۶). غفر

(۲) يحرم لبس الحرير الخ على الرجل المرأة الاّ قدر أربع اصابع (الدرالمختار على هامش رد المحتار كتاب الحظر والاباحة فصل في اللبس ج ۵ ص ۳۰۸ ط. س. ج ۶ ص ۳۵۱). غفر

(۳) الدرالمختار على هامش ردالمختار باب ما يفسد الصلوة وما يكره فيها ج ۱ ص ۶۰۲ ط. س. ج ۱ ص ۵۴۵. غفر

باشند نماز درست نخواستند شد.

جواب: اگر ما تحت پای امام جای نماز یا مصلی باشد و در زیر پای مقتدیان نباشد و یا بر عکس باشد در این هر دو صورت نماز صحیح است ^(۱). فقط

در (ساری) نوع لنگ هندوستانی نماز زنان جائز است یا نه؟ سوال: (۱۵۲۰) برای زنان (ساری) که یک نوع لنگ هندوستانی است، بستن و همراهش نماز خواندن درست است یا نه؟
جواب: برای زنان لنگ مذکور را بسته نماز خواندن درست است غرض آنکه حجاب کامل بکار است خواه لنگ مروج هند باشد یا ازار باشد و در این مورد کدام خصوصیت مطرح نیست ^(۲). فقط

با چربی جانور بخری به ناکه نماز درست است؟ سوال: (۱۵۲۱) اگر با چربی حیوان مسمی به ناکه که در بحر بود و پاش دارد اگر دست ها و پا ها را چرب و مالش بدهد و بغیر بستن آن همراهش نماز خوانده شود آیا نماز درست خواهد باشد یا نه؟
جواب: نماز در این صورت صحیح است. فقط

با اقامت فاسق در نماز نقصان وارد نمیشود؟ سوال: (۱۵۲۲) هر کسیکه زانی باشد و بر خانم پسر خود به اراده سوء دست درازی کند به اقامت نمودن او در نماز کدام نقصان می آید یا نه؟

جواب: با اقامت گفتن آن شخص در نماز نقصان نمی آید. فقط
اگر در نماز تف دهند غلبه کند چه باید کرد؟ سوال: (۱۵۲۳) اگر در نماز تف دهند غلبه کند آن را کدام طرف تف کند یا نه؟
جواب: اگر تف را نوشیده نمیتواند آن را در لباس خود بگیرد ^(۳). فقط

(۱) بخاطر آنکه در همچو صورت کدام نقصان وارد نمیشود و تنها طهارت مکان ضروری است خواه بر آن مکان مصلی باشد یا نباشد. والله اعلم. ظفر

(۲) والاربع سفر عورة ورجوبه عام ولر فی الخلوة علی الصحیح الخ وهي الخ للحرمة ولو غشی جمیع بدنھا حتی شعرھا النازل فی الاصح فلا الوجه والمکمن الخ والتقدمین (الفرامختار علی هامش رد المحتار باب شروط الصلاة ج ۱ ص ۳۸۵ ، ط. س. ح ۱ ص ۴۰۴) وستر عورت عام است خواه به ازار باشد یا به بستن لنگ هر دو یکسان میباشد وچنان پنداشتن صحیح نیست که لنگ (ساری) بستن لباس هندوها است بلکه در بعضی مناطق هندوستان زنهای مسلمان نیز آن لباس را دارند چنانچه در مناطق که ازار را می پوشند در آن با زنهای هندوها نیز بکثرت ازار را می پوشند یعنی ایشان نیز این لباس را دارند و زنهای مسلمان نیز. والله اعلم. ظفر

(۳) قال النبی ﷺ فلا یزین احدکم قبل قبة ولكن عن يساره او تحت قدمه ثم اخذ طرف رداءه فیمسح به ثم رد بعضه علی بعض فقال او =

بخاطر خوف قطرہ بر عضو تناسلی خوشی رخت را بیجانیدن در نماز نقصان نمی آید:

سوال: (۱۵۲۴) بخاطر خوف بیرون شدن قطرہ بول بر مکان خروج بول رخت را بسته نموده

نماز را خواندن صحیح است یا نه؟

جواب: صحیح است. ^(۱)

مرور بین الصفین: سوال: (۱۵۲۵) یک عالم درما بین دو صف عبور می نمود و در مورد جواز

آن استدلال بر حدیث مبارک حضرت عبد الله بن عباس (رض) می نمود بناء آیا این استدلال

صحیح است و بنزد امام اعظم صاحب (رح) این مسئله چگونه است؟

جواب: مذهب احناف نیز همین است که ستره امام برای مقتدیان کافی است در در المختار

مذکور است: و کفت ستره الامام للکل، ^(۲) بناء از روایت عبد الله بن عباس این مسئله ثابت

میشود که از پیش روی نماز گذار عبور کردن مفسد صلاۃ نیست و همین مذهب احناف است

و علاوه از آن او تا به آن وقت بالغ نبود زیرا ایشان خود می فرمایند که: ناهزت البلوغ الخ. یعنی

من در آن وقت بعد بلوغ نزدیک بودم بناء از آن جواز صحت عبور شده نمیتواند ^(۳). فقط

در مسجد شیشه ها نماز سنی درست است: سوال: (۱۵۲۶) آیا اهل تسنن در مساجد اهل

تشیع و همچنان اهل تشیع در مساجد اهل تسنن نماز خوانده میتوانند یا خیر؟

جواب: نماز ایشان میشود ^(۱). فقط

در نماز از بینی آواز خارج نمودن چگونه است؟ سوال: (۱۵۲۷) یک نفر مبتلا به زکام

است اگر او بخاطر درست خارج نمودن حروف از مخارجش سوسو، می نماید یعنی در بینی

بطرف بالا با تنفس نمودن بینی خود را درست می نماید آیا این عمل جائز است یا نه؟

= یعنی هکذا. رواه البخاری (مشکوٰۃ باب المساجد ص ۷۱). غیر

(۱) يستحب للرجال ان يمتحنوا ان رايه الشيطان يجب ان كان لا ينفذ الا به قدر ما يصل الى الدر المختار على هامش رد المحتار نواقض الوضوء ج ۱ ص ۱۳۹. ط. س. ج ۱ ص ۱۵۵. غیر

(۲) ولا يفسدها الخ مرور بين يديه أي حائط القبلة في بيت ومسجد صغير فإنه كبقعة واحدة مطلقا ولو للمرأة أو كلباً (رد المختار) بيان الاطلاق وأشار به إلى عدم الظاهرية بقوله لم يقطع الصلاة مرور المرأة والكلب والحصار وعلى أحمد في الكلب الاسود، وإلى أن ما روي في ذلك منسوخ كما حقه في الحلية (رد المحتار باب ما يفسد الصلوة ج ۱ ص ۵۹۳. ط. س. ج ۱ ص ۶۳۴). غیر

(۳) وعن ابن عباس قال ألبست راكباً على اتان وأنا يومئذ قد ناهزت الاحتلام الخ (مشکوٰۃ باب الستره ص ۷۴) در حدیث دیگر صراحت است: قال رسول الله ﷺ لو علم المار بين يدي المصلي ماذا عليه لكان أن يقف أربعين خيراً له أن يمر بين يديه (متفق عليه). در یک روایت

است: فللقائل قال ما هو شيطان رواد البخاری (مطالعته كيد: مشکوٰۃ باب الستره ص ۷۴). غیر

(۴) قال النسي ﷺ وجعلت أي الأرض مسجداً (مشکوٰۃ باب لفضائل سيد المرسلين ص ۵۱۲). غیر

جواب: در نماز همچو اواز اخراج نمودن بکار نیست اما باز هم اگر بخاطر تصحیح اداء حروف از مخارج چنان ضرورت اخراج آواز احساس شود نماز صحیح است^(۱). فقط

بنا بر نسیان خلاف توتیبات حکم قرائت چیست؟ سوال: (۱۵۲۸) امام در رکعت اول سورت رحمن را قرائت نمود و در رکعت دوم (لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ) را قرائت کرد آیا نماز درست شده است یا نه؟

جواب: بنا بر فراموشی همچو کردن بلا کراهیت نماز صحیح است.^(۲) فقط

بر سقف مسجد نماز مکروه است: سوال: (۱۵۲۹) یک مسجد سابقه و کهنه که یک اطاق داشت اکنون در قبالتش یک برآمد جدید ساخته شده و بالای سقف بر آمد جدید نماز خواندن جائز است یا نه؟

جواب: بر سقف مسجد نماز خواندن را فقهاء مکروه نگاشته اند و در آن برخی کهنه و جدید هر دو یکسان اند^(۳). فقط

در فرائض با تکرار آیت ها آیا نقصان وارد میشود یا نه؟ سوال: (۱۵۳۰) اگر کسی در نماز فرض بخاطر طاری شدن خوف خدا در قلب و یا بطور دعا یک آیت دو مرتبه یا سه مرتبه قرائت نماید آیا نماز خواهد شد یا نه؟

جواب: تکرار نمودن یک آیت در بعض احوال ثابت است بناءً در نماز کدام خلل نمی آید اما تکرار آیت که ثابت است در نوافل است لکن در فرائض و نماز جماعت چنین نباید کرد با آنهم نماز درست میشود^(۴). فقط .

با اشاره نمودن در نماز نقصان نمی آید: سوال: (۱۵۳۱) زید و عمرو در نماز ظهر اقتداء

(۱) والصحیح بحرملین بلا عذر اما به بان نشأ من طبعه فلا او بلا غرض صحیح فلو لحسن صحنه الخ فلا فساده علی الصحیح (در مختار) لانه یتممه لإصلاح القراءة فیکون القراءة معنی (رد المحتار) باب ما یفسد الصلوة وما یکره فیها ج ۱ ص ۵۷۸ . ط. س. ج ۱ ص ۶۱۸ . ظفر

(۲) ویکره الفصل بسورة قصصه وان یقرأ منکروا (رد المحتار) انما یکره اذا کان عن قصد فلو سهوا فلا کما فی شرح النینة (رد المحتار) فصل فی القراءة ج ۱ ص ۵۱۰ - ۵۱۱ . ط. س. ج ۱ ص ۵۸۶ . ظفر

(۳) لم وأبیت الفهستانی نقل عن المفیده کراهة الصعود علی سطح المسجد اهـ ویزعم کراهة الصلوة ایضاً فوفقه (رد المحتار) باب ما یفسد الصلوة وما یکره فیها مطلب فی احکام المسجد ج ۱ ص ۶۱۴ . ط. س. ج ۱ ص ۶۵۶ . ظفر

(۴) واذا کُرر آیه واحدة مراراً فان کان فی الطلوع الذی یصلی وحده فذلک غیر مکروه وان کان فی الصلوة المفروضة فیه مکروه فی حالة الاعتیار واما فی حالة العسر والنسیان فلا بأس هکذا فی المحیط وعمالگیری کشوری. فصل فیما یکره فی الصلوة ح ۱ ص ۱۰۶ . ط.

ماجدیه ج ۱ ص ۱۰۷ . ظفر

به بکر نمودند زید چونکه نابینا است او رکعت سوم را رکعت چهارم پنداشته نشست پس عمرو برای زید نابینا اشاره کرد آیا در نماز زید و عمرو کدام نقصان نیامده است؟

جواب: هیچ نقصان نیامده است ^(۱). فقط

خیمه مسجد که بخاطر محفل رقص داده شده باشد در آن نماز خواندن درست است:

سوال: (۱۵۳۲) یک نفر خیمه مسجد را برای محفل رقاصی داده اکنون در ما تحت خیمه مذکور بنماز خواندن چگونه است در حالیکه برای نماز گذاران بسبب آفتاب تکلیف میباشد؟

جواب: در ما تحت خیمه مذکوره نماز اداء نمودن جائز است و در حین حرارت آفتاب و غیره آن را در مسجد استعمال نمودن بکار است و خیمه فوق الذکر را در آینده بخاطر همچو محافل رقاصی و غیره باید داده نشود.

بخاطر شخصی آمدنی، طولانی نمودن قرائت ناپسندیده است: **سوال:** (۱۵۳۳) امام را در داخل نماز از آمدن نماز گذاران آگاه شد، آیا بخاطر رعایت آنها قرائت یا رکوع یا سجده را تطویل بخشد و یا هیچ لحاظ ایشان را نکند؟

جواب: در درالمختار مذکور است: که برای امام بخاطر شمولیت نماز گذاران آمدنی دراز نمودن قرائت رکوع یا سجده مکروه تحریمی است یعنی اگر آنکس را میشناسد و اگر همراه آنکس تعارف ندارد باز مکروه تنزیهی است ^(۲).

اشاره مفسد صلاة نیست: **سوال:** (۱۵۳۴) اگر کدام نابینا یا شخص بینا در نماز جماعت بر خلاف امام همانطور نشسته باقی ماند در حالیکه امام قیام نموده پس در همچو حالت مقتدی دیگر آنکس را آگاهی دهد یا نه؟ و اگر او را مطلع نماید پس چگونه او را خبر دهد سبحان الله گوید یا چیزی دیگر و یا به اشاره دست و یا او را طوری مطلع سازد که نمازش فاسد نشود اگر مقتدی همراه امام سلام گردانید در جالیکه برایش یک رکعت باقی مانده بود و بگفتار مقتدی دیگر قیام ورزید بناء در صورت های فوق الذکر نماز درست میشود یا خیر؟

(۱) لایس بتکلیف المصلی واجابه برآسه او اری درهما وقیل آجید؟ فلوما بنعم او لا، او قبل کم صلیتم فاشار یده انهم صلو رکعتین (الدالمختار علی هامش رد المحتار باب مایفصد الصلوة ومایکره فیها ح ۶۰۳، ط. س. ج ۱ ص ۶۴۴). ظفر

(۲) وکره تحریم احواله رکوع او قراءه لادراک الحال ای ان عرفه والا فلا یاس به ولو اراد التقرب الی الله تعالی لم یکره العاقا لکه مادر ولسیة مسئلة الزیاده فینبی التحرز عنها (الدالمختار علی هامش رد المحتار باب صفة الصلوة مطلب فی احواله الركوع للحاتی ح ۱ ص

جواب: در باقی ماندن جلوس مقتدی او را آگاهی دادن وغیره از تحقیق شامی عدم فساد نماز ظاهر میشود وحکم سائر صورت ها را که شما تحریر نموده اید یک حکم است یعنی نماز فاسد نمیشود در در المختار مذکور است: لا یاس بتکلم المصلی واجابته برأسه کما لو طلب منه شیء او اری درهماً وقیل اجد فأوما بنعم اولاً او قیل کم صلیتم فاشار بیده أنهم صلوا رکعتین. اما لو قیل له تقدم فتقدم او دخل احد الصف توسع له فوراً فسدت. ذکره الحلبي وغیره خلافاً لما مر عن البحر ورد المختار قوله: أما لو قیل هو ما وعد به فيما تقدم قبیل قوله وفتحہ علی امامہ وقدمنا هناک ضعفه عن الشرنبلالية^(۳). فقط

شکستاندن نیت بوجه وسوسه مناسب نیست: سوال: (۱۵۳۵) زید در نماز شک نمود که لباس من ناپاک است وفورا نماز را ترک نمود واز سر نو لباس را تبدیل نمود چونکه او مریض بود بناء مجدداً تیمم نموده وغاز به نماز خواندن کرد سپس ازان در خلال نماز برایش در مورد نادرست بودن تیمم وبخاطر قطرة بول ویا عدم طهارت شبه وسوسه پیدا شد حالانکه مزاج او شکي است واکثر اوقات او را وسوسه وشبه عارض میشود لکن با عارض شدن شک بار ثاني برای خود داري از خندیدن مردم او بغیر از قرائت وتکبیر وبغیر از گفتن تسبیح والتحیات ودروود نماز خود را تکمیل وبه انجام رساند وقيام وقعود وغیره نیت قیام صلاة وقعود الصلاة را نکرد وبجای دو رکعت سنت همچنان همانطور بغیر از نیت وقرائت وغیره تنها قیام وقعود وغیره را اداء نمود وبعد ازان او بر این عمل خود نهایت ندامت وپشیمانی ورزید وتوبه نمود واین نماز را اعاده کرد آیا این شخص گنهکار شده است یانه؟

جواب: با طاری شده همچو وسوسه ها وشکوک در نماز خلل نمی آید وبرای زید بکار بود که نماز را تکمیل می نمود واین فعل بسبب جهل رتا واقفیت او واقع شده است که قرائت وغیره را ترک نمود ونماز را فاسد کرده است بهر حال وقتی که آن نماز را اعاده نمود پس نماز او درست شده است وچونکه او بنا بر غلطی نماز را فاسد کرده است قرائت وغیره را ترک نمود ودوباره نماز را اعاده کرده در آن مورد هر گناه که واقع شده بود معاف گردید ودر آینده از تکرار همچو عمل اجتناب ورزد. فقط

علاج وسوسه: سوال: (۱۵۳۶) در مزاج کسی بکثرت وسوسه ها وشکوک پیدا میشود بناء بخاطر دفع نمودن آن چه تدبیر بکار است؟

جواب: بخاطر دفع نمودن وساوس و شکوک و اوہام همان صورت است کہ او را وسوسہ شیطانی پندارد وبہ آن طرف التفات وتوجہ نکند وبر آن عمل ننماید ونماز خود را تکمیل کند ودر احادیث برای علاج آن ہمین صورت وطریقہ وارد شدہ است.^(۱) فقط

اگر دو نفر در یکجا علیحدہ علیحدہ نماز میخوانند جائز است: سوال: (۱۵۳۷) اگر در

نفر در یک مکان علیحدہ وجداگانہ نماز فرض را اداء نمایند آیا این جائز است یا نہ؟

با رو برو آمدن زن نماز فاسد نمیشود: سوال: (۱۵۳۸) اگر در وقت اداء نماز در روبروی

نماز خوان زن بیاید آیا نماز میشود یا نہ؟

جواب: (۱) در این صورت نماز ہر واحد ایشان صحیح است.^(۲)

جواب: (۲) با آمدن زن ہا در پیشروی نماز گذار در نماز ہیچ خلل نمی آید ونماز فاسد

نمیشود.^(۳) فقط

در قرائت بند شدن واعادہ نمودن آن نماز را فاسد نمی نماید: سوال: (۱۵۳۹) مشہور

است کہ اگر امام در قرائت حصر شود وسہ بار آن را اعادہ نمود اما باز ہم صحیح خواندہ

نخواست بناءً نماز فاسد میشود آیا این صحیح است یا غلط؟

جواب: این مسالہ فوق الذکر غلط مشہور است اما نماز فاسد نمیشود.^(۴) فقط

فتح دادن درست است: سوال: (۱۵۴۰) یک قاری نماز تراویح را داد ودر شب بیست

وہفتم ۲۷ قرآن مجید را ختم نمود وبعضی از مردم اہل قریہ کہ نماز گذار بودند وبعد از اختتام

قرآن مجید ایشان آن سپارہ ہا را کہ آنها نشنیدہ بودند اکنون آنها را سمع نمودند بناءً اگر

درآن صورت امام غلط بخواند آیا برای سامع رهنمائی نمودن غلطی، جائز است یا نہ ودر آن

وقت اگر برایش فتح دادہ شد واو فتحہ را گرفت آیا نماز جائز است یا نہ؟

(۱) عن القاسم بن محمد ان رجلا سأل فقال اني اعمى في صلاتي فيكثر ذاك على قلبي له امر في صلاحك فانه لن يذهب ذاك عك حتى تصرف وانت تقول ما اتممت للذي رواه مالك (مشكوة باب الوسوسة فصل ثالث ص ۱۹). ظهير

(۲) ويؤيد ما في الظهير لو دخل جماعة المسجد بعد ما صلى فيه اهلته يصلون وحدانا وهو ظاهر الرواية (رد المحتار باب الإمامة مطلب في تكرار الجماعة في المسجد ج ۱ ص ۵۱۷، ط. س. ج ۱ ص ۵۵۳). ظهير

(۳) ولا يفسدها نظره الى مكتوب الخ ومرور ما في الصحراء وفي مسجد كبير بموضع سجوده في الاصح او مرور بين يديه الخ مطلقا ولو امرأة او كلبا (رد المحتار) وارشاد به الى الرد على القاهرية (رد المحتار باب ما يفسد الصلوة ج ۱ ص ۵۹۳، ط. س. ج ۱ ص ۶۳۴). ظهير

(۴) يكره ما يفتح من ساعته كما يكره للامام ان يلجئه اليه بل ينتقل الى آية اخرى لا يلزم من وصلها ما يفسد الصلوة اوالى سورة اخرى او يركع اذا قرأ قدر الغرض كما جزم به الزيلعي (رد المحتار باب ما يفسد الصلوة ج ۱ ص ۵۸۲، ط. س. ج ۱ ص ۶۲۲). ظهير

جواب: برای سامع رهنمائی غلطی و فتح دادن و او را فتح گرفتن درست است و در نماز می [یکی آنها کدام خلل نیامده است، در در المختار مذکور است: بخلاف فتحه علی امامه فانه لا یفسد مطلقا لفتاح ر واخذ بكل حال الخ. فقط

پاهای را بیجا نمودن مفسد صلاة نیست: سوال: (۱۵۴۱) نماز گذار در آغاز نماز در جائیکه قیام نموده باشد در حالت نماز یک دفعه یا چند دفعه عمدا یا سهوا اگر پای راستش از جای خود بیجا شود آیا در این صورت در نماز کراهیت یا فساد می آید یا نه؟

جواب: با بیجا شدن پای راست یا چپ از مکان خود نماز فاسد نمیشود و نه مکروه میگردد البته قصدا بلا ضرورت پاهای را پیش و پس نمودن مکروه تنزیهی است یعنی خلاف اولی میباشد (۱). فقط

در نماز جنبانیدن سر یکسو و سوی دیگر فرود و یائین شدن ممنوع است: سوال: (۱۵۴۲) اگر امام در نماز سر خود را می جنباند و همچنان در سورت های کوچک احوانا بالای جانب چپ فشار انداخته نماز را اداء می نماید و اعضای خود را حرکت میدهد بلکه در قرائت آوازهای گوناگون مانند ها و هو را میکشد بناء در مورد همچو آوازا و نماز چه حکم است؟

جواب: تعامل همچو تحرکات در نماز بکار نیست زیرا مبناي نماز بر خشوع خضوع و عاجزی است (۲). فقط

در پیزار پاک نماز جائز است: سوال: (۱۵۴۳) یک شخص نماز گذار است او در علم خود پیزار و لباس خود را بهتر میداند و در مورد آن شناسائی دارد که پاک است و همه روزه آن را در استعمال خود می گیرد بناء در آن پیزار نماز خواهد شد یا نه و بر یک پای چپلی او نجاست اصابت نموده بود و او را کامل تصفیه و پاک نمود حتی که هیچ نوع نجاست بر او باقی نماند آیا همراهش نماز خواهد شد یا نه؟

جواب: پیزار اگر پاک باشد یعنی نجاست بر آن اصابت نکرده باشد و نجاست بر آن اصابت کرده بود اما پاک شده بود پس در هر دو صورت در آن نماز درست است لکن چونکه در زمانه

(۱) و ان من لوازمه (ای العشوع) ظهور الذل و غرض الطرف و غرض الصوت و سکون الاطراف (رد المحتار باب ما یفسد الصلوة و ما یکره لها) مطلب فی العشوع ج ۱ ص ۶۰۰، ط. س. ج ۱ ص ۶۴۱. ظفر

(۲) و ان من لوازمه (ای العشوع) ظهور الذل و غرض الطرف و غرض الصوت و سکون الاطراف (رد المحتار باب ما یفسد الصلوة و ما یکره لها) مطلب العشوع ج ۱ ص ۶۰۰، ط. س. ج ۱ ص ۶۴۱. ظفر

موجودہ در مساجد فرش وغیرہ میباید واپزار بمسجد رفتن احتمال ملوث شدن فرش است، و دیگر آنکہ با همچو کردن سوء آدب معلوم میشود فلہذا با پزار در مسجد نماز نباید خواند کما فی الشامی: ولعل ذلک محمل ما فی عمدة المفتی من أن دخول المسجد متعلا من سوء الادب^(۱) الخ.

غیر نماز گذار وا دادن درست نیست: سوال: (۱۵۴۴) اگر وضوء امام شکست و او بعد از تعین نمودن خلیفہ مجدداً بہ وضوء کردن پرداخت پس اگر از نائب امام فراموشی صورت گیرد و نخستین امام مُحَدَّث او را رهنمائی و فتحہ بدهد آیا این جائز است یا نہ حالانکہ او بی وضوء است و نیز خارج از جماعت میباید؟

جواب: در این صورت فتحہ دادن درست نیست و اگر امام در این صورت فتحہ را گرفت نمازش فاسد میشود: و کذا الاخذ (در المختار) ای اخذ المصلی غیر الامام بفتح من فتح علیہ مفسد ایضاً کما فی البحر عن الخلاصة او اخذ الامام بفتح من لیس صلاتہ کما فیہ عن القنیة^(۲) در المختار. فقط

بلا عمامہ نماز مکروہ نیست: سوال: (۱۵۴۵) آیا نماز بکلاہ بدون عمامہ مکروہ است یا نہ و در فتاویٰ سعیدیہ آن را مکروہ نوشته است و مولانا رشید احمد گنگوہی آن را جائز بلا کراہیت تحریر فرمودہ است.

جواب: أقول وبالله التوفیق در شرح منیہ کبیری مذکور است: والمستحب أن یصلی الرجل فی ثلاثة الواب: ازار، و قمیص، و عمامة، ولو صلی فی ثوب واحد متوشحاً بہ جمیع بدن. کما یفعلہ القصار فی المقصرة جاز من غیر کراہیة مع تیسر وجود الطاهر الزاید ولكن فیہ درک الإستحباب^(۳) از این روایت معلوم شد کہ بلا عمامہ نماز مکروہ نیست البتہ موجودیت عمامہ مستحب است و در صورت عدم موجودیت عمامہ آنہم کہ میسر باشد ترک استحباب است پس غرض حضرت مولانا گنگوہی قدس سرہ همان است کہ ترک عمامہ اگر چہ خلاف استحباب است لکن جائز بلا کراہیت میباید و غیر مستحب را کراہیت لازم نیست، کما صرح بہ الشامی من أنه لا یلزم

(۱) ردالمحتار باب ما یفسد الصلوة وما یکرہ لہا مطلب فی احکام المسجد ج ۱ ص ۶۱۵، ط. س. ج ۱ ص ۶۵۷، ظفر

(۲) ردالمحتار باب ما یفسد الصلوة وما یکرہ لہا ج ۱ ص ۵۸۱ - ۵۸۲، ط. س. ج ۱ ص ۶۲۲، و در پیش مفتی علام نوشته است کہ لاحق

حکما در نماز داخل است فلہذا او را فتح دادن درست است. ظفر

(۳) غنیہ المنعمی ص ۳۳۷، ظفر

من ترک المستحب ثبوت الکراهیة إذ لا بد لها من دلیل خاص^(۱). پس صحیح همان است که حضرت مولانا گنگوہی قدس سرہ تحریر فرمودہ است. واما آنچه در فتاویٰ سعدیہ آن را مکروہ تنزیہی گفته است پس قول او بناء خواهد برآن کہیکہ ترک مستحب را خلاف اولی میگوید و مرجع ترک اولی و مکروہ تنزیہی یکی است بناء مراد صاحب فتاویٰ سعدیہ مکروہ تنزیہی شدن است لکن از تحقیق شامی معلوم شد کہ آن را مکروہ تنزیہی گفتن نیز بکار نیست البتہ یا موجودیت عامہ از دیاد ثواب یک سخن مسلم است قسیمی کہ در اداء نمودن سائر مستحبات افزایش ثواب است لکن در صورت ترک آنها کراہیت نیست مانند صلاۃ نضحی وغیرہ. فقط

اگر در حالت نماز از دهن چیزی خارج شود نماز فاسد نمیشود: سوال: (۱۵۴۶) اگر در نماز بمقدار دانه نخود یا کم یا زیاد از مواد خوراکی بزبان در دهن نماز گذار آید و آن را بذریعہ دست یا کنج قطیفہ بکشد آیا در نماز نقصان وارد میشود یا نہ؟
جواب: در اخراج نمودن آن نقصان در نماز نمی آید. فقط

یا است عمال صابون نماز درست است: سوال: (۱۵۴۷) (۱) اگر صابون ساخت انگلیس یا وطنی (دیس) را استعمال نموده نماز خواند آیا درست است یا نہ؟

در پیزار و لباس جدید نماز خواندن درست است: سوال: (۱۵۴۸) (۲) پیزار جدید و همچنان لباس جدید کہ از خامتا یا از ململ ساخته شدہ باشد و بغیر از شستن آن را پوشیدہ نماز خواندن در آن درست است یا نہ؟

جواب: (۱) استعمال صابون ساخت انگلیس یا وطنی و بعد از آن نماز اداء نمودن درست است^(۲). فقط

جواب: (۲) در لباس و پیزار جدید نماز خواندن درست است^(۳). فقط

(۱) رد المحتار بحث مستحبات وضوء ج ۱ ص ۱۱۵. ظہر

(۲) صابون پاک است و محض بنا بر شک بر آن حکم لا پاک شدہ نمیتواند زیرا قاعدہ است: البین لا یزول بالشک. ظہر

(۳) و صلاۃ لہما الفضل (رد المحتار) ای فی اللیل والعف الطاهرین الفضل مخالفت للہود ولی الحدیث صلا فی نعالکم ولا تشہوا بالہود رواہ الطبرانی کما فی ابی الصغیر رازا لصحۃ واخذ منہ جمع من الحاہلۃ اتہ سنۃ ولو کان یمشی بہا فی الشوارع لان الی و وصحہ کاتوا یمشون فی طرق المدینۃ ثم یصلون بہا قلت لکن اذا غشی ثلوث فرش المسجد بہا ینہی عمدہ وان کانت طاهرۃ الخ ولعل المراد ما فی عمدۃ المفتی من ان دخول المسجد متعلما من سوء الادب (رد المحتار باب ما یفسد الصلاۃ وما یکرہ فیہا ج ۱ ص ۶۱۵). ظہر

قیام نمودن امام در جای بلند و در داخل محراب مکروه است: سوال: (۱۵۴۹) محراب

مسجد کہ در آن تنها امام قیام می ورزد و نماز را اداء می نماید از سطح زمین یک وجب و چهار انگشت ارتفاع دارد آیا نماز مقتدیان در آن صورت درست است یا نه؟ اگر نماز آنها درست باشد پس بکدام اندازه ارتفاع نماز درست نمیشود و در مورد محراب اصل مسئلہ چگونه است؟

جواب: برای امام تنها در جای مرتفع ایستاد شدن و همچنان تنها در محراب قیام نمودن مکروه است و نماز مقتدیان صحیح است و در مورد ارتفاع مکان در در المختار تفصیل ذیل مذکور است: و قدر الارتفاع بذراع ولا بأس بما دونه و قبل ما يقع به الامتياز وهو الاوجه ذكره الکمال و غیره و فی الشامی هو ظاهر الروایة و الاولی العمل بظاهر الروایة الخ. ^(۱)

در قمیصی کہ نصف آستین دارد نماز مکروه است: سوال: (۱۵۵۰) در کرتہ کہ نصف آستین داشته باشد نماز چگونه است؟

جواب: نماز درست میشود لکن اگر بازو برهنہ باشد در آن وقت مکروه میباشد. ^(۲) فقط

دست ها را داخل آستین بقاء وجیه نکرده نماز خواندن مکروه است: سوال: (۱۵۵۱)

در ملک خراسان مردمان در موسم سرما پوستین کلان می پوشند کہ آستین دراز دارد و دست در آستین نمی کنند نماز خواندن با این هیئت چه حکم دارد و با این هیئت سدل خواهد شد؟

جواب: در کتب فقه بہ تصریح مذکور است کہ نماز خواندن بہ هیئت مذکورہ مکروه خواهد شد چه اسم سدل بر آن ہم صادق آید در کبیری شرح منیه گفته است: ولو صلی فی بقاء الخ ینبغي أن یدخل یدہ فی کمیه الخ احترازاً عن السدل ص ۳۳۲. ^(۳) و فی الشامی والصحیح الذیر قال قاضی خان والجمهور انه یکره لا انه إذا لم یدخل یدیه فی کمیه صدق علیہ اسم السدل الخ ج ۱ ص ۴۳. فقط

بر چار پائی نماز جائز است: سوال: (۱۵۵۲) اگر کسی در حالت صحت نماز فرض یا نفل را

(۱) و الدمختر باب ما یفسد الصلوة و ما یکره فیها ج ۱ ص ۹۰۵، ط. س. ج ۱ ص ۹۴۹، در محراب ایستادن مکروه است الخ و لیام الامام فی المحراب لا سجوده و لدماء خارجہ لان العرة للقدم مطلقاً (الدمختر علی هامش رد المحتار باب ایضاً ج ۱ ص ۹۰۴، ط. س. ج ۱ ص ۹۴۵). ظفر

(۲) ولو صلی و لای کمیه الی المرفقین کره (عالمگیری مصری الباب السابع لما یفسد الصلوة و ما یکره فیها ج ۱ ص ۱۰۰، ط. ماجدیه ج ۱ ص ۱۰۲). ظفر

(۳) و الدمختر باب ما یفسد الصلوة و ما یکره فیها ج ۱ ص ۵۹۸، ط. س. ج ۱ ص ۹۴۰. ظفر

بر چارپائی اداء می نماید آیا جائز است یا نه؟

جواب: نمازش صحیح است ^(۱). فقط

تلی پیزار اگر ناپاک باشد در آن نماز دوست نیست: سوال: (۱۵۵۳) اگر تلی بوت با

سطح زمین تماس گیرد پاک باقی نمی ماند لکن حصه ما فوق بوت اگر تلی پای بر آن تماس گرفته باشد آن حصه پاک است آیا در آن کفش ها نماز جائز است یا نه؟

جواب: و تکیه حصه ما تحت بوت با سطح زمین تماس گیرد آن بوت پاک باقی نمی ماند بناء بالای آن بوت مسح نمودن جائز نیست و در آن بوت ها نماز خواندن صحیح نیست ^(۲). فقط

وجه عدم جواز نماز در پیزار ناپاک و جائز بودن نماز بر زمین پاک که بر آن فرش پاک

باشد: سوال: (۱۵۵۴) اگر بر زمین ناپاک یا فرش ناپاک قطیفه و غیره را انداخته نماز خواندن جائز باشد آیا در صورت همچو بودن بوت نماز جائز است یا نه؟ زیرا در بوت نیز حصه ما فوق

آن پاک و حصه ما تحت نجس میباشد بناء در ما بین صورتین چه فرق است؟

جواب: بر فرش ناپاک اگر لباس پاک را انداخت و نماز را اداء نمود نمازش صحیح است زیرا آن هر دو لباس ها جدا جدا میباشد بخلاف پیزار زیرا و تکیه حصه ما تحت او ناپاک است در آن نماز صحیح نیست بخاطر آنکه بوجه دوختن آن متصل شده و با هم یکی شده است ^(۳). فقط

در مسجدها با جماعت نماز دوست است: سوال: (۱۵۵۵) در صحن مسجد نماز فرض

را با جماعت بسبب شدت گرمی بغیر از کراهت اداء خواهد شد یا نه؟ زید میگوید که رسول اکرم هیچ وقت بر صحن مسجد نماز رانداده اند بناء این قول زید تابه کدام حدی درست است؟

جواب: این قول زید غلط است و در هر دو حصه مسجد مسقف باشد یا غیر مسقف (دارای چت

(۱) وان صح بشرط كونه علی وجهه الخ وبشرط طهارة المكان وان یجد حجم الارض (درالمختار) تفسیره ان الساجد لو بالغ لا یسفل رأسه المبلغ من ذلك فصح علی طهارة وحصر وحیطه وشعر وسریر وعجلة ان كانت علی الارض الخ (درالمختار باب صفة الصلوة لعزل تالیف الصلوة ج ۱ ص ۴۶۸ ، ط. س. ج ۱ ص ۵۰۰). ظفر

(۲) والشرط الخ شرعا ما یعرف علی الشی ولا یدخل له فی صفة طهارة بدنه الخ من حدث بتربعه الخ وبعث مانع الخ ولوبه الخ ای موضع قدسه اواحدهما ان رفع الاخری الخ (درالمختار) علی هامش (درالمختار باب شروط الصلوة ج ۱ ص ۳۷۳ - ۳۷۴ ، ط. س. ج ۱ ص ۴۰۲)

وبفسلها الخ صلاته علی مصلی مضرب نجس البطانة. (بعضاً باب ما یفسد الصلوة ج ۱ ص ۵۸۵ ، ط. س. ج ۱ ص ۶۲۹). ظفر

(۳) وبفسلها الخ صلاته علی مصلی مضرب نجس البطانة بخلاف غیر مضرب ومسوط علی نجس ان لم یظهر لون او ربع (درالمختار) قوله مصلی مضرب ای مغط الخ ومفهومه ان الاصح فی غیر المضرب الجواز اتفاقاً (درالمختار باب ما یفسد الصلوة وما یكره فیها ج ۱ ص ۵۸۵ ، ط. س. ج ۱ ص ۶۲۹). ظفر

باشد یا بی چت) در آن نماز جماعت جائز و صحیح است و این هر دو اسماء دلیل بر آن است کہ در یکہ حصہ غیر مسقف در تابستان و در حصہ دیگر کہ مسقف است در آن در زمستان نماز اداء میشود^(۱) فقط

ریاح را مسدود نموده نماز اداء نمودن چگونه است؟ سوال: (۱۵۵۶) زید بہ امامت دادن نماز ظهر آغاز نمود و بعد از اداء نمودن یک رکعت هوای شکم در صدد خارج شدن شد لکن وی خروج هوا را جلو گیری کرده نماز را بہ انجام رساند بناءً آیا این نماز درست شدہ است یا نہ؟

جواب: نمازش درست شدہ البتہ مکروه است و اگر بوجہ این هوا قلبش زیادتر مشغول و پراگندہ میشد در آن صورت مکروه تحریمی میباشد و نہ مکروه تنزیہی است^(۲) فقط

در لباسهای مستعمل قوم نصاری نماز جائز است یا نہ؟ سوال: (۱۵۵۷) در لباس های مستعمل قوم نصاری نماز خواندن چگونه است؟

جواب: در مورد لباس های مستعمل قوم نصاری و غیرہ فقہاء کرام نوشته اند کہ در آن نماز اداء نمودن جائز است و تنها در لنگ و ازار مستعمل آنها جائز نیست زیرا ظن غالب بر آن است کہ نجس باشد کذا فی الشامی^(۳) و احوط آنست کہ ہر لباس شستہ شود و بویژہ شستن لنگ و ازار زیادتر ضروری است. فقط

در لباس ابریشمی نماز چگونه است؟ سوال: (۱۵۵۸) اگر لباس ابریشمی را بپوشد و یا بر زمین فرش نماید و بر آن نماز اداء کند آیا نماز درست میشود یا نہ؟ و همچنان اعادہ نماز واجب است یا غیر و در آن مورد توضیحات یکی از اہل علم است کہ نماز درست میشود لکن آن شخص گنہکار است چنانچہ یک مرد انگشتن طلائی یا انگشتن نقرہ زالد از مقدار شرعیہ یا دیگر

(۱) المسجد الفیصلی بحسب الشیوی و اماً المسجد بقوم الامام فی جانب الحائط لیستوی القوم من جانبہ (رد المحتار باب الامامة مطلب فی کرامۃ الامام فی غیر المعزاب ج ۱ ص ۵۳۱، ط. س. ج ۱ ص ۵۹۸). ظہیر

(۲) ریح قطعہا لنحر قتل حیة الخ و مستحب لمداغمة الاغصین (رد المحتار) کذا فی مواہب الرحمن و نور الايضاح لکنہ مخالف لمذاغمة الغرغان و شرح المنیة من الہ ان ذالک یستلزم ای یشتل لہ عن الصلاة و خشوعها قائمہا یائم لادتها مع الکرامة التحریمة و مقتضی هذا ان یقطع واجب لا مستحب الخ (رد المحتار باب ما یلزم الصلاة و ما یکرہ فیہا ج ۱ ص ۶۱۲، ط. س. ج ۱ ص ۶۵۴). ظہیر

(۳) باب الفسقة و اهل الذمة طامرة (رد المحتار) قال فی الفتح و قال بعض المشتائک تکرہ الصلاة فی ثياب الفسقة لانہم لا یطون الخمر قال المصنف بعضی صاحب الہدایة الاصح انہ لا یکرہ لانہ لا یکرہ من ثياب اهل الذمة الا السراويل مع استحلالہم الخمر لهذا اولی اہ (رد المحتار فی کتاب الصلاة ج ۱ ص ۳۲۴، ط. س. ج ۱ ص ۳۵۰). ظہیر

زیورات را در بدن داشته باشد و نماز را اداء نماید نمازش درست است اما گناہ استعمال ناجائز آن ایشاء بدوش او میباشد و همچنان اگر یک لباس یا ازار و غیره از شتالنگ پائین باشد آیا نماز همچو شخص درست خواهد شد یا نه؟ و دیگر آنکہ صاحب لباس ابریشمی یا دارای ازار طولانی مانند اهل عرب و غیره ایشان قباء و جبه و غیره را آنقدر دراز می پوشند کہ با سطح زمین تماس میگیرد و یا امامت شخص زیورات پوش یا شخص ریش تراش درست است یا نه؟ بعد علم و دانستن مقتدیان بر آن امور آیا برای مقتدیان اعاده نماز خویش ضروری است یا نه؟ و بالخصوص در همچو صورت اعاده نمازهای جمعه و عیدها را چگونه باید کرد حالانکہ مردم بعد از سلام اکثرا منتشر و پراگنده میشوند؟

جواب: پوشیدن لباس ابریشمی حرام است فلہذا ہر نمازیکہ در لباس های ابریشمی اداء شدہ باشد مکروہ و واجب الاعادہ میباشد ^(۱) و اگر آن را بر زمین فرش نماید و بر آن نماز اداء کند آن را فقہاء کرام جائز نوشته اند کما فی رد المحتار: بخلاف الصلاة علی السجادة منه أى من الحریر لان الحرام هو اللبس دون الانتفاع الخ. سپس در این مورد از حموی روایت کراہیت را نیز نقل نمودہ است با آنہم کہ آن را مرجوح است بہر حال احتیاط در آنست کہ بر فرش ابریشمی نماز نخواند لکن اگر خواندہ شود اعادہ واجب نیست و اگر لباس کسی خلاف شرع باشد یا ریش را تراشیدہ باشد در این صورت امامت وی مکروہ است بخاطر آنکہ امام فاسق میباشد و در المختار مذکور است: صلی خلف فاسق أو مبتدع نال فضل الجماعة الخ أفاد ان الصلاة خلفہما أولى من الانفراد الخ شامی ^(۲). و در صورت ترک نمودن واجب در نمازهای عیدین و جمعه حکم بر عدم سجدہ سہوہ کردن ^(۳) تقضای آن سخن را می کند کہ در صورت مذکورہ اعادہ آن لازم نیست. فقط

در ازار کہ از شتالنگ پائین باشد نماز اداء نمودن چگونه است؟ سوال: (۱۵۵۹) در نماز کہ شتالنگ ازار را پائین داشتن چگونه است؟

جواب: در نماز ازار را از شتالنگ پائین آویزان نمودن مکروہ است و از حصول ثواب محروم

(۱) لان الصلاة فی الحریر مکروہۃ للرجال (شرح حموی علی الاشیاء والطاہر ص ۱۹۷). ظہیر

(۲) رد المحتار باب الإمامۃ ج ۱ ص ۵۲۵. ط. س. ج ۱ ص ۵۶۲ ظہیر.

(۳) والسہو فی صلوۃ العید والجمعة والمکتوبۃ والطرق سواء والمختار: عند المناہج عربی عدہ فی الاولی و الثمر المختار علی هامش رد المحتار باب سجود السہو ج ۱ ص ۷۰۵. ط. س. ج ۲ ص ۹۲. ظہیر.

خواهد شد و علاوه از نماز در دیگر اوقات نیز باید ازار از شتالنگ بالاتر باشد و در حدیث شریف در مورد همچو انسان که از شتالنگ ازارش پائین تر باشد وعید شدید آمده است^(۱). فقط

در محراب نماز جائز است یا خیر؟ سوال: (۱۵۶۰) در محراب نماز خواندن جائز است یا نه؟

جواب: جائز است^(۲). فقط

بر مصلی دارای نقش و نگار نماز جائز است یا نه؟ سوال: (۱۵۶۱) اگر بریک جای نماز نقش یک روضه یا مسجد یا خانه کعبه یا مدینه منوره باشد و در هر حالت در پیش نظر باشد بر آن مصلی یا جای نماز خمس الاوقات نماز اداء نمودن چگونه است؟

جواب: نماز اداء میشود^(۳) لکن نقش و نگار را در پیش نظر داشتن نا پسند است.^(۴) فقط

در لباس کثیف نماز جائز است یا نه؟ سوال: (۱۵۶۲) امام با داشتن لباس های زیاد و ی لباس کثیف را استعمال می نماید آیا بدنال و ی نماز خواندن کدام نقصان بیار ندارد؟

جواب: نماز صحیح است اما لباس نظیف بکار است^(۵). فقط

در ورکشاپ با وجود ممانعت نماز اداء نمودن چگونه است؟ سوال: (۱۵۶۳) ما مردم در ورکشاپ ریل (قطار یا راه آهن) ملازمان میباشیم مایان مخفیانه نماز ظهر را اداء می نماییم لکن

(۱) عن ابی هریره رضی الله عنه قال رسول الله صلی الله علیه وسلم منسقل من الکمین من الازار فی النار، وراه البخاری (مشکوٰۃ کتاب اللباس).
ظفر الدین غفر له

(۲) یعنی برای مقنندی منفرد جائز است لکن برای امام مکروه میباشد: وکروه الخ قیام الامام فی المحراب (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب ما یفسد الصلوة وما یکره فیها ص ۶۰۴، ط. س. ج ۱ ص ۶۴۴). ظفر

(۳) او لبر ذی روح لا یکره لانها لا تمید (ردالمحتار) نقول ابن عباس للسائل فان کت لابد فاعلا فاصنع الشجر وما لا نصل له وراه الشیخان (ردالمحتار باب ما یفسد الصلوة وما یکره فیها ج ۱ ص ۶۰۷، ط. س. ج ۱ ص ۶۴۹). ظفر

(۴) ولا بأس بنقش خلا محرابه فانه یکره لانه یلهی المصلی (ردالمحتار) فیحل بغشوه من النظر الی موضع سجوده ونحوه ویکون منتهی بصره الی موضع سجوده الخ (ردالمحتار باب ما یفسد الصلوة وما یکره فیها مطلب حکام المسجد ج ۱ ص ۶۱۶، ط. س. ج ۱ ص ۶۵۸).
ظفر الدین غفر له

(۵) الشرط لفة العلامة الخ وشرعاً ما یؤتلف علیه الشئ الخ هی الخ واثوبه (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب شروط الصلوة ج ۱ ص ۳۷۳، ط. س. ج ۱ ص ۴۰۲) لکن فقهاء کرام در حین وسعت در همچو لباس ها نماز خواندن را مکروه تزیهی نوشته: کروه کفه الخ وصلاحه فی لباس بذلة یلبسها فی بیته ومهنته ای خدمته ان له غیرها والا، لا. وایضاً باب ما یفسد الصلوة ج ۱ ص ۵۹۹، ط. س. ج ۱ ص ۶۴۰). ظفر

حکم مامور موظف آنست هر کسیکه نماز میخواند او باید نیم ساعت رخصتی بگیرد و در خارج نماز را اداء کند و در داخل ورکشاپ نماز خوان مستحق جزاء میباشد بناء در همچو صورت حکم وراه بیرون رفت چیست؟

جواب: وقتی که حاکم از خواندن نماز در داخل ورکشاپ ممانعت نموده است و چنین فرموده است: هر کسیکه نماز میخواند او باید نیم ساعت رخصتی مطالبه کند و خارج ورکشاپ نماز را اداء نماید بناء او باید با أخذ رخصتی خارج ورکشاپ نماز را اداء کند زیرا وقتی که ورکشاپ ملکیت او است فلنهاد بعد از ممانعت در داخل آن نماز خواندن چنان است مثلکه در زمین غضب شده نماز اداء نمودن است و آن مکروه میباشد^(۱) لهذا نماز خود را چرا مکروه می نماید باید که خارج ورکشاپ برود و نماز را اداء کند با آنهم که در آن خوف جزاء نیز متصور است. فقط

بسیب کثرت نماز خوانان قیام نمودن در در مسجد درست است یا نه؟ سوال: (۱۵۶۴) در ماه رمضان المبارک بسیب ازدحام نماز گذاران و کمبود فرش مسجد اگر امام در در مسجد ایستاد شود و امامت بدهد آیا جائز خواهد باشد یا نه؟

جواب: در در مسجد قیام نمودن امام در شامی مکروه نوشته است و بر آن این قول امام اعظم را نقل نموده است بنا بر آن برای امام بیکار است که اگر بسیب ازدحام مقتدیان ضرورت احساس شود که در درب مسجد ایستاد شود پس در آن صورت پاهای خود را خارج از دروازه بگنارد و سجده را در داخل اداء نماید اگر همچو طریقه انجام شد بهتر است و نه بنا بر اشد ضرورت در درب مسجد قیام نمودن و نماز را اداء کردن نیز درست است و نماز درست میشود لکن باز هم از آن خود داری نمودن بهتر است^(۲).

اگر بر قطیفه عکس پرنده یا چیزی دیگر را فراموش نماید و نماز را اداء کند آیا نماز خواهد شد یا نه؟ سوال: (۱۵۶۵) در جای نماز که عکس پرنده باشد و بر آن قطیفه یا چیزی دیگری را اندازد و نماز بخواند آیا این جائز است یا نه؟

(۱) وکذا ذکره فی امکان کتوف کمة الخ وارض معصوبه وللعیر (الدر المختار علی هامش رد المختار کتاب الصلوة ج ۱ ص ۳۵۴). طبر
(۲) ولیم الامام فی المحراب لاسجده فیه وقدمه خارجه لان العرة للقدم مطلقا (رد المختار) وفي حاشية الحر للرملي الذي يظهر من كلامهم انها كراهة تنزيه (رد المختار باب ما يفسد الصلوة وما يكره فيها ج ۱ ص ۶۰۴. ط. س. ج ۱ ص ۶۴۵). طبر

جواب: در این صورت نماز بلا کراهیت جائز است ^(۱). فقط

در پیزار نماز جائز است یا نه؟ سوال: (۱۵۶۶) در مورد نماز خواندن در پیزار در الدر المختار نوشته است که اگر پیزار پاک باشد پس در آن نماز جائز بلکه افضل است و علامه شامی بر آن این حدیث را نقل نموده است: صلوا فی نعالکم والا تشبهوا بالیهود ^(۲). لکن در آخر او از عمدة المفتی نقل نموده است: إن دخول المسجد متعلا من سوء الادب ^(۳). یعنی داخل مسجد با پیزار رفتن در عصر موجوده ناپسند است و این ظاهر است بخاطر آنکه مردم احتیاط نمیکند و ممکن است که پیزارش بنجاست ملوث باشد و اکثرا همانطور میشود که ما مشاهده البته اگر پیزار یقینا پاک باشد مانند پیزار جدید پس در این صورت با همجو پیزار نماز اداء نمودن هیچ حرج ندارد بلکه افضل و بهتر است كما صرح به الفقهاء وورد فی الحدیث. فقط

بعد از نماز دعا و در آن علاوه نمودن (دَارک): سوال: (۱۵۶۷) امام بعد از نماز چنین دعا می کند: اللهم انت السلام ومنک السلام الخ وادخلنا دَارک السلام الخ بناء گفتن لفظ دَارک درست است یا نه؟

جواب: گفتن لفظ دَارک ثابت نیست بناء گفتن آن بکار نیست تنها وادخلنا دار السلام گفتن بکار است. فقط

بعد از ختم نماز جماعت چگونه دعا خواسته شود؟ سوال: (۱۵۶۸) بعد از اختتام نماز جماعت آیا امام و مقتدیان با هم شریک دعا بخوانند یا علیحده علیحده و اگر مشترکا دعا بخوانند پس تنها بعد از یکبار دعا خواستن بروی خویش دست ها را همانند یا بعد از سه دفعه؟

جواب: وقتی که امام از نماز فارغ شود با مقتدیان با هم مشترک دعا بخوانند سپس ازان سنت و نوافل را اداء نمایند و بدنبال آن بوظائف محوله خویش بروند و بار دوم و سوم بطریقه مذکوره دعا خواستن ثابت نیست و مقتدیان را مقید نمودن تا به دعای دوم و سوم جواز ندارد. فقط

(۱) واخلط فیما اذا كان المشال خلفه والاطهر الکراهة ولایکره لو کان تحت قدمیه او محل جلوسه لانها مهانته الخ او علی حاله بنقش غیر مستثنی فال فی البحر ومفاده کراهة المستحبین لا المستر یکس او سره او ثوب آخر (در المختار) بان کان فوق الثوب الذی فیہ صورة ثوب ساتر له فلا نکره الصلاة فیہ لاستمرارها بالثوب (ردالمحتار باب مایکره فی الصلوة ج ۱ ص ۶۰۶ - ۶۰۷. ط. س. ج ۱ ص ۶۴۸)

ظہیر الدین غفر له

(۲) و ردالمحتار باب ما یفسد الصلوة وما یکره فیها مطلب احکام المسجد ج ۱ ص ۶۱۵. ط. س. ج ۱ ص ۶۵۷. ظہیر

(۳) و ردالمحتار باب ما یفسد الصلوة وما یکره فیها مطلب احکام المسجد ج ۱ ص ۶۱۵. ط. س. ج ۱ ص ۶۵۷. ظہیر

بعد از آشامیدن جای بغیر از کنگال نمودن دهن نماز خواندن چگونه است؟ سوال:

(۱۵۶۹) اگر یک نفر جای آشامید و سپس از آن آنقدر مکث نمود که اثر جای از بین رفت در این صورت بغیر از کنگال کردن دهن نماز خوانده میتواند یا نه؟ و یا ضرورت برای مضمضه احساس میشود؟

جواب : کنگال نمودن دهن با آنهم بهتر است و اگر دهن را کنگال نکرد بازهم نماز درست خواهد شد. ^(۱) فقط

در وقت گشته شدن امام مقتدیان نیت را شکستانده میتوانند یا نه؟ سوال: (۱۵۷۰) اگر در وقت نماز جماعت دشمن بیاید و امام را قتل میکند آیا مقتدیان نیت را بشکنانند و دشمن را بگیرند و یا چه بکنند؟

جواب: فقهای احناف نوشته که بخاطر احیاء نفسی (نجات دادن حیات نفس) شکستادن نماز واجب است در شامی و در المختار مذکور است: و يجب القطع لانجاء غریق او حریق ^(۲) الخ بناء در صورت مسئوله شکستادن نماز و نجات دادن برای امام واجب است.

ازار یا لنگ که از شتالنگ پائین تر باشد نماز در آن مکروه است: سوال: (۱۵۷۱) جامه که از شتالنگ پائین تر باشد در آن نماز مکروه است یا نه؟
جواب: مکروه است ^(۳). فقط

تنها در لنگ نماز درست است: سوال: (۱۵۷۲) یک شخص حاجی توانگر است و در موسم گرمی خمس الاوقات نماز را در یک لنگ که از زانو دو انگشت پائین تر است و با یک چادر دیگر نماز را اداء میکند و در بعض اوقات تنها در آن لنگ نماز را اداء می نماید آیا این نماز او درست میشود یا نه؟

جواب: تنها با بستن لنگ نیز نماز درست میشود ^(۴) اما بهتر آنست که در صورت استطاعت

(۱) قال ابی رسول الله ﷺ یخیز ولحم وهو فی المسجد فاکلوا واکلنا معه ثم قام فسلی وصلینا معه ولم یزد علی ان مسحنا یدینا بالحصاء رواه ابن ماجه (مشکوٰۃ کتاب الاطعمه ص ۳۶۶) بالحصاء ای بالحجرات الصغار استعمالا للصلاة او بالمال للجواز (مرقاۃ ج ۴ ص ۳۷۹).
ظفر الدین غفر له

(۲) القدر المختار علی هامش رد المحتار باب ادراک الفریضة ج ۱ ص ۶۶۶، و يجب (قطع الصلوة) لا غایة ملهوف و غریق و حریق (القدر المختار علی هامش رد المحتار باب ما یفسد الصلوة الخ ج ۱ ص ۶۱۳، ط. س. ج ۱ ص ۶۵۴). ظفر

(۳) قال رسول الله صلی الله علیه وسلم ما سفلی من الکعبین من الازار لی النار رواه البخاری و مشکوٰۃ کتاب اللباس ص ۳۷۳، لان الصلوة فی الحریر مکروهة للرجال (الاشیاء والنظائر ص ۱۹۷). ظفر

لنگ و چادر یا کرتہ و ازار و کلاہ یا عمامہ و کلاہ یا ہر دو نماز را اداء نمایند این بہتر است^(۱).
فقط

یا ازار بند ابریشمی نماز درست است یا نہ؟ سوال: (۱۵۷۳) لباس ابریشمی برای مرد حرام است. و نماز ہمراہش مکروہ میباشد غایۃ الاوطار جلد اولی ص ۱۹۰، لیکن در جلد چہارم فتاویٰ ہندیہ نوشتہ است اگر با ازار بند ابریشمی نماز خواند جائز است و مکروہ نخواہد باشد لکن استعمال کنندہ آن مرتکب گناہ میباشد؟

جواب: این واضح است کہ جامہ ابریشمی برای مرد پوشیدنش حرام است و در صورت پوشیدنش نماز مکروہ خواہد باشد و در فتاویٰ ہندیہ جواز نماز را بغیر از کراہیت غالباً بخاطر آن مقصد نوشتہ است کہ بنزد بعضی علماء استعمال ازار بند ابریشمی جائز است کذا فی الدر المختار: وتكره التكة منه ای من الدیباچ هو الصحيح وقيل لایاس به الخ وفي الشامی عن التارخانیہ ولاتكره تكة الحریر لانها لاتلبس وحدها، وفي شرح الجامع الصغير لبعض المشائخ لایاس بتكة الحریر للرجال عند ابی حنیفہ وذكر صدر الشہید انه یكره عندهما^(۲). بناء از آن روایت وجہ تطبیق نیز معلوم شد کہ صاحب غایۃ الاوطار شاید قول صاحبین را اخذ نموده باشند و در فتاویٰ ہندیہ قول امام صاحب را اختیار نموده باشد علاوہ از آن در غایۃ الاوطار تكة ابریشمی را نوشتہ است و در مورد ازار بند بحث نموده است و در مورد کراہیت کمر بند خلاف است کما مر. فقط

بر کاغذ دولتی یا بکسی نماز خواندن: سوال: (۱۵۷۴) اگر کسی از دفتر دولتی کاغذ یا بکس چوبی بغیر از اجازه مقامات بیاورد و سپس بر آن جای نماز را فرش نموده نماز را اداء نماید آیا نمازش اداء خواہد شد یا نہ؟
جواب: نماز بر آن صحیح است اما مکروہ میباشد^(۳) کما فی الارض المفصولة لکن اعاده اش

(۱) والرابع سفر عورته الخ وهي للرجل ما تحت سترته الى مالتحت ركبته (والدر المختار علی هامش رد المحتار باب شروط الصلوة ج ۱ ص ۳۷۴، ط. س. ج ۱ ص ۴۰۴). ظفر

(۲) والمستحب ان یبلی الرجل فی ثلثة الزواہ ازار و قميص و عمامة و لوسی فی ثوب واحد متوشحا به جمیع بدنہ کما یفعلہ القصار فی المقصورة جاز من غیر کراہۃ مع تسیر وجود الطاهر الزائد ولكن ترك الاستحباب (نجمة المستملی ص ۳۴۷). ظفر

(۳) رد المحتار کتاب الحظر والاباحۃ فصل فی اللبس ج ۵ ص ۳۱۰، ط. س. ج ۱ ص ۳۵۴ - ۳۵۵. ظفر

(۴) وکذا تکرہ فی امکان کفرق کلمۃ الخ وارضی مفصولة (والدر المختار علی هامش رد المحتار کتاب الصلوة ج ۱ ص ۳۵۴، ط. س. ج ۱ ص ۳۷۹ - ۳۸۱). ظفر

واجب نیست. فقط

اگر چارپائی در پیشروی نماز گذار باشد کدام حرج ببار نمی آورد؟ سوال: (۱۵۷۵) در داخل یک مکان یا دکان در محاذات نمازگذار چارپائی خالی موجود است وار رخ قبله خود چارپائی گذاشته شده را گردانیده و نماز میخواند آیا جائز است یا نه؟

جواب: درست است. فقط

در صورت نقصان پنجاه پول شکستادن نماز چگونه است؟ سوال: (۱۵۷۶) در صورت

رسیدن نقصان پنجاه پول شکستادن نماز بدون معصیت جائز است یا نه؟

جواب: در در المختار مذکور است: در وقت رسیدن نقصان بمقدار یک درهم شکستادن نماز درست است و درهم نزدیک به پنجاه پول میباشد و شامی از بعض فقهاء کرام جواز شکستادن نماز را از مقدار مذکوره نیز نقل نموده است. مشایخ عام بر آنند که در صورت نقصان رسیدن پنجاه پول نماز را قطع کرده می‌تواند ^(۱). فقط

در صورت عدم گنجایش در داخل دروازه ایستاد شدن چگونه است؟ سوال: (۱۵۷۷)

بعد از تکمیل صفوف در داخل دروازه ها سه یا چهار نماز گذار باهم یکجا شده در دروازه ها قیام می نمایند بناء نماز خوان که در دروازه ها ایستاد میشوند آیا نماز آنها بلا کراهیت جائز است یا مکروه؟

جواب: در کتاب های فقه نوشته است که در دروازه نماز خواندن مکروه است لکن اگر بخاطر ازدحام مردم چنانچه در روز جمعه میباشد اگر چند چند نفر در دروازه های که وسیع و فراخ میباشد ایستاد شوند در آن وقت بنیابر ضرورت کدام حرج در آن نیست و در نماز نیز کدام خلل واقع نمیشود ^(۲). فقط

در انگشتی طلا، نماز مکروه است؟ سوال: (۱۵۷۸) برای مردان استعمال انگشتی طلایی

(۱) و یاح قطعاً لحر قل حیة وند دابة وقرود یلذ و ضاح ما قیسته درهم له اولغیره (در المختار) قال فی مجمع الروایات لان ما دونه خیر فلا یقطع الصلاة لاجله لکن ذکر فی المحیط فی الکفالة ان الحبس بالذائق یجوز قطع الصلاة اولی هذا فی مال الغیر اما فی ماله یقطع والاصح جوازه لیهما اھ وتمامه فی الامداد والذی مشی علیہ فی فتح القدیر التقدیم بالدرهم (رد المحتار باب ما یفسد الصلاة وما ینکر لہا ج ۱ ص ۶۱۲ ط. س. ج ۱ ص ۶۵۴). ظہیر

(۲) ولھام الامام فی المحارب لا لیسجودہ فیہ ولقدماہ خارجہ لان العزۃ للقدم مطلقا الخ وانفراد الامام علی الدکان الخ وکرہ عکسہ فی الاصح ومثلاً کله عندہم المنز لجمعة وعید لئلا یلزموا علی الیوف والامام علی الارض اولی المحارب لصلی المکان لم ینکرہ (الدر المختار علی ہاشم و رد المحتار باب ما ینکر لہا ج ۱ ص ۶۰۴ - ۶۰۵ ، ط. س. ج ۱ ص ۶۴۵ - ۶۴۶). ظہیر

وهمراي آن اگر نماز خوانند چگونه است؟

جواب: براي مردان انگشتری طلايي حرام است کما في الحديث: نهی رسول الله عن خاتم الذهب، الحديث ^(۱) فلهذا وقتیکه انگشتری طلا براي مرد هر وقت حرام است بناء در نماز نیز حرام است و نماز با کراهیت اداء میشود به این معنی که نماز درست میشود اما مکروه است ^(۲).

اگر بعد اندکي قرائت از امام فراموشی شود چه باید کرد؟ سوال: (۱۵۷۹) اگر بک شخص مقدار قرائت نمود و آیت های در پیش از وی فراموش شد و مقتدی او را فتح داد اما امام فتح او را نگرفت حتی که بار دوم و سوم نیز فتح را نگرفت بلکه نماز شکستاند و از سر نو مجددا نماز را تکمیل نمود آیا این فعل امام جائز است یا نه؟

آیا در آن صورت از سر نو نماز را شروع نماید؟ سوال: (۱۵۸۰) هر کسی را که همچو صورت عارض شود آیا او را شکستاندن نماز و از سر نو تحریمه نمودن بکار است و یا در آیت دیگر یا سورت دیگر رفتن بکار است یعنی در صورت عدم قرائت قدر ما يجوز به الصلاة؟

در صورت فوق الذکر توجیح دادن به شکستاندن نماز غلط است: سوال: (۱۵۸۱) (۱) اگر یک نفر در صورت فوق الذکر نماز را فسخ می نمود و از سر نو بر تحریمه اصرار می ورزد و به آیت و سورت دیگر رفتن را ناجائز میگوید و در مورد فسخ نمودن نماز آن عبارت را حجت میگیرد که در مورد سنت فجر آمده است: اذا خاف فوت الجماعة يتركها، بناء در مورد صورت فوق الذکر بخاطر فسخ نمودن نماز آن عبارت را استدلال نمودن صحیح است یا نه؟

معنی يتركها چیست؟ سوال: (۱۵۸۲) (۲) در عبارت فوق الذکر لفظ (يتركها) بمعنی آنست که اگر کسی در صورت شروع نمودن در سنیت خوف فوت شدن جماعت را داشته باشد در آن صورت جماعت را ترک کند و در جماعت شرکت ورزد و یا معنی ثانی آن همچنان نیز است که اگر کسی بعد از قیام جماعت سنت را شروع نمود و بعد از شروع برایش خوف فوت شدن جماعت عارض شد در آن وقت سنت را ترک نماید و در جماعت شریک شود آیا لفظ (يتركها) هر دو صورت ها را شامل میباشد یا یک صورت را و آن هم کدام صورت را و اگر صورت ثانی

(۱) عن علي عليه السلام قال نهی رسول الله ﷺ عن لبس القسي والمعصر وعن نعيم للذهب الخ وراه مسلم (مشکوٰۃ باب الخاتم ص ۳۷۸).
ظهير الدين غفر له

(۲) لان الصلاة في الحرير مكروهة للرجال (شرح حموی علی الانشاء والنظائر ص ۱۹۷). ظهير

را شامل باشد پس مطلب حدیث: لا تبطلوا أعمالکم چیست؟

جواب: (۱ - ۲) برای امام در این صورت فتح گرفتن بکار بود و یا برایش بکار بود که بطرف آیت دیگر انتقال می نمود اگر بقدر ما تجوز به الصلاة و یا بمقدار مستحب قرائت شده بوده در آن وقت رکوع نمودن بکار بود، و شکستادن نماز را در همچو حالت فقهاء کرام تحریر ننموده اند: ردالمحتار، تتمه بیکره ان یفتح من ساعة كما یکره للامام ان یلجئه الیه بل ینقل الی آیه اخرى لا یلزم من وصلها ما یفسد الصلوة والی سورة اخرى او یرکع اذا قرأ قدر الفرض كما جزم به الزیلعی وغیره فی روایتہ قدر المستحب كما رجحه الکمال الخ وفي الدرالمختار بخلاف فاتحه علی امامه فانه لا یفسد مطلقاً لفتح و أخذ بكل حاجل الخ وفي الشامی قوله بكل حال ای سواء قرء الامام ما تجوز به الصلوة ام لا انتقل الی آیه اخرى ام لا تکرر الفتح ام لا هو الاصح^(۱)، پس هر گاه فقهاء کرام آنقدر وسعت نموده اند بناء شکستادن مناسب نبوده و بنا بر حکم حدیث: لَا تُبْطَلُ أَعْمَالُکُمْ، در آن حالت شکستادن نماز ممنوع بوده.

جواب: (۳) این سخن فوقاً واضح گردید که در همچو حالت فتح گرفتن را فقهاء کرام یا انتقال الی آیه أخرى.

جواب: (۴) یا الی سورة اخرى جائز قرار داده اند بناء آترا ناجائز گفتن و نماز را شکستادن و دوباره اصرار نمودن به انعقاد تحریمه بوجه جهل خواهد باشد. و هر کسیکه عالم بمسائل شرعی و فقیه باشد همچو حکم را صادر کرده نمیتواند زیرا این احتیاط نیست بلکه محض وهم و خطائی میباشد و عبارت مذکور را در آن مورد دلیل آوردن و روایات صریح جواز را و حکم فقهاء کرام را ترک نمودن جهل علیحدہ میباشد و این استدلال نمودن غلط است، و معنی (یترکها) آنست که شروع نکند نه آنکه بعد از شروع آن را بشکند زیرا بعد از شروع نمودن قطع کردن آن را فقهاء کرام صراحة ممنوع نوشته اند: والشارع فی النفل لا یقطع مطلقاً و يتمه رکعتین و کذا سنة الظهر و سنة الجمعة اذا اقيمت او خطب الامام يتمها اربعاً علی القول الرابع لانها صلوة واحدة وليس القطع للکمال بل للابطال خلافاً كما رجحه الکمال (درالمختار) قوله خلافاً لما رجحه الکمال حيث قال و قيل یقطع علی رأس الركعتین وهو الرابع الخ شامی^(۲). فقط

(۱) رد المحتار باب ما یفسد الصلوة و ما یکره لہا ج ۱، ۵۸۲، ط. س. ج ۱ ص ۶۲۲ - ۶۲۳. ظہیر

(۲) رد المحتار باب ادراک الفریضة ج ۱ ص ۶۶۸، ط. س. ج ۲ ص ۵۳. ظہیر

از پیش روی نماز خوان بکدام اندازه فاصله عبور نمودن بکار است؟ سوال: (۱۵۸۳)

در روز جمعه اکثر مردم از پیش روی نماز خوانان عبور می نمایند آیا در آن مورد کدام حد فاصله مقرر است که از آن مرور نمودن جائز باشد؟

جواب: در مساجد بزرگ اگر از موضع سجود بالوضع بصر نماز گذار کدام شخص عبور کند درست است و در مسجد صغیر که از اندازه ده دست کم باشد در هیچ جای مرور نمودن نیز ثابت نیست. کذا فی الدر المختار^(۱) فقط

بعد از نماز به آواز بلند کلمه خواندن چگونه است؟ سوال: (۱۵۸۴) وعن عبدالله بن زبیر قال کان رسول الله ﷺ اذا سلم من صلوته يقول بصوته الاعلى لا اله الا الله، وحده لا شریک له له الملك وله الحمد وهو على كل شیء قدير لاحول ولا قوة الا بالله ولا نعبد الا اياه له النعمة وله الفضل وله الثناء الحسن لا اله الا الله مخلصين له الدين ولو كره الكافرون، رواه مسلم مشكوة شریف باب الذكر بعد الصلوة. بناءً یک شخص بنا بر استدلال بر حدیث تحریر شده سه بار کلمه مبارکه را به آواز بلند میگوید در آن مورد چه حکم است؟

جواب: علماء کرام خواندن کلمه طیبه را به آواز بلند و بکیفیت خاص منع فرموده اند زیرا که این شعار اهل بدعت گردیده است و اصلاً خواندن همچو اذکار چونکه آهسته و خفیه باید باشد قسمیکه در آن مورد وارد شده است: انکم لا تدعون اصم ولا غائباً، و باواز بلند خواندن آنحضرت ﷺ که بود بغرض تعلیم بوده فلذا مردم دیگر را در همچو موارد از جهر مفرط ممانعت نمودن بکار است و بهتر آنست که کلمه طیبه تا به آخر کاملاً خوانده شود و او از انقدر بلند نباید باشد که از آن برای نماز گذاران و ذاکرین متعاقب تکلیف و آذیت پیدا شود.^(۲)

در لباسی گلی عکسی باشد نماز درست میشود یا نه؟ سوال: (۱۵۸۵) در لباس که تصویر باشد در آن نماز درست میشود یا نه؟

(۱) ولا یسلطها نظره الی مکتوب الخ و مرور مار فی الصحراء و فی مسجد کبیر بموضع سجوده فی الاصح او مرور بین یدیه ای حاطة القبلة فی بیت و مسجد صغیر لانه کلمة واحدة مطلقاً الخ وان التم المار لحديث الزوار ولو يعلم المار ماذا عليه من الوزر لوفف اربعین خرفین (در مختار) قوله مسجد صغیر وهو اقل من سنین فزاعوا رقیل من اربعین وهو المختار كما اشار الی الجواهر، لهستانی (در المختار باب ما یفسد الصلوة و ما یکره لیه) ج ۱ ص ۵۹۳، ط. س. ج ۱ ص ۶۳۴، ظفر

(۲) و یکره الاعطاء الخ و رفع صوت بذكر (در مختار) ففارة قال انه حرام وثارة قال انه جائز الخ لانه حیث خیف الراء اوتادی المسلمین اوالباء الخ (در المختار مطلب رفع الصوت بالذكر) ج ۱ ص ۶۱۸، ط. س. ج ۱ ص ۶۵۹، ظفر

جواب: اگر در لباس تصویر حیوان جاندار باشد در آن نماز درست نمیشود و اگر تصویر غیر جاندار باشد در آن نماز خواهد شد^(۱).

شملة اگر بیسار دراز باشد آیا نماز مکروه تحریمی خواهد شد؟ سوال: (۱۵۸۶) عمامه بستن بکدام اندازه سنت است و در عقب چقدر شمله آن را گذاشتن مستون است اگر کسی شمله را تا به سرین دراز می ماند آیا نماز مکروه تحریمی میشود در این مورد حکم شرعی چیست؟

جواب: در درالمختار مذکور است: که گذاشتن شمله دستار در طرف پشت و تا به وسط ظهر مستحب است بعضی گفته اند که یک وجب باید باشد و این قول نمودن که اگر از پاو بالا یک وجب زیاد شمله بگذارد نماز مکروه تحریمی میشود کاملاً غلط است و بودن شمله تا به ظهر یا یک وجب آن همه از امور مستحبه میباشد و بر خلاف آن مکروه تحریمی نیست و در نماز هیچ نوع کراهیت نمی آید و در مورد شمله در درالمختار آنست که بودن شمله تا به موضع جلوس مستحب است از تحقیق معلوم شد که تا به آخری بخش کمر یعنی تا به شروع سرین شمله گذاشتن نیز مکروه نیست خلاصه آنکه آن همه اقوال که ذکر شد در مورد استحباب است، باقی آنکه گناه در هیچ حال نیست خواه شمله دراز باشد یا کوتاه باشد و همچنان در مورد طول عمامه هیچ حد شرعی بخصوص نیست زیرا عمامه مبارکه آنحضرت ﷺ احیاناً دوازده دست می بود و احیاناً هفت دست می بود و برای دیگران در مورد طول عمامه ایشان کدام حکم خاص نفرموده بودند بناء هر قسمیکه عادت باشد و هر قدریکه عادت بسته نمودن را داشته باشد آنقدر ببندد و هیچ وهم باید نکند^(۲). فقط

دو لباسی ابریشمی نماز اداء شده دوست است یا نه؟ سوال: (۱۵۸۷) بغیر از ضرورت شرعی لباس ابریشمی را پوشیده نماز خواندن مکروه تحریمی است یا مکروه تنزیهی و بنا بر تقیدی اول اعاده نمودن نماز واجب میباشد یا غیر؟

جواب: ظاهراً نماز مکروه تحریمی است و اعاده اش واجب میباشد: کما قالوا باعادة صلوة صلیت

(۱) و کمره المغ لبس لیه تعاتیل ذی روح (مختار) و یاتی ان غیر ذی الروح لایکروه (ردالمحتار باب ما یفسد الصلوة و ما یکره لیه) ج ۱ ص ۶۰۵، ط. م. ج ۲ ص ۶۴۴ - ۶۴۷) قوله و لبس لوب لیه تصاویر لانه شبهة حامل الصنم لیکره و فی الخلاصة و کمره التصاویر علی التوب صلی لیه اول یصل انه و هذه الکراهة تحریمیة (البحر الرائق، باب ما یفسد الصلاة و ما یکره لیه) ج ۲ ص ۷۲. ظفر

(۲) و ندب لبس السواد و ارسال ذنب العمامة بین کتفه الی وسط الظهر و قبل لموضع الجلوس و قبل شبر (الذکر المختار علی هاشم و ردالمحتار مسائل شنی) ج ۵ ص ۶۶۰. ط. م. ج ۱ ص ۷۵۵. ظفر

فی ثوب فیہ غوره قال فی ردالمحتار: ویؤیده ما صرحوا به من وجوب الاعادة بالصلاة فی ثوب فیہ صورة یمتذلة من یصلی وهو حامل صنم الخ^(۱) ص ۳۰۷ جلد اول فی بیان واجبات الصلوة. فقط

در لباس کثیف نماز مکروه است یا نه؟ سوال: (۱۵۸۸) لباس کثیف و همچنان لباسهای موسم

گرمائی سال گذشته در ثياب بذله داخل است یا نه و آیا در آن نماز جائز باشد یا مکروه؟

جواب: لباس های فوق الذکر بسبب کثیف بودن آنها در ثياب بذله داخل نیستند و همچنان لباس موسم گرمی سال گذشته در ثياب بذله داخل نمیشاند بناء در آن لباس ها نماز مکروه نمیباشد فقط^(۲).

بعد از نماز بطرف چپ توجه گردانیدن و دعاء کردن چگونه است؟ سوال: (۱۵۸۹) زید

در نماز عصر امام بود و بعد از گردانیدن سلام بطرف چپ روی آورده مناجات نمود آیا این جواز دارد یا نه؟

جواب: بعد از هر نمازیکه سنت نیست مانند نماز فجر و عصر در آن برای امام اختیار است که بطرف راست توجه آورده می نشیند و یا بطرف چپ توجه آورده جلوس می نماید و هر دو صورت از حدیث شریف ثابت است و فقهاء احناف نیز در هر دو صورت اختیار داده اند فلذا بر کسیکه بطرف چپ توجه می آورد طعن گفتن و اعتراض نمودن جهالت است از مسائل دینی^(۳).

نقطه

در نماز در تخیل آمدن رحمت عالم ﷺ و یا تصور نمودن آفتاب چگونه است؟ سوال:

(۱۵۹۰) اگر در نماز تخیل رسول اکرم ﷺ احساس شود آیا نماز درست خواهد شد یا نه؟

و اگر در نماز در خیال آورده شود چه حکم دارد؟

جواب: وقتی که در نماز در نفس التحیات و درود شریف ذکر انحضرت ﷺ است بناء تخیل آوردن ضروری شد و باقی نماز خالص برای عبادت الله تعالی است و تخیل غیر الله علی سبیل

(۱) ردالمحتار باب صفة الصلوة مطلب واجبات الصلاة ج ۱ ص ۴۲۶، ط. س. ج ۱ ص ۴۵۷، در شرح حموی است: لان الصلاة فی الحریر مکروهة للرجال. طبر.

(۲) و صلاته فی ثياب بذلة یلبسها فی بیت و مهنه ای خدمت ان له غيرها والأ لا (ردالمحتار) و لیسرها فی شرح الرواية بما یلبس فی بیت لا یلبس به الی الاکابر و الظاهر ان الکراهة تنزیهية (ردالمحتار باب ما یفسد الصلوة و ما یکره فیها ج ۱ ص ۵۹۹، ط. س. ج ۱ ص ۶۱۰)، قنبر

(۳) و غیر فی المنية بین تحوله یمن و شمالا و اما و مختلفا و ذهابه لینه و استقبله الناس بوجهه و لودون عشرة مالم یکن یحذاته مصلی ولو بعدا علی المذهب (ردمختار) لکن التخییر الذی فی المنية هو انه ان کان فی صلاة تطوع یصلها فان شاء انحرف عن یمنه ار یساره اوردف الی حواتمه و استقبل الناس بوجه الخ (ردالمحتار باب صفة الصلوة ج ۱ ص ۴۹۶، ط. س. ج ۱ ص ۵۳۱)، قنبر

التعظیم والعبادة بکار نیست و نماز در هر حالت صحیح است زیرا برخیا و تصور باز برسی نیست (۱) فقط

در محراب تنها نماز نماز خوان درست است یا نه؟ سوال: (۱۵۹۱) (۱) در محراب مذکوره

تنها نماز نماز گذار درست است یا نه؟

در داخل محراب قیام نموده امامت داد آیا نماز درست شده است یا نه؟ سوال: (۱۵۹۲)

(۲) در محراب مذکوره اگر امام قیام ورزد و امامت بدهد آیا نماز درست خواهد شد یا نه؟

داخل محراب نماز مقتدی درست خواهد شد یا نه؟ سوال: (۱۵۹۳) (۳) در محراب

مذکوره نماز مقتدی درست خواهد شد یا نه؟

امام بکدام اندازه ارتفاع امامت کرده میتواند؟ سوال: (۱۵۹۴) (۴) امام بکدام اندازه

بلندی قیام ورزیده امامت داده میتواند؟

امام در، در چقدر بلندی ایستاده شده میتواند؟ سوال: (۱۵۹۵) (۵) بوجه تنگ بودن

و عدم گنجایش در صحن یا بسبب جنگل و غیره و زمین ناهموار امام تا به کدام اندازه بلندی

ایستاده شده میتواند و امامت بدهد که از کراهیت عاری باشد؟

قصدا در نماز ارتکاب مکروه چگونه است؟ سوال: (۱۵۹۶) (۶) اگر عمدا در نماز ارتکاب

فعل مکروه کرده شود آیا نماز درست میشود یا نه؟ و آیا گنهگار میشود یا نه؟

فتویٰ یک مولوی: سوال: (۱۵۹۷) (۷) مولوی اشرف علی صاحب سلمه تحریر فرموده است

که امام را آنقدر در جای بلند ایستادن مکروه است که برای ناظرین بلند معلوم شود؟

در چقدر بلندی سجده کرده شود؟ سوال: (۱۶۹۸) (۸) اگر با سطح مقتدی هموار امام

ایستاد شود و سجده را در مکان مرتفع می نماید بناء برای امام چقدر در بلندی اجازت است و تا به

کدام اندازه مقتدیان از امام بلند قیام نموده میتوانند؟

مقتدی از امام بلند قیام نموده میتواند یا نه؟ سوال: (۱۵۹۹) (۹) مقتدیان از امام در

چقدر بلندی ایستاد شده میتوانند؟

اگر اصنام یک وجب بلند قیام نموده باشد در آن مورد چه حکم است؟ سوال: (۱۶۰۰)

(۱۰) اگر چوکات دروازۀ مسجد از یک وجب کم باشد و امام بر آن قیام نموده امامت داده می‌تواند یانه؟

اگر تکبیرات و سلام را با امام یکجا اجراء نکند و قبلاً آن را ختم نمود بناء در آن مورد چه حکم است؟ سوال: (۱۶۰۱) (۱۱) تکبیر تحریمه یا تکبیرات متبایه یا هر دو سلام ختم نماز یا سلام سجده سهو با امام شروع کرده شود و یا بعد از امام لکن ختم شود قبل از امام بناء در این صورت نماز مقتدی درست خواهد شد یانه؟

مقتدی که قبل از امام رکوع و سجده میکند آیا نماز میشود یانه؟ سوال: (۱۶۰۲) (۱۲) اگر مقتدی پیش از امام رکوع سجده یا قومه و غیره را مرتکب شود آیا نماز مقتدی درست خواهد شد یانه؟ و همچنان سر مقتدی که قبل از امام سجده میکند مانند خر خواهد شد یانه؟

وقت غلبۀ خواب دنبال امام نماز میشود یانه؟ سوال: (۱۶۰۳) (۱۳) اگر مقتدی در نماز بعقب امام ایستاد بود و او را غلبۀ خواب در رکوع سجده، قومه، قیام قعدۀ و غیره می‌جنبانید بناء در این صورتها نماز مقتدی درست میشود یا نه؟

اگر مقتدی قبل از نماز سلام بگردانند در این مورد چه حکم است؟ سوال: (۱۶۰۴) (۱۴) اگر مقتدی پیش از ختم شدن نماز سلام بگردانند و فوراً بعد از بیاد آمدن بغیر از حرف زدن نماز را با امام تکمیل کرد آیا نمازش درست خواهد شد یانه؟

در حین غلبۀ خواب نماز را اداء کند یا ترک؟ سوال: (۱۶۰۵) (۱۵) در وقت غلبۀ خواب یا نعلاس حکم نماز چیست آیا اداء شود یا ترک گردد؟

اگر در نماز بدن خاوش می‌کند چه باید کرد؟ سوال: (۱۶۰۶) (۱۶) در نماز خارش رانچند مرتبه بدست رفع کرده می‌تواند و یا از بینی چند بار خلم خشک را اخراج کرده می‌تواند و سه بار خاریدن مفید نمی‌باشد؟

اگر قومه یا اطمینان نشود در این مورد چه حکم است؟ سوال: (۱۶۰۷) (۱۷) اگر در نماز قومه و جلسۀ بطور احسن با اطمینان نشوند پس حکم آن نماز چیست؟

اگر خینه استعمال نموده باشد نمازش درست است یا نه؟ سوال: (۱۶۰۸) (۱۸) اگر یکمرد خینه را استعمال نموده باشد و نشسته نماز بخواند آیا جواز دارد یانه؟

با بسته نمودن مشت ها نماز خواندن: سوال: (۱۶۰۹) اگر دستها را خینه کرده باشد و هر

در مشتمل ها را بند نموده نماز خواند آیا جواز دارد یا نه؟

جواب: (۱) درست است.

جواب: (۲) نماز خواهد شد اما این فعل امام مکروه است و در نماز کراهیت پیدا خواهد شد.

جواب: (۳) درست میشود: (مثل مقصورة دمشق التي هي في وسط المسجد خارج الحائط القبلي يكون الصف الاول بينهما مائلي الامام في داخلها وما تصل به من طرفيها خارجا عنها من اول الجدار الى آخره فلا ينقطع الصف بيناتها كما لا ينقطع بالمئبر الذي هو دخلها شامي ج ۱ ص ۵۹۵ جمیل الرحمن).

جواب: (۴) در الدر المختار مذکور است: وانفرد الامام على الدكان للنهي وقدر الارتفاع بلذراع ولا باس بما دونه وقيل مابقع به الامتياز وهو الواجه ذكره الكمال (درمختار) علامه شامی په دی باندی لیکی دی قوله: وقيل هو ظاهر الرواية قال في البحر والحاصل ان التصحيح قد اختلف والاولى العمل بظاهر الرواية واطلاق الحديث وكذا رجحه في الحلية^(۱). واما حديث نهی عبارت است از قوله: قوله للنهي وهو ما اخرجه الحاكم انه عليه السلام نهی لن يقوم الامام فوق ويبقى الناس خلفه الخ شامی.^(۲) پس واضح و معلوم شد که در یک روایت به قدر یک دست بلندی ایستادن امام مکروه است و ظاهر الروایة آنست که در آنقدر ارتفاع که بر آن امتیازی باشد و از بعید آن را ناظرین بلندی پندارد مکروه میباشد چنانچه حضرت مولانا اشرف علی صاحب (رح) تحریر فرموده است در بحر فرموده است که بر آن عمل اولی است بخاطر اینکه این ظاهر الروایة است و مقتضی حدیث نیز همین است پس در پیش درالدر المختار مذکور است: وهذا كله عند عدم العذر كجمعة وعيد فلو قاموا على الرفوف والامام على الارض او في المحراب لضيق المكان لم يكره^(۳) از این عبارت هویدا شد که اگر معذور باشند در این صورت در مکان بلند قیام نمودن درست است اگر چه قیام وی ممتاز باشد و یا به اندازه ذراع باشد اما عذر عبارت از ازدحام و هجوم مردم و ضیق مکان است بناء آفتاب و سایه در معاذیر داخل نیست از تقدیر عبارت فوق الذكر اجوبه سوالات شما فراهم گردید حل شد.

(۱) رد المحتار باب ما یفسد الصلوة و ما یکره فیها ج ۱ ص ۶۰۴ - ۶۰۵، ط. س. ج ۱ ص ۶۴۶، ظفر

(۲) رد المحتار باب ما یفسد الصلوة و ما یکره فیها ج ۱ ص ۶۰۴ - ۶۰۵، ط. س. ج ۱ ص ۶۴۶، ظفر

(۳) الدر المختار علی هامش رد المحتار باب ما یفسد الصلوة و ما یکره فیها ج ۱ ص ۶۰۵، ط. س. ج ۱ ص ۶۴۶، ظفر

جواب: (۵) آنقدر در مکان مرتفع قیام نه ورزد که امتیاز حاصل شود و مقدار آن یک ذراع می باشد در صورت عروض معاذیر اگر امام هر قدر در مکان بلند قیام ورزد کراهیت مرفوع است.

جواب: (۶) نماز درست میشود اما با معیت نقصان و قصدا همچو عمل کردن سبب گناه است.

جواب: (۷) معلوم شد که این ظاهر الروایت است.

جواب: (۸) در این مورد کدام قید نیست تا به ارتفاع که مفهوم سجده باقی باشد اجازت است: السجدة هي فريضة تنادي بوضع الجبهة على الارض او ما يتصل بها بشرط الانخفاض الزائد على نهاية الركوع مع الخروج عن حد القيام لانه لا يعد ساجدا لغة وعرفا لمادونه ويعد به الخ ذكر الزاهدي لو سجد المريض على دكان دون صدره يجوز كالصحيح الخ كبرى ص ۲۷۸ و ص ۲۸۱ جميل الرحمن).

جواب: (۹) اگر بعضی مقتدیان با امام باشند و برخی متیاقی مقتدیان در هر قدر بلندی که قیام نمایند جائز است مانند سقف و غیره و اگر امام تنها در مکان سافل و پائین ایستاد باشد و سایر مقتدیان بر مکان بلند باشند در این صورت حد آن همان است که برای امام می باشد یعنی بقدری ذراع یا بقدر ما یقع به الامتیاز باشد و اگر مقتدیان در مکان مرتفع باشند نماز ایشان مکروه می باشد: و انفراد الامام على الدكان الا قوله: يكره كما لو كان معه بعض القوم.

جواب: (۱۰) بوجه آنقدر بلندی نماز مکروه نخواهد شد لکن در، در قیام نمودن برای امام مکروه است قسمیکه فوقا معلوم گردید.

جواب: (۱۱) در مورد تکبیر در الدرالمختار مذکور است: فلو قال (الله) مع الامام و (اکبر) قبله لم يصح، ترجمه: یعنی پس اگر لفظ جلاله را با امام گفت و لفظ اکبر را قبل از امام گفت در این صورت نماز نمیشود او در مورد سلام در الدرالمختار مذکور است: وتنقض قدوة بالاول قبل عليكم، پس معلوم شد که در صورت سلام نماز درست خواهد شد.

جواب: (۱۲ - ۱۳) اگر قبل از امام برکوع و سجده رفت پس اگر امام نیز در آن شامل شد آن رکوع و سجده درست شده است و رونه درست نشده است و آن حدیث عبارت است از: اما يخشى الذي يرفع رأسه في الامام أن يحول رأسه رأس حمالي^(۱). متفق علیه ترجمه: آیا خوف نمیکند آنکس که از امام سر خود را پیش بلند می نماید از این که سرش مانند سر خر شود.

در حاشیه آمده است: ولعل المراد تحویله فی الآخرة لا فی الدنيا، واز ابن حجر نیز منقول است که اگر در دنیا نیز با کسی همچو معامله شود مستبعد نیست کما نقل عن البعض.

جواب: (۱۴) در سائر صورت های مذکوره نماز درست میشود.

جواب: (۱۵) إلا السلام ساهياً للتحلیل ای للخروج من الصلوة قبل اتمامها علی ظن اکمالها فلا یفید الدر المختار، نماز درست خواهد شد.

جواب: (۱۶) نماز را هر قسمیکه باشد ترک نکند بلکه خواب و تکاسل را دفع نماید و نماز را اداء کند نه قضاء.

جواب: (۱۷) خارش هر چند مرتبه که باشد خاریدن آن درست است نماز را نمیشکناند: ویفسدها کل عمل کثیر ما لا یشک بسببه الناظرین بعید فی فاعله انه لیس فیها، الدر المختار، بیان فساد الصلوة. وبانظر داشت آن تصحیح در المختار خارش اگر بدفعات صورت گیرد از تعریف عمل کثیر خارج است واز بینی کثافت را خارج نمودن سخن ناپسند است اگر چه نماز را فاسد نمیکند اما مکروه است ودرجای که نماز فاسد می نویسد در آنجا اعاده لازم است.

جواب: (۱۸) نماز مکروه میشود و همچو نماز واجب الاعاده میباشد یعنی واجب است که آن نماز را اعاده کند بسبب ترک نمودن واجب فی الدر المختار وکذا فی الرفع فیهما قال الشامي یجب التعديل أيضا فی القومة من الركوع والجلسة بین الجلستين. شامي ج ۱ ص ۴۸۲. جمیل الرحمن. فقط

جواب: (۱۹) جائز نیست ^(۱).

جواب: (۲۰) برای آنکه از آن ترک سنن واجب میشود بناء مکروه است ^(۲).

در مقبره نماز جائز است یا نه؟ سوال: (۱۶۱۰) در مقبره نماز خواندن جواز دارد یا نه؟

جواب: اگر در مقبره یک مکان صاف و نظیف برای نماز باشد و در آن نجاست و قبر نباشد و درست قبله پیشروی نماز گذار هیچ قبری موجود نباشد در آن وقت نماز بلا کراهیت تحریمه جائز است و اگر در پیش روی قبر باشد یا در خود آن مکان که نماز خوانده میشود در آن قبر باشد در آن صورت نماز مکروه تحریمی است. در شامي است: ولا یباس بالصلوة فیها اذا کان

(۱) چونکه لیام که فرض است بلا قدر ترک شده است. ظفر

(۲) چونکه در هر رکن نماز مشیت را باز داشتن مسنون است جمیل الرحمن

فیها موضع اعد للصلوة وليس فيه قبر ولا نجاسة، كما فی الخاتبة ولا قبله الى قبر^(۱) الخ واز لفظ لا باس آنقدر ضرور معلوم میشود که درمقبره نماز خواندن ناپسند است.

ریاح را بند کرده نماز اداء نمود آیا نماز درست شده است یا نه؟ سوال: (۱۶۱۱) هر آنکسیکه بسبب قبض باد او زود، زود خارج میشود اگر آنکس باد را بند کند و نماز را اداء نماید آیا نمازش درست خواهد شد یا نه؟
جواب: نمازش صحیح است^(۲). فقط

اگر در پیش روی نمازگذار نوع درخت مسمی به درخت پیپل باشد نماز مکروه نمیشود؟
 سوال (۱۶۱۲) اگر در محاذات نمازگذار درخت پیپل باشد آیا نماز خواهد شد یا نه؟
جواب: نماز صحیح است در آن کراهیت نیست.

با انحصار نمودن شاش در نماز جماعت شرکت وزین مکروه است: سوال: (۱۶۱۳)
 یک شخص را قضای حاجت بولی عارض شد اما وی قضا حاجت را متوقف نمود وبا جماعت نماز را اداء کرد وبا توقف مثنای بول را انحصار نمود سپس از آن معذرت خود را رفع کرد بناءا درهمجو حالت حکم نماز چیست؟

جواب: در این حالت نماز مکروه تحریمی است لکن این حکم وقتی است که فشار بول و تغوط طوری باشد که خاطر و قلب انسان در آن مشغول باش، كما فی الشامي: قوله صلوته مع مدافعته الاخشين البول والغايظ. قال فی الخزائن سواء كان بعد شروعه او قبله فان شغله قطعه ان لم يخف فوت الوقت الخ^(۳).

اگر در جیب پول باشد همچنان نماز میشود: سوال: (۱۶۱۴) اگر پول و روبیه در جیب و اسکت باشد و در حین عقد نیست زیر دست باشد آیا نماز درست میشود؟
جواب: نماز در این حالت بلا کراهیت صحیح است.^(۴)

(۱) ردالمحتار کتاب الصلوة ج ۱ ص ۳۵۳، ط. س. ج ۱ ص ۳۸۰. ظفر

(۲) يجب رد علوه او تقليله بقدر قدرته الخ ویرده لا یقی ذاعتر (الدرا المختار علی هامش ردالمحتار احکام المعلوم ج ۱ ص ۲۸۳، ط. س. ج ۱ ص ۳۰۷. ظفر

(۳) ردالمحتار باب ما یفسد الصلوة وما یکره فیها ج ۱ ص ۹۰۰، ط. س. ج ۱ ص ۹۷۲. ظفر

(۴) ولا یکره لو کانت تحت قدمیه او فی یده عبارة الشیخ یقنه لانها مستورة بنیایه الخ وبقاذه کراهة المستین لا المستبر بکس او صرة او ثوب اخر (ردمختار) بان صلی وجمع صرة او کس فیہ دتاتیر اودراهم فیها صور صفار فلا فکرة لاستارها (ردالمحتار باب ما یفسد الصلوة یرکزه فیها ج ۱ ص ۶۰۶-۶۰۷، ط. س. ج ۱ ص ۶۷۸. ظفر

با ابریشم و طلا نماز درست میشود یا نه؟ سوال: (۱۶۱۵) اگر کدام مرد بلا عذر طلا یا ابریشم را پوشیده نماز اداء می نماید آیا نمازش میشود یا نه؟ بعضی احباب بر آن نظر اند که استعمال نمودن طلا و ابریشم برای مردان حرام است لکن با آنهم اگر آن را استعمال نموده نماز اداء کند نماز درست میشود آیا این عمل درست است یا نه؟

جواب: استعمال نمودن طلا و ابریشم برای مردان بلا شک حرام است و هر نمازی که در حین پوشیدن آن ادا شده باشد صحیح است اما ظاهر است که در هر وقت استعمال طلا و ابریشم برای مردان حرام است فلهمذا در نماز نیز حرام است لکن چونکه طلا و ابریشم هر دو ذاتا نجس نیستند بناءا نماز درست شده است. ^(۱) فقط

نمازهایی که عاری از تعدیل الارکان باشد حکم آن چیست؟ سوال: (۱۶۱۶) عمر یک نفر بیست ساله است و در این مدت هیچ یک نماز را درست انجام نداده است و تنها دو دفعه محض پائین میشود و نماز را به انجام می رساند آیا این نمازها درست شده است یا نه؟ و در صورت اعاده نمودن تنها فرض اداء کند یا سنت نیز اعاده نماید؟

جواب: هر نمازی که بلا تعدیل الارکان اداء شود اگر چه آنها درست شده اند لکن اعاده نمودن آنها بهتر است، و تر و فرائض را اعاده نماید و سنت را اعاده نکند. فقط

قیام نمودن امام در محراب؟ سوال: (۱۶۱۷) برای امام قیام نمودن در محراب مسجد چگونه است، و فقهاء کرام که آن را مکروه میگویند دلیل آنها چیست؟ آیا دروازه های مسجد نیز حکم محراب را دارد و آن را محراب متعین نمودن بخاطر چیست؟ و فقهاء در کدام کتاب فقه تصریح نمودن اند بر آنکه (در) حکم محراب را دارد؟ اگر چنان تصریح کسی از فقهاء نقل کرده آن در اینجا هم باید نقل کرده شود و در دو عبارت علامه شامی تعارض معلوم میشود در الدر المختار مذکور است: و قیام الامام فی المحراب ای یکره لا سجوده فیه و قدماه خارجه الخ، در شامی مذکور است: والاصح ما روی عن ابی حنیفة رضی الله عنه انه قال اکره للامام ان يقوم بین ساریتین او زاویه او ناحية المسجد او الی ساریة لانه بخلاف عمل الامة اهد و فیه ایضا: و مقتضاه ان الامام لو ترک المحراب و قام فی غیره یکره و لو کان قیامه وسط الصف لانه خلاف عن الامة، بناء در آن هر دو عبارت ظاهر تخالف معلوم میشود فلهمذا جواب آن شبه را تحریر فرمائید؟

(۱) لان العلوة فی الحریر مکروهة للرجال (شرح حموی علی الاشباه والنظائر ج ۱ ص ۱۹۷). غفر

جواب: دلیل کراهیت قیام نمودن در دروازه همان است که در مورد قیام در محراب بیان شده است بناء اگر قدمهایش خارج از در باشد در آن وقت کراهیت مرتفع مییابد همچنان در میان هر دو عبارات علامه شامی هیچ تعارض وجود ندارد زیرا اولین دلیل را چنین گفته است: ولو کان قیامه فی وسط الصف، وسط صف جدا است و وسط مسجد نیز جدا است فلذا مکروه ترک نمودن وسط مسجد است یعنی بلا ضرورت اگر چه در مابین صف مقتدیان باشد و اما دروازه چونکه محاذی محراب است لهذا آن وسط مییابد و در مسجد اکثرا دویخش مییابد یکی مسقف چت والا که اورا شتوی حصه زمستانی میگویند و غیر مسقف که آن را صیفی حصه تابستانی گفته میشود یعنی فرش پس و فتیکه نماز گذار در مسجد صیفی قیام نماید محراب ایشان دروازه وسطی مسجد مییابد. فقط

دریش روی نماز گذار اگر نماز میخواند آیا او از پیش روی وی یکسو شده میتواند؟

سوال: (۱۶۱۸) دو نفر نماز خوانان پیش و پس ایستاده اند اول فارغ شد اکنون او بطرف راست یا چپ میخواهد برود آیا این رفتن او جائز است یا نه؟

جواب: آن کسی که در پیش ایستاده بود و فارغ شد فوراً بطرف راست یا چپ رفته میتواند این جائز است.

مسائل مسجد

مسدود نمودن دروازه مسجد چطور است؟ سوال: (۱۶۱۹) زید امام یک مسجد است او

بعد از ادای نماز عشاء ساعت نه ۹ بجه دروازه مسجد را مسدود مینماید و پس از آن هر نمازگذاری که بعد مسدود شدن دروازه می آید زید برایش دروازه را باز نمیکند آیا در آن مورد حدیث است که بعد از مسدود شدن دروازه دوباره باز نشود؟

جواب: در در المختار مذکور است که مسدود نمودن دروازه مسجد مکروه است ^(۱) اما اگر خوف مفقود شدن و یا سرقت شدن اسباب مسجد احساس میشود در این صورت علاوه از اوقات نمازها مسدود نمودن دروازه درست است، و در شامی است که این موضوع مفوض است برای

(۱) وکره خلق باب المسجد الا المعروف علی متاعه به یعنی (در مختار) قال فی البحر وانما کره لانه شبه مع من الصلوة لال الله ﷻ ومن اعظم ممن منع مساجده ان يذكر فيها اسمه الخ والتدبیر فی العلق لاهل المحلة رد المختار قبل باب الوتر والوالل مطلب فی اسکام المسجد ص ۶۱۱، ط. م. ج ۱ ص ۶۵۶. ظفر

اہل قریہ و ہر وقتیکہ آنہا مناسب میداند آنہا دروازہ مسجد را بند کردہ میتوانند استثناء از خمس الاوقات کہ در آن نماز جماعت خواندہ میشود و در صورت متذکرہ کہ امام برای نماز گذاران دروازہ را باز نمی نمایند خلاف حکم شریعت است و بعد از مسدود نمودن دروازہ ثانیاً آن را باز نکردن اگر چہ بخاطر ضرورت نماز گذاران باشد در جای ثابت نیست.

درہمچو مسجد نماز درست است یا خیر؟ سوال: (۱۶۲۰) بعد از ملاحظہ نمودن سوال و نقشہ منسلکہ مسجد تحریر فرمائید کہ در آن مسجد نماز صحیح است یا نہ؟

جواب: از ملاحظہ نمودن نقشہ معلوم شد کہ هیچ قبری در جانب قبلہ واقع نیست کہ در قبل نماز گذار قرار داشتہ باشد فلہذا در مسجد ذکر شدہ بلا کراہیت نماز درست است کذا فی المنیۃ والشامی وغیرہ. ^(۱) فقط

در منزل دوم مسجد نماز چگونه است؟ سوال: (۱۶۲۱) نخست یک مسجد یک منزلہ بود پس آن مسجد دو منزلہ دوچہ طوری اعمار شدہ کہ یکی آن بنیاد سابقہ شدہ و در ہر بہ اطرافش آبادی افزایش نمودہ و بر سائر مسجد منزل دوم اعمار شد و صحن بالکل باقی نمایند و از رای بعضی علماء معلوم شدہ کہ در مسجد مسقف نماز خواندن مکروہ است اگر در منزل سفلی نماز اداء شود شک نیست کہ در موسم گرما سخت تکلیف مییابد بناءً در ہمچو حالت در موسم گرما در منزل بالا نماز خواندن درست است یا نہ؟

جواب: در شرح منیہ مذکور است: وکل مایکرہ فی المسجد یکرہ فوقہ ایضاً الخ، ودر شامی مذکور است: قوله الوطی فوقہ ای الجماع خزائن اما الوطی فوقہ بالقدم فقیر مکروہ الا فی الکعبۃ بغیر عذر لقولہم بکراہیۃ الصلوۃ فوقہا ثم رایت القہستانی نقل عن المفید کراہۃ الصعود الی سطح المسجد و یلزمہ کراہۃ الصلوۃ ایضاً فوقہ فلیتأمل. ^(۲) زیدہ کلام آنست کہ از بعضی عبارات جواز نماز بر بالا منزل مسجد معلوم میشود و از بعضی عبارات کراہیت معلوم میشود و در صورت مسئلہ عنہ نماز خواندن در منزل فوقانی مکروہ نیست بخاطر آنکہ اولاً در مورد کراہیت نماز بر مسقف مسجد اختلاف است سپس منزل فوقانی را مصداق آن گفتن قابل تأمل است و دیگر

(۱) ولا یاس بالصلوۃ اذا کان فیہا موضع احد للصلوۃ ولی فیہ قبر ولا نجاسة الخ ولا قبلۃ الخ فی رد المحتار کتاب الصلوۃ ج ۱ ص ۳۵۳ ط. س. ج ۱ ص ۳۸۰. ظفر

(۲) رد المحتار باب ما یفسد الصلوۃ و مایکرہ فیہا مطلب فی احکام المسجد ج ۱ ص ۶۱۴ ط. س. ج ۱ ص ۶۵۶. ظفر

آنکه علیر ذکر شده موجود است^(۱) فقط

اگر در جوارش دو مسجد باشند در کدام مسجد نماز اداء نمایند؟ سوال: (۱۶۲۲) یک

نفر در آن مسجد نماز میخواند که عنقریب (نزدیک) خانه اش است و همچنان یک مسجد دیگر از خانه وی در فاصله اندک قرار دارد بناء در کدام مسجد نماز اداء کند؟

جواب: در مسجد نزدیک نماز اداء نمودن بکار است زیرا مسجد قریب بر او حق دارد و همچنان در آن ثواب مزید نیز است. (افضل المساجد مکه ثم المدينة ثم القدس ثم قبا ثم الاقدیم ثم الاعظم ثم الاقرب الخ الدرالمختار علی هامش رد المحتار ج ۱ ص ۶۱۷. ظفیر).

الباب الثامن في الوتر والنوافل

فصل اول

مسائل وتر

هر مقتدی که رکوع نکرد آیا نمازش درست نشده است؟ سوال: (۱۶۲۳) اگر امام رکعت

سوم وتر را اداء نمود و بر رکوع رفت و دعای قنوت را نخواند و در آخر سجده سهو کرد بناء آن مقتدی که بسبب تاریکی یا بعلت ضعف نظر بر رکوع نرفت بلکه بسجده رفت آیا نماز این مقتدی درست شده است یا نه؟

جواب: نماز آن مقتدی درست نشده است کسی که رکوع را ترک نموده است^(۲) و اگر بعد از اختتام ختم نماز امام وی رکوع میکرد و سپس سجده سهو را اداء می نمود در این صورت نمازش درست خواهد شد. فقط

دعای قنوت را فراموش کرد و قنیه که بیادش آمد آن را خوانده سجده سهو نمود

در این مورد چه حکم است؟ سوال: (۱۶۲۴) بکر قنوت وتر را فراموش کرد و بر رکوع رفت

(۱) حضرت مفتی غلام در مورد نماز در منزل بالای مسجد فیصله عدم کراهت را ننموده است که کاملاً مطابق فقه است و منزل دوم را سقف گنبد از نگاه اصطلاح هر گز درست نیست زیرا اصطلاح سقف آن حصه را گفته میشود که بالای آن سقف دیگر نباشد و مانع بارش و آفتاب گردد و منزل دوم تنها برای نماز ساخته شده باشد و بغرض سقف نباشد بناء به هیچ نوع در حکم سقف نیست آن عده مردم که تا اکنون در منزل دوم و سوم نماز را مکرر نوشته اند بنزد بنده عاجز دست نیست، البته بهتر آنست که جماعت در منزل اول شود و در صورت ضرورت در منزل دوم و سوم اراده کردن بکار است و الله اعلم. ظفیر

(۲) ومن فراتعها التي لا تصح بدونها التحريم الخ ومنها الركوع بحيث لو تم بدنه نال ركبته (الدرالمختار علی هامش رد المحتار باب صفة الصلوة ج ۱ ص ۴۱۱ و ص ۴۱۶، ط. س. ج ۱ ص ۴۴۲). ظفیر

ہنگامیکہ در رکوع بیادش آمد پس از بالا شدن از رکوع دعای قنوت را خواندہ سجدہ سہرہ نمود و نماز را بپایان رساند آیا نماز درست شدہ است یا نہ؟

جواب: برای بکر بعد از بالا شدن از رکوع خواندن دعای قنوت بکار نبود لکن اکنون وقتی کہ سجدہ سہرہ نمود بناءً نمازش درست شدہ است ^(۱)۔ فقط

وتر را بہ نیت سنت ادا نمودن چہ حکم است؟ سوال: (۱۶۲۵) بعد از اداء تراویح وقتی کہ مردم برای وتر ایستاد میشدند و در آن اثنا یک نفر بفراموشی نیت سنت را نمودہ وتر را اداء کرد لکن در وقت خواندن دعای قنوت بیادش آمد کہ وتر واجب است آیا در این صورت وتر درست شدہ است یا نہ؟

جواب: نمازش درست شدہ است ^(۲)

فرض را باجماعت اداء نکرد آیا وتر را باجماعت اداء نمودہ میتواند؟ سوال: (۱۶۲) در ماہ رمضان زید نماز عشاء را با جماعت اداء نکرد آیا نامبروہ وتر را با جماعت اداء نماید و یا تنہا؟

جواب: در جماعت وتر شرکت ورزیدہ میتواند: کذا صرح بہ فی الطحطاوی و علامہ شامی بلا شک علم جواز را نقل فرمودہ است لکن در عبارت طحطاوی تصریح جواز است وقانون همچنان تقاضای جواز می نماید بخاطر آنکہ بزرگان و مشایخ و استادان مایان نیز قائل بشرکت نمودن در جماعت وتر میباشند زیرا در این مورد هیچ وجہ عدم جواز نیست ^(۳)۔ فقط

لفظ (مُلْحَقُ) را بکسر وفتح حاء ہر دو خواندہ میتواند؟ سوال: (۱۶۲۷) در دعای قنوت کہ لفظ (مُلْحَقُ) مذکور است آیا حاء فتح دارد یا کسرہ؟

جواب: لفظ حاء ملحق را کہ در دعای قنوت آمدہ است آن را مفتوح و مکسور ہر دو خواندہ شدہ است و ہر دو جواز دارد یا آنہم کہ کسرہ زیادتر مشہور میباشد در شامی مذکور است: قولہ:

(۱) ولو نسى اى القنوت لم تذكره فى الركوع لا يفتى به لقوات محله ولا يعود الى القيام الى الاصح لانه فيه رفض الفرض للواجب فان عاد اليه وقت ولم يعد الركوع لم يفسد صلواته لكون ركوعه بعد قراءة ثامة وسجد للسهو فت اولا لقواله عن محله (الدرالمختار على هامش رد المحتار باب الوتر والنوافل ج ۱ ص ۶۲۷، ط. س. ج ۴ ص ۹)۔ ظفر

(۲) ولا عبرة بنية متاخرة عنها على الملحق وجوز الركوع وكفى مطلق بنية الصلوة وان لم يقل لله نفل وسنة رامة الخ (الدرالمختار على هامش رد المحتار باب شروط الصلوة مطلب فى النية ج ۱ ص ۴۸۷ - ۴۸۸، ط. س. ج ۱ ص ۴۹۷)۔ ظفر

(۳) بقى الخ فقبضه التعليل فى المسئلة السابقة بقولهم لانها تبع ان يصلى الوتر بجماعة فى هذه الصورة لانه ليس يتبع التراويح ولا للمشاء عند الإمام (طحطاوى على الدرالمختار باب الوتر والنوافل بحث التراويح ج ۱ ص ۲۹۷)۔ ظفر

و ملحق بمعنی لاحق، مبتداء وخبر وهو بكسر الحاء هذا هو المشهور ونص غیر واحد علی انه الاصح ويقال بفتحها ذكره ابن قتيبه وغيره. ونص الجوهری علی انه صواب كذا فی الحلیة قلته بل فی القاموس الفتح احسن ^(۱) الخ. فقط

در مورد سلسله رفع الیدین در وتر یک غلط مشهور: سوال: (۱۶۲۸) نماز وتر از کدام وقت واجب شده است، وجه رفع الیدین در رکعت ثالث چیست؟ بعضی میگویند که در شب معراج وقتیکه نبی اکرم ﷺ برای رکعت سوم قیام نمودند ایشان والدین گرامی خود را در تعذیب مشاهده نمودند و در آن اثنا آنجناب رفع الیدین کردند آیا این درست است یا خیر؟

جواب: این واقعه هیچ اصل ندارد ^(۲). فقط

امام دعای قنوت را ختم نکرد و رکوع نمود و مقتدی دعای قنوت را هنوز ختم نکرده است بناءا چه باید کرد؟ سوال: (۱۶۲۹) در نماز جماعت وتر امام دعای قنوت را ختم نمود و برکوع رفت و مقتدی تا اکنون قنوت را ختم نکرده بود آیا مقتدی بغرض متابعت امام بغیر ختم دعای قنوت برکوع برود؟

جواب: اگر اندک باقی مانده باشد که با تکمیل نمودن آن با امام شرکت ورزیده میتواند پس ان را تکمیل نماید و برکوع برود و نه آن را ترک کند. ^(۳) فقط

اگر در جماعت عشاء شریک نشد آیا وتر را باجماعت کرده میتواند؟ سوال: (۱۶۳۰)

یک نفر نماز فرض عشاء را تنها اداء نمود، سائر تراویح را یا اکثر آن را با امام اداء کرد و با قطعاً تراویح را ترک نمود بناءا در هر سه صورت در جماعت وتر شرکت ورزیده میتواند یا نه؟

در اشتهار مدرسه دیوبند سنه (۴۲) است کسی که نماز جماعت عشاء را نخوانده باشد او با امام در جماعت وتر شرکت ورزیده میتواند و علامه شامی در ردالمحتار میفرماید: إذا لم یصلی الفرض

(۱) رد المحتار باب الوتر والنوافل ج ۱ ص ۶۲۴ ط. س. ج ۲ ص ۷. ظفر

(۲) این صراحت بدسترس قرار ندارد که نماز وتر را آنحضرت ﷺ از کدام سال شروع نموده بود البتة از حدیث آنقدر معلوم میشود که از آغاز آن را برابر یکسان اداء می نمودند و بر آن تأکید میفرمودند که: الوتر حق لعن لم یوتر فلیس بنا. ابو داود، و در دعای قنوت دست ها را بلند میکنند بخاطر آنکه از نبی اکرم ﷺ همچنان ثابت است وجه آن غالباً شاید آن باشد که قیام بر قرائت ختم میشود اکنون چونکه در حالت قیام نیز دعا خوانده میشود برای آن با رفع الیدین کردن اشاره است که قرائت یک چیز علیده است و دعا نیز یک چیز جداگانه میباشد و سوال کننده حواله معراج را وانمود کرده است که هیچ اصل برایش نیست والله اعلم. ظفر

(۳) مقتدی بتابع الامام فی القنوت فلو ركب الامام فی الوتر قبل ان یفرغ المقتدی من القنوت فانه یتابع الامام الخ (عالمگیری مصری فی صلاة الوتر ج ۱ ص ۱۰۴). ظفر

معه لا يتبعه في الوتر، بناءً در هر دو تحریرات چگونه تطبیق خواهد شد؟

جواب: در هر سه صورت ها در نماز جماعت وتر شرکت نموده میتواند، و در صورت عدم خواندن سائر تراویح یا بعضی تراویح با امام شرکت نمودن او در جماعت وتر از آن عبارت در در المختار هویدا میباشد که در آن ذکر شده است: ولو لم يصلها أي التراویح بالامام أو صلاها مع غيره له ان يصلي الوتر معه الخ^(۱). و در صورت عدم خواندن فرض عشاء با جماعت تعلیل جواز شرکت او در جماعت وتر از علامه طحطاوی معلوم میشود: حيث قال في شرح قول صاحب الدرالمختار بقي لو تركها الكل هل يصلون الوتر بجماعة فراجع (قوله فليراجع) قضية التعليل في المسئلة السابقة بقولهم لانها تبع ان يصلي الوتر بجماعة في هذه الصورة لانه ليس تبع للتراویح ولا لعشاء عند الامام انتهى.^(۲) حلی، طحطاوی. پس معلوم میشود که کدام فرع را علامه شامی از قهستانی نقل نموده است: ثم نقل لكنه إذا لم يصلي الفرض معه لا يتبعه في الوتر^(۳) این ضعیف و صحیح نیست زیرا وتر نماز مستقل است نه تابع نماز عشاء است و نه تابع تراویح میباشد و در جواب رای علامه شامی که "فليراجع" گفته است نیز همان است که در آن صورت نیز عدم جواز جماعت وتر بکار است، و رأی علامه طحطاوی واضح مطابق قواعد آنست که در آن صورت نیز جماعت وتر جائز است و از عبارت آخرین شامی "لا کراهية" همچنان معلوم میشود که مراد قهستانی از "لا يتبعه في الوتر" کراهیت است و در اصل جواز اختلاف نیست، و ظاهراً تعلیل منقول عن العلامة الطحطاوی آنست که کراهیت همچنان نیست بخاطر آنکه وتر و عشاء هر یکی نمازهای مستقل میباشند. فقط

در مورد وتر مطلب یک عبارت: سوال: (۱۶۳۱) در الدر المختار باب الوتر و النوافل مذکور است: ویسن الدعاء المشهور ویصلي على النبي ﷺ و به یفتی، فلهمذا در مذهب حنفی چه باید بگوید؟

جواب: مراد از دعای مشهور دعای قنوت است: اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَسْتَعِيْذُكَ الْخ و دعای: اَللّٰهُمَّ اهْدِنِيْ لِمَنْ هَدَيْتَ الْخ است و در آخر دعای ثانی: و صلی الله علی النبی نیز است بناءً برای احناف نیز

(۱) الدر المختار علی هامش رد المختار مبحث التراویح ج ۱ ص ۶۶۳، ط. س. ج ۲ ص ۴۸. بظفر

(۲) الطحطاوی علی الدر المختار مبحث فی التراویح ج ۱ ص ۲۹۷. ظفر

(۳) رد المختار مبحث فی التراویح ج ۱ ص ۶۶۳، ط. س. ج ۲ ص ۴۸. ظفر

آن هر دو ادعیه را خواندن و جمع نمودن بهتر است اگر تنها: **اللَّهُمَّ اِنَّا نَسْتَعِيْنُكَ الْخ** را بخواند هم درست است ^(۱). فقط

فیت وتر: سوال: (۱۶۳۲) حکم نیت وتر چیست زیرا در الدر المختار مذکور است: لذا بنوی الوتر لا الوتر الواجب كما في العيدين للاختلاف، وشامي نیز آن را ترجیح داده است بعضی میگویند که اگر نیت واجب را نکند نماز جائز نیست؟

جواب: علامه شامی در این موقع چنین نگاشته اند: ای انه لا يلزمه تعيين الوجوب لا منه من ذالك ^(۲) پس معلوم شد که نیت وجوب ممنوع نیست؟ واما حنفی در این مورد اعتقاد وجوب دارد لهذا بر وجوب نیت نمودن هیچ حرج نیست و اگر مطلق نیت وتر را بکند باز هم در نماز هیچ خلل واقع اما عبارت در المختار محمول است بر توسیع یعنی نیت مطلق وتر نیز درست است.

قنوت را ترک نموده برکوع رفتن: سوال: (۱۶۳۳) اگر از یک نفر در نماز وتر دعا فراموش شود و برکوع برود سپس از آن خودش و یا بیاد دهانی کسی از رکوع بالا شده و دعای قنوت را بخواند و ثانیاً رکوع کند و نماز خود را تکمیل نماید بناء در این صورت نماز او فاسد خواهد شد و یا با سجده سهو نمودن نمازش کامل خواهد شد؟

جواب: نمازش صحیح است کذا في الدر المختار: فان عاد إليه وقت ولم يعد الركوع.

در وتر قبل از رکوع رفع الیدین و در حدیث ذکر دعای قنوت: سوال: (۱۶۳۴) در منطقه مابین یک چند نفر مذہب غیر مقلدین اند که وتر را سه رکعت میخوانند لکن دعای قنوت را بعد میخوانند و یکی در ایشان دارای علم اندک میباشد و او میگوید که اگر از حدیث آن را ثابت کند که رسول اکرم ﷺ قبل از رکوع تابه محاذات گوش ها رفع الیدین می نمودند و بعد از آن دعا قرائت می نمودند پس ما برای قبول نمودن آن آماده میباشیم؟ بناء از حدیث ثابت نیست بخاطر ثبوت آن سخن یک حدیث را شما تحریر فرماید؟

(۱) قوله حسن الدعاء المذکور لدعای فی بحث الواجبات النصیح بذلك عن النهر ولاکر فی البحر عن الکرمی ان القنوت لیس فی دعاء طریقت لانه روی عن الصحابة ادعية مختلفة ولان الموقت من الدعاء يلعب برقة القلب ولاکر الإسهجانی انه ظاهر الرواية وقال بعضهم المراد لیس فی دعاء طریقت ما سرى اللهم انا نستعینک وقال بعضهم الاقلل التوقيت ورجعه فی شرح المنية تبرکا بالمأثور أهـ (ردالمحتار باب الوتر ج ۱ ص ۶۲۳). ظہیر

(۲) رد المحتار باب الوتر والبرائات ج ۱ ص ۶۲۶، ط. م. ج ۲ ص ۶. ظہیر

جواب: اخرج ابو نعیم فی الحلیۃ عن عطاء بن مسلم حدثنا العلاء بن المسیب عن حبيب بن ابی ثابت عن ابن عباس قال اوتر النبی ﷺ بثلاث قنت فیہا قبل الركوع، وعن ابن عمر ان النبی ﷺ کان اذا فرغ من القراءة کبر، وفي الذخيرة رفع يديه حذاء اذنيه وهو مروى عن ابن مسعود وابن عمر وابن عباس وابی عبدة واسحق وقد تقدم. کبیری شرح منہ ^(۱)، از این عبارات فوق الذکر صراحتاً سہ رکعت بودن وتر وخواندن قنوت قبل از رکوع واز حضرت عبد اللہ بن مسعود وعبد اللہ بن عمر وعبد اللہ بن عباس وغیرہ از اصحاب کبار رضی اللہ عنہم در وقت تکبیر خواندن دعای قنوت رفع الیدین ثابت شد وظاہر است کہ این عدہ صحابہ کرام فوق الذکر قنوت را قبل الركوع وتکبیر را مع رفع الیدین با مشاہدہ نمودن از رسول اللہ ﷺ آنها کرده اند فلہذا این حجت کافی است واگر مردم لامذہبان آن را قبول ندارند پس برای آنها بگو کدام مذہب کہ از عبد اللہ بن مسعود وعبد اللہ بن عمر وعبد اللہ بن عباس وغیرہ صحابہ کرام رضی اللہ عنہم بود بعینہ همان مذہب ما نیز میباشد، بنا بر ہر دلیلی کہ آنها رفع الیدین فی تکبیر القنوت می نمودند آن دلیل برای مایان نیز حجت است. فقط

وقتیگہ وتروا ختم نمود سبحان الملک القدوس را چه وقت بگوید: سوال: (۱۶۳۵)

از سلام گردانیدن وتر کہ سبحان الملک القدوس سہ بار خواندن در حدیث وارد شدہ است آیا آن را بعد از سجده کردن بگوید یا در قعدہ وآیا این عند الاحناف جائز است یا نہ؟

جواب: آن کلمات را وقتی بخواند کہ سلام بگرداند وبنشیند وعند الاحناف جائز وهمچنان مستحب است. ^(۲)

وقتیگہ وتر را ختم نمود پس سبحان الملک القدوس را چه وقت بگوید؟ سوال: (۱۶۳۶)

در رمضان المبارک در رکعت ثالث وتر شامل گردید بناءً آن رکعت کہ باقی است آیا درآن دعای قنوت خواندہ میشود یا نہ؟

جواب: دعای قنوت باید خواندہ شود. ^(۳) فقط

(۱) غنیۃ المسمعی باب الوتر ص ۳۹۶ . ظہیر

(۲) عن ابی بن کعب قال کان رسول اللہ ﷺ اذا سلم فی الوتر قال سبحان الملک القدوس رواہ ابو داؤد والنسائی وزاد لث مرات یطین وفي رواية للنسائی عن عبدالرحمن بن ابی بن ابيہ قال کان یقول اذا سلم سبحان الملک القدوس ثلاثاً ویرفع صوته بالثالثة (مشکوٰۃ باب الوتر فصل ثانی ص ۱۱۲). ظہیر

(۳) ولہا واجبات لا یفسد بمرکبها ویماد وجوباً فی العمد والسنن والمعنی علی ما ذکرہ اربعۃ عشر: قراءة لاحدہ الکتاب الخ والقراءة لثرت ۳۰

سورة اخلاص بتوضی دعای قنوت کافی خواهد شد یا نه؟ سوال: (۱۶۳۷) در وتر سه مرتبه

خواندن سورة اخلاص بجای دعا قنوت کافی خواهد شد یا خیر؟

جواب: در شامی آورده است: ومن لا يحسن القنوت يقول ربنا آتانا في الدنيا حسنة الآية. وقال ابو الليث يقول اللهم اغفر لي يكررها ثلاثا وقيل يقول يا رب ثلاثا ذكره في الذخيرة الخ پس معلوم شد که قرائت سورة اخلاص بجای دعای قنوت منقول نیست^(۱).

امام نماز وتر علاوه از امام نماز فرض شخص دیگر شده میتواند یا نه؟ سوال: (۱۶۳۸)

آیا امام وتر بغیر از امام نماز فرائض شخص دیگر شده میتواند یا نه؟

امام نماز وتر علاوه از امام نماز فرائض شخص دیگر شده میتواند.

بعد از دو رکعت وتر قعده بکند یا نه؟ سوال: (۱۶۳۹) بعد از دو رکعت اداء نمودن وتر

برای التحیات نشستن جائز است یا نه؟

نشستن بکار است قسمیکه از کتاب های فقه واجادیت ثابت است در الدر المختار مذکور است: وهو ثلث ركعات كالمغرب، قوله: كالمغرب افاد ان القعدة الاولى واجبة الخ شامی باب الوتر والنوافل^(۲) واضح گردید که بعد از دو رکعت نشستن واجب است. فقط

دعای قنوت تنها در وتر منحصر است: سوال: (۱۶۴۰) علاوه از نماز وتر و نماز فجر در کدام

یکی فرض دیگر نیز خواندن قنوت درست است یا نه؟ و همچنین بعد از قنوت خواندن درود شریف چگونه است؟

جواب: بنزد احناف بغیر از نماز وتر در هیچ نماز دیگر خواندن دعای قنوت درست نیست و اما

در نماز فجر که آنحضرت ﷺ چند روز مسلسل دعای قنوت را خوانده است الآن منسوخ شده

= الوتر وهو مطلق الدعاء (والدر المختار علی هامش رد المحتار باب صفة الصلاة مطلب واجبات الصلاة ج ۱ ص ۴۲۴ ، ط. س. ج ۱ ص ۴۵۹) از این عبارت معلوم شد که خواندن دعای قنوت ضروری است لکن مسوق آن را چه وقت بگوید؟ در این مورد فقهاء میفرمایند: واما المسوق فيقت مع امامه فقط ويصير مفرقا بادرأك ركوع الثالثة (درمختار) ليقط مع امامه فقط لانه آخر صلاته وما يقضيه اولها حكما في حل القراءة وما اشبهها وهو القنوت واذا وقع قوله في موضعه يمين لا يكرر ولان تكراره غير مشروع، شرح الصنية (رد المحتار) باب الوتر والنوافل ج ۱ ص ۶۲۸ ، ط. س. ج ۱ ص ۱۱) یعنی اگر وی رکعت سوم را کاملاً در حالت نموده باشد پس یا امام قنوت بخواند و بعد از آن ضرورت برای خواندن نیست، البته اگر در رکعت ثالث وقتی شریک شد که امام از خواندن دعای قنوت فارغ شده بود پس آن را بعدا بتعقيب بخواند. ظهير

(۱) ودر المختار باب الوتر والنوافل ج ۱ ص ۶۲۴ ، ظهير

(۲) ودر المختار باب الوتر والنوافل ج ۱ ص ۶۲۳ ، ظهير

است^(۱)، البتہ اگر کدام حادثہ عارض شود در آن صورت در نماز فجر خواندن دعای قنوت نیز درست است، وعلاوہ از نماز فجر در نمازهای متباقی مختلف فیہ است^(۲) و همچنان بعد از خواندن دعای قنوت خواندن درود شریف درست است. فقط

قعدہ وتر از آنحضرت ﷺ ثابت است: سوال: (۱۶۴۱) آیا قعدہ اول از نبی اکرم ﷺ و از صحابہ کرام (رض) ثابت است؟

جواب: قعدہ اولی از آنحضرت ﷺ و از صحابہ کرام (رض) ثابت است چنانچہ در روایت نسائی شریف مذکور است: عن سعد بن هشام ان عائشہ رضی اللہ عنہا حدثتہ ان رسول اللہ ﷺ کان لایسلم فی رکعتی الوتر،^(۳) و همچنان در صحیح مسلم شریف مذکور است: ویصلی تسع رکعات لا یجلس فیہا إلا فی الثانیۃ.^(۴)

برای اداء نمودن وتر نیت یک رکعت است یا سه رکعات؟ سوال: (۱۶۴۲) بخاطر اداء کردن وتر نیت یک رکعت باید یا از سه رکعات؟

جواب: در شریعت سه است و مذهب امام ابو حنیفہ (رح) آنست کہ تنها یک رکعت کردن جائز نیست زیرا آنحضرت ﷺ از آن ممانعت فرمودہ اند^(۵). واللہ اعلم

در رکعت سوم شخصی شامل شدنی کہ قنوت را با امام خواند و در رکوع آنکسی کہ شامل شدنی است وقنوت را نخواندہ ایشان چه باید کرد؟ سوال: (۱۶۴۳) زید در آخرین رکعت وتر شامل شد و با امام دعای قنوت را خواند و بعد از اینکه دو رکعت متباقی را اداء می نماید آیا در آن دعای قنوت را بگوید یا نہ؟ و صورت دیگر آنست کہ با امام در رکوع آخرین شامل شد وقنوت را نخواند آیا او در دو رکعت های متباقی دعای قنوت را بگوید یا نہ؟

(۱) و ہامی الماموم بقنوت الوتر الخ لا الفجر لانه منسوخ (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب الوتر والنوافل ج ۱ ص ۶۲۶، ط. س. ج ۲ ص ۸). ظہیر

(۲) ولا یفتل لغيره الا لانزاله یفتل الامام فی الجہریۃ وقیل فی الکمل (در مختار) قوله لا یفتل لغيره ای غیر الوتر الخ قوله یفتل الامام فی الجہریۃ الخ لکن فی الاشیاء عن الغایۃ قلت فی صلاۃ الفجر الخ قال الحافظ ابو جعفر الطحاوی انما لا یفتل عندنا فی صلاۃ الفجر من غیر بلدی الخ (رد المحتار باب الوتر والنوافل مطلب فی الفتاویٰ للنازلۃ ج ۱ ص ۶۲۸، ط. س. ج ۲ ص ۱۱). ظہیر

(۳) نسائی شریف. ظہیر

(۴) مسلم ج ۱ ص ۲۲۶. ظہیر

(۵) وهو ای الوتر ثلاث رکعات کالمغرب حتی لو نسی القعود لا یعود ولو عاد یبطل الفساد (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب الوتر والنوافل ج ۱ ص ۶۲۲، ط. س. ج ۲ ص ۵). ظہیر

جواب: در صورت اول لایا دعای قنوت را نگویید: واما المسیوق قنوت مع امامه^(۱). واما در صورت دوم در رکعت آخری دعای قنوت را بخواند.

در نیت وتر گفتن واجب اللیل چگونه است؟ سوال: (۱۶۴۴) در نیت وتر ذکر واجب اللیل چگونه است؟

جواب: در نیت وتر چنین گفتن بکار است که: نیت کردم نماز وتر را اداء کنم، و اگر لفظ واجب اللیل نیز ذکر نمود در آن کدام حرج نیست.^(۲)

توگ نمودن نصف صورت چگونه است؟ سوال: (۱۶۴۵) در رکعت اول وتر (إِذَا زُلْزِلَتْ) را قرائت نمود و در رکعت ثانی نصف سورت والعیات را قرائت کرد و در رکعت سوم القارعة را خواند آیا در وتر نقصان وارد شده یانه؟

جواب: همچو کردن ناپسند است و سورت کامل را در هر یک رکعت خواندن بهتر و افضل است، لکن نماز وتر در آن صورت نیز صحیح است.^(۳) فقط

در وتریه فراموشی قبل از دعا رکوع نمودن: سوال: (۱۶۴۶) (۱) امام در نماز وتر رفع الیدین و خواندن دعای قنوت را فراموش کرد و برکوع رفت و تکیه فوراً برایش یاد شد و سپس قیام نمود بعد از آن رفع الیدین کرد و دعای قنوت را خوانده سجده سهوه نموده از نماز فارغ شد آیا نماز درست شده است یانه؟

یاد دهانی مقتدی برای امام چگونه است؟ سوال: (۱۶۴۷) (۲) اگر مقتدی برای امام واپس آمدن را برایش بیاد نمود و امام قبول کرد واپس شد و رفع الیدین کرد و دعای قنوت را خوانده سجده سهوه نمودن و نماز رابه انجام رساند آیا در نماز مقتدی فساد واقع نشده است؟

اگر امام بعد از اداء نمودن یک سجده، سجده دیگر فراموشی شود: سوال: (۱۶۴۸) (۳) امام بعد از اداء نمودن یک رکعت یک سجده را کرده و برای خواندن التحیات نشست بناء مقتدی بکدام طریق سجده بانی را برای امام یاد دهانی کند اگر مقتدی الله اکبر یا سبحان الله بگوید

(۱) الدرالمختار علی هامش رد المحتار باب الوتر ج ۱ ص ۶۲۸. ظہیر

(۲) وکلی مطلق فی الصلاة ان لم یقل ل الله لعل وسه راتبة وتر اوج الخ ولابد من العین عند التبه الخ للرض الخ وواجب انه وتر (ردمختار) اشار الی الله لا یطری فی الله واجب للاعتلاف فی لفظی ای لا یلزله تعین الوجوب ولیس المراد منعه من ان یطری وجوبه لانه لکان حتماً یطری ان یطری لیطابق اعتقاده الخ (رد المحتار باب شروط الصلوة ج ۱ ص ۳۸۹، ط. س. ج ۱ ص ۱۷۷). ظہیر

(۳) مع الهم صرحوا بان الفضل فی کل رکعة الفالحة وسورة فاتة (رد المحتار فصل فی القراءة ج ۱ ص ۵۰۵، ط. س. ج ۱ ص ۵۱۱). ظہیر

ممکن است امام قیام نماید؟

جواب: (۱) نماز صحیح شده است: فان عاد وقت ولم يعد الركوع لم تفسد صلاته وسجد للسهر^(۱) الخ، الدر المختار.

جواب: (۲) هیچ فسادِ نیامده است.^(۲)

جواب: (۳) مطلب یاد دهانی آنست که با گفتن سبحان الله و غیره برای آگاهی داده میشود که در نماز کدام زیادت و نقصان واقع شده است سپس از آن امام بر آن تفکر می نماید و برای خود بیاد می آورد که کدام عمل ترک شده است نه آنکه بعینه آن عمل برای او رهنمائی شود که از پیش وی فوت گردیده است فلہذا بخاطر تنبیہ گفتن سبحان الله کافی است و در آن اثنا اگر برایش بیاد شد فیہا و ر نہ بعد از ادای نماز با آوردن علم بر آن عمل ترک شده نماز اعاده گردد. فقط

و تیکہ دعای قنوت را یاد داشته باشد آیا دعای دیگر را خوانده میتواند یا نہ؟ سوال:

(۱۶۴۹) اگر دعای قنوت را یاد داشته باشد آیا دعای دیگر را مثلاً رَبَّنَا آتِنَا الخ را خوانده میتواند یا نہ؟

جواب: و تیکہ دعای قنوت بیادش باشد ربنا آتنا و غیره ادعیه را خوانده نمیتواند بلکه تنها دعای قنوت خواندن بکار است.

دعای قنوت از حدیث ثابت است یا نہ؟ سوال: (۱۶۵۰) آیا یک نفر میگوید که دعای قنوت از حدیث ثابت نیست و رسول اکرم ﷺ دروتر دعای قنوت را نخوانده است، آیا این درست است یا نہ؟

جواب: آن سخن این نفر غلط است و دعای قنوت مروجہ از حدیث ثابت است و در وتر خواندن دعای قنوت در احادیث مبارکہ وارد است.^(۳)

چہ وجہ است کہ قبل از دعای قنوت رفع الیٰدین میشود؟ سوال: (۱۶۵۱) و تیکہ در نماز وتر دعای قنوت را میگویند بناءً با گفتن تکبیر وجہ بلند نمودن دست ها چیست؟

(۱) الدوام المختار باب الزنوت والنوال ج ۱ ص ۶۲۷، ط. س. ج ۲ ص ۹، ظہر

(۲) بخلاف فتح علی امامہ لانه لا یفسد مطلقاً للفتح وأخذ بكل حال (الدوام المختار باب ما یفسد الصلوۃ الخ ج ۱ ص ۵۸۲، ظہر

(۳) وقت فیہ وسن المماء المشہور و یصلی علی النبی ﷺ بہ ینفی (دوامختار) ومنہ ما أخرجه الإربعة وحسنه الرمذی انه علیہ الصلوۃ والسلام کان یقول فی آخر وترہ اللهم آتی اعوذ برحاک الخ (رد المختار باب الزنوت ج ۱ ص ۶۲۳، ط. س. ج ۲ ص ۶، ظہر

جواب: در رکعت سوم وتر با گفتن تکبیر وجه رفع الیدین آنست که در مصنف ابی بکر ابن ابی شیبہ همانطور وارد است؟ باب تکبیر القنوت ورفع الیدین، حدثنا عبد السلام بن حرب عن لیث عن عبد الرحمن ابن الاسود عن ابیه ان عبد الرحمن بن مسعود رضی اللہ عنہ کان اذا فرغ من القراء کبر ثم قنت فاذا فرغ من القنوت کبر ثم رکع ومثله عن البراء حدثنا عبد الرحمن بن محمد المحاربی عن لیث عن الاسود عن ابیه عبدالله انه کان یرفع یدیه اذا قنت فی الوتر. مصنف ابی بکر بن شیبہ.

در وقت اداء وتر را لفظ واجب گفتن چگونه است؟ سوال: (۱۶۵۲) در وقت اداء نمودن نماز وتر، وتر واجب گفتن بکار است یا نه؟ حالانکه برخی از مولوی صاحبان از آن ممانعت می نمایند و میگویند که واجب گفتن بکار نیست؟

جواب: وتر واجب گفتن بکار است زیرا وتر بنزد امام اعظم صاحب واجب است فلہذا در وقت اداء نمودن وتر در گفتن واجب کدام حرج نیست و اگر گفته نشود باز هم وتر واجب اداء خواهد شد. ^(۱)

دردعای قنوت (ملحق) را بکسرۃ حاء خواندن: **سوال:** (۱۶۵۳) دردعای قنوت لفظ (ملحق) را بکسرۃ خواندن بهتر است یا بفتح؟

جواب: ملحق را بکسرۃ حاء خواندن اکثر و بهتر است و بفتحۃ حاء خواندن آن نیز درست است. ^(۲)

نبوت رفع الیدین قبل از دعای قنوت؟ سوال: (۱۶۵۴) رفع یدین قبل قنوت در رکعت ثالثہ وتر از کجا آمد و سببش چیست؟

جواب: از حدیث: لا ترفعوا الایدی الا فی سبع مواطن ^(۳) الخ، رفع یدین بوقت خواندن دعای

(۱) وکفی مطلق التیة لفعل وسنة زاتیة وترایح الخ ولابد من التین عند التیة الخ لغرض الخ واجب انه وتر (در مختار) اشار الی انه لا یری لیه الله واجب للاختلاف لیه، فیلی، ای لا یلزمه تعین الواجب ولیس المراد منه من ان یری وجوبه لانه ان کان حائلا ینبی ان یریه لیطابق اعتقاده وان کان غیره لا یضره لذلك، ذکره فی البحر فی باب الوتر (ردالمحتار). باب شروط الصلوة بحث التیة ج ۱ ص ۳۸۸ - ۳۸۹، ط. س. ج ۱ ص ۱۱۷. ظفر

(۲) وضح الملحق بالکسر بمعنى الحق، فملحق بمعنى لاحق (درالمختار) ای الله من الحق المزید بمعنى الحق المجرد فی الشرطیة ان المطبوری صح ان المراد ملحق الفساق بالکفار والاول اولی الخ (ردالمحتار باب الوتر الخ ج ۱ ص ۶۲۴، ط. س. ج ۲ ص ۷. ظفر

(۳) ولا یمن مؤكدا رفع یدیه الا فی سبع مواطن کما ورد بناء علی ان الصفا والمروة واحد نظرا للسنی. ثلاثا فی الصلاة تکبیر الفتح وکمرت وعبد (در المختار) والوارد هو قوله ﷺ لا ترفع الایدی الا فی سبع مواطن تکبیرة الا لفتح وکبیرة القنوت الخ (رد المحتار باب صلة الصلوة ج ۱ ص ۱۷۳، ط. س. ج ۱ ص ۵۰۷. ظفر

قنوت ثابت است و تحقیق آن در کتب فقه و حدیث مذکور است. ^(۱) لفظ

حکم آن کسی که بعد از وتر: سبحان الملک القدوس را و همچنان آن کسی که در وقت

رفتن به نماز عید قربان جهرا تکبیر نگوید: سوال: (۱۶۵۵) یک نفر بعد از وتر سه دفعه

سبحان الملک القدوس را جهرا نمیگوید، همچنان در حین رفتن به نماز عید اضحیٰ در راه

جهرا تکبیر نمیگزیند، آیا آنکس متبع سنت است یا نه؟

جواب: بعد از اداء نمودن وتر به آواز بلند سه مرتبه خواندن سبحان الملک القدوس، مستحب

است و در بعضی روایات در دفعه سوم بلند نمودن آواز آمده است بناءً از آن روایت خواندن

سبحان الملک القدوس در مرتبه سوم جهرا ثابت میشود، بهر حال همچو عمل کردن مستحب

و بهتر است و بر تارک آن طعن و نکوهش نمودن بکار نیست زیرا اگر کسی عمل مستحب را

نمیکند بر او هیچ طعن نیست البتہ تقاضای اتباع سنت آنست قسمیکه رسول اکرم ﷺ عمل

کرده اند همانطور باید کرد یعنی خواه هر سه باریکبار است. در آخر: سبحان الملک القدوس، را

بعد از وتر جهرا بگوید و همچنان در عید اضحیٰ در طریق عیدگاه به آواز بلند تکبیر گفتن

مشروع و مسنون است و ترک نمودن آن نیز خلاف سنت است. ^(۲) فقط

اگر دعای قنوت را یاد نداشته باشد چه بخواند؟ سوال: (۱۶۵۶) آن کسی که دعای قنوت

را یاد ندارد آیا او را بجای دعای قنوت خواندن سورۃ اخلاص جایز است یا نه؟ و آیا نماز درست

خواهد شد یا خیر؟

جواب: در شامی مذکور است: کسی که دعای قنوت را یاد نداشته باشد او این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِيهِ أَبُو الْلَيْثِ مِغْرَمَادٍ كَه: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي، را سه مرتبه

بگوید و بعضی علماء گفته اند که سه بار یا رب بگوید کذا فی الذخيرة. شامی ^(۳). و چونکه این

محل دعاء است فلهمذا سورت اخلاص قائم مقام دعای قنوت نخواهد شد اما نمازش درست

میشود.

(۱) ابضا. ظفر

(۲) وقال المهر به سنة كالاضحى المبحر جهرا الغلا في الطريق قبل وفي المصلى وعليه عمل الناس اليوم لا في البيت (الدر المختار على هامش رد المحتار باب المدين ج ۱ ص ۷۷۸ و ص ۷۸۴ ط. س. ج ۲ ص ۱۷۰). ظفر

(۳) ومن لا يحسن القنوت يقول ربنا آتنا في الدنيا حسنة الآية وقال ابو الليث يقول اللهم اغفر لي بركها ثلثا يقول بركها ثلثا ذكره في الذخيرة (رد المحتار باب الوتر والوالل ج ۱ ص ۶۲۴ ط. س. ج ۲ ص ۷). ظفر

تہجد گزار با فرائض وتر را اداء نموده میتواند یا نه؟ سوال: (۱۶۵۷) هر نمازخوان که تہجد گزار است آنان در وقت اداء نمودن تہجد وتر را نیز میخوانند اگر قبلاً در وقت عشاء وتر را اداء کند آیا در آن کدام حرج است یا نه؟ اکثر مردم میگویند که بعد از وتر تا به فجر هیچ نماز درست نمیشود؟

جواب: در امن صورت کدام حرج نیست که آن عده مردم که تہجد گزارند و بعد از نماز عشاء نماز وتر را نیز اداء کنند بلکه این احوط است سپس از آن اگر قیام ورزید تہجد را اداء کند و این سخن غلط است که بعد از وتر نوافل را نباید کرد. (۱)

برای دعای قنوت تکبیر و رفع یدین: سوال: (۱۶۵۸) رفع الیدین مع التکبیر عند القنوت سنت است یا نه؟

جواب: در شرح منیة علامہ حلبی در وقت قنوت در مورد تکبیر و رفع الیدین احادیث و آثار نقل فرموده است که از آنها سنت آن ثابت میگردد من شاء التفصیل فلیراجع إلیه (۲). فقط

بغیر از دعا برکوع رفت و بعد از یاد دهانی دعا را خواند و دوباره رکوع نمود این چه حکم دارد؟ سوال: (۱۶۵۹) امام در رکعت سوم وتر سهوا دعای قنوت را ترک نمود و برکوع رفت و با گفتن الله اکبر مقتدی امام قیام نمود و دعای قنوت را خوانده و دوباره رکوع کرد و در آخر نماز سجده سهو کرد آیا وتر درست شده است یا نه؟

جواب: در این صورت با کردن سجده سهو نماز درست شده است در الدر المختار مذکور است: فان عاد الیه وقت ولم يعد الركوع لم تفسد صلواته الخ وسجد للسهو (۳). فقط

جواز سه رکعات وتر با یک سلام و در رمضان مع الجماعة: سوال: (۱۶۶۰) زید میگوید

(۱) و تاخیر الوتر الی آخر اللیل لو اتى بالانابة والا فقبل النوم فان اتى وصلى نوافل والحال انه صلى الوتر اول اللیل فانه الافضل (درمختار) ای اذا قبل اول النوم لم استسقط یصلی ماکتب له ولا کراهة فیہ بل هو مندوب ولا یبعد الوتر الخ (ردالمحتار، کتاب الصلوة ج ۱ ص ۳۴۲، ط. س. ج ۱ ص ۳۹۹). ظفیر الدین غفر له

(۲) ثم اذا اراد القنوت کثر ورفع یدیه عندنا الخ قال احمد اذا قنت قبل الركوع کبر قال ابن لقمانه فی المعنی وقد روى ابن عمر انه کان اذا فرغ من القراءة کبر ولی الذخیره وبلغ یدیه حذاء اذنیه وهو مروی عن ابن مسعود وابن عمر وابن عباس وابی عبیده والحق وقد تقدم (غنیة المستملی ص ۳۹۷) در واجبات نماز مذکور است: وقرأة قنوت الوتر الخ وکذا تکبیر قنوته (درمختار) ای الوتر الخ وجزء الزیلعی بوسوب السجود بترکه وینبئ ترجیح عدم الوجوب لانه الاصل ولادلل علیه (ردالمحتار باب صفة الصلوة واجبات الصلوة ج ۱ ص ۴۳۷، ط. س. ج ۱ ص ۴۷۱). ظفیر

(۳) الدر المختار علی هامش ودر المختار باب الوتر والنوافل ج ۱ ص ۶۲۷. ظفیر

کہ بعد از نماز عشاء سه رکعت وتر را با یک سلام اداء نمودن هیچ چیزی نیست، رہا جماعت اداء کردن آن در شرع شریف هیچ اصل ندارد و ہر منکر و تارک وتر عند اللہ هیچ مؤاخذہ نیست؟

جواب: قول زید غلط و نا درست است زیرا اداء نمودن سه رکعت وتر با یک سلام با احادیث صحیح ثابت است و با جماعت اداء نمودن در رمضان المبارک مستحب و افضل است در شامی مذکور است: زجج الکمال الجماعة بانه ﷺ کان اوتوا بهم ثم بین العذر فی تاخره مثل ماصنع فی التراویح فالوتر کالتراویح فکما أن الجماعة فیها سنة فکذا لک الوتر (۱) الخ، بناء بینگرید در آن عبارت جقدر بوضاحت سنت بودن جماعت وتر را بابت فرموده است، فویل للمنکر. فقط هر شخصی که نماز عشاء را با جماعت اداء نکند آیا او امام نماز وتر شدہ میتواند؟

سوال: (۱۶۶۱) هر کسی کہ نماز فرض عشاء را با جماعت اداء نکرده باشد او با امام در وتر شریک شدہ میتواند یا نہ؟ روایات فقہی در مورد آن مسأله متعارض است در بعض عدم جواز مصرح است: وان وجدہم فی الوتر وهو لم یصل العشاء فصلی الوتر معهم لایجوز وتره فی قولہم قاضی خان ص ۱۱۳، لکنہ اذا لم یصل الفرض معه لا یتبعه فی الوتر کما فی المنیہ جامع الرموز ص ۹۷، لکن فی التتارخانیہ من التمتہ انه سئل علی بن احمد عن صلی الفرض والتراویح وحده او التراویح وحده او التراویح فقط هل یصلی الوتر مع الامام فقال لا ثم رایت القہستانی ذکر تصحیح ما ذکرہ المصنف رح، ثم قال لکنہ اذا لم یصل الفرض معه لا یتبعه فی الوتر، ردالمحتار، او بہ بعض روایات ترکی جواز لیکل سوی دی. واذا لم یصل الفرض مع الامام قبل لا یتبعه فی التراویح ولا فی الوتر وکذا اذا لم یصل معه التراویح لا یتبعه فی الوتر والصحیح انه یجوز ان یتبعه فی ذالک کلہ. صغیری شرح منیہ المصلی ص ۲۱۰. اکنون در یافت معلوم نمودن آن مطلب بکار است کہ عند الاحتماف کدام روایت راجح است وعلت ترجیح آن چیست و اگر در آن روایات تطبیق ممکن باشد ہسی بنا بر کدام طریقہ؟ و برای حصول ثراب جماعت ترجیح روایت جواز معلوم میشود و جماعت وتر تابع جماعت تراویح میباشد یا تابع جماعت عشاء، بناء بر شق اول ترک جماعت عشاء ظاہرا عدم اداء نمودن وتر با امام کدام وجہ وجہ ندارد و اما بنا بر شق ثانی خصوصیت رمضان لغو گردید، و در غیر رمضان نیز اداء نمودن وتر با جماعت بکار است.

جواب: صحیح وراجح روایت صغیری معلوم میشود واز تحقیق طحطاوی نیز همان ظاهر میشود، قوله بقی الخ قضیة التعلیل فی المسئلة السابقة بقولهم لانها تبع ان یصلی الوتر بجماعة فی هذه الصورة لانه لیس یتبع للتراویح ولا للعشاء عند الامام رحمه الله طحطاوی^(۱)، و شاید کہ روایت جواز مبنی بر مذهب صاحبین باشد کہ ایشان وتر را تابع نماز عشاء میفرمایند بخلاف قول امام اعظم (رح) کہ بنزد حضرت امام وتر تابع نماز عشاء نیست بناءً بر قول امام صاب جواز ظاهر است. فقط

در وتر برای مسبوق با امام خواندن دعا کافی است: سوال: (۱۶۶۲) در رمضان المبارک و قنیکه وتر با جماعت ادا میشود اگر کدام شخص در رکعت سوم وتر شامل شود آیا این شخص دعای قنوت را با امام بگوید یا در آن رکعت کہ از وی باقی مانده است در آن دعای قنوت را بخواند و کدام و قنیکه امام برای دعای قنوت رفع الیدین میکند آیا او در آن وقت دعای قنوت را بخواند و یا چیزی دیگر را بگوید؟

جواب: مسبوق تنها با امام دعای قنوت را بخواند وبعد از آن در آخر رکعت قضا شده دعای قنوت را نگوید: واما المسبوق فیقنت مع امامه، درمختار. (۲) فقط

وتر واجب است دلائل مخالف و موافق: سوال: (۱۶۶۳) وتر واجب است یا سنت؟

جواب: (از جای دیگر) وتر واجب نیست بلکه سنت میباشد چنانچه در ترمذی و نسائی شریف مذکور است: عن علی بن ابی طالب قال لیس الوتر بحتم المكتوبة ولكن سنة سننها رسول الله ﷺ رواه الترمذی و النسائی و حسنہ الحاكم. ودر سبل السلام شرح بلوغ المرام است: ذهب الجمهور الى انه ليس بواجب. ودر این ماجه مذکور است: ان الوتر ليس بحتم ولا كصلوتكم المكتوبة، در تفسیر خازن مذکور است: عن عائشة رضی اللہ عنہا ان النبي ﷺ قال ثلاث هن على فريضة وهن سنة لكم الوتر والسواك وقيام الليل. غرض آنست کہ از آن احادیث صحیح همان ثابت میشود کہ وتر واجب نیست و همین مذهب امام أبو یوسف و امام محمد رحمهما الله است کہ ایشان از جمله شاگردان بزرگ امام ابو حنیفہ به شمار میروند و همچنان مذهب اکثر سلف (رح) نیز همین است و بر خلاف آنها مذهب امام ابو حنیفہ قوی شده نمیتواند زیرا جائیکہ حدی

(۱) طحطاوی علی الدرالمختار باب الوتر والوائیل بحث التراویح ج ۱ ص ۲۹۷. ظہیر

(۲) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الوتر والوائیل قبل مطلب فی القنوت للآزلة ج ۱ ص ۶۲۸. ظہیر

صحیح باشد و بر خلاف آن بر یک مذهب عمل نمودن سراسر تخطی و محض تعصب است و اما جواب دهنده که بر حدیث عقبہ بن عامر استدلال وجوب نموده است قطعاً غلط است زیرا در آن حدیث ذکر وجوب نمیباشد و تنها از حدیث مذکور فضیلت ثابت میشود نه وجوب اگر از حدیث فضیلت وجوب ثابت شود پس در مورد سنت فجر آنحضرت ﷺ فرموده اند: رکعتا الفجر خیر من الدنيا وما فيها، رواه مسلم. فلہذا آن را نیز واجب گفتن بکار است حالانکہ هیچکس بر آن حکم واجب ننموده است بناءً واضح گردید کہ همچو احادیث تنها برای فضائل است نہ برای وجوب و ثابت نمودن وجوب با همچو احادیث دلالت می نماید بر قلت و ضعف فہم انسان و در ابوداؤد مذکور است: ان رجلاً من بنی کنانہ سمع رجلاً بالشام یدعی ابا محمد یقول ان الوتر واجب قال المخدمی خرجت الی عبادۃ بن الصامت فاخبرته فقال عبادۃ کذب أبو محمد سمعت رسول اللہ ﷺ یقول خمس صلوات کتبہن اللہ علی العباد. مختصراً. واین معنی از حدیث دوم معجب کہ: الوتر واجب علی کل مسلم، چنان نیست کہ وتر واجب است زیرا واجب بمعنی ثابت میباشد و حدیث دوم برای تأیید آن در باب الفصل المستون موجود است کہ میفرماید: غسل يوم الجمعة واجب علی کل محتلم. و هر جائیکہ واجب بمعنی واجب باشد پس حدیث غسل را نیز بمعنی خود حمل نمودن بکار است حالانکہ هیچ یک از شارحین حدیث معنی آن حدیث را بوجوب نکرده است بلکہ هر واحد ایشان معنی واجب نیست و بنزد سائر علماء مستون میباشد حتی کہ نزد احناف نیز سنت است و همچنان معنی حدیث الوتر واجب بمعنی ثابت گردید نہ واجب و فتنیکہ معنی واجب درست نشد پس از آن استدلال نمودن نیز غلط گردید و خود بخود مستون شدن وتر ثابت قسمیکہ در سبل السلام است: والایجاب قد یطلق علی المستون تأکیداً کما ذکر فی حدیث غسل الجمعة، و برای طالب حق آنقدر کافی است ورنہ دلایل زیاد است اگر تحریر شود حیثیت یک کتاب مستقل را خواهد گرفت و مفہی صاحب کہ کدام حدیث تنها در مورد معانعت یک وتر بیش نموده است آن حدیث بالکل ضعیف است و نہ در صحاح ستہ موجود است و احادیث ستہ کہ آنها صحیح و بنزد همه مسلم است مقابلہ آنها را کرده نمیتواند زیرا و فتنیکہ حدیث صحیح موجود باشد در آن وقت آن حدیث قابل استدلال میباشد چنانچہ در نسائی شریف مذکور است: عن ابن عمر ان النبی ﷺ قال الوتر رکعة من آخر الليل، و در ابوداؤد شریف مذکور است: عن ابن ایوب الانصاری قال قال رسول اللہ ﷺ الوتر حق علی کل مسلم

لمن احب ان یوتر لفلیقعل ومن احب ان یوتر بثلاث فلیقعل ومن احب ان یوتر بواحدة فلیقعل، از این حدیث فوق الذکر استنباط تردید مذهب آن عده مردم وانمود شد که آنها جز ما حکم سه رکعات وتر را میدهند میگویند و تئیکه رسول الله ﷺ اجازه هر نوع عام فرموده اند بناء تحدید در آنجا از کجا استخراج گردید و قطعاً شریعت مطهره عام را محدود نمودن چگونه نادانی است و تئیکه رسول اکرم ﷺ که ما متبعین آنجناب هستیم ایشان اجازه یک وتر سه وتر واداء نمودن پنج وتر رخصت مرحمت فرموده است بناء سخنان دیگران چگونه تسلیم کرده شود بلکه این رخصت را محدود نمودن محض تعصب و پابندی مذهبی است زیرا قسمیکه رسول مقبول ﷺ رخصت فرموده اند همانطور چرا فتوی داده نشود خواه کسی یک رکعت میکند خواه سه و یا پنج، و در این ماجه مذکور است: سأل ابن عمر رجلاً کیف اوتر قال اوتر بواحدة قال انی اخشی ان یقول الناس البتراء فقال سنة الله ورسوله یرید هذه سنة الله ورسوله، بنگرید در این حدیث بیان واضح و روشن است که آن اشخص سائل بر یک وتر کردن بر ابن عمر اعتراض نمود لیکن حضرت ابن عمر سخن آنکس را نپذیرفت بلکه چنان گفت که سخن تو صحیح نیست یک وتر کردن سنت آنحضرت ﷺ است پس ما چگونه گفته میتوانیم که از سه بیش و کم جائز نیست و در فتح الباری شرح بخاری است: وصح عن جماعة من الصحابة انهم اوتر بواحدة من غیر تقدم نفل قبلها و فی کتاب محمد بن نصیر و غیره باسناد صحیح عن السائب بن یزید ان عثمان قرأ القرآن ليلة فی رکعة لم یصل غیرها و فی المغازی ان سعداً اوتر برکعة و فی المناقب عن معاوية انه اوتر برکعة و ان ابن عباس استصوبه، از سایر این احادیث و اقوال نیز ثابت میشود که در آن هر نوع رخصت است و دیگر أدله بسیار زیاد است لیکن سبب عدم گنجایش در اینجا گنجانیده نمیشود و همانقدر کافی پندارید و فرمانبردار رسول مقبول ﷺ شوید بخاطر آنکه فرمانبرداری آنجناب ﷺ نجات است و مفتی صاحب که بخاطر ثبوت التحیات در میانه که کدام حدیث را پیش نموده است از آن هرگز ثبوت التحیات ممکن نیست زیرا در آن تنها آنقدر ذکر است که مانند نماز مغرب است و در آن هیچ ذکر از التحیات نیست و مماثلت تامه مراد نیست چنانچه یک نفر بگوید زید مانند اسد است اکنون از آن جمله این سخن ثابت نمیشود که زید واقعاً اسد (شیر) باشد بلکه تنها مراد آن است که شجاعت زید مانند اسد است و همانطور در آن حدیث نیز آن سخن ذکر است که وتر مانند نماز مغرب است یعنی در شمار رکعت مانند

نماز مغرب میباید اگر آن را مماثلت تامه می پندارید در آن صورت وتر نیز همچو نماز مغرب فرض عین باید پنداشته شود حالانکه وتر را هیچ کس قائل بفرض عین نیست پس از آن تحقیق معلوم شد که در اینجا مماثلت تامه مراد نیست و دیگر آنکه در آن ذکر است که نماز مغرب وتر روز است و این وتر شب میباشد و از آن نیز ثابت شد که مماثلت تنها در وتر بودن است و مماثلت کلی مراد نیست، اکنون مایان بفضل خداوند ﷻ احادیث صحیح را از صحاح ستہ وغیرہ پیش می نمایم که در آن الفاظ صریح است که در میان التحيات خواندن بکار نیست: عن ابي هريرة مرفوعاً وموقوفاً لا توتروا بثلاث تشبهوا بصلوة المغرب وقد صححه الحاكم، ونیز حدیث دوم از عائشة رض: انه كان رسول الله ﷺ يوتر بثلاث لا يقعد الا في آخرهن، وروی النسائي من حدیث ابي بن كعب نحوه: ولفظه يوتر بسبح اسم ربك الاعلى وقل يا ايها الكافرون وقل هو الله احد ولا يسلم الا في آخرهن، بناءً ألفاظ صریح این احادیث است که آنحضرت ﷺ در میان برای التحيات نشست نمی نمودند و حدیث که در آن احتمال باشد چگونه مقابله همچو حدیث را خواهد کرد اصلاً در حقیقت دو صورت اداء نمودن وتر است یکی آنکه ذکر شد که بغیر از التحيات در آخر سلام گردانیدن و صورت دوم آنست که دو رکعت بخواند و سلام بگرداند و یک رکعت علیحده اداء کند و این صورت بسیار بهتر است و این را اکثر مردم پسند نموده اند و مفتی صاحب که در بابت قنوت کدام تحریر را فرموده اند که بعد از رکوع قنوت خواندن مکروه است و پانزده روز متواتر آنحضرت ﷺ بر یک قوم لعنت فرموده بودند و در آن ذکر لفظ قبل وبعد نیست؟ معلوم نیست که جناب مولوی صاحب در وقت صادر نمودن فتوی صم و بکم بوده فتوی را تحریر نموده است زیرا در حدیث صریح لفظ بعد ذکر شده است و اما جناب مفتی نفی هر دو لفظ قبل وبعد را تحریر فرموده است. و حدیث متفق علیه تحریر است: عن ابي هريرة ان رسول الله ﷺ اذا اراد ان يدعو على احد او يدعو لاحد قنَتَ بعد الركوع، الحديث، در این ماجه مذکور است: عن محمد قال سالت انس بن مالك عن القنوت فقال قنَتَ رسول الله ﷺ بعد الركوع، عون المعبود، وقد روی محمد بن نصر عن انس ان رسول الله ﷺ كان يقنَت بعد الركعة وابوبكر وعمر حتى كان عثمان قنَت قبل الركعة قال المنذري وفي رواية قال هذا يقول في وتر القنوت، از این احادیث ثابت میشود که خواندن قنوت بعد از رکوع بکار است و آن را مکروه نوشتن ضدیث بلا دلیل است. و اگر کسی قبل از رکوع قنوت بخواند ما گفته میتوانیم که

این ناجائز است زیرا هر دو طرف احادیث موجود است و بخاطر آنکه بر احادیث طرفین عمل شده باشد احياناً قبل از رکوع خوانده شود و احياناً بعد از رکوع زیرا بر یک حدیث عمل نمودن و حدیث دیگر را ترک کردن و بر آن عمل نکردن یک امر ناپسند است شایان و مناسب همان است که بر هر دو عمل نماید بخاطر آنکه میان جانبین تعارض باقی نماند.

جواب: (از مولوی مشیت الله صاحب دیوبندی) قبل از همه آن سخن قابل ذکر معلوم میشود که در این جواب فوق الذکر بعد از غور و تنقیح سه جزء استخراج میگردد:

(۱) آنکه وتر سنت است و بروجوب وتر هیچ دلیل نیست و هر کسی که بحدیث عقبه بن عامر استدلال نموده است استدلال او بالکل غلط است زیرا در آن ذکر وجوب نمیباشد و بر: الوتر واجب علی کل مسلم نیز استدلال نمودن بروجوب وتر باطل است زیرا در آنجا وجوب بمعنی ثابت است نه وجوب بمعنی مصطلح و واجب بر این معنی بکثرت متداول السنه است: کما فی باب الغسل المسنون: غسل يوم الجمعة واجب. در اینجا بنزد جمهور واجب بمعنی ثابت است زیرا بر وجوب غسل يوم الجمعة هیچ کس قول نکرده است.

(۲) تحدید نمودن وتر در سه رکعت باطل است و بودن وتر یک رکعت نیز از نبی اکرم ﷺ ثابت است چنانچه در نسائی شریف مذکور است: عن ابن عمر رضی الله عنهما ان النبی ﷺ قال الوتر رکعة من آخر الليل. او په ابوداؤد کی دی: عن ابی ایوب الانصاری قال قال رسول الله ﷺ الوتر حق علی کل مسلم لمن احب ان یوتر بخمس فلیفعل ومن احب ان یوتر بثلاث فلیفعل ومن احب ان یوتر بواحدة فلیفعل. از این روایات تردید مذهب آنعده مردم وانمود میشود که ایشان جز ما وتر را سه رکعت می پندارند و برای آنها استدلال آوردن بکار است که تحدید وتر را در سه رکعات از کدام جای می نمایند و دیگر آنکه بر روایت عائشه (رض) أنه کان النبی ﷺ یوتر بثلاث لا یقعد الا فی آخرهن، قبول آنکه وتر سه رکعت است از آن نفی قاعده اولی میشود سپس از آن ثبوت التحیات در میان چگونه ممکن خواهد باشد؟

(۳) خواندن قنوت بعد از رکوع نیز از رسول الله ﷺ ثابت است بعد الركوع و قبل الركوع و بنابر هر دو طریقه خواندن قنوت بغیر از کراهیت جائز شدن بکار است و بعد از آن بعد از رکوع خواندن قنوت چگونه مکروه شده میتواند؟

این سه امور است که موجب صاحب (غیر مقلد) التزام آن را نموده است و تسلیت و دلبری کم

فهمی خود را برای خویشتن داده است و نوشته است که بر خلاف سائر آن روایات قوی شدن مذهب امام ابو حنیفه ممکن نیست زیرا جائیکه حدیث صحیح باشد و بر خلاف آن عمل نمودن کاملاً تخطی و محض تعصب است.

ان شاء الله برای تو معلوم خواهد شد که مذهب امام ابو حنیفه (رح) با مرویات صحیحہ چقدر زیاد قریب تر است و این کمال فراست امام ابو حنیفه (رح) و تفقه فی الدین اوست که ایشان روایات صحیح را چه که روایات ضعیفہ را نیز از دست نگذاشته است. امام صاحب موصوف بعد از تفکر و تعامل نظر کردن بقرائن از این روایات چنان محل پاکیزه و عمدہ را استخراج می نماید که بسبب آن بر سائر روایات اگر چه متعارض باشند آنها سهل العمل میباشد و غیر متعصب تخمین و اهمیت آن را درک نموده میتواند و در فکر و اندیشه متعصب و معاند آن سخن خطور و عروض کرده نمیتواند لیکن:

کرنیند بروز شیمه چشم شیر آفتاب را چه کلاه

و بخاطر ذکر نمودن آن سخن مقصود ما بر کسی طعن و تشنیع گفتن نیست و نه این طرز العمل ما است و نه ما چنان بیباک هستیم که در پرده تعصب و انمود و اشکار شویم و توهین هر امام را که بخواهیم او را توهین کنیم البته از نزد فتوی فوق الذکر خواسته شده انست فلہذا هر چیزیکه نزد ما حق است آن را بالترتیب نمبر وار بر سه حصہ تقسیم نموده پاسخ میدہیم، واللہ الموفق للصواب.

(۱) در مورد و تر اگر چه از امام ابو حنیفه رح یک روایت آنست که و تر سنت است لکن مانند صاحب نہایہ محققین مذهب اصح و راجح روایت وجوب را قرار گردانیدہ اند اکنون نظر آنست کہ تنها امام موصوف و تر را واجب قرار داده است و یا متباقي حضرات نیز قائل بوجوب و تر اند و خوش فہمی جناب مجیب صاحب است کہ او چنان پنداشت کہ امام ابو حنیفہ رح در این مسئلہ منفرد است کاش کہ از عبارت آتی شیخ بدر الدین عینی وقف می بودند: و حکى ابن حزم ان مالکاً قال من ترکہ اَدَب و کانت جرحۃ فی الشہادۃ الخ و فی المصنف عن مجاہد بسند صحیح

هو واجب ولم يكتب الخ وحكى ابن بطلال وجوبه عن اهل القرآن عن ابن مسعود وحذيفة وابراهيم النخعي وعن يوسف بن خالد السمتي شيخ الشافعي وجوبه وحكاه ابن ابى شيبه ايضا عن سعيد بن المسيب وابى عبيدة بن عبد الله ابن مسعود والضحاك ^(۱) إنتهى. بناءً واضح گردید کہ قابل بر وجوب وتر تنها امام أبوحنیفہ نیست بلکه در سلف نیز یک جماعت همجو امام ابو حنیفہ وتر را واجب میگویند حتی کہ رجحان خطر امام مالک رح همچنان معلوم میشود زیرا این قسم الفاظ زوردار در مورد ترک واجب گفته میشود. واز قول حافظ علیم الدین السخاوی معلوم میشود کہ قائل فرضیت وتر شده است: كما فی حاشیة بحر الرائق: واختار الشيخ علیم الدین السخاوی انه فرض وعمل فيه جزءاً وساقی الاحادیث الدالة على فرضيته ثم قال فلا ير تاب ذو فهم بعد هذا انها الحقت بالصلوات الخمس فی المحافظة. ^(۲) إنتهى، وتعجب آور نیست کہ رجحان امام بخاری نیز بطرف وجوب است كما أشار إليه الحافظ فی فتح الباری: افراده بالترجم عن ابواب التهجد والنطوع يقتضي أنه ملحق بها ثم قال الحافظ: ولو لا أنه أورد الحديث الذي فيه إيقاعه على الدابة إلا المكتوبة لكان إشارة إلى أنه يقول بوجوبه إنتهى.

حافظ میگوید کہ امام بخاری برای صلوٰۃ وتر و صلوٰۃ اللیل جدا جدا تراجم انعقاد کرده است واین تقضای آن را میکند کہ امام بخاری وتر را با صلاۃ اللیل لاحق نمی نماید لکن نظر بہ آنکہ امام بخاری در ابواب وتر آن حدیث را آورده است کہ در آن ذکر اداء نمودن صلاۃ وتر رسول اکرم است بر مرکب ایشان فلہذا فرمود کہ بیشک وشبہ چنان گفته شدہ است کہ امام بخاری قائل بوجوب وتر شدہ است اگر امام بخاری این قسم حدیث نمی آورد کہ از آن اداء نمودن وتر رسول اکرم ﷺ بر مرکب ایشان ثابت است پس من میگفتم کہ امام بخاری یقیناً قائل بوجوب وتر شدہ است. حافظ آنقدر سخن را نیز قبول دارد کہ آوردن امام بخاری برای صلوٰۃ وتر و صلوٰۃ اللیل تراجم علیحدہ وجداگانہ مقتضی آنست کہ امام بخاری نمیخواهد کہ ہر دو در یک مرتبہ قرار بدہد لکن وی قائل وجوب صلاۃ وتر شدہ است بناء بر آوردن آن روایت کہ امام بخاری آورده است کہ مثبت صلاۃ وتر آنحضرت ﷺ است بر دابہ است اکنون این نسبت بطرف ایشان شدہ نمیتواند. من میگویم با وجود آنکہ امام بخاری آن قسم حدیث را نیز آورده

(۱) عمدة القاری ابواب الروج ج ۲ ص ۴۱۲ . ظہیر

(۲) حاشیة بحر الرائق ج ۲ ص ۴۰ . ظہیر

است که اداء نمودن وتر رسول الله ﷺ بر دابه ثابت میشود. اما با آنهم این منافی آن مقصد امام بخاری نیست که آن را اشاره در آوردن تراجم علیحدہ و جداگانه ذکر نموده است زیرا شما اضاف تر آنقدر خواهد گفتی و تکیه امام بخاری قائل بوجوب وتر شد پس ایشان این حدیث آوردن بکار نبود که در آن ذکر اداء نمودن وتر در حالت سواری بر مرکب شده است زیرا چنان ممکن نیست که وتر واجب باشد و بر دابه در حالت سواری بر مرکب اداء شده باشد، سپس از آن من از شما می پرسم که دلیل آن را بیاورید که مسلک امام بخاری همان است که واجب خواه در حالت سفر باشد آن را بر دابه اداء نمودن جائز نیست و امام بخاری شان اجتهاد را دارد تعجب اور نیست که با قائل شدن وجوب وتر بر دابه اداء کردن آن را جائز بدارد و سخن بهتر آنست که گفته شود که امام بخاری با آوردن آن حدیث که در آن ذکر صلاة وتر رسول اکرم است بر دابه که آن را در حالت سواری بر مرکب اداء نموده اند در آن اشاره می نمایند بر آنکه اداء نمودن وتر بر مرکب منافی وجوب نیست زیرا این واقعه بطور حال لا عموم لها است، و تکیه از روایات معتبره ثابت است که عادت مبارکه رسول اکرم ﷺ طوری که وتر را بعد از پائین شدن از دابه بر سطح زمین اداء می نمودند کما فی الطحاوی که لا محال شاید که وتر در حالت بسیار خطیر و بنا بر عذر شدید بر دابه اداء شده و در حالت عذر واجب را بجا بگذار حتی که فرض نیز بردابه اداء نمودن متفق علیه است فلہذا در آن روایت اداء نمودن وتر منافی وجوب وتر نیست. واللہ اعلم

در قائلین سنت بودن وتر یک جماعت آنست که وتر در حق نبی اکرم ﷺ بطور خصوصیت آن را واجب می پندارند و سپس اداء نمودن وتر را که آنحضرت ﷺ بردابه اداء کرده آنها آن را مضر نپنداشتند الغرض بعد از نظر اندازی بر شان و عادت امام بخاری نیز معلوم میشود که امام بخاری (رح) نیز مانند امام ابو حنیفہ (رح) قائل پر وجوب وتر شده است.

و در مورد امام أبو حنیفہ (رح) بعضی معاندین و متعصبین میگویند که برای امام صاحب ذخیره روایات احادیث صحیحہ نرسیده بود و در مورد امام بخاری چه خواهد گفت زیرا ایشان امیر المؤمنین فی الحدیث است که ایشان همچنان قائل پر وجوب وتر شده است.

اکنون بعد آنقدر فهرست شمای برای مجیب مجتهد ما حق باقی نماند که او عبارت سبل السلام: ذهب الجمهور إلى أنه ليس بواجب، درپیش روی ما آن را تقدیم نموده و چنین ادعاء کند

که امام ابو حنیفہ رح در آن مسئلہ متفرّد است. اگر صاحب سبیل السلام واقعا اتفاق رای داشته باشد با مجیب صاحب ما پس آن عبارت ایشان بلا شک در مقام تحقیق قابل نظر انداز نمودن خواهد باشد، و اگر چنان نباشد بلکه مراد صاحب سبیل السلام از نفی وجوب نفی فرضیت باشد و مجیب صاحب ما بنابر الفاظ ظاهری در مغالطه واقع شده باشد باز هم در مقابل احناف آن عبارت هرگز قابل پیش کردن نیست و احناف چه وقت ادعای فرضیت را نموده اند؟ و دلائل وجوب وتر متعدد است در عمدة القاری شیخ بدر الدین عینی سائر آنها را بالاستیعاب بیان فرموده است و بخاطر تسلی و اطمینان خاطر شما در اینجا دو، چهار آن را طور مختصر نیز ذکر می نمایم: عن عبد الله بن عمر عن النبي ﷺ قال اجعلوا آخر صلوتكم بالليل وتراً. رواه (۱) مسلم. وعنه ان النبي ﷺ قال بادروا بالصبح بالوتر، رواه مسلم، (۲) وعن ابي سعيد الخدري ان النبي ﷺ قال اوتروا قبل ان تصبحوا. رواه الستة الا البخاري. (۳)

این سه روایت است که در آن تعلیم وتر بصیغۀ امر ذکر شده است اگر چه بنابر مذهب محققین امر برای وجوب نمیباشد لکن در اینجا امر برای وجوب حتما باید قبول نمود و بر آن موضوع از جمله قرائن متعدده از همه قرینه بزرگ و بهتر آنست که وتر در اصل نمازی است که در وقت نزول سورة مزمل فرض کرده شده بود و از روایت طبقات ابن سعد: إن شاء أيدكم الحديث، والله اعلم. قسما معلوم میشود که این نماز از سابق شفعاً شفعاً فرض بود و ایتار بعد از آن فرض کرده شده است: و ذكره الخطابي في معالمه. غرض آنکه شك نیست در این که این نماز در یک وقت یقیناً فرض بود اکنون نظر آنست که بعد از آن وجوب و لزوم این نماز منسوخ شده است یا تطویل قرائة پس با: فَافْرُقُوا مَا تَمَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ، تطویل قرائة منسوخ شده است و وجوب و لزوم آن همانطور باقی مانده و منسوخ نشده است و بر نسخ وجوب و لزوم هیچ دلیل صریح موجود نیست بلی احتمال نسخ فرضیت است لهذا با رعایت نمودن سائر وجوهای باز هم احناف ادعای فرضیت را نمیکنند بلکه مدعیان وجوب و لزوم میباشند حتی که از این تقریر من نیز آن سخن معلوم شد که سلسله وجوب وتر از آوان نزول سورة مزمل گرفته و تا به اکنون جریان دارد

(۱) مشکوٰۃ باب الوتر ص ۱۱۱. ظفر

(۲) ایضاً. ظفر

(۳) ایضاً. ظفر

و منسوخ نشده است، و چگونه کسی ادعای نسخ را خواهد کرد حالانکه هیچ حجت بر وجوب نسخ موجود نیست اگر شما در آن مورد حجت داشته باشد پس بسم الله کنید آن دلیل را برای ما پیش کنید بشرطیکه رعایت انصاف در آن باشد و اگر با تقدیم سائر آن روایات تسکین قلب شما نشده باشد و این نظر معنوی که امر برای وجوب است در فهم مجیب مجتهد ما نیاید پس دلایل دیگر را سمع نمائید: در أبو داود مذکور است: عن عبدالله بن بريدة عن ابيه قابل سمعت رسول الله ﷺ يقول الوتر حق فمن لم يوتر فليس منا، الوتر حق فمن لم يوتر فليس منا^(۱) قال العینی وهذا حديث صحيح وفيه ابو المنيب وثقه ابن معين وقال ابن ابي حاتم هو صالح الحديث وقال يحوّل^(۲). از این حدیث معلوم شد که رسول اکرم ﷺ وتر را مانند سنت نپنداشته اند بلکه در حق تارک آن وعید شدید را فرموده اند: اوما دون القرض او ما فوق السنن، رتبه آن را برای آن منظور مقرر نموده اند: وليس هذا إلا الوجوب، و امام أبو حنيفة رح این را واجب میگوید؟ و در ما بین واجب و فرض نزد امام ابو حنيفة رح فرق واضح است: کما ذکر فی البحر و ذکر حکایة فی البدائع هي أن يوسف بن خالد السمتي كان من أعيان فقهاء البصرة فسأل أبا حنيفة عنه فقال إنه واجب فقال له: كفرت يا أبا حنيفة رح ظنا أنه فريضة فقال أبو حنيفة (رح) عنه فقال له: كفرت يا أبا حنيفة ظنا أنه يقول أنه فريضة فقال له أبو حنيفة أيهلوني إكفاراً كإياي وأنا أعرف الفرق بين القرض والواجب كفسرق ما بين السماء والأرض ثم بين له الفرق بينهما فاعتذر إليه وجلس عنده للتعلم^(۳) اهـ.

و متباقی بحديث عمرو بن سعد وعقبه ابن عامر که ایشان روایت نموده است که إن الله زادكم صلاة وهي خير لكم من حمر النعم، الحديث. بناء بر حدیث فوق الذکر نیز استدلال بر وجوب نموده است و طریق استدلال آنست که در این روایات نسبت مشروعیت وتر بطرف الله شده است و دیگر آنکه زیادت از جنس مزید علیه بکار است و ظاهر است که واجب از جنس فرائض است فلهمذا با روایات مذکوره بطرف وجوب اشاره پنداشته شده است چنانچه تعین و تحدید اوقات نیز در آن روایت دلالت می نماید بر آنکه وتر واجب است و با رسیدن تا به اینجا شاید

(۱) مشکوة باب الوتر فصل ثانی ص ۱۱۳ . ظفر

(۲) عمدة القاری ابواب الوتر ج ۳ ص ۴۱۲ . ظفر

(۳) البحر الرائق باب الوتر والوافل ج ۲ ص ۳۸ . ظفر

در ذن کسی بار بار چنان خطور کند و چنان فکر برایش پیدا شود که اگر از این روایات وجوب ثابت میشود پس شایان است که سنت فجر را نیز واجب گفته شود زیرا در ارتباط سنت فجر نیز به همان الفاظ همین قسم روایات مروی است حالانکه قائل بوجود آن هیچ کس نیست و بیشک اگر در مرتبه شبه یک سخن جاندار باشد پس آن سخن اینست لکن با وجود آن همه برای وسعت نظر امام ابو حنیفه بنگرید و قتیکه امام موصوف مشاهده نمود که مورد وتر و سنت فجر نسبت به سائر سنن و نوافل اگر چه الفاظ تشدید و زوردار استعمال شده است لکن با وجود آنهم در تعامل او اهتمام وتر از سنت فجر زیاد تر شده است و در صحابه کرام رض از هیچ کس در سفر و حضر احیاناً نیز ترک وتر ثابت نیست و دیگر آنکه از رسول اکرم ﷺ با وجود مواظبت ثبوت ترک واجب مشکل است. و در کدام درجه که آنجناب ﷺ در مورد تارک وتر وعید شدید فرموده اند آنقدر تشدید در تارک سنت فجر نه فرموده اند، بنابر این امام الائمه در میان هر دو چنان فرق را فرمود که وتر را واجب و سنت فجر را مؤکد قرار دادند.

و دلایل وجوب وتر دیگر نیز بسیار است لکن الان با اکتفاء نمودن به آنقدر دلایل در خدمت مجیب صاحب با اظهار ادب عرض می نمایم که جناب: بیشک ما قبول داریم که با حدیث: الوتر واجب علی کل مسلم استدلال بر وجوب ممکن نیست بخاطر آنکه بنابر قول شما واجب در اینجا بمعنی ثابت است و وجوب مصطلح مراد نیست و این اصطلاح امر مستحدث است در حدیث چگونه میشود با آنهم این همه صحیح لکن جناب این را بفرمائید که حدیث: لیس الوتر بحتم کهبینه المکتوبه و لکن سنة سننها رسول الله ﷺ، رواه الترمذی، بنفی وجوب و سنت وتر چگونه استدلال قائم خواهد شد و در اینجا شما چگونه معلوم نمودید که مراد از سنت مخصوص اصطلاح مراد است که مغایر واجب و ما تحت آن در مرتبه است و در اینجا چرا نمیگوئید که مراد از سنت طریقه مرضیه است که شامل واجب و سنت میباشد چنانچه سیاق و سباق روایت نیز تالید آن را می نمایند و در آن نفی واجب است که مانند فرض میباشد و نفی واجب مطلق نیست بناء باید برای ما وانمود شود که از کدام لفظ آن نفی وجوب میشود؟ و ما آن سخن را نیز قبول داریم که در حدیث نفی فرضیت وتر شده است لکن آن سخن که مراد از سنت خاص سنت اصطلاح است که شامل واجب نیست و از حدیث نفی وجوب میشود این چگونه و بنابر کدام قانون شما آن را معلوم نمودید؟ معلوم میشود که برای مجیب مجتهد ما از قاعده مقررۀ خویش در حدیث الفاظ

اصطلاحی را مراد گفتن باطل است این اصطلاح امر مستحدث است و تا به اینجا رسیدن حتماً تغافل شده است فلهمذا مصداق این کلمات گردید: حفظت شیئاً و غابت عنک اشیاء، و اگر مجیب صاحب ما چنین میفرماید که در حدیث بودن الفاظ اصطلاحی ضروری نیست لکن در اینجا از سیاق و سباق روایت چنان معلوم میشود که مراد از سنیت سنت اصطلاحی است عام نیست که شامل واجب باشد بناء جناب عالی نخست این از سیاق و سباق استنباط نمیشود بلکه بر عکس چنین معلوم میشود که نفی وجوب اصطلاحی مقصود نیست و اگر همچنان واقعیت باشد قسمیکه شما فرمودید پس من نیز میگویم که در حدیث: الوتر واجب، مراد وجوب اصطلاحی است و در اینجا مراد از واجب مسنون نیست قبول دارم که الایجاب قد یطلق علی المسنون تاکیداً، لکن ضروری نیست که در اینجا نیز مراد از واجب مسنون باشد دلیل آن را پیش نماند و نه من میگویم که اگر سیاق و سباق شما همانطور است پس در اینجا همچنان بنادارید که حدیث: من لم یوتر فلیس منا، رواه أحمد. مقتضی آنست که در حدیث: الوتر واجب. مراد از واجب مسنون نیست بلکه مراد همان است که بر آن امام أبو حنیفه (رح) قائل شده است زیرا عرفاً وجوب بمعنی لزوم مستعمل میشود و دیگر آنکه وعید شدید که در روایت امام محمد مذکور است تنها محمول بر ترک واجب ممکن است که باشد.

غرض آنکه این حدیث و تر به هیچ وجه پیش کردن لائق و مناسب نیست، باقی ماند روایت ابن ماجه و خازن پس برای ما تعجب آور است که شما در استدلال خویش روایات ضعیفه را چرا پیش نمودید زیرا روایت خازن ساقط الاسناد است و روایت ابن ماجه بطور صحیح چنین است: إن الوتر لیس بحتم کصلواتکم المکتوبه^(۱) و هیچگونه این روایت معارض احناف شده نمیتواند زیرا احناف چنین وجوب را انکار می نمایند که مانند فرضیت باشد و نیز آن روایت ابو داود که عبارت است از: ان رجلاً من بنی کثانة سمع رجلاً بالشام یدعی ابا محمد المخدجی یقول ان الوتر واجب قال المخدجی فرحت الی عبادۃ بن الصامت فاخبرته فقال عبادۃ کذب ابو محمد سمعت رسول الله ﷺ یقول خمس صلوة کتبهن الله علی العباد. انتهى مختصراً.^(۲) در این حدیث

(۱) این حدیث در ترمذی با همین الفاظ از حضرت علی (رض) مروی است مطالعه فرمائید ترمذی باب ما جاء ان الوتر لیس بحتم: ج ۱ ص ۶۰ لکن در ابن ماجه با الفاظ ذکر است که آن را أولاً موجب نقل نموده است مطالعه کنید این ماجه باب ما جاء فی الوتر ص ۸۳ ظفر

(۲) ابوداؤد باب من لم یوتر ج ۱ ص ۲۰۱ . ظفر

عبادة (رض) نفی فرضیت را کرده ونفی وجوب اصطلاحی را ننموده است در عصر صحابه کرام رض اطلاق واجب بر فرض کرده میشد، وهمین وجه ودلیل است که یوسف بن خالد سمتی امام ابو حنیفة رح را محض بواجب گفتن کافر گفت اما وقتیکه امام ابو حنیفة حقیقت واجب را برایش منکشف فرمود ودرمیان واجب وفرض برایش فرق را بیان وتوضیح نمود وار را رهنمائی نمود فوراً ایشان معذرت خواسته وبفرض تعلیم برایش نشست، درست همانطور عبادة رض نیز با واجب گفتن ابو محمد چنان پنداشت که ابو محمد قائل بفرضیت وتر شده است فلہذا با استماع نمودن آن فرمود کہ ابو محمد دروغ گفته است من از رسول اکرم ﷺ شنیده ام کہ جملہ پنج نماز فرض است کہ اللہ پاک آنها را بر بندہ گان خود فرض نموده است (ششم هیچ یک فرض نیست) این بود اصل حقیقت ومجبب صاحب مابا خوش فہمی خود چنان فہمیدہ کہ عبادة رض نفی وجوب اصطلاحی را میفرماید وجزء ثانی را نظر نکرده است کہ از آن نفی واجب بمعنی فرض مقصود است ونفی مطلق واجب مقصود نیست.

از این روایت وهمچنان از روایت کہ از حضرت ابن عمر پرسیدہ شد کہ آین وتر واجب است؟ ایشان فرمودند کہ: أوتر النبی ﷺ والمسلمون ^(۱). آنجناب واضح نہ فرمود کہ واجب است یا واجب نیست از این معلوم میشود کہ در دل صحابہ کرام این سخن راسخ بودہ کہ وتر اگر چہ فرض نیست لکن سنت همچنان نیست زیرا کہ بہ سنت درآن تاکید مزید می آید وهمان دلیل است کہ ابن عمر در جواب أوتر النبی ﷺ والمسلمون فرمودند وچنان نفرمودند کہ مسنون است واز مسنون گفتن خود داری نمود وامام ابو حنیفة بر منشأ آن فہمیدہ وقائل بر وجوب شدہ نہ وتر را مسنون قرار داد ونہ آن را فرض گردانید وذلک فضلاء اللہ یؤتیه من یشاء واللہ ذو الفضل العظیم ^(۲).

(۲) در این جزء احناف رادر مسائل است: (۱) وتر سه رکعت است یک رکعت وتر ہرگز شدہ نمیتواند.

(۳) واین سه رکعت وتر مشتمل بدو قعدہ ویک سلام میباشد وبا یک سلام ویک قعدہ نمیشد این دو مسائل است کہ مجیب مجتہد با الزام داشتن براحناف انکار می نماید حالانکہ اقرب إلی

(۱) مشکاة باب الوتر ص ۱۱۳، الفاظ بی دای: أوتر رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم وأوتر المسلمون. ظہیر

(۲) مشکاة باب الوتر ص ۱۱۳، الفاظ بی دای: أوتر رسول اللہ ﷺ وأوتر المسلمون. ظہیر

الروایات بلا شک مذهب احناف است و در آن شک نیست که بعضی روایات قسماً است که بر آن روایات بنابر بادی النظر یک رکعت بودن و تر نیز ثابت است چنانچه در یک روایت ابن عمر است أن النبي ﷺ قال: الوتر ركعة من آخر الليل رواه النسائي^(۱). و همچنان روایت ابو ایوب أنصاری است: الوتر حق على كل مسلم فمن احب ان يوتر بخمس فليفعل ومن احب ان يوتر بثلاث فليفعل ومن احب ان يوتر بواحدة فليفعل^(۲)، و روایت ابن ماجه: سئل ابن عمر رجل فقال كيف اوتر بواحدة قال اني اخشى ان يقول الناس البتراء فقال سنة الله ورسوله يريد هذه سنة الله ورسوله^(۳)، این سه روایات است که مجیب صاحب بر یک بودن و تر استدلال کرده است و ادعا نموده است که و تر یک رکعت نیز شده میتواند حالانکه در آن روایات روایت ابو ایوب أنصاری موقوف است کما صرح به الحافظ في التلخيص و صحح أبو حاتم و الزیلعی و الدارقطنی فی العلل و البیهقی و غیر واحد و هو الصواب، غرض آنکه رفع این حدیث معلول است و موقوف بودن آن صواب میباشد، باقی مانند روایت ابن ماجه و نسائی که مطلب ایشان هرگز چنان نیست که یک رکعت بغیر از تقدیم شفعه و تر باشد بلکه مطلب آنست که اگر کسی صلاة اللیل و تهجد اداء می نماید پس در حق او و تر رکعت آخری است زیرا با انضمام نمودن یک رکعت شفعه آخرین او و تر میگردد و چنان نشد که و تر تنها یک رکعت شد چنانچه تائید آن مقصد از روایت دیگر ابن عمر (رض) میشود که در بخاری مذکور است: قال النبي ﷺ فإذا اخشي احدكم الصبح صلى ركعة واحدة توتر له ما قد صلى. انتهى مختصراً^(۴) و مذهب خود حضرت عبد الله ابن عمر همچنان نبود که تنها یک رکعت و تر باشد بلکه بنزد ایشان سه رکعت مفصلاً جائز بود که مشتمل بر دو قعده و دو سلام بود قسمیکه طحاوی از ابن عمر نقل نموده است که ایشان سه رکعت و تر اداء می نمودند این بود حال روایات متذکره و باقی روایات صحیحہ دیگر بکثرت موجود است که از آن تنها سه رکعت بودن و تر ثابت میشود: و فی الطحاوی روایات کثیرة تدل علی ان اجماع المسلمين علی ان الوتر ثلث، و از ترویج زمانه حضرت عمر رض نیز همین ثابت میشود و بخاطر اطمینان شما روایات را میخواهم ذکر نمایم که

(۱) مشکوٰۃ عن مسلم باب الوتر ص ۱۶۱ . ظفر

(۲) مشکوٰۃ باب الوتر فصل ثانی ص ۱۶۲ . ظفر

(۳) ابن ماجه باب ما جاء فی الوتر برکعة ص ۸۳ . ظفر

(۴) مشکوٰۃ باب الوتر فصل اول ص ۱۶۱ . ظفر

از آن روایات بالتصریح سه رکعت بودن وتر معلوم میگردد، درصحیح بخاری مذکور است: عن ابی سلمة عن عبد الرحمن انه مثل عائشه كيف كانت صلوة رسول الله ﷺ فی رمضان فقالت ما كان رسول الله ﷺ فی رمضان وغيره علی احدى عشرة رکعة یصلی اربعاً فلا تسئل عن حسنهن وطولهن ثم یصلی اربعاً فلا تسئل عن حسنهن وطولهن ثم یصلی ثلاثاً قالت عائشه یارسول الله اتنام قبل ان توتر فقال یا عائشه ان عینی تنامان ولا ینام قلبی، ^(۱) ودرصحیح مسلم مذکور است: عن ابن عباس ؓ انه رقد عند رسول الله ﷺ فاستقیظ وتسوک وتوضا وهو یقول: ان فی خلق السموت والارض واختلاف اللیل وانهار لآیات لا ولی الا للباب، فقرأ هؤلاء الآیات حتی ختم السورة ثم قام فصلی رکعتین فاطال فیها القیام والركوع والسجود ثم انصرف فنام حتی نفخ ثم فعل ذلك ثلث مرات ست رکعات کل ذلك یستاک ویقرأ هؤلاء الآیات ثم أوتر بثلاث، ^(۲) وعلاوه از ابو داود درساتر کتاب های سنن مذکور است: عن سعید بن جبیر عن ابن عباس ان رسول الله ﷺ کان یوتر بسم الله ربک الاعلی وقل یا ایها الکفرون وقل هو الله احد. اسناده حسن ^(۳)، وعلاوه از ترمذی در متیاقی ساتر کتاب های سنن مذکور است: وعن ابی بن کعب قال کان رسول الله ﷺ یوتر بسم الله ربک الاعلی وقل یا ایها الکفرون وقل هو الله احد. اسناده صحیح ^(۴)، وعن عبدالرحمن بن أبی بنی انه صلی مع النبی صلی الله ﷺ الوتر فقرأ فی الاولی بسبح ربک الاعلی وفی الثانیة قل یا ایها الکفرون وفی الثالثة قل هو الله احد فلما فرغ قال سبحان الملك القدوس ثلثاً یمد صوته بالثالثة رواه الطحاوی واحمد والنسائی واسناده ^(۵) حسن کما صرح به الحافظ فی التلخیص. علاوه از روایات فوق الذکر دیگر روایات بکثرت موجود است که آنها را بنابر خوف تطویل ترک می نمایم و اگر ضرورت احساس شد إنشاء الله آنها را در خدمت شما ذکر خواهیم نمود. پس از آن من از شما میپرسم که برخلاف آن روایات صحیح روایت ابن ماجه وروایت ابو ایوب انصاری (رض) که در اصل فتوی ایشان معلوم میشود روایت مرفوع نیست و آن را معمول بها ساختن و جزما چنان گفتن که وتر یک رکعت نیز است. آیا این

(۱) بخاری باب قیام النبی ﷺ باللیل ج ۱ ص ۱۵۴ . ظفر

(۲) مشکوٰۃ باب صلوة اللیل ص ۱۰۶ . ظفر

(۳) عمدة القاری. ابواب الوتر ج ۳ ص ۴۰۵ . ظفر

(۴) عمدة القاری ابواب الوتر . ج ۳ ص ۴۰۵ . ظفر

(۵) نسائی شریف کیف الوتر بثلاث ج ۱ ص ۲۴۸ ونصب الرایه ج ۲ ص ۱۱۹ . ظفر

تعجب آور نیست؟ که روایت صحیحہ ترک گردد و بنا بر یک روایت موقوفہ کہ در حقیقت آن روایت فتویٰ ابو ایوب انصاری است آیا کدام شخص جری و ناعاقبت اندیش همچو گفته میتواند کہ یک رکعت نیز وتر است بناءً هیچ مجتہد هیچگاہ همچو قول کردہ نمیتواند، الحاصل: در سہ رکعت بودن وتر وعدم یک رکعت بودن وتر هیچ شک نیست اگر گنجایش باشد شاید در آن مورد باشد کہ این سہ رکعت وتر بدو قعدہ ردو سلام میباشد و یا تنها بہ یک سلام و ی قعدہ است احتناف علاوہ از آن ہر دو صورت ہا یک صورت سوم را اختیار می نمایند و ایشان حکم می نمایند بہ اداء نمودن وتر بہ دو (۲) قعدہ و یک سلام و آن را محض بنا بر تعصب نمیکنند بکلہ نزد احتناف در آن مورد دلایل موجود است. در صحیح مسلم ص ۲۵۶ مذکور است: ولفظہ مختصراً: ویصلی تسع رکعات لا یجلس فیہا إلا فی الثانیۃ فیکبر اللہ ویحمدہ ویدعوه ثم ینہض ولا یسلم ثم یقوم التاسعۃ ثم یقعد فیکبر اللہ ویحمدہ ویدعوه ثم یسلم تسلیماً یسمعنہ، الحدیث.

شیخ بدر الدین میفرماید: اگر چہ از آن روایت چنان ایہام میشود کہ نہ (۹) رکعت بہ دو (۲) قعدہ و یک سلام شدہ است و در اولین ہفت رکعت آنتخاب بانتخاب قعدہ نکرده اند لکن در حقیقت سخن چنین نیست. حضرت عائشہ صدیقہ (رض) در مورد قعدہ صلاۃ اللیل ذکر فرمودہ است بلکہ با فرمودن قعدہ اولی و انجام شدن سہ رکعت بہ دو قعدہ و یک سلام ثبوت می دہد و بہ آنقدر فرمودن شیخ بدر الدین ساکت شد و ثبوت آن را نداد کہ فی الواقع ہمین مطلب حضرت عائشہ است کہ نبی اکرم صلی اللہ علیہ وسلم در رکعت سوم کہ باعتبار مجموعہ رکعات ہشتم بشمار میرود قعدہ نمودند و تا هنوز نگردانیدہ بودند کہ قیام نمودند و رکعت سوم را ہمراش پیوست و بعد از قعدہ آخرین سلام گردانیدند و دلیل آن در نسائی است و همان روایت را نسائی متا و سنداً آورده است: حدثنا سعید عن قتادۃ عن زرارۃ بن اوفی عن سعد بن ہشام ان عائشۃ رضی اللہ عنہا حدثتہ ان رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم کان لا یسلم فی رکعتی الوتر ^(۱)، پس معلوم شد کہ مطمح نظر حضرت عائشہ (رض) آنست کہ رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم در وقت اداء نمودن وتر دو قعدہ می فرمودند و بعد از تکمیل نمودن رکعت سوم سلام می گردانید و این حدیث صحیح الاسناد و برای احتناف حجت است لکن حافظ محمد الدین ابو البرکات ابن تیمیہ (رح) در منتقی بعد از نقل نمودن ہمین روایت نوشته است کہ امام احمد (رح) تضعیف آن روایت را فرمودہ است حالانکہ از تحقیق

معلوم شده که آن روایت بنا بر دواستاد مروی است امام موصوف که بکدام سند درمسند أحمد آورده است بلا شک آن سند ضعیف میباشد و امام أحمد تضعیف حدیث را نکرده است بلکه تضعیف سند آن را نموده است زیرا درتخریج زیلعی درموقع جهر بالتسمیه از خود حضرت امام احمد (رح) جواز وصل رکعت های وتر مروی است پس لامحالة امام احمد (رح) تضعیف طریق مسند احمد را کرده است بخاطر آنکه در آن یزید بن یعفر است وهو ضعیف.

غرض آنکه در روایت نسائی شریف هیچ کلام نیست بلکه آن روایت صحیح الاسناد است در مستدرک حاکم یک روایت است که ألفاظش آنست: عن عائشة (رض) أن النبی ﷺ یوتر بثلاث لا یقعد إلا فی آخرهن^(۱). حافظ وتقلیداً مجیب صاحب ما با این روایت نفی قعده اولی را کرده است حالانکه حافظ جمال الدین زیلعی در تخریج تصریح بر آن نموده است که در مستدرک حاکم آن روایت براین ألفاظ وارد است: یوتر بثلاث لا یسلم إلا فی آخرهن^(۲). وزیلعی درنقل خود ثقه است ودر نسخه مستدرک حاکم این ألفاظ حتما شاید باشد وروایت مسند أحمد ضعیف سہو لکن ألفاظ آن همچنان نیست: یوتر بثلاث لا یفصل بینهن. ودر نسائی مذکور است: عن أبي بن كعب نحوه ولفظه یوتر (بِسْمِ رَبِّكَ الْأَعْلَى) و (قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ) و (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ) ولا یسلم إلا فی آخرهن^(۳) از مطالعه و نظر اندازی نمودن آن روایات معلوم میشود که مطلب روایت حضرت عائشة (رض) ان النبی ﷺ یوتر بثلاث لا یقعد إلا فی آخرهن^(۴) آنست که نبی اکرم ﷺ وتر را سه رکعت اداء می نمودند وچنان قعده می کردند که در آخر آن سلام گردانیده میشد. اکنون شما در نظر انصاف بگوئید که از آن روایت نفی قعده اولی چگونه استخراج شد وعلاوه از آن روایت یک روایت دیگر است کما فی الطحاوی ص ۱۷۲: عن أبي هريرة (رض) عن رسول الله ﷺ لا توتروا بثلاث وتوتروا بخمس أو بسبع أو بتسع ولا تشبهوا بصلوة المغرب. حافظ از این روایت بر نفی قعده اولی استدلال می نماید که حاصل آن اینست که سه رکعت وتر راچنان اداء نمودن که مشابہت آن با نماز مغرب باشد مثلاً از اداء نمودن وتر با دو قعده ویک سلام ممانعت شده است وبا یک قعده ویک سلام آن

(۱) عمدة القاری ابواب الوتر ج ۳ ص ۴۰۴ . ظہیر

(۲) ایضاً. ظہیر

(۳) عمدة القاری ابواب الوتر ج ۳ ص ۴۰۴ . ظہیر

(۴) عمدة القاری ابواب الوتر ج ۳ ص ۴۰۵ . ظہیر

مشابہت باقی نیمباند وبخاطر آن منظور از حدیث نفی قعدہ اولی وثبوت قعدہ اولی چرا اینگونه استدلال اوهن من بیت العنکبوت صورت گرفت و برای جملہ دومی حدیث چرا نظر نکرد کہ از آن بالتصریح معلوم میشود کہ تنها سہ رکعت تہجد مکید کہ با نماز شام مشابہت شود بلکہ پنج یا ہفت یا نو (۹) رکعت ادا کنید ویاوتر شفعہ را قبل از آن یکجا نمایند بخاطر آنکہ با نماز مغرب مشابہت باقی نماند. درترمذی شریف مذکور است: عن ثابت البنانی قال قال انس یا ابا محمد خذ عنی فانی اخذت ہذا عن رسول اللہ ﷺ واخذ رسول اللہ ﷺ عن ربہ، ولن تأخذ عن أحد أوثق منی، قال ثم صلی بی العشاء ثم صلی ست رکعات یسلم بین الرکعتین ثم أوتر بثلاث یسلم فی آخرهن. رواہ الترمذی سنداً وترک متنہ وھذا المتن بعینہ بهذا اللفظ فی کنز العمال ص ۱۹۶ جلد رابع فی الافعال لا فی الاقوال، واحال علی الرویانی وابن عساکر وقال رجالہ ثقات. این روایت همچنان حجت برای احناف است واز آن صرحہ معلوم میشود کہ وتر سہ رکعت است وآن را بدو قعدہ ویک سلام اداء باید نمود وروایات مرجوحہ دیگر نیز بسیار موجود است کہ از آن سہ رکعت وتر بدو قعدہ ویک سلام اداء کردن فہمیدہ ومعلوم میشود واکون دراینجا بر این قدر دلایل اکتفاء می نمایم وھمچنان در آثار نیز بکثرت چنان روایات است کہ از آن اداء نمودن وتر بدو قعدہ ویک سلام معلوم میشود.

بناء بنزد احناف (رح) بنا بر روایات فوق الذکر طریقہ ثانیہ راجح است واما بودن وتر یک رکعت علاوہ از سعد بن ابی وقاص رضی و معاویہ بن ابی سفیان رضی وذا النورین رضی دیگر ازھیچ یک صحابی ثابت نیست بناء اگر حافظ آن را جماعت قرار میدہد بس این فرمودہ حافظ کہ: وصح عن جماعة من الصحابة أنهم أوتروا بواحدة من غير تقدم نفل قبلها فرمودہ است درست میباشد زیرا اطلاق جماعت بر سہ شدہ میتواند لکن این برای احناف مضر نیست زیرا احناف کہ قائل کدام سخن هستند درتائید آن از جم غفیر صحابہ کرام رضی آثار مروی است. در مصنف ابن ابی شیبہ مذکور است: حدثنا حفص بن عمرو عن الحسن أنه قال أجمع المسلمون علی ان الوتر ثلثة لا سلم إلا فی آخرهن، وفيہ عمرو بن عبیدہ وهو معتزلی^(۱). درعینی مذکور است: ولعن قال یوتر بثلت لا یفصل بینهن عمر وعلی وابن مسعود وحذیفہ وأبی بن کعب وابن عباس وانس وابومامہ وعمر بن عبدالعزیز والفقهاء السبعة واهل الکوفہ، وقال الترمذی ذهب جماعة من

الصحابۃ وغیرہم الیہ. آہ، و تیکہ با تصریح امام ترمذی یک عدد^(۱) بزرگ صحابہ کرام موافق احناف معلوم میشوند پس اکنون بتصریح حافظ مجیب صاحب ما را خوشنود شدن بکار نیست حافظ کسی را جماعت تلقی می نماید که از آن ده (۱۰) چند تعداد صحابہ کرام رضی بطرف احناف موافق اند و تعجب آور آنست که اجلہ صحابہ کرام رضی موافق احناف اند: قیل للحسن ان عمر کان یسلم فی الركعتین من الوتر فقال کان عمر أقره منه وکان ینھض فی الثانیۃ بالتکبیر^(۲). وبعد از نگہداشت آن اشیاء آنکس را تنہا متعصب گفتم میشود کہ خلاف روایات مذهب حنفیہ باشد و غیر متعصب فہیم و دانشور ہیچگاہ چنان گفتم نمیتواند بلکہ ہر قدریکہ تحقیق و تفتیش کردہ شود در نتیجہ مذهب امام ابو حنیفہ أقرب إلى الروایات معلوم میشود.

(۳) آن جزء مجمل نگہداشتہ شدہ است بناء تشریح طلب است زیرا معلوم نیست کہ مراد از قنوت چہ چیز گرفته است اگر قنوت نازلہ باشد پس احناف نیز میگویند کہ بعد از رکوع خواندہ شود و اگر قنوت وتر مراد باشد در آن وقت چنان گفتن صحیح نیست کہ از نبی اکرم ﷺ در وتر بعد از رکوع خواندن قنوت ثابت است زیرا از کدام روایات کہ خواندن قنوت بعد از رکوع ثابت میشود محمل صحیح آن روایات اینست کہ آن حکم قنوت نازلہ است. در بحر الرائق: ج ۱ ص ۴۰ مذکور است: وقت فی ثالثۃ قبل الركوع ابتدا لما اخرجہ النسانی عن ابی بن کعب انه عليه السلام كان يقنت قبل الركوع وما في حديث انس انه عليه السلام قنت بعد الركوع فالمراد منه ان ذلك كان منه شهراً فقط بدليل ما في الصحيح عن عاصم الاحول سالت انساً عن القنوت في الصلوة قال نعم قلت اكان قبل الركوع او بعده قال قبله قلت فان فلانا اخبرني عنك أنك قلت بعده قال كذب انما قنت رسول الله ﷺ بعد الركوع شهراً، پس معلوم شد کہ در وتر قبل الركوع خواندن قنوت بکار است باقی ماند قنوت نازلہ پس در این مورد اقوال قبل الركوع و بعد الركوع ہر دو طرح موجود است درالدر المختار مذکور است: وهو صریح فی ان القنوت النازلۃ عندنا مختص بصلوة الفجر دون غيرها من الصلوة الجہریۃ و السریۃ و هل القنوت هنا قبل الركوع او بعده لم اراه، و الذی یتظہر لی انه یقنت بعد الركوع لا قبل بدلیل ان ما استدلل بہ الشافعی علی قنوت الفجر فیہ التصریح بالقنوت بعد الركوع، حملہ علمائنا علی قنوت النازلۃ

(۱) مراد یک جماعت بزرگ است. ظہیر

(۲) ردالمحتار باب الوتر و التوالل ج ۲ ص ۶۲۸، ط. س. ج ۲ ص ۱۱. ظہیر

ثم رأيت الشرنبلالی فی مرقای الفلاح صرح بانه بعده واستظهر الحموی انه قبله، والظاهر ماقلناه. (۱)
والله اعلم، از این عبارت معلوم میشود که باوجود آنکه درمورد قنوت نازلہ دو قول است قبل
الركوع وبعد الركوع. علماء ومشایخ احناف حکم جواز هر دو طریقه را میدهند لکن راجع
آنست که قنوت نازلہ بعد الركوع خوانده شود. فقط محمد مشیت الله دیوبندی.

فعلی ثانی

مسائل قنوت نازلہ

آیا قنوت نازلہ در نماز فجر درست است؟ سوال: (۱۶۶۴) بنزد احناف در وقت نماز فجر
در کدام وقت با بلند نمون دستها دعای قنوت یا (اللهم انصر من نصر دين محمد ﷺ) یا
خواندن دعای دیگر جائز است یا نه؟ اگر کدام حنفی که عالم فقه نباشد و یا عالم فقه باشد اما او
امام شافعی رح و یا احمد یا امام مالک رحمهم الله را بنظر حقارت نگاه نمی نماید آیا او حنفی
واقعی شده میتواند یا نه؟

جواب: بنزد احناف در وقت نزول حادثه تنها در نماز فجر بعد از رکوع در رکعت دوم بغیر
ازرفع الیدین خواندن دعای قنوت جائز است و در نماز های متبایي جائز نیست و اما بغیر از نزول
حادثه در هیچ نماز و هیچ وقت جائز نیست. در شامی مذکور است: قال الحافظ أبو جعفر
الطحاوي إنما لا يوقت عندنا في صلاة الفجر من غير بلیة فإن وقعت لئنة أو بلیة فلا بأس به فعلة
رسول الله ﷺ (۲). وبتعقیب در شامی مذکور است: إن قنوت النازلة عندنا مختص بصلاة الفجر
دون غيرها من الصلوات الجهرية والسرية (۳). و همچنان در آن نوشته است: وانه یوقت بعد
الركوع لا قبله (۴). وائمه اربعه هر یکی ایشان در مذهب خویش حق اند و اختلاف ایشان از قبیل
(اختلاف امتی رحمة) میباشد، فلهدا برای هیچ یک مقلد جائز نیست که کسی دیگری را بنظر
حقارت نگاه کند البته برای مقلد بکار است که مذهب امام خود را صواب محتمل خطاء پندارد

(۱) نصب الرایه باب صلوة الفجر ج ۲ ص ۱۱۸ . ظفر

(۲) رد المحتار باب الفجر والنوازل ج ۲ ص ۶۲۸ . ط. ص. ج ۲ ص ۱۱ . ظفر

(۳) ایضاً. ظفر

(۴) ایضاً. ظفر

ومذهب مخالف را غطاء و محتمل صواب بدانند در الدر المختار مذکور است: فيها لو سئلنا عن مذهبنا ومذهب مخالفنا قلنا وجوباً مذهبنا صواب يحتمل الخطأ ومذهب مخالفنا غطاء يحتمل الصواب. ^(۱) فقط

قنوت نازله: سوال: (۱۶۶۵) (۱) قنوت در نماز فجر در موقعه نوازل خوانده میشود، حواله مطلوب است؟

در قنوت نازله دست ها را ارسال بکنند یا ببندند؟ سوال: (۱۶۶۶) (۲) در قنوت مذکور امام ومقتدی دست ها ارسال بکنند یا ببندند چنانچه در وتر بندند وآمین بجهر گویند یا خفیه؟
جواب: (۱) قنوت در نوازل در صلاة فجر نزد احناف ثابت ومعمول به است قال فی الشامي: وهو صریح فی ان قنوت النازلة عندنا مختص بصلوة الفجر الخ. ^(۳)

جواب: (۲) امام وجماعت بظاهر درین موقع ارسال کنند چرا که این قنوت بعد الركوع است كما صرح به فی الشامي: والذي يظهر لنا أن المقتدی تابع امامه إلا إذا جهر فیؤمن وأنه یقنت بعد الركوع لا قبله الخ ^(۴). وظاهر است که قومه محل ارسال است نه محل قبض یدین وقیاس بر وتر نخواهد شد که در آن قنوت قبل الركوع است که آن محل قرائت ومحل قبض یدین است وآمین خواه بجهر بگویند یا باخفاء والثانی أولى لانه ادعاء والإخفاء بالدعاء أولى. فقط

بنزد احناف قنوت نازله بعد از رکوع و تنها در نماز فجر میباشد: سوال: (۱۶۶۷) خواندن قنوت نازله قبل الركوع بکار است یا بعد الركوع ودر کدام نمازها وهمچنان دست ها در آن ارسال بدارد یا ببندد ویا بلند نماید وبنزد احناف قنوت وتر قبل الركوع خوانده میشود آیا حکم قنوت نازله از آن جدا است و بنا بر کدام دلیل؟ وبنزد احناف که قاعده است هر ذکر طویل مستون در آن بستن دست ها است آیا این قاعده مأخوذی دارد وکدام بستن دست که بعد از تکبیر تحریمه ثابت است بعد از وقت رفتن رکوع ختم میشود اکنون بعد از رکوع قیام نمودن کار جدید است ودر آن ارسال واعتماد از آنحضرت ﷺ یا از آثار صحابه کرام ثابت است یا نه؟ واین عمل کرد امام أبو یوسف (رح) که ایشان قنوت را بعد از رفع الیدین میخواند وصاحب فتح

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار مقدمه ج ۱ ص ۴۵ . ظفر

(۲) ردالمحتار باب الوتر والوافل مطلب فی القنوت والنازلة ص ۶۲۸ . ط . ص . ج ۲ ص ۱۱ . ظفر

(۳) ایضاً . ط . ص . ج ۲ ص ۱۱ . ظفر

القنید کہ یک روایت را بہ سند ابو ہریرۃ رض بیان فرمودہ است کہ کان النبی ﷺ إذا رفع رأسہ من الركوع من صلوة الصبح فی الركعة الثانية یرفع یدہ فیدعوا بهذا الدعاء: اللہم اہدنا فیمن ہدیت الخ. آیا بوجہ این حدیث برای فعل ابو یوسف (رح) تقویت است یا نہ؟ و ہمچنان قول مفتی بہ احناف کدام است؟

قنوت نازلہ بعد از رکوع است و احناف آن را تنها در نماز فجر اختیار نمودہ اند با انہم کہ بعضی فقہاء کرام آن را در سائر نمازہای جہری جائز پنداشتہ اند^(۱) و از کتاب ہای فقہ و حدیث واضح و روشن است کہ قنوت فجر کہ آن را احناف در نوازل غیر منسوخ پذیرفتہ اند آن بعد از رکوع می باشد و در آن وقت ارسال اولی معلوم میشود^(۲) زیرا جواب رفع را صاحب فتح القنید چنان دادہ است کہ استدلال امام ابو یوسف بر آنکہ در ہر رفع دعا شدن کلی نیست بلکہ مخصوص بران دعا است کہ خارج عن الصلوۃ باشد (وَلِكُلِّ وَجْهٍ هُوَ مُوَلَّيْهَا) بناءً در آن مورد نیاز برای بحث مزید نیست و ہر یک قول یک وجہ داشتہ می باشد و نقل نمودن روایات بنا بر عدم فرصت نمیتوانم آن را نمایم^(۳). فقط

در وقت قنوت نازلہ ارسال داشتن دست ہا و آمین گفتن مقتدیان بطور آہستہ: سوال:

(۱۶۶۸) دعای قنوت مطبوعہ دار العلوم دیوبند کہ در عصر موجودہ برای خوانش شائع گردیدہ است در ترکیب آن دو سخن قابل پرسش است اول آنکہ در وقت خواندن دعا دست ہا را ارسال نماید آیا اینکہ دست ہا را بلند کند قسمیکہ برای دعا کردن بلند میشود دوم آنکہ مقتدیان آمین را بالجہر گویند یا خفیہ؟

جواب: در نماز فجر کہ بعد از رکوع در عصر موجودہ دعای قنوت خوانندہ میشود در آن مورد معمول

(۱) قال المحافظ ابو جعفر الطحاوی اما لا یقتضی عندنا فی صلوة الفجر من غیر بلیۃ لان وقتہ فتنۃ او بلیۃ فلا یاس بہ لفعل رسول اللہ ﷺ واما القنوت فی الصلوات کلہا للنوازل فلم یقل بہ الا الشافعی الخ وهو صریح ان القنوت النازلۃ عندنا مختص بصلوة الفجر دون غیرہا من الصلوة الجہریۃ والسرۃ فی شرح القناتۃ معنیاً فی الغایۃ وان نزل بالمسلمین نازلۃ فتن الامام فی صلاۃ الجہر (رد المحتار باب الوتر والوافل) مطلب فی قنوت النازلۃ ج ۱ ص ۶۲۸ ط. س. ج ۲ ص ۱۱) وهو قول الثوری واحمد وقال جمہور اہل الحدیث القنوت عند النوازل مہرورع فی الصلوۃ کلہا آہ (البحر الرائق باب الوتر والوافل ج ۲ ص ۴۴). ظہیر

(۲) و ہل القنوت هنا قبل الركوع ام بعده لم یرہ والدی یظہر لی ان المقنذی یتابع امامہ الا اذا جہر فیؤمن وانہ یقتضی بعد الركوع لا قبلہ بل دلیل ان ما استدلل بہ الشافعی علی قنوت الفجر وفيہ التصريح بالقنوت بعد الركوع حملہ علمائنا علی القنوت للنوازل ثم رأیت الشرنبلالی فی مراقی العلاح صرح بانہ بعدہ واستظهر الحموی انہ قبلہ والاظهر ما قلناہ واللہ اعلم (رد المحتار باب الوتر والوافل) مطلب فی القنوت للنوازل ج ۱ ص ۶۲۸ ط. س. ج ۲ ص ۱۱ طہیر

(۳) مثلاً هذا، ظہیر

ما آئست کہ دست ہا ارسال و آویزان باشند زیرا در این موقع بعتن دست ہا نیامدہ است و بلند نمودن آن نیز موافق قواعد احناف نیست فلہذا احوط و بہتر این معلوم میشود کہ دست ہا را آویزان داشتہ باشند و مقتدیان آمین را بطور خفیہ بگویند۔^(۱) فقط

قنوت نازلہ در مغرب و عشاء درست است یا نہ؟ سوال: (۱۶۶۹) شنبہ ایم کہ در دیوبند کدام فتویٰ چاپ شدہ است کہ در آن در رکعت آخری نماز عشاء خواندن دعا را نوشتہ شدہ است؟

جواب: از آنجا کہ کدام دعای قنوت طبع شدہ است در آن بعد از نماز فجر خواندن دعای قنوت نوشتہ نمودہ است و بعضی علماء جواز خواندن آن را در نماز مغرب و عشاء نیز شوشہ اند^(۲)۔ فقط

دعا در نماز فرض برای دفع شدن وباء: سوال: (۱۴۷۰) در ایام بروز مرض وبا در جماعت فرائض یا خصوصاً بعد از آخرین رکعت نماز جماعت مغرب و فجر امام چند ادعیہ را بعد از رکوع بخاطر دفع شدن وباء میگوید و سائر مقتدیان بہ آواز بلند آمین میگویند آیا ہمجو عمل کردن در جماعت فرض شرعاً جائز است یا نہ؟

جواب: در شامی مذکور است کہ در وقت نزول کدام حادثہ در نماز فجر بعد از قیام نمودن از رکوع امام خواندن دعای قنوت درست است و علاوہ از نماز فجر دیگر در سائر نمازہا نزد مذهب احناف جائز نیست۔ و این مذهب امام شافعی (رح) است و این نیز در شامی مذکور است: ولا شک أن الطاعون من أشد النوازل^(۳) فلہذا در وقت طاعون نیز در نماز فجر بعد از رکوع خواندن دعای قنوت درست است۔^(۴)

قنوت نازلہ برای جنگ طرابلس: سوال: (۱۶۷۱) آیا کدام ارشاد علمای دین در مورد مسئلہ طرابلس است کہ اکنون در میان مسلمانان و مسیحیان قائم شدہ است اگر بخاطر نصرت مسلمانان

(۱) ان المفندی ینابع امامہ الا اذا ظهر لیومن ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج ۱ ص ۶۲۸ ، ط. م. ج ۲ ص ۱۱۱۔ ظہیر

(۲) ولا یفتی لغيره الا نازلة لیفت الامام فی الجہرۃ ولیل فی الکمل والدردالمختار علی هامش ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج ۱ ص ۶۲۸ ، ط. م. ج ۲ ص ۱۱۱۔ ظہیر

(۳) ردالمحتار باب الوتر مطلب فی القنوت للنازلة ج ۱ ص ۶۲۸ ، ط. م. ج ۲ ص ۱۱۱۔ ظہیر

(۴) ولا یفتی لغيره الا نازلة لیفت الامام فی الجہرۃ ولیل فی الکمل (درمختار) لال فی الصحاح النازلة الشہیدہ من شہادت الدھر ولا شک ان الطاعون من اشد النوازل الخ وهو صریح فی ان قنوت النازلة عندنا تختص بصلاة الفجر دون غيرها من الصلوات الجہرۃ او السریۃ ردالمحتار باب الوتر والنوافل مطلب فی القنوت للنازلة ج ۱ ص ۶۲۸ ، ط. م. ج ۲ ص ۱۱۱۔ محمد ظہیر الدین غفرلہ

وہزیمت عیسویان درہندوستان یا برما دعای قنوت خواندہ شود آیا در مذهب حنفی مکروہ است یا نہ؟ اگر بنا بر ناواقفیت مقتدیان امام قنوت راقدری جہرا وبا رفع الیدین بخواند ومقتدیان حنفی المذہب خفیہ آمین گویند آیا این در مذهب حنفی مکروہ است یا نہ؟ آیا درجنگ نازلہ وغیرہ کہ کدام دعای قنوت خواندہ میشود آیا برای آن این سخن شرط است کہ خاص سلطان یا خلیفہ آن را بگویند؟ یا در جای خواندہ شود کہ درآنجا جنگ قائم شدہ باشد ودر جای ہای دور وبعید متباقی امامان نخوانند وبعد از ملاحظہ نمودن حاشیہ شامی بحر الرائق کبیری وفتح القدیر جواب سوال فوق الذکر تحریر فرمودہ شود. فقط

جواب: قنوت نازلہ عند الاحناف جائز است مکروہ نیست، ودر شامی مذکور است: کہ اگر امام جہرا قنوت میخواند مقتدیان آمین بگویند از آن معلوم شد کہ مقتدی پیروی امام را باید بکند باقی آنکہ اگر امام حنفی باشد پس حنفی موافق قواعد احناف خفیہ بگویند لکن اگر امام بنا بر ناواقفیت مقتدیان جہرا بگویند ومقتدیان آمین نمایند در این کراہیت نیست درحین نازلہ خواندن قنوت سلطان یا خلیفہ شرط نیست. هذا كله في الدر المختار والشامی. ^(۱) دستخط مع مهر.

در موقع جنگ ایتالیا خواندن قنوت نازلہ: سوال: (۱۶۷۴) فعلا کہ کدام جنگ در میان عیسویان ایتالیا ومسلمانان جریانی دارد در این موقع عند الاحناف بعد از رکوع رکعت آخری خواندن قنوت نازلہ در نمازہای پنجگاہ چہ حکم دارد؟

جواب: در این مورد کلام فقہای کرام رح مختلف میباشد: ولا یقت لغیرہ إلا النازلۃ فیقن الامام فی الجہریۃ وقیل فی الكل. در شامی مذکور است: : واما القنوت فی الصلوۃ کلہا للنوازل کلم یقل بہ الا الشافعی، وفيہ تحت قوله فی الكل الخ قد علمت ان هذا لم یقل بہ الا الشافعی وعزا فی البحر الی جمہور اہل الحدیث فكان ینبئ عزوہ الیہم لثلا یوہم انه قول فی المذہب وفيہ ایضا اذا وقعت نازلۃ قنت الامام فی الصلوۃ الجہریۃ لکن فی الاشباہ عن الغایۃ قنت فی صلوۃ الفجر ویؤیدہ ما فی شرح ^(۲) المنیۃ الخ شامی ج ۱ ص ۶۲۸. پس معلوم شد کہ عند الاحناف تنہا درنماز فجر دروقت نازلہ قنوت بخواند لا غیر. فقط واللہ اعلم کتبہ عزیز الرحمن.

(۱) مطالعہ فرماتید: ردالمحتار باب الوتر والوافل مطلب فی القنوت للنازلۃ ج ۱ ص ۶۲۸، ط. س. ج ۲ ص ۱۱. طبر

(۲) وقد صرح بہ الشامی حیث قال وهو صریح فی ان قنوت النازلۃ عندنا مختص بصلاۃ الفجر دون غیرہا من الصلوات الجہریۃ والسریۃ الخ قنوت نازلہ بعد از رکوع بخواند نہ قبل از رکوع: قال فی الشامی وانه یقت بعد الركوع لا قبل بدلیل ان ما استدل بہ الشافعی علی قنوت الفجر وفيہ التصریح بالقنوت بعد الركوع حملة علماءنا علی القنوت للنازلۃ الخ (شامی باب الوتر ج ۱ ص ۶۲۸، ط. س. ج ۲ ص ۱۱). ظہیر

بنزد کدام اما قنوت نازلہ در نماز فجر است؟ سوال: (۱۶۷۳) در عصر موجوده خواندن

دعای قنوت در نماز فجر مذهب کدام امام است؟

جواب: در وقت وقوع حوادث خواندن دعای قنوت را در نماز فجر احناف نیز جائز نوشته اند (۱) فقط. (لما رواه الإمام أبو حنيفة عن ابن مسعود رضى الله عنه أن رسول الله ﷺ لم يقنت في الفجر قط إلا شهراً واحداً لم يَرَقِلْ ذاك ولا بعده وإنما قنت شهراً يدعو على قوم من العرب ثم تركه (البحر الرائق. باب الوتر ج ۲ ص ۴۴، ظفر).

در نماز جمعه قنوت نازلہ درست است یا نه؟ سوال: (۱۶۷۴) خواندن قنوت نازلہ در نماز

جمعه جواز دارد یا نه؟

موافق بعضی روایات که در سائر نمازهای جهری خواندن قنوت نازلہ را جائز نوشته اند بنا بر این در نماز جمعه همچنان درست است. (۲)

قنوت نازلہ جائز است یا نه و اگر جائز است پس چرا؟ سوال: (۱۶۷۵) در عصر حاضر که

کدام دعای نازلہ خوانده میشود آیا دعا در نماز فجر عند احناف جائز است یا نه؟ اگر جائز باشد پس جواب آیت (لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ) چیست؟ آیا در میان دعای نازلہ و قنوت که آن را نبی اکرم ﷺ احياناً بخاطر بد دعائی یک قوم یا قبیله میخواند در آن کدام فرق است یا نه؟

جواب: در وقت نازلۃ خواندن دعای قنوت و غیره در نماز فجر باتفاق احناف جائز است در الدر المختار مذکور است: ولا يقنت لغيره إلا لنزلة (۳) الخ. وفي الشامي: وهو صريح في أن قنوت النازلة عندنا مختص بصلوة الفجر (۴) الخ وفيه عن شرح الغنية فتكون شرعية أي شرعية القنوت في التوازل مستمرة وهو محمل من قنت من الصحابة بعد وفاته ﷺ وهو مذهبنا وعليه الجمهور (۵). پس وثیکه معلوم شد که مذهب جمهور نیز همان است وصحابه کرام رض نیز همان نازلہ را بعد از وفات آنحضرت ﷺ خوانده اند فلینذا اکنون گنجایش هیچ شبه نیست و ضرورت برای

(۱) ولا يقنت لغيره إلا لنزلة ليقنت الإمام في الجهرية وليل في الكل (در مختار) وهو صريح عندنا أن قنوت النازلة عندنا مختص بصلوة الفجر دون غيرها من الصلوة الجهرية والسرية (الدر المختار) باب الوتر ج ۱ ص ۶۲۸، ط. س. ج ۲ ص ۱۱۱. ظفر

(۲) ليقنت الإمام في الجهرية (الدر المختار) على هامش (در المختار) باب الوتر والتواضعات ج ۱ ص ۶۲۸، ط. س. ج ۲ ص ۱۱۱. ظفر

(۳) (در المختار) على هامش (در المختار) باب الوتر والتواضعات مطلب في القنوت للنزلة ج ۱ ص ۶۲۸، ط. س. ج ۲ ص ۱۱۱. ظفر

(۴) (در المختار) باب الوتر والتواضعات مطلب في القنوت للنزلة ج ۱ ص ۶۲۸، ط. س. ج ۲ ص ۱۱۱. ظفر

(۵) (در المختار) باب الوتر والتواضعات مطلب في القنوت للنزلة ج ۱ ص ۶۲۸، ط. س. ج ۲ ص ۱۱۱. ظفر

جواب احساس نمیشود. ودر مورد شان نزول آیت کریمه (لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ) اختلاف کثیر است ودر قنوت نازلہ نزول آن متعین نیست کما صرح به فی المعالم اگر ضرورت برای جواب باشد. و قول خود امام طحاوی در شامی چنین منقول است: قال الحافظ ابو جعفر الطحاوی إنما لا یقت عندنا فی صلوٰۃ الفجر من غیر بلیۃ فإن وقعت فتنة او بلیۃ فلا بأس به فعله رسول الله ﷺ الخ. (۱) فقط

قنوت نازلہ در سائر نمازهای جہری است یا تنها در نماز فجر؟ سوال: (۱۶۷۶) باعتبار مذهب صحیح و قول ارجح احناف خواندن قنوت نازلہ تنها در نماز فجر بکار است و یا در سائر نمازهای جہری خواندن آن ضروری است اگر یک امام تنها در نماز فجر قنوت خواند ودر متباقی نمازهای جہری نمیخواند آیا بالای آن امام جبرا در نمازهای متباقی جہری بخوانند یا نه؟ قنوت نازلہ علاوه از نماز فجر در نمازهای دیگر منسوخ است یا نه؟ و آن حضرت ﷺ قنوت نازلہ را تا بکدام وقت خوانده است آیا تکمیل کار یا قبل از آن را ترک می نمودند.

جواب: عند الاحناف راجح آنست که قنوت نازلہ منحصر در نماز فجر است، اگر چه در سائر نمازهای جہری از بعض کتاب ها نیز اجازه آن معلوم میشود بھر حال اگر یک امام تنها در نماز فجر قنوت نازلہ بخواند ودر سائر نمازهای جہر متباقی نخواند پس بالای امام مذکور جبرا خواندن دعای نازلہ ضروری نیست که او را مجبور نمایند که در سائر نمازهای جہری آن را بخواند زیرا این مسئله عند الاحناف مختلف فیہ است فلہذا أحوط ومعمول اکابر تنها در نماز فجر است کما فی الشامی بعد نقل کلام الامام الطحاوی وهو صریح فی أن قنوت النازلۃ عندنا مختصۃ بصلوٰۃ الفجر دون غیرها من الصلوات الجہریۃ أو السریۃ (۲) الخ. ودر آن مورد کدام تحدید منقول نیست کہ آن حضرت ﷺ و یا بعد از صحابہ کرام رضی کہ در وقت حوادث قنوت خوانده شدہ است تا بہ کدام وقت دوام داشت وبقدر وقت را در برگرفته است وظاهر آنست کہ شاید تا بہ رفع حادثہ خواندہ شدہ باشد کہ آن وجہ مشروعیت نیز میباشد وهمچنان فقہاء کرام نیز تحدید آن را ننمودہ اند وچنان فرمودہ اند: ولا یقت لغيرہ إلا النازلۃ الخ (۳). الدر المختار،

(۱) ردالمحتار باب الرتر والوافل مطلب فی القنوت للنازلۃ ج ۱ ص ۶۲۸ ، ط. س. ج ۲ ص ۹۱. ظفر

(۲) ردالمحتار باب الرتر والوافل مطلب فی القنوت للنازلۃ ج ۱ ص ۶۲۸ ، ط. س. ج ۲ ص ۹۱. ظفر

(۳) ردالمحتار باب الرتر والوافل مطلب فی القنوت للنازلۃ ج ۱ ص ۶۲۸ ، ط. س. ج ۲ ص ۹۱. ظفر

وظاہراً از لفظ إلا النازلة معلوم میشود تا وقتی کہ نازلہ موجود باشد تا بہ آن وقت دعای مذکورہ مشروع است و همچنان در حدیث انس رضی مذکور است: ان النبی ﷺ قنت شہراً ثم ترکہ رواہ أبو داود والنسائی. و بعد از یک ماہ ترک فرمودند آنجناب ﷺ یا بنا بر آن مقصد باشد کہ مطلوب حاصل شد و دعا قبول گردید و آثار بد رعائی شروع شدہ بود، و یا برای ایشان ﷺ شاید حکم شدہ باشد کہ اکنون آن را ترک کن و الآن ضرورت بقی نماند بہر حال اکنون مشروعیت آن تا بہ بقاء نازلہ عند الفقہاء مسلم است. فقط

جواز قنوت نازلہ وثبوت آن: سوال: (۱۶۷۷) قنوت نازلہ کہ از یک سال بدینسو خواندہ میشود بعضی مسلمانان بر آن چنین اعتراض می نمایند کہ خواندن آن جائز نیست. و حدیث حضرت انس رضی را موقوف میگویند: وعن انس رضی ان النبی ﷺ قنت شہراً ثم ترکہ رواہ أبو داود. و با لفظ ثم ترک گذاشتن آن را فرض میگویند و همچنان میگویند کہ در مذهب ما بر کسی لعنت و ملامت کردن یا بد دعائی کردن نیز جائز نیست، بناءً ثبوت آن را در حدیث و قول امام اعظم (رح) تقاضا می نماید کہ بعد از (ثم ترکہ) آن حضرت ﷺ برای ارشاد نمودن فرمودہ باشد؟

جواب: در الدلالمختار مذکور است: ولا یقت لغيره الا لنازلة فیکنت إمام فی الجهرية وقیل فی الكل الخ ودر ردالمحتار معروف بہ شامی است: (قوله فی الجهرية) یوافقه ما فی البحر والشرئبالية عن شرح النقایہ عن الغایة وان نزل بالمسلمین نازلة قنت الامام فی صلاة الجهرية وهو قول الثوری واحمد آه وکذا ما فی شرح الشیخ اسمعیل عن البناية اذا وقعت نازلة قنت الامام فی صلوة الجهرية لکن فی الاشباه عن الغایة شرعية القنوت فی التوازل مستمرة وهو محمل قنوت من قنت من الصحابة رضی بعد وفاته علیہ الصلوة والسلام وهو مذهبنا وعلیہ الجمهور قال الحافظ ابو جعفر الطحاوی انما لا یقت عندنا فی صلوة الفجر من غیر بلیة فان وقعت فتنة او بلیة فلا بأس به فعلة رسول الله ﷺ الخ الى ان قال وهو صریح فی ان النازلة عندنا مختص بصلوة الفجر دون غيرها من الصلوات الجهرية والسرية ^(۱) الخ، از عبارات فوق الذکر واضح گردید کہ عند الاحناف بلکه عند الجمهور قنوت نازلہ بعد از رحلت آن حضرت ﷺ نیز مشروع است بناءً هرکسی کہ از آن انکار می ورزد در حقیقت آن کس مخالف سائر امامان اهل حق است

و همچنان از همه کتاب های دینی ناواقف میباشد زیرا ظاهر است که اگر قنوت نازل منسوخ شده باشد پس صحابه کرام رضی آن را بعد از وفات آن حضرت علیه السلام چرا معمول میگرددانیدند؟ و کفی بهم قدوة، و بحديث حضرت انس رضی که روایت نموده است: أن النبی صلی الله علیه و آله قنوت شهرا ثم ترکہ، منسوخ گردانیدن قنوت نازل را صحیح نیست زیرا معنی (ثم ترکہ) آنست که نبی اکرم صلی الله علیه و آله آن را بعد از یک ماه ترک نمودند بخاطر آنکه ضرورت باقی نماند و کدام مقصد که بود بر آورده و حاصل شد. و لعنت بر کفار از آیات و احادیث هموار ثابت است: قال الله تعالی: (لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ) ^(۱). (إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّهٗ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعُنُونَ) ^(۲) و همچنان بنا بر کثرت از آیات و احادیث دیگر لعنت بر کفار ثابت است فللهذا علاوه از جهال و معاندین هیچ کس از آن انکار نمیکند، الغرض برای احناف (رح) با نظر داشت اقوال ائمه خویش و تفصیل و تشریح کتاب های فقه بر آن عمل نمودن بکار است، و در آن مورد برای اقوال منکرین ائمه یعنی فرقه غیر مقلدین گوش نهادن و استماع نمودن بکار نیست.

قنوت نازل در سائر نمازها و دعا با رفع الیدین: سوال: (۱۶۷۸) یک مولوی صاحب أهل حدیث در سائر نمازهای فرض پنج گانه در رکعت آخری بعد از رکوع با رفع الیدین امام دعا میخواند و مقتدیان همچنان با رفع الیدین به همان طریق برای دعا آمین میگویند آیا باهمجو طریقہ گفتن جائز است یا نه؟

جواب: همچنان نیز ثابت است بناء در آن هیچ حرج نیست و احناف نیز اجازه آن را فرموده اند ^(۳) با آنهم که اکثر روایات در مورد نماز فجر وارد است. ^(۴) فقط



(۱) سورة البقرة رکوع ۱۱. ظفر

(۲) سورة البقرة رکوع ۱۹. ظفر

(۳) ولا یقت لغیرہ الا نازلة فیقت الامام فی الجهرية (والموأختار علی هامش ردالمحتار باب الوتر ج ۱ ص ۶۲۸، ط. س. ج ۲ ص ۱۱).

ظفر الدین غفر له

(۴) وهو صریح فی ان القنوت النازل عندنا مختص بصلاة الفجر دون غيرها من الصلوات الجهرية (رد المحتار باب الوتر ج ۱ ص ۶۲۸، ط. س. ج ۲ ص ۱۱). ظفر

فصل ثالث

سنن مؤکده و غیر مؤکده

مسائل سنن مؤکده

در وقت جماعت فجر سنت را کجا اداء نمایند؟ سوال: (۱۶۷۹) سنت فجر را آنقدر در فاصله دور اداء نمایند که آواز امام در وقت قرائت بسماعش نرسد حالانکه مساجد اکثر کرجک میباشد بناء اداء کننده سنت فجر تابه کدام اندازه احتیاط عدم سماع را بکند و در آن مورد چه حکم میباشد؟

جواب: در این مورد قید رسیدن آواز و نرسیدن آن نیست و تنها علیحده بودن مکان بکار است. فقط^(۱)

در داخل صفوف نماز فجر اجازه سنت فجر نیست: سوال: (۱۶۸۰) بعد از قائم شدن جماعت فجر اداء نمودن سنت در صف اول و دوم چه حکم دارد اگر جائز نباشد پس علت عدم جواز آن را تحریر فرمائید؟

جواب: علت عدم جواز آن صورة مخالفت جماعت و مخالفت حدیث شریف: إذا أقمت الصلاة فلا صلاة إلا المكتوب^(۲) است، در الدر المختار مذکور است^(۳) الخ ودر شامی مذکور است: فإن كان عند باب المسجد مكان صلاحا فيه وإلا صلاحا في الشترى أو الصيفي إن كان للمسجد مروضان. فقط^(۴)

در میان فرائض و سنن سخنان دنیاوی و آن: سوال: (۱۶۸۱) زید در میان فرائض و سنن عشاء

(۱) و اذا خاف فوت ركعتي الفجر لاشتغاله بسنتها تركها لكون الجماعة اكمل والا بان رجا ادراك ركعة الخ لا يتركها بل يصلها عند باب المسجد ان وجد مكانا والا تركها لان ترك المكروه مقدم على فعل السنة (در مختار) عند باب المسجد أى خارج المسجد كما صرح الفهستاني وقال في العنابة لانه لو صلاحا في المسجد كان متفلا فيه عند اشتغال الامام بالفريضة وهو مكروه فان لم يكن على باب المسجد موضع للصلاة يصلها في المسجد خلف سارية من سوارى المسجد واشدها كراهة ان يصلها مخالفا للمصنف مخالفا للجماعة والذي يلى ذلك خلف الصف من غير حائل اهـ (ردالمحتار باب ادراك الفريضة ج ۱ ص ۶۷۰ - ۶۷۱، ط. س. ج ۴ ص ۵۷). ظهير

(۲) مشکوة المصابيح باب الجماعة وفضلها فصل اول ص ۶۶ عن ابى هريرة (رضي الله عنه). ظهير

(۳) مشکوة المصابيح باب الجماعة وفضلها فصل اول ص ۶۶ عن ابى هريرة (رضي الله عنه). ظهير

(۴) الدر المختار على هامش ردالمحتار. باب ادراك الفريضة ج ۱ ص ۶۷۱، ط. س. ج ۴ ص ۵۷. ظهير

(۵) ردالمحتار باب ادراك الفريضة ج ۱ ص ۶۷۱، ط. س. ج ۴ ص ۵۷. ظهير

وفجر حرف دنیوی میزند آیا سنن را اعاده نماید یا خیر؟

جواب: در این ثواب کاهشی می باید و ضرورت برای اعاده سنن نیست و فیہ اختلاف^(۱).

در حصۃ داخل مسجد در حالت جماعت دلیل گنجایش سنت در حصۃ بیرونی: سوال:

(۱۶۸۲) و قتیکہ در حصۃ اندرونی مسجد جماعت قائم باشد بناء در حصۃ خارجی مسجد بکدام دلیل سنت اداء نمودن درست است؟ و ہر گاہ قرابت شنیدہ میشود پس بر آیت کریمہ فاستمعوا چگونہ عمل خواہد شد؟

جواب: از آثار صحابہ کرام رضی ثابست کہ ایشان در وقت نماز فرض فجر آواز را آنہا می شنیدند و ایشان در یک کنج قرار میگرفتند و سنت فجر را اداء می نمودند بنا بر این امام اعظم رح چنان حکم را دادند کہ در یکطرف سنت فجر اداء شود و سپس از آن در جماعت شریک گردد تا کہ ہر دو فضائل برایش حاصل شود^(۲). فقط

اگر کسی نیت جہاز رکعت را شکستاند پس بر آنکس چند رکعت واجب میباشد: سوال:

(۱۶۸۳) نیت جہاز رکعت سنت مؤکد ظہر و مانند آن را اند آیا براو اکنون دو رکعت واجب است یا جہاز؟

جواب: جہاز رکعت^(۳) فقط.

سنت ظہر بطاظر اداء فرض پردو رکعت ختم کردہ شد بناء بعد از فرض جہاز رکعت

اداء نمایند: سوال: (۱۶۸۴) زید سنت ظہر را اداء می نمود و تا ہنوز در یک رکعت مصروف بود کہ جماعت ایستادہ شد و او دو رکعت و تکمیل نمودہ سلام گردانید آیا او بعد از فرض دو رکعت اداء کند یا جہاز رکعت؟

(۱) ولونکلم بین السنۃ والفرض لا یسقطها ولكن یقتضی ثوابها وقيل یسقط (الدرا المختار علی ہاشمی ودالمختار باب الوتر والنوافل ج ۱ ص ۹۳۶، ط. س. ج ۲ ص ۱۹) ظہر

(۲) وانما خالفناہ فی سنۃ الفجر لشدۃ تانکھا علی عامر علی انہا لا تفضی والحديث المذكور قد ارفقہ ابن عیینہ وحماد بن زید وحماد بن سلمہ عن ابی ہریرۃ ؓ ولما روی الطحاوی وغیرہ عن ابن مسعود ؓ انہ دخل المسجد وقد اقيمت الصلوۃ فصلی رکعتی الفجر فی المسجد الی اسطوانۃ وذلك بحضور حنیفۃ وابی موسیٰ وقد مر لتمامہ فی اوقات المکروہۃ فكانت سنۃ الفجر مستثناة بادلۃ اخری عرضت حدث ابی ہریرۃ ؓ ورجعت علیہ (غنیۃ المستملی ص ۳۷۹ - ۳۸۰). ظہر

(۳) و سن مؤکدا اربع قبل الظہر واربع قبل الجمعة واربع بعدها بتسليمۃ فلو بتسلمین لم تنب عن السنۃ ولذا لو نذرہا لا یجرح عنه بتسلمین (الدرا المختار باب الوتر والنوافل ص ۶۳۰، ط. س. ج ۲ ص ۹۳) ولا یصلی علی النبی ﷺ فی القعدۃ الاولی فی الاربع قبل الظہر والجمعة الخ (درمختار) فی البحر فی باب صفۃ الصلاۃ ان ما ذکر مسام فیما قبل الظہر لما صرحوا بہ من انہ لا تبطل شفعۃ الشفع بالانصال الی الشفع الثانی منها ولو اسدھا قضی او ما (ردالمحتار دہ ایضاً ج ۱ ص ۶۳۳، ط. س. ج ۲ ص ۱۶). ظہر

جواب: برای اوبعد از اداء فرض چهار رکعت سنت ظهر اداء نمودن بکار است ^(۱) فقط.

شخصیکه در وقت نماز جماعت ظهر آمد پس سنت راجه وقت اداء کند؟ سوال: (۱۶۸۵)
اگر کدام شخص برای اداء نماز ظهر وقتی آمد که جماعت قائم بود اکنون او سنت را نکرده در جماعت شرکت نمود بناءً چهار رکعت سنت را چه وقت اداء کند و چگونه نیت نماید نیت قضاء یا اداء ؟

جواب: بعد از اداء فرض چهار رکعت سنت را اداء کند قبل از دو رکعت سنت باشد یا بعد از آن و در نیت از سنت ظهر نام ببرد. ^(۲) فقط

اگر سنت فجر ترک شود چه وقت باید اداء گردد؟ سوال: (۱۶۸۶) اگر سنت فجر بخاطر شمولیت فرض ترک شود پس آن را چه وقت اداء کند؟

جواب: در الدر المختار مذکور است: ولا يقضيها إلا بطريق التبعية ^(۳) الخ. یعنی سنت فجر قضائی ندارد لکن وقتی که با فرض باشد پس در آن صورت قبل الزوال قضاء آن را بیاورد و اگر سنت تنها فوت شد در این صورت قضائی ندارد امام أبوحنيفة (رح) و امام ابویوسف (رح) ایشان در هیچ وقت قائلین بر قضاء آن نیستند نه قبل از طلوع آفتاب و نه بعد از طلوع آفتاب و امام محمد (رح) میفرماید که بعد از طلوع آفتاب و قبل الزوال اداء نمودن آن بهتر است. ^(۴) فقط

اگر سنت قبلی جمعه ترک شود: سوال: (۱۶۸۷) سنتیکه قبل از نماز جمعه اداء میشود اگر ترک گردد سپس آن را اداء کند یا نه؟

جواب: سنتیکه قبل از نماز جمعه اداء میشود اگر در وقتش ادا نشود بعد از نماز جمعه آن را اداء کند، كما قال في الدر المختار بخلاف سنة الظهر وكذا الجمعة الخ ثم يأتي بها على أنه سنة في

(۱) بخلاف سنة الظهر وكذا الجمعة فإنه ان خلاف فوت ركعة بتركها يقتضى ثم يأتي بها على أنها سنة في وقته أي الظهر قبل شفعه عند محمد وبه يفتي (در مختار) القول وعليه المترون لكن رجح في الفتح تقديم الركعتين قال في الامداد وفي فتاوى العنابي انه المختار وفي مبسوط شيخ الاسلام انه الأصح لحديث عائشة رضي الله عنها انه عليه الصلاة والسلام كان اذا فاتته الأربع قبل الظهر يعجلن بعد الركعتين وهو قول أبي حنيفة وكذا في جامع قاضي خان اده والحديث قال الترمذی حسن غريب اده فتح (رد المختار باب ادراك القرية ج ۱ ص ۶۷۴ ، ط. س. ج ۲ ص ۵۸).

ظهر الدين

(۲) الدر المختار على هامش ودر المختار باب السنن والوافل ج ۱ ص ۶۷۲ ، ط. س. ج ۲ ص ۵۶. ظهر

(۳) واذا فاتته ركعتا الفجر لا يعجلها قبل طلوع الشمس لأنه يبقى نفلاً مطلقاً وهو مكروه بعد الصبح ولو بعد ارتفاعه عند أبي حنيفة وأبي يوسف وقال محمد أحسب أني أن يقضيها إلى وقت الزوال (هداية باب ادراك القرية ج ۱ ص ۱۳۶). ظهر

(۴) الدر المختار على هامش ودر المختار باب ادراك القرية ج ۱ ص ۶۷۲ ، ط. س. ج ۲ ص ۵۸. ظهر

وقتہ الخ. ^(۱) واللہ اعلم.

سنت فجر را در کدام وقت اداء نمودن بکار است: سوال: (۱۶۸۸) سنت فجر را تا به کدام وقت اداء کردن بکار است و حکم قضاء آن چیست؟

جواب: اگر جماعت نماز فجر قائم باشد پس اگر امید شریک شدن یک رکعت را داشته باشد در این صورت در یک گوشه سنت فجر را اداء کند و سپس در جماعت شرک ورزد ^(۲) و اگر سنت فجر اداء نکرده بود سپس آن را قبل از طلوع آفتاب اداء نکند و اگر اداء می نمود آن را بعد از طلوع آفتاب اداء نماید ^(۳). فقط

نوافل بعد از نمازهای ظهر مغرب وعشاء: سوال: (۱۶۸۹) بعد از نمازهای ظهر مغرب وعشاء نقل کردن از سنت ثابت است یا نه؟

جواب: از سنت ثابت است ^(۱). فقط

سنت فجر را بعد از فرض و قبل از طلوع آفتاب اداء نمودن جائز است یا نه؟ سوال:

(۱۶۹۰) سنت فجر را قبل از طلوع آفتاب و بعد از جماعت اداء کردن چگونه است؟ اگر ناجائز باشد پس سنت قبلی ظهر نیز اداء نمودن بکار نیست؟

جواب: بعد از نماز فجر و قبل از طلوع آفتاب سنت اداء نمودن جائز نیست. زیرا ازان در حدیث شریف ممانعت آمده است در بخاری و مسلم در روایت ابی سعید الخدری آمده است قال رسول الله ﷺ: لا صلوة بعد الصبح حتى ترتفع الشمس ولا صلوة بعد العصر حتى تغيب الشمس ^(۵) بناءً

(۱) الروالمختار علی هامش ردالمحتار باب ادراك الفريضة ج ۱ ص ۶۷۲ ، ط. س. ج ۲ ص ۵۸. ظهير

(۲) والاحاف فوت ركعتي المجر لا شغاله بسنتها تركها لكون الجماعة اكمل والا بان رجا ادراك ركعة لا يدركها بل يصلها عند باب المسجد ان وجد مكانا (الروالمختار علی هامش ردالمحتار باب ادراك الفريضة ج ۱ ص ۶۷۰ - ۶۷۱ ، ط. س. ج ۲ ص ۵۶). ظهير

(۳) ولا يفتيها الا بطريق التبعة لقضاء فرضها قبل الزوال لابعده في الاصح (درمختار) واما اذا فاتت وحدها فلا تقضى قبل طلوع الشمس بالاجماع لكراهة الفل بعد الصبح واما بعد طلوع الشمس فكل ذلك عندهما وقال محمد احب الي ان يفتيها الى الزوال (ردالمحتار باب ادراك الفريضة ج ۱ ص ۶۷۲ ، ط. س. ج ۲ ص ۵۷). ظهير

(۴) عن ام حبيبة قالت قال رسول الله ﷺ من صلى في يوم وليلة اثني عشرة ركعة بني له بيتا في الجنة اربعاً قبل الظهر وركعتين بعد المغرب وركعتين بعد العشاء وركعتين قبل صلوة الفجر رواه الترمذي (شكوة باب السنن وفضائلها ج ۱ ص ۱۰۳) ويستحب اربع قبل العصر وقبل العشاء وبعدها بتسليمة وان شاء ركعتين وكذا بعد الظهر لحدث الترمذي من حفظ اربع ركعات قبل الظهر اربع بعدا حرمه الله على النار وست بعد المغرب ليكتب من الاوابين بتسليمة اوليتين (الروالمختار علی هامش ردالمحتار باب الوتر والوافل مطلب في السنن ج ۱ ص ۶۳۰ ، ط. س. ج ۲ ص ۱۳). ظهير

(۵) مشكوة المصابيح باب اوقات الهي ص ۹۴. ظهير

از این حدیث ممانعت اداء نمودن سنن ونوافل بعد از صبح وبعد العصر معلوم شد وبعد از ظهر در آن مورد ممانعت نیامده است لهذا اگر چهار رکعت سنت اولین ظهر ترک شود آن رابعه از فرض اداء نماید. وفقهاء احناف مینویسند: ولا یقضیها إلا بطریق التبعیة لقضاء فرضها قبل الزوال لا بعده بخلاف سنة الظهر. ودر درالمختار وشامی مذکور است: وأما إذا فاتت وحدها فلا تقضي فی طلوع الشمس بالإجماع لکراهیة النقل بعد الصبح وأما بعد طلوع الشمس فکذلک عندهما وقال محمد (رح) أحب إلى أن یقضیها إلى الزوال^(۱) الخ فقط.

به امید دریافت نمودن یک رکعت در وقت جماعت فجر اداء نمودن سنت درست است یا نه؟ سوال: (۱۶۹۱)

در شرح وقایة نوشته شده است: اگر امید دریافت نمودن یک رکعت نماز جماعت فرض با امام باشد سنت راترکی نکند آیا این صحیح است یا نه؟ بعضی میگویند وفتیکه امام قرائت را شروع نمود اداء نمودن سنت در این اثنا حرام است تا جائیکه آواز امام میرسد آیا این صحیح است یا نه؟

جواب: این صحیح است که اگر یک رکعت فرض فجر را بلکه عند المحققین اگر تشهد را نیز دریافت میتوانست سنت را در یک گوشه اداء نماید وبعد از آن در جماعت شامل شود کذا فی الدر المختار والشامی^(۲). وآن عده مردمی میگویند که بعد از شروع شدن جماعت نماز فجر مطلقاً سنت اداء نمودن حرام است آنان احناف نیستند وایشان در مورد مذهب حنفی خبر ومعلومات ندارند ومذهب احناف همان است که سنت را اداء کند ودر جماعت شرکت نماید لکن حتی المقدور سنت را از مقر قیام جماعتاً در فاصله اداء کند والتفصیل فی کتب الفقه.

در نیت سنت رسول گفتن چگونه است؟ سوال: (۱۶۹۲)

در نیت سنت گفتن سنت رسول الله چگونه است؟

جواب: وكفی مطلق نیت الصلاة وإن یقل لله لنفل وسنة راتبة الخ الدر المختار. یعنی در سنن ونوافل مطلق نیت نماز نیز کافی است وتعین نمون آنکه سنت فجر یا سنت ظهر است این احوط است و اگر در نیت سنت رسول الله ﷺ تذکر نماید باز هم در آن کدام حرج نیست والله اعلم

(۱) ودالمختار باب ادراك الفريضة ج ۱ ص ۶۷۲ طبر

(۲) وإذا خاف فوت ركعتي الفجر لاشتغاله بسننها تركها لكون الجماعة اكمل والأمان رجاء ادراك ركعة في طاهر الرواية وليل التشهد واعتمده المصنف والشربلاني تما للبحر لكن جمعه في النهي، لا يتركها بل يصلها عند باب المسجد ان وجد مكاناً والأمر تركها (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب ادراك الفريضة ج ۱ ص ۶۷۰ و ص ۶۷۲، ط. س. ج ۲ ص ۵۶) وتنها يتوقع تشهد ركعت را ترك نکند. طبر

بالصواب^(۱) فقط

ترک نمودن سنت مؤکد درست نیست: سوال: (۱۶۹۳) در مورد سنن مؤکد بعضی علماء میگویند کہ اگر فرصت برایش باشد آن را اداء کند ورنہ آن را ترک کند درآن کدام حرج نیست آیا این صحیح است یا نہ؟

جواب: ترک نمودن سنت مؤکد بکار نیست حتی المقدور اداء نمودن آن بکار است^(۲) البتہ اگر مضیقہ وقت باشد کہ تنها بمقدار اداء نمودن فرض وقت باقی باشد در این صورت سنت را ترک نماید. فقط

اداء نمودن سنت در خانه: سوال: (۱۶۹۴) (۱) اداء نمودن سنت در خانه فضیلت دارد این حکم در مورد سنت قبلہ وبعیدہ است یا چطور؟

سنت بعد از مغرب: سوال: (۱۶۹۵) (۲) بعد از غرب کہ کدام ترغیب شش رکعت داده شدہ است اگر دورکعت آنها را اداء کند ممکن است یا نہ؟

بعد از فرائض فورا سنت اداء کردن بکار است ویا تاخیر نیز کردہ میتواند؟ سوال: (۱۶۹۶) (۳) بعد از فرائض کہ کدام نوافل است آنها را بعد از فرض فورا اداء کند ویا تا وقتیکہ وقت باقی باشد آن را اداء نمودہ میتواند؟

جواب: (۱) این حکم برای ہر دو سنن است لکن اگر بعد از فرض در حالت رفتن بطرف خانہ یا بعد از رفتن بخانہ احتمال واقع شدن کدام حرج باشد و همچنان احتمال مبتلا شدن در امور دنیایہ باشد درآن صورت سنت را در مسجد اداء کند زیرا همچنان نیز ثابت است.^(۳)

جواب: (۲) در مواد آن شش رکعت کہ کدام فضیلت آمدہ است علاوہ از دو رکعت سنت مؤکد مغرب نیز داخل است و اگر بعد از سنت مغرب تنها دورکعت نقل اداء کند درآن نیز ثواب است^(۴) فقط

(۱) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب شروط الصلوۃ ج ۱ ص ۳۸۸ ، ط. س. ج ۲ ص ۵۱۷. طغیر

(۲) ولہذا كانت السنة المؤکدة قریبہ فی الواجب فی لحوق الاسم كما فی البحر وسترجب نازکھا التظلیل والترم كما فی التحریر ای علی سبیل الإصرار بالأخذ ردالمحتار باب الوتر والنوافل مطلب فی السنن والنوافل ج ۱ ص ۶۳۰ ، ط. س. ج ۲ ص ۱۲. طغیر

(۳) والأفضل فی الفل غیر التراجع الصلوات الخوف شغل منها والأصح التفضیلة ماکان أختش وأخلص (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج ۱ ص ۶۳۸ ، ط. س. ج ۲ ص ۲۲. طغیر

(۴) ويستحب الخ وبت بعد المغرب لیکتب من الأوامین بتسلیمۃ أو ثلاث والاول ادم واشق وهل تحسب المؤکدة من المسحوب ویؤدی الكل بتسلیمۃ واحدة اغتار الکمال نعم والدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج ۱ ص ۶۳۱ ، ط. س. ج ۲ ص ۱۳. طغیر

جواب: (۳) تا وقتی کہ گنجایش وقت نماز باشد تا بہ آن وقت برای نوافل مذکورہ نیز وقت میباشد ^(۱) فقط (اما متصلا اداء نمودن آن اولی است. ظہیر)

حیثیت چہار رکعت سنت ظہر بعد از اداء نمودن فرض: سوال: (۱۶۹۷) نماز فرض ظہر را اداء نمود اکنون چہار رکعت سنت قبلہ نفل گردید یا بر حال خود سنت مؤکد باقی است؟
جواب: تا وقتی کہ وقت باقی است تا بہ آن وقت چہار رکعت سنت قبلہ را اداء کردن سنت مؤکد است اگر قبل از فرض چہار رکعت سنت را اداء نکرد در آن اثنا بعد از فرض اداء نمودن آن بکار است ^(۲) فقط

اگر بفراوموشی در نیت سنت نام فرضی را تذکر نماید چه حکم دارد؟ سوال: (۱۶۹۸) اگر در وقت ظہر یا فجر در نیت سنت مؤکدہ بفراوموشی نیت فرض را کرد این سنت را چگونه ادا کند آیا نیت را بشکند و دوبارہ نیت سنت را بکند و یا قلبا نیت نماید و فرض را بعد از آن اداء کند یا چہ باید کرد؟

جواب: نیت را بشکند و از سر نو نیت سنت را بکند و ثانیاً تکبیر را بہ نیت بگوید. ^(۳)
سنت را در خانہ اداء کردن پیتر اُست: سوال: (۱۶۹۹) من سنت فجر را در خانہ اداء مینمایم و مطابق روایت در المختار و غیرها آن را ترجیح میدهم و از جواب مولانا اشرف علی معلوم میشود کہ سائر سنن مؤکدہ را در مسجد اداء کردن الفضل است تا کہ تشبہ با اہل بدعت نیاید چونکہ در این مناطق تارکین سنن نیست، آیا در اینجا ہمچنان تشبہ با اہل بدعت میشود یا نہ؟
جواب: در احادیثی کہ در مؤرد اداء نمودن سنن و نوافل در خانہ کہ کدام فضیلت آمدہ است مشہور و معروف است و فقہاء کرام نیز علاوہ از تراویح متبای سنن و نوافل را در خانہ اداء نمودن

(۱) لکن بہتر آنست کہ آن را متصل اداء کند زیرا فقہاء می نویسند: ویکرہ تاخیر السنۃ الا بقدر اللہم انت السلام الخ قال الحلبي لا بأس بالفصل بالارواد واختاره الكمال قال الحلبي ان اريد بالكراهة التنزيهية ارفق الخلاف وفي حفضي حمله على القليلة (والدرا المختار على هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة ج ۱ ص ۴۹۴ ، ط. س. ج ۲ ص ۵۳۰). ظہیر

(۲) بحلاف سنۃ الظہر وكذا الجمعة ان خالف فرت ركعة وتركها ويفقد ثم ياتي بها على انها سنة في وقتها اي الظهر (ردمختار) على انها سنة اي اتفاقا وما في الخاتمة و غيرها من انها نفل عدة سنة عندهما فهو من تصرف المصنفين لان المذكور في المسئلة الاختلاف في تقديمها اوتأخيرها والاتفاق على لقائها وهو اتفاق على وقوعها سنة كما حققه في الفتح وتبعه في البحر والهر وشرح النية (ردالمحتار) باب ادراك الفريضة ج ۱ ص ۶۷۲ - ۶۷۳ ، ط. س. ج ۲ ص ۵۸). ظہیر

(۳) رجل الصبح المكتوبة فطن انها تطوع فلهي على نية التطوع حتى فرغ فالصلوة هي المكتوبة ولو كان الامر بالعكس لاجاب بالعكس الخ والية بدون التكبير ليس بمنصرج (عالمگیری كشوری الفصل الرابع في النية ج ۱ ص ۶۴ - ۶۵ ، ط. ماحد ج ۱ ص ۶۶). ظہیر

بہتر فرمودہ اند^(۱) و بزرگان و اکابر احناف مانند حضرت محدث و فقیہ گنگوہی رح تعامل ایشان همچنان مشاہدہ شدہ است و درما حول و اطراف شما و قتیکہ چنان فرقہ اہل بدعت وجود ندارد کہ آنها تارکین سنت باشند پس در فضیلت آن ہیچ اشکالی باقی نمیانند۔ فقط

تسبیحات بعد از فرض و قبل از سنت مؤکدہ: سوال: (۱۷۰۰) یک نفر بعد از نماز فرض و قبل از سنت مؤکدہ تسبیحات و آیت الکرسی را میگوید و سپس از آن سنت مؤکدہ را اداء می نماید و من شنیدہ ام کہ انحضرت ﷺ بعد از نمازہای فرض دعا سلام را میخواندند و فوراً سنت مؤکدش را اداء میفرمودند زیرا ملائکہ فرض و سنت هر دو را بدرگاہ الہی میرند و آن را پیش می نمایند؟

جواب: خواندن آیت الکرسی و تسبیحات قبل از اداء نمودن سنن نیز جائز است و معمول بہ اکابر و بزرگان میباشد و از احادیث هر دو امور ثابت است۔^(۲) فقط

بعد از نماز فرض ظهر معمول چہار رکعت چگونه است؟ سوال: (۱۷۰۱) یک نفر قبل از نماز فرض ظهر چہار رکعت سنت ظهر را اداء میکند و بعد از آن فرض را اداء می نماید و بعد از اداء جماعت فرض ظهر دور رکعت سنت را اداء نمیکند بلکہ بجای دور رکعت چہار رکعت سنت را پیہم یکجا اداء می نماید و علی الدوام همچو تعامل دارد آیا در آن کدام حرج است یا نہ؟

جواب: قال ابن الہمام و صرح جماعۃ من المشائخ انہ یستحب اربع بعد الظهر لحديث روه و هو انه ﷺ قال من صلى اربعاً قبل الظهر واربعاً بعده حرمه الله على النار۔ رواه ابوداؤد و الترمذی و النسائی، ثم اختلف اهل هذا العصر فی انها یعتبر غیر رکعتی الراتبۃ او بہما و علی التقدير الثاني قبل تؤدی بہما بتسلیمۃ واحده اولاً فقال جماعۃ لا لانه ان نوى عند التحريمۃ السنۃ لم یصدق فی الشفع الثاني او المستحب لم یصدق فی السنۃ و وقع عندی انہ اذا صلى اربعاً بعد الظهر بتسلیمۃ او ثنتين لم یصدق فی السنۃ و وقع عندی انہ اذا صلى اربعاً بعد الظهر بتسلیمۃ او ثنتين وقع عن

(۱) و الافضل فی النفل غیر التراويح المنزل الا ليعرف فعل منها و الاصح الصلۃ ماکان اعشع و اعلمس (الدرد المحتار علی هامش ردالمحتار باب الوتر و التوافل ج ۱ ص ۶۳۸، ط. س. ج ۲ ص ۲۲۲). ظہیر

(۲) و عن المعبرۃ بن شعبۃ ان النبی ﷺ کان یقول فی دبر کل صلوة مكتوبة لا اله الا الله وحده لا شریک له الخ متفق علیہ (مشکوٰۃ باب الذکر بعد الصلوة ص ۸۸) و عن علی قال سمعت رسول الله ﷺ علی اعراف هذا العصر یقول من قرء آیت الکرسی فی دبر کل صلوة لم یسمہ من دخول الجہۃ الا الموت الخ قال اسناده ضعیف (ایضاً ص ۸۹) قال الحلواني لا یباس بالتمصل بالازداد و اختاره الکمال (الدرد المحتار علی هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة ج ۱ ص ۴۹۴، ط. س. ج ۱ ص ۴۳۰). ظہیر

السنة والمندوب سواء احسسه الراتبه او لا. فتح القدیر ص ۳۸۶ مصری. پس واضح گردید که اگر کسی بر استحباب عمل می نماید وبعد از فرض ظهر تنها چهار رکعت را اداء میکند و دو رکعت سنت را علیحده نمیکند فلهاذا بنا بر تحقیق ابن همام رح در این هیچ حرج نیست در آن چهار رکعت دو رکعت خود بخود سنت محسوب خواهد شد خواه نیت آن را کرده باشد یا نه البته مختار آنست که چهار رکعت را بعد از فرض ظهر به دو سلام اداء کند بخاطر آنکه در آن مورد کسی را اختلاف باقی نماند و بر آن حدیث نیز عمل شود که در آن آمده است: عن عائشة (رض) کان النبی ﷺ یصلی قبل الظهر أربعاً وبعدها رکعتین، ^(۱) الحدیث. رواء مسلم وأبو داود، از روایت فوق چنان معلوم میشود که عادت مستمره نبی اکرم ﷺ قسماً بود که دو رکعت سنت را بعد از نماز فرض ظهر اداء می نمودند و برای آنکه در آن کمال اتباع سرور کائنات حضرت محمد ﷺ است که دو رکعت سنت را علیحده بعد از فرض با اهتمام اداء نکند و بر چهار رکعت تداوم نمودن و دو رکعت سنت را علیحده نکردن مانع عمل بر حدیث حضرت عائشة رض است و در اینده رعایت آن را در نظر داشتن بکار است. فقط

بعد از فرض تا به کدام حد تاخیر درست است: سوال: (۱۷۰۲) بعد از تأخیر نمودن در سنت تا به کدام مقدار مستحب است و از کدام حد اضافه تر مکروه است بناء در آن مورد قول مفتی به احناف (رح) را با دلائل ذکر فرمائید؟

جواب: در درالمختار مذکور است: ویکره تأخیر السنة الا بقدر اللهم أنت السلام ^(۲) الخ، لکن مطلبش اینست که این امر تقریبی است بناء اگر از آن دعای بیشتر و غیره شود نیز در آن حرج نیست و صحیح آنست که در آن فصل بالا و راد کدام قباحث ندارد کما هو معمول مشایخنا قال الحلواني: لا بأس بالفصل بالا و راد واختاره الکمال ^(۳). فقط

بعد از فرائض سنت را در خانه اداء کند یا در مسجد؟ سوال: (۱۷۰۳) بعد از فرائض سنت را هر کسی در خانه خویش اداء کند یا در مسجد؟

جواب: فی الشامی: لاتفاق کلمة المشایخ علی ان الافضل فی السنن حتی سنة المغرب المنزل

(۱) مطالعه کنید: مشکوٰۃ باب السنن ص ۱۰۴. ظفر

(۲) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة ج ۱ ص ۴۹۴، ط. س. ج ۱ ص ۵۳۰. ظفر

(۳) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة ج ۱ ص ۴۹۴، ط. س. ج ۱ ص ۵۳۰. ظفر

ای فلا یکره الفصل بمسافة الطريق، شامی اوپہ بل خای کی مذکور دی: والافضل فی النفل غیر التراویح المنزل الا لخوف شغل عنها والاصح افضلیة ماکان اخشع واخص^(۱)، از آن عبارت آخری واضح گردید کہ کدام اخشع واخص باشد همان بہتر است اگر در اداء نمودن آن در مسجد خشوع زیاد باشد و اخلاص بیشتر باشد و در صورت رفتن بہ خانہ در آن خوف تأخیر و غیرہ احساس شود در آن وقت در مسجد اداء نمودن سنن بہتر است. فقط

بعد از سنن و نوافل دعا انفرادا است واجتماعا ثابت نیست: سوال: (۱۷۰۴) بعد از سنن و نوافل نیز دعا خواستن بکار است یا نہ؟ و یا بمجرد سلام گردانیدن رفتن بکار است اگر یک عالم بعد از سنن و نوافل دعا نخواست و بلا دعا رفت قابل نیکویش است یا نہ؟ و هرکسی کہ خودش دعا نمیکند و دعا کنندگان را تقبیح میکند و آنها را بد ورد میگوید و از دعا ایشان را منع می نماید آیا او تمایل ملامتی است یا نہ؟

جواب: بعد از دعا نمودن فرائض متفرق و پراکنده شدن بکار است و بعد از اداء نمودن سنن و نوافل برای مقتدیان پایبندی و اہتمام دعای اجتماعی کردن بکار نیست و بعد از فرائض اگر کسی بطور مثال خانہ میرود و در آنجا سنت را اداء میکند او چرا پایبند کردہ شود الغرض ہر کسی کہ همچو تعامل دارد لائق نیکویش و ملامتی نیست و این طریقہ کہ ہر کسی کہ بعد از اداء نمودن سنن و نوافل فارغ شود او دعا بخواہد و برود و یا بعد از فرائض فوراً بخانہ برود و در آنجا سنت را اداء کند و در آن ہیچ نوع مضایقہ نمودن بکار نیست. فقط

قرائت در سنن ذی الشفعین: سوال: (۱۷۰۵) در سنن مؤکدہ ذی شفعین در ہر شفعہ آن قرائت واجب است یا فقط در شفعہ اولین؟

جواب: در ہر چہار رکعت قرائت واجب است^(۲). فقط

اگر امام از محراب علیحدہ شود و سنت را اداء می نماید وجہ آن چیست؟ سوال:

(۱۷۰۶). امام اگر از مصلی جماعت علیحدہ شود سنت و نفل را اداء می نماید بناء اصل علت آن چیست؟ و اگر بر آن جای نماز سنت و نفل را اداء کند چگونہ خواہد بود؟

(۱) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج ۱ ص ۶۳۸، ط. س. ج ۲ ص ۲۲. ظہیر

(۲) و نفرض القراءة عملا فی رکعتی الفرض الخ و کل الفل للمفرد ولان کل شفع صلاة الخ و کل الوتر احتیاطا. الدرالمختار علی هامش

ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج ۱ ص ۶۴۴، ط. س. ج ۲ ص ۲۸. ظہیر

جواب: اکنون اصل علت رفع اشتباه است و این بهتر است که در صورت اشتباه در مکان علیحدہ سنت و نفل را اداء کند ^(۱) لکن اگر بر نفس مصلی نماز نفل سنت را اداء کند نیز درست است. لان بالسلام یحصل الفصل و کدما علت اصلی کہ در حدیث مذکور است کہ خلط فرائض بالنوافل و احتمال گمان زیادت فریضہ است، الآن باقی نیست.

اگر سنت قبلیہ جمعہ را اداء کردہ نتوانست چہ باید کرد؟ سوال: (۱۷۰۷) اگر چہار رکعت سنت قبلیہ جمعہ ترک شود آیا بعد از فرض جمعہ آن را اداء کند یا نہ؟

جواب: بعد از اداء نماز جمعہ آن سنت قبلیہ را اداء کند ^(۲).

در میان سنت و فرض سخت دنیای گفتن موجب گاهش ثواب میشود؟ سوال: (۱۷۰۸)

هل الكلام الدنيوي بين السنة التي قبل الظهر والتي قبل الفجر وبين فرضيهما مفسد للسنة ام موجب لانحطاط ثواب السنة؟ وأيضا الاكل والشرب؟

جواب: موجب لنقص الثواب لافساده لها قال في الدر المختار ولو تكلم بين السنة والفرض لا يسقطها ولكن ينقص ثوابها ^(۳). فقط

وقتیکہ سنت فجر ترک شود آن را چہ وقت اداء کند؟ سوال: (۱۷۰۹) کسی کہ سنت

لجر را اداء نکرد و در فرض شرکت ورزید اکنون سنت را چہ وقت ادا کند؟

جواب: اکنون اعادہ سنت را بعد از فرض نکند بلکه بعد از طلوع آفتاب آن را اداء کند و این نفل خواهد شد ^(۴). فقط

(۱) ویکره للامام التفل فی مکاتہ لا للزوم ولیل یستحب کسر الصفوف ولی الغایۃ یستحب للامام التحول لیمن القبلة یعنی یسار المصلی لتفل او ورد وغیرہ فی المنیۃ بین تحویلہا بینا و شمالا و اما ما و خلفا و ذهابہ لیمنہ الخ (در مختار) قوله ویکره الخ بل یحول الخ وکذا یکره مکة فاعلم فی مکاتہ مستقبل القبلة لا صلاة لا تطوع بعدھا و الکراہۃ لتزہیۃ کما دلت علیہ حیاۃ الغایۃ الخ وقال لان الملتصق من الانحراف وحر زوال الاشیاء ای اشتباه آنہ فی الصلوة (رد المحتار قبل فصل فی القراءة ج ۱ ص ۴۹۵ و ۴۹۶ ، ط. س. ج. ۱ ص ۵۳۱). فقیر

(۲) ولا یقضیہا الا بطریق النیجۃ للقاء فرضہا قبل الزوال لا بعده بخلاف سنة الظهر وکذا الجمعة لانه ان خاف فوت رکعة ینترکہا ینتدی لم یاتی بها علی أنها سنة فی وقته قبل شفعہ عند محمد وبہ یفتی (الدر المختار علی هامش و رد المحتار ج ۱ ص ۶۷۲ باب ادراک الفریضۃ ، ط. س. ج ۲ ص ۵۷). فقیر

(۳) الدر المختار باب الوتر والنوافل ج ۱ ص ۶۹۵ ، ط. س. ج. ۲ ص ۱۹. فقیر

(۴) وإذا خاف فوت رکعتی الفجر لاشتغاله یسنتها ترکھا والا لا، ولا یقضیہا الا بطریق النیجۃ بقضاء فرضہا قبل الزوال لا بعده (در مختار) اما اذا فات احدھا فلا تقضى قبل طلوع الشمس بالاجماع لکراہۃ الفل بعد الصبح اما بعد طلوع الشمس فکذا لکذا عندھا وقال محمد احب الیّ ان یقضیہا الی الزوال الخ وقال یفتی وان قضا فلا بأس الخ وقال الخلف ان اتہ لوقتی کان نفلًا مبدأ ارسنہ کذا فی الغایۃ یعنی مثلا عندھا سنة عنده کما ذکرہ فی الکافی استعمل (رد المحتار باب ادراک الفریضۃ ج ۱ ص ۶۷۰ و ۶۷۲ ، ط. س. ج. ۲ ص ۵۷ =

تداوم بر سورۃ کافرون وسورۃ إخلاص در سنت فجر ومغرب وحکم آن: سوال: (۱۷۱۰)

آیا جناب نبی اکرم ﷺ در اولین رکعت فجر ومغرب (قل یا ایہا الکافرون) ودر رکعت دومین ایشان (قل هو اللہ احد) را علی التداوم تلاوت می نمودند و اگر کسی بر آن تداوم نماید آیا نمازش مکروه خواهد شد یا نه؟

جواب: تداوم همچنان نشده است زیرا در حدیث چنین آمده است کہ احیاناً نبی اکرم ﷺ در سنن سورۃ کافرون و (قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ) را قرائت می نمودند و احیاناً (قُولُوا اٰمَنَّا بِاللّٰهِ) و (قُلْ يٰ اَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا) الایۃ را قرائت فرموده اند کما ورد فی الحصن الحصین، و اگر کسی آن دو سورت ها را در سنت فجر مستحب پنداشته تلاوت می نماید در آن کراهیت نیست لکن بہتر آنست کہ احیاناً یک سورۃ دیگر یا (قُولُوا اٰمَنَّا بِاللّٰهِ) الایۃ وغیرہ را قرائت کند. ^(۱) فقط

اگر سنت فجر بعد از فرض اداء شود آیا در آن حوج است؟ سوال: (۱۷۱۱) اگر سنت فجر را اداء نمود بخاطر آنکہ جماعت ترک نگردد بناءً قبل از طلوع آفتاب اداء نمودن آن سنت چگونہ است؟ حالانکہ بعضی مردم اداء نمودن آن را بعد از طلوع آفتاب بہتر میگویند؟

جواب: بعد از اداء نمودن فرض و قبل از طلوع آفتاب اداء کردن سنت مکروه است اگر میخواید قضاء آن را بیاورد بعد از طلوع آفتاب آن را اداء کند ورنہ نیازی برای آن نیز احساس نمیشود زیرا بطور استقلال قضاء سنت نیامده است البتہ اگر فرض همچنان باہم قضاء شدہ بود در آن صورت قبل الزوال قضاء سنت را نیز بجا آورد شامی در تحت قول در المختار: ولا یقضیہا إلا بطریق التبعیۃ، می نویسد: ای لا یقضی سنۃ الفجر إلا إذا فاتت مع الفجر لیقضیہا تبعاً لقضائہ لو قبل الزوال واما اذا فاتت احدہما فلا تقضی قبل طلوع الشمس بالاجماع الکراہۃ النفل بعد الصبح واما بعد طلوع الشمس فکذلک عندہما وقال محمد (رح) احب الی ان یقضیہا الی الزوال کما فی الدر المختار الخ. ^(۲) فقط

= ص ۵۶. ظہیر الدین غفر لہ

(۱) و کرہ عندنا و عند مالک تعین سورۃ ای غیر الفاتحۃ لصلۃ من الصلوات الخ و لہ الطحاوی و الاسیجانی الکراہۃ فیما اعتقد ان الصلوۃ لا تجزئ بغيرها واما اذا لم یحط ذلک و لازمها یسہلہا علیہ او تبرکاً بقراءۃ النبی ﷺ ایہا کقراءۃ سبح اسم ربک یاہیا الکافرون و الاخلاص فی الوتر و قراءۃ الکافرون و الاخلاص فی سنۃ الفجر و المغرب الخ فلا یکرہ بل یحکم حسناً فترکہ مطلقاً غیر مستحسن الخ (شرح تلبیہ فصل فی القراءۃ ج ۱ ص ۸۳). ظہیر

(۲) و دالمحار باب ادراک الفریضۃ ج ۱ ص ۱۷۲، ط. س. ج ۲ ص ۵۷. ظہیر

نفل را قیاما اداء نمودن افضل است یا به نشستن؟ سوال: (۱۷۱۲) (۱) نوافل کہ بعد از نمازهای پنجگانه اداء میشود آیا آنها را بالالتزام در حالت قعود اداء نمودن بکار است یا در حالت قیام اداء کردن افضل است؟

آیا بعد از رسیدن بمسجد نخست بنشیند سپس سنت را اداء کند؟ سوال: (۱۷۱۳) (۲) در اینجا علی العموم مردم معتقد اند و قتیکه برای نماز بمسجد بروند بعد از تکمیل وضوء ساعت اندک بنشیند سپس از آن قیام نمایند و نیت نماز را بکند و این طریقہ و تعامل را مانند فرض و واجب می پندارند بناءً آیا این طرز العمل از احادیث ثابت است یا خیر؟

جواب: (۱) اگر بنا بر معذرت نفل را نشسته اداء می نمایند جائز است و با شخصی که ایستاده نفل را اداء می نماید در فضیلت یکسان میباشد: کما فی جامع الرموز نقلاً عن النہایة إن أجر صلوۃ القاعد بعد یسوی صلوۃ القائم بالاجماع^(۱) الخ اگر چه قول بعضی آنست کہ در صورت ذکر شدہ تنها در ازالۃ مآثم صاحب عذر و سالم یکسان اند لکن قول اول زیادتر مشہور است و اگر بغیر از عذر نوافل را استثناء از شفعہ بعد الوتر نشسته اداء می نمایند در آن صورت مع الجواز در ثواب حتماً مناصفہ میباشد: قال فی الہدایۃ: ویصلی النافله قاعداً مع القدرة علی القيام لقوله ﷺ صلوۃ القاعد علی نصف من صلوۃ القائم^(۲). و این جواز در چنان صورت است کہ در آن التزام اداء نمودن بقعود نباشد تا کہ در نظر ناظرین گمان سُنیت یا وجوب اداء کردن نماز بشتن عذور نکند چنانچہ در بعضی مناطق بعد از نماز ظهر و مغرب در میان مردم دو کعت نماز اداء کردن بجُلوس مروج شدہ است و عوام آن منطقہ این نشستن را شرعاً لازم می پندارند بناءً در همچو مکانها نشستن مذکور بلا شک مکروه است: کما فی الخیرۃ: جلد ۲ صفحہ ۳۲۳: کل مباح یؤدی الی زعم الجہال سنیۃ امر و وجوبہ فہو مکروه آہ نقلاً عن القنیۃ، فلہذا در این مورد اصرار نمودن زید در آن قاعدہ داخل میباشد و کوشش نمودن بکار است کہ عادت فوق ترک شود، و اما نفل بعد الوتر از آن قاعدہ مستثنا است زیرا کہ اداء کردن آن بنشستن بحدیث ثابت است. فقط

جواب: (۲) مسنون همان است کہ بمسجد رفتن و بغیر از نشستن دور کعت تحیۃ المسجد را اداء

(۱) جامع الرموز: ظہیر

(۲) ہدایہ باب النوافل ح ۱ ص ۱۳۳ . ظہیر

کند و اگر نخست نشست شاید که این ترک اولی باشد و فقهاء کرام (رح) حدیث صحیحین را بر ترک اولی حمل نموده اند. بعد از نشستن اداء نمودن آن را ضروری پنداشتن بر دو وجه خلاف مشروع است یکی آنکه خلاف حدیث صحیحین است: إذا دخل احدکم المسجد فلا يجلس حتى یصلی رکعتین و دوم آنکه طبق قاعده مذکوره این طرز و طریقه نیز مکروه میباشد کما فی الخیرة: جلد ۲ ص ۳۳۳: کل مباح یؤدی الی زعم الجهال سبیه امر او وجوبه فهو مکروه آه نقلاً عن القنیة.

در حالت نشستن نفل اداء نمودن باعث ثواب است یا نه؟ سوال: (۱۷۱۳) در حالت قعود نفل اداء کردن موجب ثواب است یا نه؟ و همچنان بعد الوتر حکم نفل چیست؟

جواب: اگر نفل را نشسته اداء مینماید در آن صورت طبق احادیث نصف ثواب برایش حاصل میشود^(۱).

صلاة الاوابین: سوال: (۱۷۱۴) صلاة الاوابین را بیست رکعت اداء نمودن بکار است یا شش رکعت صحیح کدام است؟

جواب: در مورد صلاة الاوابین هر دو روایت صحیح است زیرا شش رکعت نیز آمده است و بیست رکعت همچنان آمده است و هر یکی آن را که اداء کرد بهتر و خویتر است اما مذهب اکثر علماء آنست که شش رکعت است^(۲). فقط

بعد از وتر نفل را نشسته اداء کند یا ایستاده؟ سوال: (۱۷۱۵) بعد از وتر نوافل را نشسته اداء نمودن بهتر است یا به ایستادن؟ و آیا به اداء نمودن نوافل در حالت نشستن همانقدر ثواب حاصل میگردد چنانچه به ایستادن حاصل میشود؟

جواب: در اداء نمودن نوافل در حالت نشستن عموماً و مطلقاً ثواب نصف حاصل میشود و آن حضرت ﷺ از آن حکم مستثنی است زیرا برای آنجناب ﷺ در آن صورت ثواب کامل حاصل

(۱) و یصل مع لدره علی القيام قاعداً ابتداء و بقاء (الی قوله) ولیه اجر غیر النبی ﷺ الصف الا بعذر (در مختار) ففی صحیح مسلم عن عبدالله بن عمرو قلت حدثت رسول الله انک قلت صلاة الرجل قاعداً علی نصف الصلوة وانت تعلی قاعداً قال اجل ولیکی لست کاخذ حکم (الی قوله) حدیث البخاری من صلی لثما فهو الفضل ومن صلی قاعداً فله نصف اجر القائم الخ (ردالمحتار باب الوتر والوافل ج ۱ ص ۶۵۲).
ظفر الدین غفر له

(۲) وان تطوع بعد المغرب بیست رکعات کتب من الاوابین الخ (غنیة المستملی ص ۳۲۹) بعد مغرب دو رکعت سنت و بعد از آن شش رکعت دیگر مستحب است آن و اصلوة الاوابین گرنه و بروایی بعد مغرب بیست رکعت آمده (ما لا ید منه ص ۹۷) عن عائشة رضی اللہ عنہا قالت قال رسول الله ﷺ من صلی بعد المغرب عشرين رکعة بنی الله له بها فی الجنة رواه الترمذی (مشکوٰۃ باب السنن ص ۱۰۴). ظفر

میگردید، بناء بعد از وتر بنشستن اداء نمودن نوافل موافق قاعده اداء کننده مستحق نيم ثواب میباشد البته بعضي علماء میفرمایند که بعضی از وتر دو کعت نفل را نشسته اداء کردن مستحب است، چنانچه قاضي ثناء الله صاحب نیز ان را اختیار نموده است ^(۱) بخاطر آنکه از آنحضرت ﷺ همچنان ثابت است، حضرت مولانا گنگوہي (رح) در مورد نوافل بعد الوتر نیز اگر نشسته اداء شود ثواب آن را نصف فرموده است و همین سخن راجع معلوم میشود ^(۲).

نوافل قبل الوتر وبعد الوتر: سوال: (۱۷۱۶) در وقت عشاء کدام نوافل بعد الوتر و قبل الوتر است در آن ترجیح برای کدام است؟

جواب: در وقت نماز عشاء بعد از ادا نمودن فرض دو رکعت سنت مؤکده است و بعد از آن چهار رکعت یا دو رکعت نفل و مستحب است و سپس از آن وتر را اداء کند و بعد از وتر نفل نیست یعنی قسمیکه مروج است بعد از وتر دو کعت را نشسته اداء میکنند در آن مورد حکم نیست. فقط

بعد از اقامت سنت فجر را تا به کدام وقت اداء کرده میتواند؟ سوال: (۱۷۱۷) بعد از جماعت فجر سنت را تا به چه وقت اداء کرده میتواند؟ اگر سنت را اداء نکرد و با جماعت شریک شد بناء سنت را چه وقت اداء نمودن بکار است و همچنان بعد از اقامت سنت را در کجا اداء کند؟

جواب: بعد از آنکه تکبیر نماز فجر خوانده شد نیز اداء نمودن سنت بکار است لکن آن مکان سنت را اداء نکنند در جائیکه فرض خوانده میشود بلکه اگر جماعت در داخل قائم باشد در خارج بالای فرش بلکه از فرش جدا اگر گنجایش باشد در آنجا سنت را اداء کند و در فرض شامل شود اگر امید دریافتن یک رکعت فرض باشد باز هم سنت را اداء کند و بعضي فرموده اند

(۱) و یقتل مع لقرنه علی القيام قاعدا لا مضطجعا الا بعذر ابتداء و کذا بناءً بعد الشروع بلا کراهة فی الاصح کمکب، بحر، ولیہ اجر غیر النبی ﷺ علی النصف الا بعذر (در مختار) اما النبی ﷺ فمن خصائصه ان نالفته قاعدا مع القدرة علی القيام کافله قائما فی صحیح مسلم عن عبد الله بن عمرو قلت حدثت یارسول الله انک قلت صلوة الرجل قاعدا علی نصف الصلاة وانت تعلی قاعدا قال اجل ولکی لست کاحد منکم بحر، ملخصاً (رد المحتار باب الوتر والنوافل ج ۱ ص ۶۵۲، ط. س. ج ۲ ص ۳۹)، ظفر.

(۲) و یقتل مع لقرنه علی القيام قاعدا لا مضطجعا الا بعذر ابتداء و کذا بناءً بعد الشروع بلا کراهة فی الاصح کمکب، بحر، ولیہ اجر غیر النبی ﷺ علی النصف الا بعذر (در مختار) اما النبی ﷺ فمن خصائصه ان نالفته قاعدا مع القدرة علی القيام کافله قائما فی صحیح مسلم عن عبد الله بن عمرو قلت حدثت یارسول الله انک قلت صلوة الرجل قاعدا علی نصف الصلاة وانت تعلی قاعدا قال اجل ولکی لست کاحد منکم بحر، ملخصاً (رد المحتار باب الوتر والنوافل ج ۱ ص ۶۵۲، ط. س. ج ۲ ص ۳۹)، ظفر.

(۱) اگر التحیات را دریافت نموده می‌تواند نیز سنت را اداء کند بهر حال چونکه در مورد سنت فجر تاکید زیاد شده است بناءً آن را ترک نباید کرد لکن در آن مکان آن را اداء نکند در جائیکه جماعت فرض قائم و اداء می‌گردد (۲) و در آن مورد آثار صحاح کرام رض نیز موجود است و تحقیق این موضوع در شرح منیه است و اگر سنت را اداء نکرد وبا امام شریک شد سپس بعد از فرض و قبل از طلوع آفتاب سنت را اداء نکند و اگر بعد از طلوع آفتاب آن را اداء می نماید برایش اختیار است زیرا اکنون آن نفل است اگر می‌خواهد آن را اداء کند ورنه اداء نکند (۳) فقط

مسائل سنن غیر مؤکده

بعد الوتر نوافل درست است: سوال: (۱۷۱۸) بعضی مردم می‌گویند که بعد الوتر هیچ سجده نیست و آن عده مردم که بعد از وتر آن را می‌کنند جائز نیست این سخن تا بکدام حد درست است؟

جواب: بعد الوتر ادا نمودن نفل جائز است چنانچه بعضی صحابه کرام (رض) بعد از عشاء وتر را اداء می‌کردند و در آخر شب تهجد اداء نمودند فلهمذا معلوم شد که بعد الوتر نوافل ممنوع نیست علاوه از آن جناب نبی اکرم ﷺ بعد الوتر دو رکعت نفل اداء نموده اند البته بعد الوتر یا بعد از نمازهای دیگر بغیر از کدام وجه علیحده سجده کردن ممنوع است چنانچه در الدر المختار مذکور است: لکنها تکره بعد الصلوة الخ (۴) فقط.

جماعت در تهجد و رمضان: سوال: (۱۷۱۹) (۱) نماز تهجد را در ماه مبارک رمضان با جماعت اداء نمودن و در آن قرآن شریف را شنیدن بکار است یا نه؟

جماعت سائر نوافل: سوال: (۱۷۲۰) (۲) علاوه از تراویح و تهجد سائر نوافل را باجماعت اداء

(۱) و اذا حال فوت رکعتی الفجر لاشتغاله بسننها ترکها (الی قوله) و الاً بان رجاء ادراک رکعة فی ظاهر الملعب و قبل الشاهد و اعتمدہ المصنف و الشرح لایما لیس (الدر المختار علی هامش رد المحتار ج ۱ ص ۶۷۰ ط. س. ج ۳ ص ۵۶). ظفر

(۲) لا یترکها بل یصلیها عند باب المسجد ان وجد مکاناً و الاً ترکها لان ترک المکرره مقدم علی فعل السنة (در مختار) قوله باب المسجد ای خارج المسجد (الی قوله) فاذا لم یکن علی باب المسجد موضع للصلوة یصلیها فی المسجد خلف سارية من سوارى المسجد و اشدها کراهة ان یصلیها مخالفاً للصف (مخالفة للجماعة) (رد المحتار ج ۱ ص ۶۷۱ ط. س. ج ۳ ص ۵۶). ظفر

(۳) و اما لو فاتت و حدها فلا تغنی قبل طلوع الشمس (الی قوله) قوله احب الی دلیل علی انه لو لم یفعل لا لزم علیه الخ و قال الخلاف فی انه لو فرضی کان نفلاً مبتدأ اوسته (ایضا ج ۱ ص ۶۷۲ ط. س. ج ۳ ص ۵۶). ظفر

(۴) الدر المختار علی هامش رد المحتار باب سجود التلاوة مطلب فی سجدة الشکر ج ۱ ص ۷۳۱ ط. س. ج ۳ ص ۱۲۰. ظفر

نمودن و در آن قرآن کریم را قرائت کردن و سمع نمودن جائز است یا نه؟

بعد از رمضان جماعت تہجد و نوافل: سوال: (۱۷۲۱) (۳) علاوہ از رمضان المبارک نوافل

و تہجد را با جماعت اداء نمودن جائز است یا نہ؟

جواب: (۱۹) اقول وبالله التوفیق: نماز تہجدی را بتداعی (مردم را دعوت کردن) بجماعت اداء نمودن مکروہ است و نبی اکرم ﷺ کہ در سہ شب جماعت آن را اداء نمودہ بودند آن نماز تراویح بود و از تحقیق علامہ شامی نیز ہمین ظاہر میشود و حضرت مولانا حجة الواصلین قدوة العارفين عمدة الفقهاء والمحدثین مولانا رشید احمد گنگوہی (رح) در رسالہ تراویح خویش نیز همان تحقیق را فرمودہ است و همچنان بعد از نقل نمودن حدیث مذکور میفرماید: از آن معلوم میشود کہ ہر دو نماز تراویح و تہجد جدا جدا میباشند و جناب رسول اللہ ﷺ علی الدوام تہجد را اداء می نمودند و هیچگاہ ابتداعی جماعت آن را نفرمودہ اند الخ و در جای دیگر در رسالہ مذکور میفرماید: و از فعل جناب رسول اللہ ﷺ صراحتہ ثابت نشدہ است و قتیکہ ایشان سہ روز تراویح اداء فرمودہ بودند و در آخر تہجد نمودہ بودند یا نہ؟ واللہ اعلم. (لکن از فعل بعضی صاحب کرام نشانی آن معلوم میشود الخ پس از آن تحریر میفرماید: لہذا اگر رسول اکرم ﷺ تمامی شب در تراویح سہری نمودہ باشند بناء و ہم تہجد در آن تداخل شدہ است الخ. غرض آنکہ حضرت مولانا قدس سرہ عین تحقیق را فرمودہ است کہ کدام نمازہای را کہ آن حضرت ﷺ سہ روز در رمضان بجماعت اداء فرمودہ بودند آن نماز تراویح بود و نماز تہجد را علیحدہ اداء نمودہ بودند و یا تداخل شدہ است و دیگر آنکہ نماز تہجد بجماعت نیست ہمین سخن از اکثر احادیث ثابت میگردد لفقہاء و علماء احناف همان تحقیق را فرمودہ اند و در الدر المختار مذکور است: ولا یصلی الوتر ولا التطوع بجماعة خارج رمضان ای یکرہ ذلک لوعلى سبيل التداعي بان يقتدي اربعة بواحد الخ، الدر المختار. و از آن روایت کہ در رمضان المبارک اداء نمودن تطوع بجماعت مفہوم میشود مراد از آن نماز تراویح است قسمیکہ علامہ شامی در آن موقع تحریر فرمودہ است: ویؤیدہ ایضا ما فی البدائع من قوله أن الجماعة فی التطوع لیست بسنة إلا فی قیام رمضان آہ شامی^(۱) و همچنان میفرماید: والنفل بالجماعة غیر مستحب^(۲) لانه

(۱) الدر المختار علی هامش رد المحتار باب الوتر والنوافل بعد بحث التطوع ج ۱ ص ۶۶۳ ط. س. ج ۲ ص ۴۸ طغیر

(۲) ایضا. طغیر الدین

لم تفعله الصحابة في غير رمضان الخ شامي وظاهر است که کدام جماعت را کہ صحابہ کرام در رمضان شریف اداء کرده بودند آن جماعت تراویح بود چنانچہ از فعل حضرت عمر (رض) و سائر صحابہ کرام ظاهر است و اطلاق قیام رمضان نیز بر آن کرده شدہ است.

حکم نوافل بتداعی در رمضان المبارک: سوال: (۱۷۲۲) (۱) در ماه رمضان المبارک

بتداعی کدام جماعت نفل بلا کراہیت جائز است؟

تفصیل تداعی و کراہیت: سوال: (۱۷۲۳) (۲) در عبارات کتاب ہای فقہ مراد از تداعی

چیست و از مکروہ چہ مراد است تحریمی یا تنزیہی؟ *

علاوہ از ماہ رمضان آیا در ماہ ہای دیگر جماعت وتر درست است؟ سوال: (۱۷۲۴) (۳)

فتح القدیر کتاب الصلاة در تحت این قول ہدایہ: ولا یصلی الوتر بجماعة في غير شهر رمضان عليه اجماع المسلمين است: لانہ نقل من وجہ والجماعة في النفل في غير رمضان مکروہ، فلہذا علاوہ از ماہ رمضان اگر وتر بجماعت اداء شود آیا کراہیت تحریمی باشد یا تنزیہی و همچنان در آن فرق میان تداعی و غیر تداعی باشد یا نہ؟

در رمضان تہجد بجماعت: سوال: (۱۷۲۵) (۴) علیٰ ہذا حکم جماعت تہجد در رمضان

چیست؟

در رمضان در تہجد اگر دو یا چہار نفر دوچار شوند؟ سوال: (۱۷۲۶) (۵) اگر یک

شخص در رمضان بتہجد آغاز نماید و در ادا تنہا دو یا چہار مسلمان بیابند و بدنبال او اقتداء نمایند چہ حکم دارد؟

جواب: (۱ - ۲) قال في الدر المختار: ولا یصلی الوتر ولا التطوع بجماعة خارج رمضان اي بکرہ ذلک علی سبیل التداعی أن یقتدی أربعة بواحد الخ ^(۱) در ماہ مبارک رمضان بتداعی جماعت وتر و تراویح جائز مشروع و مستنون است و متباقی نوافل علاوہ از تراویح در رمضان المبارک بتداعی نیز مکروہ است و معنی تداعی را صاحب در المختار بیان فرمودہ است کہ: بأن یقتدی أربعة بواحد.

جواب: (۳) اگر احیاناً اتفاقاً باشد کراہیت تنزیہی است و اگر بر آن مواظبت شود در آن

صورت کراہیت تحریمی میباشد خواہ بتداعی باشد یا بلا تداعی باشد، ثم إن کان ذلک احیاناً

کما فعل عمر رض کان مباحاً غیر مکروه ای تحریمی وإن کان علی سبیل المواظبة کان بدعة مکروهة لانه خلاف المتوارث. شامي^(۱) از توضیح فوق معلوم شد که در آن تداعی و غیر تداعی یکسان میباشد و لفظ بدعت دلالت می نماید بر کراهیت تحریمی کما لایخفی.

جواب: (۴) بغیر از تداعی جائز است و اما با تداعی مکروه تحریمی میباشد^(۲).

جواب: (۵) اقتداء یک یا دو بلا کراهیت جایز است و اما در سه خلاف است و از آن زیاد مکروه است: (قوله أربعة بواحد) اما اقتداء واحد بواحد او اثنين بواحد فلا یکره وثلاثة بواحد فيه خلاف بحر عن الکافی وهل يحصل بهذا الاقتداء فضيلة الجماعة ظاهر ما قدمناه من أن الجماعة في التطوع ليست بسنة يفيد عدمه، تأمل، بقي لو اقتدى به واحد او اثنان ثم جاءت جماعة اقتدوا به قال الرضی ینبغي ان تكون الکراهة علی المتأخرين شامي^(۳) بناء واضح گردید که اگر بنا بر شهرت در جماعت افزایش آمد تداعی خود بخود ثابت گردید و بر امام لازم شد که آن را منع نماید. فقط

نوافل در شب قدر شب برات و متراج: سوال: (۱۷۲۷) در شب قدر شب معراج و شب برات

و مانند همجو شبها در مساجد جمع شدن نوافل نمودن و وظائف قرائت کردن چگونه است؟

جواب: احیان نمودن همجو شبها مستحب است و عند الله شب های مذکور بسیار مبارک و مملوء فیض است و در آن شب ها هر قدر یک عبادت شود باعث اجر مزید است، لکن نوافل را باجماعت اداء نمودن بکار نیست زیرا که بدعت و مکروه است^(۱) بلکه هر واحد جدا و علیحده

(۱) و dalamختار باب الوتر و النوافل بعد مبحث التراويح ج ۱ ص ۶۶۳، ط. س. ج ۲ ص ۴۸. ظفر

(۲) دلیل همان است که در مسئله اولی نقل کرده شد لکن شیخ الاسلام حضرت مفتی رح تهجد را در رمضان المبارک باجماعت اداء می نمود و در استدلال که کدام وقت عبادت فلاح الاری و غیره را نقل می نمود در آنجا این عبارت شامی را نیز نقل می فرمود: و النفل بالجماعة غیر مستحب لانه لم یفعله فی غیر رمضان ایضا، و نیز میفرمودند که تهجد همچنان در نوافل رمضان داخل است و مفتی علام بوجه لفظ بدعت مکروه تحریمی نوشت لسیکه در مسئله اولی ایشان بحث نموده اند لکن علامه شامی که کدام عبادت بدائع و غیره را نقل نموده است از آن تنها آنقدر معلوم میشود که مخالف طریقه مسنون و استحباب است چنانچه سر انجام خود ایشان می نگارد: وهو کالصریح لی انها کراهية تنزیهية، لکن اگر تهجد در نوافل رمضان محسوب شود و یقیناً این نوافل است و در رمضان آن را باجماعت اداء کرد در آن کراهیت همچنان نیست والله اعلم. ظفر

(۳) و dalamختار باب ایضا ج ۱ ص ۶۶۴، ط. س. ج ۲ ص ۴۹. ظفر

(۴) و اعلم ان النفل بالجماعة علی سبیل التناهی مکروه علی ما تقدم الخ فلعلم ان کلام من صلاة الرغائب ليلة اول جمعة من رجب و صلوة البراءة ليلة النصف من شعبان و صلوة القدر ليلة السابع و العشرين من رمضان بالجماعة بدعة مکروهة الخ (غنية المستملی باب النوافل ج ۱ ص ۴۱۱). ظفر

قرآن را تلاوت نماید نوافل و غیره را اداء کند و در آن شب ها نیاز برای اجتماع خاص احساس نمیشود. فقط

هشت رکعت نقل شبانه بیک سلام و طریقه آن: سوال: (۱۷۲۸) من در کتاب بنام رکن دین مطالعه نمودم که از طرف شب هشت رکعت نقل را بیک سلام اداء کرده میتواند لکن در مورد قعدہ چیزی نوشته است آیا بعد ازدو رکعت قعدہ نمودن و در آن درود شریف و دعا خواندن بکار است یا نه؟

جواب: قعدہ بعد از هر دو رکعت کردن بکار است و اما درود شریف و دعا نمودن در قعدہ اخیر بکار است ^(۱). فقط

نفل و ابلزوم نمودن لازم نمیشود: سوال: (۱۷۲۹) اگر یک نفر مرتکب گناه شود و سپس از آن بر ذمه خویش واجب گرداند آن را که بعد از نماز کدام نوافل که اداء میشود من آن را حتما و ضروری اداء خواهم نمود برای آنکه نفس اراده گناه را نکند بناء آیا نفل مذکور بر ذمه او واجب است یا نه؟

جواب: واجب نیست و بر ذمه او واجب آنست که توبه و استغفار کند. فقط

نوافل بجبر نقصان فرائض: سوال: (۱۷۳۰) یک نفر نوافل را بر این نیت اداء می نماید که بدان جبر نقصان فرائض شود آیا این نیت صحیح است یا نه؟

جواب: این مضمون در حدیث مبارک است که نوافل جبره نقصان فرائض میشود فلهمذا نیت این شخص صحیح است. ^(۲) فقط

هواد از سگینه چیست؟ سوال: (۱۷۳۱) در حدیث شریف آمده است که یک صحابی رض در نماز تهجد سورت کهف را قرائت نمود و اسب او در پهلوی متصل بسته شده بود که در آن اثنا روشنی از سری آسمان بفرود آمدن آغاز نمود، الحدیث. که برای نبی اکرم ﷺ در آن مورد ذکر فرموده شد آنجناب فرمودند که این سگینه است. و شرح سگینه بنزد محققین چگونه است و در عصر موجوده بکثرت اداء نمودن نوافل نزول سگینه ممکن است یا نه؟

(۱) و تکره الزیاده علی أربع فی نفل النهار و علی ثمان لیلا بتسلیمه لانه لم یرد و الا فضل فیها الرباع بتسلیمه و قال فی اللیل المتی الفصل قبل و به یعنی الخ لان کل شئ صلوٰۃ (الدرا مختار علی هامش و الدار المختار باب الوتر و النوافل ج ۱ ص ۶۴۲ ، ط. س. ج ۲ ص ۱۵۰). ظفر

(۲) و بانی بالسنة مطلقا الخ لکنها مکملات و اما فی حقه علیه الصلاة والسلام فلزیاده الدرجات (باب ادراک الفریضة ج ۱ ص. ط. س. ج ۲ ص ۶۰). ظفر

جواب: قال في اللمعات في شرح الحديث المذكور قوله السكينة هي الطمأنينة وهي يعني الرحمة وبمعنى التآني والوقار وقيل هي ما يحصل به السكون وصفاء القلب وذهاب الظلمة الفسائية ونزول الرحمانية والحضور والذوق ^(۱). ترجمه: مراد از سکینه طمانیت رحمت و آنچیزی است که بذریعۀ آن سکون و صفای قلب حاصل میشود و ظلمت نفسانی دور گردد و دیگر آنکه باعث نزول رحمت باشد اگر بحضور قلب نمازها اداء شود در زمانه موجوده نیز آن چیز حاصل خواهد شد که آن را سکینه گفته میشود.

نیت زیادتیر از هشت رکعت مکروه تحریمی است یا تنزیهی و نماز نفل در عیدگاه و داخل

و خارج مسجد: سوال: (۱۷۳۲) نیت نمودن هشت یا بیشتر از هشت رکعت نفل مکروه تحریمی است یا تنزیهی و بالای فرش عیدگاه نماز دیگر چرا مکروه است و در فضیلت داخل و خارج مسجد یکسان است و یا کم و زیاد میباشد؟

جواب: در کتاب های فقه در مورد نوافل چنین نوشته است که در نوافل روز نیت زیاد از چهار رکعت در صورت وحدت نیت مکروه است پس معلوم شد که از طرف شب هشت رکعت نفل را بیک نیت اداء نمودن بلا کراهیت درست است البته از آن زیادتیر مکروه میباشد و مراد از مکروه مذکور مکروه تنزیهی است زیرا در شامی گفته است که بعضی مشایخ آن را مکروه نمیگویند بناءً واضح گردید که مسئله مذکوره مختلف فیه است و این نشانی کراهیت تنزیهی است. ^(۲) و بر فرش عیدگاه سائر نمازها بلا کراهیت جائز است و فضیلت مسجد داخل و خارج هر دو یکسان است ^(۳). فقط

سنن و نوافل در منزل افضل است و بوجه عذر در مسجد نیز افضل میباشد: سوال:

(۱۷۳۳) بعد از اداء فرائض سنت را در منزل خویش اداء نمودن بکار است یا در مسجد برای آنکه منزل بعضی نمازگذاران بنجاه گز و بعضی صد (۱۰۰) گز و بعضی از آن نیز دورتر میباشد

(۱) مطالعه فرمائید: حاشیه مشکوٰۃ باب فضائل القرآن ص ۱۸۴. ظفر

(۲) و تکره الزیادة علی اربع فی نفل النهار و علی ثمان لیل بتسلیمة لانه لم یرد و الاصل فیهما الرباع بتسلیمة (درمختار) نعم وقع الاختلاف بین المشایخ المتأخرین فی الزیادة علی الثمانية لیل فقال بعضهم لایکره و الیه ذهب شمس الائمة السرخسی الخ (رد المحتار باب الزم و النوافل مطلب لی لفظه ثمان ج ۱ ص ۶۳۴ - ۶۳۳، ط. س. ج ۲ ص ۱۵). ظفر

(۳) اما المتخذه لصلاة جنازة اوعید فهو مسجد فی حق جواز الاقتداء وان تعطل الصفوف وفقًا للباس (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب ما بعد الصلاة الخ مطلب فی احکام المسجد ج ۱ ص ۶۱۵، ط. س. ج ۱ ص ۶۵۷) از این معلوم شد که همچو نمازها بدرجه اولی محار

وظاہر است کہ در برما و گجرات ہندوستان و تیکہ آنہا نماز فرض را در مسجد اداء کنند و بطرف منزل میروند در راہ با دوست مسلمان یا مشرک یا مشوکہ ملاقات می نمایند و حتماً بعضی مذاکرات دنیائی فیما بین ایشان صورت میگیرد غرض آنکہ قبل از مواصلت نمودن بمنزل نقیصہ ہائی گوناگون را در راہ مرتکب میشوند بناء در همچو صورت برای اداء نمودن سنت بمنزل رفتن افضل است و یا در مسجد اداء نمودن آن افضل میباشد؟

جواب: قال فی الدر المختار: والافضل فی النفل غیر التراویح المنزل إلا لخوف شغل عنها الخ. و نیز در شامی است: و حیث کان هذا الفضل یراعی ما لم یلزم منه خوف شغل عنها لو ذهب لیبتہ او کان فی بیتہ ما یشغل بالہ و یقلل خشوعہ فیصلیہا حیثئذ فی المسجد لأن اعتبار الخشوع ارجح ^(۱) الخ از عبارات فوق الذکر معلوم شد کہ برای اداء نمودن سنن و نوافل منزل افضل است لکن اگر در راہ احساس خوف پریشانی قلب نماز خوان باشد و همچنان احساس عدم حصول خشوع شود و یا بسبب گفتگوی غیر ضروری احساس درکاهش ثواب شود بناء در همچو صورت اداء نمودن در مسجد افضل است زیرا کہ زیادتہ در آن مورد رعایت خشوع و خضوع باید مد نظر گرفته شود و در جائیکہ خشوع و خضوع بر آورده میشود همان جای افضل تر است فقط.

صلاة الاوابین و رکعات تہجد و نماز تراویح: سوال: (۱۷۳۴) صلاة الاوابین چند رکعت است و همچنان تہجد چند رکعت میباشد و آیا جماعت نماز تراویح در منزل افضل است یا در مسجد و در یک مسجد جماعت دوم تراویح افضل است یا در منزل؟

جواب: صلاة الاوابین علاوه از دورکعت سنت مؤکدہ مغرب ^(۲) شش رکعت است و نماز تہجد ہشت رکعت است و زیاد تاہ دوازده و اندازہ کم آن دورکعت میباشد ^(۳) و جماعت نماز تراویح در مسجد افضل است ^(۴) و جماعت دوم تراویح در مسجد اداء کردن بکار نیست.

(۱) ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج ۱ ص ۶۳۸ . ط. ص. ج ۲ ص ۲۴. ظفر

(۲) و ست بعد المغرب لیکتب من الاوابین بصلیمة او تسنن او ثلاث والاول ادم و اشق (ردالمحتار علی ہاشم ردالمحتار باب الوتر والنوافل مطلب فی السنن والنوافل ج ۱ ص ۶۳۹ . ط. ص. ج ۲ ص ۱۳). ظفر

(۳) وصلاة اللیل والفلح علی مافی الجہرة ثمان (ردمختار) قبل یقرئ علی مافی الجہرة لانه فی الحارۃ القدسی قال یصلی ما سہل علیہ ولورکعتین والسة فیہا ثمان رکعات باربع تسلیات (ردالمحتار مطلب فی صلاة اللیل ج ۱ ص ۶۴۰ - ۶۴۱ . ط. ص. ج ۲ ص ۲۴). ظفر

(۴) والجماعة فیہا ست علی الکفاۃ الخ فالمسجد فیہا الفضل قالہ الحلی (ردالمحتار علی ہاشم ردالمحتار بحث فی التراویح ج ۱ ص ۶۶۱ . ط. ص. ج ۲ ص ۴۵) و ظاہر کلامہم ہا ان المنصور کفاۃ اقامتہا بالجماعة فی المسجد حتی لو اقاموها جماعة فی بیوتہم ولم تقم فی المسجد اتم الكل (ردالمحتار ایضاً). ظفر

با جماعت نفل جائز است یا نه؟ سوال: (۱۷۳۵) نفل با جماعت جائز است یا نه ومن در یک کتاب عبارت ذیل را مطالعه نموده ام از مخدوم جهانیان در جامع العلوم است که ایشان بعد از چهار رکعت نماز با امامت نمودند سلطان فیروز شاه و علماء در آن بودند علمای آن گفتند: نماز نفل با جماعت نزد امام ابو حنیفه مکروه است، می آورد که ایشان روی مبارک بر باد شاه آوردند و فرمودند که در کتاب کافی است: یجوز للمؤمنین أن یعمل فی العبادات علی مذهب غیره و فی المعاملات لا یجوز والتطوع بالجماعة یجوز عند الشافعی (رح) علمای آن بقول ایشان اعتراف نمودند بینوا توجروا.

جواب: نفل با جماعت اداء نمودن بکار نیست و تفسیر تداعی آنست که چهار مقتدیان در جماعت باشند در آن صورت بالاتفاق مکروه است و اگر مقتدیان سه نفر باشند در آن خلاف است و اگر یک یا دو مقتدیان باشند در آن کراهیت نیست. کذا فی الشامی^(۱) حاصل آنکه کدام جماعت نفل که بعد از عید میشود ترک نمودن آن ضروری است و اکنون چونکه ترک گردیده بناء هر گز آن را معاد و جاری کردن بکار نیست و نه مرتکب جاری نمودن گناه بدعت خواهد باشد، كما فی الحدیث. و کدام عبارت جامع العلوم را که شما بحواله مخدوم جهانیان نقل نمودید آن حجت نیست و بر آن استدلال کردن بکار نیست. فقط

جماعت نفل بعد از تراویح: سوال: (۱۷۳۶) آیا بعد از اداء نمودن تراویح سه نفر بخاطر حصول ثواب نفل را باجماعت اداء کرده میتوانند و یا آنکه بعد از تراویح مطلقا جماعت نفل درست نیست خواه اداء کنندگان در عدد کم باشند یا زیاد؟

جواب: جماعت نفل علاوه از تراویح سنت و مستحب نیست بلکه در بعضی صورت ها مکروه و در بعضی مباح است برای آن اجازت فضیلت جماعت است اما باجماعت نکردن اولی است لهذا مطلقا جماعت نفل ننمودن بکار است در الدرالمختار مذکور است: ولا یصلی الوتر ولا التطوع بجماعة خارج رمضان ای یکره ذالک و علی سبیل التداعی بأن یقتدی اربعة بواحد کما فی الدرر، و یؤیده ایضا ما فی البدائع من قوله أن الجماعة فی التطوع لیست بسنة إلا فی قیام

(۱) و لا یصلی الوتر ولا التطوع بجماعة خارج رمضان ای یکره ذالک و علی سبیل التداعی بأن یقتدی اربعة بواحد (درمختار) قوله اربعة بواحد اما التذاه واحد الاثنین بواحد ثلاثه بواحد فیه خلاف الخ (درالمختار باب الوتر و التوالل ح ۱ ص ۶۶۳ - ۶۶۴ . ط. س ح ۴ ص ۴۸). ظفیر

رمضان^(۱) الخ از این عبارت واضح گردید کہ علاوه از تراویح متبای هج نوافل را با جماعت ادا نمودن بکار نیست.

سوال: (۱۷۳۷) در نماز نفل حساب کردن بر انگشت ها جائز است یا نه؟

جواب: اگر همانطور حساب بیادش نمیشود پس به اشاره انگشتان حساب نمودن درست است.
(۲) فقط

جائیکہ فرض وا اداء کند ازان مکان جدا نفل اداء نمودن بکار است: سوال: (۱۷۳۸) از.

احادیث بعد از اداء فرائض تبدیلی مکان در مسجد بخاطر اداء سنت و نفل بابت میشود یا نه؟
وقباله مکان بعد از اداء فرض برای سنت و نفل کہ این مستون میباشد آیا این تبادلہ منحصر بمسجد است و یا برای نمازگذار کہ در منزل نماز را اداء می نماید برای او نیز مستون میباشد؟

جواب: قال فی الدرالمختار: وفي الجوهرة: ويكره للامام التنفل في مكانه لا للمؤتم وقيل يستحب كسر الصفوف وفي الخاتية يستحب للامام التحول ليمين القبلة يعني يسار المصلي الخ وفي رد المحتار: قوله لا للمؤتم ومثله المنفرد لما في المنية او شرحها اما المقتدي والمنفرد فانهما ان ليا او قام إلى التطوع في مكانهما الذي صليا فيه المكتوبة جاز والاحسن ان يتطوعا في مكان آخر الخ قوله وقيل يستحب كسر الصفوف ليزول الاشتباه عن الداخل المعان لكل في الصلوة البعيد عن الامام وذكره في البدائع والخيرة عن محمد ونص في المحيط على أنه السنة كما في الحلية الخ شامي^(۳) از عبارات واضح وهويدا است کہ عند الاحناف رح نیز کسر الصفوف وپیش وپس ویکسو وسوي دیگر شدن سنت ونوافل را اداء نمودن مستحب است از عبارت شامي کہ در مورد منفرد است معلوم میشود کہ برای آنکس کہ نفل را در منزل اداء می نماید الفضل آن ست کہ مکان را تبدیل نماید و نفل را اداء کند. فقط

بعد از عشاء وبعد از دو رکعت سنت نفل کردن: سوال: (۱۷۳۹) بعد از اداء نمودن فرض عشاء وبعد از دو رکعت سنت کہ دو رکعت نفل را اداء می نماید آیا از رسول الله ﷺ این دو

(۱) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج ۱ ص ۶۶۳ ، ط. س. ج ۲ ص ۴۸. ظفر

(۲) وكره تنزهاعه الاى والسور في اليد في الصلوة مطلقا ولو نفلا (ردمختار) قوله ولو نفلا: بان الاطلاق وهذا بائنا أصحابنا في ظاهر الرواية ومن صاحبين في غير ظاهر الرواية عهده انه لا بأس به وقيل الخلاف في الافتراض ولا كراهة في النوافل اتفاقا وقيل في النوافل ولا خلاف في الكراهة في الافتراض. نهر (ردالمحتار باب ما يكره في الصلاة ج ۱ ص ۶۰۸ ، ط. س. ج ۱ ص ۶۵۰). ظفر

(۳) ردالمحتار، باب صفة الصلاة قبل فصل القراءة ج ۱ ص ۴۹۵ ، ط. س. ج ۱ ص ۵۳۰. ظفر

رکعت ثابت است یا نہ؟

جواب: بعد از دو رکعت سنت مؤکد عشاء دو یا چہار رکعت نفل اداء کردن قبل الوتر مستحب است چنانچہ در حدیث حضرت عائشہ رضی اللہ عنہا است قالت: ما صلی رسول اللہ ﷺ العشاء قط فدخل علیّ الا اربع رکعات او ست رکعات رواہ أبو داود^(۱).

در قعدہ اولی سنن قبل از عشاء و قبل العصر درود و دعا ہر دو را بخواند یا نہیا التحیات

و سوال: (۱۷۴۰) قبل از نماز فرض عشاء و عصر در میان چہار رکعت سنن در قعدہ وسطانی نہا بعد از خواندن تشہد ایستادن بکار است و یا آنکہ درود شریف را نیز بخواند؟

(۲) اگر نیت چہار رکعت نفل کردہ شد پس در ہمجو حالت در قعدہ وسطانی نہا بعد از خواندن تشہد متباقی رکعات را کامل نماید و یا آنکہ درود و دعا را نیز بخواند؟

جواب: (۱ - ۲) در الدر المختار مذکور است: کہ علاوہ از سنن ظہر و جمعہ در قعدہ اولی سنن و نوافل چہار رکعت متباقی درود شریف و در رکعت سوم تعوذ و ثناء را بگوید: وفي البواقي من ذوات الاربع يصلي على النبي ﷺ ويستفتح ويعتوذ الخ.^(۲)

نفل را بعد از وتر چگونه اداء کند؟ سوال: (۱۷۴۱) نفل را بعد الوتر نشسته اداء کند یا ایستادہ و از نبی اکرم ﷺ چگونه ثابت است؟

جواب: بہر دو طریقہ درست است اما ایستادہ اداء نمودن دوچند ثواب دارد نسبت بہ نشستہ و نبی اکرم ﷺ این نفل مذکور را نشستہ اداء نمودہ اند لکن آنجناب ﷺ را در حالت نشستہ نیز ثواب در ہمجو اداء نمودن حاصل میشود و این مسئلہ از احادیث ثابت است^(۳).

در یوم جمعہ نفل چاشت چگونه است؟ سوال: (۱۷۴۲) نماز نفل خصوصاً در روز جمعہ در وقت چاشت اداء کردن از قول امام أبو یوسف ثابت میشود در الدر المختار نوشتہ است: کرہ تحریم الخ استواء إلا نفل يوم الجمعة على قول الثاني المصحح المعتمد كذا في الاشباه ونقل الحواشي عن الحلبي ان عليه الفتوى. در فتاویٰ قاضی خان مذکور است: وعن أبي يوسف (رح) قال يجوز التطوع عند انتصاف يوم الجمعة، چونکہ علامہ شامی در رد المحتار زیاد چیزی اختلاف

(۱) مشکوٰۃ باب السنن ص ۱۰۴ فصل ثانی . طہر

(۲) الدر المختار علی هامش رد المحتار باب الوتر والنوافل ج ۱ ص ۶۳۳، ط. س. ج ۲ ص ۱۶ طہر

(۳) وینفل مع قدرته علی القيام قاعدا لا مضطجعا الا بعد ابتداء ركذا بناءً بعد الشروع بلا كراهة فی الاصح كمكنه و به اجر غير النسي

على الصف الا بعذر الدر المختار على هامش رد المحتار باب الوتر والنوافل ج ۱ ص ۶۵۳، ط. س. ج ۲ ص ۳۶ طہر

نموده است فلہذا بعضی از آن ممانعت می فرمایند بناءً شرعاً حکم چیست؟
جواب: ممانعت آن احوط است قسمیکہ در شامی ذکر شدہ است^(۱).

نماز عشق: سوال: (۱۷۴۳) اگر کسی نماز عشق را طوری اداء کند کہ در قیام بیست دفعہ ذکر لفظ اللہ را قلباً قسمی بکند چنانچہ در خارج می نماید وبعد از آن در رکوع دہ (۱۰) دفعہ و دہ (۱۰) دفعہ در قومه و دہ (۱۰) دفعہ در سجدہ سپس دہ (۱۰) دفعہ در جلسہ بگوید وبعد از اختتام نماز درود: اللہم صلی وسلم وبارک علی من اسمہ سیدنا محمد عدد ما فی علم اللہ صلاة دائمة بدوام ملک اللہ، را بکثرت بگوید وبعد از آن دعا بخواہد: اللہم اجعلنی محبوباً محبوباً و مسجون عشق و مفتون شوق و معجون لقانک و اعطینی داء محبتک یا اهل المشائین و ارزقنی داء محبتک یا ارحم الراحمین، در قلب ذکر آن قسمیکہ خارج صلاة میشود آیا در نماز همچنان جائز است یا نہ؟ و اداء نمودن همچو نماز در شریعت و طریقت جائز است یا در آن مورد حکم دیگر است فلہذا اگر در آن مورد اندک تحقیق شود بہتر خواہد بود، و دیگر آنکہ در نماز تصور شیخ کردن جواز دارد یا نہ؟ در این منطقہ بعضی علماء همچو تصور کنندگان را کافر میگویند بناءً در آن آغشتہ و مبتلی باشد آیا او کافر است یا نہ؟

جواب: در مورد نماز عشق کہ شما تحریر فرمودید بنابر قاعدہ شریعت کدام اصل برایش معلوم نمیشود و در طریقت نیز آن عبادت قابل اعتبار است کہ در شریعت ثبوت داشته باشد و شرعاً جائز بود و از نگاه شریعت بناءً بر طریقہ مذکورہ نماز وجود ندارد لکن در آن مورد کدام سخن کفر و معصیت همچنان نیست البتہ آنقدر است کہ خلاف طریقہ مسنون است و چونکہ در آن علاوہ از ذکر قلبی دیگر چیزی از او وارد در آن نماز نیست فلہذا برای کفر هیچ وجہ نیست البتہ اگر تصور شیخ را عمداً در نماز طوری می کند کہ بالقصد صورت شیخ در پیش نظر باشد در آن صورت ناجائز می باشد اگر چہ با آنہم کفر نیست لکن همچو کردن بکار نیست زیرا مشایخ کرام کہ اجازه تصور شیخ را میدہند مطلب از آن اینست کہ با شیخ خود طوری محبت شود کہ بغیر از ارادہ تصور شیخ در قلب شود و تعلق و روابط قلبی حاصل گردد و چنان نباید کرد کہ بالقصد صورت شیخ را پیش نظر نماید بلکہ مثال تصور شیخ کہ کدام جائز است طوری بکار است

(۱) لکن شراح الہدایۃ انصروا لقول الامام و اجابوا عن الحديث المذكور باحاديث النهي عن الصلوة وقت الاستواء فانها محرمة (رد المحتار

كتاب الصلوة ج ۱ ص ۳۴۵، ط. س. ح ۱ ص ۳۷۳، طبر

تسمیکه برای عاشق محبت کننده بغیر از اراده تصور محبوب خویش میشود و در آن هیچ اختیار نمیباشد و این یک مرتبه خاص است یعنی فنا فی الشیخ، بناء ضروري است که در نماز از تصور ذکر شده اجتناب شود و از آن خود داری نمایند و باقی آنکه بر حالت عدم اختیاری هیچ حکم شده نمیتواند زیرا او معذور و مجبور است در مورد نماز عشق که شما نگاشته نمودید اگر تصور شیخ بالاختیار و در آن بطرف غیر الله توجه نباشد پس تنها ذکر قلبی بطریقه مذکوره علاوه از قرائت و تسبیح و غیره ضروریات نماز فرائض و سنن و آداب باشد در آن تنها آنقدر تأمل است که در قیام بعد از خواندن فاتحه و سوره برای ذکر قلبی مزید قیام و ایستادن است و تأخیر نمودن در ذهاب إلى الركوع خلاف قواعد شرعیه است. زیرا در آن مورد حکم آنست که بعد از قرائت فاتحه و سورت فوراً رکوع کند و همچنان بعد از فارغ شدن از تسبیح رکوع فوراً قومه کند و همانطور و بهمان منوال حکم در سائر نماز است. پس تأخیری که در هر جای بخاطر ذکر قلبی میشود خلاف نماز شرعی است بناء بنظر بنده عاجز احوط آنست که از آن طریق نماز که فوقاً ذکر شد خود داری کند و طبق قواعد شرعیه نماز را اداء کند و خارج الصلاة بسیار وقت زیاد برایش میسر است که در آن موافق میلان قلبی خود هر چند که میخواهد مطابق خواهش خود ذکر باید کرد و اگر کدام بزرگ برای یک مرید بطور علاج این فعل را کرده باشد پس ضروری نیست که آن را تداوم بخشد و همیشه آن را انجام نماید. فقط والسلام مع الاکرام و الله تعالی اعلم بالصواب.

نفل کننده بوجه آواز بلند و تلاوت جهیز شخصی دیگر نماز را ترک نگوید: سوال:

(۱۷۴۴) یک نفر در مسجد نقل میخواند و شخصی به آواز بلند در طلب دعا پرداخت و قرائت آیات قرآن مجید را آغاز نمود بناء آیا نفل کننده نماز را ترک کند و ایت های قرآن را استماع کند و یا نفل را به انجام رساند و هر کسی که رعایت نفل را نکرد برای او چه حکم است؟

جواب: شخص نفل کننده نماز خود را ترک نکند و آنکس که به آواز بلند طلب دعا می نماید و جهراً دعا را شروع کرد او در حقیقت عمل بی مورد و غیر سودمند را مرتکب شده است بناء برای او بکار است که آهسته و بطور خفیه دعا بخواند و قرآن مجید را نیز آهسته تلاوت نماید و نفل کننده بخاطر استماع قرآن ترک نمودن بکار نیست زیرا او در آن اثناء گنجهکار نمیشود و گنجهکار کسی میباشد که در همچو موارد به آواز بلند تلاوت می نماید^(۱). فقط

(۱) الا انه يجب على القارئ احترامه بان لا يقرأ في الاسواق ومواضع الاشتغال لئلا يقرأ فيها كان هو المصلي لحرمه فيكون الاتم عليه ذن =

طول قرائت در نوافل: سوال: (۱۷۴۵) نوافل را بطول قرائت اداء نمودن بهتر است و یا تلاوت قرآن مجید افضل است؟

جواب: اداء نمودن نوافل بتطویل قرائت بهتر است ^(۱). فقط

نماز نفل بشروع شدن واجب میشود اگر شروع آن صحیح باشد: سوال: (۱۷۴۶) اگر کسی نفل را شروع نمود سپس وقتی که یک رکعت را اداء نمود در آن اثنا برایش معلوم شد کہ لباس وی نجس است او نماز را بعد از شروع شکستند آیا اعاده نمودن این نماز واجب است یا نہ؟

جواب: در این مورد مسئلہ آنست کہ نفل بشروع نمودن واجب میشود فلہذا وقتی کہ کسی بعد از شروع نمودن نماز نفل بکدام وجہ نفل را ترک نمود سپس اعاده نمودن نفل مذکور بر ذمہ او واجب است ہکذا فی کتب الفقہ لکن در الدرالمختار مذکور است: کہ اگر شروع صحیح نبود اعادہ اش واجب نمیگردد، عبارتہ: ولزم نقل شرع فیہ الخ شروعاً صحیحاً ^(۲) الخ چونکہ در صورت مذکور شروع صحیح نشدہ است زیرا لباس نماز گذار از آغاز پلید می باشد بناءً اعادہ این نماز واجب نخواہد باشد. فقط

قبلی از نماز عشاء چهار رکعت سنت: سوال: (۱۷۴۷) قبل العشاء حکم چهار رکعت سنت چیست؟

جواب: قبل از نماز عشاء چهار رکعت سنت اداء نمودن مستحب والفضل است، سنت مؤکدہ نمیباشد ^(۳) زیرا سنن مؤکدہ در شبانہ روز دوازده رکعت است چهار رکعت قبل از نماز ظهر ودو رکعت بعد از نماز ظهر ودو رکعت بعد از نماز مغرب ودو رکعت بعد از نماز عشاء ودو رکعت

۱- اعلی الاشتغال دلاً للحرک فی التزامہم ترک اسبابہم المحتاج الیہا وکذا لو قرأ عبد من یشتغل بالتدیس او بتکرار الفقه لانه اذا أبیح ترک الاستماع لضرورة المعاش الذنبی لآن یماح لضرورة الامر البغی اولی فیکون الاثم علی القاری هذا اذا سبق الدرس علی القراءة (حقیہ السلسلی فصل فی احکام زلة القاری فرائد ص ۶۵). طغیر

(۱) وکثرة الركوع والسجود احب من طول القيام كما فی المجتبی ووجهه فی البحر لکن نظر فیہ فی النہر من لئلا اوجه ونقل عن المعراج ان هذا قول محمد وان مذهب الامام الفضلہ القيام وصحہ فی البدایع قلت وهكذا ولینہ بسجنتی المجتبی معزیا لمحمد فقط فیہ (درمختار) والقوی دلیل ایضا علی الفضلۃ طول القيام انه ﷺ کان یقوم اللیل الا قلیلا وکان لا یزید علی احدى عشرة رکعة الخ (ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج ۱ ص ۶۳۴). طغیر

(۲) الدر المختار علی هامش ودر المختار باب الوتر والنوافل ج ۱ ص ۶۴۵. طغیر

(۳) ریستحب اربع قبل العشاء وبعدها بتسلیمة الدر المختار علی هامش ودر المختار باب الوتر والنوافل ج ۱ ص ۶۳۰. ط. ج. ۲ ص ۱۲. طغیر

قبل از فرض نماز فجر که سائر آنها دوازده رکعت سنت مؤکده است^(۱) و قبل العصر چهار رکعت یا دو رکعت و همچنین قبل از نماز عشاء چهار رکعت یا دو رکعت آنها مستحب اند لقوله: بین کل آذانین الصلوة، الحديث^(۲). فقط

تحیة المسجد را در وقت دخول مسجد اداء کند و یا بعد از نشستن: سوال: (۱۷۴۸)

و فیکه بمسجد آید نخست جلوس می نماید سپس قیام می ورزد تحیة الوضوء و نوافل و غیره را اداء می کند خالد میگوید که اکثر اوقات رسول اکرم ﷺ بمسجد تشریف فرما میشدند و اکثر صحابه کرام رض کدام وقت که بمسجد داخل میشدند ایشان دو رکعت تحیة الوضوء را ادا می نمودند سپس قعود می نمودند بناء در آن مورد برای قول کدام کس ترجیح است؟

جواب: اولی و مستحب آن ست که اگر در وقت دخول مسجد وضوء داشته باشد و گنجایش وقت نیز باشد در این صورت اول دو رکعت تحیة المسجد را اداء کند سپس بنشیند^(۳) و کدام رواج که روی کار ساخته شده است که در وقت دخول مسجد اول جلوس می نماید پس از آن تحیة المسجد و غیره را اداء می کند هیچ اصل ندارد. فقط

صلاة الاوابین و تحقیق آن: سوال: (۱۷۴۹) در مشارق الانوار در مورد صلاة الاوابین نوشته

است که: اواب در لغت وقتی را گویند که در آن وقت پاهای بجه شتر از حرارت بسوزد درآید و آن وقت یازده و نیم (۱۱:۳۰) بجه روز باشد، در حقیقت وقت صلاة الاوابین بعد المغرب است یا آن وقت فوق الذکر و یا هر دو اوقات است و بتقدیر ثانی اولویت برای کدام است؟

جواب: معنی اوابین بسوی الله پاک جل و علا رجوع کنندگان پس بنابر این اعتبار سائر نمازها را اوابین گفته میشود لکن در احادیث اطلاق اوابین بر نوافل دو اوقات آمده است یکی بر صلاة الضحی چنانچه در سؤال درج است و دوم بر نوافل بعد المغرب قسمیکه در کبیر شرح منیه منقول است: وإن تطوع بعد المغرب بست رکعات فهو افضل لحديث ابن عمر رضي الله قال من صلى

(۱) و سن مؤکدا أربع قبل الظهر وأربع قبل الجمعة وأربع بعدها بتسليمة الخ و رکعتان قبل الصبح و بعد الظهر المغرب والعشاء (ایضاً، ط. س. ج ۲ ص ۱۲). ظفیر

(۲) مشکوٰۃ المصابیح باب فضل الاذان فصل اول ص ۶۵. ظفیر

(۳) و سن تحیة رب المسجد و هی و رکعتان و اداء الفرض و غیره و کذا دعو له بنیة فرض اوقاتہ یوت عنها بلانیه و لکنه لکل یوم مرة و لا تسقط بالجلوس عندنا (در مختار) و الحاصل ان المطلوب من داخل المسجد ان یصلی فیه لیكون فالتک تحیة لربه الخ و الا لزم فعلها بعد الجلوس و هو خلاف الاولی الخ اما حدیث الصحیحین اذا دخل احدکم المسجد فلا یجلس حتی یصلی و کتبت فیه بیان لاولی (رد المحتار باب الوتر و النوافل مطلب فی تحیة المسجد ج ۱ ص ۶۳۵ - ۶۳۶، ط. س. ج ۲ ص ۱۸). ظفیر

بعد المغرب ست رکعات کتب من الاوابین وتلا: إنه کان للاوابین غفورا، ^(۱) الایة پس بنا بر حدیث دوم اطلاق صلاة الاوابین اکثرا بر نوافل بعد المغرب می شود قال فی الدر المختار: وست بعد المغرب لیكتب من الاوابین ^(۲) الخ واز آن انکار نیست که صلوة ضحی نیز صلوة اوابین است بلکه صلوة الضحی را همچنان صلوة اوابین گفته می توانیم. فقط والله تعالی اعلم.

قبل از عشاء چهار رکعت سنن وثبوت آن: سوال: (۱۷۵۰) زید ادعا دارد که قبل از نماز عشاء ثبوت چهار رکعات به هیچ کدام حدیث صحیح استوار نیست آیا این از حدیث ثابت است یا نه؟

جواب: در الدر المختار مذکور است: ويستحب أربع في العصر وقبل العشاء وبعدها بتسليمة وان شاء ركعتين ^(۳) الخ از این عبارت معلوم شد که قبل العصر وقبل العشاء در اداء نمودن دو یا چهار رکعت اختیار است و این سنت مؤکد نمی باشد بلکه مستحب است اگر پسندش باشد آن را اداء کند و اگر نباشد آن را اداء نکنند لکن در اداء نمودن آن ثواب است و از حدیث: بین کل اذانین صلوة ^(۴) استحباب نوافل قبل العشاء نیز ثابت است. البتة قبل المغرب عند الاحناف هیچ نقل نیست که تأیید آن از حدیث بریدة الاسلامی رض می شود.

بعد از شرکت نمودن در دعای موجه خلاف سنت است: سوال: (۱۷۵۱) در اینجا طریقه موجود است که امام فرض مغرب را اداء کند و بعد از اداء نمودن سنت و مزید دو کعت نقل سه بار دعا می نماید اکنون برای زید صلاة اوابین در پیش باقی مانده آیا او با سنت متصل در اداء نمودن نقل مشغول شود و یا با امام در دعا شرکت نماید بناء اگر نقل کردن افضل باشد در کجا آن را اداء کند حالانکه امام در دعا کردن مصروف است و دعا میکند؟

جواب: هر کسی که اراده اداء نمودن نوافل اوابین را دارد او باید برای دعای رسمی امام انتظار نکند زیرا این طریقه دعا بذات خود خلاف سنت است و اما نوافل در هر جائیکه برایش موقع میسر شد در آنجا آن را اداء کند. فقط

نوافل در میان فرائض وسنت مؤکده: سوال: (۱۷۵۴) در میان سنت مؤکده و فرائض نوافل

(۱) غنية المستملی شرح منية المصلی فصل فی النوافل ص ۳۹۹. ظفر

(۲) الدر المختار علی هامش رد المحتار باب الزور والنوافل ج ۱ ص ۶۳۱. ط. س. ج ۲ ص ۱۲. ظفر

(۳) الدر المختار علی هامش رد المحتار باب الزور والنوافل ج ۱ ص ۶۳۰. ط. س. ج ۲ ص ۱۲. ظفر

(۴) مطالعه فرمائید: مشکوة المصابیح عن البخاری ومسلم باب فضل الاذان ص ۶۵. ظفر

را اداء کرده می‌تواند یا نه؟ اگر بجماعت وقت باشد پس در نوافل مصروف شدن چگونه است؟
جواب: بعد از ادا نمودن سنت مؤکده بجماعت وقت باشد در نوافل مشغول شدن کدام حرج ندارد اما استثناء از سنت فجر که بعد از آن تا به طلوع و ارتفاع آفتاب نوافل درست نیست در الدر المختار مذکور است: **و کذا الحکم من کراهة نفل الخ بعد طلوع فجر سوی سنه** ^(۱) **فلهذا** در اوقات متبای بطور مثال در وقت نماز ظهر بعد از اداء نمودن سنت مؤکد اگر گنجایش وقت باشد در نوافل مشغول گردد در آن کدام حرج نیست زیرا آن وقت کراهیت نیست.

قبل العصر چهار رکعت مستحب: سوال: (۱۷۵۳) چهار رکعت مستحب عصر را ما علی الدوام مانند چهار رکعت سنت مؤکد اداء می نمودیم یک بزرگ صاحب میفرماید که خصوصا در چهار رکعت مستحب و نوافل عصر بعد از تشهد و سطرانی حتما درود شریف ودعا را بخوانید و بعد از آن قیام نمائید و متبای دو رکعت را اداء کنید؟

جواب: در الدر المختار مذکور است: که قبل الظهر و قبل الجمعة علاوه از چهار رکعت سنن در میان سنن و نوافل متبای بعد از تشهد درود شریف را بگوید و در شفعه ثانی ثناء و اعوذ بالله نیز بگوید. شامی آن را راجع و اقوی فرموده است و قول دیگر را در الدر المختار چنین نوشته است: که در قعدۀ و سطرانی درود شریف و غیره را نگوید لکن آن را شامی ضعیف خوانده است لکن صاحب قنیۀ تصحیح آن را فرموده است بنا برآن بلا شک قبل العصر در چهار رکعت سنن بعد از تشهد و سطرانی درود شریف و در شفعه ثانی ثناء و غیره خواندن بکار ایست و باقی اگر کسی آن را نگوید در آن کدام حرج نیست زیرا این نیز یک قول است: و یل لا یاتی فی الکمل و صححه فی المنیۀ در المختار ^(۲). فقط

اگر فرائض قضاء شده بزمه باشد آیا برایش سنت و نوافل درست است: سوال: (۱۷۵۴)
 اگر بدوش کسی نمازهای قضاء شده دو یاسه ساله باشد آیا برای او نوافل و سنت جائز است یا نه؟

(۱) الدر المختار علی هامش رد المحتار کتاب الصلوة ص ۳۴۹، ط. س. ج ۱ ص ۳۷۵، ظفر

(۲) ولا یصلی علی النبی ﷺ فی القعدة الاولى فی الاربع قبل الظهر والجمعة وبعدها ولو صلی ناسیا فلیه السهر و قبل لا، ولا یستفتح اذا قام الی الثالثة منها لانها لاکدھا اشبهت الفریضة ولی الروای من ذوات الاربع یصلی علی النبی ﷺ و یستفتح و یتعوذ و یؤنزل؛ لان کل شفع صلاة و قبل لا یاتی فی الکمل و صححه القنیۀ (در مختار) قوله لان کل شفع صلاة قدمت بآن ذالک فی اول بحث الراجبات والمراود من بعض الراجحة قوله قبل لا الخ قال فی البحر ولا یفتی مالہ والظاهر الاول زاد فی المنح ومن ثم اولنا علیه وحکمتنا مالی القنیۀ بقیل (رد المحتار باب الوتر والنوافل ج ۱ ص ۶۳، ط. س. ج ۲ ص ۱۶)، ظفر

اگر سنن ونوافل را اداء کند آیا برایش باعث ثواب است یا نه؟

جواب: برای او اداء نمودن سنن ونوافل درست و باعث ثواب است زیرا هیچ یک عمل نیک یک عمل کننده ضائع نمیشود^(۱). فقط

در سنن قرائت جہری بہتر است یا سری؟ سوال: (۱۷۵۵) نوافل وسنن را طور خفیہ اداء نمودن افضل است یا جہرا بخاطر آنکہ از خیالات نجات یابد؟

جواب: در نوافل وسنن روز سرا قرائت نمودن بکار است نہ جہرا ونہ طور ی قرائت کند کہ فہمیدہ نشود البتہ در نوافل شب برایش اختیار است خواہ جہرا قرائت می نماید یا سرا، درالدر المختار مذکور است: کمتفل بالٹہار انہ یسر ویخیر المنفرد فی الجہر ان ادی کمتفل باللیل منفردا الخ الدر المختار^(۲). فقط

بعد از ظہر مغرب وعشاء نوافل را بہ پابندی اداء نمودن ضروری است یا احیاناً آن را ترک کند؟ سوال: (۱۷۵۶) در اوقات ظہر مغرب وعشاء بعد از اداء نمودن دو رکعت سنن دو رکعت را اداء میکند این نفل را علی الدوام کردن و احیاناً ترک نمودن افضل است و یا بعضی اوقات ترک نمودن آن مناسب است؟

جواب: در اداء نمودن نوافل اختیار است خواہ آن را احیاناً ترک می نماید و یا علی الدوام با پنداشتن نفل آن را اداء می کند زیرا در آن چنان اندیشہ وتشویش نیست کہ آن را کسی فرض ندارد اما با آنہم بہتر است کہ احیاناً آن را ترک کند.^(۳)



(۱) سنن مؤکدا أربع قبل الظهر وأربع قبل الجمعة وأربع بعدها بمسلسلة الخ شرعت المدينة لجبر القصاص والصلبة لقطع طمع الشيطان ويستحب أربع قبل العصر وقبل العشاء الخ (در مختار) قوله سن مؤکدا ای استانا مؤکدا الخ ولهذا كانت السنة المؤکدة قريبة من الواجب فی لحرق الآثم كما فی البحر ويستوجب تأوکها التثلیل واللوم كما فی التحریر (رد المحتار باب الوتر والنوافل ص ۶۳۰، ط. س. ج ۲ ص ۱۲).

ظہر

(۲) الدر المختار علی هامش رد المحتار باب صلاۃ الصلوة لصل فی القواعد ج ۱ ص ۴۹۸، ط. س. ج ۲ ص ۴۵۳. ظہر

(۳) ويستحب أربع قبل العصر وقبل العشاء وبعدها بمسلسلة وإن شاء وكعتين وكذا بعد الظهر (الدوالمختار علی هامش رد المحتار باب الوتر والنوافل ج ۱ ص ۶۳۰، ط. س. ج ۲ ص ۱۳) وبه یظهر ان كون ترك المستحب واجعا الى خلاف الأولى ولا يلزم عنه ان يكون مكروها (رد المحتار، باب ما يفسد الصلوة وما يكره فيها ج ۱ ص ۶۱۹، ط. س. ج ۱ ص ۶۵۵). ظفر

فصل رابع

مسائل تراویح

رکعات تراویح: سوال: (۱۷۵۷) بحوالہ اخبار البرید مؤرخہ ۲۵ جون سنہ ۱۹۱۸ ع مطابق ۱۵ رمضان المبارک از کانپور بیان تراویح بعد از اداء نمودن فرض وست عشاء بیست ۲۰ رکعت تراویح ادا کردن مسنون است و آن عده مردم که تراویح را با وتر هشت ۸ یا یازده ۱۱ رکعت میگیرند غلط است اگر هشت ۸ رکعت تراویح غلط باشد پس معنی این عبارت ابن الهمام چیست که در فتح القدیر می نویسد: فحصل من هذا كله ان قيام رمضان سنة احدى عشر ركعة بالوتر في جماعة فعله عليه السلام ثم تركه لغذر وكونها عشرين سنة الخلفاء الراشدين. تأسف است که اگر شما فتوی جواز را نمیدادید پس غلط آن را نیز نمیگفتید زیرا که یک سخن را بغیر از تحقیق غلط قرار دادن بعید از انسانیت است اکنون از آنجناب التماس می نمایم که اگر واقعا هشت ۸ رکعت ثابت نباشد آن را بالدلیل تحریر فرمائید و علاوه بر آن برای مایان دلیل ثبوت بیست ۲۰ رکعات تراویح از حدیث صحیح نشان و بیان فرمائید برای آنکه از ثواب آن ما نیز محروم باقی نمایم و بعضی میگویند که بیست ۲۰ رکعت تراویح از حضرت عمر رض به ثابت است فلذا ثبوت آن ادعا را از روایت صحیح پیش نمایند؟

جواب: سائر و جمهور احناف بیست رکعت تراویح را سنت مؤکد میگویند که همان قول محقق و راجح است فلذا در این مورد قول علامه ابن الهمام در مقابل جمهور احناف رح قابل قبول نیست ^(۱) و آنچه که بحواله البرید شما کدام سخن را نقل فرمودید که بعض مردم تراویح را یازده

(۱) وهی عشرون رکعة الخ بعشر تسليماً (درمختار) وهو قول الجمهور وعليه عمل الناس شرقاً وغرباً وعن مالك ست وثلاثون وذكر في الفتح ان مقتضى الدليل كون المسنون منها ثمانية والباقي مستحباً، وتيمنه في البحر وذكر جوابه فيما علقته عليه (رد المحتار مبحث التراویح ص ۹۹۰، ط. س. ج ۳ ص ۴۵) و ذکر فی الاختیار ان ابابوسف سأل ابا حقیقة عنها وما فعله عمر فقال التراویح سنة مؤكدة ولم يخرج عمر من للاء نفسه ولم يكن فيه منبدا ولم يامر به الا عن اصل لديه وعهد من رسول الله ﷺ والبحر الرائق باب الوتر والوالل ح ۱ ص ۹۶) ما حصل آنست که حضرت عمر رض باجماع صحابه کرام بیست رکعت تراویح را ترویج نموده اند در آن مورد بدلت تفکر بکار است که آنجناب ﷺ بفر از کدام اصل دست داشته چگونه همچو حکم کرده میخواست؟ یا آنهم که در مصنف ابن ابی شیبہ طرانی و بهقی این حدیث موجود است که راوی آن حضرت عبد الله بن عباس (رض) است: رسول الله ﷺ يصلي في رمضان عشرين ركعة سوى الوتر ووجه يك راوي که او پلنبا بعد از عهد صحابه کرام است آن را ضعیف گردانیدن و انکار نمودن از بیست کمت تراویح به هیچ طرح درست نیست و آن حدیث عائشه که با و رمضان و غیر رمضان هر دو متعلق است بر آن استدلال هیچ وجه درست نیست زیرا تراویح تنها =

یا ہشت رکعت بالوتر اداء می نمایند الخ مطلب آن اینست که آن عده مردمیکه هشت رکعت تراویح اداء می کنند و برای مردم نیز همچو حکم می نمایند و از هشت زیادتیر را بدعت می پندارند و از آن ممانعت می ورزند سائر آن غلط است بناء در این مورد مطلوب تغلیط امام ابن الهمام (رح) نیست بلکه مقصود تغلیط غیر مقلدین لامذهب هستند که آنها بیست رکعت تراویح را بدعت عمری میگویند والعیاذ بالله قال: اتبعوا سنتی وسنة الخلفاء الراشدين المهديين فكيف تكون سنة الخلفاء بدعة. فقط

با وجود تراویح در مسجد جامع در مسجد همجوارش نیز تراویح درست است: سوال:

(۱۷۵۸) و تئیکه در مسجد جامع شهر از زمان طویل المہلت بجماعت تراویح اداء میشود فلہذا در مسجد نزدیک مسجد جامع قائم نمودن جماعت تراویح چگونه است؟ آیا مسجد دوم در حکم مسجد ضرار داخل باشد یا نہ؟

جواب: قائم نمودن جماعت تراویح در مسجد دوم کہ قریب مسجد جامع قرار دارد موافق طریقہ مسنون است وقائم نمودن جماعت تراویح در ہر مسجد سخن پسندیدہ است وذریعہ حصول ثواب میباشد بناء صادر نمودن حکم مسجد ضرار برای مسجد دوم ناشی از جہالت ونا واقفیت مفتی میباشد نہ از حکم شریعت^(۱). فقط

برای مردم قریہ گفتن کہ در مسجد خود تراویح اداء کنید این چگونه است؟ سوال:

(۱۷۵۹) جواب استفتاء مواصلت نمود و در آن مزید طوالت شدہ است ومقدمہ دعوا در محکمہ دائرہ است واز جانب دیگر مردم این نوع شہادت دادہ اند کہ من او را گفتہ ام کہ در جماعت تراویح در مسجد جامع شرکت نہ ورزد بلکہ این مسجد قریہ است در آن جماعت تراویح قطعاً نمیشود قرآن پاک را بشنود، اگر آن الفاظ را من نگفتہ ام لکن و تئیکہ شہادت حلفی شدہ است

= دو یا سه شب شدہ است، دیگر آنکہ بحدیث روایت بیست اجماع صحابہ است و این سخن مسلم است کہ بدعت ہشت رکعت تراویح را تنها صد سالہ میشود کہ غیر مقلدین آن را نافذ نمودہ اند و قبل از آن مدت ہشت رکعت تراویح با جماعت اداء نمودن هیچگاہ ثابت نیست و در حدیث عائشہ چہار رکعت بیک سلام ذکر شدہ است حالانکہ غیر مقلدین دو در کثرت را بیک سلام اداء می نمایند و در آن مورد بخاطر روشن شدن موضوع شما وسائے رکعات تراویح مد حضرت الاستاذ شیخ الحدیث مولانا حبیب الرحمن اعظمی مد ظلہ را مضالہ فرمائید کہ از مفتاح العلوم منہ ضلع اعظم گروہ شائع شدہ است و در مورد رکعات تراویح او آن کتاب تا بہ اکنون کدام کتاب جامع و بہتر بنظر نہامدہ است. ظفر

(۱) وھل المراد انھا سنة کتابة لاهل کل مسجد من اللغة اوسمجد واحد منها او من المحلة ظاهر کلام الشارح الاول واستظهر الناسی و بطبر لی الثالث الخ (رد المحتار باب الوتر والوفال صحت صلوۃ التراویح ج ۱ ص ۶۶۰ ط. س. ج ۲ ص ۴۵) ضمیر

ہے با تسلیم نمودن آن نیز برائیم نیازی برای یک سوال است کہ برای یک نفر با استحقاق مردم محلہ همچو گفتن آیا آن مسجد در حکم ضرار است؟

جواب: در الدرالمختار مذکور است: ومسجد حية الفضل من الجامع ^(۱) الخ. زبدہ کلام آنست کہ مسجد محلہ در حق مردم محلہ از مسجد جامع افضل است وشامی نوشتہ است: لان له حقا علیہ فیؤدیه ^(۲). یعنی بر مردم محلہ مسجد محلہ حق دارد وآن را اداء نمودن بکار است بناء اگر اہل یک قریہ برای باشندگان قریہ دیگر همچو گفتہ باشند کہ در جماعت وتراویح مسجد جامع شرکت نکنید ودر مسجد قریہ خود شما جماعت تراویح قائم میشود در جماعت آنها شرکت کن وقرآن را سمع کن این سخن بی مورد وناہیست نیست بلکہ همچو گفتار پسندیدہ است ودر مورد همچو گفتہ وکردن حکم شریعت است کہ آباد واعمار نمودن مسجد بکار است ودر آن پنج وقت جماعت وقائم نمودن جماعت تراویح بکار است وبرای باشندگان متباہی قریہ نیز در آن مورد ترغیب دادن بکار است فلہذا صادر نمودن حکم ضرار در مورد مسجد بطریق ذکر شدہ کاملاً غلط است واصدار نمودن همچو فتوی دلالت بر جہالت وعدم علم همچو مفتی می نماید وهمچو کلمہ را در مورد مسجد هیچ جاہل نیز گفتہ نمیتواند اللہ پاک برای ما ہدایت فرماید وبرای مسلمانان توفیق خیر صلاح واتفاق عطاء فرماید آمین: إِنِّ الَّا إِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ فقط

رکعات تراویح وابن الہمام: سوال: (۱۷۶۰) جناب شما در فتویٰ خویش تحریر فرمودہ اید کہ این قول علامہ ابن الہمام در مقابل جمهور احناف قابل قبول نیست بسیار خوب ما می برسیم کہ جمهور احناف آن قول ابن الہمام رح را بکدام دلیل تردید می نمایند وبر حدیث: اتبعوا سنتی وسنة الخلفاء الراشدين، ما نیز صاد میگیریم لکن سوال آنست کہ از کدام روایت یا حدیث صحیح نیز ثابت است یا همانطور مجادلہ لسانی است وثبوت ہشت کعت را از رسول اکرم ﷺ طوری ما میدہیم کہ برای شما گنجایش انکار از آن نخواہد باشد اما بشرطیکہ بنظر انصاف آن را بنگرید اکنون بگیریید سر دست بندہ عاجز یک حدیث را نقل می نماید حدیث اول در بخاری

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب ما یفسد الصلوة وما یکرہ فیہا مطلب فی احکام المسجد ج ۱ ص ۶۱۷. ط.س. ج ۲ ص ۵۰۹. فقیر الدین غفر لہ

(۲) رد المحتار باب ما یفسد الصلوة الخ مطلب فی احکام المسجد ج ۱ ص ۶۶۷. ظفر

شریف است: قیام النبی ﷺ باللیل فی رمضان وغیرہ: عن ابی سلمۃ بن عبد الرحمن أنه سأل عائشة (رض) کیف كانت صلوة رسول اللہ ﷺ فی رمضان فقالت: ما كان رسول اللہ ﷺ یزید فی رمضان ولا فی غیرہ علی احدى عشرة رکعة یصلي اربعا فلا تسئل عن حسنہن وطولہن ثم یصلي اربعا فلا تسئل عن حسنہن وطولہن ثم یصلي لثلاثا قالت عائشة فقلت یا رسول اللہ ﷺ اتنام قبل ان توتر فقال: یا عائشة (رض) ان عینی تنامان ولا ینام قلبی. (بخاری کتاب التہجد پارہ پنجم). بلی قبلہ شما تحریر نمودید کہ چگونہ تغلیط غیر مقلد شدہ است و اکنون شما تحریر نمودید کہ در مقابل جمهور احناف قول علامہ ابن الہمام رح قابل قبول نیست و پس از آن مینگارید کہ این تغلیط غیر مقلد است نہ از ابن الہمام رح و مولانا بہ ارشاد خداوندی نیز عمل می نماید بناء و فتیکہ نطق می نمایند بہ انصاف باید بگوئید؟

جواب: قال فی شرح المنیۃ: تبیینہ: علم من ہذہ المسئلۃ ان التراویح عندنا عشرون رکعة بعشر تسليمات وهو مذهب الجمهور وعند مالک (رح) ست وثلاثون رکعة احتجاجا بعمل اهل المدينة وللجمهور ما رواه البيهقي ياسناد صحيح عن السائب بن يزيد قال كانوا يقومون علی عهد عمر رض بعشرين رکعة وعلی عهد عثمان رض وعلی رض مثله ^(۱) الخ از ابن حدیث طرز العمل خلفاء راشدین معلوم شد و همچنان مذهب احناف (رح) نیز واضح گردید، و جواب حدیث بخاری آنست کہ در آن بیان نماز تہجد است نہ تراویح چنانچہ در حدیث لفظ فی غیرہ بر آن دلالت می نماید زیرا در غیر از رمضان تراویح وجود ندارد بناء از آن چنان نماز مراد کردہ خواہد شد کہ در رمضان و غیر رمضان ہر دو باشد و آن نماز تہجد است و فی الدر المختار: التراویح سنة مؤكدة لمواظبة الخلفاء الراشدين الخ وهي عشرون رکعة قال فی رد المحتار قوله وهي عشرون رکعة هو قول الجمهور وعليه عمل الناس شرقا وغربا ^(۲) الخ و قبیلہ: و کیف لا وقد ثبت عنہ ﷺ علیکم ہستی و سنة الخلفاء الراشدين المهديين عضوا علیہا بالنواجذ كما رواه أبو داود ^(۳). فقط

بند از تراویح آواز بلند درود و سلام ثبوت ندارد: سوال: (۱۷۶۱) در بعضی مناطق بعد از اداء نمودن چہار کعت می نشینند و در حین قیام نمودن آہستہ تسبیح میگویند و بعد از درود بر

(۱) غبۃ المستملی ص ۳۸۸. ط.س. ج ۲ ص ۴۵. ظہیر

(۲) رد المحتار باب الوتر والنوافل مبحث التراویح ج ۱ ص ۶۶۰. ظہیر

(۳) رد المحتار باب الوتر والنوافل مبحث التراویح ج ۱ ص ۶۵۹. ط.س. ج ۲ ص ۴۴. ظہیر

خواجہ عالم بہ آواز بلند نعرہ خود را میکشد: صلوات بر محمد ﷺ آیا برای این عمل در کدام کتاب اصل یافته میشود یا نه؟

جواب: برای عمل فوق الذکر بہ ہیئت کذائبہ در شریعت هیچ اصل وجود ندارد و فقہاء می نویسند کہ درہر ترویجۃ تراویح یعنی بعد از چہار رکعت اختیار دارد اگر تسبیح میگوید یا قرآن را تلاوت می نماید یا نوافل اداء می نماید ویا هیچ نمیکند ودر شامی مذکور است کہ قہستانی نوشته است بعد از ہر ترویجہ سبحان ذی الملک والملکوت^(۱) الخ را سہ بار بگوید بندہ احقر میگوید کہ درمورد تکرار کلمہ: سبحان اللہ والحمد للہ ولا إلہ الا اللہ واللہ اکبر در احادیث صحیح بسیار فضائل آمدہ است بناءً تکرار آن افضل است و ہمین معمول است و مختار حضرت محدث وفقیہ گنگوہی صاحب رح بود. فقط

یسی رکعت تراویح: سوال: (۱۷۶۲) در رمضان المبارک چند رکعات تراویح اداء نمودن بکار است؟

جواب: بیست رکعات اداء نمودن بکار است^(۲). فقط

اگر نیت معاوضہ را داشته باشد اما بزبان نگوید در این صورت داد وستد نیز ناجائز

است: سوال: (۱۷۶۳) در قیام رمضان بغرض ختم قرآن مجید برای قاری بہ نیت دادن و گرفتن شنیدن قرآن کریم و شنواندن آن و بعد از آن داد وستد چگونه است؟ ودر حالیکہ نیت ہر دو گرفتن واعطاء نمودن باشد وبغیر از آن کسی نمیشنوند اگر در یک مسجد قرآن مجید شنونده نشود و تنها بر اداء نمودن تراویح اکتفاء شود آیا مردم قریہ از قیام رمضان محروم خواہد باشند یا نہ؟

جواب: تلاوت نمودن قرآن مجید بالا اجرت درست نیست و خالی از ثواب میباشد واز نگاہ (المعروف کالمشروط) ہر کسی کہ نیت داد وگرفتن را دارد آن نیز در حکم اجرت داخل ونا جائز است^(۳) ودر ہمجو حالت تنها تراویح اداء نمودن وعدم سمع کردن قرآن مجید بالا اجرت افضل و بہتر است و تنها با اداء کردن تراویح نیز ثواب و فضیلت قیام رمضان حاصل خواہد شد.

(۱) رد المحتار باب الوتر والوافل بحث التراویح ج ۱ ص ۶۶۱، ط.س. ج ۴ ص ۴۶، طغیر

(۲) وہی عشرون رکعة (الذکر المحتار علی هامش رد المحتار بحث التراویح باب الوتر والوافل ج ۱ ص ۶۶۰، ط.س. ج ۴ ص ۴۵)، طغیر

(۳) وان القراءة بشیء من الدنيا لا تجوز والاخذ والمعطى آتقان لأن ذلك یشہ الإستیجار علی القراءة ونفس الإستیجار علیہا لا یجوز (الذکر

المحتار باب قضاء الفوائت مطلب فی بطلان الوصیة ج ۱ ص ۶۸۷، ط.س. ج ۴ ص ۷۳، طغیر

چند ساله بچه امامت تراویح را ادا میتواند؟ سوال: (۱۷۶۴) چند ساله بچه قرآن مجید را در تراویح شنونده میتواند آیا پسر شانزده ساله در تراویح قرآن مجید شنونده میتواند یا نه؟ در حالیکه پسر مذکور سبیل و ریش هیچ ندارد و همچو پسر که پانزده ساله باشد او در صف اول بزرگان ایستاده و از قاری دیگر قرن را شنیده میتواند یا نه؟ و اگر پس سیزده یا چهارده ساله باشد آیا او همچنان در صف اول ایستاده و شنیده میتواند یا نه؟

جواب: اگر نشانی های متبانی بلوغ مانند احتلام و غیره در پسر موجود نباشد پس شرعا با تکمیل پانزده سالگی حکم بلوغ داده میشود^(۱) و هر پسر که سال شانزدهم او شروع شده باشد بدنبال او تراویح و فرائض و سائر نمازها درست است اگر چه ریش نداشته باشد و پسر دارای همچو عمر در صف اول نیز ایستاده شده میتواند و اما پسر سیزده و یا چهارده ساله امام شده نمیتواند^(۲) لکن در تراویح بخاطر آموختن در صف اول ایستاد شده میتواند.

ختم القرآن در تراویح سنت است. سوال: (۱۷۶۵) برای قاری تراویح شنوندن قرآن واجب است یا مستحب و در صورت وجوب اگر یک نفر در وقت تلاوت قوت و توانمندی خود داری از رباء رادر خویش ندارد آیا برای شنوندن جائز است یا نه و در صورت عدم جواز نه شنوندن قرآن مجید کدام حق و مواخذة بدوش او باقی می ماند یا نه اگر باقی باشد در آن صورت راه بیرون رفت چیست؟

جواب: شنیدن قرآن مجید و شنوندن هر دو سنت و مستحب است و بوجه رباء و عجب ترک نمودن آن بکار نیست فی المقدور کوشش نمودن حصول اخلاص بکار است و بخاطر رضای الله و لوجه الله بدون معاوضه شنونده شود زیرا این عمل دارای اجر و ثواب عظیم است و در آن فضیلت نیز میباشد^(۳) و باقی آنکه اگر بنابر معاذیر کدام قاری در تراویح قرآن کریم را قرائت ننمود و همانطور قرآن را تلاوت میکرد از مواخذة بری میباشد، قال الله تعالی: لَا يَكْلَفُ اللَّهُ نَفْسًا

(۱) بلوغ الغلام بالا احتلام و الاحمال و الاتزال الح فان لم يوجد بهما شيء فحتى يتم لكل منهما خمس عشرة سنة به یعنی لم يقصر اعمار اهل زماننا (والله المختار كتاب البحر فصل بلوغ الغلام ج ۵ ص ۱۳۴، ط. س. ج ۴ ص ۱۵۳). طفر.

(۲) لا يصح القضاء رجل بامرأة و حتى وصی مطلقا ولو في جازة و نقل على الاصح (درمختار) قال في الهديا وفي التراویح والسنن المظنقة الخ والمختار انه لا يجوز في الصلوات كلها. (رد المحتار باب الإمامة ج ۱ ص ۵۳۹، ط. س. ج ۴ ص ۵۷۶). طفر.

(۳) والختم مرة سنة و مرتين فضيلة و تلاوت الفعل ولا يترك الختم لكسل القوم (درمختار) ای قراءة الختم في صلاة التراویح سنة (رد المحتار) صحت التراویح ج ۱ ص ۶۶۲، ط. س. ج ۲ ص ۴۹۶). طفر.

الَّا وَسَمْعًا. فقط

در ترویجہ مناجات درست است یا نه؟ سوال: (۱۷۶۶) مولانا کرامت علی جونپوری در تراویح بعد از هر ترویجہ یک مناجات را تحریر نموده است آیا این بکدام دلیل معتبر ثابت است یا نه؟ اگر آن را ترک نماید و متبایقی مناجات را بگوید آیا گفته می‌تواند یا نه؟

جواب: در هر ترویجہ گفتن تسبیح تهلیل درود شریف واستغفار وغیره درست است و نیازی برای کدام مناجات مخصوص احساس نمیباشد سبحان ذي الملك والملكوت الخ را در شامی وغیره نقل نموده است و در آن نیز کدام حرج نیست و اما تکرار نمودن کلمه سبحان الله والحمد الله الخ زیادتر پسندیده است.^(۱) فقط

در تراویح با استماع قرآن مجید ثواب قرآن بر آورده میشود یا نه؟ سوال: (۱۷۶۷) زید میگوید که در تراویح دو چیز است اول قرائت که فرض است دوم سنت مؤکده و قتیکه در تراویح قرآن قرائت شد پس در هر دو چیزها تنها ثواب یک چیز حاصل شد یعنی اگر ثواب سنت مؤکده را حاصل کرد پس از ثواب قرائت محروم باقی ماند بناءً بعد از نماز تراویح در همان وقت بالای کسی قرآن را تلاوت نماید خودش آن را سمع کند که هر دو ثواب بزیاش حاصل شود و زید بر این قسم مسائل تاکید عمل کردن را می نماید آیا این صحیح است یا نه؟

جواب: این قول او غلط است زیرا بقرائت قرآن مجید در تراویح برای قرائت کننده و سمع کننده هر دو ثواب داده و حاصل میشود و هر کسی که همچو مسائل را بیان می نماید و بر آن پا فشاری میکند آنکس را لایق نیست که امام نصب گردد. فقط

آیا قاری شیعه بشریک شدن در جماعت فتحه داده میتواند؟ سوال: (۱۷۶۸) اگر امام در تراویح مرتکب غلطیها میشد و سامع همچنان فراموشی می نمود و در آن اثنا قاری شیعه موجود است اگر او نیت نماید و در جماعت شریک و رزد و فتحه برای امام بدهد آیا بنزد احناف جائز است یا نه؟

جواب: اگر شیعه مذکور قسماً باشد که نه تبراً کننده باشد و نه از صحبت صدیق اکبر منکر باشد

(۱) و مجلس ندای بین کل اربعه بقدرها و کلاً بین الخامسة والاربعین و یخبرون بین تسبیح و قراة و سکوت و صلوة فرادی (بومختار) قال القهستانی فیقال ثلاث مرأة سبحان ذي الملك والملكوت، سبحان ذي العزة والعظمة والقُدرة والکبرياء، والحرور سبحان الملك الهی الذی لا یهوت سبحان قدوس رب الملائكة والروح لا اله الا الله نستغفر الله نستلک الجنة ونعود نیک من النار (ردالمحتار مبحث التراویح ج ۱ ص ۶۶۱، ط.س. ج ۲ ص ۱۶). ظفر

و نه قائل بر قذف عائشه صديقه رض باشد پس در اين صورت فتحه دادن او جائز است و بر همتاني او نماز فتح گيرنده و نماز مقتديان او صحيح است ^(۱). و اگر قاري شيعه غالي باشد و سخنان متذکره در او موجود باشد يعني تبراني باشد و از صحبت خليفه اول منکر باشد و قاتل به إفک حضرت عائشه صديقه رض باشد پس چونکه همچو رافضي مرتد و کافر است فلهمذا بفتح دادن او و اخذ نمودن امام فتح او را نماز امام و سائر مقتديان باطل ميشود ^(۲). فقط

آيا تراويح ابتدا از سورت والضحي در هر سورت گفتن الله اکبر سنت است؟ سوال:

(۱۷۶۹) چون ختم کلام الله شريف در تراويح کرده شود بعض حفاظ بعد سورت والضحي تا آخر قرآن بر اختتام هر سورت الله اکبر مي خوانند که علاوه از تکبير رکوع مي باشد و گمان مي کنند که سنت است؟

جواب: فقهاء رحمهم الله اين قسم اذکار و ادعيه را بر خارج از صلاة يا بر صلاة نافله که منفردا اداء کرده شود محمول فرموده اند پس قول مانعين درين باره صواب است و قول مجوزين خطاء قال في الدر المختار: بل يستمع وينصت الخ وإن قرء الامام آية ترغيب وترهيب وكذا الامام لا يشتغل بغير القرآن وما ورد حمل على النفل منفردا الخ الدر المختار، قوله حمل على النفل منفردا افاد ان كلا من الامام والمقتدي في الفرض والنفل سواء اما الامام في الفرائض فلما ذكرنا من انه لم يفعله فيها وكذا الائمة من بعده إلى يومنا هذا فكان من المحدثات ولانه تثقیل على القوم فيكره واما في التطوع فان كان في التراويح فكذلك الخ شامي ج ۹ ص ۳۶۶. ^(۳) فقط

در داخل منزل در تراويح اقتداء زنان محرم وغير محرم درست است يانه؟ سوال:

(۱۷۷۰) شخصي فرض عشاء را بجماعت در مسجد در ماه رمضان اداء نموده تراويح و وتر را در خانه خود مي خواند و در تراويح ختم قرآن ميخواند بعضي زنان محرمات اند و بعضي زنان غير محرمات در آن خانه آمده زيرابه اقتداء آن حافظ تراويح و وتر اداء مي نمايند اين اقتداء جائز است

(۱) و فتحه على غير امامه الخ بخلاف فتحه على امامه فانه لا يفسد مطلقا لماتح واحد بكل حال لا إذا سمعه المومن من غير مصلي ففتح به لفسد صلاة الكل (والدر المختار على هامش رد المحتار باب ما يفسد الصلاة وما يكره فيها ص ۵۸۱ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۶۲۲). مظهر

(۲) بخاطر آنکه همچو شيعه کافر است لهذا فتح او فتح خارج است که مفسد صلاة است صراحت کفر است که مفسد صلاة ميباشد: و يفسد الخ فتح على غير امامه أيضا، ودر مورد همچو أهل تشيع صراحت کفر است: و بهذا ظهر أن الرافضي ان كان ممن يعتقد الألوية في علي اوان جبريل غلط في الرعي او كان ينكر صحة الصديق او يقذف السيدة الصديقة فهو كافر الخ (رد المحتار فصل في المحرمات ص ۳۹۸ ج ۲، ط.س. ج ۳ ص ۴۶). مظهر

(۳) رد المحتار فصل في القراءة ص ۵۰۸ - ۵۰۹ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۴۶. مظهر

یا نہ؟

جواب: بوجود زنان محرم کراہیت مرتفع می شود: کما يظهر من عبارة الدر المختار ^(۱) وفي رد المختار: وافاد أن المراد بالحرم ما كان من الرحم ^(۲) الخ. فقط

آیا تراویح چنان اداء نمودن درست است که در رکعت اول یک سورت قرائت نماید و در رکعت دوم تنها سورت اخلاص را بخواند؟ سوال: (۱۷۷۱) اداء نمودن تراویح بر این قسم جائز است یا نه مثلاً در رکعت اول سورت تکاثر را تلاوت کند و در رکعت دوم سورت اخلاص را تلاوت نماید یا در رکعت اول سورت والعصر را و در رکعت دوم سورت اخلاص را قرائت نماید؟

جواب: نماز تراویح طبق نقشه مسئوله نیز درست میشود لکن آن را لازم پنداشتن بکار نیست و بر آن اصرار نمودن نیز بکار نیست اگر بالترتیب در هر رکعت قرائت شود بهتر و پسندیده است ^(۳).

آنکس که در منزل تراویح بجماعت اداء میکند و بمسجد نمیرود در این مورد حکم چیست؟ سوال (۱۷۷۲) نماز تراویح را در خانه بجماعت اداء نمودن و بمسجد نرفتن چگونه است؟

جواب: در این صورت حکم آنست که در مسجد تراویح را اداء کند: و ظاهر کلامهم هنا ان المسنون کفایة اقامتها بالجماعة في المسجد حتى لو اقامها جماعة في بيوتهم ولم تقم في المسجد آثم الكل کذا في الشامي ص ۵۲۱. ^(۴) لکن اگر کسی بالجماعت چنان اداء می کند که جماعت مسجد مسدود نمیشود این درست است اما این مردم از فضیلت مسجد محروم میباشند در الدر المختار مذکور است: وان صَلَّى احد في البيت بالجماعت لم ينالوا فضل جماعة المسجد. فقط

تراویح که فوت شده باشد آن را چه وقت ادا کند؟ سوال: (۱۷۷۳) یک نفر بمسجد وقتی

(۱) کما نكرة إمامة رجل لهن في بيت ليس معهن رجل غيره ولا محرم معه كاخته أو زوجته أو أمته أما إذا كان معهن واحد ممن ذكر أو امهن في المسجد لا يكره (الدر المختار على هامش رد المحتار باب الإمامة ج ۱ ص ۵۲۹، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۶). طهیر

(۲) رد المحتار باب الإمامة ج ۱ ص ۵۲۹، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۶. طهیر

(۳) ثم بعضهم اختاروا أن كل ركعة وبعضهم اختاروا قراءة سورة الفيل إلى آخر القرآن وهذا أحسن القولين لأنه لا يشترط عليه عدد الركعات ولا يشغل لله بمغفلها كذا في التبيين (عالمگیری كشوري فصل في التراویح ج ۱ ص ۱۱۷، ط. ماجنة ج ۱ ص ۱۱۸). طهیر

(۴) رد المحتار معنی في التراویح ج ۱ ص ۶۶۰، ط.س. ج ۲ ص ۴۵. طهیر

داخل شد کہ فرض عشاء اداء شدہ بود وبعد از ادا شدن دو یا چہار رکعت تراویح در تراویح شامل شد پس اکنون تراویح متبائی را چگونہ تکمیل نماید آیا امام وقتیکہ بعد از چہار رکعت جلوس می نماید در آن وقت کہ موقع برایش میسر شود آن را ادا کند و یا امام ہر گاہ بیست رکعت را تکمیل نمود در آن حالت وتر را بجماعت اداء نماید و یا بعد از تکمیل نمودن تراویح متبائی؟

جواب: اگر در ما بین برایش موقع دریافت باشد و در میان ترویجہ امام موقع میسر گردید در این وقت آن را اداء کند و روتر را با امام بجماعت ادا کند وبعد از آن متبائی تراویح را تکمیل نماید^(۱) فقط

امامت نا بالغ در تراویح درست نیست: سوال: (۱۷۷۴) نا بالغ اگر در تراویح امام شود آیا اقتداء بہ او در حق بالغان و نابالغان جائز است یا نہ؟

جواب: در مورد اداء نمودن تراویح بدنبال نابالغ خلاف است لکن اصح آنست کہ جائز نیست. ^(۲) فی المنیہ و ذکر فی بعض الفتاوی: انه لا يجوز لان يوم البالغين في التراويح، وهو المختار^(۳) فقط

امامت نابالغ در تراویح درست نیست: سوال: (۱۷۷۵) عمر در سن سیزدہ سالگی بعد از حفظ قرآن مجید با صحبت الفاظ برای مقتدیان امامت تراویح را داد اما امامت فرض و وتر را استاذش کرد اکنون زید میگوید کہ یوجہ نابالغ بودن عمر تراویح مقتدیان ناقص است بناءً آیا در این صورت تراویح صحیح است یا آنکہ بقول زید ناقص است؟

جواب: صحیح آنست کہ بدنبال ہمس سیزدہ سالہ نہ فرائض ونہ واجبات صحیح است ونہ نوافل ونہ تراویح درست است فلہذا قول زید صحیح است کہ تراویح مقتدیان درست نشدہ است^(۴) فقط

(۱) والدہ فقہ ترویجہ او ترویجہ فلو اشغل بها فلو تروى الوتر بالجماعة يشغل بالوتر ثم يصلي ما فاته من التراويح وبه كان يفتي الشيخ الإمام الأستاذ طهر الدين كذا في الخلاصة. (عالمگیری کشوری باب التراویح ج ۱ ص ۱۹۹ ط. ماحدیہ ج ۱ ص ۱۲۰). طہر

(۲) ولا يصح القضاء رجل بامرأة ولا غنى ولا صبي مطلقا ولو في جنازة ونقل على الأصح (درمختار) قوله ونقل على الأصح قال في الهداية في التراويح والسنة المطلقة جوزه مشائخ بلغ ولم يجوزوا مشائخا ومهم من حقق الخلاف في النقل المطلق بين أبي يوسف ومحمد والمختار أنه لا يجوز في الصلوات كلها اهـ (رد المحتار باب الإمامة ج ۱ ص ۵۳۹ - ۵۴۰ ط. س. ج ۱ ص ۵۷۶). طہر

(۳) غنیہ المستملی بحث تراویح ص ۳۹۰. طہر

(۴) والمختار أنه لا يجوز في الصلوات كلها اهـ (رد المحتار باب الإمامة ج ۱ ص ۵۴۱ ط. س. ج ۱ ص ۵۸۸). طہر

بعد از وتر و تراویح دعا ثابت است یا نه؟ سوال: (۱۷۷۶) بعد از نماز تراویح دعا خواستن جائز است یا نه و در رمضان المبارک بعد از وتر دعا ثابت است یا نه؟

جواب: بعد از اختتام تراویح دعا خواستن درست و مستحب است و بر آن معمول سلف و خلف میباشد سپس از آن بعد از وتر دعا ضروری نیست بلکه یکبار کافی است یعنی بعد از اختتام تراویح کافی است. فقط

تہجد و تراویح از آنحضرت ﷺ ثابت است: سوال: (۱۷۷۷) تہجد و تراویح اداء کردن از رسول اکرم ﷺ ثابت است یا نہ؟ اگر ثابت است چند رکعت است؟

جواب: در مورد تهجد آمده است که جناب رسول اکرم ﷺ در رمضان المبارک و در غیر رمضان المبارک با وتر بیشتر از یازده رکعت تهجد زیاد نمیکردند یعنی اکثراً عادت مبارک ایشان همچنان بود ^(۱) و اما تراویح را آنجناب ﷺ سه شب اداء فرموده اند و بعد از جناب رسالت مآب ﷺ صحابه کرام رضی بر آن تداوم فرموده اند لهذا تراویح با جماعت سنت شده است ^(۲) والفصل فی المطولات فقط

در ترویج تراویح رواج وعظ درست است یا نه؟ سوال: (۱۷۷۸) بطور عموم در مساجد بعد از هر چهار رکعت نماز تراویح تمسیح گفته میشود لکن در یک مسجد بر خلاف آن رد این وقفه اندک وعظ گفته میشود آیا این هر دو عمل جائز است؟

جواب: بعد از هر چهار رکعت نماز تراویح مشروع و مستحب آنست که تسبیح، تهلیل و درود شریف و غیره بگوید و اگر در بعضی اوقات کدام وعظ ضروری شود اگر احساس ضرورت باشد در آن کدام قباح نیست لکن التزام آن را کردن که در هر ترویحه حتما وعظ کرده شود این ناپسند است كما قال فی الدر المختار: ویخیرون بین تسبیح و قرآنه و سکوت و صلوة فرادی^(۳)

(١) عن أبي سلمة بن عبد الرحمن أنه أخبره أنه سأل عائشة أم المؤمنين كيف كانت صلاة رسول الله ﷺ في رمضان قالت ما كان رسول الله ﷺ يزيد في رمضان ولا غيره على إحدى عشرة ركعة يصلي أربعا فلا تسئل عن حسن وطولهن ثم يصلي أربعا فلا تسئل عن حسن وطولهن ثم يصلي أربعا فلا تسئل عن حسن وطولهن (نسائي شريف باب كيف الموفى ثلاث ج ١ ص ٩٩٩).
ظهر

(٢) عن أبي ذر قال سمعت رسول الله ﷺ يقول: «يقيم بنا شجنا من الشهر حتى يلقى سبع لقم بنا حتى ذهب ثلث الليل فلما كانت السادسة لم يقيم بنا فلما كانت الخامسة قام بنا حتى ذهب شطر الليل الح رواه إبراهيم وغيره (مشكوة باب قيام الليل الخ رواه نوادر وغيره (مشكوة باب قيام الليل) الرابع سنة مؤكدة لمواظبة الحلفاء الراشدين الرجال والنساء إجماعاً (الدر المختار على هامش زاد المحتار بحث صلوة التراويح ١٦ ص ٦٥٩، ط.ب. ج ٢ ص ٤٣). - خفي

(٣) الدر المختار على هامش ودالمختار مبحث صلوة التراويح ص ١ ص ٦٦١، ط.س. ج ٢ ص ٨٦، ظهير

البح در مختار. فقط

در مورد تراویح یک چند سوالات: سوال: (۱۷۷۰) در رمضان المبارک بغیر از سامع خواندن قرآن مجید جائز است یا نہ؟ در پانی پت ضلع کرنال رواج است کہ دو نفر قاری قرآن را قرائت می نمایند در رکعت یک قاری و در رکعت قاری دیگر آیا این عمل جواز دارد یا نہ؟ اگر در تراویح قاری بغلطی بر رکعت سوم قیام ورزد چهار رکعات پنداشته میشود یا دو؟ اگر دو پنداشته شود چنانچه در اشتہار است سپس در دو رکعت آخری کہ قرآن مجید را تلاوت نموده است آیا ضرورت برای اعادہ آن است یا نہ؟ و اگر قاری قرآن را شروع نمود و بنا بر کدام عذر در وسط یک دو روز آن را نخواند مثلاً دہ بارہ را قرائت نمود و بعد از آن قاری دیگر تا بہ بارہ پانزدہ ہم قرآن را قرائت نمود پس اکنون کہ قاری سابق واول کہ شروع می نماید از بارہ یازدہ ہم شروع کند و یا از بارہ شانزدہ ہم شروع کند؟

جواب: اگر قرآن مجید را خوبتر بیاد داشته باشد پس بغیر از سامع نیز قرائت نمودن درست است اگر از قاری فراموش شد یا شک برایش طاری شد در این صورت بعد از سلام نظر کند اگر غلطی شده باشد آن را اعادہ کند لکن بہتر آن است کہ سامع داشته باشد بخاطر آنکہ مطمئن الفواد باشد. و در پانی پت کہ کدام رواج است در اینجا نیز در بعضی مساجد همانطور تعامل است و این ہم جائز است ^(۱) و در صوت اداء نمودن چهار رکعت کہ قرآن مجید در دو رکعت آخری آن تلاوت شده است نیازی برای اعادہ آن نیست ^(۲) و اما وقتی کہ قاری اول دہ بارہ را قرائت نمود و بعد از آن تا بہ بارہ پانزدہ ہم خواند و ہر گاہ کہ حافظ نخستین آمد او اختیار دارد کہ از شانزدہ ہم تلاوت می نماید و یا از یازدہ ہم قرائت را شروع میکند لکن بخاطر تکمیل قرآن مجید خویش بہتر آنست کہ از یازدہ ہم شروع نماید. فقط

حکم تاریک تراویح: سوال: (۱۷۸۰) آن عہدہ مردمی کہ تراویح را اداء نمیکنند در مورد آنان چہ حکم است؟

(۱) والأفضل لا یبغی التراویح بامام واحد لأن صلواہا بإمامین فالمستحب أن یكون إنصراف کل واحد علی کمال الترویجہ لأن إنصراف علی تسلیمة لا یستحب ذلك فی الصحیح (عالمگیری کشوری فصل فی التراویح ج ۱ ص ۱۱۵، ط. ماجدہ ج ۱ ص ۱۱۶). ظہیر

(۲) وعن ابی بکر الأسکاف أنه سئل عن الرجل قام إلى الثالثة فی التراویح ولم یقع فی الثالثة فإن تذاکر فی القیام یبغی أن یعود ویعبد ویسلم وإن تذاکر بعد ما سجد الثالثة فإن أضاف إليها رکعة أخرى کانت هذه الأربعة عن تسلیمة واحدة (ایضاً ص ۱۱۷) وإذا فسد الشفع وقد قرأ به لا یعد بما قرأ به ویعید القراءة لیهحصل له الختم فی الصلوة الجائزۃ (ایضاً ص ۱۱۶). ظہیر

جواب: تراویح بنزد احناف رح سنت مؤکد است و جماعت نیز در تراویح سنت میباشد تارک او مسی و گنہکار است. ^(۱) فقط

شبینه جائز است یا نه؟ سوال: (۱۷۸۱) بتعداد چند قراء در یک شب قرآن مجید را ختم می نماید که آن را شبینه گویند آیا این درست است یا نه؟

جواب: قرآن مجید را آنقدر بسرعت تلاوت نمودن که حروف آن در فهم نیاید و از مخارج اداء نشود نا جائز است فلہذا اگر در شبینه مذکور همچو تلاوت بسرعت میشود آن نیز نا جائز است
كما في الدر المختار: ويجتنب المنكرات هذمة القراءة ^(۲) الح. فقط

قرائت نمودن سورت الاخلاص در هر رکعت تراویح درست است یا نه؟ سوال: (۱۷۸۲)
بعضی مردم در تراویح چنان طریقه را وضع نموده است که در هر رکعت با سورت فاتحه سورت اخلاص را تلاوت می نماید آیا این از کراهیت خالی است یا نه؟

جواب: شامی مینویسد: واختار بعضهم سورة الاخلاص في كل ركعة الخ ^(۳) از این معلوم شد که در آن همچنان حرج نیست. فقط

بخاطر در مضیقه آغشته نمودن قاری شود وشغب کردن در وقت تراویح ناجائز است:

سوال: (۱۷۸۳) بعضی قراء عادت دارند وقتی که یک پسر مجددا در محراب پیش میشود و قرآن را میخواند او در آن وقت می رود و بخاطر ترساندن و فراموش نمودن قاری بشدت باہای خود را بر زمین می بد و حلقوم را تازه می نماید و سرفه میکند بناء در مورد همچو قراء حکم چیست؟

جواب: این عملگرد قراء جائز نیست در حدیث شریف است که رسول الله ﷺ از اغلوطات منع فرموده اند یعنی آن امریکه مسلمانان را در مغالطه می اندازد از این امور خود داری کردن لازم است. ^(۴) فقط

(۱) ونفس التراویح سنة على الأعيان عندنا الخ والجماعة فيها سنة على الكفاية الخ وإن تخلف واحد من الناس وصلّاها في بيته فقد ترك الفضيلة (عالمگیری کشوری ج ۱ ص ۱۱۵) قوله والجماعة فيها سنة على الكفاية الخ أفاد أن أصل التراویح سنة عن لؤ تركها واحد كره (ردالمحتار مبحث صلوۃ التراویح ج ۱ ص ۶۶۰، ط.س. ج ۲ ص ۴۵) طعیر

(۲) الدر المختار علی هامش (ردالمحتار مبحث صلوۃ التراویح ج ۱ ص ۶۶۳، ط.س. ج ۲ ص ۴۵) طعیر

(۳) (ردالمحتار مبحث صلوۃ التراویح ج ۱ ص ۶۶۲، ط.س. ج ۲ ص ۴۷) طعیر

(۴) عن معاوية رضي الله عنه أن النبي صلى الله عليه وسلم نهى عن الأغلوطات ورواه أبو داود، مشكوة كتاب العلم ص ۳۵ طعیر

قرآن مجید را آنقدر بسرعت خواندن مناسب نیست که در فهم نیاید: سوال: (۱۷۸۴)
 برخی از قراء در تراویح قرآن کریم را آنقدر سرعت میخواند که علاوه از تَعْلَمُونَ تَعْلَمُونَ چیزی دیگر در فهم نمی آید و بعضی مقتدیان نیز همچو تلاوت را بخاطر آنکه تراویح سرعت اختتام یابد آن را می پسندند بناء ایشان چه حکم دارد؟

جواب: در الدرالمختار مذکور است: و یجتنب المنکرات هذلفة القراءة وترک تعوذ و تسمیه و طمائیة^(۱) الخ یعنی در ختم قرآن کریم خود داری کند از منکرات و از تلاوت سریع و ترک تعوذ بسم الله و طمائیة اجتناب ورزد، از تحقیق فوق معلوم شد که چنین قرائت امر منکر است که بعرض حصول ثواب باعث معصیت میگردد. فقط

بوجه فراموشی خاموش شدن و تفکر نمودن چگونه است؟ سوال: (۱۷۸۵) (۱) بعضی قراء در جریان قرائت فراموشی می نمایند پس احیاناً در حالت قیام خاموش شود و در فکر نمودن آغاز نماید و احیاناً در قعده قبل التشهد یا بعد از تشهد تفکر می کند بناء این چه حکم دارد؟

در وقت فراموشی از یکجا و جای دیگر خواندن جواز دارد یا نه؟ سوال: (۱۷۸۶) (۲)
 بعضی قاریان که در جریان تلاوت برایش فراموشی طاری شود او خاموش نمیشود بلکه احیاناً از یک سورت و احیاناً از سورت دیگر از یکجا و جای دیگر در تلاوت می پردازد اگر در آن اثنا بیادش آمد او درست تلاوت را شروع می نماید و اگر بیادش نیامد پس تابه وقتی بعد از پریشانی رکوع می نماید و نماز خود را به انجام میرساند لکن اگر بیادش آید و یا نیاید در هر دو صورت آنان سجده سهو می کنند آیا سهو کردن بکار است یا نه؟

جواب: (۱ - ۲) در این هر دو صورت سجده سهو کردن بکار است و العامل انه اختلاف فی التفکر الموجب السهو فقل ما لزم منه تاخیر الواجب او الرکن عن محله بان قطع الاشتغال بالرکن او الواجب قدر اداء رکن وهو الاصح وقل مجرد التفکر الشاغل للقلب وان لم یقطع المولات^(۲) الخ. فقط

فتح دادن غلط در تراویح برای مشوش نمودن: سوال: (۱۷۸۷) بعضی قراء سابقه قاری جدید را در تراویح برای این مقصد غلط فتح میدهد که پریشان شود این چه حکم دارد؟

(۱) الدر المختار علی هامش رد المحتار بحث التراویح ج ۱ ص ۶۶۳. ط. س. ج ۳ ص ۴۷. ظهیر

(۲) رد المحتار باب سجود السهو ج ۱ ص ۷۰۹ تحت قوله واعلم انه اذا خطه الخ. ظهیر

جواب: این هم از آن اغلوطات است که در حدیث از آن ممانعت آمده است^(۱). فقط نیت را بیهتة نموده فتحة داد سپس نیت را شکست این چگونه است؟ سوال: (۱۷۸۸) بعضی قراء تلاوت یک قاری را بیرون از نماز نشسته میشوند و قنیکه برایش فراموشی عارض شود او عجاله در داخل صف یا عنقریب صف نیت میکند و سپس برای قاری فتح میدهد و بالفعل نیت را می‌شکناند و می‌نشیند و بعضی خدا ناترس در همچو صورت چنان عمل میکند که بغیر از وضوء و یا با وجود قدرت استعمال آب تیمم می‌نماید و نیت نموده او را فتح میدهد بناءً در این هر دو صورت حکم فتح دهنده و فتح گیرنده چیست؟

جواب: اگر بعد از نیت نمودن فتح بدهد در نماز قاری کدام خلل واقع نمیشود لکن او در شکستادن نیت گنہکار میشود و قضا بر او لازم می‌باشد و هر کسی که بغیر از وضوء فتح داد و یا در موجودیت آب تیمم نمود و برایش فتح داد و قاری فتح را گرفت پس نماز قاری و نماز سائر مقتدیان همچنان فاسد شده است^(۲). فقط

بیهت خوابیده در وقت تراویح گفتگو نمودن: سوال: (۱۷۸۹) بعضی مقتدیان چنان عمل میکنند و قنیکه قاری در تراویح دو سه باره یا بیشتر را قرائت می‌نماید پس ایشان در راز صف یا خارج از نماز خاموش نشسته می‌باشند و یا در شغل خوابیده می‌باشد یا بطور خفیه گفتگو می‌نمایند لکن در حالت خاموشی همچنان شنیدن قرآن مجید هرگز مقصود آنان نمی‌باشد آیا بری آنها ثواب شنیدن است و یا چطور؟ و در شریعت این فعل چه حکم دارد؟

جواب: واضح و روشن است که گفتگو کردن در همچو اوقات گناه است و مبطل ثواب می‌باشد و خاموش نشستن و در حالت اضطجاع بودن اگر چه بنیت استماع نباشد لکن آواز قاری بگوش او میرسد در این وقت ثواب شنیدن برایش حاصل خواهد شد. فقط^(۳)

یک قاری در دو مسجد تراویح میدهد: سوال: (۱۷۹۰) بعض قاریان صاحبان چنین عمل می‌نمایند که در یک مسجد تراویح را میدهد سپس در همان وقت دو مسجد دیگر نیز تراویح میدهد در این مورد حکم چیست؟

(۱) عن معاوية قال ان النبي صلى الله عليه وسلم نهى عن الاغلوطات رواه ابو داؤد (مشکوٰۃ کتاب العلم ص ۳۵). ظہیر

(۲) وان فتح علی امامه لفسد (عالمگیری کشوروی باب سابع منہد الصلوة ج ۱ ص ۹۰). ظہیر

(۳) بجب الإستماع للقراءة مطلقا (درمختار) ای فی الصلوة وخارجها (رد المحتار فصل فی القراءة ج ۱ ص ۵۰۹، ط.س. ج ۱ ص ۵۴۶).

جواب: آن را مکروه نوشته است اگر چه تراویح درست خواهد شد ^(۱) در عالمگیری آن را ناجائز نگاشته است و فتویٰ نیز بر همان است. فقط

در ختم قرآن از (الم) تابه (هَمْ الْمُفْلِحُونَ) خواندن مستحب است: سوال: (۱۷۹۱) مولانا عبد الحی رح صاحب در تراویح تابه (هَمْ الْمُفْلِحُونَ) ختم نمودن را جائز نوشته است یعنی وقتیکه قرآن را ختم کند پس در رکعت آخری (الم) را تابه (هَمْ الْمُفْلِحُونَ) نیز بخواند و تلاوت کن و در فتاویٰ عالمگیری ترتیب ختم را بهمین منوال نیز نوشته است بناء در این مورد سخن صحیح چگونه است؟ و از یک آیت بطرف آیت دیگر منتقل شدن چه حکم دارد و بعضی مردم تابه (هَمْ الْمُفْلِحُونَ) قرائت نمودن را مکروه قرار داده اند؟

جواب: مولانا عبد الحی (رح) صاحب کہ در این مورد چیزی نوشته است همان صحیح است و فقهاء احناف نیز در ختم قرآن مجید تنها آن را مستحب تحریر فرموده اند کہ بر آیات اولین سورۃ بقرہ ختم شود بخاطر آنکہ از حدیث ثابت است و علاوہ از آن او مواضع متفرقہ تلاوت آیات را مکروه نوشته است: کما سیجی عن شرح المنیۃ: لان النبی ﷺ قال یضر الناس الحال المرتحل ای الخاتم المفتح انتہی ^(۲) شرح منیہ کبیری. فقط

آیا تراویح فوت شدہ را بعد الوتر اداء نموده میتواند؟ سوال: (۱۷۹۲) زید میگوید بر ذمہ کسی کہ تراویح باقی باشد او با امام وتر را اداء کردہ میتواند و بعد از وتر تراویح متباقی را تکمیل نماید عمرو میگوید کہ نخست تراویح را تکمیل نماید سپس وتر را اداء کند تا وقتیکہ تراویح تکمیل نشود با امام در وتر شرکت نکند درالدر المختار و غیرہ وقت تراویح را بعد العشاء متعین و بیان نموده است خواہ قبل الوتر باشد یا بعد الوتر باشد و شارح ہدایہ تصدیق ہمین قول را کردہ است و در شامی همچنان تصدیق ہمین قول است بناء تحقیق مسئلہ چگونہ است؟

جواب: درالدر المختار مذکور است: فلو فاتہ بعضها وقام الامام الی الوتر اوتر معه ثم صلی ^(۳) ما

(۱) در عالمگیری جواب سوال مذکور را عدم جواز نوشتہ است کہ الفاظش عبارت است از: إمام یصلی التراويح فی مسجدین فی کل مسجد علی الکمال لا یجوز کذا فی محیط السرعسی الفتوی علی ذلک کذا فی المضمرات (عالمگیری مصری ج ۱ ص ۱۵۹، ط. س. ج ۱ ص ۱۱۶، باب التراويح). ظہیر

(۲) مظالم فرمالید: رد المحتار باب صلوۃ فصل فی القراءۃ تحت قوله وان یقرأ منکوسا إلا إذا ختم الخ ج ۱ ص ۵۱۰، ط. س. ج ۱ ص ۵۴۷. ظہیر

(۳) الدر المختار علی هامش ودر المختار بحث التراويح باب الوتر والنوازل ج ۱ ص ۶۵۹، ط. س. ج ۲ ص ۴۴. ظہیر

فاتہ یعنی اگر برخی از تراویح فوت شدہ بود و امام برای اداء وتر قیام نمود پس وتر را با امام اداء کند و بعد از آن تراویح متباقی را تکمیل نماید و درالدر المختار مذکور است: و وقتها بعد صلوۃ العشاء الی الفجر قبل الوتر و بعدہ فی الاصح^(۱). زبیدہ تحقیق مذکور آنست کہ وقت تراویح بعد از نماز عشاء تا بہ فجر مقرر است قبل الوتر باشد یا بعد الوتر بنا بر مذهب اصح فلہذا وقتیکہ اصح بودنش معلوم شد پس اکنون هیچ گنجایش تردد باقی نماند. فقط

در تراویح مقدار قرائت مسنون: سوال: (۱۷۹۳) در شب اول رمضان قاری برای شنواندن قرآن مجید آمادہ شد در این اثنا یک مقتدی انکار نمود کہ ما قرآن را سمع نمیکنیم امام و سائر مقتدیان او را پاسخ دادند کہ اگر تو سمع نمیکنی مایان سمع می نمائیم پس در این وقت شخص اول گفت کہ بسورت های کوتاہ امامت را بدہ حالانکہ شخص اعتراض کنندہ تندرست و قوی ہیکل است فلہذا در همچو صورت شرعاً ارشاد چیست؟

جواب: در این مورد فقہاء نوشته اند کہ در عصر موجودہ بہتر آنست کہ آنقدر تلاوت در تراویح شود تا کہ ہر مقتدیان ثقیل و سنگین نگردد بناءً قول شخص مذکور را برہمان حمل خواہم کرد کہ طبق حال مقتدیان سورت های مناسب را در تراویح قرائت نماید و چنان نیست کہ انکار از سمع نمودن قرآن مجید است و بلکہ مطلب آنست کہ در تراویح قرآن را کاملاً ختم مکن بلکہ تراویح بسورت ها اداء کن و در آن کدام قباحت نیست در الدر المختار مذکور است: وفي فضائل رمضان للزاهدي اثنى ابو الفضل الكرمانی والوبري أنه اذا قرء في التراويح الفاتحة وآية او آيتين لا يكره ومن لم يكن عالماً باهل زمانہ فهو جاهل الخ.^(۲)

دہ (۱۰) رکعت بامامتی دو مسجد ادا کردن چگونه است؟ سوال: (۱۷۹۴) در یک مسجد خطیب و امام مقرر است و او تراویح را بیک طریقہ میدہد کہ امامت فرض عشاء را شخص دیگر اداء میکند و دردہ (۱۰) رکعت تراویح قاری صاحب پاو بالا یک پارہ قرآن را قرائت می نماید و تراویح متباقی را یکی از مقتدیان بسورت ها امامت میدہد و بعد از آن قاری مذکور بمسجد دیگر میروہ و بہمان مقدار پاو بالا یک پارہ را در دہ (۱۰) رکعت را امامتی قرائت می نماید بناءً این صورت جواز دارد یا نہ؟

(۱) ابضا ج ۱ ص ۶۵۹، ط.س. ج ۲ ص ۴۴، ظہیر

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار صحت التراویح باب الوتر والنوافل ج ۱ ص ۶۲۲، ط.س. ج ۲ ص ۴۷، ظہیر

جواب: قال فی العالمگیری: امام یصلی التراويح فی مسجدین فی کل مسجد علی الکمال لایجوز کذا فی محیط السرخسی^(۱) از این روایت معلوم شد کہ ده رکعت تراویح را در دو مسجد امامت دادن درست است لکن در ختم نمودن قرآن مجید چیزی معاوضہ اخذ نمودن درست نیست کما ورد: اقرءوا القرآن ولا تأکلوا به. فقط

زنان بدنیال مرد پس پرده اقتداء کرده میتوانند: سوال: (۱۷۹۵) اگر کسی امامت نماز فرض یا تراویح را میدهد و زنان آداء می نمایند آیا نماز زنان جائز است یا نه؟ و همچنان در نماز امام کدام خلل وارد نمیشود؟

جواب: نماز مستورات مذکوره درست است^(۲).

دوچهار رکعت تراویح قعدہ اولی را نکرد: سوال: (۱۷۹۶) اگر امام در تراویح برای رکعت سوم قیام نمود و هر چهار رکعات را تکمیل کرد لکن در دورکعت قعدہ نکرده بود پس در همچو صورت با آداء نمودن سجده سهو دورکعت خواهد شد یا چهار رکعات؟

جواب: در بیان تراویح در الدر المختار و شامی تصریح بر آنست کہ در همچو صورت دورکعت تراویح درست میشود: فلو فعلها بتسلیمة فإن قعدہ لكل بشعة صحت بکراهة وإلا نابت عن شفع واحد به یفتی قوله به یفتی لم أر من صرح بهذا اللفظ هنا وإنما صرح به فی النهر عن الزاهدی فیما لو صلی اربعاً بتسلیمة وقعدہ واحدة الخ شامی ص ۴۷۴. (۳) فقط

بسم الله را در تراویح جهرا خواندن چگونه است؟ سوال: (۱۷۹۷) در مناطق بشاور و غیره در ختم تراویح در شروع یک سورت (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) را قرائت نمیکند و استدلال میکنند کہ از آنحضرت ﷺ و صحابه کرام رض جهرا ثابت نیست و جزء بودن تسمیة مستلزم جهر نیست حالانکہ علماء هندوستان یکبار تسمیة را جهرا میگویند و در فتاویٰ مولانا عبدالحی (رح) همچنان یکبار جهرا خواند تسمیة را مسنون نوشته است دلیل این جهر و وجه آن چیست؟

جواب: جهرا خواندن (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) یکبار بخاطر آنست کہ تسمیة جزء سائر قرآن است و اگر در یکجا نیز جهرا خوانده نشود پس شنیدن قرآن مجید، سمع کننده گان کامل نخواهد

(۱) عالمگیری کشوری فصل فی التراویح ج ۱ ص ۱۱۵، ط ماجدیة ج ۱ ص ۱۱۶. ظفر

(۲) کما نکره امامة الرجل لهن فی بیت لیس معهن رجل و غیره لامحرم من الخ اما إذا کان معهن واحد ممن ذکر او امهن فی المسجد لا یکره. (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب الإمامة ج ۱ ص ۵۲۹، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۶. ظفر

(۳) رد المحتار باب الوتر والنوافل صحت التراویح ج ۱ ص ۶۶۰ - ۶۶۱، ط.س. ج ۲ ص ۴۵. ظفر

شد و این بناءا جهر معلوم میشود ورنه ظاهر است که جزء قرآن بودن مستلزم جهر نیست لکن چونکه ختم همه قرآن در تراویح مسنون است فلذا جهر بالتسمیه باواز بلند خواندن بسم الله را سنت گفته شده است.^(۱) فقط

در ترویجچه سرا گفتن تسبیحات مناسب است: سوال: (۱۷۹۸) در هر چهار رکعات تراویح که کدام تسبیح قرائت میشود سبحان ذی الملك والملکوت الخ آیا امام آن را جهرًا بگوید یا سرا و یا در حکم امام و مقتدیان فرق است؟

جواب: تسبیحات مذکوره سرا بهتر است که گفته شود و بویژه در آن جهر مفرط بکار نیست امام و مقتدیان هر دو تسبیحات را سرا یگویند کما فی الحدیث: یا ایها الناس اربعوا علی انفسکم فانکم لا تدعون اصم ولا غابا الحدیث^(۲). فقط

برای قاری بتراویح پول دادن چگونه است؟ سوال: (۱۷۹۹) یک مولوی زیاد متدین متقی قاری قرآن است او هر سال در رمضان المبارک بمسجد یک قریه میرود و در تراویح قرآن را میشنوند و بعد از ختم شریف مقتدیان و غیره موافق توان و قدرت خویش بغیر از جبر و اکراه و بدون گفتار قاری حسبه الله برای قاری صاحب پول نقد اعطاء می کنند و قاری صاحب نیز آن را بخرسندی می پذیرد و میگوید که مقصود من منفعت و کمائی مال دنیا نیست و مقصود من تنها ثواب و اداء نمودن سنت مؤکد و یاد داشت قرآن مجید است و وجود عدم پول برای من یکسان است و از عبارت تفسیر عزیزی جواز صورت اجرت علی العبادات معلوم میشود که در آن با سوال درج است در این صورت شرعا حکم چیست؟

جواب: فقهاء کرام قاعده را وضع نموده اند که المعروف کالمشروط کذا فی الشامی و غیره پس اگر برای قاری موصوف معلوم باشد که برای او بشنوندن قرآن پول داده میشود و در آن داد و ستد معروف باشد در این صورت برای قاری مذکور بعد از اختتام قرآن مجید اخذ نمودن چیزی درست نیست و در آن سامع و قاری هر دو از ثواب محروم میباشند^(۳) و تحریر شاه عبد العزیز

(۱) وهی (ای البسملة) آیه واحده من القرآن کله (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة ج ۱ ص ۴۵۸، ط.س. ح ۱ ص ۴۹۰). ظفر

(۲) مشکوٰۃ المصابیح باب ثواب التسبیح الخ فصل اول ص ۲۰۱. غفری

(۳) وین القراءة بشی من الدنیا لاجوز و ان الاخذ والمعطى الثمان لان ذلك يشبه الاستیجار علی القراءة ونفس الاستیجار علیها لاجوز فکذا ما شبه الخ ولا ضرر فی جواز الاستیجار علی التلاوة (رد المحتار باب قضاء الفرائض مطلب بطلان التوسعة ح ۱ ص ۶۸۷، ط.س. ح ۲ =

(رح) بر آن حالت محمول است که در آن عبادت چیزی گرفتن و اعطاء نمودن معروف نباشد بخاطر آنکه در کلام فقهاء و در میان ارشاد شاه عبد العزیز تعارض نیاید. فقط

آیا در تراویح در شروع هر سورت جہراً خواندن بِسْمِ اللّٰہ بکار است؟ سوال: (۱۸۰۰)

یک مولوی صاحب قاری قرآن و حافظ قرآن است او در ما بین تراویح بعد از فاتحه بر آغاز هر سورت جہراً بِسْمِ اللّٰہ میخواند و میگوید که در آن نه کدام قیاحت است و نه کراهیت و در ثبوت بالجہر او میفرماید که در تراویح قسمیکه تکمیل قرآن قرآنۀ مقصود و ست مؤکده است همچنان تکمیل قرآن مجید سماعاً نیز در حق مقتدیان مقصود است لهذا تا وقتیکه در تراویح جہراً بِسْمِ اللّٰہ با هر سورت خوانده نشود این اختلاف در حق مقتدیان رفع نخواهد شد و این اختلاف تنها از مجتهدین کرام بلکه از امامان قرائت نیز است بناءً آیا در شروع هر سورت بعد از فاتحه خواندن بِسْمِ اللّٰہ جہراً در تراویح چگونه است و برای قاری حنفی در مورد تسمیه اتباع مجتهدین خویش نمودن بکار است که سرا بخواند و یا اتباع امامان قرائت بالجہر بکار است؟

جواب: در الدلر المختار مذکور است: کما تعوذ سمی الخ سرا الخ قوله سرا الخ قال فی الکفایۃ عن المجتبی والثالث أنه لا یجہر بها فی الصلوۃ عندنا خلافاً للشافعی و فی خارج الصلوۃ إختلاف الروایات والمشاخ فی التعوذ والتسمیۃ قیل یخفی التعوذ دون التسمیۃ والصحیح أنه لیتخیر فیہما ولكن یتبع امامه من القراء وهم یجہرون بہما إلا حمزۃ فأنه یخفیہا اھ شامی^(۱) ج ۱ ص ۳۲۹. از این معلوم شد که در داخل نماز بنزد احناف بالاتفاق سرا خواندن بکار است و در آن مورد احناف هیچ کس اختلاف ندارد و اما اطلاق صلاۃ شامل است برای نماز فرض نفل و تراویح و غیره را و همچنان از آن عبارت واضح شد که اتباع یکی از امامان قرائت خارج از صلاۃ است نه در داخل صلوۃ و بر آن ما استاذان و علماء احناف خود را دریافت نموده ایم. فقط

در ختم قرآن خواندن آیت های دیگر چگونه است؟ سوال: (۱۸۰۱) در رمضان در ختم

قرآن مجید قاری صاحب در نوزده رکعت قرآن پاک را ختم نمود و در رکعت بیستم بعد از قرائت (الم) تا به (هُمُ الْمُفْلِحُونَ) در همان کعت آیت های ذیل را میخواند: **إِنَّ رَحْمَةَ اللّٰهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ، دَعَوَاهُمْ فِیْهَا سُبْحَانَكَ اللّٰهُمَّ وَتَحِیَّتُهُمْ فِیْهَا سَلَامٌ** الخ تا به (عَمَّا یَصِفُونَ) قرائت

= ص ۷۳. ظفر

(۱) رد المحتار باب صفة الصلاۃ ج ۱ ص ۴۵۷، ط.س. ج ۱ ص ۷۹۰. ظفر

نماید و رکوع کند آیا این جائز است یا بدعت میباشد؟

جواب: در بعضی روایات آمده است کہ بعد از ختم القرآن از (آلم) شروع شود و تا بہ رجم المفلحون تلاوت گردد و فقہاء کرام نیز اجازت آن را فرمودہ اند و این مستحب است (۱) و علاوہ از آن متباقی آیت ہا را در آن وقت تلاوت نمودن منقول نیست بناءً ترک کردن آن مناسب است. فقط

جماعت تراویح زنان: سوال: (۱۸۰۲) (۱) یک چند زنہای حافظان قرآن میخواہند کہ در تراویح با جماعت خویش قرآن را ختم نمایند این فعل آنها چگونه است؟
سوال: (۱۸۰۳) (۲) چند زنہ نماز عید را بجماعت اداء نمودہ میتوانند یا نہ؟ آیا زن امام زنہا شدہ میتواند یا خیر؟

جواب: جماعت زنہا طوریکہ زن امام آنها باشد مکروہ است خواہ جماعت تراویح باشد و یا جماعت تراویح نباشد در سائر آنها امام شدن زن برای زنان مکروہ است (۲).

امامت پسر یک ماہ کم پانزدہ سالہ در تراویح درست است یا نہ؟ سوال: (۱۸۰۴) پسری کہ عمرش بتاریخ اول رمضان چهاردہ (۱۴) سال و یازدہ (۱۱) ماہ میشود برای او امامت تراویح جائز است یا نہ و همچنان در وتر امامت او جواز دارد یا خیر؟

جواب: مسألہ از این قرار است کہ اگر در پسر دیگر علامہ و نشانی بلوغ مانند احتلام و انزال دریافت نشود پس او در صورت تکمیل عمر پانزدہ سالگی او شرعاً بالغ پنداشتہ میشود و ہر پسری عمرش بتاریخ اول رمضان چهاردہ سال و یازدہ ماہ است امامتش در وتر و تراویح درست نیست زیرا صحیح مذهب احناف همان است کہ امامت نابالغ در فرائض نوافل و واجبات درست نیست (۳) کذا فی الدر المختار و الشامی البتہ اگر کدام علامت بلوغ در او دریافت میشود پس امامتش میشود پس امامتش درست است. ظفیر

(۱) و بکرہ الفصل بسورۃ قصصہ وأن یقرأ منکوناً إلا إذا حتم فیکراً من البقرة (درمختار) قال فی شرح المیة فی المولود علیہ من یختم القرآن فی الصلوة إذا فرغ من الموعود فی الرکعة الأولى یرکع ثم یقرأ فی الثانية بالقائحة وشیء من سورة البقرة لأن النبی صلی اللہ علیہ وسلم قال حبر الناس الحال المرحل ای الخاتم المفتوح اھ (رد المحتار فصل فی القراءة ج ۱ ص ۵۹۰ ط.س. ج ۱ ص ۵۴۹). ظفیر

(۲) و بکرہ تحریم جماعۃ النساء ولو فی التراویح (درمختار) أفاد أن الکراهۃ فی کل ما شرع فیہ جماعۃ الرجال فرما او نفلاً (رد المحتار باب الإمامۃ ج ۱ ص ۵۲۸ ط.س. ج ۱ ص ۵۲۵). ظفیر

(۳) ولا یصح القضاء رجل بامرأة وشیء مطلقاً ولو فی جنازۃ ونفل علی الأصح (درمختار) والمختار أنه لا یجوز فی الصلوات کلها (رد المحتار باب الإمامۃ ج ۱ ص ۵۳۹ ط.س. ج ۱ ص ۵۷۶). ظفیر

بآواز بلند در ترویجہ گفتن صلوات چگونه است؟ سوال: (۱۸۰۵) در وقت نماز تراویح بعد از هر چهار رکعت یک چند دقیقه نشسته صلوات گفته میشود آیا عند الاحتمال این جائز است یا نه؟

جواب: در نماز تراویح بعد از هر چهار رکعت اندک نشستن تسبیح تہلیل درود شریف وغیرہ خواندن مستحب است ^(۱) هر یکی جدا گانہ تسبیح تہلیل وغیرہ را بگویند ومشترکانہ بیک آواز خواندن ضروری نیست بلکہ ناپسند است. فقط .

تراویح را بنیت دو، دو رکعت اداء نمودن بکار است؟ سوال: (۱۸۰۶) تراویح را بنیت دو دو رکعات اداء کند یا بہ نیت چهار چهار رکعت؟

جواب: تراویح را بر دو دو رکعت اداء نمودن وسلام گردانیدن بہتر است کما فی الدر المختار ^(۲). فقط .

در تراویح سجده تلاوت برکوع کردن اداء خواهد شد یا نہ؟ سوال: (۱۸۰۷) اگر در تراویح بختم نمودن رکوع سجده تلاوت شود آیا سجده تلاوت اداء خواهد شد یا نہ؟ وآنکس کہ خارج از نماز سجده تلاوت را اداء کند سجده او اداء خواهد شد یا نہ؟

جواب: اگر در رکوع نیت سجده را کرد پس سجده تلاوت او اداء میشود واما در سجده بغیر از نیت نیز ^(۳) اداء میشود وسجده تلاوتیکہ در نماز واجب شدہ است آن را خارج الصلاة اداء نمودن جائز نیست ^(۴). فقط (در تراویح اداء نمودن سجده تلاوت در رکوع بکار نیست. ظفر)

جہراً خواندن بسم اللہ چگونه است؟ سوال: (۱۸۰۸) آیا کدام روایت از ابن مسعود رض است کہ بسم اللہ با هر سورت نازل شدہ است واحتیاطاً در تراویح با هر سورت جہراً خواندہ شود وعلاوہ از بسم اللہ اگر جہراً خواندہ شد آیا گنہکار خواهد شد؟

(۱) وبجلس نہما بین کل اربعۃ بقولہا وکذا بین الخامسة والوتر وبحیرون بین تسبیح وقراءة وسکوت وعلاۃ فرادی والدر المختار علی هامش ودرالمختار صحت التراویح ج ۱ ص ۶۹۹ . ط.س. ج ۲ ص ۷۶. ظفر

(۲) وہی عشرون رکعۃ بعشر تسلیمات فلو فعلہا بتسلیمۃ فان قعد بکل شفع صحب بکراۃ والا ناست عن شفع واحد بہ بقی (الدر المختار علی هامش ودرالمختار صحت التراویح ج ۱ ص ۶۹۰، ط.س. ج ۲ ص ۴۵). ظفر

(۳) وتؤدی برکوع صلاۃ إذا کان الرکوع علی الفور من قراءة آية أو إيتين وكذا الثلاث علی الظاہر کما فی البحر أن لو نواه ای کون الرکوع لسجود التلاوة علی الرابع تؤدی بسجود کذلک ای علی الفور وإن لم یؤ الخ والدر المختار علی هامش ودرالمختار باب سجود التلاوة ج ۱ ص ۷۳۳ . ط.س. ج ۲ ص ۱۱۱. ظفر

(۴) ولو تلاوا فی الصلاة سجداً فیها لا خارجها کما مر (ایضاً ج ۱ ص ۷۲۲، ط.س. ج ۲ ص ۱۱۰). ظفر

جواب: در اکثر روایات چنین آمده است کہ رسول اللہ ﷺ قرائت را از اَلْحَمْدُ لِلّٰہ شروع می نمودند، از این روایت معلوم شد کہ بِسْمِ اللّٰہ را جہراً نمیفرمودند و ہمین مذهب امام ابو حنیفہ (رح) است بناءً با ہمہ سورت ہا جہراً خواندن آن بکار نیست و تنہا در سائر قرآن مجید بیکار با یک سورت جہراً آن را قرائت نماید^(۱) والتفصیل فی کتب الفقہ. فقط

اگر نماز تراویح بنیت چهار رکعات اداء شود پس حکم قعدہ اولی و درود شریف وغیرہ

چیست؟ سوال: (۱۸۰۹) اگر در نماز تراویح نیت چهار رکعات کردہ شود بناءً در قعدہ اولی بعد از تشہد درود شریف و همچنان در رکعت سوم قبل از فاتحہ ثنا خواندن بکار است یا نہ؟

جواب: خواندن بکار است کما فی الدر المختار: وفي البواقی من ذوات الاربع یصلی علی النبی ﷺ یرستفتح یرعوذ الخ.^(۲) تراویح اگر چہ سنت مؤکد است لکن چهار رکعات را بیک سلام اداء نمودن سنت مؤکد نیست بخلاف چهار رکعات سنت ظہر کہ آن را بیک سلام اداء نمودن سنت مؤکد است و در تراویح طریقہ بہتر آنست کہ بدو رکعت سلام گردانیدہ شود در الدر المختار مذکور است: التراویح سنة مؤكدة لمواظبة الخلفاء الراشدين الخ وهي عشرون رکعة بعشر تسليمات الخ^(۳). فقط

با امامت شخصی سالہ تراویح بلا کراہیت درست است؟ سوال: (۱۸۱۰) یک قاری ریش و سیبت ندارد و کوسج است و او سی (۳۰) سال عمر دارد آیا بدنہال او نماز تراویح وغیرہ اداء نمودن جائز است یا نہ؟

جواب: بدنہال او در اداء نمودن نماز هیچ کراہیت نیست بلکہ نماز بلا کراہیت بدنہالش صحیح است. فقط

در مورد تراویح حدیث ہشت رکعت راجح است یا ازیست رکعت؟ سوال: (۱۸۱۱) در مورد رکعات تراویح حال ہر دو احادیث مقابله چگونہ است آیا حدیث روایت ہشت رکعت است کہ آن را امام محمد بن نصر المروزی در کتاب قیام اللیل آورده است و روایت بیست رکعت را در مصنف ابن ابی شیبہ عام مشہور است؟

(۱) وکما تعوذ سمي الخ سرا (درمختار) قال فی الکفاية عن المجتبى والثالث أنه لايجهر بها فی الصلوة عندنا باب صفة الصلوة ج ۱ ص ۴۵۷ ، ط.س. ج ۱ ص ۴۹۰. ظہر

(۲) الدر المختار علی هامش ودر المختار باب الزنر والوالل ج ۱ ص ۶۳۳ ، ط.س. ج ۲ ص ۱۶. ظہر

(۳) ایضاً مبحث التراویح ج ۱ ص ۶۶۰ ، ط.س. ج ۲ ص ۴۳. ظہر

جواب: حدیث روایت بیست رکعت را اُمة مرحومہ معمول بہ گردانیدہ است لہذا ہمین اولیٰ بالعمل است و تراویح بیست رکعت سنت است ^(۱)۔ فقط (درامان اربعہ ہیج یکی قائل بکمر از بیست رکعت تراویح نیست بلکہ بیست رکعت یا زیادتر از آن است و عاملین ہشت رکعت در ہندوستان و پاکستان تنہا غیر مقلدین (لا مذہبان) اند و آنہم بعد از یکصد سال بدینسو تنہا معمول آنہا است و نہ در سائر امت تعامل بر بیست رکعت جریان دارد و اکنون نیز بر آن عمل جاری است۔ ظہیر)

دودگانہ اداء نمودن تراویح چگونه است؟ سوال: (۱۸۱۲) اگر نمازگذاران یک شہر محض بخاطر اندیشہ نقصان کاروبار و کاشت خرید و فروخت تراویح را جداگانہ بجماعت اداء می نمایند این فعل آنان چگونه است؟

جواب: نماز تراویح و ختم تراویح را در مساجد کردن و شنیدن سنت است و بغیر از عذر بمسجد رفتن و در دکانہا تراویح را اداء نمودن ترک سنت است ^(۲)۔ فقط

شخصیکہ از او تراویح فوت شدہ بود او نخست وتر را بجماعت اداء کند بعد از آن

تراویح را اداء نماید: سوال: (۱۸۱۳) شخصیکہ از او بعض تراویح فوت شدہ بود و در بعض آن افتداء بامام کرد چون امام برای خواندن وتر برخاست شخص مذکور را بنا بر مذہب حنفی چہ حکم است آیا اولاً وتر را بدین امام بر خواند و بعد از آن تراویح قائتہ را با نخستین تراویح متروکہ بخواند و بعد از آن وتر را تنہا اداء نماید از این دو صورت اولیٰ افضل کدام است؟

جواب: اصل سوال این است کہ بصورت مذکورہ شخص مذکور اولاً وتر بجماعت گذارد و بعد از آن تراویح باقیمانده را اداء نماید: لکی تحصیل لہ فضیلہ جماعۃ الوتر فی رمضان کما رجحہ الکمال و علیہ عملنا و عمل مشائخنا و قال فی رد المحتار فی شرح قول الجماعۃ بأنہ صلی اللہ علیہ وسلم کان اوتر بہم ثم بین العذر فی تأخرہ مثل ما صنع فی التراویح فالوتر کالتراویح فکما أن

(۱) التراویح سنۃ مؤکدۃ لمواظبۃ العلقاء الراشدین الخ ہی عشرون رکعۃ بعشر تسلیبات الخ (درمختار) وہی عشرون رکعۃ ہو قول الجمهور و علیہ عمل الناس شرقاً و غرباً (رد المحتار بحث التراویح ج ۱ ص ۶۶۰، ط.س. ج ۲ ص ۴۳) برای معلومات ابن مسالہ رسالہ رکعات تراویح ملاحظہ شود کہ مصنف آن شیخ الحدیث حضرت الاستاذ مولانا حبیب الرحمن صاحب اعظمی شائع کردہ مفتاح العلوم متواترہ بہن صلیع اعظم گرہ، ظہیر

(۲) و الجماعۃ فیہا سنۃ علی الکفایۃ فی الأصح لئلا ترکہا أهل مسجد أنموأ۔ لا لو ترک بعضهم وکل ما شرع بجماعۃ فالمسجد فیہ اصل (الدرالمختار) وإن صلی أحد فی البیت بالجماعۃ لم ینالوا فضل جماعۃ المسجد (رد المحتار بحث التراویح ج ۱ ص ۶۶۰، ط.س. ج ۲ ص ۴۵)۔ ظہیر

الجماعة فيها سنة فكذاك الوتر. بحر وفي شرح المنية والصحيح أن الجماعة فيها الفضل^(۱) الخ. فقط

آیا بعد از او وبعد از ختم القرآن دعا مکروه است؟ سوال: (۱۸۱۴) (۱) در فتاویٰ

هنده مکذکور است کہ در تراویح ودر حین ختم قرآن دعا مکروه است؟

سوال: (۱۸۱۵) (۲) بجماعت در حین ختم قرآن دعا مکروه است زیرا این چنین دعا خواستن

از رسول الله ﷺ منقول نیست آیا این هر دو مسائل صحیح است یا نه؟

جواب: صحیح آنست کہ بعد از ختم قرآن وعلی الدوام بعد از نماز تراویح دعا مستون

ومستحب است ودر حدیث شریف است کہ این وقت قبولیت دعا است فلہذا دعا خواستن بعد

از تراویح و بعد از ختم شریف معمول اکابر ومشایخ ما است^(۲). فقط

دعا در هر ترویجہ مستون است یا مستحب؟ سوال: (۱۸۱۶) بعد از هر رکعت چہارم تراویح

دعا خواستن جائز است یا مستون؟

جواب: بعد از هر چہار رکعات دعا خواستن تسبیح تہلیل ودرود شریف خواندن جائز است

ومستحب است ہر چیزیکہ درآن میخواند بہتر است وضرورت برای تخصیص کدام امر خاص

نیست^(۳) لکن خواندن تسبیح را مانند: سبحان ذي الملك والماکوت الخ یا سبحان الله والحمد

للہ ولا اله الا الله واللہ اکبر زیاد پسندیدہ ایست ومعمول اکابر نیز بر آن میبشد^(۴). فقط

این گفتار غلط است کہ بنا برعذر شرعی روزہ نگرفت او تراویح نیزنخواند: سوال:

(۱۸۱۷) زید میگوید آنکس کہ بوجہ عذر شرعی روزہ نمیگیرد او باید نماز تراویح را اداء کند

زیرا ثواب برایش حتما دادہ میشود بالمقابل بکر میگوید: آن شخصی کہ معذور یا غیر معذور

(۱) رد المحتار مبحث التراویح قبل باب إدراك الفريضة ج ۱ ص ۶۶۴ - ۶۶۵. ط. ج. ۲ ص ۴۸. ظفر

(۲) عن معاذ بن جبل (رضی اللہ عنہ) قال أخذ بيدي رسول الله صلى الله عليه وسلم فقال إني لأحک فقلت أنا أحک يا رسول الله صلى الله عليه وسلم قال لا تدع أن تقول في دبر كل صلاة رب أعمى على ذكرك الخ (مشکوۃ ص ۸۸) وعن أبي أمامة قال قيل يا رسول الله أي الدعاء أسمع قال جوف الليل الآخر ودبر الصلوات المكتوبات. رواه الترمذي أيضا ص ۸۹. ظفر

(۳) ويستحب الحلوس بين الترويحيين قدر تروية الخ ثم هم مخيرون في حالة الحلوس إن شاءوا سبحوا وإن شاءوا قعدوا ساكنين. عالمگیری کشوري ج ۱ ص ۹۱۴. ط. جلد ۱ ص ۱۹۹. ظفر

(۴) ويجلس نذبا بين كل أربعة بقدرها وكذا بين الخامسة والوتر ويخبرون بين تسبيح وقراءة وسكوت وصلوة لفرادى (درمختار) قوله بين تسبيح قال القهستاني فيقال ثلاث مرات سبحان ذي الملك والملكوت الخ (رد المحتار باب الوتر والرافل مبحث التراویح ج ۱ ص ۶۶۱. ط. ج ۲ ص ۴۶. ظفر

باشد وروزہ را نگرفت او تراویح را نیز نخواند بلکه هر کسی که روزہ نمیگیرد برای او تراویح خواندن بر عکس عذاب است بناء در آن دو نظر کدام یکی صحیح است؟

جواب: سخن زید صحیح است بکر غلط میگوید^(۱). فقط

نبی اکرم ﷺ چند رکعت تراویح را اداء نموده اند؟ سوال: (۱۸۱۸) آن حضرت ﷺ در اخیر چند رکعت تراویح را اداء نموده اند؟

جواب: بر بیست (۲۰) رکعت تراویح اجماع است و از احادیث ثابت میاشد فلہذا بیست رکعت تراویح اداء کردن بکار است^(۲). فقط (آنحضرت ﷺ نیز بیست رکعت تراویح را اداء فرموده اند در مصنف ابن ابی شیبہ طبرانی و بیہقی حدیث موجود است: کان رسول اللہ ﷺ یصلی فی رمضان عشرين رکعة سوی الوتر وروای حدیث عبد اللہ بن عباس رض است. ظفیر)

آیا در ترویجہ شنواندن نصاب درست است: سوال: (۱۸۱۹) آیا در ترویجہ تراویح بجای تسبیح شنواندن نصاب لقمان حکیم ویا بیان نمودن آداب استاذ و تذکرہ دوزخ و بہشت وغیرہ درست است؟

جواب: آنہم درست است لکن بہتر آنست کہ آن وقت را در تسبیح وغیرہ بگذرانند^(۳). فقط

در تراویح در شب قرآن بعد از قرائت (الم) تا بہ (ہم المفلحون) آیات دیگر را قرائت نمودن ثابت نیست: سوال: (۱۸۲۰) اکثر قراء در شب ختم قرآن در نماز تراویح بعد از (ہم المفلحون) آیات مختلف را مانند (إِنَّا لِلّٰہِ وَإِنَّا إِلَیْہِ رَاجِعُونَ) و (إِنَّ رَحْمَتَ اللّٰہِ قَرِیْبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِینَ) وغیرہ را قرائت می نمایند آیا این شرعا ثبوت دارد یا نہ؟

جواب: فقہاء کرام تنها اینقدر نوشته اند: الاّ إذا ختم فقرء من البقرة الخ (درمختار) و فی الشامی قال فی شرح المنیر و فی الولوالجیہ من یتختم القرآن فی الصلوة إذا فرغ من المعوذتین فی الركعة الاولى یرکعہ ثم یرقأ فی الثانية بالفاتحة وشیء من سورة البقرة لان النبی ﷺ قال خیر الناس

(۱) برای اداء تراویح روزہ شرط نیست: التراویح سنة مؤكدة لمواظبة الخلفاء الراشدين للرجال والنساء اجماعا (الدوا المختار علی هامش ردالمحتار باب الوتر والوظائف بحث فی التراویح ج ۱ ص ۶۵۹ ط.س. ج ۲ ص ۴۳). ظفیر

(۲) وہی عشرون رکعة حکمتہ مساواة المکمل بعشر تسلیمات ہو قول الجمهور وعلیہ عمل الناس شرقا وغربا (ردالمحتار بحث التراویح ج ۱ ص ۶۶۰ ط.س. ج ۲ ص ۴۵). ظفیر

(۳) و یجلس لہا بن کل اربعة بقدرہا و کذا بن الخامسة والوتر و یخبرون بین تسبیح و قراءہ و سکوت و صلوة فرادی (الدوا المختار علی هامش ردالمحتار بحث صلوة التراویح ج ۱ ص ۶۶۱ ط.س. ج ۲ ص ۴۶). ظفیر

الحال المرتحل ای الخاتم المفتوح^(۱) الخ بناء علاوه از این ثبوت ندارد لهذا بر آن اصرار نمودن بدعت و مکروه است. فقط

آیا برای تراویح امام مقرر نمودن درست نیست؟ سوال: (۱۸۲۱) قسمیکه بخاطر نمازهای پنج وقتہ امام مقرر میشود همچنان در ماه مبارک رمضان برای تراویح امام مقرر نمودن جواز دارد یا نه؟

جواب: چونکہ مسئلہ آنست کہ (الامور بمقاصدھا) و این ہم است کہ المعروف کالمشروط پس اگر کدام قاری بخاطر ختم نمودن قرآن مجید امام تراویح نصب گردد ظاہر است کہ مقصود از آن امامت نیست بلکہ مقصود ختم قرآن کریم است فلہذا برای قاری اگر کدام اجرت دادہ میشود آن بوجہ ختم قرآن شریف است و بخاطر امامت محضہ نیست پس حسب قاعدہ: لا يجوز اخذ الاجرة على قراءة القرآن، در تراویح در مقابل ختم قرآن اخذ نمودن اجرت جواز نخواہد داشت قال في رد المحتار: وقال العيني في شرح الهداية ويمنع القاري للدنيا والاخذ والمعطي الثمان، فالحاصل ان ما شاع في زماننا من قراءة الاجزاء بالاجرة لا يجوز الخ^(۲) شامی ص ۳۵. جلد خامس فقط. (بلا اجرت برای تراویح امام مقرر نمودن درست و بہتر است البتہ بالاجرت جائز نیست. ظفیر)

اگر احناف بدنبال غیر مقلد تراویح را اداء کنند متبای رکعات راجہ وقت نمایند آیا قبل الوتر یا بعد الوتر؟ سوال: (۱۸۲۲) اگر امام غیر مقلد باشد و تراویح را بجای بیست رکعت ہشت رکعت اداء کند بناء برای احناف تراویح متبای را چگونه تکمیل نمودن بکار است آیا وتر را با امام اداء کنند پس از آن تراویح را تکمیل نمایند ویا وتر را ترک کنند واول تراویح را پورہ نمایند؟

جواب: تراویح متبای را بعد الوتر اداء کنند و بہ این طریقہ نیز درست است کہ وتر را با امام اداء نکند و نخست تراویح را اداء کنند و بعد از آن وتر را بخوانند^(۳). فقط

در تراویح زیاد تر از یک ختم قرآن چگونه است؟ سوال: (۱۸۲۳) در تراویح کہ حافظان

(۱) رد المحتار فصل في القراءة ليل باب الإمامة ج ۱ ص ۵۱۰. ط.س. ج ۱ ص ۵۴۷. ظفیر

(۲) رد المحتار کتاب الاجارة مطلب في الاجارة في الطاعة ج ۵ ص ۴۷. ط.س. ج ۲ ص ۵۶. ظفیر

(۳) والأصح أن وقفها بعد العشاء إلى آخر الليل قبل الوتر وبعده لأنها توائل سنت بعد العشاء هداية باب: التوائل فصل في ليام رمضان ج ۱ ص ۱۳۴. ظفیر

قرآن دو سه ختم قرآن مجید را میکنند این چگونگی است زیرا سنت مؤکد تنها یک ختم است و ختم های متباقی چه حکم دارد و دیگر آنکه یک حافظ در مساجد متعدد ختم میکند حکم آن چیست و زیبا برای اهالی آن مساجد دیگر ثواب داده خواهد شد یا نه؟

جواب: در الدرالمختار مذکور است: والختم مرة سنة ومرتين فضيلة وثلاثا أفضل^(۱) الخ ودر مسجد دیگر ختم کردن نیز درست است و برای اهالی مسجد دوم نیز ثواب ختم مسنون داده خواهد شد. فقط

اگر در رکعت دوم بفراغوش برخاست سپس برایش یاد شد اکنون چه باید کرد؟ سوال:

(۱۸۲۴) اگر در رکعت دوم تراویح بجای نشستن برخاست و قیام نمود و بعد از آن بیادش آمد الان چه کند؟

جواب: اگر از قبل سجده بیادش شد باید جلوس ورزد و سجده سهو نماید: واما النفل فیعود وما لم یقیده بالسجدة^(۲). فقط

سجده تلاوت با سجده صلاتیه اداء میشود یا نه؟ سوال: (۱۸۲۵) اگر امام در تراویح سجده

تلاوت را با سجده نماز کند یعنی سه بار سجده بکند آیا نماز درست شده است یا نه؟

جواب: در نماز و رقتیکه آیت سجده تلاوت را نمود در همان وقت سجده تلاوت را اداء کردن بکار است و اگر آن را مؤخر نمود و با سجده نماز آن را اداء کرد باز هم سجده سهو بر ذمه او لازم است و بعد از اداء نمودن سجده سهو ضرورت برای اعاده نمودن نماز نیست: ولذا کان المختار وجوب سجود السهو لوتذکرها بعد محلها الخ شامی^(۳) باب سجود التلاوة الخ. فقط (قصدا تأخیر نمودن در اداء سجده تلاوت درست نیست و بعد از آیت سجده فوراً و یا بعد از سه آیت اداء نمودن سجده تلاوت ضروری است و نه گنهکار خواهد شد، فعلى الفور لصيرورتها جزءا منها ویالم بتأخیرها (در المختار) فوجب ادائها مضيقة كما في البدائع ثم تفسیر الفور عدم طول المدة بین التلاوة والسجدة بقراءة اکثر من آيتين أو ثلاث، حلیة، ردالمحتار باب سجود التلاوة ج ۱ ص ۷۲۲. ظفر

(۱) الدرالمختار علی هامش ودرالمختار باب الوتر والوائل بحث فی التراویح ج ۱ ص ۶۶۲، ط.س. ج ۲ ص ۴۹. ظفر

(۲) البر المختار علی هامش ودرالمختار باب سجود السهو ج ۱ ص ۶۹۶، ط.س. ج ۲ ص ۸۳. ظفر

(۳) ردالمختار باب سجود التلاوة ج ۱ ص ۷۲۲، ط.س. ج ۲ ص ۱۱۰. ظفر

آیا تطویل تراویح بکار نیست؟ سوال: (۱۸۲۶) یک نفر بر جماعت تراویح جتین اعتراض میکند کہ مردم درطول روز ماندہ وخستہ میباشند بناءً برای امام آنقدر تطویل رکعات بکار نیست پس امام در آن مورد چہ باید کرد؟

جواب: برای امام قرائت نمودن مختصر بکار است البتہ یکبار ختم کردن قرآن مجید در تراویح مسنون است ورنہ یک یک پارہ را تلاوت کند واز آن کم نباشد^(۱) فقط

بند از چہار رکعات تراویح چہ باید کرد؟ سوال: (۱۸۲۷) در تراویح کہ بعد از چہار رکعات کدام نشست میکنند درآن نشست تسبیح گفتن بکار است ویا خاموش نشسته باشد در ہر نشست بعد از تسبیحات دعا خواستن نیز ضروری است یا نہ؟ در بعضی مناطق مروج است کہ در ہر جلسہ بعد از تسبیح دعا حتماً میخوانند وآنکس کہ دعا نمیکند بر او ملامتی می نمایند آن چہ حکم دارد؟

جواب: تسبیحات کہ ماثور است آن را بگویند وخاموش نباشد ودعا خواستن در ہر ترویجہ ضروری نیست^(۲) وہر گاہ ضروری پنداشتہ شود وبر دعا نکتندہ نکوہش وملامتی شود در این وقت ترک آن لازم است، کما صرح بہ الفقہاء^(۳) فقط

دورکعت اول تراویح در حال نشستن بود اما وقتیکہ برایش اشارہ دادہ شد قیام نمود،

حکم آن چیست؟ سوال: (۱۸۲۸) (۱) امام دورکعت اول تراویح بجای قیام قصد نشستن را می نمود کہ از عقب برایش اشارہ دادہ شد وبلا وقفہ مستقیماً ایستادہ شد وقتیکہ دورکعت را تکمیل نمود سپس سلام گردانید وسجدہ سہوہ را نکرد آیا این نماز درست شدہ است یا نہ؟ اگر نشدہ باشد وبعد از معلوم شدن آن نماز را با جماعت اداء کند یا علیحہ؟

آیا سجدہ سہوہ را اداء کنند؟ سوال: (۱۸۲۹) (۲) آیا در ہمجو صورت سجدہ سہوہ لازم

(۱) والعم مرة سنة ومرتین فضیلة وللا افضل ولا یترک الختم لکسل القوم لکن فی الإختیار الأفضل زماناً قدر ما لا یقل علیہم والقرہ المصنف وغیرہ والدر المختار علی هامش ردالمحتار بحث صلوة التراویح ج ۱ ص ۶۶۲ ط.س. ج ۲ ص ۴۹. ظہیر

(۲) یجلس ندبا بین کل أربعة وکذا بین الخامسة والوتر، وبخبرون بین تسبیح وقراءة وسکوت وصلوة فرادی، (درمختار) قوله بین تسبیح قال الفہستانی فیقال ثلاث مرات: سبحان ذی الملک والملکوت سبحان ذی العزة والعظمة والقدرۃ والکبریا، والجبروت، سبحان الملک الہی الذی لا یموت سوح قدوس رب الملائکة والروح، لا إله الا الله نستغفر الله نسالک الجنة ونعوذ بک من النار کما فی مہج المباد اھ. رد المحتار بحث صلوة التراویح ج ۱ ص ۶۶۱، ط.س. ج ۲ ص ۴۹. ظہیر

(۳) قال الطہی من أمر علی أمر مندوب وجعله عزماً ولم یعمل بالرخصة فقد أصاب منه الشیطان من الإضلال (مرقاۃ المفاتیح ج ۲ ص ۱۴).

است؟

وقتیکہ اندک نشست نمود سپس برخاست آیا سجدہ سہرہ واجب است؟ سوال: (۱۸۲۹)

(۳) امام بقصد نشست اللہ اکبر و مقتدی و قتیکہ اورا در صدد نشست مشاہدہ نمود بہ آواز بلند اللہ اکبر گفت پس امام فوراً بدوم رکعت قیام نمود و درآن وقفہ از زبان خود کدھام الفاظ التحیات را نیز بیرون نکرد آیا بہ این وقفہ سجدۂ سہرہ لازم است؟

در رکعت اول بکدام مقدار نشست سجدۂ سہرہ لازم میشود؟ سوال: (۱۸۳۱) (۴) اگر

سہرا در رکعت اول و سوم نشست نمود و بعد از آن ایستادہ شد بناءً بکدام مقدار وقفہ نمودن سجدۂ سہرہ لازم میشود؟

بجلسہ استراحت سجدۂ سہرہ لازم نمیشود؟ سوال: (۱۸۳۲) (۵) در صورت جلسہ

استراحت سجدہ سہرہ لازم میشود یا نہ؟

جواب: در این صورت نماز درست شدہ است و ضرورتی بہ اعادہ اش نیست و سجدۂ سہرہ همچنان لازم نشد زیرا بعد از یک رکعت اگر اندک قدری بنشیند سپس ایستادہ شود آن را نیز فقہاء جائز نوشتہ اند و امام موصوف تہنوز کاملاً نشست نکرده بود کہ بلا وقفہ قیام نمود بناءً در این صورت نہ سجدہ سہرہ لازم است و نہ ضرورتی بہ اعادۂ نماز احساب میشود در شامی مذکور است: هذا إذا كانت القعدة طويلة اما الجلسة الخفيفة التي استحبها الشافعي فتركها غير واجب عندنا بل هو الأفضل^(۱) الخ.

جواب: (۱) نمازش درست شدہ است.

جواب: (۲) لازم نمیشود^(۲).

جواب: (۳) بہ آنقدر وقفہ سجدہ سہرہ لازم نمیشود^(۳).

جواب: (۴) در صورت نشست طولانی سجدہ سہرہ لازم میگردد مانند بمقدار خواندن التحیات مثلاً و یا بر آن نزدیک باشد باقی با جلسۂ خفیفہ سجدہ سہرہ لازم نمیشود^(۴).

(۱) رد المحتار باب صفۃ الصلوۃ قبل مطلب مہم فی تحقیق متابۃ الإمام ج ۱ ص ۴۳۸، ط.س. ج ۱ ص ۴۶۹، ضعیف

(۲) ایضاً. ط.س. ج ۱ ص ۴۶۹، ظہیر

(۳) ایضاً. ط.س. ج ۱ ص ۴۶۹، ظہیر

(۴) رکذا القعدة الأخيرة في آخر الركعة الأولى والثالثة ليجب تركها ويلزم من فعلها أيضاً تأخير القيام إلى الثانية أو الرابعة عن محله وهذا إذا كانت القعدة طويلة أما الجلسة الخفيفة التي استحبها الشافعي رحمہ اللہ فتركها غير واجب عندنا بل هو الأفضل كما سيأتي (رد المحتار باب =

جواب: (۵) بر این سجده سهو لازم نیست. فقط

در تراویح بعد از آیت ها گفتن برخی از کلمات: سوال: (۱۸۳۳) در تراویح قاری در ختم بعضی سورت ها برخی از الفاظ عربی غیر قرآنی را قرائت می نمود مثلا در آخر سورت مرسلات بعد از آیت (فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ) می گفت: آمَنَّا بِاللَّهِ، آیا در همچو گفتار نماز فاسد میشود یا نه؟

جواب: علماء احناف (رح) از همچو ادعیه در نماز منع میفرمایند لکن اگر در نوافل این ادعیه را میخواند فاسد نخواهد شد و تراویح همچنان فاسد نمیشود^(۱). فقط

یک نفر در تراویح در آغاز هر سورت الله را جهرا قرائت نماید در این مورد حکم چیست؟

سوال: (۱۸۳۴) زید در نماز تراویح در شروع هر سورت بسم الله را جهرا میخواند در این مورد حکم شرعی چیست؟

جواب: عند الاحناف جهرا خواندن بسم الله در نماز نیست بلکه سرا خواندن مستون است خواه تراویح باشد آن نماز یا غیر تراویح باشد البته خارج از نماز جهرا و سرا اتباع امام خود را بکند در قراء کرام در شامی مذکور است: والثالث أنه لا يجهر بها في الصلوة عندنا خلافا للشافعي (رح) وفي خارج الصلوة اختلاف الروايات والمشايخ في التعوذ والتسمية قيل يخفي التعوذ دون التسمية والصحيح أنه يتخير فيهما ولكن يتبع امامه من القراء وهم يجهرون بهما الا حمزة فانه يخفيهما الخ شامی. باقی آنکه اگر کدام کس در نوافل اتباع امام خود را در قراء کرام می کند و جهرا میخواند بر او طعن و بد گفتن بکار نیست. فقط

در هر ترویحه دست بالا کردن و دعا خواستن درست است یا نه؟ سوال: (۱۸۳۵) (۱)

در ترویحه سائر تراویح بعد از تسبیح و تهلیل امام و مقتدیان دست ها را بلند نموده دعا میخوانند آیا جواز دارد یا نه؟ و آنکه بعد از تراویح دعا خواستن بکار است؟

بعد از ترویحه از دعا خواستن کرده شود یا نه؟ سوال: (۱۸۳۶) (۲) هر قاری که هموار

عاده در هر ترویحه دست ها را بلند نموده دعا میکند آیا او را بالجهر ممانعت نمودن جائز است

= صفة الصلوة قبل مطلب لی تحلیق متابعه الإمام ج ۱ ص ۴۳۸، ط.س. ج ۱ ص ۴۶۹. ظفر

(۱) والمؤتم لا يقرأ مطلقا الخ بل يستمع إذا جهر وينصت إذا أسر الخ وإن قرأ الإمام آية ترفع وترهب وكذا الإمام لا يشغل بهر قرآن وما ورد حمل على الخلل مفردا (الدر المختار على هامش رد المحتار باب صفة الصلوة لفصل في القراءة ج ۱ ص ۵۰۹، ط.س. ج ۱ ص ۵۴۴. ظفر الدين غفر الله له

یا نہ؟

آیا دعا خواستن ممنوع است؟ سوال: (۱۸۳۷) (۳) اگر کدام قاری در ترویجہ بدان منظور دعاء میکند کہ این دعاء ثبوت ندارد حالانکہ برای او فرمایش مقتدیان است کہ حتما دعا بخواد و در آن کدام قیاحت نیست قاری اگر مخالفت مقتدیان را مرتکب میشود آن مخالفت سبب عدم جماعت تراویح و باعث اندوه عوام میگردد فلہذا در ہمجو صورت برای قاری چہ بکار کردن است؟

جواب: (۱) در ہر ترویجہ تراویح گفتن تسبیح تہلیل وغیرہ ادعیہ ماثورہ منقول است. (۱) و اما دست بلند نمودن و دعا خواستن تنها در آخر بیست رکعت تراویح معمول است بناءً ہم چنان کردن بکار است کما ورد ما راہ المؤمنون حسنا فهو عند اللہ حسن.

جواب: (۲) ظاہر آنست کہ او از تشدد منع کردہ شود.

جواب: (۳) برای قاری موصوف در آن صورت پذیرفتن گفتار مقتدیان ضروری نیست ونہ برای مقتدیان ہمجو حکم صادر کردن بکار است برای امام خویش زیرا امام متبوع پیروی کردہ شدہ است تابع نیست کہ پیروی کسی را یکند کما ورد فی الحدیث: انما جعل الامام لیؤتم بہ (۲) الحدیث. فقط

تراویح سنت رسول اللہ ﷺ است یا سنت خلفاء راشدین؟ سوال: (۱۸۳۸) آیا نماز تراویح سنت نبی اکرم ﷺ است ویا ایجاد حضرت عمر رضی اللہ عنہ است؟

جواب: نماز تراویح سنت رسول اللہ ﷺ و ہمچنان سنت خلفاء راشدین است. (۳)

اگر در تراویح سجدہ سہوہ لازم شود آیا اداء بشود؟ سوال: (۱۸۳۹) (۱) اگر در تراویح چنین سہرہ شود کہ موجب سجدہ سہوہ میگردد آیا سجدہ سہرہ اداء شود یا نہ؟

این گفتن غلط است کہ در تراویح سجدہ سہوہ نیست؟ سوال: (۱۸۴۰) (۲) اکثر مردم

(۱) و مجلس بین کل اربعۃ وکذا بین الخامسة والوتر، و یخبرون بین تسبیح و قراءۃ و سکوت و صلوة فرادی (در مختار) قوله بین تسبیح لال اللہ القہستانی لبقال ثلاث مرات سبحان ذی الملک و السلکوت الخ (رد المختار مبحث التراویح ج ۱ ص ۶۶۱، ط.س. ج ۲ ص ۴۶). ظہیر

(۲) مشکوٰۃ باب ما علی المسلم من المتابعۃ فصل اول ص ۱۰۱. ظہیر

(۳) التراویح سنۃ مؤکدۃ لمواظبۃ الخلفاء الراشدین (در مختار) ای اکثرہم لأن المواظبۃ وقعت فی إثناء خلافة عمر رضی اللہ عنہ وواظفہ علی ذلک عامة الصحابۃ ومن بعدہم إلی یومنا هذا بلا نکر وکف لا ولد لبت عنہ صلی اللہ علیہ وسلم علیکم بسنی رسنۃ الخلفاء الراشدین المہدین غصوا علیہا بالترالک کما رواہ ابو داؤد بحر (رد المختار مبحث التراویح ج ۱ ص ۶۵۹، ط.س. ج ۲ ص ۴۳). ظہیر

میگویند که در تراویح سجده سهو نیست آیا این صحیح است یا نه؟

جواب: (۱) بترک واجب قسمیکه در سائر نمازها سجده سهو لازم میشود همچنان در تراویح نیز لازم میگردد.^(۱)

جواب: (۲) این سخن درست نیست. فقط

آیا نماز تراویح بیک سلام جائز است؟ سوال: (۱۸۴۰) در رمضان المبارک نماز تراویح را بیک سلام اداء نمودن جائز است یا نه؟

جواب: تراویح را اگر بیک سلام طوری اداء کند که بعد از هر شفعه نشست نکرده باشد در این صورت سائر رکعت ها قائم مقام یک شفعه میباشد و اگر بر هر شفعه نشست نموده باشد با آنها که تراویح بهمین طریق ادا میشود لکن این فعل خالی از کراهیت نیست بناءً طریق مسنون آنست که بیست رکعت را به ده سلام ادا کند در الدر المختار مذکور است: وهي عشرون رکعة بعشر تسليمات فان فعلها بتسليمة فان قعد لكل شفع صحت بکراهة وإلا ثابت عن شفع واحد به يفتي، الدر المختار مع الشامی، جلد اول ص ۴۷۴. وفي البحر: لا يخفى ما فيه لمخالفة المتوارث مع نصريحهم بکراهة الزيادة على ثمان في مطلق التطوع ليلاً فلان يكره هنا اولی الخ. بحر الرائق جلد اول ص ۷۲. فقط

بدون عذر شرعی ترک نمودن تراویح چگونه است؟ سوال: (۱۸۴۲) بغیر عذر قصدا تراویح را ترک نمودن و چنین گفتن که جناب نبی اکرم ﷺ بذات خود آن را ترک نموده فلهدا مایان نیز آن را ترک می نمائیم آیا این سخن جواز دارد یا نه؟

جواب: تراویح سنت مؤکد است بغیر از عذر شرعی تارک آن عاصی و گنہگار است از خلفاء راشدین و سائر صحابه کرام رض و از سلف صالحین مواظبت آن ثابت است نبی اکرم ﷺ بذات خود فرموده اند که من در آن فکر و اندیشه هستم که بالاخره تراویح فرض نشود و همین یک سخن است که بوجه آن جناب نبی اکرم ﷺ بر تراویح تداوم نمودند و در حقیقت عدم تداوم آنحضرت ﷺ بر تراویح یک دلیل واضح است و روشن بر اهتمام تراویح است، و چنین استدلال نمودن یک نفر که نبی اکرم ﷺ آن را ترک نموده اند فلهدا من نیز آن را ترک می نمایم قطعاً

(۱) والسهو في صلاة العيد والجمعة والمكتوبة والتطوع سواء الخ (الدر المختار على هامش باب سجود السهو ج ۱ ص ۷۰۵، ط.س. ج ۲ ص ۹۲). ظفر

قابل قبول نیست و این عذر او مبني^(۱) بر عدم واقفیت است بر احکام. فقط

نیت دو رکعت تراویح نمود لکن دو رکعت دوم برای قعدہ نشست ننمود بناء در آن مورد

حکم چیست؟ سوال: (۱۸۴۳) یک نفر نیت دو رکعت تراویح را بست و سہرا دو رکعت دوم قعدہ را ترک کرد بلکه در رکعت سوم نشست و قعدہ نمود و سجدہ سہرہ اداء کرد بناء یک رکعت ضایع گردید و یا ہر سہ رکعات؟

جواب: اگر سجدہ سہرہ را کرد پس دو رکعت او درست شدہ است و اگر سجدہ سہرہ را اداء نکرده پس بوجہ نقصان واجب الإعادہ است^(۲). فقط

تراویح دادن حق یک امام مستقل است و یا حق دیگر قاری مقرر شدہ؟ سوال: (۱۸۴۴)

بکر کہ حافظ قرآن است در یک مسجد امام مقرر شد و زید نیز حافظ قرآن است و از زمانہ تمادی در آن مسجد امامت تراویح بدهد اکنون بکر میگوید کہ الان من امام مقرر شدہ ام بناء حق اولویت امامت تراویح تنها از من است و زید میگوید کہ امامت تراویح حق قدیمی من است بناء در حقیقت حق از کیست؟

جواب: در صورت مسئلہ و تکیہ بکر امام مقرر گردیدہ است فلہذا حق امامت تراویح نیز برای او حاصل است^(۳). فقط

بعد از نماز فرض آنکسانی کہ آمدنی هستند در جماعت وتر شریک شدہ میتوانند؟

سوال: (۱۸۴۵) دو سہ مرد بعد ادائی نماز فرض کہ امام بجماعت تراویح مشغول است در آن مسجد حاضر شدند آن اشخاصی نماز فرض بجماعت اداء نمایند یا علیحدہ علیحدہ خواندہ شامل جماعت شوند و باز نماز وتر را با جماعت خوانند یا تنها؟

جواب: تکرار جماعت در مسجد محلہ مکروہ است پس آن کسان کہ بعد^(۴) جماعت فرائض

(۱) التراویح سنة مؤكدة لمواظبة الخلفاء الراشدين للرجال والنساء اجماعا (درمختار) ورواقت علی ذلك عامة الصحابة ومن بعدهم إلى يومنا هذا بلا تكبر، وكيف لا وقد ثبت عنه صلى الله عليه وسلم عليكم بسنتي وسنة الخلفاء الراشدين المهديين عضواً عليها بالواجب كما رواه ابو داود (رد المحتار مبحث صلاة التراویح ج ۱ ص ۶۵۹). غفر

(۲) وذكر الإمام المغار في نسخة من الأصل أنه إن لم يقعد حتى قام إلى الثالثة على قياس قول محمد يعود ويقعد وعدما لا يعود ويلزمه سجود السهو كذا في الخلاصة (عالمگیری مصری باب النوافل ج ۱ ص ۱۰۶). غفر

(۳) واعلم أن صاحب البيت ومثله إمام المسجد الراتب أولى بالإمامة من غيره مطلقا (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب الإمامة ج ۱ ص ۵۲۲، ط. س. ج ۱ ص ۵۵۹). غفر

(۴) وروى عن أنس أن أصحاب رسول الله صلى الله عليه وسلم كانوا إذا فاتتهم الجماعة في المسجد صلوا في المسجد فرادى (رد المحتار -

آمدند نماز فرض علیحده خوانده شامل جماعت تراویح شوند و وتر را بجماعت اداء نمایند^(۱)

الفرض شریک شدن ایشان را بجماعت وتر جائز است كما صرح به فی الطحطاوی^(۲). فقط

آنکسی که از سن پانزده سالگی تجاوز نمود و علامت بلوغ و درواظاهر نشد حکم امامت او چگونه است؟ سوال: (۱۸۴۶) سن زید باعتبار ماه قمری پانزده سال و چهارده ماه است و ظاهراً در او هیچ علامت بلوغ آشکار نیست آیا بدنبال زید نماز تراویح و غیره درست است یا نه؟

جواب: در شریعت و فقه علامت بلوغ ظاهر نشود در آن صورت بحساب ما قمری در پانزده سالگی کامل حکم بلوغ داده میشود، الدر المختار^(۳) لهذا بدنبال زید اداء نمودن نمازهای فرائض و تراویح درست است. فقط

تراویح قبل الوتر افضل است وبعد الوتر جائز میباشد: سوال: (۱۸۴۷) تراویح را قبل الوتر اداء نمودن بکار است و یا بعد الوتر یک شخص و تر را نخست اداء کند و بعد از آن تراویح را بدهد؟

جواب: در متعلق تراویح طریقه مشروع آنست که بعد از نماز عشاء و قبل الوتر تراویح را اداء نمایند سپس از آن وتر را بخواند لکن اگر تراویح را بعد الوتر اداء میکند آن هم درست است در الدر المختار مذکور است: و قتها بعد صلاة العشاء إلى الفجر قبل الوتر و بعده فی الاصح^(۴). فقط

شانزده رکعت تراویح را اداء نمود و متباقی چهار رکعت را در وقت تهجد اداء کرد حکم آن چیست؟ سوال: (۱۸۴۸) اگر قاری صاحب شانزده رکعت تراویح را اداء نمود و چهار رکعت متباقی را در این وقت اداء ننمود که آن را شخص دیگر امامت خواهد داد بناءً اگر قاری چهار رکعت را در وقت تهجد بجماعت اداء نماید آیا جواز دارد یا نه؟ که خودش نیت تراویح را

= باب الاذان مغلب فی کراهة تکرار الجماعة فی المسجد ج ۱ ص ۳۹۷، ط. س. ج ۱ ص ۳۹۹، ظفر

(۱) وکان رجل قد صلى الفرض وحده فله أن يصليها مع ذلك الإمام لأن جماعتهم مشروعة فله الدخول فيها معهم (رد المحتار باب الوتر والوافل بحث التراویح ج ۱ ص ۶۶۳، ط. س. ج ۲ ص ۴۸، ظفر

(۲) قوله فليراجع الخ لفظة التعليل في المسئلة السابقة بقولهم لأنها تبع أن يصلي الوتر بجماعة في هذه الصورة لأنه ليس يتابع للتراویح ولا العشاء عند الإمام رحمه الله تعالى إنهي، حلی (الطحطاوی علی الدر المختار بحث التراویح ج ۱ ص ۴۰۰)، ظفر

(۳) والسن الذي يحكم بلوغ العلام والتجارة إذا انتهيا إليه خمس عشرة سنة عند أبي يوسف ومحمد وهرواية عن أبي حنيفة وعليه الفتوى (عالمگیری مصری کتاب الحجر باب الثاني فصل ثاني ج ۵ ص ۶۴)، ظفر

(۴) الدر المختار علی هامش رد المحتار بحث صلاة التراویح ج ۱ ص ۶۵۹، ط. س. ج ۲ ص ۴۴، ظفر

داشته باشد وباقی مقتدیان نیت تہجد را ویا مقتدیان نیز این چہار رکعت را بنیت تراویح اداء کنند آیا این فعل جائز است یا نہ؟ بالخصوص در وقتیکہ مردم بتداعی اجتماع می نمایند؟

جواب: اگر چہار رکعت تراویح را بگذارد ودر آخری حصہ شب آن را بجماعت اداء کند درست است ^(۱) وعلاوہ از تراویح سائر جماعت سائر نوافل کہ بتداعی باشد یعنی جماعت سہ چہار نفر یا زیاد درست نیست بلکہ مکروہ است وهمچنان جماعت تہجد نیز مکروہ است. ^(۲)

فقط

حکم شبینہ: سوال: (۱۸۰۹) اگر شبینہ یعنی ختم قرآن مجید در نوافل بجماعت اداء شود جائز است یا نہ؟

جواب: اگر شبینہ یعنی ختم قرآن مجید در نوافل بجماعت باشد مکروہ است ومراد از مکروہ مکروہ تحریمی است کہ قریب بحرام می باشد بناء آن را ناجائز گفتن صحیح است وتفسیر تداعی عبارت است از آنکہ مقتدیان چہار باشند ودر سہ اختلاف است ^(۳). فقط

نبی اکرم ﷺ کہ کدام نماز را در رمضان المبارک اداء نموده بودند آن تراویح بود:

سوال: (۱۸۵۰) رسول اللہ ﷺ کہ سہ شب در رمضان المبارک نماز نفل را بجماعت کبری اداء فرمودہ بودند آیا این نماز تہجد بود یا غیر تہجد اگر غیر تہجد باشد پس بر اداء نمودن نماز تہجد کہ بوجہ امتثال این حکم الہی: (وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدُ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ) و (يَا أَيُّهَا الْمَرْمِلُ (۱) قُمْ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا) کہ کدام مداومت برای نبی اکرم ﷺ حاصل بود نبی اکرم ﷺ بعد از نماز ذکر شدہ آن نماز را اداء نموده بود یا نہ؟ مفصل ومدلل آن را تحریر فرمائید؟

جواب: محققین فرمودہ اند کہ آن نماز تراویح بود وچونکہ در نوافل تداخل میشود ویک نماز قائم مقام دیگر میگردد فلہذا اگر در یک شب سائر شب را در تراویح اداء کردن سپری نماید پس تہجد نیز در آن اداء میشود، کما فی السنن: وتحت المسجد والضوء، وتحقیق آن را

(۱) ورفقہا (ای صلوۃ التراویح) بعد صلوۃ العشاء إلى الفجر فی الوتر وعده فی الأصح (الدر المختار علی ہاشم ردالمحتار مبحث التراویح ج ۱ ص ۶۵۹، ط. س. ج ۲ ص ۴۴). ظہیر

(۲) ولا یصلی الوتر ولا ینظر بجماعۃ خارج بکہہ ای بکہہ ذلک لو علی سبیل التداعی بأن یقتدی اربعۃ بواحد الخ (ایضا باب الوتر والوافل بعد مبحث التراویح ج ۱ ص ۶۶۳، ط. س. ج ۲ ص ۴۸). ظہیر

(۳) ولا یصلی الوتر ولا ینظر بجماعۃ خارج بکہہ ذلک لو عنی سبیل التداعی بأن یقتدی اربعۃ بواحد (الدر المختار علی ہاشم ردالمحتار ج ۱ ص ۶۶۳، ط. س. ج ۲ ص ۴۸). ظہیر

حضرت مولانا رشید احمد قدس سرہ محدث و فقیہ گنگوہی در سائلہ (الرأی النجیح فی عدد التراویح) مفصلاً بیان فرمودہ است و اجوبہ سائر شبہات را در آن مدلل تحریر نمودہ است آن رسالہ را مطالعہ فرمائید انشاء اللہ از روی انصاف هیچ شبہ در آن باقی نخواہد ماند و حاصل تحقیق جناب مولانا صاحب آنست کہ نبی اکرم ﷺ و قتیکہ سہ شب نماز نفل را بجماعت اداء فرمودہ بودند آن نماز تراویح بود نہ نماز تہجد و در آن رسالہ جوابات سائر شبہات را از احادیث و آثار اراۃ فرمودہ است^(۱) فقط

بخاطر وظایف ترک نمودن جماعت تراویح درست نیست: سوال: (۱۸۵۱) یک نفر در میان وتر و سنت عشاء عادی یک وظیفہ است و چونکہ وتر در رمضان المبارک بجماعت اداء میشود بناء خواندن وظیفہ چہ وقت بکار است اکبر وظیفہ را سپری میکند و در آن مصروف شود دوازده رکعت تراویح از او فوت میشود و در ہشت رکعت شرکت کردہ خواہر توانست پس آن شخص ہشت رکعت تراویح را اداء کند و در جماعت وتر شامل شود یا چطور و یا آنکہ جماعت وتر را ترک کند و یا وظیفہ را در رمضان المبارک ترک گوید؟

جواب: بوجہ وظیفہ جماعت تراویح و جماعت وتر را ترک نمودن بکار نیست و تراویح را اداء بیست رکعت اداء نمودن بکار است^(۲) و اگر میخواہد وظیفہ را بہ انجام برساند پس آن را بعد الوتر یا در کدام وقت دیگر اداء کند غرض آنکہ بخاطر وظیفہ کدام واجب و سنت را ترک نگوید بلکہ وظیفہ را بگذارد یا در وقت دیگر آن را بخواند.

درود بتد از چہار رکعات تراویح: سوال: (۱۸۵۲) آن عدہ مردمیکہ بعد از چہار رکعت تراویح میگیرند درود بر خواجہ عالم ابن گفتار صحیح است یا نہ؟

جواب: آن عدہ مردمیکہ بعد از چہار رکعت تراویح این الفاظ را میگیرند درود بر خواجہ عالم در ہمجو گفتن هیچ کدام حرج نیست لکن این الفاظ درود نیست و ثواب مزید در گفتن درود شریف میباشد بہتر آنست کہ بجای این الفاظ (صَلَّى اللّٰهُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ) بگوید و یا دیگر کدام درود شریف را بگوید و سبحان اللّٰہ والحمد للّٰہ ولا الہ الا اللّٰہ واللّٰہ اکبر را بگوید^(۳) فقط

(۱) همچنان بخاطر مزید معلومات تراویح رسالہ رکعات تراویح را نیز مطالعہ نمائید. شائع کردہ مدرسہ مفتاح العلوم اعظم گمرہ. ظفر

(۲) والجماعۃ فیہا سۃ علی الکفایۃ الخ وہی عشرون رکعۃ الخ بعشر تسلیحات (الدروالمختار علی ہامش ردالمحتار مبحث التراویح ج ۱ ص ۶۶۰ ط.س. ج ۲ ص ۴۵). ظفر

(۳) مجلس ندای بین کل اربعہ بقدرہا و کذا بین الخماسۃ والوتر وخیرون بین تسبیح وقرآنہ و سکوت و صلوة فرادی (الدروالمختار علی ...)

تراویح را اداء می نماید اما از طرف روز، روزہ گرفته نمیتواند: سوال: (۱۸۵۳) در شب

که تراویح را اداء کند اما از طرف روز روزہ را نگیرد حکم چیست؟

جواب: اگر کدام عذر باشد مثلاً مرض باشد یا سفر داشته باشد گرفتن روزہ مباح و درست است و بغیر از عذر شکستادن روزہ رمضان المبارک گناہ کبیرہ است کہ عوض و جبرئہ آن روزہ بسائر عمر آن انسان نیز شدہ نمیتواند کما ورد فی الحدیث: من افطر يوماً من رمضان من غیر رخصہ ولا مرض لم یقض عنه صوم الدهر کلہ وإن صامہ رواہ أحمد والترمذی وغیرہما (۱) الخ.

قرآن را کاملاً در تراویح قرائت نمودن بہتر است: سوال: (۱۸۵۴) در تراویح قرآن مجید

را کاملاً قرائت نمودن افضل است و یا بسورت فیل اداء نمودن آن اولی است؟

جواب: در الدر المختار مذکور است: والختم مرة سنة الخ ولا یترک الختم لکسل القوم الدرالمختار (۲) حاصل عبارت فوق آنست کہ در تراویح یکبار ختم قرآن مسنون است و بوجہ تکاسل قوم ختم قرآن ترک نباید کرد زیرا برآن عمل شدہ است و معمول بہ نیز میباشد و تفصیل مزید در شروح است. فقط

سجدہ تلاوت در تراویح: سوال: (۱۸۵۵) اگر در تراویح شدہ درختم شدن رکوع آید و یادر

آخر سورت باشد پس چگونه اداء کردن آن بکار است؟

جواب: درجائیکہ در آخر سورت آیت سجدہ بیاید طریقہ اداء نمودن آن بدو بخش است یکی آنکہ فوراً سجدہ تلاوت را اداء کند و قیام نماید و بعد از تلاوت نمودن چند آیت رکوع کند، دوم آنکہ در رکوع نیت اداء نمودن سجدہ تلاوت را بکند پس سجدہ اداء میشود اما فوراً سجدہ باید کرد. فقط (صورت دوم شایان و مناسب نیست زیرا تنها نیت امام کافی نیست و سجدہ تلاوت مقتدی ترک میشود و بعد از سلام آن را اداء کند: ولو نواہ فی رکوعہ ولم ینوہا المؤتم لم تجزہ یسجد إذا سلم الإمام وبعید القعدة، در المختار، و فوراً اداء نمودن سجدہ مستقل بکار است و قتیکہ در ختم سورت سجدہ باشد و بعد از قیام از سجدہ دو سہ آیات سورت دیگر را قرائت نماید سپس ہر رکوع بروود و رکوع را اداء کند و إن کانت السجدة آخر السورة یقرء من

= ہامش ردالمحتار باب الوتر والوافل بحث التراویح ج ۱ ص ۶۶۶، ط.س. ج ۲ ص ۶۶. ظفر

(۱) مشکوٰۃ شریف ص ۱۷۷. ظفر

(۲) الدر المختار علی ہامش ردالمحتار بحث التراویح ج ۱ ص ۶۶۲، ط.س. ج ۲ ص ۶۶. ظفر

سورۃ آخری تم برکع، ردالمحتار، اگر در ختم رکوع سجدہ باشد فلہذا بعد از سجدہ یک حصہ رکوع دیگر را قرائت کند سپس برای نماز برکوع برود رکوع کند واللہ اعلم. ظفیر)

تنبیہ بخطیہ فتح دادن در تراویح شرکت نمودن: سوال: (۱۸۵۶) ہر شخصی کہ در نماز تراویح بر آن نیت شرکت ورزد کہ امام غلطی می نماید ومن برایش رہنمائی وفتح خواہم داد وپس نماز را خواہم شکست پس بنا بر این نیت آیا او مقتدی محسوب میگردد یا نہ؟ اگر امام را فتح داد وپس نماز خود را شکست آیا نماز امام درست شدہ است یا نہ؟ وشنبہ چہ حکم دارد؟

جواب: این شخص مقتدی گردیدہ و تکمیل نماز بدوش او لازم شدہ است و امام فتح او را خواہد گرفت زیرا برای او معلوم نیست کہ آن شخص بعد از فتح دادن نماز را می شکناند و نماز امام درست است و اما بر آن نیت شرکت نمودن او ناپسند است و تکمیل آن نماز بعہدہ اش لازمی است ^(۱) اما شبیہ اگر در آن قرائت قرآن مجید بطریق درست و صحیح باشد بسیار پسندیدہ است لکن قسمیکہ در عصر موجودہ میشود اکثرا سبب گناہان میگردد بناء ترک نمودن آن بکار است. فقط

یک نفر در دو جای تراویح دادہ میتواند یا نہ؟ سوال: (۱۸۵۷) اگر امام در دو جای نماز تراویح را میدہد آیا درست میشود یا نہ؟

سوال: (۲) در شب ۲۷ رمضان المبارک بعد از ختم قرآن شریف غزل الوداع در مسجد خواندہ میشود آیا این عمل جائز است یا نہ؟

جواب: در دو مکان تراویح درست میشود ^(۲). فقط (اگر در ہر دو جای امامت تراویح را کاملاً اداء کند سپس مطابق قول مفتی بہ تراویح اہالی مسجد ثانی درست نمیباشد در عالمگیری صراحۃ آمدہ است: حوالہ را در حاشیہ مطالعہ فرمائید. ظفیر)

(۱) ومن شرع فی نافلۃ ثم ألسدها قضاء (إلى قوله) ولما أن المؤدی وقع قرۃ فلیزم الإمام ضرورۃ صیاتیۃ عن البطلان (ہدایہ باب الوافل ج ۱ ص ۱۳۱). ظفیر

(۲) ولو أم فی التراویح مرتین فی مسجد واحد کرہ (إلى قوله) وإن صلی فی المسجدین اختلف المتباح فیہ حکمی عن ابی بکر الأسکاف أنه لا يجوز یعنی لا يجوز تراویح أهل المسجد الثاني واختاره أبو الثب قال أبو نصر يجوز لأهل المسجد جميعاً الخ غنیۃ المستطی ص ۳۸۹، امام یسلی التراویح فی مسجدین علی الکمال لا يجوز کلاً فی محیط السرخسی والفتوی علی ذلک کذا فی المضمرات عالمگیری کشوری ط. ماحدۃ ج ۱ ص ۱۱۶. ظفیر

جواب: (۲) سرائیدن و گفتن غزل درست نیست^(۱). فقط

تراویح ہشت رکعت است یا بیست و گھٹ؟ سوال: (۱۸۵۸) تراویح را ہشت رکعت اداء نمودن بکار است یا بیست رکعت؟ مشرح ومدلل تحریر فرمائید و در مورد فاتحہ خلف الامام و آمین بالجہر حکم چیست؟ واضح تحریر فرمائید و سہ رکعات وتر آیا طوری است کہ در رکعت دوم قعدہ شود؟

جواب: در فتح القدیر مذکور است: نعم ثبت العشرون من زمن عمر (رضی اللہ عنہ) فی المؤطا عن یزید بن رومان قال کان الناس یقومون فی زمن عمر بن الخطاب بثلاث وعشرين رکعة وروی البیهقی فی المعرفة عن السائب بن یزید قال کنا نقوم فی زمن عمر بن الخطاب رضی اللہ عنہ بعشرين رکعة والوتر قال النووي فی الخلاصة إسناده صحيح وفي المؤطا باحدى عشرة رکعة وجمع بينهما بأنه وقع أولا ثم إستقر الأمر علی العشرين فانه متوارث فتحصل من هذا كله أن قیام رمضان سنة إحدى عشر رکعة بالوتر فی فعله رضی اللہ عنہ ترکہ لعذر الخ فیکون سنة وكونها عشرين سنة الخلفاء الراشدين وقوله رضی اللہ عنہ علیکم بسنتي وسنة الخلفاء الراشدين ندب إلى سنتهم (إلی أن قال) فتكون العشرون مستحبا الخ^(۲) از تحقیق فوق ثابت شد کہ سنت خلفاء راشدين نیز بیست رکعت تراویح است و آن حضرت رضی اللہ عنہ نیز در آن مورد حکم متابعت خلفاء راشدين را فرمودہ اند پس این گفتار غیر مقلدین کہ بیست رکعت تراویح بدعت عمری است آن جهالت از حدیث است و در شامی مذکور است: قوله وهي عشرون رکعة وهو قول الجمهور وعليه عمل الناس شرقا وغربا، غرض آنکہ در این مورد هیچ تامل نیست. کما مر عن فتح القدیر فلہذا برای احناف همین دلیل کافی است. بناءً اگر بالفرض آن سخن ثابت شود کہ در زمانہ آن حضرت رضی اللہ عنہ بیست رکعت تراویح از حدیث صحیح ثابت نیست، پس از زمانہ حضرت عمر رض بالاتفاق بطریق صحیح ثابت است و سنت خلفاء راشدين بذات خود واجب الاتباع میباشد پس برای ثبوت بیست رکعت تراویح از آن زیاد تر چہ چیز شدہ میتواند. و در این مورد رسالہ (الرأی النجیح) و (الحق الصریح) و (ایضاح الأدلہ) را از مولوی اصغر حسین صاحب مطالبہ کنید و در رسالہ ہا اولین تحقیق کامل تراویح و حق الامر را نیز ظاہر و آشکار نمودہ است و در رسالہ ایضاح الادلہ

(۱) من أحدث فی امرنا هذا ما لیس منہ لہو و د، متفق علیہ (مشکوٰۃ ص ۳۷). ظفیر

(۲) فتح القدیر بحث تراویح ج ۱ ص ۴۰۷. ظفیر

مصنفه حضرت مولانا محمود الحسن صاحب مسائل اختلافی مانند رفع الیدین فاتحه خلف الامام و آمین بالجهر وغیره را بسیار بتفصیل و تشریح ذکر شده است و از احادیث صحیحہ مسائل امام صاحب ثابت نموده است کہ غیر مقلدین از ارائه نمودن جوابات آن عاجز میباشند و کتاب های فوق الذکر حتما مطالبہ کنید و آن را مطالعه فرمائید و برای بنده عاجز اولاً فرصت نقل نمودن آن دلایل میسر نیست و چیزی نوشتن نیز تحصیل حاصل میباشد و بغیر از مطالعه نمودن کتاب های مذکورہ از فریب دادن غیر مقلدین اشخاص مقلدین نجات نخواهد یافت و درسه رکعات و تر ثبوت قعدہ و سستانی طوری بدیہی است کہ از آن انکار و وزیدن فعل اهل حق و اهل دین نیست و این جرئت را یگانه و تنها غیر مقلدین می نمایند. صلاة اللیل مثنی مثنی فاذا خضع الصبح صلی واحدة فوتر لا صلی، حدیث صحیح است: و از این واضح ثابت شد کہ بعد از دو رکعات تشهد خوان لازم است در فتح القدر مذکور است: : و اخرج الحاكم قيل للحسن أن ابن عمر  كان يسلم في الركعتين من الوتر فقال عمر كان أفقه منه نهض بينهن في الثانية. در این حدیث بعد از دو رکعت نهوض مصرح است و نهوض بعد از قعود و نشست میباشد و همچنان در فتح القدر ^(۱) مذکور است: قال الطحاوي حدثنا ابو بكر حدثنا ابو داود حدثنا ابو خالد قال سألت أبا العالية عن الوتر فقال علمنا اصحاب رسول الله صلى الله عليه وسلم أن الوتر مثل صلاة المغرب هذا وتر الليل وهذا وتر النهار. ^(۲) از این حدیث نیز معلوم شد کہ وتر مانند نماز شام است.

در تراویح سه بار خواندن (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ) چگونه است؟ سوال: (۱۸۵۹) (۱) در تراویح سه بار خواندن (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ) جائز است یا مکروه؟

بعد از ترویجہ نوافل و مناجات جائز است یا نه؟ سوال: (۱۸۶۰) (۲) در تراویح بعد از ترویجہ مناجات و نوافل جائز است یا نه؟

جواب: (۱) در ترویجہ سه بار (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ) خواندن مکروه نیست ^(۳) البته لازم پنداشتن آن مکروه خواهد شد پس التزام آن نباشد.

(۱) فتح القدر بحث تراویح ج ۱ ص ۴۰۷. طعیر

(۲) فتح القدر بحث تراویح باب الوتر ج ۱ ص ۳۷۲ - ۳۷۳. طعیر

(۳) ولا يكره تكرار السورة في ركعة أو ركعتين في التطوع لأن باب العمل واسع (إلى قوله) لعل على حود التكرار في التطوع (غنية المستملی ص ۳۱۳) و قراءة قل هو الله أحد ثلاث مرات بعد غنم القرآن لم يستحسنها بعض المشايخ وقال الفقيه ابو الملیث هذا شيء إستحسنه أهل القرآن وأما الأسماء فلا بأس به إلا أن يكون الختم في المكتوبة فلا تريد على مرة (غنية المستملی ص ۴۶۴) طعیر

جواب: (۲) در تراویح بعد ہر ترویجہ دعاء و مناجات و ذکر و تسبیح و تہلیل و درود شریف و نوافل ہمہ جائز است۔^(۱) فقط

گناہ ترک تراویح: **سوال:** (۱۸۶۱) قضاء نمودن تراویح گناہ دارد یا نہ؟

جواب: در قضاء نمودن تراویح گناہ ترک سنت خواهد باشد۔^(۲) فقط واللہ اعلم

فیصلہ اختلاف رکعات تراویح: سوال: (۱۸۶۲) فریق اول میگوید کہ نماز رسول اللہ ﷺ در رمضان و غیر رمضان یازدہ رکعت بود قسمیکہ از حدیث حضرت عائشہ صدیقہ (رض) ثابت است بناء تراویح و غیرہ ہمہ در آن داخل اند۔ فریق دوم میگویند کہ تراویح نماز علیحدہ و مستقل است، وتر و تہجد نیست فلہذا تراویح را بیست (۲۰) رکعت اداء نمودن بکار است بناء در میان قولین سخن حق کدام است؟

جواب: یازدہ (۱۱) رکعت کہ در حدیث حضرت عائشہ رض آمدہ است آن نماز وتر و تہجد بود چنانچہ لفظ غیر رمضان قرینہ واضح موجود است زیرا در غیر رمضان تراویح نمیشاد بناء تراویح بیست (۲۰) رکعت است و بر آن اجماع صحابہ کرام متعقد گردیدہ است: قال فی الدر المختار قوله عشرون رکعة هو قول الجمهور وعمل الناس شرقا وغربا،^(۳) در مؤطاء امام مالک رحمہ اللہ ابن حدیث موجود است: حدثنا مالک عن يزيد بن رومان أنه قال قال كان الناس يقومون في زمان عمر بن الخطاب ؓ في رمضان ثلاث وعشرين ركعة قوله ثلاث وعشرين ركعة قال البيهقي والثالث هو الوتر ولا ينافيه الرواية السابقة فانه وقع أولا ثم استقر الأمر على العشرين فروى البيهقي باسناد صحيح أنهم يقومون في عهد عمر بعشرين ركعة وفي عهد عثمان وعلى مثله^(۴) فقط

حدیث تراویح: سوال: (۱۸۶۳) ابن خزیمہ وابن حبان کہ کدام حدیث در صحیحین ایشان بروایت جابر ابن عبد اللہ نقل نمودہ است: قال صلی بنا رسول اللہ ﷺ فی شهر رمضان ثمان رکعات ووتر، الحدیث۔ و غیر مقلدین این حدیث را حجت برای خود می پندارند فلہذا استاد حدیث مذکور را مع جرح و قدح تفصیلا تحریر فرمائید؟

(۱) ثم هم مخرجون في حالة الجلوس إن شاءوا اسبحوا وإن شاءوا لقدوا ساكنين إلح (عالمگیری کشوری ج ۱ ص ۱۱۴، ط۔ ماجدہ ج ۱ ص ۱۱۵)، ظہیر

(۲) رمی سنۃ للرجال والنساء جميعا ونفس التراویح سنۃ علی الأعیان (عالمگیری کشوری ج ۱ ص ۱۱۴، ط۔ ماجدہ ج ۱ ص ۱۱۶)، ظہیر

(۳) الدر المختار علی هامش وذا المختار باب الوتر والنوافل ط۔ ج ۲ ص ۴۵، ظہیر

(۴) غنیة المصنفی ص ۳۸۸، ظہیر

جواب: صحیح ابن خزیمه وابن حبان در اینجا موجود مردست نیست که در آن سند آنها دیده و مطالعه شود و توجیه آن روایت علماء محققین ذکر فرموده اند که آن را بخدمت شما نقل می‌نمایم، در فتح القدر مذکور است: قدمنا فی باب النوافل عن ابی شلمة ابن عبدالرحمن سألت عائشة کیف كانت صلوة رسول الله صلی الله علیه وسلم فی رمضان فقالت ماکان یزید فی رمضان ولا فی غیره علی إحدى عشرة رکعة الحدیث إلى أن قال نعم ثبت العشرین من زمن عمر رضی الله عنه فی الموطأ عن یزید بن رومان قال کان الناس یقومون فی زمن عمر بن الخطاب بثلاث وعشرین رکعة وروی البیهقی فی المعرفة عن المسائب بن یزید قال کنا نقوم فی زمان عمر بن الخطاب بعشرین رکعة والوتر قال النووي فی الخلاصة اسناده صحیح ^(۱) الخ بناء واضح ومعلوم شد که بیست رکعت تراویح سنت خلفاء راشدین است و آن حضرت رضی الله عنه فرموده اند: علیکم بسنتی وسنة الخلفاء الراشدين، لهذا ضروري است که سنت خلفاء راشدین معمول بها گردانیده شود. فقط

اگر یک قاری در یک هفته مسجد قرآن ختم میکند در تراویح و در هفته دیگر در مسجد

دیگر ختم میکند بناء در این مورد حکم چیست؟ سوال: (۱۸۶۴) بعضی قراء کرام درش یا هفت روز قرآن مجید را در تراویح در یک مسجد کاملاً ختم می‌کند و بعد از آن در مسجد دوم ختم قرآن مجید را در تراویح می‌شنواند آیا این طرز العمل درست است یا نه؟ و تراویح اهالی مسجد ثانی درست میشود یا نه؟ قراء کرام و بعضی علماء آن را جائز میدانند و بعضی میگویند که برای قاری یک بار ختم کردن مستون است و ختم دوم او برایش نفل است و برای مقتدی آن ختم سنت است فلهمذا آیا نماز سنت گذاران بدنبال نفل گذار چگونه خواهد شد؟ تحقیق این مسائل را بفرمائید؟

جواب: در یک مسجد در شش یا هفت روز ختم قرآن مجید کردن و سپس از آن برای قاری بختم دیگر در مسجد ثانی پراختند درست است و تراویح اهالی مسجد ثانی صحیح است زیرا نماز تراویح در سائر رمضان المبارک سنت مؤکده است بناء اگر قاری در مسجد ثانی نماز تراویح را بدهد آن سنت مؤکده شد، و تراویح مقتدیان همچنان سنت مؤکده شد فلهمذا نماز هر دو متحد و یکی شد علاوه از آن بدنبال نقل کننده نماز سنت نیز درست میشود و آن شبهه که ختم

قرآن مجید یک بار سنت مؤکد است دوم وسوم بار ختم قرآن نقل است آن شبہ بی مورد میباشد زیرا نماز امام سنت مؤکدہ است و بعلم عدم مستون بودن ختم آن نماز سنیت خارج نمیشود و در نماز مقتدیان هیچ نوع نقصان وارد نشد لکن افضل و بہتر در عصر موجودہ آنست کہ امام قاری از ختم بیشتر در تراویح نگوید بخاطر آنکہ بالای مقتدیان ثقیل و دشوار نشود کما فی الدر المختار: لکن الإختیار الافضل فی زماننا قدر ما لا یثقل علیہم و فی الشامی من استحب الختم فی لیلۃ السابیع والعشرین رجاء أن ینالوا لیلۃ القدر^(۱) الخ. فقط

در جریان تراویح اگر بعضی آیت ها سهواً ترک شود و اما آن را در شب دو یا سوم تلاوت نماید آیا آن جواز دارد یا نه؟ سوال: (۱۸۶۵) در تراویح اگر امام سهواً برخی از آیات را بگذارد و در روز دوم وسوم آیت های متروکہ را بطور متفرقی یکی بعد دیگری قرائت نماید جواز دارد یا نه؟ و آیا در ہمجو ختم الشریف ثواب ختم کامل بلا کراہیت باشد یا مع الکراہیہ یک عالم میگوید کہ برای سامع و قاری اگر ثواب ختم کامل است لکن گناہ نیز ہمراہش خواہد باشد زیرا آیت های سورت مائدہ با سورت توبہ قرائت شد بناء آیا این گفتار آنان صحیح است یا غلط؟

بدنبال نا بالغ تراویح کننده گنہکار است یا نہ؟ سوال: (۱۸۶۶) امامت قاری نا بالغ درست است یا نہ؟ و اگر کسی بر آن پا فشاری وجبر می نماید گنہکار خواہد باشد یا نہ؟
جواب: (۱) ثواب ختم کامل برایش دادہ میشود و اما وقتیکہ بفراوشی چنین شدہ است بناء در آن هیچ گناہ و کراہیت نیست.^(۲)

جواب: (۲) موافق مذهب صحیح بدنبال نابالغ تراویح و غیرہ نمازها صحیح نیست و نمازش نمیشود و ہر کسی کہ چنین عمل می کند نماز تراویح او نمیشود ہکذا فی الدر المختار و الشامی و غیرہما.^(۳) فقط

برای قاری کراہہ رفت و آمد نادیدہ نمودن و طعام خورائیدن در متاوضہ داخل است یا نہ؟

(۱) رد المحتار ج ۱ ص ۶۶۲، ط.س. ج ۲ ص ۴۷، ظہیر

(۲) و اذا غلط فی القراءة فی التراویح فترک سورۃ او ابد و قرأ ما بعدھا فالمتستحب ان یقرأ المتروکہ ثم المقرؤۃ لیکون علی الترتیب کذا فی فتاویٰ لاجسی خان (عالمگیری مصری ج ۱ ص ۱۱۰، ط. ماجلہ ج ۱ ص ۱۱۸)، ظہیر

(۳) و لا یجوز للرجال أن یفتنوا بامرأة اوصی الخ و فی التراویح و السنن المطلقۃ جوزہ مشائخ بلخ و لم یجوزہ مشائخہ بلخ و المختار انه لا یجوز فی الصلوات کلھا لأن نقل الصی دون نقل البالغ الخ (ہدایہ باب الإمامۃ ج ۱ ص ۱۱۱)، ظہیر

سوال: (۱۸۶۷) یک قاری در آخر ماه شعبان خواسته شد وسائر مردم برایش چندہ نمودند و پول کرایہ واقعی رفت و آمد او را دادند و در تمام ماه رمضان برایش طعام خورد و نوش عمدہ دادند آیا این صورت شنواندن قرآن کریم بلا عوض محسوب میشود و یا این صورت نا جائز است و او راجیزی زائد در عوض آن دادہ نمیشود اگر چنان نشود پس قاری مذکور قرآن را نمیشنوند.

جواب: قاری را از خارج خواستن و او را مصارف رفت و آمد تادیہ نمودن و قرآن مجید او را بغیر از معاوضہ شنیدن جائز و فعل ثواب است و ہر گاہ قاری صاحب از خارج آمدہ و مہمان دعوت شدہ است بناءً برای او خوراک عمدہ و عالی مہیا نمودن و بر قاری خود اندیدن جائز و ثواب است.

بدنبال پسر چہارده سالہ تراویح درست است یا نہ؟ سوال: (۱۸۶۸) امامت پسر چہارده سالہ در تراویح چگونه است؟

جواب: بدنبال پسر دارای سن چہارده سالہ فرائض تراویح ہیچ درست نیست صحیح همانست تا وقتی کہ بسر کاملاً پانزدہ سالہ نشدہ باشد او را در تراویح وغیرہ امام مگردانید. در ہدایہ و شامی وغیرہ بہ ہمین منوال نوشتہ شدہ است اگر در سن چہارده سالگی نشانی بلوغ ظاہر شدہ بود و بگوید کہ من بالغ شدہ ام در این صورت بدنبال او اقتداء درست است. فقط

در تراویح امام و سامع را برابر ایستادہ نمودن چگونه است؟ و برای سامع اجرت دادن جائز است یا نہ؟ سوال: (۱۸۶۹) در تراویح اگر امام و سامع ہموار برابر ایستادہ شوند اگر برای امام عذر سماعت باشد یا نباشد این چگونه است؟ و سامع را بہ اجرت مقرر نمودن چگونه است؟

جواب: اگر ضرورت باشد مثلاً از فاصلہ دور رہنمائی سامع در فہم امام نمی آید بناءً سامع را عنقریب امام ایستاد نمودن درست است و بلا ضرورت ناپسند است و سامع را بہ اجرت مقرر نمودن نیز ناپسند است بلکہ ناجائز است زیرا بر قرائت نمودن و شنواندن قرآن مجید اجرت اخذ نمودن حرام است.

در مورد حدیث تراویح پریشی: سوال: (۱۸۷۰) عن السائب بن یزید أن عمر بن الخطاب جمع الناس في رمضان على أبي بن كعب وعلى تميم الداري على إحدى وعشرين ركعة قال إن

عبدالبرہو محمول علیٰ اُن الواحدة الوتر. حدیث فوق را شما بحوالہ عینی جلد دوم ص ۳۵۷ تحریر فرمودہ اید بناء لطف نمائید اُن را نیز بنگارید کہ در کدام عینی است آیا در عینی شرح ہدایہ یا در عینی شرع بخاری و در صفحہ کدام طبع و نیر ۳۵۷ است و در بیان کدام مسئلہ است؟

جواب: عن السائب بن يزيد أن عمر ابن الخطاب (رضی اللہ عنہ) جمع الناس في رمضان على أبي ابن كعب وعلى تميم الداري على إحدى وعشرين ركعة الخ قال ابن عبدالبرہو محمول علیٰ اُن الواحدة للوتر. عینی شرح ہدایہ جلد خامس کتاب صلوة التراویح ص ۱۹۱ مطبوعہ یوسفی چنین نقل میفرماید: قال عبد البر في شرح المؤطا روى غير مالك في هذا الحديث احد وعشرون وهو الصحيح (فقط محمد ابراہیم مدرس مدرسہ ہذا).

تراویح سنت است یا واجب ویا نقل: سوال: (۱۸۷۱) : نماز تراویح سنت مؤکدہ است یا واجب ویا نقل است؟

جواب: قال في الدرالمختار التراويح سنة مؤكدة لمواظبة الخلفاء الراشدين الخ وفي الشامي وكيف لا وقد ثبت عنه عليه السلام عليكم بسنتي وسنة الخلفاء الراشدين المهديين عضوا عليها بالنواجذ كما رواه ابو داود ^(۱) بناء معلوم شد کہ تراویح سنت مؤکدہ است.

کسی کہ بیست (۲۰) رکعت تراویح را تسلیم کند و بعد از آن احيانا سیزده ۱۳ یا چهل و یک ۴۱ رکعت اداء میکند آیا گنہگار میباشد یا نہ؟ سوال: (۱۸۷۳) اگر کسی با داشتن اعتقاد مسنون بودن بیست رکعت تراویح او احيانا یازده ۱۱ سیزده ۱۳ و چهل و یک ۴۱ رکعت اداء می نماید آیا در این فعل خود او گنہگار خواهد باشد یا نہ؟ و آیا عدد فوق الذکر در احادیث وارد است؟

جواب: تراویح بیست ۲۰ رکعت سنت مؤکدہ است و مخالفت کنندہ آن عند الاحناف تارک سنت است ^(۲) و خلاف سنت عمل کردن قبیح است ^(۳) و اعداد مذکورہ در حدیث وارد است

(۱) رد المحتار باب الوتر والرائل بحث صلوة التراويح ج ۱ ص ۶۵۹. ط.س. ج ۲ ص ۴۳. ظفر

(۲) وهي عشرون ركعة بعشر تسليمات (درمختار) وهو قول الجمهور وعليه عمل الساس شرقا وغربا (رد المحتار باب الوتر والرائل بحث صلوة التراويح ج ۱ ص ۶۶۰. ط.س. ج ۲ ص ۴۵). ظفر

(۳) ترك السنة لا يوجب فسادا ولا سهوا بل إساءة أو غامدا. (درمختار) فتاركها يستوجب إساءة أي التضييل واللوم (رد المحتار مطلب سنن الصلوة ج ۱ ص ۴۴۲. ط.س. ج ۱ ص ۴۷۴). ظفر

لکن عند الاحناف بر سائر احادیث با بصیرت کامل وبعد از غور و دقت النظر همان بیست (۲۰) رکعت راجع است و بتحریک عمر الفاروق (رض) بر همین عدد اجماع صحابه کرام رضی عنہم منعقد گردیده است. واللہ اعلم

نمای تراویح را به یک سلا ادا نمودن: سوال: (۱۸۷۳) چه میفرمایند علماء دین در مورد این مسئله که زید میگوید: بیست رکعت به یک تکبیر و یک سلام اداء نمودن جائز است و بکر میگوید که خلاف سنت و مکروه است هر دو دلایل نزد شان موجود دارند؟

جواب: أقول وبالله التوفیق، در مورد مسئله تراویح قول بکر درست و حق است ^(۱) چنانچه در الدلر المختار مذکور است: فعلها بتسلیمة فإن قعد لكل شفع صحت بکراهة وفي الشامي أی صحت عن الكل وتکره إن تعمد وهذا هو الصحيح الخ شامي ج ۱ ص ۶۶۰.

آیات متروکه را در کدام وقت معاد و تکرار نماید؟ سوال: (۱۸۷۴) در مملکت ما بطور عموم قراء کرام بی علم میباشند ایشان در تراویح قرآن مجید را تلاوت می نمایند در وسط اگر سهوا دو یا سه آیت ترک شود یا ضمه و فتنه و کسره ترک گردد آن را در رکعت دیگر یا در آن رکعت دو گانه آیت های متروکه دوباره میخوانند لکن اگر در کدام رکعت دو گانه که آیات ترک شده بود آن را اعاده نمیکنند، اکنون معلوم نمودن این سخن بکار است که بترک شدن آیات بوجه تبدیلی معنی فساد نماز لازم می آید بناء آیا اعاده این نماز لازمی است یا نه؟ و یا بوجه عدم ایجاد تغیر سخن را اعاده لازم نمیشود؟

جواب: اگر غلطی قرائت در چنان دو گانه در (دو رکعات) در موقع شده باشد که موجب فساد نماز بود پس اعاده دو گانه یعنی دو رکعات واجب است و اگر چنان غلط باشد که شکنده نماز نباشد پس ضرورت برای اعاده آن نیست نماز درست میشود بناء در میان ترک شدن آیات یا غلطی کردن ضمه، فتح و کسره نیز همین حکم دارد مثلا در میان بترک شدن چند آیات تغییری در معنی نیامد پس آن دو رکعت صحیح شد بخاطر ختم قرآن مجید در دو گانه دیگر آیات متروکه اعاده شود و همانقدر کافی است. فقط (وإذا غلط في القراءة في التراویح فترک سورة او آية و قرء ما بعدها فالمستحب له أن یقرأ المتروکه ثم المقرءة لیكون علی الترتیب کذا في قاضي خان وإذا

(۱) از سوال ظاهر میشود که زید قائل به اداء نمودن بیست رکعت به یک سلام و جائز بودن آن بعیر از کراهت است لکن چنین گفتار درست نیست بلکه صحیح آنست که جائز مع الکراهة است. جمیل الرحمن

لسد الشفع وقد قرأ فيه لا يعتد بما قرأ فيه ويعيد القراءة ليحصل له الختم في الصلوة الجائزة الخ
فتاویٰ عالمگیری ج ۱ ص ۱۱۰ (مصری)

به أجرت شنوانین تراویح: سوال: (۱۸۷۵) مردمان زید را برای خواندن قرآن مجید در نماز تراویح دعوت نمودند وبعد ختم کردن زید سامعین چنده کرده قدری معین فیما بینهم از سکه انگیزی به او دادند و نیز این دادن در عرف مروج است الا آنکه هنگام دادن گفتند که این قابل شما نیست و نیست طرفین لله بود آیا زید را این رویه گرفتن درست است یا نه؟ و سامعین را دادن روا باشد یا نه؟

شبینه: سوال: (۱۸۷۶) در شریعت حکم ختم نمودن قرآن به یک شب که در عرف به ختم شبینه شهرت دارد چیست؟

جواب: (۱) اصل اینست که بر تلاوت قرآن شریف و ختم قرآن حمید اجرت و معاوضه گرفتن حرام است و ثواب تالی و سامعین را باطل می کند کما فی الشامی کتاب الاجارة: قال تاج الشریعة فی شرح الهدایه أن القرآن بالأجرة لا یتحق الثواب لا للمیت ولا للقاری (الی أن قال) و الاخذ والمعطى آثم ان الخ فاذا لم یکن للقاری ثواب لعدم النية الصحيحة فاین یصل الثواب إلى المستأجر (۱) الخ پس اگر در صورت مؤوله حسب عرف و رواج که بمنزله شرط صریحی است اگر زید قاری را خیال و اراده اخذ مال از سامعین بود دلدادۀ سامعین هم بدادن مقداری از مال بود درین صورت موافق تصریح فقهاء ثواب قاری و سامعین باطل شد و سنت ختم قرآن شریف اداء نه شده است و اگر نیت قاری و سامعین گرفتن و دادن رویه نه برد بعد از ختم محض لوجه الله و ابتغاء مرضات الله رویه بقاری دادند و او قبول کرد جائز خواهد شد: فالعبرة لنية القاري و السامعین، قال علیه الصلوة والسلام: إنما الأعمال بالنيات وإنما لإمرئ ما نوى. الحديث (رواه البخاري وغيره).

جواب: (۲) در الدر المختار و در ردالمحتار گفته شده است: و یجتنب المنکرات هذرمة القراءة در مختار قوله: هذرمة بفتح الهاء و سکون الذال و فتح الراء سرعة الكلام و القراءة. قاموس شامی ج ۱ ص ۶۳، از این عبارت معلوم شد که اگر در شبینه سرعت قرائت بعد هذرمه باشد مکروه است که هذرمۀ قرائت را از منکرات شمرده اند. فقط

تنہا گذار تراویح را بہ آواز بلند خواند یا آہستہ؟ سوال: (۱۸۷۷) (۱) مرد تراویح را بجماعت اداء کند یا علیحدہ؟ اگر علیحدہ وتنہا اداء کند آیا بہ آواز بلند اداء کند یا آہستہ؟

زنان جماعت وتر را تر کردہ میتوانند یا نہ؟ سوال: (۱۸۷۸) (۲) زنان جماعت وتر را اداء کند یا نہ؟

بعد از سنت تراویح را شروع کند: سوال: (۱۸۷۹) (۳) در رمضان المبارک اگر تراویح شروع شود پس دو رکعت سنت کہ بعد از فرض است آن را اداء کند و در تراویح شرکت ورزد و یا سنت را بعد از آن اداء نماید؟

در یک مسجد جماعت دوم تراویح: سوال: (۱۸۸۰) (۴) نماز جماعت وتر و تراویح اداء شدہ است اکنون جماعت دوم را اداء کنند یا نہ؟

جواب: (۱) والجماعة فيها سنة على الكفاية (درمختار باب التراویح) وبخير المنفرد في الجهر إن أدى (إلى قوله) كمتفل بالليل منفردا ص ۵۵۶ (درمختار ملخصاً) في فصل القراءة، مراد آن را بجماعت اداء کند و اگر کدام شخصی از جماعت باقی ماند منفرداً نماز میخواند او اختیار دارد کہ بہ آواز بلند میخواند و یا آہستہ میخواند ہر دو درست است مگر با آواز بلند بہتر است.

جواب: (۲) زنان جماعت وتر را نکنند: (و دیگرہ تحریراً جماعۃ النساء ولو فی التراویح الخ (درمختار علی الشامی ج ۱ ص ۷۲۸). فقط

جواب: (۳) فرض وسنت را اداء کند سپس در تراویح شامل شود. فقط (وقتها بعد صلوة العشاء قال الشامي ج ۱ ص ۶۵۹). فقط

جواب: (۴) ثانیاً در آن مسجد اداء نکند ^(۱) (لو ترک الجماعة في الفرض لم يصلو التراویح جماعة (درمختار). جمیل الرحمن

آیابہ یک سلام بیست رکعت تراویح درست است؟ سوال: (۱۸۸۱) بیست رکعت تراویح بہ

(۱) دلیل این عبارت است از آنکہ در یک مسجد تراویح را بجماعت متعدد اداء نمودن همان نوعیت را اعادہ خواہیم نمود کہ بخاطر خود داری از آن حضرت عمر فاروق رضی نماز گزاران علیحدہ را در اقتداء امام واحد جمع آوری نمودہ بودند: عن عبد الرحمن بن عبد القادر قال خرجت مع عمر بن الخطاب ليلة في رمضان إلى المسجد فإذا الناس أوزاع متفرقون يصلي الرجل لنفسه ويصلي الرجل بصلوته الرجل يفرط قلل عمر بني أرى لو جمعت هؤلاء غلبت ظنني فأمر أن يؤمّ واحد لكان أمثل ثم عزم بجمعهم على أبي بن كعب رضي الله عنه، كسيري للحلي ص ۳۸۳. از این عبارت معلوم میشود کہ در یک مسجد جماعت متعدد مطابق إرشاد عمر فاروق رضی خلاف طریقہ أمثل است: وقيل عليه الصلوة والسلام عليكم بسني سنة خلفاء الراشدين المهديين تسمكوا بها وعضوا عليها بالنواجذ. (مشكوة بحواله ترمذی). جمیل الرحمن

یک سلام اداء نمودن جواز دارد یا نه؟

جواب: اداء نمودن بیست رکعت تراویح به یک سلام مکروه تحریمی است: (فلو فعلها بتسلیمه فان قعد لكل شفع صحت بکراهة وإلا نابت عن شفع واحد. (شامی ج ۱ ص ۶۶). جمیل الرحمن

فصل خامسی

مسائل تهجد

کسی کہ نمازها را قضاء نموده باشد قضاء را اداء نماید ویا تهجد را، کدام افضل است؟

سوال: (۱۸۸۲) کسی کہ نمازهای زیادی را قضاء نموده باشد برای او در وقت تهجد ویا در متباقی اوقات مناسب اداء نمودن تهجد ویا نوافل افضل است یا اداء کردن نمازهای قضاء عمری؟

جواب: در الدر المختار مذکور است: وقضاء الفرض والواجب والسنة فرض وواجب وسنة^(۱) یعنی قضاء فرائض فرض وقضا واجب واجب وقضاء سنن سنت است، حاصل آنکه در اداء نمودن نمازهای قضائی عمری تکاسل وتنبلی وتأخیر ناپسند است هر قدریکه ممکن باشد وهر وقت کہ فرصت میسر شد پس قضاء نماز فرائض ووتر اداء کرده شود کہ این طریقہ افضل است^(۲) لکن در مورد تهجد فضائل زیاد آمده است چنانچه در صحیح مسلم مذکور است: افضل الصلوة بعد الفریضة صلوة اللیل^(۳). یعنی بعد از نماز فرائض، نماز تهجد افضل است پس اقتضاء فضیلت فوق الذکر آنست کہ هر گز ترک نشود واین فضیلت بغیر از نوافل در این وقت بہ اداء نمودن نمازهای قضائی حاصل نمیشود. قال فی رد المحتار: أن التهجد لا یحصل إلا بالتطوع فلو نام بعد صلوة العشاء ثم قام فصلی فرائت لایسمی تهجدا^(۴) (ص ۵۰۵) یعنی تهجد آن را گویند کہ بعد از نماز عشاء در حصہ آخر شب قیام نماید ونوافل را اداء کند فلہذا اگر کدام شخص در این وقت بجای نفل نماز قضاء شدہ روزہ را اداء کند نام او تهجد نہ میباشد یعنی ثواب کہ در نماز

(۱) الدر المختار علی هامش رد المحتار باب قضاء الفوائت ج ۱ ص ۶۸۰. ط.س. ج ۲ ص ۶۶. ظفر

(۲) وجمع اوقات العمر وقت للقبض إلا الثلاثة المهمة (وتمتار) وهي الطلوع والإستواء والغروب رد المحتار باب قضاء الفوائت ج ۱ ص ۶۸۰. ط.س. ج ۲ ص ۶۶. ظفر

(۳) در مشکوٰۃ از مسد امام احمد این روایت بہ الفاظ آتی مقول است: افضل الصلوة بعد المفروضة صلوة فی جوف اللیل. رواہ احمد. مشکوٰۃ باب التحریض فی قیام اللیل ص ۱۱۰. ہ الفاظ ذکر شدہ معالہ فرماید رد المحتار باب الوتر والنوافل ج ۱ ص ۶۶۰. ظفر

(۴) رد المحتار باب الوتر والنوافل مطلب فی صلوة اللیل ج ۱ ص ۶۸۱. ط.س. ج ۲ ص ۲۴. ظفر

تہجد ہفتہ است بدان حاصل نمیگردد بناء اگر در همچو صورت زیاد تر ممکن نمیشد پس باید کہ اقلاً دو رکعت نفل را اداء نمایند و این کمترین درجہ صلوٰۃ تہجد است قال فی ردالمحتار: وأقل التہجد رکعتان وأوسطہ اربعۃ واکثرہ ثمان ^(۱) ص ۵۰۵ فقط

در تہجد ادعیہ مختلفہ چہ وقت خواندہ شود؟ سوال: (۱۸۸۳) در احادیث ادعیہ مختلفہ در تہجد وارد است آیا ادعیہ واردہ بعد از ثناء است و یا قبل از تکبیر تحریمہ؟
جواب: قرائت نمودن ادعیہ مذکورہ قبل از تکبیر تحریمہ ہکار است ^(۲) فقط

تہجد را بعد از نماز عشاء و قبل الوتر اداء نمودن چگونه است؟ سوال: (۱۸۸۴) ہر شخصی کہ در حصۃ آخر شب قادر بہ تہجد خواندن نباشد آیا او بعد از نماز عشاء و قبل الوتر نوافل اداء کند و یا بعد از وتر آن را اداء نماید؟

جواب: الفاظ حدیث طبرانی اینست: وما کان بعد صلوٰۃ العشاء فهو من اللیل ^(۳)، و این روایت شامل نوافل قبل الوتر و بعد الوتر ہر دو را است لکن بہتر قبل الوتر است فقط

قرائت و رکعات تہجد: سوال: (۱۸۸۵) زید نماز تہجد بتطویل قرائت طوری اداء می نماید کہ احياناً یک پارہ و احياناً دو پارہ و احياناً سہ پارہ قرآن مجید در یک رکعت میخواند و در متباہی سہ ۳ رکعات سورت ہای مختصر را تلاوت نمودہ آن را ختم می نماید بناء آن طریقہ چگونہ است؟

جواب: نماز تہجد ہشت رکعت افضل است و بہتر آنست کہ در سائر رکعات قریب و یکسان قرائت شود و آن ہم جائز است کہ در صورت مسئلہ ذکر شدہ است ^(۴) فقط

در ہر رکعت تہجد سورت اخلاص ضروری نیست: سوال: (۱۸۸۵) در نماز تہجد در ہر

(۱) ایضاً، ط.س. ج ۲ ص ۲۴. ظہیر

(۲) عن ابن عباس قال کان النبی ﷺ إذا قام من اللیل بہجد قال اللہم لک الحمد انت قیم السموات الخ متفق علیہ وعن عائشہ ؓ قالت کان الی صلی اللہ علیہ وسلم إذا قام من اللیل یبتغ حلوٰۃ فقال اللہم رب حیرل الخ (مشکوٰۃ باب ما یقول إذا قام من اللیل ص ۱۰۸).

ظہیر الدین غفر

(۳) رد المحتار باب الوتر و النوافل مطلب فی صلوٰۃ اللیل ج ۱ ص ۶۴۰، ط.س. ج ۲ ص ۲۴. و بعد از نقل ابن حدیث علامہ شامی می نویسد: وهذا یفید أن هذه السنة تحصل بالتفعل بعد صلوٰۃ العشاء قبل النوم. ایضاً. ظہیر

(۴) وأقلها علی ما فی الجوہرۃ ثمان ولو جعلہ اثلاثاً فالأوسط الفضل ولو اصغافاً فالآخر افضل (الرد المحتار) قید بقولہ علی ما فی الجوہرۃ لأن فی الحاوی القدسی قال یصلی ما سہل علیہ ولو رکعتین وسۃ فیہا ثمان رکعات بأربع تسلیمات (رد المحتار باب الوتر و النوافل مطلب فی صلوٰۃ اللیل ج ۱ ص ۶۴۱، ط.س. ج ۲ ص ۲۵) ومن التعلیل أن المنفرد یسوی بین الرکعتین فی الجمع إتفاقاً شرح المنیۃ (رد المحتار فصل فی القراءة ج ۱ ص ۵۰۵، ط.س. ج ۱ ص ۵۴۷). ظہیر

رکعت آن خواندن سورت اخلاص هر مرتبه فرض است یا نه؟

جواب: جایز است لکن ضروری نیست. فقط

قرائت جهری در تهجد: سوال: (۱۸۸۷) در نوافل تهجد قرآن مجید باواز بلند تلاوت شود

یا نه؟

جواب: جائز و مستحب است ^(۱). فقط.

در تهجد خواندن سورت دراز و کوتاه: سوال: (۱۸۸۸) در نوافل تهجد که سورت اخلاص

خوانده میشود در رکعت اول دوازده مرتبه (۱۲) و در رکعت دوم نوازده (۱۹) مرتبه و همچنان سلسله وار کاهش می یابد بناء در هر رکعت قرائت کننده سورت مزمل اعلی باشد و یا قرائت کننده سورت اخلاص بنا بر ترتیب ذکر شده؟

جواب: تکرار نمودن سورت در فرائض مکروه نگاشته شده است و در نوافل درست است لهذا خواندن سورت اخلاص مکرا در تهجد درست است ^(۲) لکن اگر سورت های بزرگ را مانند سورت یس و سورت مزمل و غیره را قرائت کند اولی خواهد بود. و در آن ثواب مزید نیز میباشد. ^(۳) فقط.

وقت تهجد: سوال: (۱۸۸۹) تا به کدام حد وقت تهجد میباشد؟

جواب: وقت تهجد تا به قبل از صبح صادق میباشد ^(۴). فقط

چند رکعت تهجد افضل است؟ سوال: (۱۸۹۰) در احادیث از آن حضرت علیه السلام نماز تهجد ده

(۱۰) رکعت ثابت است و با وتر احياناً سیزده (۱۳) رکعت و احياناً یازده (۱۱) و احياناً هفت رکعت (مشکوة شریف) هر شخصی که نماز تهجد را اداء می نماید او بغرض اتباع همچنان باید

(۱) و غیر المنفرد فی الجهر الخ کمنفیل باللیل منفرداً للروم جهر (الدور المختار علی هامش ردالمحتار فصل فی القراءة ج ۱ ص ۴۹۸، ط.س. ج ۱ ص ۵۳۳). ظفر

(۲) لا بأس أن یقرأ سورة وبعدها فی الثالثة الخ ولا یکره فی الغل ضحی من ذلك (الدور المختار علی هامش ردالمحتار فصل فی القراءة ج ۱ ص ۵۱۰، ط.س. ج ۱ ص ۵۴۶). ظفر

(۳) وعن عبدالله بن عمرو بن العاص قال قال رسول الله صلى الله علیه وسلم من قام بعشر آيات لم یكتب من العافلين ومن قام بمائة آية كتب من القانتين ومن قام بألف آية كتب من المقطبرين. رواه ابوداؤد (مشکوة باب صلوة اللیل ص ۱۰۷). ظفر

(۴) و صلوة اللیل الخ لو جمعه الثلاثا للاوسط الفضل ولو أنضافا للأخیر الفضل (الدور المختار علی هامش ردالمحتار باب الوتر والنوافل مطلب فی صلوة اللیل ج ۱ ص ۶۴۰، ط.س. ج ۲ ص ۲۴) عن عائشة رضی الله عنها قالت کان النبی صلی الله علیه وسلم یصلی فیما بین أن ینفرد من صلوة العشاء إلى الفجر إحدى عشرة رکعة الخ (مشکوة باب صلوة اللیل ص ۱۰۵ فصل اول). ظفر

کرد و یا آن را متعین و مقرر نماید؟ چونکه اکثر احناف جناب نبی اکرم ﷺ هشت رکعت تهجد و سه رکعت وتر اداء فرموده اند فلہذا فقہاء احناف بز هشت رکعت مواظبت نمودن را مستحب فرموده اند و اگر گنجایش نباشد پس دو یا چهار رکعت نیز کافی است، و التفصیل فی الشامی^(۱). فقط

نماز تہجد در تاریکی: سوال: (۱۸۹۱) اداء نمودن نماز تہجد در تاریکی دوست است یا نہ؟
جواب: درست است. ^(۲) فقط

بعد از عشاء فوراً تہجد میشود یا نہ؟ سوال: (۱۸۹۲) اگر یک شخص بنا بر مجبوریّت فکر نماید کہ در وقت تہجد بیدار نخواہم شد و بعد از نماز عشاء نماز تہجد را اداء کند آیا اداء خواہد شد یا نہ؟

جواب: از یک حدیث چنین معلوم میشود کہ اگر بعد از نماز عشاء نوافل اداء شود آن نوافل در تہجد محسوب میگردد و ثواب نماز تہجد حاصل خواہد شد چنانچہ در شامی حدیث طبرانی را نقل نموده است: وروی الطبرانی مرفوعاً لا بد من صلوٰۃ بلیل ولو حلب شاة وما كان بعد صلوٰۃ العشاء فهو من اللیل وهذا يفيد ان هذه السنة تحصل بالتفعل بعد صلوٰۃ العشاء قبل النوم ^(۳) الخ. فقط

رکعات تہجد چقدر دراز باشد؟ سوال: (۱۸۹۳) (۱) در حدیث مبارک آمده است: ثم صلی رکعتین وهما دون اللتين قبلها، الحديث، نخستین دو رکعت چقدر از دو رکعت بعدی تطویل داشت؟ مثلاً یک نفر میخواہد کہ دو تہجد دوبارہ قرائت نماید بناءً در ہر دو رکعت چقدر تلاوت باید کرد؟

تورم قدمای آن حضرت ﷺ: سوال: (۱۸۹۴) (۲) در حدیث شریف آمده است کہ آن حضرت ﷺ قیام نمودند حتی تورمت قدماء الحديث، وفتیکہ شمار تہجد ہشت رکعت بود پس اندازہٗ قرائت ایشان ﷺ چقدر بود کہ حتی قدمای مبارک آنجناب ﷺ تورم می نمودند؟

(۱) و صلوٰۃ اللیل اقلها علی ما فی الجوہرۃ ثمان (در مختار) قد بقوله علی ما فی الجوہرۃ لانه فی الحاوی القدسی قال یصلی ما سہل علیہ ولو رکعتین و السنتہ فیہا ثمان رکعات باریع تسلیحات (رد المحتار باب الوتر والنوافل مطلب فی صلوٰۃ اللیل ج ۱ ص ۶۴۱، ط.س. ج ۲ ص ۲۵).
ظہیر الدین غفر اللہ لہ

(۲) برای نماز روشنی ضروری نیست جناب نبی اکرم ﷺ در تاریکی نیز نماز اداء می فرمودند. ظہیر

(۳) و رد المحتار باب الوتر والنوافل مطلب فی صلوٰۃ اللیل ج ۱ ص ۶۴۰، ط.س. ج ۲ ص ۲۴، ظہیر

مقدار قرائت فی التہجد درصحبہ (رض): سوال: (۱۸۹۵) مقدار قرائت فی التہجد از آثار صحابہ کرام (رض) چقدر ثابت است؟

ادعیہ بعد از تکبیر تحریمہ: سوال: (۱۸۹۶) (۴) یک چند ادعیہ در احادیث منقول است کہ بعد از تکبیر تحریمہ آن حضرت ﷺ آن را قرائت نموده اند مثلاً: انی وجہت وجہی الخ یا آن را بنزد احناف قبل از تکبیر تحریمہ بگویند و یا بعد از آن؟

در موقع تہجد قبلاً دو رکعت خفیف از تہجد بود یا از تحیمۃ الوضوء بود؟ سوال: (۱۸۹۷) (۵) نخستین دو رکعت خفیفین کہ در مورد تہجد آنجناب ﷺ نوشته شدہ است آیا آن دو رکعت تہجد است یا نہ؟

این دعاء در کدام جای خوانندہ شود؟ سوال: (۱۸۹۸) (۶) دعای اللہم اجعل فی قبری نوراً الخ منقول است این دعا را قبل از تہجد بگویند و یا بعد از تہجد و یا بعد از سنت فجر بگویند؟

این دعا را ایستادہ بگویند یا نشستہ؟ سوال: (۱۸۸۹) (۷) عن ابن عباس قال کان النبی ﷺ إذا قام من اللیل یتہجد اللہم لک الحمد الخ این دعا را ایستادہ قرائت می نمودند یا نشستہ میخواندند؟

بنا بر نیت موافقت با آن حضرت ﷺ نماز تہجد احیاناً زیاد و احیاناً اداء شود یا نہ؟

سوال: (۱۹۰۰) (۸) ہر شخصی کہ میخواہد تہجد را مطابق عمل آن حضرت محمد ﷺ اداء نماید پس او حیانا دو رکعت و احیاناً شش و احیاناً چهار رکعت اداء کند یا آنکہ روزانہ ہموار شش رکعت اداء نماید؟

وقت تہجد: سوال: (۱۹۰۱) (۹) وقت متوسط تہجد کدام است؟

جواب: (۱ - ۲) احیاناً نبی اکرم ﷺ رکعات تہجد را زیاد تطویل می نمودند و چند چند بارہ را در یک رکعت قرائت ^(۱) میفرمودند و همان وجہ و دلیل تورم قدمہای مبارک ایشان ﷺ بود

(۱) عن حذیفۃ أنه رأى النبي ﷺ يصلي من الليل وكان يقول الله أكبر ثلثاً ذو الملك والمكرات والحرورات والكبرياء والعلوية ثم استفتح فقرأ البقرة ثم ركع فكان ركوعه نحواً من ركوعه سبحان ربّي العظيم ثم رفع رأسه من الركوع فكان قيامه نحواً من ركوعه يقول لربي الحمد، فكان سجوده نحواً من قيامه فكان يقول في سجوده سبحان ربّي الأعلى ثم رفع رأسه وكان يقعد لي ما بين السجدة إلى السجدة من سجوده وكان يقول رب اغفر لي رب اغفر لي صلى أربع ركعات قرأ فيها البقرة وآل عمران والساء والمائدة، أو الأنعام شك شعبة رواه ابوداؤد (مشكوة باب صلوة الليل فصل ثانی ص ۱۰۶) از این حدیث اندازتا معلوم میشود کہ در تہجد قرائت آنقدر تطویل داشت کہ از سورۃ بقرہ تا سورۃ مائدہ قرائت می نمودند والله اعلم۔ فیروز

اکنون اگر کسی می‌خواهد دویاره را در هشت رکعات قرائت نماید او اختیار دارد که در هر رکعت خواه یک ربع تلاوت می‌نماید و یا در نخستین رکعات قدر زیاد تلاوت می‌نماید و در رکعات متبقی کم قرائت می‌نماید سائر آن جائز و سنت است.

جواب: (۳) هیچ نوع تحدید در این مورد منقول نیست^(۱).

جواب: (۴) قبل از تکبیر تحریمه^(۲).

جواب: (۵) آن هم احتمال است^(۳).

جواب: (۶) هر وقتیکه بخواند بهتر است.

جواب: (۷) هر وقتیکه قیام ورزید در آن وقت آن را بخواند.

جواب: (۸) اکثراً عادت نبی اکرم ﷺ اداء نمودن هشت رکعت بود و باقی مطابق چانس و فرصت کم و بیش نمیز اداء می نمودند.

جواب: (۹) آخری حصه شب راجح و بهتر است. فقط

رکعات نماز تهجد: سؤال: (۱۹۰۲) (۱) حدود ابتدائی و انتهائی نماز تهجد چقدر است؟

نقصان ترک تهجد چیست؟ سؤال: (۱۹۰۳) (۲) اگر نماز تهجد بنا بر کسالت دو روز ترک

شود آیا در آن کدام نقصان مالی یا جسمی است یا نه؟

(۱) و صلوة اللیل أقلها علی ما فی الجوهرة: ثمان ولو جملة الثلاثا فالأوسط الفضل ولو أنصافا فالأخیر الفضل، (درمختار) لو جملة الثلاثا الخ ای لو أراد أن یقوم ثلثة وینام ثلثة فالثالث الأوسط الفضل من طرفیه لأن الغفلة فیہ اتم والمعادة فیہ اقل، وإن أراد أن یقوم نصفه وینام نصفه فلینام نصفه الآخر الفضل الخ (رد المحتار باب الوتر والوافل مطلب صلوة اللیل ح ۱ ص ۶۴۱-۶۴۲، ط. س. ج ۲ ص ۲۴) به قرآن شریف کی دی: یا ایها المزمّل لم یلبس اللیل إلا قلیلا نصفه او انقص منه قلیلا او زد علیه ورتل القرآن ترتیلا. بیا دسورت به پای کی دی: إن ویک یعلم انک تقوم ادنی من ثلثی اللیل ونصفه ویک (مزمّل ۲۰۹) در قرآن مجید است: یا ایها المزمّل لم یلبس إلا قلیلا نصفه او انقص منه قلیلا او زد علیه ورتل القرآن ترتیلا، ویتعجب دو آخر سورت است: إن ویک یعلم انک تقوم ادنی من ثلثی اللیل وصرعه ویک، سورة المزمّل الایة ۲-۴. از این آیت ها معلوم شد که در نماز تهجد قیام آن حضرت ﷺ تطویل داشت و فتنه نصف شب یا دو ثلث یا یک ثلث یک انسان در نماز مسلسل قیام نماید و روزانه این معمول او باشد پس هر: حتی تورمت قدماء، چه اشکال باقی خواهد ماند، و هر گاه قیام تطویل داشت ناگزیر سخن واضح است که قرائت نیز تطویل خواهد بود و همین سخن نیز بوده چنانچه قرآن اعلان نمود: علم ان سیکون منکم مرضی و آخرون یضربون فی الارض ینخون من فضل الله و آخرون یقاتلون فی سبیل الله فافراوا ما یسر منه، سورة المزمّل الایة ۲، یعنی آنقدر قرائت شود که سهل و آسان باشد، والله اعلم. ظفر

(۲) وعن ابی یوسف أنه یضم إلی قوله إني وجهت إلی اخره الخ وما رواه محمود علی التهجید الخ والأولی أن یأتی بالنحوه قبل التکبیر (هدایه باب صفة الصلوة ج ۱ ص ۹۶). ظفر

(۳) عن زید بن خالد الجهنی أنه قال لا یقرن صلوة رسول الله ﷺ لصل رکعتین خفیفتین ثم رکعتین طویلتین الخ (مشکوٰۃ باب صلوة اللیل ص ۱۰۶). ظفر

نماز تہجد چگونه اداء گردد؟ سوال: (۱۹۰۴) (۳) طرز اداء نمودن نماز تہجد چگونه است

یعنی برای نماز تہجد کدام دعای خاص است؟ و کدام سورت های مخصوص متعین و مقرر است؟ و یا حسب میل خود از قرآن مجید کدام سورت را در آن قرائت نموده متوانیم یا نه؟

نماز اشراق وغیرہ: سوال: (۱۹۰۵) (۴) در مورد نیت و ترتیب نمازهای اشراق و نماز چاشت ما را مطلع فرمائید؟

جواب: (۱) حد اقل نماز تہجد چهار رکعت و حد اکثر دوازده (۱۲) رکعت در تہجد مسنون است و در شامی نوشته شده است کہ اگر تنها دو رکعت را اداء نمود برای او ثواب تہجد حاصل خواهد شد^(۱). فقط

جواب: (۲) و تیکہ تہجد را شروع نمود سپس آن را ترک کرد برای او کدام نقصان مالی نیست و شرعاً گنہگار نیز نمیگردد لکن بلا عذر چنین عصل نمودن مذموم است و باعث نقصان دینی و روحانی است و نقصان جسمانی آنست کہ جستی و جلاکی زائل میشود و بر عکس تکامل افزایش می یابد.^(۲)

جواب: (۳) بخاطر اداء تہجد شرعاً خصوصیت کدام سورت نیست برخی از بزرگان کہ کدام سورت ها را رهنمائی نموده و یا نوشته اند آنها هرگز لازمی و ضروری نیست اگر بیاد باشد در آن مضایقه نیست.

جواب: (۴) در اداء صلاة او این اشراق و نماز چاشت تنها نیت نمودن نماز نفل کافی است و تذکر از کدام نماز خاصی یا نام گرفتن وقت ضروری نیست^(۳) و برای مردم عوام و نا واقف نیت های طویل و دراز آموختن و ایشان را پریشان نمودن جهالت است زیرا هر سورتی را کہ میل دارند آن را قرائت نمایند. کتبہ أصغر حسین عفی عنہ. الجواب صحیح. مہر

تہجد ہشت رکعت است یا دوازده؟ سوال: (۱۹۰۶) یک نفر از یک مولوی پرسید کہ

(۱) قال الشامي أقول لبيق القول بأن أقل التهجيد ركعتان الخ أيضا في وسائل الأركان لبحر العلوم مولانا عبدالعلي رح ص ۱۳۵، رد المحتار ط.س. ج ۲ ص ۲۵ تحت حديث المسلم من ابن عبادة قال زعم البعض أن هذا نوع آخر لصلواته عليه السلام أن صلوة الليل اثنا عشر ركعة والوتر الخ. ط.س. ج ۲ ص ۲۵. ظهير

(۲) و أيضا في الشامي ذكر في الحبلية أيضا ما حاصله أنه بكرة ترك تهجد إعتاده بلاء عذر لقوله ﷺ لأن عمر يا عبد الله يا عبادة لا تكن مثل فلان كان يقوم الليل لم تركه. متن عليه. شامي ج ۱ ص ۷۱۶ - ۷۱۷. ط.س. ج ۲ ص ۲۵. ظهير

(۳) وفي الكبير المصلي إذا كان متفلا سواء كان ذلك الفل سنة مؤكدة أو غيرها يكفيه نية مطلق الصلاة ولا يشترط نية ذلك النفل الخ كبير ص ۲۳۵. جميل الرحمن

جناب نماز تہجد چند رکعت است و ترتیب آن چگونه است؟ مولوی صاحب پاسخ داد کہ نماز تہجد ہشت رکعت است، سوال کنندہ برایش گفت کہ نماز تہجد را در بعضی کتاب ہا دوازده ۱۲ رکعت نوشته اند و علماء کرام نیز قائلین دوازده ۱۲ رکعت میباشند جناب مولوی صاحب برایش گفت کہ این مردم جہال اند و سائر آن کتابہا غلط میباشند و تو از اسلام خارج ہستی بناءً آیا نماز تہجد دوازده ۱۲ رکعت از حدیث ثابت است یا نہ؟ و آیا برای مجوزین دوازده ۱۲ رکعت جہال گفتن درست است یا نہ؟ و آیا برای پرسان کنندہ خارج از اسلام گفتن جائز است یا نہ؟ و بتقدیر عدم جواز مصداق الحمل گفتن کلمہ خارج از اسلام کافر کدام شخص میگردد و آن کلمہ واپس بالای کدام شخص عائد میشود؟ و بعقب آن مولوی نماز جواز دارد یا نہ؟ و همچنان نماز وتر یک رکعت ثابت است یا نہ؟ و از حدیث حضرت عائشہ (رض) أن النبی ﷺ لم یکن یوتر ما نقص من سبع ولا بأكثر من ثلث عشرة، رواہ أبو داود. کہ بعضی مردم وتر رایک رکعت و تہجد را دوازده ۱۲ ثابت می نمایند آیا این صحیح است یا نہ؟

جواب: در مورد تہجد روایات مختلف است حد اقل دو رکعت وحد اکثر تا بہ دوازده رکعت وارد شدہ است لکن بطور اکثری نماز تہجد آن حضرت ﷺ ہشت رکعت بود و بنا بر همین منظور فقہاء احناف رح فرمودہ اند کہ در تہجد منت ہشت رکعت است در الدر المختار مذکور است: وأقلها علی ما فی الجوہرۃ ثمان الخ قال فی رد المحتار فی الحاوی القدسی قال یصلی ما یسہل علیہ ولو رکعتین والسنة فیہا ثمان رکعات بأربع تسلیمات وهذا بناء علی أن اقل تہجدہ ﷺ کان رکعتین وأن متناہ کان ثمان رکعات اخذنا مما فی المبسوط السرخسی^(۱) الخ. و حضرت قاضی ثناء اللہ رح در ما لا ید منه میفرماید: و نماز تہجد از چہار رکعت کمتر نیامدہ و از دوازده ۱۲ رکعت زیادہ ہم بہ ثبوت نہ پیوستہ^(۲) الخ. بناءً از تتبع احادیث معلوم میشود کہ حد اکثر تا بہ دوازده ۱۲ رکعت تہجد ثابت است و اکثرًا ہشت رکعت میباشد پس انکار ورزیدن از دوازده ۱۲ رکعت خود بخود نمایندگر جہل قائل است و همچنان بالای سائل تکفیر وغیرہ نمودن جہالت دیگر است و اشد معصیت است کہ خوف کفر میباشد، در حدیث شیخین آمده است: ایما رجل قال لاخیه کافر فقد بآء بها أحدہما رواہ الشیخین عن ابن عمر (رض)

(۱) رد المحتار باب الوتر والوافل مطلب فی صلوۃ اللیل ج ۱ ص ۶۴۰ - ۶۴۱، ط.س. ج ۲ ص ۲۵. طبر

(۲) ما لا ید منه مطبوعہ کتب خانہ رحیمیہ فصل نوافل ص ۶۸. طبر

مرفوعاً^(۱). اگر چه در مورد تکفیر قائل احتیاط باید شود برای احتمال تأویل لکن در فاسق بودن او هیچ کلام نیست و بعقب فاسق نماز مکروه است: إلا أن يتوب، جزء آنکه توبه نماید، و اما وتر کمتر از سه رکعت نیست و همین سخن راجع و صحیح است و همین مذهب احناف میباشد و در آن روایات که یک رکعت وارد است آن روایات مؤول تأویل کرده شده است کما هو المعروف عند العلماء، در روایت ترمذی أبو داود و نسائی مذکور است: سألت عائشة (رض) بأي شيء كان يوتر رسول الله ﷺ قالت: كان يقرأ في الأركل (سَبَّحَ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى) وفي الثانية (قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ) وفي الثالثة (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ) والمعوذتين^(۲) و در بعضی روایات معوذتین مذکور نیست و دلایل عدم جواز ایثار بواحدة در شرح منیه و غیره مبسوط است: نهی عن البتراء بطریق متعدد ثابت است و در اینجا گنجایش تفصیل مزید نیست فقط

وقت صلاة تهجد: سوال: (۱۹۰۷) وقت نماز تهجد بعد از نصف شب است یا قبل از آن؟ چنانچه از آیت: أو انقص منه قليلا (۳) او زد علیه) الخ معلوم میشود و یا در هر دو اوقات جائز است و بنا بر تقدیر جواز اولویت برای کدام است؟

جواب: بعد از نماز عشاء که نوافل اداء میشود آنها صلاة اللیل اند و در تهجد داخل میباشند: كما في الشامي وما كان بعد صلاة العشاء فهو من الليل وهو يفيد أن هذه السنة تحصل بالتفعل بعد العشاء قبل النوم الخ قلت قد صرح بذلك في الحلية (۴) الخ. و اما وقت أفضل تر برای تهجد حصه آخری شب است قسمیکه در احادیث وارد است. فقط والله اعلم

قضای تهجد: سوال: (۱۹۰۸) اگر نماز تهجد قضاء گردد آیا قضاء آوردن آن قبل از دوازده (۱۲) بجه روز درست است یا نه؟

جواب: نماز تهجد قضاء ندارد لکن پیش از چاشت اداء نمودن آن بهتر است و پسندیده است^(۵). فقط

اگر نماز تهجد بجماعت اداء شود حکم آن چیست؟ سوال: (۱۹۰۹) اگر نماز تهجد بعد از

(۱) مشکوة باب حفظ اللسان والهيئة والشم فصل اول ص ۴۹۱. ظفر

(۲) مشکوة باب الوتر ص ۱۱۲. ظفر

(۳) رد المحتار باب الوتر والنوافل مطلب في صلاة الليل ج ۱ ص ۶۴۰. ط.س. ج ۳ ص ۲۴. ظفر

(۴) وعن عمر قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من نام عن حربه أو عن شيء منه فقرأه فيما بين صلاة الفجر وصلاة الظهر كتب له كأنما قرأه من الليل. رواء مسلم (مشکوة باب القصد في العمل ص ۱۱۰). ظفر

اداء فرض عشاء درمیان وتر و سنت اداء گردد خواه دوازده (۱۲) رکعت یا هشت رکعت یا ده (۱۰) یا شش یا چهار زیرا اکثر مردم شائقین نماز تهجد میباشند بناء اگر این نماز را بجماعت اداء نماید و یا در حصه آخر شب آن را بجماعت اداء کند آیا در آن کدام حرج یا گناه نیست؟ و از منابع قابل اعتبار شنیده شده است که جناب مولانا گنگوہی (رح) در این جای نگاشته است کہ اگر این نماز را بجماعت اداء نماید در آن کدام قباحت نیست بلکه از مستحبات محسوب میشود؟

جواب: از احادیث مبارکہ قسمًا معلوم میشود کہ اگر بعد از نماز عشاء و قبل از خوابیدن نوافل نماز تهجد ادا گردد بر آن ثواب نماز تهجد حاصل و بر آورده میگردد: و هذا یفید ان هذه السنة تحصل بالتفعل بعد صلاة العشاء قبل النوم^(۱). و نماز تهجد را بجماعت اداء نمودن مکروه است اگر بتداعی (بدعوت) باشد درالدر المختار مذکور است: أي یکره ذلك لو علی سبیل التداعی بان یقتدی اربعة بواحد^(۲) الخ. و حضرت مولانا گنگوہی (رح) صاحب جواز جماعت تهجد را صحیح نمیگویند و حضرت مولانا از آن ممانعت میفرمودند و شیخ الاسلام حضرت مدنی (رح) آن را جایز میگفت لکن تنها در رمضان المبارک نہ در سائر حصه های تمام سال و در رمضان ایشان (رح) بر آن تعامل داشتند. ظفیر

فصل سیادبی

مسائل صلوٰۃ التسیب

در صلاة التراويح اوقات تسبیح: سوال: (۱۹۱۰) در صلاة التسیب در رکعت اول و دوم چه وقت تسبیح بگویند بنزد شوافع (رح) در جلسه استراحت است و بنزد احناف (رح) چه وقت بگویند و قول راجح کدام است؟

جواب: راجح و معمول به آنست کہ بنشینند و تسبیح بگویند سپس قیام نماید و بعد از سورت وفاتحه پانزده (۱۵) مرتبه بگویند^(۳).

جماعت صلاة التراويح مکروه است: سوال: (۱۹۱۱) جماعت صلاة التسیب درست است یا

(۱) رد المختار مطلب فی صلوٰۃ اللیل ج ۱ ص ۶۴۰ ط.س. ج ۲ ص ۲۴ ظفیر

(۲) الدر المختار علی هامش رد المختار مطلب فی کراهة الإقداء فی اللیل ج ۱ ص ۶۶۳ ط.س. ج ۲ ص ۲۸ ظفیر

(۳) بعد إنشاء خمس عشر مرة ثم بعد القراءة وفي ركوعه والرفع منه الخ وقال إنها المختار من الروايتين و الرواية الثانية أن يقتصر في القيام على خمس عشر مرة بعد القراءة (رد المختار باب الوتر والنوافل مطلب فی صلوٰۃ التسیب ج ۱ ص ۶۴۳ ط.س. ج ۲ ص ۲۷ ظفیر

؟ نہ

جواب: جماعت نوافل خواہ صلاۃ التبیح باشد و یا متباقی نوافل باشد اگر بتداعی انجام گردد مکروہ است ^(۱)۔ فقط

ثواب صلاۃ التبیح: سوال: (۱۹۱۲) (۱) ثواب صلاۃ التبیح چنانچہ رسول اکرم ﷺ برای کاکای بزرگوار خویش حضرت عباس (رض) فرمودہ بودند همانطور برای سائر امتیان نیز ثواب حاصل خواهد شد یا نہ؟

در صلاۃ التبیح سہوہ: سوال: (۱۹۱۳) (۲) اگر در صلاۃ التبیح سہوہ شود پس سبحان اللہ والحمد للہ را در سجدہ سہوہ و یا آنکہ سبحان ربی الاعلیٰ را بگوید و در قیام (۲۵) مرتبہ سبحان اللہ الخ بگوید یا (۱۵) مرتبہ؟ اگر در قیام (۲۵) مرتبہ بگوید بناء بعد از سجدہ دوم نباید گفت آیا این درست است یا نہ؟

جواب: (۱ - ۲) در حدیث شریف آمدہ است: انما الاعمال بالنیات الخ ولکل امرأ ما نوى، الحدیث ^(۲)۔ پس مدار ثواب بنیت بناء است اگر شخصی لوجہ اللہ بنیت خالص (صلوۃ التبیح) را اداء نماید پس اکنون نیز همانطور ثواب برایش دادہ میشود قسمیکہ نبی اکرم ﷺ برای کاکای بزرگوار خود تعلیم فرمودہ بودند و این خصوصیت برای جناب حضرت عباس (رض) نبود چنانچہ سائر تعالیم ادعیہ و دیگر اعمال آن حضرت ﷺ و بشارت ثواب از جانب آنجناب ﷺ عام بود و در سجدہ سبحان رب الاعلیٰ را بگوید و در قیام پانزدہ (۱۵) مرتبہ سبحان اللہ ^(۳) الخ را بگوید خلاصہ آنکہ صلاۃ التبیح فرض یا واجب نیست اما اگر میخواید آن را اداء نمایند پس بہمان طریقہ آن را اداء کند کہ از اسلاف منقول است و از اجانب خویش در آن ایجاد نمودن درست نیست۔ فقط

در آخری جمعۃ رمضان صلاۃ التبیح را بجماعت اداء نمودن ثبوت ندارد: سوال: (۱۹۱۴) در آخری جمعۃ رمضان المبارک بعض مردم صلاۃ التبیح را بجماعت اداء می نمایند

(۱) ولا یصلی الوتر ولا التطوع بجماعة خارج رمضان ای بکرہ ذلک لو علی سبیل التداعی أن یقندی أربعة بواحد (والتر المختار علی ہاشم رد المحتار باب الوتر والوافل ج ۱ ص ۶۶۳، ط.س. ج ۲ ص ۲۸)۔ ظہیر

(۲) مشکوٰۃ قبل کتاب الإیمان۔ ظہیر

(۳) الروایۃ الثانیۃ أن یقف فی القیام علی خمسۃ عشرۃ مرۃ بعد القراءة (رد المحتار باب الوتر والوافل مغلب صلوۃ التبیح ج ۱ ص ۶۴۳، ط.س. ج ۲ ص ۲۷)۔ ظہیر

بناء در آن مورد شرعا حکم چیست؟ و امام چنین میگوید که مردم جاهل صلاة التبیح را اداء کرده نمیتوانند فلذا آیا برای ایشان امام ثواب حاصل خواهد شد: اعتبارا بصلوة الکسوف والخسوف والاستسقاء؟

جواب: این عملکرد ایشان کدام اصل شرعی ندارد اداء نمودن آن نمازها کفاره نمازهای فوت شده نمیتواند باشد و این فکر کاملاً غلط و نظریه امام نیز نا درست و غلط میباشد و ارتکاب بدعت بر بناء این فکر درست نیست. فقط

تسبیح معروفه در کدام اوقات خوانده شود؟ سوال: (۱۹۱۵) در اداء صلاة التبیح طریقه آنست که تسبیح معروفه قبل از قرائت پانزده (۱۵) مرتبه و ده (۱۰) مرتبه بعد از قرائت خوانده شود در شامی منقول است و در حدیث شریف بعد از سجده ثانی ده (۱۰) مرتبه وارد است بناء تعامل: حنا (رح) بر کدام طریقه است اگر بعد از سجده آن را بخواند پس او بعد از گفتن تکبیر آن را بخواند سپس ایستاده شود یا بطور؟

جواب: شامی هردو صورت را تحریر فرموده است و هردو منقول میباشد لکن بهتر آن صورت معلوم میشود که موافق حدیث مشهور است که بعد از قرائت پانزده (۱۵) مرتبه و بعد از قیام نمودن از سجده دوم ده (۱۰) مرتبه تسبیح مذکور را بگوید سپس از آن ایستاد شود. ^(۱) فقط

در قومه صلاة التبیح دست ها را ارسال بدارد: سوال: (۱۹۱۶) در قومه صلاة التبیح دست ها را بسته بدارد و یا آویزان باشد؟

جواب: ارسال دست ها معمول به است. فقط

چهار رکعت صلاة التبیح به یک سلام اداء شود یا بدو؟ سوال: (۱۹۱۷) چهار رکعت صلاة التبیح را به یک سلام اداء نمودن اولی است یا بدو سلام و اگر تسبیحات را بجای ده (۱۰) مرتبه بفراموشی پانزده (۱۵) دفعه بگوید آیا سجده سهو لازم خواهد شد یا نه؟

جواب: در صلاة التبیح اگر نیت دور رکعت رami نماید یا چهار رکعت را هردو طریقه جائز است اگر نیت چهار رکعت را کرده باشد پس در قعده وسطانی درود شریف را بگوید و اگر تسبیحات

(۱) عن ابن عباس (رضی الله عنه) أن النبي ﷺ قال للعباس بن عبدالمطلب يا عباس يا عمه ألا اعطيك الخ إذا أتت فعلت ذلك غفر الله لك ذنبك الخ، أن تعلي أربع ركعات تقرأ في كل ركعة فاتحة الكتاب وسورة فإذا فرغت من القراءة في أول ركعة وأنت قائم قلت سبحان الله والحمد لله الخ خمس عشرة مرة ثم تركت فقولها وانت راكع عشر لم ترفع رأسك من الركوع فقولها الخ. (مشكرة ص ۱۱۷). باب صلوة التبیح. ظفر

را بجای ده (۱۰) مرتبہ پانزدہ (۱۵) مرتبہ بخواند سجدہ سہوہ لازم نمی گردد. فقط

اگر تسبیحات را در یک جای فراموش نمود آیا آن را در جای دیگر اداء نموده میتواند یا نه؟ سوال: (۱۹۱۸) اگر در صلاة التسبیح از وی تسبیحات یکجای فراموش شد وبا گفتن تکبیر برکن دیگر رفت ودر آن رکن. دوچند تسبیحات خواند بناء در آن صورت سجدہ سہوہ لازم میشود یا نه؟

جواب: در این کدام حرج نیست وسجدہ سہوہ همچنان لازم نمیشود. فقط

الباب التاسع في ادراك الفريضة

در جماعت شریک شدن

بوقت اقامت نماز فرض آن حکم است که منفرد نیت نماز فرض را بشکنند لکن نیت نوافل وسنن را نشکنند؟ سوال: (۱۹۱۹) یک مؤلف در رساله خود مسمی به رکن الدین بحوالہ عالمگیری نگاشته است: اگر کسی نماز فرض مغرب ویا فجر را علیحدہ یا تنها اداء می نماید و قبل از سجدہ رکعت دوم جماعت قائم شد پس نماز را بشکنند ودر جماعت شرکت ورزد اکنون سوال آنست که جماعت سنت است واز ابطال اعمال در قرآن نہی آمده است ودر مورد سنت فجر نوشته است تا و تکیہ التجاء تدارک قعدہ اخیر باشد سنت را ترک نکند و همچنان در مورد چهار رکعات سنت نوشته است کہ اگر در رکعت سوم جماعت ایستاد شد او بعد از تکمیل رکعت چهارم در جماعت شریک شود بناء اعتراض در آنجا است کہ فضیلت سنت بر فرائض بنا بر کدام قاعدہ حاصل است کہ فرض شکستندہ شود وسنت شکستندہ نشود؟

جواب: چونکہ این ابطال عمل بخاطر اکمال است بناء جائز است ومنوع نمیباشد بلکه بہتر وکار ثواب است (۱) ودر مورد سنت فجر مسألہ آنست کہ اگر امید تدارک قعدہ اخیر باشد سنت را اداء نماید سپس در جماعت شریک شود برای آنکہ از ثواب آن نیز برخوردار (۲) شود

(۱) والقطع وإن كان إبطالا للعمل وهو منهي لقوله تعالى: ولا تبطلوا أعمالكم، والإبطال بقصد الإكمال لا يكون إبطالا. وشرح ولله العرف.

إدراك الفريضة ج ۱ ص ۲۰۹. ظفر

(۲) وإذا خاف فوت ركعتي الفجر لإشغاله بستانها ترك لكون الجماعة اكمل وإذا بان رجاء إدراك ركعة في ظاهر المذهب وقبل التسهل واعتمد المصنف والشرح لا يترتب على تركها بل يصلي عند باب المسجد إن وجد مكانا إلى داخل المحضر على هامش رد المحتار باب إدراك الفريضة ج ۱ ص ۶۷۰، ط.س. ج ۲ ص ۵۶. ظفر

وسنت نیز اداء گردد غرض آنکہ مسائل مذکورہ صحیح است فقط. (۱)

بعد از گفتن تکبیر برای امام تابه دیر تو مکث نمودن و سپس تحریمہ بستن چگونه

است؟ سوال: (۱۹۲۰) یک نفر نیت سنت ظهر را بست تنها یک رکعت را اداء نموده بود کہ تکمیل گفته شد و امام تا وقتیکہ آن شخص چهار رکعت را تکمیل نمود بطرف جای نماز نرفت و نگامیکہ آنکس چهار رکعت را کاملاً اداء نمود امام بجای نماز وصل شد و بتکبیر سابق نماز را اداء کرد آیا این نماز درست شدہ است یا نہ؟

جواب: در این صورت فوق الذکر نماز درست شدہ است و ضرورت برای اعادہ نمودن تکبیر نیست کما فی الدر المختار: صلی السنۃ بعد الاقامۃ او حضر الامام بعدها لایعیدھا (۲) بزیایزہ فقط.

بکدام وجوہات نماز شکستاندہ میشود؟ سوال: (۱۹۲۱) نماز گذار بنا بر کدام معاذیر علوہ

از ارتکاب معاصی نماز را شکستاندہ می‌تواند؟

جواب: در الدر المختار در باب ادراک الفریضۃ تفصیل آن را فرمودہ است (۳) آن مطالعہ فرمائید و اگر کدام صورت خاص عارض شدہ باشد در آبی مورد سوال آن را مطرح کنید کہ در صورت فلان نماز شکستادن درست است یا نہ؟ در الدر المختار این مسألہ نیز مسطور است کہ بخاطر نجات دادن غریق و حریق شکستادن نماز واجب است و در صورت ضیاع و نقصان یک درہم شکستادن نماز جائز است نہ واجب و در شامی قاعدہ کلیہ را چنین تحریر فرمودہ است: ان القطع یكون حراماً ومباحاً ومستحباً وواجباً فالعراق لغير عذر والمباح اذا خاف فوت مال (۴)

(۱) در سوال: فوق الذکر کہ در مورد عدم شکستادن سنت اشکال است برای آن چنین پاسخ ارائه شدہ است کہ اگر فرض را اداء می نمود آن را بشکند و ہی ہمان فرض را بجماعت یا امام اداء نماید فلہذا در اینجا ابطال برای اکمال است بخلاف سن اگر آن را ترک نمود پسر آن را اعادہ نکند بلکہ فرض را اداء نماید و این ابطال برای اکمال نیست فلہذا در صورت عدم شکستادن سنت نیز اداء حواہد شد و تفصیل فرض را همچنان حاصل خواہد نمود و الشارع فی الفل لا یقطع مطلقاً ویمضی وکذا سنۃ الطہر وسنۃ الجمعۃ إذا أقيمت او غلب الإمام یمضی اربعاً علی القول الرابع لأنها علوة واحدة وليس القطع للإکمال بل للإبطال عللاً لما وجہه الکمال والدر المختار علی ہاشم ودر المختار باب إدراک الفریضۃ ج ۱ ص ۲۶۸، ط.س. ج ۲ ص ۵۳، طفر

(۲) الدر المختار علی ہاشم ودر المختار باب الأذان ج ۱ ص ۳۷۱، ط.س. ج ۲ ص ۴۰۰، ظفر

(۳) بقطعہا لمضر احراز الجماعۃ کما لو نذت دابة او فار قدیرھا او غاف ضیاع درہم من مالہ او کان فی الفل فجس بجنازۃ وغاف فوترھا قطعہ لا مکان لقضائہ ویمضی القطع لحو انتہاء غریق او حریق ولو دعاه ابویہ فی الفرض لا یجہیہ إلا أن یستغث بہ وفی الفل إن علم أنه فی الصلاة فدعاه لا یجہیہ إلا إجابة قائماً لأن القعود مشروط للتحلل وهذا قطع لا لتحلل ویکفی بتسلیمۃ واحدة ہو الأصح. الدر المختار علی ہاشم ودر المختار باب إدراک الفریضۃ ج ۱ ص ۲۶۶، ط.س. ج ۲ ص ۵۱، طفر

(۴) ودر المختار باب إدراک الفریضۃ ج ۱ ص ۲۶۷، ط.س. ج ۲ ص ۵۲، ظفر

واستحب للاکمال والواجب لاحیاء نفس الخ.

جماعت را ترک نمودن وبمسجد دیگر رفتن برای آنکه جماعت کامل را دریافت نماید

این چگونه است؟ سوال: (۱۹۲۲) یک نفر بمسجد تشریف فرما شد کہ جماعت استاده بود و آنکس بخاطر آن منظور کہ جماعت کامل را دریافت نماید به مسجد دیگر رفت و یک نفر در قعده آخر آمد و رفت آیا این چنین رفتن جواز دارد یا نه؟

جواب: در همان مسجد برای ایشان در جماعت شرکت ور زیدن بهتر است (۱) فقط.

سنت فجر اگر قبل از فرض اداء نشود پس آن را چه وقت اداء نماید؟ سوال: (۱۹۲۳)

کسی در جماعت نماز فجر شامل شد و سنت را اداء نکرد آیا اوبعد از فرض سنت را اداء نماید و یا بعد از طلوع آفتاب آن را اداء کند؟

جواب: آنکس سنت فوت شده را بعد از فرض و قبل از طلوع آفتاب اداء نکند زیرا کہ مکروه است و اگر میل و خواهش دارد پس آن را بعد از طلوع آفتاب و قبل از زوال اداء فرماید این طریقہ افضل و بهتر است کما فی الشامی : واما اذا فاتت وحدها فلا تقضى فی طلوع الشمس بالاجماع لکراهة النفل بعد الصبح واما بعد الطلوع الشمس فکذلك عندهما وقال محمد (رح احب ان یقضیها الی الزوال) (۲) الخ شامی: ج ۱ ص ۴۸۲.

یک رکعت را اداء نموده بود کہ جماعت ظهر شروع شد بناء رکعت دو و تکمیل نماید

و در جماعت شریک شود: سوال: (۱۹۲۴) یک نفر در وقت نماز ظهر قبل از جماعت چهار رکعت را اداء می نماید یک رکعت یا دو رکعت را اداء نموده بود کہ جماعت فرض شروع شد در آن وقت سنت گذار چه باید بکند؟ نماز خود را تکمیل نماید و یا آنکه اگر رکعت را اداء نموده باشد همراهش یک رکعت دیگر را ضمیمه کند و سلام بگر داند؟ و یا آنکه دو رکعت را اداء نموده بود بناء چهار رکعت را کامل کند و یا آنکه در ہر حالت آن را تکمیل نماید و یا آن را ترک کنند و بجماعت شامل شود؟

(۱) وکذا لو فاتت أحدهم الكبيرة الافتتاح أو رکعة أو رکعتان ویمکن إدراکها فی غیرہ لا ینھى إلیہ لانه حاز محرزا فضيلة الجماعة فی مسجده فلا یتبرک حقہ (غیبة المستغنی فصل فی احکام المسجد ص ۵۶۵) وکره تحریما للہی خروج من لم یصل من مسجد أدن فیہ إلا لمن ینظم به أمر جماعة أخرى ولس علی الظهر والعشاء وحده مرة فلا یکره خروجه کل ترکہ عند الشروع فی الإمامة فیکره لمخالفة الجماعة بلا عنر (المر المختار علی هامش رد المحتار باب إدراک الفریضة ج ۱ ص ۶۶۸ - ۶۶۹، ط.س. ج ۲ ص ۵۴). طبر

(۲) رد المحتار باب إدراک الفریضة ج ۱ ص ۶۶۲، ط.س. ج ۲ ص ۵۷. طبر

جواب: اگر یک رکعت سنت را اداء نموده باشد اورکعت دوم را نیز اداء نموده سلام بگرداند ودر جماعت شریک شود ومحققین احناف (رح) آن را راجع گفته اند وقول دیگر درآن مورد که مفتی به نیز همان است آنست که در ہر حال چهار رکعت سنت را تکمیل نماید لکن محقق ابن الہمام (رح) قول اول را راجع قرار دلایہ است کذا فی الشامی (۱). فقط

اما مسجد دیگر جماعت یک مسجد ترک نموده رفته میتواند یانہ؟ سوال: (۱۹۲۵) یک نفر وقتی بمسجد آمد کہ جماعت شروع بود و او وضوء کردہ رفت ودر جماعت شرکت نکرد و چونکہ آنکس نماز گذار. بابت مسجد دیگر است یعنی آنکس امام مقتدی ومؤذن میباشد بناء درآن صورت حکم چیست؟

جواب: برای اوہما نظور عمل نمودن بکار بود ودر حق او از آن مسجد رفتن ودر آن جماعت شرکت ورزیدن مکروه نیست (۲).

سنت را آغاز نمود کہ فوراً جماعت شروع شد پس چہ باید کرد؟ سوال: (۱۹۲۶) یک نفر در ابتاء قیام جماعت آمد او نیست سنت رانمود کہ فوراً اقامت گفته شد او در دو رکعت الحمد وسورت والتحیات وغیرہ راہیچ نخواند وغالباً سبحان اللہ وغیرہ را شاید گفته باشد بہر حال در آخر سجده سہوہ وغیرہ را اداء نمود وسلام گردانید وقبل از اختتام فاتحہ امام در جماعت شریک شد فلہذا آیا آنقدر عجلہ سریع جائز است یانہ؟

جواب: درہمجو مورد ضروری آنست کہ دو رکعت اداء شود وسلام بگرداند سپس در جماعت شریک گردد واگر بخاطر دریافت نمودن جماعت عجلہ واختصار شود آن نیز مناسب است لکن با آنہم آنقدر سرعت درست نیست کہ در نتیجہ قرائت مفروضہ وغیرہ متروک شود (۳).

(۱) والشارع فی نفل لا یقطع مطلقاً ویتمہ رکعتین وکذا بمنۃ الظهر وسنة الجمعة إذا ألیت أو خطب الإمام یتمہا أربعاً علی القول الرابع لأنہا صلوۃ واحدة ولیس القطع للإکمال بل للإیطال خلافاً لما رجحہ الکمال (درمختار) حیث قال ولیل یقطع علی رأس الركعتین وهو الرابع لأنه یتمکن من قضائها بعض الفرض ولا یبطال فی التسلیمة علی الركعتین فلا یفوت فرض الاستماع والأداء علی الوجه الأكمل بلا سبب الخ (رد المحتار باب إدراک الفریضة ج ۱ ص ۶۶۸، ط. س. ج ۲ ص ۵۴). مختصر

(۲) وکرہ تحریماً للشی عروج من لم یصل من مسجد اذن فیہ إلا لمن ینتظم بہ أمر جماعة أخرى أو کان الخروج لمسجد فیہ ولم یصلوا فیہ (درمختار) قوله إلا لمن ینتظم بہ أمر جماعة أخرى بان کان إماماً أو مؤذناً تنفرق الناس بعبیۃ الخ وظاهر الإطلاق أن له الخروج ولو عند الشروع فی الإقامة (رد المحتار باب إدراک الفریضة مطلب فی کراهیۃ الخروج من المسجد بعد الأذان ج ۱ ص ۶۶۸، ط. س. ج ۲ ص ۵۴). مختصر الذین غفر لہ

(۳) والشارع فی نفل لا یقطع مطلقاً ویتمہ رکعتین (درمختار) قوله مطلقاً أى سواء قبل الأولى بسجدة أو لا (رد المحتار باب إدراک الفریضة =

اگر کسی بنیت نوافل در جماعت عشاء شریک شد آیا آنکسی سنت ووتر را دوبارہ نیز اداء نماید؟ سوال: (۱۹۲۸) اگر کسی نماز عشاء را اداء نمود سپس مشاہدہ نمود کہ

جماعت استادہ شدہ ودر جماعت نیز شامل گردید اکنون او سنت ووتر را اداء نماید یا نہ؟

جواب: وتر وسنت را اداء نکند آن را قبلا اداء نمودہ است واین در حکم نوافل است. ظہیر

اگر بفکر آنکہ ریل (قطار) مواصلت نمودہ نیت را بشکند حکم چیست ودر آن مورد برای امام اختصار نمودن بگوید یا نہ؟ سوال: (۱۹۲۸) یک نفر در روز جمعہ بہ ایستگا:

نجیب آباد آمد برای امام گفت کہ مایان در ریل یکیم بچہ بعد از ظہر سفر داریم بناء شما خطبہ ز مختصر بخوانید و در قرائت نیز کاهش نمایند و قتیکہ نماز شروع شد ویک رکعت بوجہ احس اداء گردید ودر رکعت دوم امام قرائت را آغاز نمودہ بود کہ شخص مذکور رامطان آمدن ریل عارض شد واونیت را شکستند و خارج رفتہ بہ ایستگا وصل شد وآنعدہ اشخاص کہ رفقا: همسفر او بود ایشان سکون واطمینان نماز خود را کامل نمودند ودر ریل سوار شدند بناء از امانہ تقاضای کاهش نمودن قرائت و اختصار خطبہ و شکستادن نیت چگونه است؟

جواب: در همچنان حالت کہ برای یکی از مقتدیان عدم اطمینان و اشد ضرورت باشد برای امام بیسار مناسب و پسندیدہ آنست کہ در قرائت و خطبہ تخفیف آورد در حد یت شریف آمدہ است کہ برای امام در نماز تخفیف نمودن بکار است زیرا برخی از مقتدیان صاحب عذر و حاجت مند میباشند الحدیث (۱) باقی آنکہ در مورد شکستادن نماز بعد از شروع کردن حکم آنست کہ اگر نقصان چہار آنہ بک چہارم ۲۵ نقرہ میشود یادیک بجوش آید یا مرکب او گرینخت و فرار نماید در آن وقت شکستادن نماز درست است و همچنان اگر ان قسم چیزی نقصان دیگر و ضرورت عارض شود باز ہم شکستادن نماز درست است کذا فی الدر المختار (۲).

جواب اعتراض بر سنت فجر در وقت جماعت: سوال: (۱۹۲۹) یک نفر اعتراض می نماید کہ احناف با آنہم کہ جماعت شروع میباشد ولی آنها سنت فجر را اداء می نمایند؟

۱ ج ۱ ص ۶۹۸ من لراضہا النی لا تصح بدلوا التحریمة الخ ومنها القيام الخ ومنها القراءة الخ ومنها الركوع الخ والحمد للہ علیہ.
ہامش ودر المختار باب صفۃ الصلوۃ ج ۱ ص ۴۱۹، ط.س. ج ۲ ص ۴۴۲. ظہیر

(۱) قال رسول اللہ ﷺ فلیکم م صلی بالناس للنجوز فان لہم الضعیف والکبر وذا الحاجة مقل علیہ. (مشکوۃ باب ما علی الإمام: ط.س. ۲۰) وخطبہا لعل احراز الجماعة الخ: و عن صفیاء ص ۴۰۰ من ماله (در مختار) ان القطع بكون حراما وصاحبا ومستحب وواجبا، فالاحرام نهر عنہ و لعل ان رد فوات من ان رد احادیث باب رواك: الفرقة ج ۱ ص ۶۶۹ - ۶۷۷، ط.س. ج ۲ ص ۵۰۰. ط.س.

جواب: موافق مذهب امام صاحب بخاطر آنکہ عمل بر حدیث و قرآن مجید ہر دو شود و در بعضی احادیث چونکہ زیاد تر تاکید سنت فجر آمدہ است و تعامل صحابہ کرام نیز همانطور باقی ماندہ است کہ ایشان بعد از شروع فرض سنت فجر را ادا نمودہ اند و بعد از اداء سنت در جماعت شرکت ورزیدہ اند چنانچہ آثار مذکورہ در کتاب ہا منقول است و امام بر آن عمل فرمودہ است بناء اعتراض و طعن بی مورد فضول و غلط (۱) است۔ فقط

چہار رکعت سنت ظہر کہ فوت گردیدہ آن را بعد از فرض فوراً اداء نماید و یا آنکہ بعد از اداء دو رکعت سنت؟ سوال: (۱۹۳۰) ہر کسی کہ با امام در جماعت فرض ظہر شریک شد و سنت از او فوت شد بناء قضاء سنت فوت شدہ را متصل بعد از فرض بجا آورد و یا آنکہ بعد از دو رکعت سنت در این مورد اگر فقہاء اختلاف داشتہ باشند پس اولی و راجح واقعی در آن کدام است؟

جواب: ہر کسی کہ با امام در جماعت ظہر شامل شد و نہخت چہار رکعت سنت را اداء نماید سپس دو رکعت سنت را ادا کند لکن فتح القدیر عکس آن را ترجیح دادہ است بناء و را اختیار است ہر قسمیکہ میخواہد اداء کند درست است و دو رکعت را مقدم اداء نمودن راجح است۔
ثم یتاتی بہا فی وقتہ قبل شفعہ عند محمد وبہ یفتی الدر المختار اقول: وعلیہ المتون لکن رجح فی الفتح تقدیم الرکعتین کذا فی الشامی (۲)۔

بعد از شروع نمودن سنت فجر اگر اقامت شود چہ باید کرد؟ سوال: (۱۹۳۱) یک نفر سنت فجر را

شروع نمود کہ ناگہان مؤذن بتکبیر گفتن پرداخت و جماعت فرض قائم شد آیا برای آن شخص شکستادن نیت و بجماعت شامل شدن بکار است و یا آنکہ سنت را کامل نماید سپس شامل شود؟

(۱) عن عائشة رضي الله عنها قالت لم يكن النبي ﷺ على شيء من التوابع أشد منه عاهدا على ركعتي الفجر رواه الشيخان وعنها عن النبي صلى الله عليه وسلم قال ركعتي الفجر خير من الدنيا وما فيها. رواه مسلم، (آثار السنن باب النطوع للصلاة الخمس) عن أبي هريرة رضي الله عنه قال قال رسول الله ﷺ لا تدعوا ركعتي الفجر ولو طردتكم الخيل. رواه أحمد وأبو داود وإسناده صحيح (أيضا باب في تأكيد ركعتي الفجر) إنما خلفاء في سنة الفجر لشدة تأكيد ما الخ لما روى الطحاوي وغيره عن ابن مسعود رضي الله عنه أنه دخل المسجد وقد قيمت الصلاة لصلى ركعتي الفجر في المسجد. طبر

(۲) ودالمختار باب إدراك الغريضة ج ۱ ص ۶۷۳، ط.س. ج ۲ ص ۵۸. إلى أسطوانة وذلك بمحض حذيفة وأبي موسى الخ غنية المستملی ص ۳۷۹. طبر

جواب: بعد از اداء نمودن سنت در جماعت شریک شود (۱).

انکس کہ بغیر از اداء سنت در جماعت شریک شود اوست را در آن وقت اداء نکند:

سوال: (۱۹۳۲) شخصی سنت فجر را اداء نموده و جماعت شامل شد اکنون آن شخص بعد از جماعت فوراً سنت را اداء نماید و یا بعد از طلوع آفتاب و بلند شدن آن اگر میخواهد آن را اداء نماید قال فی الشامي: واما اذا فاتت وحدها فلا تقضي قبل طلوع الشمس بالاجماع لکراهة النفل بعد الصبح واما بعد طلوع الشمس فکذا لک عند وقال محمد (رح) آحب الی أن یقضیها الی الزوال (۲) فقط.

دروقت جماعت سنت فجراً خارج از مسجد اداء نماید: سوال: (۱۹۳۳) در یک مسجد

گنجایش شش صف وجود دارد بناء سنت فجر را در وقت جماعت کجا اداء نماید؟

جواب: بهتر آنست که سنت فجر را در این اثنا بیرون از مسجد علیحده در گوشه اداء کند اگر چنین موقع نباشد در این صورت اگر جماعت در حصه داخلی استاده باشد او سنت رادر حصه بیرونی اداء نماید و اگر جماعت در حصه بیرونی استاده باشد اوست رادر داخل اداء کند زیرا در حین مجبورت و ضرورت همچو عمل نمودن نیز درست است که در صفوف متأخره سنت را اداء نماید بهر حال ترک نمودن سنت بکار نیست تا وقتی که برخی از حصه جماعت را دریافت کرده میتواند (۳) فقط.

سنت فجر در وقت جماعت: سوال: (۱۹۳۴) در حین اداء سنت فجر وقتی که تکبیر شد و امام

(۱) و الشارع فی نفل لا یقطع وکذا سنة الظهر الخ (رد المحتار علی هامش رد المحتار ج ۱ ص ۶۶۸، باب إدراک الفریضة، ط.س. ج ۲ ص ۵۳، ظفر

(۲) رد المحتار باب إدراک الفریضة ج ۱ ص ۶۷۲، ط.س. ج ۲ ص ۵۷، ظفر

(۳) و إذا خاف فوت رکعتی الفجر لإشغاله بسننها ترکها لکون الجماعة أكمل ولا بان رجاء إدراک رکعة لا ینکرها بل یصلیها عند باب المسجد إن وجد مکاناً ولا ترکها، لأن ترک المکروه مقدم علی فعل السنة (رد المحتار) قوله ولا ترکها قبل فی الفتح وعلی هذا ای علی کراهة صلوتها فی المسجد ینبئ أن لا یصلی فیہ إلا لم یکن عند باب مکان لأن ترک المکروه مقدم علی فعل السنة غیر أن الکراهة تطاولت فإن کان الإمام فی الصلوة فصلوته إیابها فی الشتری أمف من صلوتها فی الصلوة وعکسه، وأشد ما یكون کراهة أن یصلیها مخالفاً للصلف کما یفعله کثیراً من المجتهد آه ولاحصل أن السنة فی سنة الفجر أن یأتی بها فی بیتة ولا فإن کان عند باب المسجد مکان صلاها فیہ وإلا صلاها فی الشتری أو الصلوة إن کان للمسجد موضعان وإلا یخلف الصفوف عد ساریة لکن فیما إذا کان للمسجد موضعان والإمام فی أحدهما ذکر فی المحیط أنه قبل لا یکره لعدم مخالفة القوم وقيل یکره لأنهما کماکان واحد قال فإذا اختلف المشايخ فیہ فالأفضل أن لا یفعل قال فی المهر وفيه أفاد أنها تنزهية أهد لکن فی الحلیة قلت وعدم الکراهة أرجح لاختلاف الی ذکرناها أهد ثم هذا کله إذا کان الإمام فی الصلوة أما قبل الشروع فإنی فی أي موضع شاء (رد المحتار باب إدراک الفریضة ج ۱ ص ۶۷۱، ط.س. ج ۲ ص ۵۶)، ظفر

قرائت را شروع نماید در شرح وقایہ نوشته شده است کہ اگر امید دریافت نمودن رکعت باشد با امام پس سنت را اداء کند این سخن صحیح است یا نہ؟ وبعضی مولوی صاحبان چنین نیز میگویند: وقتیکہ امام قرائت را آغاز نمود سنت ادا کردن در آن اثنا حرام است تا جائیکہ او از امام میرسد و بر این مسألی مایان را نیز مطلع سازید کہ ہر شخص بغیر از عذر و آن ہم برایش معلوم است کہ یک رکعت را با امام دریافت خواہم نمود سپس او در جماعت شریک شد آیا آنکس گنہگار است یا نہ؟

جواب: قسمیکہ در شرح وقایہ نوشته است همچنان در کتاب های متباقی فقہ نیز نوشته است بلکہ در الدلر المختار و شامی چنین تحقیق نیز نموده است کہ اگر با امام التحیات را نیز دریافت کردہ میتواند باز ہم سنت فجر را اداء کند سپس بجماعت شامل شود اما ضروری آنست کہ با جماعت ہموار و یا در کدام درجہ کہ جماعت میشود در آنجا برای اداء سنت استادہ نشود بخاطر آنکہ مکروہ است و در حدیث از آن ممانعت آمدہ است و فقہاء احتاف (رح) تصریح فرمودہ است کہ نزد دروازہ مسجد و یا علیحدہ برندہ و غیرہ یا حجرہ باشد در آنجا سنت را اداء نماید و سپس از آن در جماعت شامل شود و در پہلوی امام و جماع سنت را اداء نکند و رسیدن آواز قرائت امام مانع اداء نمودن سنت نمیشد و عمل او رسیدن و فرسیدن آواز، فقہاء کرام بر اداء نمودن سنت و عدم اداء نمودن موقوف نگردانیدہ اند (۱) و چونکہ تأکید ثبوت فجر و از یا نہ ترامدہ است فلہذا باموجودیت مکان علیحدہ ترک نمودن سنت فجر قبیح و ناپسند است زیرا وقتیکہ در شریعت ثابت است کہ در وقت اداء جماعت علیحدہ سنت را اداء نمودن ممنوع نیست پس بغیر از کدام وجہ و دلیل ترک نمودن سنت ناپسند خواہد باشد فقط.

شخصی کہ در وقت جماعت رسید چہ باید بکند؟ سوال: (۱۹۳۵) جماعت قائم است کہ بتعقب مقتدی داخل شد اگر امام در سجدہ آخری یا در التحیات باشد آیا برای او در جماعت شامل شدن ضروری است یا اختیاری و اگر وقت نماز فجر شباشد پس در ہمجو صورت چہ باید کرد؟ **جواب:** اگر وقت جماعت فجر باشد یا وقت نماز های دیگر باشد در جماعت شامل (۲) شود.

(۱) إذا خالت ثوبت و كمنى الفجر لإشغاله بسببها تركها لكون الجماعة أكمل ولا بان و ما إدراك ركعة في طاهر الرواية وقيل التشهد بعينه المصنف والشربلالي لما للبحر لكن ضعفه في النهي لا يتركها بل يصلها عند باب المسجد ان وجد مكاناً وإلا تركها، الدر المختار على هامش ودالمختار باب إدراك العريضة ج ۱ ص ۶۷ - ۶۷۱، ط. بس. ج ۲ ص ۵۹، ظهير

(۲) ولا يكون مصلياً جماعة اتفاقاً من أدرك ركعة من فوات الأربع الخ لکن أدرك فضلها ولو بافراک التشهد تحفاً والدر المختار على

سنت بوقت جماعت فجر: سوال: (۱۹۳۶) امام نماز فجر را بہ آواز بلند اداء می نماید اگر کسی در حجرہ مسجدیا در صحن حجرہ اطاق سنت فجر را ادا کند لکن آواز قرائت امام بگوش او کاملاً می آید و آنکس بہتر می فہمد کہ من سنت را اداء کنم در جماعت شریک خواہم شد در این حالت سنت اداء نمودن جائز است یا نہ؟

جواب: سنت فجر را در ہمجو حالت در حجرہ اداء کردن بکار است و در آن کدام حرج نیست کہ آواز قرائت امام بسمع او میرسد البتہ این ناجائز است کہ در همان درجہ سنت را اداء می نماید کہ در آن امام شروع فرض را اداء میکند و دلیل قال فی الشامی: والحاصل ان السنة فی سۃ الفجر ان یأتی بها فی بیتہ والا فان کان عند باب المسجد مکان صلاہا فیہ والا صلاہا فی الشوری والصیفی ان کان للمسجد موزعان والا فخاف الصفوف عند ساریۃ وایضا قال: وینبغی ان لا یصلی فیہ اذا لم یکن عند بابہ مکان الخ: جلد ۱ ص ۶۷۱.

اگر جماعت ایستادہ باشد پس سنت فجر را چہ وقت اداء کند؟ سوال: (۱۹۳۷) اگر

جماعت فجر قائم باشد پس سنت فجر را اداء نماید ویا آنکہ در جماعت شریک شود اگر در جماعت شریک شد پس سنت را بعد از نماز اداء نماید ویا بعد از طلوع آفتاب؟

جواب: اگر مکان علیحدہ در مسجد باشد اویاید بعد از شروع شدن جماعت سنت فجر را اداء کند زیرا کہ تاکید این سنت زیاد آمدہ است لیکن بشرطیکہ توقع شرکت نمودن در جماعت باشد و اگر سنت فجر را وبعد از اداء فرض آن را پیوست اداء نکند بلکہ بعد از آفتاب برآمد اداء نماید و اگر از وقت خود گذشت در آن صورت سنت مؤکدہ مؤکد باقی نمیماند اما با آنہم بعد از طلوع آفتاب اداء نمودن آن بہتر است (۱) ہکذا فی کتب الفقہ فقط.

کتبہ رشید احمد عفی عنہ سنہ ۱۳۲۹/۱۲/۱۶ھ



= ہامش ردالمحتار باب إدراك الفریضة ج ۱ ص ۶۷۳، ط. س. ج ۲ ص ۵۹. ظفر

(۱) أما إذا قامت وحدها فلا یفعل فی قبل طلوع الشمس بالإجماع لکراهة النفل بعد الصبح وأما بعد طلوع الشمس فکذلك عندہما وقال محمد احب إلى أن یقضیہا إلى الزوال کما فی الدر وقيل هذا قریب من الإتیاق لأن قوله احب إلى دلیل علی أنه لو لم یفعل لا لزم علیہ ولا یلزم یقضی وإن قضی فلا بأس بہ (إلی أن قال) فی انه لو قضی کان نقلاً الخ ج ۱ ص ۶۷۲، ط. س. ج ۲ ص ۵۷. ظفر

الباب العاشر في قضاء الفرائت

اداء نمودن نمازهاي قضائي

بوجه ضيق الوقت يا فراوموشى نماز وقنى را پيش از قضائى اداء كرده ميتواند: سوال:

(۱۹۳۸) اگر از يك نفر نماز ظهر قضاء شد و او در عصر بمسجد در وقتى رسيد كه اقامت ميشد و يا آنكه بالكل ضيق الوقت است و يا وقت عصر كافي است لكن از او فراوموش شد اما وقتيكه نماز عصر را اداء نمود برايش يادشد كه من نماز ظهر راقضاء نموده ام بناء آيا در آن حالت بعد از نماز عصر قضاء ظهر را خوانده ميتوانديانه؟ و همچنان وقتيكه جماعت فجر استاده باشد سنت فجر را اداء نمودن بكار است و يا آنكه در جماعت شريك شود اگر در جماعت شريك شد بس قضاء آن سنن را تابه كدام وقت بجاي آورده ميتواند.

جواب: اگر ازوي فراوموش شد يا وقت انقدر تنگ بود كه اگر قضاء ظهر رابجا مي اور وقت عصر فوت ميشود پس در همچو حالت نماز عصر صحيح است كه اداء شود و بدنبال آن قضاء ظهر را بجا آورد (۱) و اگر اقامت شروع شد و در صورت اداء نمودن نماز ظهر جماعت عصر برايش دريافت نخواهد شد. در آن صورت نخست قضاء ظهر رابجا آورد و بعد از آن نماز عصر را اداء كند اگر چه جماعت از اولوت ميشود و اگر نماز فجر آماده باشد يا جماعت قائم باشد در اين صورت اگر اميد دريافت يك ركعت و بقول برخي فقهاء كرام اگر اميد تدارك تشهد باشد در اين صورت نخست سنت فجر را اداء كند سپس در جماعت شركت ورزد (۲) و اگر سنت را كلا ترك نمود و در جماعت شريك شد در اين صورت قضاء سنت نيست اگر ميل دارد آن را بخواند پس اوبايد كه بعد از ار تفاع آفتاب آن را اداء نمايد كه آن نفل خواهد شد (۳) فقط.

سبب نماز فائنه: سوال: (۱۹۳۹) در نماز فائنه سبب بطرف جميع وقت منسوب ميشود براي

(۱) الإ قضاء من اللزوم فلا يلزم الترتيب إذا أحق الوقت المصحب حلقه إذ ليس من الحكمة تفويت الوقتية لتدارك القائمة والدر المختار على هامش رد المحتار باب قضاء الفرائت ج ۱ ص ۶۸۰ - ۶۸۱، ط.س. ج ۲ ص ۵۶. ظهير

(۲) وإذا خاف فوت ركعتي الفجر لإشغاله يستنها لركعتها لتكون الجماعة أكمل وإلا بان وجا إدراك ركعة في ظاهر الملعب وقيل انشهد واعضده المصنف والشرنبلالي تبعاً للبحر (ابن باب إدراك الفريضة ج ۱ ص ۶۷۵، ط.س. ج ۲ ص ۵۶. ظهير

(۳) ولا يقضيها إلا بطريق البعثة لقضاء فرضها قبل الزوال لا بعده (در مختار) واما لو إذا فاتت وحدها فلا تقضى قبل طلوع الشمس بالإجماع لكراهة النفل بعد الصبح واما بعد طلوع الشمس فيكذلك عندنا (ع رد المحتار ايضاً، ط.س. ج ۲ ص ۵۷. ظهير

آنکہ را جب علی صفات الکمال ثابت شود بعلت غایت من مطلب آن در فہم بندہ نیامد کہ سبب چہ چیز است؟ و بسوی جمیع وقت معنی مضاف شدن آن چگونہ است و در اداء وجوب علی صفت الکمال نشدن و در فائز وجوب علی صفت الکمال شدن وجہ و دلیل آن چیست؟

جواب: در وقت با اداء نمودن آن بوجہ تعذر جمیع وقت را سبب گفتہ نمیتوانیم بلکہ جزء مقدم بالا اتصال را سبب گفتہ میشود و تکیہ وقت گذشت و نماز فوت شد پس اکنون جمیع وقت را سبب گفتن کدام حرج و دشواری ندارد و سبب ظاہری نماز وقت است زیرا ہر گاہ وقت داخل شود در آن اثنا حکم نماز دادہ میشود و ہمین معنی سببیت است مثلاً ہر گاہ وقت ظہر داخل میشود در این وقت صَلَوَاتُ الظَّہْرِ متوجہ میشود و قس علیہ.

قضای نماز روزہ: سوال: (۱۹۴۰) نماز روزہ را قضاء نمودہ بود و ہرید انیست کہ چقدر مدت را قضاء نمودہ است بناء طریقہ ادا ان چگونہ است؟

جواب: شمار و اندازہ آن را معلوم نماید و ہر قدر یکہ نماز و روزہ را اندازہ نمود قضای آن را بجای آورد.

قضائی نمازہ ہای قضاء شدہ: سوال: (۱۹۴۱) بذمہ زید تقریباً قضائی دوازہ سیزہ سال روزہ و نماز باقی ماندہ است کہ او دانستہ آن را اداء ننمودہ است اکنون میخواہد کہ نمازہا و روزہ فوت شدہ را اداء نماید بناء آن را یکدام طریقہ اداء نماید؟

جواب: قضائی نماز روزہ را بجا آورد و تخمیناً بعد از بلوغ نمازہا و روزہ ہا ہر چند سالہا را کہ قضاء نمودہ باشد آن را اداء نماید فقط.

قضاء نماز قصر قصر میباشد: سوال: (۱۹۴۲) قضاء نماز قصر قصر اداء کردن بکار است یا کامل؟

جواب: قضائی نماز قصر قصر اداء کردن بکار است (۱).

آیا اداء نمودن نماز قضا در مسجد درست نیست؟ سوال: (۱۹۴۳) عالمی میفرماید کہ بمسجد صلاۃ قضاء گذاردن حرام است و دلیلش این کہ قضاء صلاۃ معصیت است و اظہار معصیت حرام و بمسجد اظہار میشود بخانہ گذاردن یا ہد این سخن چگونہ است؟

(۱) والقضاء یحکمى أى يشاہ الأداة سفرًا وحضرًا لأنہ بعد ما تقرّر لا یتغیر (در مختار) قولہ سفرًا وحضرًا ای لو لکنہ صلاۃ السفر وقضاء فی الحضر بلغیہا مقصودہ کما لو اداها (رد المحتار باب صلاۃ المسافر ج ۱ ص ۷۴۵ ط.س. ج ۳ ص ۱۳۵). ظہر

جواب: در درمختار قضائی نماز ہای فوت شدہ را در مسجد مکروہ تحریمی نوشتہ است ودلیلش همان است کہ نماز را بعد الوقت اداء کردن معصیت است فلہذا آن را ابراز نباید کرد وعلامہ شامی دراین مورد چنین نوشتہ است کہ غرض ہشین است کہ اظہار آن رانکند بلکہ طورے اداء کند کہ کسی را آگاہی نشود کہ اونوافل میخواند یا فرا نض دراین صورت در مسجد قضائی آوردن نیز درست است غرض آنکہ قضائی را طورے بیا آورد کہ حتی المقدور برای کسی اظہار نشود وعبارت شامی اینست: وظاہرہ ان الممنوع ہوالقضاء مع الاطلاع علیہ سواء کان فی المسجد او غیرہ (۱) فقط.

طریقہ مروجہ عمری ثابت نیست بی اساس است: سوال: (۱۹۴۴) دریک کتاب لسان اردو نوشتہ شدہ است کہ بخاطر کفارہ قضاء عمری نماز طورے اداء نمودن بکار است کہ در ہر یک رکعت یک بار آیت الکرسی وسورت کوثر را یازدہ دفعہ بعد از سورت فاتحہ بخواند یا این جائز است یا مکروہ و بنا برہمین طریقہ برای سائر نماز ہا نیز سورت ہا را در مقامات مختلف برای ہر رکعت مشخص قرائت نمودن آن را تحریر فرمودہ است؟

جواب: این مسالہ مسولہ هیچ اصل ندارد وبرآن طریقہ نقل نمودن قضائی عمری حاصل نمیشود نخست آنکہ قضائی عمری اصل ندارد بلکہ فقہاء کرام آن مکروہ نوشتہ اند وثانیاً آنکہ بدان ہیئت و کیفیت نماز خواندن برای قضائی عمری ثابت نیست واین طریقہ قضاء مخالف قواعد شرعیہ است قاعدہ آنست کہ ہر چند نماز ہای کہ بئمہ کسی فوت شدہ باقی باشد پس او را بایستی کہ ببقین وطن غالب عضائی آن را بجا آرد ومحض بنا برتوہم قضاء عمری ثابت نیست بلکہ مکروہ است در شامی براین قول درالمختار کہ ومانقل ان الامام قضی صلوۃ عمر الخ نگاشتہ: است انه لم یصح ذلک عن الامام الخ فالوجه کراہۃ القضاء لئولہم الفساد (۲) الخ: ص ۴۶۹.

حیلہ اسقاط: سوال: (۱۹۴۵) اسقاط یعنی حیلہ جوئی کہ قبل از نماز جنازہ ویا بعد از نماز جنازہ تادیہ میشود بر وارثان میت واجب است یا نہ؟ واین حیلہ از این قرار است کہ یک سیر پاکستانی ودوازدہ ونیم کیلو گندم وپول نقد حد اقل صد (۱۰۰) روپیہ وقرآن مجید شامل

(۱) رد المحتار باب قضاء الفواتی ج ۱ ص ۶۹۰، ط.س. ج ۲ ص ۷۷، ظفر

(۲) رد المحتار باب الوتر والوافل قبل مطلب فی الصلوۃ علی الداہی ج ۱ ص ۶۵۳، ط.س. ج ۲ ص ۳۸، ظفر

میباشد و غرض حلیه جویان آن میباشد که این اشیاء کفاره سائر نماز های قضاء شده روزه حج و غیره میت میگردد و سائر نماز گذاران جنازه را میدهند و حلیه کنند گان می نشینند و قرآن مجید را به دردست اخذ می نمایند و یک دعای بزرگ و طولانی را قراة می نمایند و در نتیجه میگویند که مایان قبول نمودیم؟

جواب: حلیه مذکوره اسقاط پروا راقان واجب نیست و همجنان وصیت را فقهاء کرام نیز جائز نگردانیده اند قال فی الدر المختار: ونص علیه فی تبیین المحارم فقال لا یجب علی الولی فعل الدور وان اوصی به المیت لانها وصية بالتبرع والواجب علی المیت آن یوصی بما یفی بما علیه ان لم یضق الثلث عنه فان اوصی باقل وآمر با الدور وترک بقية الثلاث للورثة او تبرع به لغيرهم فقد آثم بترك ماوجب علیهم (۱) فقط.

صاحب ترتیب نخست نماز های فوت شده را اداء نماید اگر چه جماعت از وی فوت

میشود؟ سوال: (۱۰۴۶) اگر صاحب ترتیب وقتی بمسجد آمد که جماعت قائم و شروع باشد در این اثنا او چه باید بکند آیا در جماعت شامل شود و یا قبل از آن نماز های قضاء شده را بجا آورد سپس در جماعت شامل گردد؟

جواب: صاحب ترتیب نخست نماز های فوت شده خود را اداء کند اگر چه جماعت از وی فوت میشود فقط.

کسی که نماز ها را قضاء نموده است اونماز ها را بکدام ترتیب اداء نماید؟ سوال: (۱۹۴۷)

بعهد یک نفر چند نماز های قضاء شده است اکنون برای او فرصت اداء نمودن نماز فجر حاصل نشد بلکه نماز فجر از وی قضاء شد الان اونماز فجر را اداء نماید و یا آنکه قضایهای قبلی را بجا آورد؟

جواب: اگر نماز های قضاء شده قبلی شش عدد باشد یا زیاده از آن در این صورت ترتیب ساقط می شود و نماز فوت شده فجر را او قبل از نماز های قضاء شده قبلی اداء کرده میتواند (۲) فقط.

کسی که نماز های زیاد را قضاء نموده باشد آنها را چگونه اداء کند؟ سوال: (۱۹۴۸) اگر

(۱) و الدمختار باب قضاء الفواتی مطلب فی إسقاط الصلوة عن المیت، ج ۱ ص ۶۸۹، ط.س. ج ۲ ص ۷۳، ظفر

(۲) الترتیب بین الفرائض الخمسة والوتر اداءاً وقضاءاً لازم الخ فلم یجز فجر من تذکر انه لم یوتر الخ الا اذا اساق الوقت الخ (والدر المختار

علی هامش و الدمختار باب قضاء الفواتی ج ۱ ص ۶۷۹، ط.س. ج ۲ ص ۶۵، ظفر

یک نفر بیشمار نمازها را فوت نموده باشد که احصائی آن برایش معلوم نیست اکنون اگر اومیخواهد که نماز های فوت شده را اداء نماید درحالیکه اگر او تحریر نماید یعنی بفکر خود یک تعداد را معین نماید آیا او آن را بالتربیت اداء نماید ویا آنکه نیازی برای ترتیب نمیباشد اگر دریک وقت پنج نماز فوت شده یک روز را اداء نمود آیا جائز خواهد باشد یا نه؟

جواب: بعد از تحریر نمودن نماز های هرچند سال ماه که فوت شده است و در تحریر آید در قضاء آوردن آنها شروع نماید و در حین قضاء آوردن در قلب نیت و تفکر نماید و یا بلسان نیز بگوید که قبل از همه قضای ظهر یا عصر و غیره را بجای آورم و همانطور در متبقی اوقات نیت کند زیرا بعد از قضاء آوردن نخستین نماز که بدینال او است او نخست فوت شده متعین میگردد و کدام صورت که در سوال نوشته شده است که سائر نمازهای فوت شده یک روز را میخواهد که دریک وقت اداء نماید آن درست است فقط.

کسی که نماز های یکسال را قضاء نماید بر او ترتیب لازم نیست: سوال: (۱۹۴۹) بزمه

یک نفر بطور مثال نماز های قضا شده یک سال باقی مانده است بناء در قضا آوردن آنها بر او ترتیب ضروری است یا نه؟ یعنی بالتربیت آنها را اداء نماید یا هر قسمیکه بخواهد اداء نموده میتواند و هر وقتیکه قضائی تمام سال بجا می آورد آیا صاحب ترتیب میباشد یا نه؟ ویا آنکه تا یک چند روز نماز قضائی بجا آورد سپس آن را ترک نمود و بعد از آن مابقی را اداء نماید یا از سر نو اداء کند و آیا با ترک نمودن در وسط آنها کدام نقصان وارد نمیشود؟

جواب: در قضاء آوردن آن نمازها بر او ترتیب لازم نیست هر قسمیکه میل داشته باشد آن را بجا آورد (۱) و هر وقتیکه سائر نماز های فوت شده را اداء کند سپس صاحب ترتیب میشود بلکه وقتیکه در جریان اداء نمودن نماز های قضائی از شش عدد نماز کمتر باقی بماند مثلا پنج نماز بدوش او بماند در همان وقت بر او ترتیب واجب میشود و هر قدریکه نماز های قضاء را بجا آورد آنها صحیح است و اگر در میان قضاء آوردن را ترک نمود سپس از آن باز شروع نمود در آن صورت هر چند نماز های قضائی که بعد از قضائی قبلی باقی مانده باشد تنها قضائی آنها (۲)

(۱) و يلزم الترتیب الخ إلا إذا أحاق الوقت الخ أو فلتت سنة اعتقادية (و در مختار) یعنی لا يلزم الترتیب بین الفائتة والوفية ولا بین الفوائت إذا

كانت الفوائت متتابعه (رد المحتار باب قضاء الفوائت ج ۱ ص ۶۸۰ ط. م. ج ۴ ص ۶۶) ط.

(۲) و لا يلزم لزوم الترتیب بعد سقوطه بكثرته الفوائت يعود الفوائت إلى القلة بسبب القضاء لبعضها على المعتبر لأن الساقط لا يعود وكذا لا يعود الترتیب بعد سقوطه بهائي المسقطات السابقة (و در مختار) قوله سبب القضاء كما إذا ترك رجل حصة شهر مثلا ثم قضاها إلا حصة ثم =

را آوردن لازم است فقط.

صحت چند نماز را قصری نمود پس معلوم شد که مسافر نبود بناء چه باید کرد؟ سوال:

(۱۹۵۰) یک نفر بگمان آنکه من مسافر میباشم دو یاسه ماه مسافرانہ نماز اداء نمود سپس از آن برایش معلوم شد کہ او اصلاً مسافر نبود آیا اکنون بر اوقضائی آوردن آن نماز ها ضروری است؟ اگر باشد بکدام طریقہ؟

جواب: قضاء آوردن این نماز ها ضروری است وطریقہ قضائی آوردن معروف است مثلاً نماز های ہر چند روزہا را کہ قصر نموده است آن را حساب نماید وقضائی سائر آن نماز ها رافع الوتر بجا آورد وسنت قضائی ندارد (۱) فقط.

اگر در وقت گنجایش سائر قضاء مرتب نباشد چه باید کرد؟ سوال: (۱۹۵۱) اگر در وقت

فجر انقدر گنجایش نباشد کہ صاحب ترتیب پنج نماز های قضائی را علی الترتیب اداء نماید پس او تنها دو نماز را بر نماز وقتی مقدم کردہ میتواند یا آنکہ تمام آن را بگذارد؟

جواب: ہر قدریکہ گنجایش باشد قضائی آن را بیارود سپس از آن اگر تنها وقت نماز وقتیہ باقی ماند در آن صورت وقتیہ را اداء نماید زیرا کہ بضیق الوقت نیز ترتیب ساقط میشود وجنانچہ در کتاب های فقہ این مسألہ تفصیلاً مذکور است (۲) فقط.

در قضاء مطلب ترتیب چیست؟ سوال: (۱۹۵۲) این سخن کہ متداول السہ است کہ بدوش

صاحب ترتیب میان نماز های فوائت و وقتیہ ترتیب فرض است مطلب از چیست؟

جواب: مطلب آن از این قرار است کہ اگر نماز های فوت شدہ را قبل از نماز وقتیہ اداء نکنند و پیش از قضاء آوردن فوائت نماز وقتیہ را اداء نماید این نماز وقتیہ فاسد خواہد شد بفساد موقوفی

۱- علی الرقبۃ ذاکراً لہا فانہا صحیحۃ آمد بحر، قبلہ بقضاء البعض لانہ لو فضا کلہ عاد الترتیب عند الکمل قولہ المعتمد ہو أصح الراہین وصحہ بعض فی الکافی والمحیط والمنہاج وغیرہ وعلیہ القوی وقیل یعود الترتیب واختارہ فی الہدایۃ وروہ فی الکافی والنسبین وأطال فیہ فی البحر (رد المحتار باب قضاء الفوائت ج ۱ ص ۶۸۴، ط.س. ج ۲ ص ۷۰). ظہیر

(۱) وقتیکہ نماز نشد سائر آنها در قضاء محسوب میشود وأن مسألہ فیصلہ شدہ است کہ قضاء لفرض الخ فرض الدر المختار ظہیر.

(۲) فلا یلزم الترتیب إذا ضاع الوقت المستحب حقیقۃ إذ لیس من الحکمۃ نفیث الوقیۃ لتدارک الفائتہ ولولم یسع کل الفوائت لالأصح جواز الوقیۃ (در مختار) صررہ علیہ العشاء والوتر مثلاً لم یصل المغرب حتی یقی من الوقت ما یسع الوتر وفرض الصبح فقط ولم یسع الصلوات الثلاث لظاہر کلامہم فرجیح أنہ لا تجوز صلوۃ الصبح ما لم یصل الوتر وصرح فی المجتبی بأن الأصح جواز الوقیۃ عن البحر لکن قال الرحمٰنی الذی راہنہ فی المجتبی الأصح أنہ لا تجوز الوقیۃ آمد قلت: واجبت المجتبی لقرینۃ لہ مثل ما عزاء إلیہ فی البحر وکنذا قال القہستانی جاوز وقیۃ علی الأصح (رد المحتار باب قضاء الفوائت ج ۱ ص ۶۸۰، ط.س. ج ۲ ص ۶۶). ظہیر

کما هو مفصل فی کتب (۱) الفقه. فقط

طریقه درست اداء نمودن قضاء چگونه است؟ سوال: (۱۹۵۳) هر شخصی که نماز های

قضائی عمری بالترب اداء می نماید برای اودر میان قضاء مغرب ووتر چهار رکعت را سه (۳) قعده در کدام حالت اداء نمودن بکار است ودر سه رکعت چرا اداء نمودن بکار نیست دربرهان الفتاوی مذکور است یصلیها اربعا بثلاث قعدات لکراهة تنفل بثلاث رکعات فی القنیة رکن الدین انحراف یصلی المغرب والوتر اربعا بثلاث قعدات مطلب این عبارت چیست؟

جواب: مذهب صحیح آنست بر ذمه هر کسی که نماز های قضائی باشد نماز مغرب را حسب قاعده مطابق قاعده ادا کند و همچنان وتر را موافق قاعده سه رکعات اداء نماید و این صورت فوق الذکر را که از برهان الفتاوی منقول است موافق قاعده نمیشد و متبانی مطلب عبارت فوق الذکر آنست که سه قعده راطوری ادا کند که بعد از دورکعت قعده نماید سپس از آن بعد از رکعت سوم نیز قعده کند بخاطر آنکه قعده اخیر ترک نشود و بعد از آن بوجه شبه یک رکعت چهارم نفل را همراهش ضمیمه کند و قعده نماید که بهمین طور سه قعده خواهد شد (۲) لکن صحیح آنست که ضروری برای آن نیست و قیکه واقعا بذمه اونماز فوت شده مغرب ووتر فوت شده باشد او را بایستی که سه رکعت رابد و قعده اداء نماید.

تهنایتوبه کردن نمازهای قضاء شده متاف نمیشود بلکه اداء نمودن ضروری است: سوال:

(۱) ولو لانه صلوٰه رتھا فی القضاء کما وجبت فی الأصل الخ من علی العصر وهو ذاکر انه لم یصل الظهر لھي لاسدۃ إلا إذا کان فی آخر الوقت وإذا فسدت الفریضۃ لا یطل أصل الصلوٰه عند ابی حنیفۃ وابی یوسف الخ ثم العصر یفسد فسادا موقوفا حتی لو علی ست صلوات ولم بعد الظهر یقلب کلک جائزا الخ (ہدایہ باب قضاء القوائت ج ۱ ص ۱۳۷ - ۱۳۹). ظہیر

(۲) سائل کہ مطلب کدام عبارت را پرسیده است آن جواب وحل صورت ذات شبه و توهم است مثلا کسی را در مورد قضاء یا فساد نماز ووتر مغرب معلوم نیست بلکه محض شبهه است بناء دو همچو حالت بکار آن بود کہ اگر آتیا اعاده بکند و لاتمام عند توهم الفساد للنبی و نه ضروری برای قضاء آوردن او است لکن اگر کسی بتایر شبهه همچون قضاء را بجا می آورد کہ اگر قضاء شده باشد باید اداء گردد و و نه نفل خواهد شد پس دراین صورت طرز اداء نمودن ووتر و مغرب شکل آن چنین خواهد باشد کہ چهار رکعت را سه قعده اداء نماید زیرا نفل سه رکعت نمیشد و قعده دوم را اداء نمود برای آنکہ قعده اخیر شود برای مغرب ووتر و رکعت چهارم همراهش ضمیمه گردد و قعده سوم را اداء کرد کہ اگر درتوالل محسوب شود صحیح خواهد بود لاتمام توهم الفساد للنبی و ما نقل ان الامام قضی صلاۃ عشرہ فان صح نقول کان یصلی المغرب والوتر اربعا بثلاث قعدات الذر المختار علی ہاشم ود المختار باب الوتر والتوائف قبل مطلب فی الصلاۃ الدایۃ: ج ۱ ص ۶۵۳. ظہیر.

لاتمام عند توهم الفساد للنبی و ما نقل ان الامام قضی صلوٰه عشرہ فان صح نقول کان یصلی المغرب والوتر اربعا بثلاث والذر المختار علی ہاشم ود المختار باب الوتر والتوائف قبل مطلب فی الصلوٰه علی الدایۃ ج ۱ ص ۶۵۳. ط.س. ج ۲ ص ۳۷. ظہیر

(۱۹۵۴) اکنون پنجاه سال عمر دارم و دو نیم سال شده کہ حج فرضی را اداء نموده ام و قبل از ادای حج مبن پابندی و اهتمام نماز را نداشتم والان از ان وقت بدینسو توبہ کردم و نماز را اداء می نمایم آیا بتوبہ کردنم نماز های سابقہ بندہ معاف میشود یا نہ؟

جواب: بہر تعداد نماز های کہ قضاء شدہ است اعادہ آن فرض است و طریقہ اش آنست کہ نماز های یک یک روز را بالتربیع اعادہ نماید و چنین نیت کند کہ فجر سابقہ را اداء می نمایم کہ قبلاً وقت آن را دریافت نمودہ بودم و من آن را اداء نکردہ ام و بہمین منوال نیت ظہر عصر مغرب الخ وغیرہ را باید کرد و حساب نماید کہ از آوان بلوغ تا بہ وقت توبہ کردن چقدر سالہا در بی نمازی سپری نمودہ است و بعد از احصائیہ دقیق قضائی آنها را بجا آورد و دلیل بر آن این قول اللہ پاک است: قال اللہ تعالیٰ فی کتابہ مرۃ بعد اخرى: اَقِمْوُا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ (۱) درانجا اَقِمْوُا صیغہ امر است و امر تقاضای وجوب را می نماید فلہذا نماز فرض شد و ہر چیزی کہ بہ امر فرض شود از گردن خلاصی و رفع مسؤولیت تنہا بدو طریقہ است: تسلیم عین واجب یا از طرف خویش مثل واجب را حوالہ نمودن از ذمہ خود اصل واجب را ساقط نمودن کما قالوا فی حکم الواجب بالامر انہ نوعان اداء و هو تسلیم عین الواجب بسببہ الی مستحقہ و وقف اوہو اسقاط الواجب بمثلہ من عندہ (۲) حسامی بناء بتوبہ کردن و اداء نمودن حج معاصی معاف میشود اما فرائض معاف نمیگردد چنانچہ یک نفر حج را اداء کرد یا توبہ کشید پس قرض قرض دار همانطور بر ذمہ او واجب است قسمیکہ قبلاً بود بہمان طریقہ کدام قرض کہ از حقوق اللہ بذمہ کسی باقی ماندہ باشد آن نیز با اداء گردد اداء میگردد بلکہ تا آنکہ علماء کرام می نویسند کہ بتوبہ کردن حتی اگر او بعد از آن در قضاء آوردن آنها تاخیر نمود مجدداً گنہکار میباشد قال فی الشامیۃ قال الترمذی: هو مخصوص بالمعاصی المتعلقة بحق اللہ تعالیٰ لا العیاد ولا یسقط الحق نفسه بل من علیہ صلوة یسقط عن اثم تاخیرها لانفسها فلما اخرها بعدہ تجدد اثم اخر آثم ثم قال بعد اسطر نقلاً عن البحر فلیس معنی المتکفر کما یتوہمہ کثیر من الناس ان الدین یسقط عنہ و کذا قضاء الصلوة والصوم والزکاة اذ لم یقل احد بذلک اہ: ج ۱ ص ۲۷۶ فقط.

بتخاطر اداء نمودن فوائد کثیرہ ترک کردن قراویح نا درست است : سوال: (۱۹۵۵) در

(۱) سورۃ البقرۃ: ۱۷۳. طہر

(۲) حسامی ص ۳۴. طہر

عصر موجودہ چنین مردم بتعداد کثیر پیدا میشود کہ بر ذمہ آنها بسیار زیاد نماز ہای فرضی واجب الاداء است کہ هیچ شکل اداء نمودن آنها متصور نمیشود آیا در رمضان المبارک بعض تراویح آن نماز ہای فوت شدہ را اداء نمودن جائز است یا نہ؟

جواب: این صورت جواز ندارد تراویح را علیحدہ بہمین منوال و اہتمام بجماعت اداء نمودن بکار است زیرا جناب رسول اکرم ﷺ بسیار زیاد تعریف آن را فرمودہ اند و خود ایشان نیز بر آن باعمل نمودن اسوہ حسنہ را جاری فرمودہ اند پس آن طریقہ و فعل نبوی ﷺ و ہمچنان طریقہ صحابہ کرام بہمان منوال و بہمان کیفیت و ہمان نیت جاری نگہداشتن بکار است و در شریعت غراء روشن ہمچنین لغیرات را در فکر و تصور آوردن بکار نیست زیرا این بسیار سخن قبیح و باسنت مصادم و عمل احداث فی الدین است کہ در مورد آن وعید من احدث فی امرنا هذا ما لیس منہ فہو رد (۱) کافی است اعاذنا اللہ تعالیٰ من مثل هذه الوسوس الشیطانیۃ والہواجس النفسانیۃ و بدوش ہر کسی کہ نماز ہای قضاء باقی ماندہ انست او خودش مسئول و ذمہ وار اداء نمودن است و اگر انکس خوف خدا را داشتہ باشد و تابع شریعت غراء باشد او باید خودش وقتا فوقتا آن را اداء نماید باقی آنکہ بخاطر رعایت فوائت مذکورہ مانند ہمچو تراویح کہ سنت مؤکدہ است و ہمچنان شعار رمضان المبارک را متغیر نمودن جواز ندارد و نباید برای آن منظور مبدل گردد و گویا کہ یک کار مشروع را میکنم کہ بطور مستقل در بسیاری احادیث بسیار اہتمام بیان آن فرمودہ شدہ است و مناقب آن نیز توضیح و بیان فرمودہ شدہ است کہ آن متروک و مبدل شود و ہمچنین تفکر و اندیشہ نیز از یک انسان مسلمان مستبعد معلوم میشود (۲) فقط.

در زمان اداء نمودن فوائت کثیرہ اگر یک نماز فوت شد در آن مورد حکم چیست؟ سوال (۱۹۵۶)
و تیکہ سلسلہ اداء نمودن نماز ہای قضاء عمری شروع شد و اتفاقاً یک نماز بعد از نماز قضاء عمری قضاء شد بناءً آن را در کدام سلسلہ اداء نماید آیا قبلاً نماز وقتی را یا قضاء را اداء کند؟

حکم قرائت در نماز قضاء عمری چیست ؟ سوال : (۱۹۵۷) سائر رکعات قضاء عمری را پر

(۱) مشکوٰۃ باب الإعتصام بالنسۃ ص ۲۷. طہر

(۲) التراویح سنۃ مؤکدۃ لمواظبۃ الخلفاء الراشدین للرجال والنساء جمیعاً والدر المختار علی هامش رد المحتار باب الوتر والتمائم محب

صلوۃ التراویح ج ۱ ص ۶۵۹، ط. س. ج ۲ ص ۴۳. طہر

اداء کند یا آنکہ دو رکعت پرو دو رکعت خالی اداء نماید؟

جو اب: (۱) در این مسئلہ ترتیب ضروری نیست اگر در زمان نماز وقتی گنجایش باشد پس هر دو نماز ہای قضاء را قبل از وقتی وبعد از آن نیز اداء کردہ میتواند و در ہر دو نماز قضاء شدہ یعنی قضائی حال و قضائی عمری ہر قسمیکہ میخواید قبل باشد یا بعد (۱) از آن اداء نماید.

جواب: (۲) در این صورت دو رکعت را پر و دو رکعت را خالی اداء نمودن بکار است البتہ و تکیہ زیاد نماز ہای قضاء تکمیل و پورہ شد و درآیندہ محض شبہ باقی بماند کہ نماز قضاء بدوش من است یا نہ پس در این صورت ہر چہار رکعت را پر اداء کند (۲) و با نماز عشاء قضاء آوردن و تر نیز لازمی است فقط.

اداء نمودن فوائت ضروری است لکن ضرورت بترک نمودن نوافل نیست: سوال:

(۱۹۵۸) اگر یک نفر نماز ہای دہ سال را قضاء نمودہ باشد و اکنون او توبہ نمودہ است و پنج وقت نماز اداء می نماید و علاوہ از فرائض و سنن نماز تہجد و وتر و نیز اداء میکند آیا بہمان طور و تر و تہجد را اداء نماید یا آن را بگذارد و آن وقت را در نماز ہای فوت شدہ دہ سال صرف نماید؟

جواب: کدام چیزی را کہ او می نماید این را نیز بکند و در وقت فارغ قضاء فوائت را بجا آورد مثلاً روزانہ ہموار قضائی چند نماز ہا را بجا آورد و اگر وقت نباشد پس در آن صورت قضاء آوردن نماز ہای فوت شدہ برستن و تہجد مقدم است و این وقت را نیز بخاطر اداء آن صرف نماید (۳) لکن با انہم و تر را ترک نکند فقط.

اداء نمودن فوائت بعد از نماز ہای عصر و فجر درست است یا نہ؟ سوال: (۱۹۵۹) قضاء

آوردن نماز ہای فوت شدہ را بعد از نماز عصر و فجر جائز است یا نہ؟ اگر جائز باشد در این صورت مطلب حدیث آتی چیست؟ لا صلوة بعد الفجر حتی تطلع الشمس ولا صلوة بعد العصر

(۱) لا يلزم الترتیب إذا أحاط الوقت الخ أو ليست الفاعلة الخ أو لانت ست إعقابة الخ (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب

قضاء الفوائت ج ۱ ص ۶۸۰، ط.س. ج ۲ ص ۶۶، ظہیر

(۲) بخاطر آنکہ دوسال رکعات نوافل قرأت است و بفرض القراءة عملاً فی رکعتی القرض مطلقاً الخ و کل النفل (الدر المختار علی هامش

رد المحتار باب الوتر والنوافل ج ۱ ص ۶۴۴، ط.س. ج ۲ ص ۲۸، ظہیر

(۳) ای کل صلوة لانت عن الوقت بعد وجوبها فیہ یزعمه قضاءها سواء ترک عمداً أو سهواً، او بسبب نوم و سواء كانت الفوائت کثیرة او

لیلة (عالمگیری مصری باب قضاء الفوائت ج ۱ ص ۱۱۳، ط.س. ج ۱ ص ۱۳۱)، ظہیر

حتی تغیب الشمس؟

جواب: قضاء آوردن نماز های فوت شده را بعد از نماز های عصر و فجر جائز است و کدام نهی که در حدیث لا صلوة بعد الفجر حق تطلع الشمس ولا صلوة بعد العصر حتی تغیب الشمس است محمول است بر نوافل (۱) فی الحدیث من نام عن الصلوة او نسیها فلیصلها اذا ذکرها فان ذلک وقتها فان الله تعالى قال: **اقِمُوا الصَّلَاةَ لِذِكْرِي** او كما قال ﷺ فقط.

صاحب ترتیب قبل از نماز جمعه قضاء را بجا آورد: سوال: (۱۹۶۰) روز جمعه یک نفر نماز فجر را قضاء نموده بود او و تنبیه بخاطر اداء نماز جمعه بمسجد جامع آمد در این اثنا خطبه قرائت میشد خواه آنکس صاحب ترتیب باشد یا صاحب ترتیب نباشد سپس نماز فجر را چه وقت اداء نماید؟

جواب: برای صاحب ترتیب ضروری است که نخست قضائی نماز فجر را اداء نماید زیرا بغیر از اداء نمودن نماز فجر نماز جمعه او صحیح نمیباشد و هر کسی که صاحب ترتیب نباشد او را خطبه سمع نمودن ضروری است و او را بکار است که بعد از فراغت نماز جمعه نماز فجر را اداء نماید در الدر المختار مذکور است: فلا قضاء فائتة لم يسقط الترتیب بينهما وبين الوقتية فانها لا تکره قوله لا تکره بل يجب فعلها شامي لضرورة صحة الجمعة والا لا قوله والا لا اي وان سقط الترتیب لا تکره شامي (۲) فقط.

کدام طریقہ مروجہ قضاء عمری کہ در برخی از کتاب ها منقول است ثابت نیست:

سوال: (۱۹۶۱) از کتاب انیس الارواح: ص ۲۴ مجلس ۱۳ فرموده است: که حضرت علی کرم الله وجهه از نبی اکرم ﷺ روایت نموده است هر شخصی که آنقدر نماز ها را قضاء نموده باشد که ببادش نباشد پس در شب دوشنبه او پنجاه رکعت نماز را اداء کند و در هر رکعت یک دفعه سورت فاتحه و یک بار سورت اخلاص را قرائت نماید سپس این نماز را خدای پاک ﷻ کفاره نماز های گذشته میگرداند آیا این سخن صحیح است یا نه؟

جواب: پاسخ مسأله مستوله فوق الذکر آنست که از فقه و احادیث چنین ثابت است که هر قدری

(۱) و بکره ان يتفل بعد الفجر حتى تطلع الشمس وبعد العصر حتى تغرب لما روی أنه علیه السلام نهی عن ذلک ولا بأس بان یصلی فی هذین الوقتین الفرائض و یسجد للفلاوة و یصلی علی الجأزة لأن الکراهة كانت لحق الفرض لیسر الوقت کالمشغول به لا لمعی الوقت فلم تطهر فی حق الفرائض ولما وجب الخ (هدایه فصل فی الأوقات التي تکره فیها الصلوة ج ۱ ص ۸۹ - ۸۲). ظفر

(۲) رد المحتار باب الجمعة ج ۱ ص ۷۶۸، ط.س. ج ۲ ص ۱۵۸. ظفر

نمازها را قضاء نماید پس قضائی سائر آنها بجا آوردن بکار است و اگر نماز های قضاء بیادش نباشد که چقدر است پس درمورد آن حکم آنست که اندازه آن رامعلوم نماید که چقدر نماز ها بر ذمه من است و درنتیجه بهمان مقدار قضائی آن را بجا آورد (۱) و کدام روایت را که شما از کتاب انیس الارواح نقل نمودید سند واصل آن روایت معلوم نیست و نه اینکه این روایت درکدام کتاب حدیث موجود است و آن روایت اگر ثابت نیز شود پس او محمول است بر آن که هر چند نماز های که بیادش باشد قضائی آنها رابجا آورد و آن عده نماز های که بنا بر لاعلمی باقی مانده باشد بخاطر برآوردن آن عمل ذکر شده را انجام نماید فقط.

دریک وقت چقدر نمازهای قضاء را که بخواند اداء کرده میتواند: سوال: (۱۹۶۲) اگر یک نفر نماز های چهار ایام (روز) را قضاء نموده باشد آیا آنها را دریک وقت اداء نموده میتواند یانه؟

جواب: قضائی چهار ایام نماز های فوت شده را دریک روز اداء نموده میتواند فقط.
بخاطر اداء نمودن نماز های فوت شده سنن مؤکده را ترک نکند: سوال: (۱۹۶۳) یک نفر اکثر نماز ها راقضاء نموده است اکنون اگر میخواهد آن را اداء نماید پس درسنن نیت فرائض فوت شده را کرده میتواند یانه؟

جواب: نماز های فوت شده را علیحده بنیت قضاء اداء نماید و درسنن مؤکده نیت او را نکند (۲) البته نوافل را ترک می نماید و قضائی نماز های فوت شده رابجا می آورد نماز های فوت شده پس درآن کدام حرج نیست (۳).

درنماز های فوت شده ترتیب وقتی نیست که اوصاحب ترتیب نباشد: سوال: (۱۹۶۴) اگر نماز های فوت شده را بالترتیب اداء نکند آیا جواز دارد یانه؟

جواب: برای غیر صاحب ترتیب جائز است که هر نوع غیر مرتب میخواهد آن را اداء کند (۴).

(۱) ولقاء الفرض الخ فرض (الدر المختار علی هامش ودر المختار باب قضاء الفوائت ج ۶ ص ۶۸۰ ط.س. ح ۴ ص ۶۶ ظفر
(۲) ومن مؤکدا اربع قبل الظهر الخ (درمختار) مؤکدا ای إستاننا مؤکدا بمعنی أنه طلب طلبا مؤکدا زیادة علی بقیة النوافل ولهذا كانت السنة المؤکدة قریة من الواجب لی لحرق الإثم كما فی البحر وسترجب بتركها التحلیل والعلوم. (در المختار باب الوتر والنوافل مطلب فی السنن والنوافل ج ۱ ص ۶۳۰ ط.س. ح ۴ ص ۱۲ ط
(۳) أما المستحب والمندوب فبغیر ان لا یكره تركه اصلا (در المختار باب ما یسجد المصلو وما یكره فیها مطلب فی بیان السنة والمستحب الخ ج ۱ ص ۶۱۱ ط.س. ح ۲ ص ۶۵۳ ظفر
(۴) فلا یلزم الترتیب إذا حاق الوقت او نسبت الفائقة او قامت سنة إعتقادیة الخ بمخرج وقت السادسة (الدر المختار علی هامش ودر المختار

نماز عشاء فوت شدہ اگر بیادش باشد نماز فجر نمیشود: سوال: (۱۹۱) یک نفر نماز عشاء را ترک نمود اکنون او نماز فجر را اداء نمود و نماز عشاء کہ بر ذمہ اش بود آن را اداء نکرد در این صورت آیا نماز فجر او درست شدہ است یا نہ؟

جواب: اگر صاحب ترتیب ہمینطور عمل نماید پس نماز فجر او درست نخواہد شد بناء برای او بکار است کہ نخست نماز عشاء را بجا آورد سپس از آن نماز فجر (۱) را اداء کند فقط البتہ اگر ضیق الوقت باشد و گنجایش نباشد در این صورت تنہا نماز وقتی را اداء نماید و قضاء را بتعویق اداء کند کما فی الدر المختار فلا یلزم الترتیب اذا ضاق الوقت المستحب ظفیر.

دروقت مغرب قضائی ظهر وعصر را چگونه بجا آورد؟ سوال: (۱۹۲) اگر تنہا نماز عصر یا نماز ظهر و عصر ہر دو فوت شدہ باشد پس در وقت مغرب این ہر سہ نماز ہا را بکدام طریقہ اداء کند حالانکہ وقت نماز مغرب بسیار تنگ است و کم می باشد اگر نماز ہای فوت شدہ را پیش و مقدم می نماید پس وقت مغرب از دست میرود چگونه ترتیب جائز است و دیگر آنکہ ہر گاہ جائز شد آن سخن کہ اگر در چہار یا پنج نماز ہای قضاء ترتیب نکند پس در آن وقتیکہ نماز وقت را اداء می نماید آن نفل محسوب میشود؟

جواب: وقت نماز مغرب بنزد امام ابوحنیفہ تقریباً یکنیم ساعت را در بر میگیرد بناء قضاء ظهر و عصر را اول اداء نکند سپس از آن نماز مغرب را نیز در عین وقت اداء نماید و مسألہ چنین نیز است کہ اگر وقت نماز وقتی تنگ باشد کہ علاوہ از نماز وقتی گنجایش نماز قضائی باقی نباشد در آن صورت ترتیب ساقط است پس در آن حالت نماز وقتیہ را مقدم نماید و قضاء بتعویق اندازد (۲).

چند نماز ہای فوت شدہ را در یک وقت اداء نمودن درست است یا نہ؟ سوال: (۱۹۳) چند نماز ہای فوت شدہ را در یک وقت اداء نمودن جائز است یا نہ؟

سوال: (۲) در نماز ہای فوت شدہ وتر و عشاء را در یک وقت اداء نمودن ضروری است یا آنکہ

= باب قضاء الفوائت ج ۱ ص ۶۸۰، ط.س. ج ۲ ص ۶۶، ظفیر

(۱) الترتیب بین الفروض الخمسة والوتر اداءاً وقضاءاً لازم الخ فلم یجز لجزء من لذكر أنه لم يوتر لوجوبه عنده الخ (ایضاً ج ۱ ص ۶۷۹،

ط.س. ج ۲ ص ۶۵، ظفیر

(۲) الترتیب بین الفروض الخمسة والوتر اداءاً وقضاءاً لازم فلم یجز لجزء من لذكر أنه لم يوتر إلا إذا ضاق الوقت المستحب إذا نسبت الفائتة الخ او فائت ست إعقابة (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب قضاء الفوائت ج ۱ ص ۶۷۹، ط.س. ج ۲ ص ۶۵، ظفیر

در یک وقت نماز عشاء ودریک وقت نماز وتر اداء کند؟.

جواب: (۱) جائز است (۱) دریک وقت اداء نمودن چند نماز فوت شده درست است ظفیر.

جواب: (۲) علیحدہ علیحدہ نیز قضاء آورده میتواند ودریک وقت قضاء آوردن ضروری نیست. فقط

نمازهای فوت شده ده ۱۰ یا بیست ۲۰ سال را نه اداء نماید؟ سوال: (۱۹۶۸) یک نفر به پابندی پنج وقت نماز را اداء می نمود و بعد از آن درنماز تکاسل شروع نمود که بعض اوقات نماز را اداء می نمود و بعضی اوقات ترک می نمود و در نتیجه تخمیناً سائر نماز های فوت شده اندازه ده ۱۰ سال یا به بیست ۲۰ سال رسید اکنون طرز اداء نمودن آن نماز ها چگونه خواهد شد؟

جواب: هرگاه آنکس تا به مدتی اهتمام ترک نماز را نموده بود احیاناً نماز را اداء میکرد و احیاناً اداء نمیکرد پس قضاء آوردن تمام نماز های آن زمانه را بجا آوردن بکار است و صورت اسهل و آسان آن اینست که با هر یکی نماز فرضی و قتیہ همان نماز را بنیت قضاء اداء نماید اگر نمازهای ده ۱۰ ساله را ترک نموده باشد پس تا بمدت ده ۱۰ سال با هر یک نماز یک نماز را قضاء بجا آورد (۲).

برای نماز قضاء آذان و تکبیر است یا نه؟ سوال: (۱۹۶۹) زید نماز های قضاء را در مسجد بگفتن آذان و تکبیر آهسته بدان نیت اداء می نماید مثلاً چهار رکعت نماز فرض طهر را اداء می نمایم بناء دراین صورت حکم گفتن آذان و تکبیر چیست؟ و آیا برای نماز وتر آذان گفتن بکار است یا نه؟

جواب: آن عده نماز های را که در مسجد تنها قضاء می آورد برای آنها آذان و اقامت مشروع نیست (۲) و بنیت مذکوره قضاء آورده میشود و برای نماز وتر نیز آذان و اقامت مشروع نیست

(۱) لانه علیه السلام آخرها يوم الخندق (رومختار) وذلك ان المشركين شغلوا رسول الله صلى الله عليه وسلم عن اربع صلوات يوم الخندق حتى ذهب من الليل ما شاء الله تعالى فامر بلالا فاذن ثم اقام فعلى الظهر ثم اقام فعلى العصر ثم اقام فعلى المغرب ثم اقام فعلى العشاء (رد المحتار باب قضاء الفوائت ج ۱ ص ۶۷۹، ط.س. ج ۲ ص ۶۲). ظفیر

(۲) ولو لانه صلوات ربهما في القضاء (إلى قوله) لأن النبي عليه السلام شغل عن اربع صلوات يوم الخندق فضاها مرتباً (هذه باب قضاء الفوائت ج ۱ ص ۱۳۷). ظفیر

(۳) يؤذن ويقيم لقائته والعلماء صرحوا لو بجماعة (أي في غير المسجد) أو صحراء لا يهتفون ولا يهتفون من الفوائت في مسجد لأن فيه تشويشاً وتعللاً ويكره لقضاءه له لأن التأخير مضمية فلا يظهرها والمؤخر المختار على هامش رد المحتار باب الأذان ج ۱ ص ۳۶۲ - ۳۶۳ =

(۱). فقط

یک نفر نماز های ایا متعدد را قضاء نمود اگر او بجای سنن قضاء فرض را بجای آورد

این چگونه است؟ سوال: (۱۹۷۰) (۱) یک نفر نماز سال های متعدد راقضاء نموده اکنون اگر وی بجای سنن نماز های قضاء را بجا می آورد حکم آن چیست آیا نماز قضاء افضل است یا سنن وقتی؟

نماز هر وقتیکه قضاء باشد آن را بتیمه در همان وقت اداء نمودن ضروری نیست: سوال

(۱۹۷۱) (۲) نماز هروقت که قضاء شد آن را در همان وقت اداء نماید مثلاً ظهر را در وقت وعشاء یا در وقت ظهر اداء نموده میتواند یا نه؟

جواب: (۱) سنن مرنکده وقتی را ترک نمودن بکار است و این مطلب ظاهر است که اداء نمودن نماز های فوت شده مهم است لکن اگر هردو عمل ممکن باشد که فوائد را نیز اداء نماید و سنن مزکده همچنان متروک نشود بهتر خواهد بود.

در قضاء آوردن نماز های فجر مغرب وعشاء قرائت بالجهر نموده میتواند یا نه؟ سوال

(۱۹۷۲) در نماز قضائی فجر مغرب وعشاء قرائت بالجهر نموده میتواند؟

جواب: اگر در همان اوقات قضائی آنها را بجای آورد پس جهر قرائت نموده میتواند و اگر از طرف روز قضائی آنها را بجا می آورد در این صورت جهر قرائت نموده نمیتواند (۱).

اگر نماز سال های متعدد قضاء شود وموقع اداء نمودن آنها نباشد پس چه باید کرد؟

سوال: (۱۹۷۳) اگر نماز دو یا سه سال را قضاء نمود و اکنون برایش موقع اداء نمودن آنها میسر نمیشود بناء راه خلاصی و بیرون رفتن بکدام شکل خواهد باشد؟

جواب: در این صورت اسهل آنست که با هر نماز قضائی آن نماز را بیاورد و نماز های هر چند سال که فوت شده باشد تا به همان مقدار سال ها با هر یک نماز همان نماز را بجا آورد که از وی

= ط.س. ج ۱ ص ۳۹۰. ظفر

(۱) وهو سنة مؤكدة للفرائض في وقتها ولو قضاء لا يغيرها كعبه (در مختار) ای وتر وجنازة الخ (رد المحتار باب الأذان ج ۱ ص ۳۵۹).

ط.س. ج ۱ ص ۳۸۴. ظفر

(۲) ويجهر الإمام في الجهر وأولى المشائين اداء وقضاء الخ ويجهر المفرد في الجهرات إن أدى الخ وبخافت المفرد حتما إن لفى الجهرية في وقت المخالفة كان صلى المشاء بعد طلوع الشمس على الأصح (الدر المختار على هامش رد المحتار فصل في الفراء ج ۱ ص ۴۷۹).

ط.س. ج ۱ ص ۵۳۲ - ۵۳۳) واضح گردید که حکم مذکور برای مفرد تحریر شده است. ظفر

قضاء شده است بغیر از قضاء آوردن هیچ صورت راه بیرون رفت نیست. فقط

بعد از فجر وعصر نماز قضاء را اداء نموده میتواند یانه؟ سوال: (۱۹۷۴) بعد از نماز فجر وعصر قضاء را بجا آورده میتواند یانه؟

جواب: میتواند (۱).

در آخرین جمعه رمضان رواج قضاء عمری ثابت نیست: سوال: (۱۹۷۵) در آخرین جمعه رمضان المبارک قضاء عمری کرده میشود آیا جواز دارد یانه؟

جواب: در آخرین جمعه رمضان المبارک قضاء عمری را بطریقه مخصوص اداء نمودن ثابت نیست در شامی مذکور است که بطرف امام صاحب روح این نماز را منسوب نمودن صحیح نیست و از فخر الاسلام وقاضی خان کراهیت آن را نقل نموده است فلهمذا ترک نمودن آن نماز بکار است. (۲) فقط

نماز قضاء را بجماعت اداء نمودن چگونه است؟ سوال: (۱۹۷۶) نماز قضاء را بجماعت اداء نمودن چگونه است؟

جواب: مسنون است (۳) فقط والله تعالی اعلم.

کفار نماز قضائی چیست؟ سوال: (۱۹۷۷) اگر از صاحب ترتیب نماز قضاء شود کفار ان چیست؟

جواب: کفار اش همان است که این نماز را اداء کند و برای صاحب ترتیب ترتیب ضروری است که قبل از نماز وقتی آن را اداء نماید (۴) فقط.

قضاء نماز های فوت شده: سوال: (۱۹۷۸) یک نفر نماز های سه یا چهار سال را طوری قضاء نمود که احیاناً نماز عصر را فوت می نمود و احیاناً نماز ظهر را پس اکنون طریقه اداء نمودن آن چگونه خواهد باشد؟

(۱) و کرده نقل بعد صلوة فجر وعصر ولا یکره قضاء فاتتة ولو وتر الخ (المرالمختار علی هامش رد المحتار کتاب الصلوة ج ۱ ص ۳۴۸، ط.س. ج ۱ ص ۳۸۴). ظفر

(۲) وما نقل أن الإمام قضی صلوة عمر الخ (درمختار) والجواب اولاً أنه لم یصح نقل ذلك عن الإمام الخ (رد المحتار باب الوتر والنوازل ج ۱ ص ۶۵۳، ط.س. ج ۱ ص ۳۸۴). ظفر

(۳) جاء فی حدیث لیلۃ الحریس وأمر بلالاً فأقام الصلوة فصلی بهم الصبح فلما قضی الصلوة قال من نسی الصلوة فلیصلها إذا ذکرها. رواء مسلم (مشکوۃ ص ۶۷). ظفر

(۴) من فاتته صلوة لقضاءها إذا ذکرها وقدمها علی فرض الوقت الخ (هدایه ج ۱ ص ۱۳۷). ظفر

جواب: مطابق ظن غالب قضاء آن نماز ہا را بجا آورد فقط.

حکم صاحب ترتیب: سوال: (۱۹۷۹) نماز مغرب قضاء شد و نماز عشاء را اداء نمود پس اکنون بعد از اداء نمودن نماز مغرب وتر وسنت را اداء کرد یا نماز مغرب را بتعقیب اداء کرد آیا نماز عشاء اوشد یا نہ؟

جواب: اگر آنکس صاحب ترتیب باشد پس نماز عشاء اش درست نشده است و بعد از اداء نمودن نماز مغرب نماز فرض عشاء را دوبارہ اداء کند و بعد از آن وتر وسنت را اداء نماید (۱) فقط.

کفارہ نماز های قضاء: سوال: (۱۹۸۰) اگر یک نفر نماز ہا را قضاء نموده باشد سپس از آن وفات شد و در حین مقدمات موت ورثہ خود را توصیه نماید کہ در مقابل کفارہ نماز های قضاء شدہ بندہ یک نسخہ قرآن مجید را برای یک طالب اعطاء فرمائید آیا این جواز دارد یا نہ؟ و آیا سجده تلاوت کفارہ دارد یا نہ؟

جواب: اگر متولی غنی باشد او در مورد اداء نمودن کفارہ نماز وغیرہ وصیت فرمودہ باشد پس از حصہ سوم مال از کفارہ نماز وغیرہ اش اداء گردد و با اعطاء نمودن یک جلد قرآن مجید کفارہ نماز ہا وغیرہ نمیشود و این گفتارش لغوہ میباشد (۲) و علامہ شامی فرمودہ است ولا رواۃ فی سجدة التلاوة ای والصحيح أنه لايجب الخ بناء واضح گردید کہ سجده تلاوت کفارہ ندارد. فقط

مسأله اسقاط: سوال: (۱۹۸۱) حیلہ اسقاط کہ برای میت میشود آیا شرعاً ثبوت دارد یا نہ؟

جواب: هیچ نیست (۳) فقط

قضاء الفوائت: سوال: (۱۹۸۲) یک نفر ہموار پنج یا شش نماز را قضاء نمود اکنون اگر نماز وقتیہ را اداء می نماید آیا اداء اش درست خواہد شد یا نہ؟

(۱) ومن علی العمر وهو ذاکر أنه لم يصل الظهر للهی فاسدة إلا إذا كان فی آخر الوقت وهي مسئلة الترتیب (هذهباء قضاء الفوائت ج ۱ ص ۱۳۹). ظہیر

(۲) إذا مات الرجل وعليه صلوات فائتة فأرصى بأن يعطى كفاة صلواته يعطى لكل صلاة نصف صاع من بر ولوتر نصف صاع والصوم يوم نصف صاع من ثلث ماله (عالمگیری کشوری ج ۱ ص ۱۲۳، ط.س. ج ۱ ص ۱۲۵). ظہیر

(۳) والواجب علی الميت أن یوصی بما یفی بما علیہ إن لم یضق الیثل عنه فإن أوصی بالقل وأمر بالدور وترك بقية الثلث للورثة أو تبرع به لغيرهم فقد أتم بترك ما وجب علیه (رد المحتار باب قضاء الفوائت مطلب فی بطلان الوصية بالعتمة والتهايل ج ۱ ص ۶۸۶، ط.س. ج ۲ ص ۷۳). ظہیر

جواب: اگر شش نماز قضاء شدہ باشد پس این نماز وقتی درست خواهد شد و اگر از این کم باشد در این صورت تا وقتیکہ نماز فوت شدہ را اداء ننماید نماز وقتی درست نخواهد شد یعنی مع فساد موقوف (۱) فقط.

صاحب ترتیب کدام شخص است؟ سوال: (۱۹۸۳) صاحب ترتیب کدام کسی را گفته میشود و او چه باید کرد؟

جواب: صاحب ترتیب کسی را میگویند کہ بدوش او شش نماز فوت شدہ نباشد و آن عده نماز ها را کہ قضاء نموده باشد آنها را نیز اداء کردہ باشد پس او صاحب ترتیب میباشد یعنی بر ذمہ او لازم است کہ اگر نماز را قضاء کند آن را قبل از نماز و قتمیہ اداء نماید (۲) فقط.

قضاء فوراً اداء شود: سوال: (۱۹۸۴) یک نفر چنان خوابیده باقی ماند کہ روز بالایش بروز نمود سپس او از خواب بیدار شد و فوراً نماز قضاء را اداء نمود و همچنان روز دیگر نیز بالایش تکرار شد لکن درین روز نماز فجر را مع الظہر اداء نمود بناءً اگر بوجہ خواب در نماز تأخیر شود یا قضاء آن را فوراً اداء نمودن بکار است و یا بتأخیر اداء نماید؟

جواب: وقتیکہ از خواب بیدار شد اگر آن وقت مکروهہ نباشد پس فوراً در همان وقت قضاء آوردن آن بکار است و در روز دوم کہ در قضاء تأخیر نمود فجر راع الظہر اداء کرد این عملش ناپسند است (۳) فقط.

قضاء عمری: سوال: (۱۹۸۵) احتیاطاً قضاء عمری اداء نمودن ثابت نیست و صحیح آنست کہ مکروهہ است پس وقتیکہ اصل و اساس آن ثابت نباشد بناءً بر آن تفریعات متباقی صحیح نخواهد باشد و در همجو موارد بحث نمودن از کمال و نقصان بی مورد و فضول (۴) است ثبت العرش ثم نقش.

اداء نمودن قضاء عمری: سوال: (۱۹۸۶) چه میفرمایند علماء دین در این مسأله کہ طریقه اداء

(۱) لانه صلوات ربهما فی القضاء کما وجبت فی الأصل (إلی قوله) إلا أن یزید الفوات علی سنة صلوات لأن الفوات قد کثرت ففسط الترتیب لهما بین الفوات الخ (باب قضاء الفوات هداية ص ۱۳۷). ظفر

(۲) ولو لانه صلوات ربهما فی القضاء کما وجبت فی الأصل (إلی قوله) إلا أن یزید الفوات علی سنة صلوات لأن الفوات قد کثرت ففسط الترتیب الخ (هدایه باب قضاء الفوات ج ۱ ص ۱۳۷). ظفر

(۳) من لانه صلوات قضی إذا ذکرها وقدمها علی فرض الوقت (هدایه باب قضاء الفوات ج ۱ ص ۱۳۷). ظفر

(۴) فی العناية عن ابن نصر رحمته الله فمن بقى صلوات عمره من غیر أن فاته شيء یزید الإحباط لأن لأجل النقصان والکراهة لحسن وان لم یکن لذلك لا یفعل. (عالمگیری کشوری) ج ۱ ص ۱۲۳، ط. س. ج ۱ ص ۱۲۵. ظفر

نمازهای قضاء چگونه است؟ آیا قبل فرائض پنجگانه آنها را اداء نماید و یا بعد از آنها؟ و آنقدر اهتمام و پابندی نمودن آن که اگر جماعت قائم باشد اما تا وقتی که قضاء عمری را اداء نکند در جماعت شامل نمیشود این چگونه است؟

جواب: هر قدر نمازها که قضاء شده باشند را هر قسمیکه میخواید اداء نماید زیرا که اوصاحب ترتیب نیست خواه قبل از نماز وقتی آن را اداء می نماید و یا بعد از آن و یا آنکه در یک وقت با نمازهای پنجگانه مع الوتر روزانه اداء می نماید و جماعت را نگذارد بلکه قبل از جماعت اداء نماید و یا بعد از جماعت اداء کند فقط و لا یعود لزوم الترتیب بعد سقوطه بکثرتها ای الفوائت بعود الفوائت الی القلة بسبب القضاء لبعضها علی المعتمد لان الساقط لا یعود و کذا لا یعود الترتیب بعد سقوط باقی المسقطات السابقة من النسیان والضیق آه. در المختار (۱).

اگر بطور شک نمازهای قضاء را اداء می نماید این چه خواهد باشد؟ سوال: (۱۹۸۷)

(۱) اگر نماز جاشت را یا در وقت تهجد قضاء عمری اداء می نماید و آنکس بطور شک قضاء عمری را بجای آورد حالانکه بر ذمه اش هیچ فرض یقیناً نیست بناً بر این نماز تهجد یا نماز جاشت و یا نفل محسوب خواهد شد؟ و اگر نماز مغرب را قضاء نموده باشد پس اداء نمودن سه رکعت نفل نقصان نخواهد باشد؟

شخصی نماز قضاء فجراً اداء نمود حالانکه بر ذمه اش نماز قضاء نبود حکم آن چیست؟ سوال (۱۹۸۸)

بعد از نماز عشاء چهار رکعت نماز مسنون است که دو از آن مؤکد و دو غیر مؤکد است بناً اگر شخصی دو رکعت مؤکداً اداء نمود و دو رکعت قضاء فرض فجر و در حقیقت بر ذمه اش قضاء فجر نیست آیا آن چهار رکعت سنت خواهد شد اگر همانطور باشد پس بفرمائید که اداء نمودن آن بیک سلام ضروری نیست؟

جواب: (۱) کدام اختلاف نیست و در نماز مغرب با احتمال مذکور کراهیت نخواهد باشد فی عالمگیری ۱ ص ۱۱۶: عن ابي نصر رح فیمین یقضی صلوات عمر من غر ان فاته شی یرید الاحتیاط فان کان لاجل النقصان والکراهیة فمحسن وان لم یکن لذلك لایفعل والصحیح أنه یجوز الا بعد صلوة العصر و الفجر وقد فعل ذلک کثیر من السلف لشبهة الفساد کذا فی المضمرات. جمعل الرحمن.

جواب (۲) شرط یک سلام در آن نیست بلکه دو رکعت سنت مؤکده علیحدہ اداء نمودن بکار است و همچنین دو رکعت غیر مؤکده نیز علیحدہ اداء نمودن بکار است و در آن صورت کہ ہنیمہ اش نماز قضاء نبود دور کعت نفل خواهد شد و چهار رکعت دیگر بعد العشاء خواهد شد فقط مستند ممافی عالمگیری ج ۱ ص ۱۰۵: وصلى رکعتین وهو یظن ان اللیل باق فاذا تبین ان الفجر قد طلع الى قوله: قال المتأخرون تجزیه عن رکعتی الفجر. جمیل الرحمن.

نماز های قضاء شدہ فجر ظہر وعصر را قبل از نماز مغرب اداء نماید و یا بعد از ان؟
سوال: (۱۹۸۹) (۱) اگر شخصی نماز فجر و ظہر. را قضاء نمود پس قضاء ایشان را قبل از مغرب بجا آورد و یا بعد از مغرب و چگونه نیت نماید؟

قضاء عمری ثابت است یا نہ وطریقہ اش چگونه است؟ سوال: (۱۹۹۰) (۲) ترکیب قضاء عمری چه نوع است آیا بحديث ثابت است یا نہ؟

جواب: (۱۱) سائر نماز های فوق را قبل از مغرب اداء نماید و اگر آنقدر گنجایش نباشد در این صورت بعد از مغرب اداء نماید غرض اینکه قضاء سائر نماز ها را در همان روز اداء نماید و در ہریک نماز نیت همان نماز را بکند لایحوز اداء الوقتیہ قبل اداء الفوائت الخ و یسقط الترتیب بضیق الوقت الخ عالمگیری: ج ۱ ص ۱۱۴. جمیل الرحمن.

جواب: (۲) نماز قضاء عمری قسمیکہ مشہور است از حدیث ثابت نیست واقعا اگر ہذیمہ کسی نماز های قضائہ باشد آن را حساب نماید سپس آن را تکمیل کند کل صلوۃ فاتت عن الوقت بعد رجوعها فیہ یلزمہ قضاوا الخ فتاویٰ عالمگیری: ج ۱ ص ۱۱۳ جمیل الرحمن.

ترک نمودن نماز واز آن ممانعت ورزیدن چگونه است؟ سوال: (۱۹۹۱) ترک نمودن نماز واز آن منع کردن چگونه است؟ و بدان نکاح میسکند یا نہ؟

جواب: ترک نمودن نماز گناہ کبیرہ است بناء کسی را حکم نمودن ترک نماز واز آن ممانعت نمودن نیز گناہ کبیرہ است فلہذا برای تارک صلاۃ و مانع صلاۃ ہر دوتوبہ کردن بکار است و همچنین قضاء آوردن نماز ضروری است و اما نکاحش نمیشکند بلکہ توبہ باید کرد و بر این عمل خویش ندامت نماید و آغاز بنماز خواندن کند. فقط واللہ اعلم. ومن الکبائر السحر وکتمان الشہادۃ من غیر عذر والا فطار فی رمضان من غیر عذر و قطع الرحم و ترک الصلوۃ. معتمد جوہرۃ نیرۃ: ج ۳ ص ۲۹۵. جمیل الرحمن.

کفارہ نماز های قضاء شدہ چیست؟ سوال: (۱۹۹۲) (۱) اگر بدبختانہ بغیر از عذر شرعی

آنقدر نمازها قضاء شدہ باشد کہ احصائیہ آنها ممکن نباشد پس کفارہ آنها چیست؟

کفارہ نمازها تنها صدقہ است یا چیزی دیگر؟ سوال: (۱۹۹۳) (۲) اگر کفارہ آن صدقہ نیز

میشود پس مردم نیاز مند و محتاجا چه باید بکنند؟

کفارہ نماز های قضاء شدہ شیخ فانی و مریض چیست؟ سوال: (۱۹۹۴) (۳) کفارہ نماز

های قضاء شدہ مریض یا شیخ فانی چیست؟

جواب: حامداً و مصلياً و مسلماً اما بعد: جواب استفسارات فوق الذکر حسب ذیل نگاشته

میشود:

جواب: (۱) نماز های قضاء شدہ را بتأخیر اداء نمودن بکار است کسی کہ آن عہد نمازها را بنا

بر معاذیر یا بوجہ غفلت قضاء نمودہ باشد پس ہر وقتیکہ بیادش شد آن را اداء باید کرد و نماز

قضاء کہ بیادش امدان را در اداء نمودن بر فرض وقتی مقدم باید کرد و بنزد احتاف (رح) میان

نماز وقتی و نماز قضاء ترتیب ضروری است رسول اکرم ﷺ در روز خندق چہار نمازها را

بالترتیب اداء فرمودہ بودند و دیگر آنکہ در حدیث شریف ارشاد است: قسمیکہ شما اینجانب لا

را بر نیماز مشاہدہ می نمائید همانطور شما نیز نماز را اداء کنید فلہذا بالترتیب کہ آنجانب

ﷺ نمازهای قضاء شدہ را اداء فرمودہ اند بہمان منوال برای ہایان نیز اداء نمودن بکار است

(۱). فقط

جواب: (۲) اگر نماز فوت شدہ در وقتی برایش یاد شد کہ اگر آن را اداء نماید در این وقت

آنقدر گنجایش نیست کہ در آن نماز وقتی اداء شود بلکہ اندیشہ فوت شدن نماز وقتی محسوس

میشود پس در ہمچو صورت نماز وقتی را مقدم اداء نماید و بعد از ان نماز قضاء را بتأخیر اداء

کند حاصل آنست کہ اگر در وقت وسعت و گنجایش باشد در این صورت نماز قضاء را مقدم اداء

نمودن بکار است و اگر گنجایش نباشد در این صورت نماز وقتی را مقدم اداء نمودن بکار است

(۲). فقط

(۱) من فاتتہ صلوة قضاها إذا ذکرها وقدمها علی فرض الوقت والأصل فیہ ان الترتیب بین الصلوات وفرض الوقت مستحق ولو فاتتہ صلوات

رہنہا فی القضاء کما رجعت فی الأصل لأن النبی صلی اللہ علیہ وسلم شغل عن أربع صلوات یوم الخندق فقضاهن مرتباً ثم قال صلوا کما

راہمونی أصلی. (ہذا بہ باب قضاء الصلوات ج ۱ ص ۱۳۷). ظہیر

(۲) ولو حاف الوقت بقدم الوتبیة ثم یقمیہا لأن الترتیب یسقط بعق الوقت وکذا بالنسب وکثرة الصلوات کبلا یزید فی تقویۃ الوتبیة =

جواب: (۳) وقتیکہ نمازہای فوت شدہ زیاد شد در این صورت بالترتیب اداء نمودن آنها ساقط خواهد شد و در عین نماز ہای فوت شدہ نیز لحاظ ترتیب باقی نماند و حد ازدیاد نماز ہا آنست کہ شمار نماز ہای قضاء شدہ بتعداد شش برسد و ہرگاہ وقت نماز ششم گذشت دراین صورت گفتہ خواهد شد کہ اکنون نماز ہای فوت شدہ زیاد شدہ است بناء دراین صورت رعایت ترتیب باقی نخواہد ماند (۱).

جواب: (۴) ہذیمہ یک شخص از مدت طولانی نماز ہای فوت شدہ است و بعد کثرت رسیدہ است شخص مذکور در اداء نمودن نماز ہای فوت شدہ پرداخت کہ بسبب شامت اعمال بعضی نماز ہای دیگر را قضاء نمود پس اکنون چونکہ نماز ہای فوت شدہ قبلی و بعدی زیاد است فلہذا دراین صورت نخست مقدم اداء نمودن نماز وقتیہ جائز است بخاطر آنکہ بسبب کثرت نماز ہای فوت شدہ در نماز ہای قضائی ترتیب باقی نماندہ (۲).

جواب: (۵) اگر شخصی آغاز نماز باء نماز ہای فوت شدہ نمود و اکنون نماز ہای فوت شدہ از تعداد شش کم باقی ماندہ پس الان مسالہ رعایت ترتیب دوبارہ برحال خواهد شد (۳).

جواب: (۶) اگر نماز ہای فوت شدہ آنقدر زیاد شد کہ احصائیہ آنها دشوار میاشد دراین صورت بکار است کہ خوب دقیق تدبیر نماید و یک تخمین درست را بسازد مثلاً در عمر پانزدہ ۱۵ یا ہزدہ ۱۸ سالگی بالغ شد و تا بہ مدت چہار پنج سال نماز ہا را قضاء نمود و احیاناً نماز را اداء می نمود و بعضی اوقات ترک می نمود و این مدت بنا بر تخمین درست آنکس مثلاً چہار سال دربر میگرفت فلہذا برای آن شخص موافق زعمش اداء نمودن آنقدر نماز ہا بکار است اگر در دنیا قرضدار کسی بود و تعداد مقدار مفروضہ برایش یاد نباشد پس آن را همچنان بنا بر تخمین اداء کند تا کہ ہذیمہ اش چیزی باقی نماند و ہمچنین متوال تفکر و تدبیر نماید کہ چقدر نمازہا فوت شدہ است سپس آن را اداء فرماید و شاہان آنست قدریکہ ممکن باشد در آن الزامش نماید زیرا سائر آنها منافعہ و نفعت است.

= (ہدایہ باب قضاء الفوائت ج ۱ ص ۱۲۷). ظہیر

(۱) إلا أن یزید الفوائت علی مئة صلوات لأن الفوائت لم کثرت تنسقط الترتیب لہما بین الفوائت بنفسها کما یسقط بہما بین الوفیة وحد الکثرة أن تصیر الفوائت سنا یخرج وقت الصلوة السادسة (ہدایہ باب قضاء الفوائت ج ۱ ص ۱۳۸). ظہیر

(۲) ولو اجتمعت الفوائت القديمة والحديثة قبل یحوز الوفیة مع تذکر الحدیث لکثرة الخ (ہدایہ باب قضاء الفوائت ج ۱ ص ۱۳۸). ظہیر

(۳) ولو قضی بعض الفوائت حتی قل ما بقی فالترتیب عد البعض وهو الأظهر. (ایضاً ج ۱ ص ۱۳۸). ظہیر

جواب: (۷) کفارہ نمازهای فوت شده اداء نمودن آن نمازها است و بحق تعالی جَلَّ جَلَالُهُ بعجز و ندامت توبه کردن است نه اعطاء نمودن صدقه بلی اگر غضب الہی بسبب صدقه دفع می گردد پس امید است کہ کدام غصه حق تعالی کہ است بسبب ترک نمودن نماز آنها باقی نخواهد ماند و بر آوردن حاجت شخص نیاز مند باعث توجه رحمت الہی خواهد شد و متباقی اصل اداء نمودن نماز است کہ باعطاء نمودن صدقه آن ساقط نخواهد شد.

جواب: (۸) در مورد مریض همچنان بالتفصیل بیان نمودن مسائل مناسب معلوم میشود کہ در کدام صورت کفارہ است و در کدام صورت تخفیف و در کدام صورت معافی است مریض اگر ایستاده شد نمیتواند پس در حالت نشسته نماز و رکوع و سجده را اداء نماید (۱).

جواب: (۹) اگر قدرت رکوع و سجده را نداشته باشد در این صورت رکوع و سجده را باشاره اداء کند یعنی نشسته نماز را اداء نماید و بخاطر اداء رکوع اندک گردن را پایان نماید و بخاطر اداء سجده گردن را زیاد تر پایان نماید (۲).

جواب: (۱۰) تشخیص بخاطر سجده نمودن چیزی را مثلا صندوق میز و غیره را در پیش روی خود نگذارد بلکه هر قدریکہ اشاره نموده میتواند همان کافی است. لَا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا (۳). فقط

جواب: (۱۱) اگر مریض قدرت نشستن نداشته باشد در این صورت پشت افتیده نماز را اداء نماید کہ روی و پاهایش هردو بطرف قبلہ باشد و بخاطر اداء رکوع و سجده بگردن اشاره کند و در اشاره سجده گردن را اندک بیشتر فرود آورد (۴).

جواب: (۱۲) اگر چنان سخت مریض بود کہ نماز را باشاره اداء می نمود و قدرت رکوع و سجده را نداشت کہ ناگهان بقدرت خداوند متعال برایش در داخل نماز قدرت رکوع و سجده کردن عارض شد پس در این صورت بنزد جمہور از سر نو نماز را اداء نماید (۵).

(۱) إذا عجز المريض عن القيام صلى القاعدا وسجد لقوله عليه السلام لعمران بن حصين صل قائما فان لم تستطع لقاعدا فان لم تستطع لعلی

الحنب لزمی ایماء الخ (هدایہ باب صلوة المريض ج ۱ ص ۱۴۴). ظہیر

(۲) ان لم یستطع الركوع والسجود أرمی ایماء الخ یعنی قاعدا (ایضا). ظہیر

(۳) وجعل سجوده أخفض من ركوعه لأنه قائم مقامها فأخذ حكمها، ولا يرفع إلى وجهه شيء الخ (ایضا). ظہیر

(۴) وإن لم یستطع القعود استلقى على ظهره وجعل رجله إلى القبلة وأرمی بالركوع والسجود الخ (ایضا). ظہیر

(۵) وإن صلى بعض صلواته بأيماء لم قدر على الركوع والسجود إستأنف عندهم جميعا (هدایہ باب صلوة المريض ج ۱ ص ۱۴۵). ظہیر

جواب: (۱۳) یک مریض بیهوش شد حتی کہ مدت پنج وقت نماز ہا را یا کم از آن دریہوشی سپری نمود لکن وقتیکہ بیهوش آمد او را می باید کہ قضائی آن نماز ہای فوت شدہ را بجا آورد و اگر از پنج وقت نماز زیاد تر را دریہوشی قرار داشت دراین صورت قضاء بالایش نیست (۱).

جواب: (۱۴) از تفصیلات فوق الذکر این سخن بطور احسن معلوم میشود کہ در شریعت نماز چقدر مرتبہ عالی دارد و همچنان چقدر تاکید بر آن شدہ است کہ در حالت مریضی نیز اداء نمودن آن ضروری است فلہذا برای مایان بکار نیست کہ بغیر از عذر شرعی نماز را ترک نمائیم و ابراز تاسف است بر حال آن عہدہ مسلمانان کہ در حقیق وظیفہ محولہ اش و در تجارت زراعت و لہو لعب وقت خود را سپری می نمایند و مانند نماز کہ محبوب ترین چیزی است کہ بر آن امتیاز مسلمان از غیر مسلمان میشود و از دیاد کنندہ شان فضیلت است و در دنیا و آخرت یک چیزی مفید و کار آمد اورا فوت و قضاء می نماید بناء مسلمان نباید چنین شان داشتہ باشد کہ نماز را ترک نماید.

جواب: (۱۵) شیخ فانی آن کسی را گویند کہ توان و قدرت گرفتن روزہ را بسبب ضعیفی نداشتہ باشد و حکم همچو انسان آنست کہ روزہ را ترک نماید و در غرض آن فدیہ اداء نماید (۲). فقط

جواب: (۱۶) فدیہ یک یوم روزہ بریک مسکین یک روز طعام خوراندن است و بتعداد ہر چند روزہ را کہ خوردہ باشد در عوض آن مسکین را در وقت طعام بخوراند و مقدار آن را شریعت نصف صاع گندم و یک صاع از جو مقرر فرمودہ است کہ آنقدر غلہ و حبوبات را برای فقیر تادیہ (۳) نماید کہ یک صاع تقریباً موافق سیر انگلیسی (کہ ہشتاد تولہ است) کہ خورد کم چارک گندم میشود باید دادہ شود.

جواب: (۱۷) شیخ فانی کہ قدرت گرفتن روزہ را ندارد و نماز معاف نمیشود ایستادہ نماز را اداء نماید اگر قدرت قیام را نداشتہ باشد دراین صورت نشستن نماز را اداء کند و اگر طاقت

(۱) ومن اخصی علیہ خمس صلوة او دونها لعلی وان کان اکثر من ذلک لم یقض (ابن عثیم).

(۲) فالشیخ الفانی الذی لا یقدر علی الصیام یفطر ویطعم لکل یوم مسکیناً کما یطعم فی الکفارة والعجز مثله (عالمگیری مصری کتاب الصوم باب خامس ج ۱ ص ۱۹۹، ط. ماجدہ ج ۱ ص ۲۰۷). ظفر

(۳) یطعم لکل یوم مسکیناً کما یطعم فی الکفارة کذا فی الہدایۃ الخ نصف صاع من ہر اوصاع من تمر اوصاعاً من شعر (عالمگیری مصری کتاب الصوم باب خامس ج ۱ ص ۱۹۹، ط. ماجدہ ج ۱ ص ۲۰۷). ظفر

نشستن را نداشته باشد بارشاره (۱) نماز را اداء نماید مطابق تفصیل فوق الذکر.

جواب: (۱۸) شخصی وفات شد و بذمه اش قضاء روزه فوت شده رمضان باشد و در حین مقدمات موت ورثه خود را وصیت نموده باشد در این صورت بر ورثه او لازم است که احصائیہ روزه او را معلوم نمایند و مطابق تفصیل فوق الذکر فدیہ آن را اداء نمایند و اگر وصیت نکرده بود در این صورت بر ورثه اداء نمودن آن لازم نیست بلی اگر از جانب خود آن را اداء کند این احسان است و از ایزد متعال عز و جلالہ امید است کہ آن را قبول فرماید وصیت نمودن بنزد امام صاحب ما بخاطر آن معتبر است کہ فدیہ نیز عبادت است و عبادت را باختیار واراده خود اداء نمودن بکار است اما وقتیکہ وصیت نمود در این صورت اداء آن لازمی است (۲).

جواب: (۱۹) شخصی کہ در حالت مرض برای ورثه خویش وصیت نمود کہ بدوش بنده آنقدر نماز های قضاء شده باقی مانده است فدیہ ایشان را مشایخ کرام تسلیم نموده است. و در این مورد نماز را مشابه روزه قبولی فرموده اند یعنی آنکہ حکم یک روزه را دارد: و هر مقدار فدیہ کہ برای یک روزه است پس همان مقدار فدیہ برای یک نماز نیز است یعنی فدیہ یک نماز نصف صاع گندم و یک صاع جو است (۳).

جواب: (۲۰) ولی و وارث را از جانب میت روزه گرفتن درست نیست (۴).

جواب: (۲۱) در عصر موجودہ اکثر مسلمانان طاقتور بسبب تکلیف در روزه گرفتن ایشان خویشتن را عاجز پنداشته خود سرانہ در حکم شیخ فانی خود را داخل می نمایند کہ این سراسر و کاملاً غلط است و بنا بر تعیش از تکالیف شرعیہ خود را یکسو نمودن و از آن خود داری نمودن با احکام شرعی سوء ادب و گستاخی است اگر همچو انسان در حبس پادشاه وقت درآمد در این

(۱) سئل عن الشيخ الفاني هل يجب عليه الفدية من الصلوة كما يجب عليه من الصوم وهو حي فقال لا (عالمگیری مصری باب قضاء الفوائت ج ۱ ص ۱۱۷ ط. ماحدیه ج ۱ ص ۱۲۵). ظہیر

(۲) وإذا مات الرجل وعليه صلوات فأوصى أن تعطى كفارة صلواته يعطى لكل صلوة نصف من بر وللوتر نصف صاع ولصوم يوم نصف صاع من ثلث ماله إلخ فإن لم يوصى لورثة وترفع بعض الورثة يجوز (عالمگیری مصری باب قضاء الفوائت ج ۱ ص ۱۱۷ ط. ماحدیه ج ۱ ص ۱۲۵). ظہیر

(۳) إذا مات الرجل وعليه صلوات فأنفذ فأوصى بأن تعطى كفارة صلواته يعطى لكل صلاة نصف صاع من بر وللوتر نصف صاع (عالمگیری مصری باب قضاء الفوائت ج ۱ ص ۱۱۷ ط. ماحدیه ج ۱ ص ۱۲۵). ظہیر

(۴) ولو أمر الأب ابنه أن يقضي عنه صلوة وصيام أيام لا يجوز عندنا كذا في التارخانية وعالمگیری مصری باب قضاء الفوائت ج ۱ ص ۱۱۷ ط. ماحدیه ج ۱ ص ۱۲۵). ظہیر

صورت چرا شیخ فانی باقی نمی ماند و در آن وقت او هر چیزی را می نماید بناء از همجو جرات نمودن برای مسلمانان خود داری نمودن بکار است.

قضاء عشاء را قبل از نماز فجر اداء نماید: سوال: (۱۹۹۵) (۱) در این ایام من در حالت مسافرت بمقام ناگبور بسر میرم و باشندگان آن منطقه اکثرا نماز عشاء را قضائی اداء می نمایند و آن را بعد از صبح صادق و قبل از نماز فجر اداء می فرمایند خواه امام در جماعت ایستاد باشد لکن با آنهم ایشان اولاً نماز عشاء را اداء می نمایند سپس در اداء نمودن نماز فجر می پردازند اگر شخصی چنین تصور نمود که نماز فجر از من فوت خواهد شد در این صورت و ترواً حتما اداء می نماید و بعد از آن نماز فجر را اداء میکند و نماز فرض عشاء را بعد از طلوع آفتاب اداء می نماید نماز ظهر را قضاء می نماید و آن را در آخرین وقت نماز عصر با نماز عصر یکجا اداء می نماید در حالیکه جماعت ایستاده میباشد بناء در این صورت مسأله چگونه است؟

اگر نماز عشاء قضاء شد پس آن را تا به چه وقت اداء نموده میتواند؟ سوال: (۱۹۹۶) (۲) اگر نماز عشاء قضاء شود پس تا بکدام وقت اداء نمودن آن بکار است؟

بعد از صبح صادق: سوال: (۱۹۹۷) (۳) بعد از شروع شدن صبح سائق سجده تلاوت درست میشود یا نه؟ و علاوه از نماز فجر تا به طلوع آفتاب دیگر کدام یک نماز را اداء نموده میتواند یا نه؟

قضاء نماز ظهر و قبل از عصر اداء نمودن بکار است یا نه؟ سوال: (۱۹۹۸) (۴) قضاء ظهر را قبل از نماز عصر اداء نمودن بکار است یا نه؟ یعنی هر دو نمازها اندک قبل از نماز مغرب اداء نموده میتواند یا نه؟

در جماعت مغرب اداء نمودن قضاء درست است: سوال: (۱۹۹۹) (۵) نماز جماعت مغرب شروع است و در آن اثناء یک نفر نماز های فوت شده خود را اداء می نماید خواه نماز ظهر باشد یا از عصر آیا این صحیح است یا غلط؟

قضاء دو سال راجه وقت اداء کند؟ سوال: (۲۰۰۰) (۶) بدمه شخصی که نماز های فوت شده دو ساله باشد آن شخص آیین نماز ها راجه وقت و بکدام ترتیب اداء نماید؟

جواب: (۱) برای صاحب ترتیب یعنی بدمه شخصی که شش یا زیاد تر از شش نماز های قضاء نباشد حکم آنست هر نماز یکی از او فوت شود او باید که نماز فوت شده را از نماز دیگر پیش

تر اداء کند و اگر در آن اثنا نماز جماعت ایستاده باشد پس در آن جماعت شرکت نه ورزد بلکه نماز فوت شده خویش را داء کند سپس از آن نماز وقتیہ را اداء فرماید مثل اگر خواب شد و یا به کدام وجه دیگر نماز عشاء از او فوت شد و صبح صادق طلوع نمود و یا جماعت فجر قائم شد پس او نخست نماز عشاء رافع الوتر اداء نماید بعد از نماز فجر را اداء کند اگر چه نماز جماعت از وی فوت میشود (۱).

جواب: (۲) تحیة الوضوء وغیرہ نوافل را اداء نموده نمیتواند (۲) و نماز قضاء را بجا آورده میتواند کذا فی الدر المختار (۳).

جواب: (۳) سجده تلاوت را اداء نموده میتواند و نماز جنازه و نماز فوت شده را نیز در آن وقت اداء نمودن درست است کذا فی الدر المختار: لایکره فاتنة اوسجدة تلاوة وصلاة الجنازة (۴) الخ. فقط

جواب: (۴) نماز فوت شده ظهر را قبل از نماز عصر اداء نمودن بکار است و بعد از آن اداء نمودن عصر وقتی بکار است (۵).

جواب: (۵) برای صاحب ترتیب بکار است که او نماز های فوت شده ظهر یا عصر خویش را قبل از نماز مغرب اداء نماید کما مر تفصیله کذا فی الدر المختار.

جواب: (۶) بدمه شخصی که نماز های فوت شده دوسال است برای او در اداء نمودن نماز های فوت شده ترتیب لازم نیست در هر وقتی که هر چند نماز ها را اداء نموده میتواند باید که اداء کند اختیار دارد که اگر با هر یکی نماز فرض وقتیہ همان فرض را قضائی اداء می نماید مثلاً قبل از نماز ظهر یا بعد از آن یک نماز ظهر را قضائی اداء کند و اگر از آن اضافه تر گنجایش باشد پس قضاء را نیز زیاد تر اداء نماید (۱).

(۱) من فاتته صلاة لفها إذا ذكرها و قدمها على فرض الوقت الخ و من صلى العصر وهو ذاكر أنه لم يصلي الظهر فهي فاسدة إلا إذا كان في آخر الوقت (هداية باب قضاء الفوات ج ۱ ص ۱۳۷ - ۱۳۹). ظفر

(۲) و بكرة أن يتفل بعد طلوع الفجر بأكثر من ركعتي الفجر (هداية كتاب الصلوة فصل في الأوقات المكروهة ج ۱ ص ۸۲). ظفر

(۳) و بكرة أن يتفل بعد الفجر حتى تطلع الشمس الخ ولا بأس بأن يصلي في هذين الوقتين الفوات ويسجد للتلاوة (أيضا) ج ۱ ص ۸۱. ظفر

(۴) الدر المختار على هامش ودالمحار كتاب الصلوة ج ۱ ص ۳۱۲، ط.س. ج ۱ ص ۳۷۵. ظفر

(۵) و من صلى العصر وهو ذاكر أنه لم يصلي الظهر فهي فاسدة إلا إذا كان في آخر الوقت (باب قضاء الفوات ج ۱ ص ۱۳۹). ظفر

(۶) إلا أن يزيد الفوات على سنة صلوات لأن الفوات قد كثر فنسقط الترتيب فيما بين الفوات بنفسها كما يسقط بينهما وبين الوقتية (هداية باب قضاء الفوات ج ۱ ص ۱۳۸). ظفر

قضاء فجر و قبل از آذان ظہر اداء نماید یا بعد از آن؟ سوال: (۲۰۰۱) اگر نماز فجر قضاء شد و در وقت ظہر موقع میسر شد برای اداء نمودن آن بقاء آیا بگفتن آذان اداء نمودن آن نماز بکار است یا بلا آذان؟

برای نماز قضاء آذان گفته شود یا نه؟ و برای هر نماز علیحدہ علیحدہ آذان باشد یا یکی کافی است؟ سوال: (۲۰۰۲) اگر پنج وقت نماز قضاء شد پس برای کل اوقات ضرورت به آذان دادن است یا تنها برای یک وقت؟

جواب: (۱) اگر تنها از آن شخص نماز قضاء شد پس او نماز قضائی خود را بلا آذان و اقامت اداء نماید (۱).

جواب: (۲) اگر قضاء را بجماعت اداء می نمودند در آن صورت برای نماز اول آذان و اقامت گفته شود و بخاطر نماز های متبائی اختیار دارد خواه آذان میگوید یا نمی گوید و هرچه اقامت برای سائر آن نماز ها گفته شود (۲) فقط.

نماز های قضاء شده پنجاه سال و اداء نمودن آنها: سوال: (۲۰۰۳) زید اکثر نمازها را از آغاز جوانی تا به چهل سالگی قضاء نموده بود و اکنون او بعد از توبه نمودن نماز گذار شده است آیا تدارک و تلا فی نماز های فوت شده بتوبه و تضرع ممکن است و یا آنکه بعد از هر نماز بطور قضاء عمری نماز اداء نمودن بکار است؟ و اگر تلا فی ما فات زندگی او نشود پس آیا بامعصیت وجود توبه این بار عظیم بگردن او باقی خواهد ماند؟ زیرا در حدیث این الفاظ آمده است که التائب من الذنب کمن لا ذنب له.

جواب: بدوش زید قضاء آوردن سائر نماز های گذشته لازمی است و چنانچه نماز های آینده بذمه اش فرض است بهمین منوال اداء نمودن نماز های فوت شده نیز بر او لازم میباشد (۳) و هر طریقه اسهل و اسان تر قضاء آوردن این نماز ها را که برایش معلوم میشود آن را اختیار نماید که با هر یک نماز فرض همان نماز را قضائی اداء نماید یا آنکه دو دو یا چهار را در یک وقت قضائی

(۱) و من أن يؤذن ويقيم للآذان والاعاء صوته أو لجماعة أو صحراء لا يهتة مفرداً (در مختار) لرحمۃ ای فی غیر المسجد بقریة ما یدکره فیهما من انه لا یؤذن لیه للآذان (رد المحتار باب الأذان ج ۱ ص ۳۹۳ ط س ج ۱ ص ۳۹۰ خلیل

(۲) ایضاً ظہر

(۳) وقضاء الفرض والواجب والسنۃ فرض وواجب وسنة لف ونشر مرتب وجميع اوقات العمر وقت للعصه والدر المختار علی هامش رد المحتار باب قضاء الفرائض ج ۱ ص ۹۸۰ ط س ج ۲ ص ۶۶۶ خلیل

اداء کند و اگر در حین حیات تلافی مالات کرده نتوانست در این صورت در حالت آخری برایش وصیت نمودن اعطاء فدیہ لازمی است بخاطر آنکه ورثه اش بعد از وفاتش فدیہ نماز های متباقی او را اداء کنند.

ومطلب حدیث: التائب من الذنب کمن لا ذنب له (۱) انست که بتاخیر نمودن نماز ها و بتکرار نمودن نماز وقتی که کدام گناه بوده آن گناه بتوبه معاف خواهد شد و ثانیاً این سخن واضح و روشن باید شود چنانچه توبه حقوق العباد است که آن حقوق ناگزیر باید اداء شود و حق هر کسی که بذمه اش باشد آن را برایش تادیه نماید در این صورت توبه پذیرفته و قبول خواهد شد همچنان حقوق الله نیز است مانند نماز روزه زکوة و غیره که آنها اداء نشده است توبه آنها آنست که آنها اداء گردد فلهمذا بغیر از اداء نمودن آنها اوتائب نمیشود که در حکم حدیث: التائب من الذنب کمن لا ذنب له داخل شود والله ولی التوفیق. فقط

در حالت احتلام بعد از غسل نمودن نماز را اداء نماید و بعد از اختتام وقت قضاء را اداء کند؟ سوال: (۲۰۰۴)

اگر کسی را در وقت صبح صادق احتلام عارض شود آیا نماز فجر را قضا اداء کند و یا بعد از طلوع آفتاب و بعقب فارغ شدن غسل آن را اداء نماید و یا چگونه نماز را اداء کند؟

جواب: غسل کند و نماز فجر را اداء فرماید و اگر وقت باقی نمانده باشد در این صورت فرض فجر را بعد از ارتفاع آفتاب مع سنت اداء نماید (۲) فقط.

بعد از بلوغ اداء نمودن نماز های فوت شده ضروری است: سوال: (۲۰۰۵) روزه و نماز

قضاء عمری فرض است یا نه؟ یک نفر پابندی سی سال روزه و نماز را ننموده است؟
جواب: بعد از حد بلوغ هر چند نمازها و روزه که از وی فوت شده است قضائی آنها را بجا آورد (۳). فقط

(۱) مشکوٰۃ باب التوبة والإستغفار ص ۲۰۶. طبر

(۲) ولا تقضیها إلا بطریق النیمة لقضاء فرضها قبل الزوال لا بعده فی الأصح لو ردد الخبر بقضائها فی الوقت المهمل (در مختار) قوله لو ردد الخبر وهو ما روی انه صلى الله علیه وسلم قضاهما مع الفرض غداة ليلة العرس بعد ارتفاع الشمس كما رواه مسلم (رد المحتار باب إدراک الفریضه ج ۱ ص ۱۷۲. ط. م. ج ۴ ص ۵۷). طبر

(۳) وقضاء الفرض الخ فرض الخ وجميع اولات العمر وقت للقضاء (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب قضاء الفرائض ج ۱ ص ۶۸۰. ط. س. ج ۲ ص ۶۶). طبر

اگر احصائیہ تعداد نماز های قضاء بیادش نباشد پس بنا بر تخمین آن را اداء نماید:

سوال: (۲۰۰۶) یک نفر بوجه مریضی نمازهای سه یا چهار ۴ سال قضاء نموده لکن احصائیہ آنها بیادش نبود وبعد از آنکه صحت یاب شد نماز های قضاء را بجا آورد لکن تعداد آنها نیز بیادش نبود فلہذا اکنون قضائی چقدر نماز ها را اداء نمودن بکار است؟

جواب: درمجموع موارد تخمین آنها را نموده وبعد از آن قضائی نماز ها را بجا آورد.

قضاء را اداء نموده نتوانست کہ بمرض موت مبتلا شد پس اکنون چه باید کرد؟ سوال:

(۲۰۰۷) اگر نوبت وفروقت اداء نمودن نماز قضاء میسر نشد وبمرض موت گرفتار شد وقدرت اداء فدیہ را نیز نداشته باشد بناء طریقہ بری شدن از مواخذہ چیست؟

جواب: اداء نمودن نماز ها فوت شدہ یا اعطاء نمودن فدیہ نیز ممکن است موجب سقوط عذاب شود ومتبائی مبنی بر مشیت اللہ پاک ﷺ است چنانچہ فرمودہ است وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ فَقَطْ.

بعد از نماز فجر وقبل از طلوع آفتاب اداء نمودن قضاء درست است: سوال: (۲۰۰۸)

اگر شخصی بعد از نماز فجر وقبل از طلوع آفتاب وهمچنان بعد از نماز عصر وقبل از غروب آفتاب قضاء را اداء می نماید آیا جواز دارد یا نہ؟

جواب: جواز دارد (۱). فقط

شخصی کہ عصر را قضاء نمود او در وقت مغرب نخست اداء نماید یا قضاء؟ سوال:

(۲۰۰۹) اگر شخصی نماز عصر را قضاء نمود ووقت مغرب داخل شدہ باشد پس آیا در جماعت شامل شود ویا آنکہ نخست قضاء عصر را بجا آورد؟ **جواب:** اگر این شخص صاحب ترتیب باشد در این صورت نخست قضاء عصر را بجا آورد اگر چہ جماعت مغرب او وی فوت میگرد (۲). فقط.

قضاء جماعت درست نیست: سوال: (۲۰۱۰) یک امام قضاء عمری را بجماعت اداء نمود

آیا در مذهب امام صاحب رحمۃ اللہ علیہ ای ن جائز است یا نہ؟

(۱) وكره نفل الخ بعد صلوۃ فجر وصلوۃ عصر الخ ولا يكره قضاء فاتتة ولو ولوا والد المصنوع على هامش رد المحتار كتاب الصلوة ج ۱ ص ۳۴۷ - ۳۴۸، ط.ب. ج ۱ ص ۳۷۴. ظہیر

(۲) ومن فاتتة صلوۃ لقضاء إذا ذكرها ولقدها على فرض الوقت الخ ومن صلى العصر وهو ذاكر أنه لم يصلي الظهر فهي لاسدة إلا إذا كان في آخر الوقت (مداہ باب قضاء الفواتت ج ۱ ص ۱۳۷ - ۱۳۹). ظہیر

جواب: شرعا چنین نمودن جائز نیست و امام صاحب رح آن را جائز نمی فرمایند (۱).

نماز قضاء وروزه تنها بتوبه معاف نمیشود: سوال: (۲۰۱۱) ایانماز های فوت شده وروزه بتوبه معاف میشود یا نه؟

جواب: تنها بتوبه معاف نمیشود بلکه قضاء آوردن آنها لازم است (۲) فقط.

بعد از موت كفاره نماز

كفاره نمازها بعد از موت است یا در حیات نیز است؟ سوال: (۲۰۱۲) یک نفر مریض است و در مدت مریضی از او نمازها قضاء شده است و امید صحت او کمتر محسوس میشود آیا كفاره نماز او در حیاتش تادیه شود و یا بعد از وفات و كفاره نماز چیست و در كفاره نماز اعطاء نمودن حیوانات بهتر است یا پول نقد و یا آنکه کتاب های دینی خریداری شود و بمدارس دینی و اسلامی توزیع گردد؟

جواب: تادیه نمودن كفاره نماز بعد از وفات بكار است و در حال حیات حكم اعطاء نمودن كفاره نیست و كفاره یک نماز بوزن انگلیسی ربع كم دوسیر گندم است و در شب و روز شش نماز را در نظر گرفتن بكار است یعنی مع الوتر (۳) بناء كفاره نماز نماز های شد و برایش اختیار است خواه گندم میدهد یا پول نقد را لكن پول نقد بهتر است زیرا در آن سائر حوائج مسکین رفته میگردد (۴) و اگر کتاب های دینی را خریداری نماید و میخواهد كه آن را بدهد آنهم درست

(۱) بنام قضاء عمري اگر كمّت های مخصوص بهیئت خاص اداء نمودن مراد باشد در شریعت این هیچ اصل ثبوت ندارد اگر مراد اداء نمودن مطابق تعداد نماز های قضائی باشد در این صورت تعین آن ضروری است و آن را علی الاعلان نیز اداء نمودن بكار نیست فقهاء كرام در این مورد صراحت می نمایند: و بكرة لقضاءها فيه لأن التأخير معصية فلا يظهرها (ترمذی) لأن التأخير معصية إنما يظهر أيضا في الجماعة لا المنفرد الخ كما قدمناه عن الفهنتاني على أنه إذا كان التفويت لأمر عام لا بكرة ذلك للجماعة أيضا لأن هذا التأخير غير معصية هذا، و يظهر من التعليل أن المكروه لقضاءها مع الإطلاء عليها ولو في غير المسجد (رد المحتار باب الأذان ج ۱ ص ۳۹۳، ط. س. ج ۱ ص ۳۹۱) ظهير

(۲) قضاء الفرض الخ فرض (الدر المختار على هامش رد المحتار باب قضاء الفوات ج ۱ ص ۶۸۰، ط. س. ج ۲ ص ۶۶) ط

(۳) ولو مات وعليها صلوات ثلاثة وأوصى بالكفارة يعطي لكل صلوة نصف صاع من بر كالقنطرة وكذا حكم الوتر والصوم وإنما يعطي من ثلث ماله الخ ولو أدى عن صلوته في مرضه لا يصح بخلاف الصوم (الدر المختار على هامش رد المحتار باب قضاء الفوات ج ۱ ص ۶۸۵ - ۶۸۶، ط. س. ج ۲ ص ۷۲) ظهير

(۴) قوله نصف صاع من بر أي أرمز دقيقة او سويقة او صاع تمر او زبيب او شعير او قيمته وهي افضل عندنا لإسراعها بسد حاجة الفقر (رد المحتار باب قضاء الفوات ج ۱ ص ۶۸۶، ط. س. ج ۲ ص ۷۲) ظهير

است لکن در آن صورت ضروری است کہ کتاب ہای مذکور بالای طلاب توزیع نماید و در ملکیت آنها در آورند و در مدارس قسمیکہ کتاب ہا و قف مییاشد بہمان طریقہ جائز نیست و در آن صورت کفارہ اداء نخواہد شد.

اگر از طرف بی نماز ورثہ اش فدیہ اداء کند بری خواہد شد یا نہ؟ سوال: (۲۰۱۳) زید
چہل سالہ بود کہ وفات شد و یک وقت نماز را نیز اداء نکردہ بود اکنون ورثہ اش کفارہ را اداء نمایند آیا زید بری الذمہ خواہد شد یا نہ؟ و همچنان از او سوال ترک نمودن فرائض خواہد شد یا نہ؟ و در صورت بری شدنش آیا این جواز امرا و مالداران را دلیر و جراتمند نخواہد ساخت یا نہ؟
جواب: بدون وصیت میت و بغیر از مال متروکہ بدمہ و رثہ اداء نمودن کفارہ واجب نیست و اگر تبرعا ایشان کفارہ نماز ہای او را تأدیہ می نمایند صحیح و پسندیدہ است و شاید کہ اللہ پاک آن را سبب در گذری گناہان او فرمایند و ہر شخصی کہ بسن چہل سالگی وفات نمود بدمہ او تقریباً فدیہ بیست پنج سال لازم است زیرا در سن پانزدہ سالگی بالغ محسوب میشود بہر حال در حال حاضر لا اعطاء نمودن فدیہ و رثہ پسندیدہ است در آن کدام حرج نیست با آنہم در آن مورد یقینی نیست کہ متوفی بری الذمہ خواہد شد لکن امید برائت است و اداء نمودن آن فدیہ بترک نمودن نماز دلیر و جرأت مند کردہ نمیتواند زیرا برای تارک نماز نخست یقین حاصل نیست کہ و رثہ اش فدیہ او را اداء می نماید یا نہ و دیگر آنکہ در صورت عدم وصیت نمودن همچنان در صورت عدم ترک نمودن مال بتبرع و ارثان و از طرف خویشتن بتأدیہ نمودن فدیہ بری الذمہ بودن میت متیقن نیست بہر حال ترک نمودن فروض گناہ بزرگ است و از آن پرسش بعمل حتما شدنی است خوہ فدیہ را اداء نمودہ یا نمودہ و متابقی عفوہ و بخشش باختیار اللہ پاک است ^(۱) و یَقْفَرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ. فقط

کفارہ بی نمازی چہ وقت ضروری میشود؟ سوال: (۲۰۱۴) زید در حال بی نمازی و سود خواری وفات شد و بعد از وفاتش بعضی علماء کفارہ شش ماہ او را تخمیناً بر آورد نمودند برخی آن را در تصرف خود آورد و برخی آن را بر مسکینان و فقیران توزیع فرمودند بناء بر آورد نمودن

(۱) ولومات و علیہ صلوات فاتتہ و اوصی بالکفارة و يعطى لكل صلوة نصف صاع من بر كاتلفرة و كذا حكم الوتر والصوم و انما يعطى من لث مالہ (در مختار) ای يعطى عنه و لہ الخ إن اوصى و لا فلا يلزم ذلك الخ أما إذا لم يوص فطرح بها الوارث فقد قال محمد في الزهدات أنه يحزبه ان شاء الله تعالى فلعن الإجزاء بالمشية لعدم النص (رد المحتار باب قضاء القرائات مطلب في إسقاط الصلوة عن الميت ط. س. ج ۲ ص ۷۲). ظہر الدین

همجو کفارہ جائز است یا نه؟

جواب: اداء نمودن فدیہ نماز و روزه بغیر از وصیت میت و بدون مال متروکه بر ورثہ لازم نیست اگر ایشان فدیہ را میدهند این تبرع است احتمال دارد کہ فدیہ اداء گردد لکن در آن مورد حکم قطعی شده نمیتواند قال فی الدر المختار: ولومات وعلیہ صلوات فائتة و اوصی بالكفارة يعطي لكل صلاة نصف صاع من بر كالفطرة وكذا حكم الوتر والصوم وانما يعطى من ثلث ماله الخ والشامي زاد في الامداد: ولم يوص بشي واراد الولي التبرع الخ و اشار بالتبرع الى ان ذلك ليس بواجب^(۱) علی الولی فقط.

اگر متوفی در مورد فدیہ نماز های فوت شده وصیت نماید پس آن را از ثلث مال اداء

باید کرد: سوال: (۲۰۱۵) زید وفات شد اما وصیت نمود کہ فدیہ نماز های فوت شده بنده را اداء نمائید چنانچه در اکثر مناطق پنجاب مردم با جنازه غله وغیره را می برند بناء آیا این درست است یا نه؟

جواب: اگر زید یک مقدار مال را نیز ترک نموده باشد و وصیت نیز نموده باشد کہ فدیہ نماز های بنده را اداء نمائید در این صورت اداء نمودن فدیہ بر ورثہ زید لازم است و تابه ثلث حصہ سوم مال وصیت نافذ العمل است در الدر المختار مذکور است: ولو مات وعلیہ صلوات فائتة و اوصی بالكفارة يعطي لكل صلاة نصف صاع من بر كالفطرة وكذا حكم الوتر والصوم وانما يعطى من ثلث ماله^(۲) الخ.

وصیت در مورد روزه و نماز و اداء نمودن آن: سوال: (۲۰۱۶) زوجه یک نفر بعد از سپری

نمردن شش ماه مریضی وفات شد و از آن زن در آن مدت مریضی ده ۱۰ یا دوازده ۱۲ روز نماز ها قضاء شده است و روزه یکماه رمضان المبارک نیز و در وقت مقدمات مرگ بشوهرش گفت کہ من آنقدر نماز ها و روزه یک ماه رمضان المبارک را قضاء نموده ام فلہذا عوض آن را اعطاء کن بناء در بدل نماز ها چه چیز تادیہ شود آیا بمسکینان طعام خوراندہ شود یا پول نقد برای ایشان اعطاء گردد و در عوض روزه همچنان چه چیز تادیہ نمودن بکار است و آیا شوهرش از طرف او روزه گرفته میتواند؟

(۱) و در المختار باب قضاء الفرائض مطلب إسقاط الصلوة عن الميت ج ۱ ص ۶۸۵ - ۶۸۶ ط. س. ج ۲ ص ۷۲ ط.

(۲) الدر المختار علی هامش و در المختار باب قضاء الفرائض مطلب فی إسقاط الصلوة ج ۱ ص ۶۸۵ - ۶۸۶ ط. س. ج ۲ ص ۷۲ طفر

جواب: فدیہ نمازها و روزہ خواہ نقد داده شود یا غلہ وغیرہ داده شود ہر دو درست است. وفدیہ یک نماز بوزن انگلیسی کہ ہشتاد ۸۰ تولہ مییاشد خورد کم یک چارک گندم میشود یا قیمت آن داده شود و همچنان فدیہ یک روزہ نیز بہمین متوال داده میشود پس احصائیہ سائر نمازها را مع الوتر بگیرد و حساب سی روزہ را نیز بگیرد کہ یک شبانہ روز شش نماز میشود پس فدیہ نمازهای سی ۳۰ روز دہ ۱۰ خورد کم دہ ونیم (چارک) یا قیمت آن میشود و آن را بر مسکینان توزیع نماید و فدیہ سی روز روزہ یک من و دوازده ونیم چارک گندم یا قیمت آن شد و روزہ گرفتن از طرف کسی معتبر نیست بلکہ تنها دادن بکار است ^(۱) فقط.

اگر در صورت وصیت ورثہ گرفتارہ نمازها رانندہند دراین مورد چیست؟ سوال: (۲۰۱۷)

زید وفات شد و رثہ زید بعد از وفات او یک وصیت نامہ تحریر شدہ زید را دریافت نمودند زید در وصیت نامہ نوشته بود کہ نمازهای قضاء شدہ چند سال و تقریباً قضاء روزہ دوماہ بر من واجب الاداء است کہ بعد از وفات بندہ از مال متروکہ وجانی داد من فدیہ آنها اداء گردد بناء آیا بذمہ ورثہ زید شرعاً وصیت مذکورہ واجب الاداء است یا نہ؟ اگر واجب باشد پس فدیہ یک نماز جقدر واجب است و همچنان فدیہ روزہ یک روز جقدر مییاشد؟ و اگر ورثہ زید با وجود جانی داد متروکہ فدیہ او را اداء نکند آیا عند اللہ ایشان گنہکار خواہد باشند یا نہ؟ و همچنان زید از مواخذہ بری الذمہ خواہد باشد یا نہ؟

اگر احصائیہ نمازهای فوت شدہ روشن نباشد دراین صورت بنا بر تخمین نمودن فدیہ

را اداء نمایند: سوال: (۴۰۱۸) زید متوفی مذکور در مورد نمازهای فوت شدہ خویش در وصیت نامہ نگاشته است کہ نمازهای فوت شدہ شش سالہ بر ذمہ من واجب است کہ در آن جملہ نمازهای قضاء شدہ ۳ سال ونہ ۹ ماہ را بجا آورده ام و از ۱ ذیقعدہ ۵ سنہ ۱۳۳۴ روزانہ متواتر قضائی یک روز را شروع نموده ام و علاوہ از آن تحریر دیگر کدام تحریری یافتہ نمیشود کہ تا بکدام اندازہ قضاء را بجا آورده است ممکن است کہ متبائی سائر نمازها را اداء نموده باشد و احتمال دیگر نیز است کہ علاوہ از یک نماز قضائی نماز دیگر را بجا نہ آورده باشد دراین صورت شرعاً از ترکہ متوفی فدیہ اداء شود یا نہ؟ اگر دراین صورت فدیہ وغیرہ واجب

(۱) ولومات وعلیہ صلوات لائتہ وارضی بالکفارتہ بعطی لکل صلوٰۃ نصف صاع من بر کالفطرۃ وکذا حکم الوتر والصوم وایضا بعطی من لئلت ماله الخ والدم المختار علی هامش ردالمحتار باب قضاء الفوائت ج ۱ ص ۱۸۵، ط. س. ج ۲ ص ۷۲، ظہیر

نباشد و یک مقدار رقم در فدیہ اداء کرده باشد آیا ثواب آن خواہد رسید؟ وبخاطر معصیات متباہی کفارہ خواہد باشد یا نہ؟

علمائو از گندم دیگر غلہ جات یا قیمت آن در فدیہ اداء نمودن نیز درست است: سوال:

(۲۰۱۹) اگر در فدیہ گندم نداد بلکه قیمت یا غلہ وحبوبات را برای مستحقین تادیہ نمود آیا این فدیہ اداء خواہد شد یا نہ؟ وعلاوہ از گندم از متباہی غلہ جات چہ مقدار اداء کردہ شود و زیاد تر مستحق فدیہ چہ نوع مردم اند اگر رقم و مبلغ فدیہ بمدارس اسلامی برای طالبان گسیل شود پس متباہی اخراجات و پول فیس در فدیہ محسوب خواہد شد یا نہ؟

جواب: (۱) بذمہ ہر کسی کہ روزہ و نماز واجب الاداء باشد و او غنی و ثروتمند باشد در این صورت برای او در حین مقدمات موت وصیت نمودن واجب است و در صورت وصیت نمودن و گذاشتن مال بذمہ ورثہ میت نافذ نمودن آن وصیت از حصہ سوم وثلث مال میت واجب است در شامی مذکور است: يعطى عنه وليه اي من له ولاية التصرف في ماله بوصاية او واثلة فيلزم ذلك من الثلث ان اوصى والا فلا يلزم الوصي^(۱) ذلك وفدیہ یک نماز بمقدار صدقہ فطر است یعنی نصف ساع از گندم یا یک صاع از جو و یا قیمت آن و بہمین مقدار از یک روزہ نیز می باشد لکن در نماز حساب شش نماز شبانہ روز را در نظر داشتن بکار است زیرا وتر واجب در حکم فرض است و در صورت وصیت نمودن میت و گذاشتن مال اگر وصیت او را از ثلث مالی حصہ سوم مال تکمیل و نافذ نکنند ایشان ہمہ گنہکار می باشند و میت همچنان از مواخذہ اخروی بری الذمہ نخواہد شد تا کہ اللہ پاک بفضل خود او را معاف نماید^(۲).

جواب: (۲) بنا بر احتمال قوی ہر مقدار نماز ہا و روزہ کہ بذمہ میت باشد بہمان مقدرا فدیہ از ثلث مال متروکہ اداء نمودہ شود و در آن تحریر ذکر وصیت نیست کہ بر آن حکم وجوب فدیہ کردہ شود و از آن توضیحات اندازہ نماز ہا معلوم خواہد شد کہ او چقدر قضائی نماز ہا را بجا آورده است و چقدر بذمہ اش باقی مانده است یعنی از تاریخ وفاتش حساب شدہ میتواند لکن احتیاط در آن است کہ از کدام تاریخ کہ نماز ہای قضاء را شروع نمودہ است از همان تاریخ

(۱) رد المحتار باب قضاء الفرائض مطلب إسقاط الصلوة عن الميت ج ۱ ص ۶۸۵ - ۶۸۶، ط.س. ج ۲ ص ۷۲، ظ.

(۲) ولومات وعلیہ صلوات ثلاثہ و اوصی بالکفارة يعطى لكل صلوة نصف صاع من بر كالغرفة وكذا حكم الوتر والصوم وإنما يعطى من ثلث ماله (رد المحتار) ای يعطى عنه وليه ای من له ولاية التصرف في ماله بوصاية او واثلة فيلزم ذلك من الثلث إن اوصى (رد المحتار باب قضاء

الفرائض ج ۱ ص ۶۸۵، ط.س. ج ۲ ص ۷۲، ظفر

حساب نماز ها گرفته شود تا به وقت وفاتش اولاً فدیہ روزہ و نماز وصیت شدہ ادا شود و اگر در فدیہ زیادت و افزایش شود ثواب نیز بمیت میرسد و باعث کفاره گناہانش خواهد شد قال اللہ تعالیٰ: **انِ الْاِحْسَانَ يُذْهِبُ السَّيِّئَاتِ**.

جواب: (۳) در فدیہ طعام خوردن غلہ و غیرہ آن چیز ہای کہ غیر منصوص علیہ است مانند جواری و غیرہ از آنها آنقدر اداء نمودن بکار است کہ قیمت آن معادل نصف صاع گندم و مساوی قیمت یک صاع جو یکسان باشد و وزن انگلیسی وزن صاع سہ سیر و شش چیتاکی میباشد کہ نصف چیتاکی کم پاوکم دو سیر شد ^(۱) و مصرف اش همان است قسمیکہ مصرف زکاة و صدقہ فطر است ^(۲) و زیاد تر مستحق اش آن عده مردم است کہ زیاد نیاز مند و محتاج باشند مانند قرضدار و غیرہ و بمدارس برای طالبان ارسال شود آن ہم مصرف پسندیدہ است لکن پول مصارف فیس در آن حساب نمیشود فقط.

رقم کفاره را در مسجد یا چاه مصرف نمودن درست نیست کفاره نماز در حال حیات

فیست: سوال: (۲۰۲۰) یک دختر شدید مریض است و رولہ دختر بدان فکر اند کہ کفاره نماز اش را در حال حیاتش دادہ شود زیرا صحت مند شدن او ناممکن است و یا قیمت آن را در مکہ بدهد و یا لباس و غیرہ را برای مساکین بسانند یا اگر کسی بحدج میرود برایش بطور امانت بدهد کہ در آنجا آن را برای فقراء بدهد یا آن را در یک مسجد و یا چاه مسجد مصرف نماید؟

جواب: فدیہ و کفاره نمازها و روزہ مریض بعد از وفات دادہ میشود زیرا در حال حیات حتی المقدور حکم اداء نمودن نماز است اگر چہ بالاشارہ و غیرہ اداء شود حاصل آنکہ کفاره نماز و روزہ را بعد از وفات دادن بکار اش بشرطیکہ میت وصیت نماید بناء بعد از وفات ہرچند نماز ها و روزہ کہ بدمہ اش باشد کفاره طورے اداء کند کہ در عوض ہر نماز پاوکم دوسیر گندم وزن انگلیسی یا قیمت آن را برای مسکینان بدهد و همچنان کفاره یک روزہ نیز بہمین مقدار اداء گردد بناء این قیمت را خواہ بمساکین و یتیمان و بیوہ گان توزیع می نماید و یا بطلبان مدارس

(۱) یعنی لکل صلوۃ نصف صاع من بر کالفرطہ و کذا حکم الوتر والصوم (درمختار) قولہ نصف صاع من بر الخ ای او من دقلقہ او سولقہ او صاع نمر او زہب او شعر او قیمتہ وھی الفضل عندا لاسراہما بعد حاجۃ الفقیر (رد المحتار باب قضاء الفرائض المطلب فی اسقاط الصلوۃ عن الميت ج ۱ ص ۶۸۵ ط. س. ج ۲ ص ۷۴ ظہیر

(۲) ای مصرف الزکوة والمشر (درمختار) وهو مصرف ايضا لصدقة الفطر والكفارة والذکر وغير ذلك من الصدقات الواجبة كما فی التہمتانی (رد المحتار باب المصروف ج ۲ ص ۷۹ ط. س. ج ۲ ص ۳۳۹ ظہیر

(۱) توزیع می نمایند و یا بپول مذکور ملبوسات خریداری می نمایند و بفقران تقسیم می کنند فلہذا سائر مراجع فوق الذکر جائز است و آن ہم درست است کہ برای یک شخصی کہ رونده حج باشد برایش داده شود کہ بمساکین مدینہ منورہ یا بمسکینان مکہ مکرمہ تقسیم نمایند لکن بہتر آنست کہ برای مسکینان ہمسہریان خویش آن را اعطاء نمایند درمسجد یا چاہ مصرف نمودن آن درست نیست. فقط

حیثیت شوعی حیلہ اسقاط چیست؟ سوال: (۲۰۲۱) (۱) سہ نوع حیلہ اسقاط را کہ در کتاب ہای معتبر فقہ مرقوم نمودہ اند کہ سائر نماز فرائض واجبات وغیرہ قضاء شدہ راحساب نمایند و در فدیہ آنها کہ کدام مقدار گندم مقرر شد سپس از آن یکمقدار گندم را بیارود و یا قیمت گندم مقررہ را مقرر نمایند و بعد از آن یک چیزی ذی قیمت را وارث برای فقیر بدهد و بعد از آن فقیر برای وارث مسترد کند سپس از آن وارث بفقر تادیہ نمایند و بہمین طرح تکرار نمایند تا کہ قیمت فدیہ گندم مقررہ کامل شود دراین صورت اداء خواہد شد یا نہ؟

قرآن مجید در فدیہ اعطاء نمودن چگونه است؟ سوال: (۲۰۲۲) (۲) وارث میت قیمت قرآن مجید را دراین فدیہ معادل کدام مقررہ تہیہ نماید و بر یک ملا یا فقیر آن را بفروشد و قیمت آن را بالای او دین نماید و این دین را در عوض این فدیہ مقررہ میت برای مشتری ببخشد؟

قیمت قرآن: سوال: (۲۰۲۳) (۳) وارث میت قیمت قرآن مجید را در فدیہ میت طبق گندم مقررہ تہیہ نماید و برای یک ملا یا فقیر قرآن مجید را یکبار در عوض فدیہ میت برایش ببخشد بنای آیا این صورت ہای سہ گانہ درست است یا نہ؟

جواب: (۱- ۲- ۳) در این مورد کہ فقہاء کرام کدام حیلہ را تدوین نمودہ اند آن را در صورت ناداری واللاس محض بطریقہ تبرع فقہاء کرام نگاشته بودند کہ اگر در حین ضرورت ہمجو کردہ شود پس امید است فرائضی کہ بدمہ میت است اداء شود لکن در آن حیلہ ہا کہ دیگر کدام مفاسد نہفتہ است کہ ورثہ با وجود داشتن استطاعت نمیخواہند کہ فدیہ را کاملاً اداء

(۱) ولومات و علیہ صلوات ثانیۃ و اوصی یعطی لکل صلوة نصف صاع من بر کانتظرة و کذا حکم الوتر والصوم و انما یعطی من ثلث مالہ (در مختار) قوله علیہ صلوات ثانیۃ ای بان کان یقدر علی ادائها ولو بالإیماء فیلزمہ الإیماء و لا فلا یلزمہ وإن لکت (ردالمحتار) باب قضاء الفرائض مطلب فی إسقاط الصلوة عن الميت ج ۱ ص ۶۸۵ - ۶۸۶، ط.س. ج ۲ ص ۷۲. غفر

نمائند بلکه حیلہ جوئی می نمایند و علاوه از آن مقاصد باقی مقاصد شرعیہ نیز در آن حیلہ ہا نہفتہ و موجود است کہ بسبب آن از ہمجو حیلہ ہا ممانعت کردہ میشود^(۱) فقط.

بعد از ایضاً نمودن فدیہ نماز ہا از حصہ سووم ترکہ ضروری است: سوال: (۲۰۲۴) والدہ

مرحومہ بندہ بوقت وفات برایم فرمودہ بود کہ فدیہ نماز ہای مرا از زیورات من اداء نمایند آیا از آن فدیہ خاص مراد است یا ہر قدر یکہ ممکن باشد اگر فدیہ مراد باشد در آن تعین مقدار آن دشوار است زیرا کدام نماز ہای کہ اداء نشدہ است احصائیہ و شمار آن ہیج بدسترس نیست یا این وصیت پنداشتہ شود و یک ثلث آن دادہ شود و مصرف آن چگونہ است آیا در فروش مسجد و سایبان و غیرہ آن را مصرف نمودہ میتواند یانہ؟

جواب: اگر متوفیہ مرحومہ چیزی مال گذاشتہ باشد پس مطابق وصیت او فدیہ نماز ہای فوت شدہ را از ثلث ترکہ اداء نمودن ضروری است و اندازہ قوائت و بتحقیق ہر چند نماز ہای فوت شدہ تخمیناً معلوم شود فدیہ آن را بدهد و در فدیہ یک نماز خورد کم یک جاریک گندم و یا قیمت آن را بدهد و مرجع مصارف ان فقراء اند مانند زکاة و صدقات واجبہ^(۲) و در اعمار مسجد و دیگر ضروریات آن و غیرہ کہ تملیک فقیر نباشد اعطاء نمودن فدیہ مذکور درست نیست^(۳) فقط.

فدیہ روزہ مرضی الوفات نیست بلکہ تنہا از نماز ہا است: سوال: (۲۰۲۵) یک زن وفات

شد نماز و روزہ سہ سال را قضاء نمودہ بود کہ در مورد نماز ہای قضاء شدہ او قبلاً شوہر خود را مطلع نمودہ بود کہ در بدل فدیہ نماز و روزہ من غلہ اعطاء کن مرحومہ چیزی از زیورات و غیرہ نیز نداشت کہ آن را ترکہ نمودہ باشد و ہر چند زیورات کہ ہمراہش بود شوہرش در آن

(۱) ولو لم یتبرک ما لا یستغرض و اولہ نصف صاع مثلاً و یملئہ لفقیر ثم یدلہ لفقیر للوارث لم و تم حتی یعم (در مختار) لم یتبرک ما لا ی اصلاً او کان ما اوصی بہ لا یلی، زاد فی الامداد او لم یوص بشئ و اراد الولی التبرع الخ و اشار بالنسب ان ذلک لیس بواجب علی الولی و لیس علیہ فی تسبیب المحارم للآل لا یجب علی الولی لعلی المورث ان اوصی بہ المیت لانہا وصیۃ بالنسب و الواجب علی المیت ان یوصی بما یلی بما علیہ ان لم یضیق الثلث عنہ فإن اوصی بأقل و امر بالدور و ترک بقیۃ الثلث للورثۃ او تبرع بہ لغيرہم قلہ الم یتبرک ما وجب علیہ الخ (رد المحتار باب قضاء الوفات مطلب فی إسقاط الصلوۃ عن المیت ج ۱ ص ۹۸۶ - ۹۸۷، ط.س. ج ۲ ص ۷۲)، ظہیر

(۲) ولو مات و علیہ صلوات لاثنته اوصی بالکفارة یعطى لكل صلوۃ نصف صاع من بر کالکافرة و کذا حکم الوتر و النعم و إنما یعطى من ثلث مالہ الخ (المر المختار علی هامش و الد المختار باب قضاء الوفات ج ۱ ص ۹۸۵، ط.س. ج ۲ ص ۷۲)، ظہیر

(۳) لا یصرف إلی بقاء نحو مسجد و لا إلی کفن میت (المر المختار علی هامش و الد المختار باب المصروف ج ۲ ص ۸۵، ط.س. ج ۲ ص ۳۴۱)، ظہیر

مورد ابراز نظر میکند که من آن را در مدت مریضی اش بخاطر تداوی او مصرف نموده ام فلہذا فدیہ روزہ و نماز های او را تأدیہ نکرد آیا والدین مرحومہ مستحق اداء نمودن فدیہ هستند یا شوہرش ذمہ وار است؟

جواب: در این صورت کہ از متوفیہ کدام روزہ در مدت مریضی فوت شدہ است و او درہمان مریضی وفات یافتہ است و در میان از صحت باب نشدہ است بناء قضائی آن روزہ ہا بدوش او لازمی نشد و تاگزیر فدیہ آن نیز ساقط گردید و اما قضاء نماز ہا بلا شک بر او لازم شدہ است. و در صورت اداء شدن فدیہ لازم شدہ است لکن متوفیہ وقتیکہ چیزی ترکہ را نگذاشتہ است فلہذا اداء نمودن فدیہ نماز ہا بذمہ ورثہ لازم نیست البتہ اگر والدین مرحومہ و غیر ہما تبرعا فدیہ او را بدهد پس این پسندیدہ است و امید است کہ قبول شود ^(۱) فقط.

بلا وصیت فدیہ بذمہ هیچ یک از ورثہ لازم نیست: سوال: (۲۰۲۶) خانمی کہ وفات شدہ است شوہر پسر والدین اش موجود است بناء در آن جملہ کدام کس در تأدیہ نمودن فدیہ از مال وی افضل است بخاطر آنکہ برای شوہرش جریان حال قضاء شدن روزہ و نماز معلوم است؟
جواب: ہر کسی کہ آن را اداء نماید پسندیدہ است و بلا وصیت متوفیہ بذمہ هیچ کس واجب نیست ^(۲) فقط.

الباب الحادی عشر فی سجود السہو

مسائل سجده سہو

بہتکار قرائت سجده سہو لازم نمیگردد: سوال: (۲۰۲۷) امام در رکعت اول نماز جمعہ سورت الدھر را شروع نمود و قتیکہ نصف سورت را قرائت نمود و در آن اثنا از پیش رفتن حصر شد امام برای دفعہ دوم و سوم از سر نو اعادہ قرائت را کرد کہ در نتیجہ تکمیل شد بناء در همچو صورت نماز جمعہ بغیر از سجده سہو درست است یا نہ؟

(۱) ولو لم ینرک مالا یستقرض وارثہ نصف صاع مثلاً ویدفعہ لفقیر ثم یدفعہ لفقیر للواوٹ ثم وٹم حتی ینم (درمختار) قولہ لو لم ینرک مالا الخ ای اصلاً او ما اوصی بہ لا یلی، زاد فی الإمداد اولم یوص بشئ و اراد ولی التبرع الخ و اشار بالتبرع إلی أن ذلک لیس بواجب علی الولی، و نص علیہ فی تبیین المحارم لا یجب علی الولی قبل الدور الخ (ردالمحتار باب قضاء الفوائت ج ۱ ص ۶۸۶، ط. س. ج ۲ ص ۷۳).

ظہیر الدین

(۲) ایضاً. ظہیر غفر لہ

جواب: در این صورت مسئلہ نماز درست شدہ است و سجدہ سہوہ لازم نمیشود ^(۱) کذا فی کتب الفقہ.

در سنت ظہر اگر قعدہ اولی را فراموش نماید و سجدہ سہوہ کرد آیا نماز خواهد شد:

سوال: (۲۰۲۸) اگر در چہار رکعت سنت ظہر قعدہ اولی را فراموش نمود آیا بادا نمودن سجدہ سہوہ نماز درست خواهد شد یا نہ؟ و اگر بر دو رکعت سنت مؤکدہ درود شریف را قرائت نمود آیا سجدہ سہوہ اداء نمودن بکار است یا نہ؟

جواب: با اداء نمودن سجدہ سہوہ نماز درست شدہ است ^(۲) و بقرائت نمودن درود شریف در قعدہ وسطانی سجدہ سہوہ لازم میشود ^(۳) فقط

بفراموشی یک سورت را شروع نمود سپس سورت دیگر را قرائت نمود از آن سجدہ

سہوہ لازم نمیشود: **سوال:** (۲۰۲۹) امام در آخرین دو رکعت تراویح در رکعت اول بعد از سورت فاتحہ وبعد از قرائت نمودن (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ) فوراً در (کَبَّتْ يَدَا) تراویح نمود کہ یک مقتدی بطور رهنمائی و آموزش (قُلْ أَحَدٌ بِرَبِّ الْفَلَقِ) کامل سورت را قرائت فرمود و در رکعت دوم نیز آن را تکمیل نمود اما سجدہ سہوہ نکرد فلہذا آیا دران صورت نماز صحیح خواهد شد و یا انکہ این نماز را ثانیاً اعادہ نماید و آیا سجدہ سہوہ ضروری است یا نہ؟

جواب: در این صورت نماز درست است و سجدہ سہوہ واجب نمیشود. کذا فی الدر المختار ^(۴) فقط.

بتأخیر واجب سجدہ سہوہ: **سوال:** (۲۰۳۰) در تأخیر واجب و سجدہ سہوہ آن اختلاف است

شرعاً حکم چیست؟

(۱) ویکرہ آن پہنچ من ساعتہ کما یکرہ للإمام أن یلجئہ إلیہ بل ینقل إلی آیۃ اخری لا یلزم من وصلها ما یفسد الصلوۃ او إلی سورۃ اخری او یرجع إذا قرأ قبل الفرض کما جزم بہ الزیلعی وغیرہ ولی روایۃ قبل المسموع کما رجحہ الکمال الخ (رد المحتار باب ما یفسد الصلوۃ ج ۱ ص ۱۸۲، ط.س. ج ۱ ص ۲۲۲). ظہر

(۲) ولو ترک القعود الأول فی النفل سہواً سجد ولم یفسد استحساناً لأنہ کما شرع رکعتین شرع اربعاً ایضاً (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب سجود السہو ج ۱ ص ۷۰۱، ط.س. ج ۲ ص ۸۸). ظہر

(۳) ولا یزید فی الفرض علی الشہد والقعدۃ الأولى إجماعاً ان زاد عامداً کرہ فنجب الإعادۃ او ساهیا وجب علیہ سجود السہو (رد المحتار) قولہ لا یزید فی الفرض ای رما الحق بہ کالوتر والسنن الرواتب (رد المحتار باب صلوۃ الصلوۃ ج ۱ ص ۴۷۶، ط.س. ج ۱ ص ۵۱۰). ظہر

(۴) ولی القیۃ قرأ فی الأول الکافرون ولی الثانیۃ الم تر وبت ثم ذکر يتم وقيل یقطع ویبدأ (رد مختار) أفاد أن التکسیر او الفصل بالقصرۃ إنما یکرہ إذا کان من قصد فلو سہواً فلا کما فی شرح المنیۃ و إذا إنتجت الکراهۃ لإعراضه عن التی شرع فیہا لا ینبغی (رد المحتار فصل فی الفراءۃ ج ۱ ص ۵۱۰، ط.س. ج ۱ ص ۵۴۷). ظہر

جواب: اصلاً سجدہ سہوہ بترک واجب لازم میگردد لکن چونکہ درتاخیر واجب نیز ترک واجب لازم میشود پس ناگزیر بتاخیر واجب نیز سجدہ سہوہ لازم میگردد^(۱) فقط.

در رکعت های آخری بضم سورت سجدہ سہوہ لاز نمیگردد: سوال: (۲۰۳۱) در در رکعت آخری فرائض اگر کسی ضم سورت نماید پس بنابر تاخیر سجدہ سہوہ واجب خواهد شد یا نہ؟

جواب: در آخرین دورکعت بضم نمودن سورت سجدہ سہوہ لازم نمیگردد^(۲) درالدر المختار مذکور است: ولو زاد لایاس به الخ وفي الشامي فكان الضم خلاف الاولى^(۳) فقط.

اگر در رکعت اول تنها یک سجدہ نموده و متصل ایستاده شد بناء چه باید کرد؟ سوال: (۲۰۳۲) در رکعت اول اگر کسی یک سجدہ را اداء نموده ایستاده شد پس چه باید کرد؟ واپس رجوع نموده سجدہ دیگر را اداء کند و یا آنکہ در رکعت دوم سه سجدهات را اداء نماید و آیا سجدہ سہوہ را نیز اداء کند یا نہ؟

جواب: هر رقتیکه بیداش آمد که من یک سجدہ را اداء نمودم پس در همان وقت سجدہ دوم را نیز اداء کند و در آخر سجدہ سہوہ بکند^(۴) فقط.

بنابر شبیه شکستاندن نماز: سوال: (۲۰۳۳) (۱) زید بعد از قیام طویل سلام گشتاند و از سر نو نماز را شروع نمود آیا این فعل زید جائز است یا نہ؟ و مرتکب کدام نوع گناه نشده است؟

اگر در هر رکعت واجب ترک شود در آخر سجدہ سہوہ لازم میشود: سوال: (۲۰۳۴) (۲) آیا این ضروری است کہ در نماز چهار رکعتی در هر رکعت در صورت پیدا شدن شبیه ترک واجب در آخرین رکعت ها سجدہ سہوہ بکند و یا آنکہ هر گاه شبیه عارض شود نماز را ترک

(۱) و لا يجب السجود إلا بترك واجب أو تأخير ركن الخ وفي الحنفية وجوبه بشيء واحد وهو ترك الواجب كذا في الكافي (عالمگیری مصري باب سجود السهو ج ۱ ص ۱۱۸). ظفر

(۲) وضم الصبر سورة الخ في الأولين من الفرض وهل يكره في الآخرين المختار لا. (فرمختار) ای لا يكره تحريماً بل تنزيهاً لأنه خلاف السنة قال في المنية وشرحها بان ضم السورة أي الفاتحة ساهبا يجب عليه سجدة السهو في قول أبي يوسف لتأخير الركوع من محله وفي ظاهر الرواية لا يجب الخ لأن القراءة فيها مشروعة من غير تقدير والإقتصار على الفاتحة مستون لا واجب أنه الخ فلا يتألي كونه خلاف الأولى كما أضاف في الحلية (رد المحتار باب صفة الصلوة مطلب واجبات الصلوة ج ۱ ص ۴۲۷، ط. س. ج ۱ ص ۴۹۵). ظفر

(۳) ايضاً. ظفر

(۴) ولا يجب السهو إلا بترك واجب وتأخيره أو تأخير ركن أو تقديمه (عالمگیری مصري باب سجود السهو ج ۱ ص ۱۱۸، ط. ماجدنة ج ۱ ص ۱۲۶). ظفر

نماید واز سرنو نماز اداء کند؟

جواب: (۱) هیچ گناہی انجام شدہ است ^(۱) فقط.

جواب: (۲) شک و شبہ اعتبار ندارد: لان یقین لایزول بالشک لکن اگر بنا بر ظن غالب و گمان راجع در چهار رکعت در یکی از آنها ترک یک واجب معلوم شود پس در آخر نماز سجده سہوہ اداء نمودن لازمی است ^(۲) فقط.

در قعدہ اخیر بدو دفعہ خواندن التَّحِيَّاتِ سَجْدہ سہوہ لازم نمیشود: سوال: (۲۰۳۵)

در قعدہ اخیر بدو مرتبہ قرائت نمودن تشهد سجده سہوہ واجب میشود یا نہ؟

جواب: در این صورت سجده سہوہ لازم نیست ^(۳) فقط.

بِتکرار نمودن آیات سَجْدہ سہوہ لازم نمیگردد: سوال: (۲۰۳۶) (۱) اگر شخصی در نماز

مکرراً قرائت نمود مثلاً شخصی سورۃ النصر را شروع نمود و بر (آفَواجاً) توقف نمود سپس از آن دوبارہ (آفَواجاً) را از (فَسِيحَ) اختتام نمود آیا سجده سہوہ لازم است یا نہ؟

بعد از قرائت بقدر واجب در قرائت غلطی مفسد صلاۃ است یا نہ؟ سوال: (۲۰۳۷) (۲)

اگر در ضم سورت بر آیت مثلاً بر (آفَواجاً) غلط حصر شود آیا سجده سہوہ لازم میشود یا نہ؟

جواب: (۱) در این صورت سجده سہوہ لازم نمیگردد ^(۴).

جواب: (۲) از این سجده سہوہ لازم نمیشود لکن اگر غلطی مفسد صلاۃ باشد در این صورت

اعادہ نماز لا زمی است و اگر چنان غلطی باشد کہ در آن حکم فساد نماز نباشد سپس در آن صورت نہ سجده سہوہ لازم میشود و نہ نماز فاسد میگردد فقط.

اگر مسبوق مع الامام گشتند نمازش فاسد نمیشود، تنها سَجْدہ سہوہ کافی است:

سوال: (۲۰۳۸) مسبوق اگر سہوا مع الامام سلام بگرداند و بخاطر دعا دست خود را بلند نماید

(۱) وإذا شك في صلاته من لم يكن ذلك أي الشك عادة له الخ كم صلى إسئلف يعمل مثاف وبالسلام قاعدة أولى لأنه المحلل وإن كثر شك عمل بفالف لله (والدر المختار على هامش رد المحتار باب سجود السهو ج ۱ ص ۷۰۵، ط.س. ج ۴ ص ۹۲)، ظفر

(۲) يجب الخ بترك واجب مما هو في صفة الصلوة سهوا (والدر المختار على هامش رد المحتار باب سجود السهو ج ۱ ص ۹۹۳، ط.س. ج ۴ ص ۸۰)، ظفر

(۳) ولو كرر التشهد في القعدة الأولى فعليه السهو الخ ولو كرره في القعدة الثانية فلا سهو عليه كذا في التبيين (عالمگیری مصري باب سجود السهو الباب الثاني عشر ج ۱ ص ۱۱۹، ط. ماجدیه ج ۱ ص ۱۲۷)، ظفر

(۴) ويجب له تشهد و سلام الخ بترك واجب عما مر (رد مختار) بترك واجب أي من واجبات الصلوة الأصلية لا كل واجب الخ (رد المحتار باب سجود السهو ج ۱ ص ۹۹۳، ط.س. ج ۲ ص ۷۸)، ظفر

آیا نمازش فاسد خواهد شد یا نه؟

جواب: در باب سجود السهو شامی مذکور است: قوله والمسبق يسجد مع إمامه قيد بالسجود لأنه لا يتابعه في السلام بل يسجد معه ويشهد اذا سلم الإمام قام الى القضاء فان كان عامدا فسدت وإلا لا ولا سجود عليه إن سلم سهوا قبل الإمام او معه وإن سلم بعده لزمه لكونه منفردا حينئذ، بحر. واراد بالمعية المقارنة وهو نادر الوقوع كما في شرح المنية^(۱) از این عبارت معلوم وروشن شد که معیت حقیقتا نادر الوقوع است. فلهذا سلام مسبق حتما اندک بتأخیر از امام میباشد، بناء اگر این سهوا باشد پس سجدة سهوه بر مسبق در آخر نماز لازم است و نمازش درست خواهد شد. فقط

و قتیکه این سخن را معلوم نباشد که سجدة سهوه واجب است یا نه بناء نمازگذار چه

باید بکند؟ سئوال: (۲۰۳۹) بعضی اوقات با سهوه شدن در نماز معلوم نمیشد که سجده سهوه واجب شده یا نه؟ بناء در همچو صورت سجدة سهوه اداء نمودن بکار است یا نه؟

جواب: و قتیکه چنین علما نباشد بر این سجده سهوه لازم میشود یا نه؟ در این صورت سجدة سهوه کردن احوط است^(۲). فقط

سجده سهوه بأداء نمودن دو رکوع در یک رکعت: سئوال: (۲۰۴۰) اگر در یک رکعت دورکوع اداء شود و سجدة سهوه را نیز نکند آیا نماز درست خواهد شد یا نه؟ مثلا در نماز عید الضحی امام صاحب نیت نمودن دوازده تکبیر را فرموده است و در رکعت دوم در میان دو رکوع بقیه سه تکبیرات را اداء نمود و سجده سهوه را نمود و قتیکه برای امام گفته شد که نماز درست نشده است و در آن اثنا امام اگر چه غلطی خود را تسلیم نمود اما با آنهم نماز را اعاده نکرد بناء آیا امام موصوف قابل امامت است که مردم او را امام بگردانند یا نه؟

جواب: در نمازهای عیدین موافق مذهب امام صاحب (رح) در هر یک رکعت سه، سه تکبیرات زائد^(۳) است، دوازده تکبیرات نیست و بترک واجب و تأخیر واجب سجدة سهوه واجب میگردد، و بدو دفعه رکوع نمودن نیز سجده سهوه واجب میشود اگر سجده سهوه را اداء نکرد پس نمازش واجب الاعاده است لکن در نمازهای عیدین بسبب ازدحام کثیر بترک سجده سهوه نماز صحیح

(۱) رد المحتار باب سجود السهو ج ۱ ص ۶۹۵ - ۶۹۶، ط.س. ط.س. ج ۲ ص ۸۲، ظفر

(۲) و یصلی الإمام بهم رکعتین مثلی قبل الزوائد وهی ثلاث تکبیرات فی کل رکعة والرد المحتار هذا مذهب ابن سعود و کثیر من الصحابة وروایة عن ابن عباس و به أخذ اثنا الثلاثة (رد المحتار باب العیدین ج ۱ ص ۷۷۹، ط.س. ج ۲ ص ۱۷۲)، ظفر

(۳) و السهو فی صلوة العید و الجمعة و المکتوبة و التطوع سواء و المحتار عند المتقدمین عمنه فی الأولین لدفع الفتنة كما فی جمعة البحر و المره المصنف و به جزم فی الرد المحتار علی هامش و رد المحتار باب سجود السهو ج ۱ ص ۷۵، ط.س. ج ۲ ص ۹۲، ظفر

(۱) است فقط.

بعد از اداء نمودن نماز بجماعت ثانیاً مقتدی اعاده نمودن بناء در آن هر دو کدام یکی**درست شده است؟ سوال: (۲۰۴۱)** مقتدی نماز را اعاده نمود و درهمجو موارد آن نماز را که

بجماعت اداء نموده بود آن نماز درست شد یا آن نماز که بتنهائی آن را اداء نموده است؟

جواب: اگر علت ترک واجب و غیره نماز اعاده شود پس فرض قبلاً اداء شده است و دراعاده نمودن آن تکمیل آن نماز است یعنی آن نقصان که باقی مانده بود تکمیل گردیده است و جبران نقصان شد (۲) فقط.**بعد از التعمیات به جقدر تاخیر در فاتحه وقعه و سطلانی سجده سهو لازم میگردد:****سوال (۲۰۴۱)** مقتدی نماز را اعاده نمود و در همجو موارد آن نماز را که بجماعت اداء نموده

بود آن نماز درست شد یا آن نمازی که بتنهائی آن را اداء نموده است؟

جواب: اگر علت ترک واجب و غیره نماز اعاده شود پس فرض قبلاً اداء شده است و در اعاده نمودن آن تکمیل آن نماز است یعنی آن نقصان که باقی مانده بود تکمیل گردیده است و جبران نقصان شده است (۳) فقط.**بعد از التعمیات به جقدر تاخیر در فاتحه وقعه و سطلانی سجده سهو لازم میگردد:****سوال: (۲۰۴۲)** بعد از فاتحه و همچنان در رکعت سوم بجقدر مکث نمودن سجده سهو لازم

میشود؟

جواب: اگر سهوا بقدر اداء نمودن رکن توقف شود پس سجده سهو لازم میگردد الدر المختار:

وتأخیر قیام الی الثالثة بزیادة علی التّشہد بقدر رکن الخ (۴) فقط.

بجدة سهو بوجه سجده سوم: سوال: (۲۰۴۳) (۱) دیروز در نماز جمعه یک صورت

مجدد عارض شد یعنی امام در رکعت دوم بعد از اداء نمودن سجده ثانی اراده اداء نمودن سجده

(۱) وجب له تشهد و سلام الخ بترك واجب عما مرّ (در مختار) بترك واجب ای من واجبات الصلوة الأصلية لا كل واجب الخ (ردالمحتار باب سجدة السهو ج ۱ ص ۶۹۳، ط.س. ج ۲ ص ۷۸)، ظفر

(۲) والسهو لی صلوة البعد والجمعة والمكتوبة والتطوع سواء والمختار عند المتقدمین علمه فی الأولین لدفع الفتنة كما فی جمعة البحر وأقره المصنف ره جزم فی الدرّ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب سجود السهو ج ۱ ص ۷۵، ط.س. ج ۲ ص ۹۲)، ظفر

(۳) ولها واجبات لا یفسد بتركها و جوبا الخ والمختار أنه جاهر للأول لأن القرض لا یكرر (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة مطلب فی واجبات الصلوة ج ۱ ص ۴۲۴ - ۴۲۶، ط.س. ج ۱ ص ۴۵۶)، ظفر

(۴) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب سجود السهو ج ۱ ص ۶۹۴، ط.س. ج ۲ ص ۸۱، ظفر

ثالث را کرد و مقتدیان سبحان الله گفته صراخ گشیدند لکن امام بسجده وصل شد و سائر مقتدیان بتعقیب او را اقتداء نمودند و اکثر مقتدیان میگویند که امام بغیر از کفتن تکبیر قیام نمود و بعد از ختم تشهد برای اداء سجده سهو سلام گردانید و تا به آن وقت علاوه از دو یا سه مقتدیان متباقی همه مقتدیان در سجده بودند و با شنیدن لفظ السلام فوراً از سجده بلند شدن و با امام در سلام شریک شدند و سجده سهو را اداء کردند و نماز را به انجام رساند و علاوه از آن دو یا سه مقتدیان متباقی همه بدون قعده و تشهد در سلام سهو متابعت امام را نمودند و بعد از آن جنگ شد و رای اکثر بر آن بود که نماز همه درست شده است فلهمذا نماز اعاده نشد.

اگر در سجده سوم اقتداء ننماید: سوال: (۲۰۴۴) (۲) اگر مقتدی در سجده سوم اتباع نکند حکم آن چیست؟

برای مقتدی در سلام سهو اقتداء نمودن بکار است: سوال: (۲۰۴۵) (۳) مقتدی آن علاوه از اتباع نمودن در سلام سهو دیگر چه کرده میتواند؟

جواب: (۱) در این صورت نماز سائر آنها درست شده است زیرا آن عده مقتدیان که با امام در سلام سجده سهو شریک شدند و با امام بسجده رفتند و بعد از اداء نمودن سجده سهو با امام یکجا قعده تشهد و غیره را مطابق قاعده قرائت نمود پس ایشان را چگونه خواهد گفت که آنها نه قعده را اداء نموده اند و نه تشهد را قرائت کردند^(۱).

جواب: (۲) نمازش صحیح است^(۲)

جواب: (۳) حکم مقتدی مدرک همان است و اما مسبوق با امام در سلام سهو شرکت نباید کرد و در سجده شریک شود^(۳).

اگر امام با تلقین تسبیح و رکعت پنجم را شروع نماید پس مقتدی اقتداء او را نباید کرد: سوال: (۲۰۴۶) و قیامه امام بجای اداء نمودن چهار رکعت رکعت پنجم را آغاز نمود و با

(۱) نعم تكون المتابعة فرضاً بمعنى أن يأتي بالفرض مع إمامه أو بعده كما لو ركع إمامه ركع معه مقارنة أو معافاً أو شاركه فيه الخ (رد المحتار) مطلب مهم في تحقيق المتابعة ج ۱ ص ۴۳۹، ط.س. ج ۱ ص ۴۷۱. ظهير

(۲) وانه ليس له أن يتابعه في البدعة والنسوخ وما لا تعلق له بالصلوة فلا يتابعه لو زاد سجدة الخ (رد المحتار) باب صفه الملوأ مطلب مهم في تحقيق متابعة الإمام ج ۱ ص ۴۳۹، ط.س. ج ۱ ص ۴۷۱. ظهير

(۳) ولو سلم صاحباً إن بعد إمامه لزومه السهو وإلا لا (الرد المحتار) على هامش (رد المحتار) باب الإمامة مطلب في المسروق ج ۱ ص ۵۶۰، ط.س. ج ۲ ص ۵۹۹. مختبر

هوشدار و آگاه نمودن متواتر مقتدیان او همچنان نشست نکرد آیا در این صورت اقتداء به امام درست می شود یا نه؟

جواب: در رکعت پنجم اقتداء نکند در الدر المختار مذکور است: که اگر امام بغیر از قعدہ اخیر برای رکعت پنجم قیام نمود پس مقتدیان جلوس اختیار نمایند و انتظار عود نمودن امام را بکنند مگر امام رجوع نمود پس مقتدیان با او باشند و اگر امام رکعت پنجم را مقید بسجده نمود در این صورت مقتدیان سلام بگردانند و نماز خود را پایان برسانند ^(۱).

و اگر امام قعدہ اخیر را نکرد و بغیر از جلسہ برکعت پنجم قیام نمود و در رکعت پنجم سجده کرد در این صورت مسأله معرّف و روشن است که نماز فرض هیچ کس اداء نشد ^(۲) فقط.

در نماز متروک فاتحه را اہستہ قرائت نمود و بعد از فتح دادن سورت را جہراً تلاوت نمود

آیا سجده سہوہ را اداء نماید یا نہ؟ سوال: (۳۰۴۷) امام بعد از نیت نمودن در نماز مغرب **سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ** و سورت فاتحہ را خفیہ قرائت نمود و در این اثنا یک مقتدی بغرض یاد دہانی (الْحَمْدُ) را باواز بلند گفت پس از آن امام بعد از سورت فاتحہ سورت را جہراً تلاوت نمودہ سجده سہوہ را اداء کرد آیا با اداء نمودن سجده سہوہ نماز درست شدہ است یا نہ؟ و همچنان آیا در آن حالت سجده سہوہ ضروری بود یا نہ؟

جواب: در این صورت نماز صحیح شدہ است و سجده سہوہ در این صورت واجب بود و با اداء نمودن سجده سہوہ نماز بلاکراہیت صحیح شدہ است ^(۳) فقط.

بوجہ متشابہ بتکرار آیت سجده سہوہ لازم نیست: سوال: (۲۰۴۸) در نماز جمعہ سورۃ

الجمعة را قرائت نمود و بر ملک القدوس برایش متشابہ عارض شد فلہذا بتکرار سورت پرداخت کہ در آن جریان یک مقتدی برایش فتحہ داد لکن امام برای گرفتن فتح توجہ خود را معطوف نکرد و بعد از درست قرائت نمودنش نماز را بانجام رساند و سجده سہوہ را نکرد آیا نماز درست

(۱) وإن قعد فی الرابطة مثلا قدر الشهد ثم قام عاد وسلم قام صح ثم الأصح أن القوم ينتظرون أن عاد تحوہ وان سجد للخمسة سلموا لأن يتم فرضهم إذ لم يزل عليهم إلا السلام (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب سجود السہو ج ۱ ص ۷۰۰ ط. س. ج ۲ ص ۷۸). طغری

(۲) وسها عن القعود الأخير عاد الخ ما لم يقبدها بسجدة الخ وإن قبدها بسجدة عامدا أو ناسيا أو ساهيا أو مغفلا تحول فرضه فلا يبرمه الجہتہ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب سجود السہو ج ۱ ص ۶۹۸ ط. س. ج ۲ ص ۸۳). طغری

(۳) والجہر لہما بخلاف لہ الإمام وعکسہ لكل مصل فی الأصح تقدیرہ ما تجوز بہ الصلوۃ فی الفصلین وقل لائللہ لأضیخان یجب السہو بہما ای بالجہر والمخالفہ مطلقا ای قل أو کثر (ردمختار) وقال فی شرح النبیہ والصحیح ظاہر الروایۃ وهو التقدير بما تجوز بہ الصلوۃ من غیر تفرقة لأن اللیل من الجہر فی موضع المخافة عفو ایضا (ردالمحتار باب سجود السہو ج ۱ ص ۶۹۴ ط. س. ج ۲ ص ۸۱). طغری

شده است یا نه؟

جواب: در این صورت سجده سهو لازم نبوده و نماز صحیح شده است ^(۱) فقط.

در رکعت آخر بعد از تشهد قیام نمود سپس نشست سجده سهو را بکنند: سوال:

(۲۰۴۹) اگر در رکعت آخر بعد از تشهد قیام نمود و سپس نشست آیا دو باره تشهد را بخواند یا آنکه سلام بگرداند و تشهد سجده سهو را بگوید و دیگر آنکه بعد از قیام کامل فوراً نشست و دیگر آنکه بعد از برخی قرائت نمودن و سوم آنکه بعد از ختم نمودن سورت آیا حکم آن احوال ثلاثه یکی است یا آنکه مختلف است؟

جواب: در احوال ثلاثه جلوس نماید و تشهد را بخواند و بعد از اداء نمودن سجده سهو او تشهد و غیره را بخواند و سلام بگرداند ^(۲) فقط.

از نابینا نیکه بوجه غلطی امام یک رکعت باقی بماند: سوال: (۲۰۵۰) در نماز ظهر امام

سوها قعدہ وسطانی را ترک نموده ایستاده شد و در این جماعت یک نابینا نیز بود او مطابق یادداشت خود در خواندن تشهد پرداخت و بسبب معذور بودنش متابعت امام را نکرد غرض آنکه نابینا فرض و واجب را اداء می نمود و در قعدہ اخیر با امام یکجا شد و با امام سجده سهو را نیز اداء نمود و قتیکه امام سلام گردانید پس نابینا مذکور بدان فکر که من بعقب باقی مانده بودم بناء ایستاده شد و یک رکعت را اداء نمود که رکعت پنجم او بود فلہذا آیا نماز او درست شده است یا نه؟

جواب: اگر این نابینا در آخر سجده سهو را اداء نمود در این صورت نماز او درست شده است ^(۳) فقط.

اگر در تکبیرات زوائد عیدین کاهش نمود حکم آن چیست: سوال: (۲۰۵۱) زید امامت

(۱) بخلاف فتحه علی امامہ فانہ لا یسلد مطلقاً لفتح و آخذ بكل حال (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب ما یفسد الصلوۃ ج ۱ ص ۵۸۲، ط.س. ج ۱ ص ۶۲۲). ظفر

(۲) وان قعد فی الرکعة متلاً فقرأ الشہد ثم قام عاد وسلم ولو سلم قائماً صح (درمختار) قوله قام ای ولم یسجد قوله عاد و سلم ای عاد للجلوس لما مر ان مادون الرکعة محل للرفض وفيه إشارة إلى أنه لا یجد الشہد وبه صرح فی البحر قال فی الإمداد والعود للتسلیم جالساً متناً الخ (رد المحتار باب سجود السهو ج ۱ ص ۷۰۰، ط.س. ج ۲ ص ۸۷) ددی عیادت شخصہ معلومہ سہو جی بہ صورت مسئلہ کی بہ تشهد نہ راگزروی. وانظروا علیہ ظفر

(۳) وکذا الاصح لکھ مسجد فی اخر صلوتہ ولو سجد مع امامہ اعادہ (درمختار) ولاحقاً ہرکعۃ لفسد امامہ للسہو فانہ یفنی رکعۃ بلا قراءۃ لانہ لاحق ویتشهد ویسجد للسہو الخ (ردالمحتار باب سجود السهو ج ۱ ص ۶۹۶، ط.س. ج ۲ ص ۸۳). ظفر

نماز عید را میداد بنا او در رکعت اول بجای چهار تکبیر سه تکبیر را اداء نمود آیا این نماز درست شده است یا نه؟

جواب: تکبیرات عیدین واجب است و علاوه از تکبیرات افتتاح و تکبیر رکوع سه سه گفتن واجب است اگر در میان آنها یکی را ترک نمود پس واجب ترک شده است و ترک واجب سجده سهو واجب میشود اما چونکه در نماز های عیدین سجده سهو نیست فلذا نماز درست شده است ^(۱) فقط والله تعالی اعلم.

فصل اخیری فرض را بفراوشی ترک نمود و رکعت پنجم را همواشتی ضمیمه نمود

نماز قفل شد: سوال: (۲۰۵۲) هر شخصی که در قعد آخر سهو شد و آن را مقید بسجده نمود میگویند که (تحول فرضه نفلا) حالا نکه در مورد نوافل میفرماید لا نکل شفع من النفل صلوة علیحدہ بدلیل نقل مع حواله فلذا با حواله و صفحه کتاب و مطبعه تحریر فرمائید.

جواب: نفس عبارت (فرضه نفلا ^(۲)) بذات خود مصرح است و بخاطر آن ضرورت برای حواله دیگر نیست و قاعده کل شفع من النفل صلوة علیحدہ نیز صحیح است و در اینجا باداء نمودن سجده سهو انجبار آن گردید فقط.

حکم ترک نمودن سجده سهو عمدا و نسیانا: سوال: (۲۰۵۳) ترک نمودن سجده سهو

عمدا و نسیانا فرق دارد یا نه؟ اگر از وی فراموش شد پس نماز را اعاده نمایند یا نه؟

جواب: قضاء آوردن این نماز واجب است و ترک نمودن سجده سهو عمدا و سهوا یکسان است فقط ^(۳)

اگر در نماز چهار رکعتی سهوا در رکعت سوم نسیان نمود حکم آن چیست؟ سوال:

(۲۰۵۴) اگر شخصی چهار رکعت نماز را شروع نمود و سهوا در رکعت سوم جلوس و رزید آیا نمازش صحیح شده است یا نه؟

جواب: در همه صورت سجده سهو واجب است و نمازش صحیح است ^(۴).

(۱) والسهو فی صلاة العید والجمعة والمکوبة والتطوع سواء والمختار عند المتأخرین علمه فی الأولین للبلغ الفتنة كما فی جمعة البحر وأقره المصنف وبه جزم فی الدر المختار (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب سجود السهو ج ۱ ص ۶۹۸، ط.س. ج ۲ ص ۸۵). غفر

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب سجود السهو ج ۱ ص ۶۹۸، ط.س. ج ۲ ص ۸۵. غفر

(۳) ولها واجبات لا تفسد بترکها وتعاد وجوبا فی العمدة والسهو إن لم یسجد له وإن لم یجدها یكون فاسقا اما (درمختار) قوله إن لم یسجد له ای للسهو. (الدر المختار علی هامش ردالمحتار مطلب فی واجبات الصلوة ج ۱ ص ۴۲۵، ط.س. ج ۲ ص ۴۵۶). غفر

اگر به فراموشی در رکوع تسبیح سجده را بگوید حکمش چیست: سوال: (۲۰۵۵) اگر در رکوع سهواً تسبیحات سجده را بگوید یا بالکھس آیا در نماز نقصان وارد میشود؟
جواب: هیچ نقصان وارد نمیرود (۲) فقط.

در سجده تسبیح رکوع: سوال: (۲۰۵۶) تسبیح رکوع را در سجده گفت وقتی که بیادش آمد آیا تسبیح سجده را بگوید و یا آنکه تسبیح رکوع کافی است؟
جواب: گفتن تسبیحات سجده بکار است بخاطر آنکه مطابق سنت شود.

تُرک تَدْوِیل و سَجْدَه سَهْوَه: سوال: (۲۰۵۷) اگر قومه و جلسہ بوجہ تعجیل نماز گذار موافق واجب اداء نشود آیا سجده سهوه واجب خواهد شد یا نه؟

جواب: سجده سهوه بر فعل واجب میشود که سهواً صادر شود و آن عده مردم که عمداً و عادتاً قومه و جلسہ را تکمیل نمی نمایند در آن سجده سهوه نیست بلکه اعاده همچو نمازها واجب میباشد (۳) فقط.

برای سجده سهوه تنها یک طرف سلام بگر داند: سوال: (۲۰۵۸) نماز گذار منفرد وقتی که تنها نماز اداء می نماید او بسبب نیان یک رکن در وقت سجده آیا هر دو طرف سلام بگرداند و یا یک طرف؟ بیّنوا توجروا.

تنها یک طرف سلام بگرداند و اگر هر دو طرف سلام گشتاند در آن نیز کدام حرج نیست و با آنهم سجده سهوه را اداء باید کرد (۴) فقط.

مَسْبُوق هَر دُو طَرَف سَلام گَر دَانِید و قِتیکَه بِيادش داده شد فوراً قِیام نمود در این مورد حکم: سوال: (۲۰۵۹) یک نفر در رکعت دوم شامل نماز شد و با امام سه رکعات را اداء نموده و هر دو طرف سلام گردانید و در میان مقتدیان شخصی برایش گفت که یک رکعت شما

(۱) ويلزمه السهر إذا زاد في صلاته لعل من جنسها ليس منها وهذا يدل على أن سجدة السهر واجبة وهو الصحيح لأنها تجب لجبر نقصان لمكن في العبادة (هذه باب سجود السهو ج ۱ ص ۱۴۰). ظفر

(۲) ويصح له (أي في الركوع) والله لا تلا فلو تركه أو نكسه كره تنزيها والدر المختار على هامش رد المحتار باب صفة الصلوة ج ۱ ص ۴۶۱، ط.س. ج ۲ ص ۴۹۴) ودر اینجا آن را ترک نیز ننموده است بکه الفاظ مبدل شد و در آن کدام حرج نیست ظفر.

(۳) ولها (أي للصلوات) واجبات لا تفسد بتركها وتعاد وجوبها في العمد والسهو إن لم يسجد له وإن يعمداً يكون لافساقها (در مختار) قوله إن لم يسجد له أي للسهر هذا قيد لقوله والسهو إذ لا سجود في السهو (رد المحتار باب صفة الصلوة ج ۱ ص ۴۲۵، ط.س. ج ۲ ص ۴۵۶). ظفر

(۴) يجب له بعد سلام واحد عن يمينه فقط لأنه المأمور به بحمل التحليل وهو الأصح (الدر المختار على هامش رد المحتار باب سجود السهو ج ۱ ص ۶۹۱، ط.س. ج ۲ ص ۷۸). ظفر

باقی است وبگفتار او برایش یاد شد و قیام نمود و رکعت متبائی را اداء کرده سجده سہوہ نمود و سلام گردانید در این صورت آیا نماز درست شدہ است یا نہ؟ مولانا عبدالحی صاحب رح در فتاویٰ خویش می نگارد کہ در این صورت نماز نمیشود زیرا یاد دہندہ خارج صلاۃ است.

جواب: در کتاب ہای فقہ نوشتہ شدہ است اگر درہمجو صورت بگفتار او فرما قیام نمود پس نمازش فاسد شدہ و اگر اندک وقفہ نمود و خود بخود ببادش آمدہ قیام نمود پس نمازش صحیح است و اگر سجده سہوہ را اداء نمود پس نمازش بلاکراہیت درست شدہ است و اما فتویٰ مرحوم مولانا عبد الجی صاحب رح غالباً مربوط بصورت نخستین خواہد باشد ^(۱) فقط.

بعد از فاتحہ تا یوقتی خاموش بود بناء حکم آن چیست؟ سوال: (۲۰۶۰) اگر امام یا منفرد بعد از قرائت نمودن سورت فاتحہ بمقدار قرائت آیت طویل و یا سہ آیات کوتاہ قصد خاموش ایستادہ باشد و بعد از آن ضم سورت بکنند آیا بر او سجده سہوہ لازم خواہد شد یا نہ؟
جواب: سجده سہوہ بر او واجب است کما قال فی الدر المختار: وتفکرہ عمدًا حتی شغلہ عن رکن ^(۲) و تحقیقہ فی الشامی فقط.

امام در رکعت سوم عشاء نشست مگر فوراً ایستادہ شد حکمش چیست؟ سوال: (۲۰۶۱)
امام در وقت اداء نماز عشاء سہوہ ادر رکعت سوم نشست و بفتح دادن مقتدی فوراً ایستادہ شد وقتی دربر نگرفت آیا نماز درست شدہ است یا نہ؟

جواب: در این صورت کہ امام زیاد جلوس ننمود بلکہ فوراً ایستادہ شد پس سجده سہوہ لازم نمیشود و نمازش صحیح است کذا فی الشامی ^(۳) فقط.

سجده سہوہ بفراہوش نمودن قعدہ اولی درست قبل الظهر: سوال: (۲۰۶۲) شخصی نیت چہار رکعت سنت قبل از ظهر رانمود و در آن اثنا قعدہ اولی را فراہوش نمودہ مستقیماً

(۱) ولی التیہ قبل لمصل مفرد تقدم فقدم بامر الخ فسدت صلوٰۃ و یسبی ان یمکث ساعة ثم یقدم برای نفسه (ردالمحتار باب الإمامة ج ۱ ص ۵۳۳، ط.س. ج ۱ ص ۵۷۱) حتی لو اقبل أمر غیرہ فقبل له تقدم فقدم الخ فسدت بل یمکث ساعة ثم یقدم برایہ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب ما یفسد الصلوٰۃ وما یکرہ لہا ج ۱ ص ۵۸۱، ط.س. ج ۱ ص ۶۲۲). ظفر

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب سجد السهو ج ۱ ص ۶۹۳، ط.س. ج ۲ ص ۸۰. ظفر و کذا القعدہ فی آخر الركعة الأولى والثالثة يجب تركها بلزم من فعلها ايضا تأخير القيام الى الثالثة او الرابعة عن محله وهذا إذا كانت القعدة طويلة أما الجلسة الخفيفة التي يستحبها الشافعي تركها غير واجب عندنا (ردالمحتار ج ۱ ص ۴۳۸، ط.س. ج ۱ ص ۴۷۱). ظفر

(۳) وكذا القعدة في آخر الركعة الأولى والثالثة يجب تركها بلزم من فعلها ايضا تأخير القيام الى الثالثة او الرابعة عن محله وهذا إذا كانت القعدة طويلة أما الجلسة الخفيفة التي يستحبها الشافعي تركها غير واجب عندنا (ردالمحتار ج ۱ ص ۴۳۸، ط.س. ج ۱ ص ۴۷۱). ظفر

ایستاده شد و بعد از آن قعدہ نمود و سر انجام سجده سهوہ را اداء نکرد آیا این نماز صحیح شد یا خیر؟ و آیا اعادہ بر او واجب است یا نہ؟

جواب: بخاطر عدم اداء نمودن سجده سهوہ اعادہ بر او واجب است ^(۱).

اگر زانو اش را ایستاده ننموده باشد بنشیند: سوال: (۲۰۶۳) اگر مستقیماً ایستاده نباشد و نہ زانوهایش از زمین جدا شده باشد فلہذا در این صورت برایش چہ عمل بکار است آیا قعدہ بکند و یا آنکہ ایستاده شود؟

جواب: قعدہ بکند و سجده سهوہ واجب نیست ^(۲) فقط.

زانو ها از زمین بلند شد اما درست ایستاده نشده است بنشیند: سوال: (۲۰۶۴) اگر مستقیم ایستاده نشد در حالیکہ زانوہا از زمین جدا شدہ است و در میان حالت جلوس و قیام قرار دارد بناً آیا برای او رجوع نمودن بکار است و یا قیام نماید و آیا سجده سهوہ بالایش واجب است یا نہ؟ و همچنان آیا اعادہ کند یا نہ؟

جواب: در این حالت رجوع کردن و قعدہ نمودن بکار است و اما سجده سهوہ بالایش واجب نیست کما فی الدر المختار: عاد الیہ وتشہد ولاسہوہ علیہ فی الاصح ما یستقیم قائماً فی ظاہر المذہب و هو الاصح ^(۳) فتح و قول ثانی مقابلش آنست کہ اگر اقرب الی القعود باشد بنشستن نزدیک باشد پس بنشیند و اگر اقرب الی القیام باشد بہ ایستادن نزدیک باشد پس نشیند و سجده سهوہ را اداء نماید فقط.

اگر درصلاۃ تسبیح بجای الحمد لله را بگوید چہ حکم دارد؟ سوال: (۲۰۶۵) (۱) درصلاۃ التسبیح قبل از الحمد لله سُبْحَانَ اللَّهِ خواندہ شد و بجای تسبیح اگر الحمد لله قرائت شود موجب سجده سهوہ است یا نہ؟

درصلاۃ التسبیح بعد از قرائت برکوع رفت: سوال: (۲۰۶۶) (۲) در صلاۃ التسبیح بعد از قرائت بفراموشی بطرف رکوع رفت و در رکوع بیادش آمد و در رکوع آن تسبیح را خواند آیا سجده

(۱) ولہا واجبات لا تفسد بتركها وتعاد وجوباً فی الممد والسهو الخ وھی قراءة فاتحة الكتاب الخ والقعود الأول لو فی نفل (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صفۃ الصلوۃ مطلب واجبات الصلوۃ، ط.س. ج ۱ ص ۴۵۶). مختبر

(۲) سہا عن القعود الأول من القرض ولو عملاً واما النفل فيعود مالم يقبها بالسجدة لم تذكره عاد إليه وتشهد ولاسہوہ علیہ فی الاصح ما لم يستقم لانما فی ظاہر المذہب هو الاصح (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب سجود السہو ج ۱ ص ۶۹۸، ط.س. ج ۲ ص ۸۳). ظفر

(۳) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب سجود السہو ج ۱ ص ۶۹۷، ط.س. ج ۲ ص ۸۳. ظفر

سہوہ براو واجب است یا نہ؟

جواب: (۲۱) نمازش درست شدہ است و سجدہ سہوہ براو واجب نیست فقط.

درمیان فاتحہ و قرائت بکدام مقدار تاخیر سجدہ سہوہ لازم میشود؟ سوال: (۲۰۴۷) در بہشتی زیور مرقوم است کہ اگر تاخیر تاخیر قدر رسہ بار سبحان اللہ گفتن درمیان فاتحہ و سورت واقع شدہ سجدہ سہوہ لازم میشود و دیگر فقہاء تاخیر قدر تسبیح می فرمایند پس کدامین قول معتبر است؟

جواب: آنجہ در بہشتی زیور است همان مختار محققین است: قال فی شرح المنیۃ والصحیح ان قدر زیادۃ الحرف ونحوہ غیر معتبر فی جنس مایجب بہ سجود السہو وانما المعتبر قدر ما یودی فیہ رکن کما فی الجہر من یخالف وعکسہ وکما فی التفکر حال الشک ونحوہ الخ: ص ۳۲۱ فقط.

بعد از قعدہ آخر مغرب امام ایستادہ شد و بعد از آن نشست بناء چہ باید کرد؟ سوال: (۲۰۶۸) در وقت مغرب ہر مہ رکعات را امام تکمیل نمود و در قعدہ آخر سہوا ایستادہ شد و مقتدیان نشستہ باقی ماندند و فیکہ عدہ از مقتدیان اللہ اکبر گفتند امام واپس جلوس نمود و بہ بر یک طرف سلام گشتانند سجدہ سہوہ را اداء کرد سپس بسبب بروز اختلاف نماز را ثانی اداء نمود فلہذا آیا باداء نمودن سجدہ سہوہ نماز درست شدہ است و یا اعادہ نمودن آن واجب است؟

جواب: این نماز باداء نمودن سجدہ سہوہ صحیح و کامل شدہ بود و نیازی بہ اعادہ نمودنش نبود. فقط (۱)

سجدہ سہوہ بسبب جہر نمودن در آخرین رکعات عشاء: سوال: (۲۰۶۹) اگر یک امام در آخرین رکعات نماز عشاء جہرا قرائت نماید آیا سجدہ سہوہ برای او واجب است یا نہ؟ زیرا قاعدہ السر فیما یسر والجہر فیما یجہر تقاضای سجدہ سہوہ را می نماید و چونکہ فی نفسہ قرائت در آن واجب نیست فلہذا واجب شدن بکار نیست زیرا در صورت تسلیم نمودن واجب زیادت صفت لازم می آید علی الذات.

(۱) ولو سہا عن القعود الآخر کلہ او بعضہ عاد الخ ما لم یلحقہا بسجدة لأن ما دون الرکعة محل الرکوع وسجد للسہو لتأخیر القعود (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب سجود السہو ج ۱ ص ۶۹۸، ط. بی. ج ۲ ص ۸۵ ط)

سجدہ سہوہ بسبب نمودن در رکعات آخری: سوال: (۲۰۷۰) (۲) وبسبب جہر نمودن

در آخرین رکعات نماز ظهر سجدہ سہوہ لازم میشود یا نہ؟

جواب: (۱) در این صورت سجدہ سہوہ لازم خواهد شد زیرا اگر در رکعات آخری عشاء قرائت می نماید پس سرا خواندن لازم است قسمیکہ در شامی در تفسیر و یسر فی غیرہا نوشتہ شدہ است: قوله و یسر فی غیرہا وثالثہ من المغرب والآخریان من العشاء^(۱) الخ فلہذا در آخرین دو رکعت نماز عشاء اگر چہ قرائت واجب نیست لکن اگر قرائت می نماید پس اخفاء قرائت لازم است.

جواب: (۲) وسجدہ سہوہ^(۲) بسبب جہر نمودن در آخرین دو رکعت ظهر نیز لازم میشود فقط.

در رکعت دوم عید امام تکبیرات زوائد را ترک نمود وبرکوع رفت و قتیکہ از رکوع

بالاشد تکبیرات را گفت پس آن چیست: سوال: (۲۰۷۱) در رکعت دوم عبد الاضحی امام

سہواً تکبیرات رانگفت و رکوع نمود برخی از مردم تکبیر رکوع را نیز اداء نمودند و امام صاحب تسبیح رکوع را اداء نمود و اللہ اعلم بالصواب و از دحام جماعت نیز زیاد بود حتی کہ بر سطح مسجد نیز مقتدیان موجود بودند سپس امام قیام نمود و تکبیرات را جہراً قرائت نمود و ثانیاً رکوع و قیام کرد و بعد از سجدہ کردن بدون اداء نمودن سجدہ سہوہ سلام گردانید فلہذا آیا در صورت متذکرہ نماز بغیر از کدام نقصان اداء شدہ است یا خیر؟

جواب: اگر بغیر از گفتن تکبیرات زوائد برکوع رکعت دوم رفت پس برای او بکار نبود کہ ثانیاً

از رکوع بطرف قیام بیاید و تکبیرات را بگوید بلکہ در الدر المختار آن را مفسد صلاۃ گفته است با انہم کہ شامی آن را صحیح گفته است فرمودہ کہ نماز فاسد نشدہ است کذا نقلہ عن ابن الہمام فی العود الی القعود الاول بعد القیام^(۳) قال فی الدر المختار: ولا یعود الی القیام لیکبر فی ظاہر الروایۃ فلو عاد ینبغی الفساد و فی الشامی: وقد علمت آن العود روایۃ النوادر علی انہ یقال

(۱) ودالمختار فصل فی القراءة ج ۱ ص ۴۹۷، ط.م. ج ۱ ص ۵۳۲، ظفر

(۲) ولو جہر الإمام لما یخالف او خالف فیما یجہر لزمہ سجدتا السہو لأن الجہر فی موضعہ والمخالفۃ فی موضعہا من الواجبات الخ (ہذا بہ باب سجود السہو ج ۱ ص ۱۴۱)، ظفر

(۳) آی وزان إسقام فاما لا یعود لإشغالہ بفرض القیام وسجد السہو لترك الواجب فلو عاد إلی القعود بعد ذلك فسد صلاتہ لرفض الفرض لما لیس بفرض وصحہ الزیلعی وقیل لا تفسد لکہ یكون سینا وسجدہ لأخیر الواجب وهو الأشبه كما حققہ الکمال وهو الحق والدر المختار علی هامش ودالمختار باب سجود السہو ج ۱ ص ۶۹۷، ط.م. ج ۲ ص ۸۴، ظفر

علیہ مقالہ ابن الہمام فی ترجیح القول لعدم الفساد فیما لو عاد الی القعود الاول^(۱) بعدما استتم قائما الخ ودرمورد نماز عید وجمعه بسبب ازدحام زیاد علماء متأخرین فتوادادہ اند کہ اگر سہوہ متحقق شود پس سجدہ سہوہ نکند.

اگر مسبوق در رکعات متباقی خویش کدام واجب را ترک نماید آیا سجدہ سہوہ بر او

است یا نہ؟ سوال: (۲۰۷۲) اگر مسبوق با امام در رکعت چہارم ظہر یا درقعدہ آخر شامل شود وبعد از سلام دانیدن امام قیام نماید ودر میان اداء نمودن نماز خویش یک واجب ترک شود آیا این مسبوق مذکور سجدہ سہوہ بکند یا نہ؟
جواب: اداء نمودن سجدہ سہوہ بکار است^(۲).

درقعدہ اخیر بدو بارہ خواندن درود سجدہ سہوہ نیست: سوال: (۲۰۷۳) اگر کسی کاملاً

درود ابراہیمی یا نصف آن را از اللہم بارک تا بہ حمید مجید درقعدہ آخر تکرار یا بخواند آیا بر او سجدہ سہوہ واجب است یا نہ؟
جواب: واجب نمیشود^(۳).

برخی از درود را ترک نمود وبعث از دعا آن را ثانیاً خواند فلہذا بر او سجدہ نیست:

سوال: (۲۰۷۴) اگر اللہم بارک را تا بہ حمید مجید سہوہ درقعدہ آخر ترک نمود ودر وقت قرائت دعای ماثورہ بیادش آمد پس دراین اثنا بترک نمودن دعای باقی ماندہ بطرف درود شریف انتقال نماید یا نہ؟

جواب: انتقال نمودن مناسب است و سجدہ سہوہ بر او واجب نیست^(۴).

در آخرین رکعات فرائض بضم سورت سجدہ سہوہ لازم نمیگردد: سوال: (۲۰۷۵) در

رکعات خالی نماز فرض اگر یک سورت سہوہ آیا قصداً بعد از فاتحہ تلاوت شود آیا سجدہ سہوہ اداء نمودن لازم میشود یا نہ؟

(۱) رد المحتار باب الہدین ج ۱ ص ۷۸۴، ط.س. ج ۲ ص ۹۲، ظہر

(۲) رہدأ بقضاء ما لایہ عکس المسبوق (درمختار) قولہ عکس المسبوق ای فی القروع الأربعة المذكورة لانه إذا قضی ما لایہ بقراء و یسجد للسهو إذا سها لہ (رد المحتار باب الإمامة مطلب فی احکام الملوک والمسبوق ج ۱ ص ۵۵۷، ط.س. ج ۱ ص ۵۹۵)، ظہر

(۳) جب الخ بترک الواجب الخ (درمختار) واحترز بالتواجب عن السنة كالثناء والتعوذ ونحوها (رد المحتار باب سجود السهو ج ۱ ص ۶۹۳، ط.س. ج ۲ ص ۸۰)، ظہر

(۴) وسنها رلع البدین للتحريم الخ والصلوة علی النبی ﷺ فی القعدة الأخيرة والدر المختار علی هامش رد المحتار باب صفة الصلوة مطلب سنن الصلوة ج ۱ ص ۱۴۵، ط.س. ج ۱ ص ۴۷۴، ظہر

جواب: صورت مسؤله موجب سجده سهوه نیست ^(۱) فقط.

در رکعت اخیری نماز چهار رکعتی قرائت: سوال: (۲۰۷۶) در نماز چهار رکعتی در آخرین دو رکعت بقرائت نمودن یک آیت قیام اداء میشود بناء این چه مصلحت است که نصف الحمد را تلاوت کرد و بدفعه دوم آن را تکمیل نمود فلذا بذمه اش سجده سهوه لازم شده است و آنکس که هر دو دفعه کل بخواند پس لازم نمیشود؟

جواب: در آخرین دو رکعت بترک قراءه سورة فاتحه کاملاً موافق آن قول سجده سهوه واجب میشود کسی که بر وجوب قرائت فاتحه در رکعات آخری قائل میباشد اما طبق ظاهر الراویت چونکه در آخرین دو رکعت خواندن فاتحه واجب نیست ^(۲) فلذا بترک تمام سورة فاتحه یا برخی ان در رکعات آخری بنزد ایشان سجده سهوه لازم نخواهد شد فقط.

در قرائت بسبب متشابه شدن بقرائت مکرر سجده سهوه واجب نمیشود: سوال: (۲۰۷۷) امام در نماز در حین قرائت فراموش نمود و یا بوجه متشابه بودن از جای دیگر دو یا سه آیت را قرائت کرد و سپس ببادش آمد یا بوجه فراموشی از سر نو ابتداء قرائت نماید آیا نماز میشود یا نه؟ و سجده سهوه براو واجب میشود یا نه؟

جواب: در این صورت نماز صحیح است و سجده سهوه براو واجب نیست و اگر بنا بر غلطی سجده سهوه را اداء نمود باز هم نماز درست شده است ^(۳) فقط.

در نماز واجب و سنت در قعده اولی بعد از تشهد بخواندن درود شریف سجده سهوه: سوال: (۲۰۷۸) در نماز های واجب و مستنون در قعده اولی که بعد از التحیات درود شریف و غیره خوانده شود آیا سجده سهوه واجب خواهد شد یا نه؟ و همچنین اگر در نماز واجب و سنت

(۱) و اکثی المفترضی لهما بعد الأولین بالفاتحة لأنها سنة على الظاهر ولو زاد لآبائى (الدرا المختار على هامش رد المحتار باب صلة الصلوة ج ۱ ص ۴۷۸، ط.س. ج ۲ ص ۵۱۱). ظفر

(۲) و اکثی المفترضی لهما بعد الأولین بالفاتحة لأنها سنة على الظاهر ولو زاد لآبائى به وهو مخبر بين قراءة الفاتحة الخ و صح المعنى وجوبها (درمختار) ای ظاهر الركوة ولو زاد لآبائى به الخ ای لو ضم إلى سورة لا بأس به لأن القراءة في الآخرين مشروعة من غير تقدير والإقتصار على الفاتحة مستنون لا واجب لكان الضم خلاف الأولى وذلك لا ينال المشروعة والإباحة بمعنى عدم الإثم في الفعل والترك كما قدمناه (رد المحتار باب صلة الصلوة ج ۱ ص ۴۷۸، ط.س. ج ۲ ص ۵۱۱). ظفر

(۳) ولو سلم سلمها إن بعد إمامه لزمه السهو وإلا لا الخ ولو ظن الإمام السهو فيسجد له فتابعه فإن ان لا سهو للأشبه الفساد لإفتدائه في موضع الإنفراد (درمختار) وفي الفحص و قيل لا تفسد ربه يعني في البحر عن الظهيرة قال الفقيه ابو الليث في زماننا لا تفسد لأن الجهل في القراءة غالب (رد المحتار قبل باب الإستخلاف ج ۱ ص ۵۶۰، ط.س. ج ۱ ص ۵۹۹). ظفر

قعدہ اولیٰ را فراموش کند و قیام نماید پس قبل از سجده نمودن رکعت سوم بیادش آمد آیا او بنشیند یا نه؟

جواب: در نماز واجب مثلاً مانند وتر همان حکم نماز فرض است فلہذا اگر در آن در قعدہ اولیٰ بعد از تشهد درود شریف وغیرہ خواندہ شود سجده سہوہ لازم میگردد و اما در مورد سنن مؤکدہ دوقول است لکن وجوب^(۱) سجده احوط است و اما در ترک نمودن قعدہ اولیٰ همان حکم است کدام حکم کہ در ترک نمودن قعدہ اولیٰ فرض است کہ اگر بہ نشتن نزدیک باشد بنشیند و اگر بقیام نزدیک باشد پس ایستادہ شود و در آخر سجده سہوہ^(۲) را اداء کند فقط.

اگر در تعداد رکعات سہوہ شد پس بگمان غالب عمل نماید: سوال: (۲۰۷) برای خا کسار در نماز در مورد تعداد رکعات و در سجده سہوہ عارض میشود فلہذا چہ کردن بکار است؟

جواب: در این صورت گمان غالب^(۳) را اعتبار نماید و بر آن بنا نماید فقط.

در نماز دو رکعتی بعد از قرائت تشهد کہ بر رکعت سوم قیام می ورزد و پس رجوع نموده می نشیند فلہذا سجده سہوہ ضروری است: سوال: (۲۰۸۰) شخصی نیت دو رکعت سنت مؤکدہ یا فرض را بست و قتیکہ التّحیات را خواند در آن اثنا سہوہ ایستادہ شد یعنی در رکعت سوم بعد از تلاوت نمودن **نمودن اَلْحَمْدُ لِلّٰہ** بیادش آمد و فوراً نشسته و سلام گردانید بناء ایا این نماز درست شدہ است و یا آنکہ اعادہ اش بکار است؟ و یا اداء نمودن سجده سہوہ بکار بود؟ و ہر کسی کہ میگوید کہ نہ اعادہ بکار است و نہ اداء نمودن سجده سہوہ بکار است آیا این صحیح

(۱) ولا یزید فی الفرض علی التّشہد فی القعدۃ الاولیٰ إجماعاً فإن زاد عامداً کرہ فیجب الإعادة أو سہواً وجب علیہ سجود السہر إذا قال اللہم صل علی محمد لفظ علی المذهب المذنبی لا لا لخصوص الصلوۃ بل لتأخیر القيام (درمختار) قوله لا یزید فی الفرض ای وما الحق بہ کالوتر والسنن الرواتب وإن نظر صاحب البحر لہا (رد المحتار باب صلوۃ ج ۱ ص ۴۶، ط.س. ج ۱ ص ۵۱۰)، ظہیر

(۲) سہا عن القعود الأول من الفرض ولو عمداً أما التّقل لہود ما لم یقعد بالسجدة لم یشک عاد إلیہ ویتشہد ولا سہو علیہ فی الأصح ما لم یستقم قائماً بہ ظاہر المذهب وهو الأصح والا یزید إن استقام قائماً لا یعود لإشغاله بفرض القيام وسجد لیسوہ لترك الرواتب (درمختار) قوله عمداً کالوتر فلا یعود فیہ إذا استقم قائماً قوله أما التّقل لہود الخ جزم بہ فی المعراج والمسراج وعللہ ابن وہبان بأن کل شفع منہ صلوۃ علی حدۃ ولا سہواً علی قول محمد بأن القعدۃ الاولیٰ منہ فرض فکانت کالأخیرۃ ولہا یقعد وإن قام حکى فی المحيط فیہ عللاً وکذا فی شرح التمریاتی قبل یعود وقیل لا یعود فی الخلاصۃ والأربع قبل الظہر کالمنطوع وکذا الوتر عند محمد وتمامہ فی النہر لکن فی التارخانیۃ عن العنابیۃ قبل فی المنطوع یعود ما لم یقعد بالسجدة والصّحیح أنہ لا یعود اھـ وافرہ فی الإمداد لکن خالفہ فی الثمن تأمل (رد المحتار باب سجود السہر ج ۱ ص ۶۹۷، ط.س. ج ۲ ص ۸۳)، ظہیر

(۳) وإذا شک فی صلاۃ من لم یکن ذلک ای الشک عادة لا الخ کم صلی إستأنف الخ وإن کثر شکہ عمل بطلان طہ إن کان لہ طہ للخرج وإلا أخذ بالألّ لبقیۃ ولعد فی کل موضع تروحمہ موضع قعود (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب سجود السہر ج ۱ ص ۷۰۵ - ۷۰۶، ط.س. ج ۲ ص ۹۲ - ۹۳)، ظہیر

است یا نہ؟

جواب: در این صورت اداء نمودن سجده سہوہ بکار بود زیرا در آن تاخیر فرض و ترک واجب شدہ است و اگر سجده سہوہ را اداء نکرد پس نماز مع نقصان باقی ماند و اعادہ آن نماز واجب میباشد و ہر شخصی کہ آن مسئلہ را رہنمائی نمودہ است کہ برای سجده سہوہ ضرورت نبود و در صورت عدم اداء نمود فی سجده سہوہ ضرورت برای اعادہ نماز نیست پس رہنمائی آن شخص غلط و نادرست است در مورد این مسالہ معلومات وی ناقص میباشد فلہذا قول آن شخص را اعتبار دادن بکار نیست ^(۱) فقط.

اگر مسبوق در رکعت باقیمانده سہوہ شد سجده سہوہ بر او لازم است: سوال: (۲۰۸۱)
مسبوق اگر بعد از ختم جماعت در رکعت متباقی برایش سہوہ عارض شود آیا سجده سہوہ را اداء نماید یا نہ؟

جواب: اداء نمودن سجده سہوہ بکار است ^(۲) فقط.

در رکوع بجای تسبیح بسم اللہ خواندن موجب سجده سہوہ است یا نہ؟ سوال: (۲۰۸۲)
اگر در رکوع بجای تسبیح کسی بسم اللہ الرحمن الرحیم را بگوید آیا سجده سہوہ واجب خواہد شد یا نہ؟ و در تشہد قرائت نمودن موجب سجده سہوہ است یا نہ؟

جواب: در رکوع بجای تسبیح بخواندن بسم اللہ الرحمن الرحیم سجده سہوہ لازم نمودن تشہد سجده سہوہ لازم نمیشود زیرا تسبیحات رکوع واجب نیست و تشہد واجب است فلہذا بترک نمود تشہد سجده سہو لازم میشود ^(۳) فقط.

بتکرار نمودن سورت فاتحہ سجده سہو لازم میشود یا خیر؟ سوال: (۲۰۸۳) بتکرار نمودن سورت فاتحہ سجده سہوہ لازم میشود یا نہ؟

(۱) ولو سہا عن القرد الآخر کله او بعضہ بعد الخ وإن تعد فی الرابعۃ مثلا فقرأ الشہد لم قام عاد الخ وسجد للسہو فی الصورتین للنعان لفرعہ بما خیر السلام فی الأولى وترکہ فی الثانیۃ (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب سجود السہو ج ۱ ص ۶۹۸، ط. س. ج ۲ ص ۸۵).

ظہر

(۲) والمسوق من سبقہ الإمام بها او بعضها و هو مفرد حتی یشی ویصو الخ فیما یقضیہ (در مختار) قوله حتی یشی الخ تفریع علی قوله مفرد فیما یقضیہ بعد فراغ الإمام حتی لو ترک القراءة لشدت الخ ویلزمہ السجود إذا سہا فیما یقضیہ (رد المحتار باب الإمامۃ مطلب فی المسوق واللاحق ج ۱ ص ۵۵۷، ط. س. ج ۱ ص ۵۹۶، ظہر

(۳) ویلزمہ إذا ترک فعلا مسنونا کأنه أراد بہ فعلا واجبا الخ او ترک قراءة فاتحۃ الخ او القنوت او الشہد او تکبیرات العینین لانہا واجبات (عہدہ باب س. رد السہو ج ۱ ص ۶۴۰). ظہر

جواب: در نخستین دو رکعت بتکرار نمودن سورت فاتحه سجده سهوه لازم میگردد: كما فی الشامي قوله وكذا ترك تكريرها فلو قرئها فی ركعة من الاولین مرتین وجب سجود السهو لتأخیر الواجب وهو السورة كما فی الذخيرة وغيرها ^(۱) الخ فقط.

در آخرین رکعات نماز های رباعی بضم سورت سجده سهوه لازم نمیشود: سوال:

(۲۰۸۴) در چهار رکعت فرائض در آخرین آنها ضم سورت نمود آیا سجده سهوه لازم خواهد شد یا نه اگر در این صورت تأخیر رکن نشده باشد پس در قعده اولی زیاد تر از اللهم صل علی محمد خواندن تأخیر رکن چگونه میشود که در نتیجه سجده سهوه لازم میگردد و مطلب از عدم قرائت مشروع چیست؟

جواب: بضم نمودن سورت در آخرین دو رکعت سجده سهوه لازم نمیکردد زیرا در آخرین دو رکعت اکتفا بفاتحه واجب نیست که به از دیاد آن ترک واجب شود بلکه بضم نمودن سورت وعدم ضم نمودن سورت اختیار داده شده است با آنها که عدم قرائت سورت اولی و مستنون است بخلاف قعده اولی که در آن اکتفا به تشهد وعدم قرائت درود شریف واجب است در المختار مذکور است: واكتفى المفترض فيما بعد الاولین بالفاتحة فانها سنة علی الظاهر ولو زاد لا بأس به ^(۲) الخ فقط.

اگر مسبوق در نماز متبای خویشتن قعده را ترک نماید سجده سهوه لازم خواهد شد:

سوال: (۲۰۸۵) مسبوق مع الامام در وقت مغرب یک رکعت را دریافت نمود و مسبوق بعد از سلام گردانیدن امام دو رکعت را اداء کرد و قعده آخر را اداء نمود یعنی قعده اولی را اداء نکرد آیا بر او سجده سهوه واجب است یا نه و آیا بغیر از اداء نمودن سجده سهوه نماز خواهد شد یا نه؟

جواب: در این صورت بر مسبوق سجده سهوه واجب است و در صورت اداء نمودن سجده سهوه اعاده ^(۳) نماز ضروری است فقط.

(۱) رد المحتار باب صفة الصلوة مطلب واجبات الصلوة ج ۱ ص ۴۲۹. طحیر

(۲) الدر المختار علی هامش رد المحتار باب صفة الصلوة الفصل ج ۱ ص ۴۷۷، ط.س. ج ۱ ص ۵۱۱، ای لو ضم إليها سورة لا بأس به لأن القراءة فی الآخرين مشروعة من غیر تقدیر والإقتصار علی فاتحة مستنون لا واجب فکان الضم خلاف الأولى وذلك لا یافی المشروعة والإباحة بمعنى عدم الإثم فی الفعل والترك الخ رد المحتار باب ایضا ج ۱ ص ۴۷۷، ط.س. ج ۱ ص ۵۱۱. طحیر

(۳) والمسبوق یسجد مع إمامه مطلقا سواء کان السهر قبل الإقضاء أو بعده ثم یفشی ما فاتهُ ولو سها فیهِ یسجد ثانیاً (در مختار) لو سها فیهِ =

در نماز فجر بعد از رکعت دوم بفراوانشی ایستاده شد پس فوراً بنشیند: سوال: (۲۰۸۶)
اگر در نماز فرض فجر بعد از دو رکعت سهواً بغیر از اداء نمودن قعدہ قیام نماید و در اثناء رکعت سوم بعد از قرائت نمودن الحمد و سورت بیادش آمد آیا در همان وقت بنشیند یا آنکه رکعت را تکمیل نماید؟ -

جواب: در این وقت باید بنشیند و سجده سهوہ بکند پس نمازش صحیح خواهد شد ^(۱) فقط.

اگر در رکعت اول ضم سورت و افراوانشی نماید پس باید کرد: سوال: (۲۰۸۷) در رکعت اول نوالل یا سنن یا فرائض بعد از سورت فاتحۃ سهواً ضم سورت نکرد و برکوع رفت پس اکنون بطرف قیام رجوع نماید و یا آنکه بسوی سجده برود؟

جواب: قومه را اداء نموده بسجده برود و در آخر صلاة سجده سهوہ را اداء کند ^(۲) فقط.

بعد از یک طرف سلام گردانیدن سجده سهوہ را اداء کند و تشهد را کامل بخواند: سوال: (۲۰۸۸) سجده سهوہ را بعد از یک طرف سلام گردانیدن اداء نمودن بکار است و یا آنکه هر دو طرف و بعد از خواندن نصف تشهد سلام بگرداند و سجده سهوہ را اداء کند یا آنکه بعد از خواندن تشهد کامل و بعد از سجده سهوہ و بعد از قرائت نمودن: **المتحیات کامل سلام بگرداند و یا چگونه باید کرد؟**

جواب: بعد از قرائت نمودن التحیات کامل و بعد از یک طرف سلام دانیدن دو سجده سهوہ را

= ای لیما بقی بعد فراغ الإمام بسجده ثانیاً لأنه مفرد والمفرد بسجده لسهوہ. (رد المحتار باب سجود السهو ج ۱ ص ۶۹۵، ط.س. ج ۲ ص ۸۵)، ظہیر

(۱) ولو سها عن القعود الأخير كله أو بعضه عاد الخ ما لم يلقدها بسجدة لأن ما دون الركعة محل الرفع وسجد للسهو للأخير القعود (الدر المختار على هامش رد المحتار باب سجود السهو ج ۱ ص ۶۹۸، ط.س. ج ۲ ص ۸۵)، ظہیر
(۲) از صراحت علامہ شامی معلوم میشود کہ: در صورت مذکورہ بہتر آنست کہ وہی خود و سورت را قرائت نماید پس از آن رکوع کند و در آخر سجده سهوہ را اداء کند اگر چہ این صورت نماز درست است کہ بعد از رکوع بسجده برود و در آخر سجده سهوہ بکند چنانچہ در جواب مذکور است بترک واجب سهواً برکوع قبل قراءۃ الواجب بوجوب تقدیمہا لم إنما يتحقق الترك بالسجود فلو تذكر ولو بعد الرفع من الركوع عاد لم أعاد الركوع (مختصراً من درمختار) قوله عاد أي إلى القيام ليقراً (رد المحتار باب سجود السهو ج ۱ ص ۶۹۳، ط.س. ج ۲ ص ۸۰) شامی هر دو صورت را ذکر نموده است کہ کلاً قرائت ترک شود یا تنها سورت: اما إذا قرأ الفاتحة مثلاً رجع فذكر السورة فعاد فقرأها الخ (ایضاً) دیگر عبارت این است: ولو ترك سورة أولى العشاء مثلاً ولو عمداً قرأ وجوباً وقبل ندباً مع الفاتحة جهراً في الآخرين الخ ولو تذكرها في ركوعه قرأها وأعاد الركوع (درمختار) قوله ولو تذكرها أي السورة قوله قرأها أي بعد عوده إلى القيام قوله وأعاد الركوع لأن ما بلغ من القراءة في الصلوة يكون فرضاً فيرفض الركوع ويلزمه إعادة لأن الترتيب بين القراءة والركوع فرض كما مر في الواجبات الخ (رد المحتار فصل في القراءة ج ۱ ص ۴۹۹ - ۵۰۰، ط.س. ج ۱ ص ۵۳۵)، ظہیر

اداء کند سپس از آن کاملاً التّحیات و درود شریف را بخواند و بعد از آن سلام بگرداند فقط. بعد از درود دعا را نیز بخواند ظفیر.^(۱)

در دو رکعت اول فرائض ضم سورت را قرائت نمود و سجده سهوه را اداء کرد نمازش

دریست شده است: سوال: (۲۰۸۹) در نخستین دو رکعت فرائض یا در یک رکعت ضم سورت را قرائت نمود فلّهذا آیا باداء نمودن سجده سهوه نمازش درست خواهد شد یا نه؟

جواب: ضم سورت واجب است و بر ترک نمودن آن سجده سهوه لازم میگردد فلّهذا در صورت مسئله باداء نمودن سجده سهوه نماز درست خواهد شد و ضرورت برای اعاده نیست^(۲) فقط.

اگر مسبوق مع الامام سلام بگرداند در آن مورد حکم چیست؟ سوال: (۲۰۹۰) اگر

مسبوق سهواً مع الامام سلام بگرداند در این مورد صورت راعلماء نوشته اند یکی ۱. آنکه قبل از امام یا ۲ مع الامام سلام بگرداند پس نمازش بغیر از سجده سهوه درست است و اگر ۳ بعد از امام سلام بگرداند در این صورت بغیر از سجده سهوه اعاده لازم میباشد معنی مع الامام چیست؟

جواب: اگر بعد از امام اندک مؤخر نیز باشد باز هم سجده سهوه بر مسبوق لازم میگردد و بنا بر همین وجه در شامی نگاشته شده است که حقیقه دشوار و شاذ و نادر است و در مورد آن بطور عموم حکم وجوب سجده سهوه کرده میشود^(۳) فقط.

در قعده اخیر بعد از ختم نمودن درود دو دعا بتأخیر سلام گردانید آیا سجده سهوه لازم

است: سوال (۲۰۹۱) در قعده اخیر بعد از خواندن درود و تشهد تا وقتی سکوت نموده سلام نگشتانند بناء ایاسجده سهوه واجب است یا نه؟ و در صورت وجوب دوباره تشهد سجده سهوه را بگوید یا چطور؟

جواب: در این صورت سجده سهوه واجب نیست^(۴) فقط.

(۱) و کتبته أن یکبر بعد سلامه الأول و یقر ساجداً و یسبح فی سجوده ثم یفعل ثانیاً کلّک ثم یتشهد ثانیاً ثم یسلم و ینی بالصلاة علی النبی ﷺ والدعاء فی لقعة السهو هو الصّحیح الخ (عالمگیری مصری فی سجود السهو ج ۱ ص ۱۱۷، ط. ماحدیه ج ۱ ص ۱۲۵). ظفیر

(۲) ولو قرأ الفاتحة وحدها و ترک السورة یجب علیه سجود السهو (عالمگیری مصری سجود السهو ج ۱ ص ۱۱۸، ط. ماحدیه ج ۱ ص ۱۲۶). ظفیر

(۳) ولو سلم صحابہ إن بعد إمامه أزمه السهو وإلا لا (در مختار) لقوله أزمه السهو لأنه منفرد فی هذه الحالة لقوله ولا لا، ای وإن سلم معه أو قبله لا یلزمه لأن منفرد فی هاتین الحالتین ولی شرح المنیة عن المحبّ إن سلم فی الأولى مقارناً لسلامه فلا سهو علیه لأنه مقفد به وبعده یلزم لأنه منفرد أهـ ثم قال لعل هذا براد بالمعنی حقیقتها وهو نادر الوقوع أهـ قلت یشیر إلى أن الغالب لزوم السجود لأن الأغلب عدم المعنی وهذا مما

لاحق همراه امام سجده سهو نکند: سوال: (۲۰۹۲) لاحق همراه امام سجده سهو بکند یا نه؟ اگر نکند سپس در آن اثنا او چه باید کرد؟

جواب: دردر المختار مذکور است: که لاحق همراه امام سجده سهو نکند در آخر نماز آن را اداء کند و در آن اثنا همانطور بنشیند و اگر همراه امام سجده سهو را اداء نماید پس در آخر نماز نیز سجده سهو را اداء کند و نمازش صحیح است ^(۱) الدر المختار فقط.

اگر بعد از قرائت نمودن برخی از سورت سورت دیگر را شروع نمود آیا نمازش درست شده است یا نه؟ سوال: (۲۰۹۳) یک نفر در نماز فرض بعد تلاوت نمودن الحمد لله شریف رکوع آتی (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ) تا (كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ) خواند سپس سورت دیگر را شروع نمود و بغیر از اداء نمودن سجده سهو نماز رابه انجام رساند آیا نمازش درست شده است یا نه؟ **جواب:** اگر تاخیر بقدر تحریمه نشده باشد پس سجده سهو واجب نیست ^(۲) و نمازش درست شده است ظفر.

به یک آیت بزرگ نماز میشود: سوال: (۲۰۹۴) (۱) به یک آیت بزرگ نماز میشود یا نه؟ یک آیت تلاوت نموده از وی فراموش شد و در سورت دیگر پرداخت آیا نمازش درست شده است یا نه؟ در قرائت بالکل محصور نگردیده بود آیا سجده سهو بر او واجب است یا نه؟

بعد از نسیان قرائت به چقدر وقت خاموش ایستاده شدن اما سجده سهو واجب میگردد؟ سوال: (۲۰۹۵) (۲) اگر در وقت قرائت از وی فراموش شود پس به چقدر توقف نمودن سجده سهو واجب میشود؟

جواب: (۱) میشود یک آیت دراز یا سه آیات کوتاه را با سورت فاتحه ضم نمودن نماز درست میشود و سجده سهو لازم نمیشود ^(۳).

(۱) أما لو تفكر في صلاة قبلها هل صلاها أم لا ففي المحيط انه ذكر في بعض الروايات انه لا سهو عليه وإن أخر فعلا كما لو تفكر من أمور الدنيا حتى أخر وكذا الخ (رد المحتار باب سجود السهو ج ۱ ص ۷۰۷، ط.س. ج ۲ ص ۹۴). ظفر

(۲) وحكمه كمؤتم فلا يأتي بفراة ولا سهو ويخر فرضه بنية إقامة ويبدأ بقضاء ما فاتته عكس المسوق (الدر المختار على هامش رد المحتار باب الإمامة مطلب في المسوق واللاحق والمذكور ج ۱ ص ۵۵۷، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۵). ظفر

(۳) منشا آن است که بعد از تلاوت نمودن همه مذکور و رکوع متذکره اگر فرود سورت دیگر را شروع نمود و بقدر و کن تاخیر نمود پس سجده سهو واجب نیست. و اعلم انه إذا شغله ذلك الشك ففكر فخر اداء وكن ولم يشغل حالة الشك بفراة ولا تسبيح وجب عليه سجود السهو (الدر المختار على هامش رد المحتار باب سجود السهو ج ۱ ص ۷۰۶، ط.س. ج ۲ ص ۹۳). ظفر

(۴) وضم الفسر سورة كالكوفر اوما قام مقامها وهو ثلاث ايات قصار نحو (ثم نظر ثم عسى وبسر ثم أدبر واستكبر) وكذا لو كانت الآية أو =

جواب: (۲) بقدر اداء نمودن یک رکن توقف کردن سجده سہوہ واجب میگردد (۱) فقط.

اگر خودشی متیقن باشد کہ من رکعات را تکمیل نمودم اما مرد برایش کاهشی رکعات را

وانمود می نمایند پس چی باید بکند: سوال: (۲۰۹۶) (۱) شخصی متیقن است کہ من بعد

از اداء نمودن چهار رکعت سلام گردانیده ام اما دوفتر میگویند کہ تو بعد از سه رکعت سلام

گشتانیدی فلہذا آیا این نماز را اعادہ نماید ویا بریقین خود باقی بماند؟

اگر بجای دور رکعت فجر چهار و بجای چهار رکعت عصر شش رکعت را اداء نماید پس

حکم آن چیست؟ سوال: (۲۰۹۷) (۲) نماز فجر را بجای دو رکعت چهار رکعت اداء نمود

و همچنان نماز عصر را بجای چهار رکعت شش رکعت اداء فرمود فلہذا آیا باء نمودن سجده

سہوہ نماز درست خواهد شد یا خیر؟ اگر میشود پس دو رکعت آن نفل خواهد شد و بوجہ

کراہیت نماز در آن ہر دو اوقات نفل کنندہ گنہکار است یا نہ؟

جواب: (۱) نمازش صحیح است و یقین خود اکتفاء نمودن کافی است (۲).

جواب: (۲) در آن صورت اگر قعدہ آخر را کردہ باشد سپس قیام نمودہ باشد و دو رکعت دیگر

را ضم کردہ باشد در این صورت باء نمودن سجده سہوہ نماز او تکمیل میگردد و آن دو رکعت

او نفل خواهد شد و بر اداء کنندہ هیچ گناہ نیست.

قال فی الدر المختار: وضم الیہامادسة لوفی العصر وخامسة فی المغرب ورابعة فی الفجر به یفتی

لتصیر الرکعتان له نفلاً (قوله ولوفی العصر الخ) أشار الی آنہ لا فرق فی مشروعیة الضم بین

الافاق المکروهة وغیرها لما مران التثفل فیہا انما یکبرہ لو عن قصدو الا فلا وهو الصحیح (۲)

شامی فقط.

= الأیذان تعدل ثلاثاً فصلاً (درمختار) وهی ثلاثون حرفاً لئلا یقرأ ایه طریلة لئلا ینزل حرفاً یكون قد أتى بقدر ثلاث آیات الخ (ردالمحتار

باب صفۃ الصلوة واجبات الصلوة ج ۱ ص ۴۲۷. ط.س. ج ۱ ص ۱۵۸). ظفر

(۱) لئلا ینزل اللزاة لمکنت متفکراً سہواً ثم رجع الخ سجد للسهو (الدر المختار علی هامش ردالمحتار واجبات الصلوة ج ۱ ص ۴۳۷. ط.س.

ج ۱ ص ۴۶۹) وتفکره عمداً حتی شغلہ عن رکن (درمختار) وأجاب فی الحلبة عن وجوب السجود فی مسئلة التفکر عمداً بأنه وجب لما یلزم

منه من ترک واجب هو تأخیر الرکن او الواجب عما قبله فإنه نوع سہواً (الدر المختار باب سجود السهو ج ۱ ص ۶۹۳. ط.س. ج ۲

ص ۸۰). ظفر

(۲) واختلف الإمام القوم لئلا الإمام علی یقین لم یعد (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب سجود السهو ج ۱ ص ۷۰۷. ط.س. ج ۲

ص ۹۴). ظفر

(۳) رد المحتار باب سجود السهو ج ۱ ص ۷۰۰. ط.س. ج ۲ ص ۸۶. ظفر

در سنن بجای التّحیات فاتحہ را خواند آیا سجده سہوہ لازم میشود یا نہ؟ سوال:

(۲۰۹۸) درسنت موکد بجای تشهد فاتحہ را قرائت نمود و تکیہ بیادش آمد پس التّحیات را خواند در این صورت بر او سجده سہوہ واجب است یا نہ؟

جواب: نیست ^(۱) در این مورد تفصیل چنین است کہ اگر سورت فاتحہ را بجای تشهد خواند و یا نخست فاتحہ را تلاوت کرد سپس تشهد را پس در هر دو صورت سجده سہوہ لازم میشود و اگر نخست تشهد را خواند سپس فاتحہ را تلاوت کرد پس سجده سہوہ لازم نخواهد شد.

ظفر الدین

سجده سہوہ بتفہیہ خواندن در نماز جہری: سوال: (۲۰۹۹) در جمعه وغیرہ نماز ہائیکہ

حکم قرائت بالجہر است اگر در آنها بفراوانی خفیہ قرائت نماید آیا سجده سہوہ واجب خواهد شد یا نہ؟

جواب: در نمازی کہ جہر واجب نیست در آن بترک جہر سجده سہوہ واجب نخواهد شد و در آن نمازی کہ جہر واجب است مانند نماز جمعه کہ در آن بترک جہر بالقراۃ سجده سہوہ واجب میشود ^(۲) اما در مورد خود نماز جمعه حکم سجده سہوہ نیست ^(۳) و باقی التفصیل یطلب من کتب الفقہ.

سلام گردانیدن مسبوق مع الامام وسجده سہوہ: سوال: (۲۱۰۰) در کدام صورت سلام

گردانیدن مسبوق براو سجده سہوہ لازم میگردد در صورت مقارنت یا در صورت تعدیت بہرحال علت سجده سہوہ چیست؟

جواب: مقارنت حقیقہ نادر الوقوع است یعنی آنکہ سلام مسبوق بالکل مع الامام شروع شود و ہمراہش بپایان رسد و نا در الوقوع بودن آن بعد از سلام گردانیدن سہوا مسبوق سلام گردانید

(۱) و اذا قرأ فاتحة مكان تشهد فعليه السهو وكذلك إذا قرأ الفاتحة ثم تشهد كان عليه السهو وكذا روي عن أبي حنيفة الخ ولو بدأ بالتشهد ثم بالقراءة فلا سهو عليه الخ (عالمگیری مصری الباب الثاني عشر فی سجود السهو ج ۱ ص ۱۱۹، ط.س. ج ۱ ص ۱۲۷) این معلوم شد کہ در این صورت سجده سہوہ لازم است. و الله اعلم. ظفر

(۲) والجہر لہما یخافتا فیہ للإمام وعکسہ لکل مصل فی الأصح وتقديرہ بلفظ ما تجوز بہ الصلوة فی الفصلین وقیل قائلہ قاضیان بعب السہر ہما ہی والجہر والمخالفة مطلقا ہی قل اکثر (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب سجود السہر ج ۱ ص ۶۹۴ - ۶۹۵، ط.س. ج ۲ ص ۸۱). ظفر

(۳) والسهو فی صلوة العید والجمعة والمکثوبة والنطوع سواء والمختار عند المتأخرین عدمہ فی الأولین لدفع الفسقة کما فی جمعة البحر. (ایضا ج ۱ ص ۷۰۵، ط.س. ج ۲ ص ۹۲). ظفر

پس سجده سهوہ براولزام است زیرا بعیدیت در آنجا متحقق^(۱) است فقط.

اگر درمیان برخی از آیت ترک شود آیا سجده سهوہ خواهد واجب شد یا نه؟ سوال:

(۲۱۰۱) از آیت اخروی سورت بقرہ: (لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا) نماز را شروع نمود اما سهوہ (رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْنَا مَلَا طَاقَةً لَّنَا يَهِّ وَاعْظُ عَنَّا رَبَّنَا) را ترک نمود و آیت بعد را تا به آخر تلاوت نمود بناء آیا سجده سهوہ واجب است یا نه؟

جواب: در این صورت سجده سهوہ واجب نیست و نماز درست شده است^(۲) فقط.

بعد از سجده سهوہ اگر بجای تشهد الحمد را بخواند پس حکم آن چیست؟ سوال:

(۲۱۰۲) زید در نماز بسبب ترک نمودن واجب سجده سهوہ نمود و بعد از آن او بجای تشهد الحمد شریف را خواند و تکیه بیادش آمد پس او ثانیاً سجده سهوہ نماید و یا فوراً تشهد را شروع کند؟

جواب: از سرنو تشهد را بخواند و ثانیاً ضرورت برای سجده سهوہ نیست^(۳) فقط.

اگر مقتدی یک رکن را فراموش نماید او چه باید بکند؟ سوال: (۲۱۰۳) از مقتدی که

بدنبال امام است یک رکن نماز فراموش شود مثلاً رکوع سجده و یا التحیات را فراموش کند آب آن را تکمیل نماید یا سجده سهوہ بکند؟

جواب: اگر از مقتدی که بدنبال امام است یک رکن مانند رکوع یا سجده ترک شود پس آن را در داخل نماز یا بعد از نماز تکمیل نماید و اگر بدنبال امام از وی واجب ترک شود مانند التحیات پس اعاده آن لازم نیست و سجده سهوہ نیز برای او واجب نیست کما فی الدر المختار: لا یسهره اصلاً در مختار ای لا قبل السلام للزوم مخالفة ولا بعده لخروجه عن الصلاة بسلام الامام الخ وروی ابن عمر رضی اللہ عنہما عن النبی صلی اللہ علیہ وسلم لیس من خلف الامام سهواً^(۴) الخ شامی فقط.

بعد از رکعت چهارم فوراً قیام نمود و رکعت پنجم را نیز اداء کرد سجده سهوہ نموده نماز

(۱) و المسروق یسجد مع امامه مطلقاً سواء كان السهو قبل الإقضاء أو بعده الخ (در مختار) ليد بالسجود لأنه لا يتابعه في السلام بل يسجد معه ويشهد فإذا سلم الإمام قام إلى القضاء لأن سلم عامدا فسدت وإلا لا، ولا سجود عليه إن سلم سهواً قبل الإمام أو معه وإن سلم بعده لزومه لكونه منفرداً حينئذ بحر، والمراد بالمسبة المغفرة وهو نادر الوقوع كما في شرح المنية (رد المحتار باب سجود السهو ج ۱ ص ۶۹۶). ظفر

(۲) در آن کدام وجه برای سجده سهوہ نیست زیرا کدام ترک واجب یا تقدیم و تاخیر آن همراهش لازم نیست و ظفر.

(۳) وإذا قرأ الفاتحة مكان التشهد لم يلحقه السهو وكذلك إذا قرأ الفاتحة ثم التشهد كان عليه السهو كما روی عن أبي حنيفة الخ ولو بدء بالتشهد ثم بالقرأة فلا عليه سهوہ (عالمگیری مصری باب سجود السهو ج ۱ ص ۱۱۹، ط.س. ج ۱ ص ۱۲۷). ظفر

(۴) رد المحتار باب سجود السهو ج ۱ ص ۶۹۵، ط.س. ج ۲ ص ۸۲. ظفر

۱/ با انجام رساند در این مورد حکم چیست؟ سوال: (۲۱۰۴) چهار رکعت نماز عشاء اداء شد در این اثنا امام بدان فکر که نماز سه رکعت اداء شده است قیام نمود برخی از مقتدیان نشستند و برای امام اشاره نمودند لکن نشست نمودند بلکه رکوع و سجده رکعت پنجم را اداء نمود و سجده سهو را اداء کرده نماز را پایان رساند بناء آیا در صورت مذکوره نماز امام درست شده است یا نه؟ و آن عده مقتدیان که بغرض قعدہ آخر نخست نشسته بودند و سپس با امام در رکوع رکعت پنجم شامل شده بودند آیا نماز آنها همچنان درست شده است یا نه؟

جواب: وقتی که امام در رکعت چهارم نشست نمود و به رکعت پنجم ایستاده شده رکوع و سجده نمود و نشست فلہذا بوجہ فوت شدن قعدہ اخیر نماز امام درست نشده است و تکیہ نماز امام درست نشده است پس نماز امام مقتدیان بطریق اولی درست نشده است خواه مقتدی مسبوق باشد یا مدرک^(۱).

اگر قرائت مکرر شود حکم آن چیست؟ سوال: (۲۱۰۵) شخصی یک رکوع را مکرر در رکعت قرات نمود و سجده سهو را نیز نکرد آیا نمازش درست شده است یا خیر؟

جواب: در این صورت نمازش درست شده است و سجده سهو واجب نیست^(۲) فقط.

سجده سهو بعد از یک سلام است و یا آنکه بعد از دو سلام میباشد؟ سوال: (۲۱۰۶)

سجده سهو را بعد از یک سلام اداء نماید و یا بعد از هر دو سلام ها؟

جواب: بعد از یک سلام اداء نماید فقط: دلیلہ قول درالمختار: یجب بعد سلام واحد عن یمینہ الی قوله سجدتان فقط واللہ تعالی اعلم.

تکرار آیت سجده سهو لازم است یا نه؟ سوال: (۲۱۰۷) نماز تراویح کہ سنت مؤکدہ است اگر در آن یک نفر یا پیش امام قاری در جماعت بیست نفری اگر یک آیت راسہ یا چہار دفعہ قرائت نماید آیا سجده سهو برایش ضروری است یا نه؟ بخاطر آنکہ در کتاب اردو مفتاح الصلاة: ص ۸۲ تحریر نموده است کہ اگر همان آیت را دو یا سه دفعہ تکرار نمود سجده سهو براول لازم است درالدر المختار جلد اول: ص ۳۳۸ نوشته است: کہ در تراویح از آن احتراز نماید

(۱) وإن سہی عن القعدة الأخيرة حتى قام إلى الخامسة رجع إلى القعدة ما لم يسجد الخ وإن قید الخامسة بسجدة بطلت فرضه عندنا (ہدایہ باب سجود السہو ج ۱ ص ۱۴۲). ظہیر

(۲) لا بأس أن يقرأ سورة ويقرأها في الثانية (درمختار) أفاد أنه يكره تنزيها وعليه يحمل جزم القية بالكرهية الخ (ردالمحتار فصل في القراءة ج ۱ ص ۵۱۰، ط.س. ج ۱ ص ۵۴۶). ظہیر

از سخنان نامشروع و غیره فلہذا آیا در آن صورت ہای فوق الذکر سجده سہوہ اداء نمودن بکار است یا نہ؟ بناء لطف نمودہ بحوالہ کتاب ہر ایم آن را تحریر فرمائید فقط.

جواب: اگر یک آیت ہمراتب مکررا قرائت شود از آن سجده سہوہ لازم نمیگردد و در مفتاح الصلاۃ کہ چیزی نوشتہ است درفہم بندہ نیامد و شاید مراد از آن چنین موقع باشد کہ تنها یک آیت را مکررا قرائت نمودہ باشد و دیگر چیزی را نخواندہ باشد یا تنها سورت فاتحہ را خواندہ باشد لکن سورت را نخواندہ فلہذا بسبب ترک نمودن واجب در آن صورت سجده سہوہ لازم میگردد مگر در تراویح ہمچنان نمی شود تا کہ چیزی دیگر را نخواندہ باشد و در تراویح اکثر اوقات چنین معضلہ عارض میگردد کہ بسبب عدم یاد شدن آیت آتی یک آیت را بدفعات اعادہ می نماید کہ در آن صورت هیچ نوع گنجایش لزوم سجده سہوہ نمودن اولی است بل الاولیٰ ترکہ لئلا یقع الناس فی فتنۃ و در در المختار نیز بعد از نقل نمودن این عبارت کہ شما نوشتہ اید چنین نگاشته است کہ مختار عند المتأخرین آنست کہ سجده سہوہ را نکنند فقط واللہ تعالی اعلم. (السہو فی صلوۃ العید والجمعة والمکتوبۃ والتطوع سواء والمختار عند المتأخرین عدمہ فی الاولین الدر المختار باب سجود السہو) قال فی الشامی: الظاہر آن الجمع الکثیر فیما سواہما كذلك شامی: ج ۱ ص ۷۸۷. جمیل الرحمن.

یک سجده را کرد و ایستادہ شد اکنون چہ باید کرد؟ سوال: (۲۱۰۸) شخصی در رکعت اولین نماز در دو سجده تنها یک سجده را اداء نمودہ ایستادہ شد و تکیہ بیادش آمد کہ یک سجده را اداء نمودم پس در آن حالت چہ باید کرد؟

جواب: ہر و تکیہ بیادش آمد در همان وقت سجده دوم را باید کرد سپس در اخر سجده سہوہ را اداء کند ^(۱) فقط.

اضافہ نمودن در تکبیرات زوائد موجب سجده سہوہ نیست: سوال: (۲۱۰۹) در نماز ہای عیدین بنا بر غلطی اگر بجای شش تکبیر نو ۹ تکبیر بگوید آیا سجده سہوہ لازم خواہد شد یا نہ؟ **جواب:** نیازی برای سجده سہوہ نیست ^(۲).

(۱) لو ترک سجدة من رکعة ثم لذكرها فيها بعدها من قيام او ركوع او سجود لانه يقضيها ولا يقضيها هو بعد ركعتها من قيام او ركوع او سجود بل يلزمه سجود السهو فحسب. کبری ص ۲۹۹. جمیل الرحمن

(۲) و یصلی الإمام بهم رکعتین مثلاً قبل الزوائد وهي ثلاث تکبیرات فی کل رکعة ولو زاد تابعه إلى ستة عشر لانه متأثر آہ در مختار ج ۱ ص ۷۰۸. ط.س. ج ۲ ص ۱۷۲. ظہیر

امام قنبدہ او را ترک نمود و ایستاده شد سپس نشست حکم آن چیست؟ سوال: (۲۱۱۰)
 امام قنبدہ اولی را ترک نموده ایستاده شد و قنبدہ برایش اطلاع داده شد او نشست و سجده سهوہ
 اداء نمود آیا نماز درست شده است یا نہ؟

جواب: اگر امام سهوہ قنبدہ اولی را اداء نموده بلکه ایستاده شد و بعد از یادہانی نشست و سجده
 سهوہ را اداء کرد پس اولی را اداء کرد پس بنا بر قول صحیح نمازش درست شده است لکن
 برای او واپس رجوع نمودن بکار نبود بلکه این عمل او ناپسند است بعض فقہاء کرام رح در این
 صورت حکم بفساد نماز نموده است اما صحیح آنست کہ نماز میشود فقط واللہ اعلم.

ہمراہ فاتحہ تنها دو آیت کوتاہ را خواند پس حکم آن چیست؟ سوال: (۲۱۱۱) (۱) در
 نماز بعد از سورت فاتحہ سورت والعادیات را قرائت نمود اما تنها بعد از اینقدر قرائت نمودن
 برکوع رفت (وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا (۲) قَالَمْؤَيَّتِ قَدْحًا) آیا در این صورت سجده سهوہ بر قرائت
 کنندہ لازم است یا نہ؟

در والعادیات لفظ قَالَمْؤَيَّتِ را ترک نمود پس حکم آن چیست؟ سوال: (۲۱۱۲) (۲) بعد از
 الحمد والعادیات را قرائت نمود لکن قَالَمْؤَيَّتِ ضَبْحًا را ترک نمود و متباقی ہمہ سورت را
 خواندہ آیا سجده سهوہ بر او لازم است یا نہ؟

بعد از درود ودعا سجده سهوہ را اداء نمایند یا نہ؟ سوال: (۲۱۱۳) (۳) اگر سجده سهوہ را
 اداء می نمود اما درود شریف ودعای مأثورہ را همچنان خواند آیا سجده سهوہ را اداء نمایند یا نہ؟
جواب: (۱) در این صورت واجب ترک شدہ است و اگر سهوہ چنین شدہ باشد پس سجده سهوہ
 بذمہ اش واجب است کہ آن را اداء نمایند و اگر سهوہ چنان نشدہ باشد در این صورت نماز را
 اعادہ فرماید: فی الدر المختار فی بیان واجبات الصلوۃ: وضم سورة کالکوتر او ماقام مقامہم الخ
 جمیل الرحمن.

جواب: (۲) در این صورت سجده سهوہ نیست.

جواب: (۳) سجده سهوہ بعد از درود شریف نیز اداء نمودن بکار است فقط.

در نماز جہری سرا قرائت نمود سپس از آن بجز خواند حکم آن چیست؟ سوال:
 (۲۱۱۴) امام در نماز جہری سرا قرائت نمود و بعد از آن بیادش آمد کہ نماز جہر است لکن
 امام اندک قرائت نموده بود اما اوٹانیا از سرنو قرائت را آغاز نمود آیا نمازش درست شدہ است

یانه؟ و آیا سجده سهوه را اداء کند یا خیر و اگر سجده سهوه را اداء نکرد آیا نماز درست شده است یا نه؟

جواب: نمازش درست شده است و نیازی برای اعاده اش نیست و اگر بمقدار سه آیات سرا قرائت نموده بود در این وقت سجده سهوه بر ذمه اش واجب است ورنه لازم نیست و اگر با وجود وجوب سجده سهوه را اداء نکند پس در نماز نقصان وارد شده است و اعاده اش واجب است^(۱).

در نوافل و سنن سجده سهوه است یا نه؟ سوال (۲۱۱۵) در نوافل و سنن و همچنین در نماز های عیدین سجده سهوه است یا نه؟.

جواب: در در المختار آمده است: والسهو في صلاة العدين والجمعة والمكتوبة والتطوع سواء والمختار عند المستأخرين عدمه في الاولين الخ خلاصه عبارت فوق آنست که در نماز های عیدین و جمعه و فرائض و نوافل بترک واجب سجده سهوه واجب و لازم است لکن متأخرین گفته اند که اگر در نماز های عیدین و جمعه ازدحام مردم زیاد بود پس سجده سهوه را نکند برای رعایت دفع نمودن فتنه فقط.

برای شافعی در نماز فجر رعایت چگونه است؟ سوال (۲۱۱۴) اگر امام حنفی برای رعایت نمودن مقتدیان شافعی المذهب در نماز فجر در رکعت دوم در قعده آنقدر مکث و توقف کند که ایشان از خواندن قنوت فارغ شوند پس این چگونه است آیا نمازش درست خواهد شد یا نه؟ و بدلیل همچو امام نماز خواندن بکار است یا نه؟ اگر بدنبال او نماز را اداء کرد آیا مکروه خواهد باشد یا بغیر از گراهیت؟ و در کدام امور برای امام حنفی رعایت مقتدی شافعی جائز است و بخاطر مقتدی شافعی آیا امام حنفی قبل از سلام سجده سهوه را اداء نموده میتواند یا خیر؟

جواب: در درالمختار مذکور است: لکن یندب للخروج من الخلاف لایسما للامام لکن بشرط عدم لزوم ارتکاب مکروه مذهبه^(۲) الخ یعنی برای امام رعایت داشتن صاحب مذهب دیگر مثلاً رعایت مقتدیان شافعی المذهب مستحب است لکن بشرطیکه ارتکاب مکروه مذهب خویش لازم

(۱) يجب له بعد سلام واحد سجدة واحدة (الی قوله) بترک واجب سهو وإن تكرر کرکوع قبل قراءة (إلى أن قال) والجهل بما يخالف فيه وعكسه بقدر ما يجوز به الصلوة الخ (تبریر محقق سجد السهو ج ۱ ص ۷۷۶، ط.س. ج ۲ ص ۷۸). ظفر

(۲) الدر المختار علی هامش رد المحتار کتاب الطهارة مطلب فی تدبیر مراعاة الخلاف الخ ج ۱ ص ۱۳۶، ط.س. ج ۱ ص ۱۴۷. ظفر

نشود و شامی فرموده است کہ مکروہ تنزیہی همچنان در آن شامل است یعنی اگر ارتکاب مکروہ تنزیہی مذہب خویش لازم میگردد پس در این وقت رعایت مقتدیان شافعی المذہب وغیرہ را نباید کرد پس بناء بر این امام حنفی در نماز فجر بعد از قیام نمودن از رکوع در قمرہ بخاطر رعایت مقتدی شافعی المذہب انقدر توقف ننماید کہ او دعای قنوت را بخواند زیرا این توقف وہ است و در شامی مذکور است: نعم ذکر نحوه ابن عبد الرزاق فی شرحہ علی ہذہ الشرح کا طالۃ و قوفہ بعد الرفع من الركوع^(۱) الخ و این مثال را ارانہ نمودہ است کہ این ترک اطالت و قوف بعد الركوع واجب است پس در این توقف مذکور ترک واجب خواهد شد کہ این مکروہ تحریمی است فلہذا بعقب همچو امام نماز مکروہ می باشد و همچنان قبل از سلام سجده سہوہ اداء نمودن برای امام حنفی بخاطر رعایت مقتدی بکار نیست کہ آن ہم مکروہ تنزیہی است. کما فی الشامی انہ لو سجد قبل السلام کرہ تنزیہا^(۲) الخ: ج ۱ ص ۴۹۵ باب سجود السہوہ فقط.

در نماز چہار رکعتی امام بعد از سہ رکعت سلام گردانید و قتیکہ از جانب مقتدیان فتح

را شنید ایستادہ شد بناء حکم آن چیست؟ سوال: (۲۱۱۷) امام و قتیکہ در نماز چہار رکعت سہ رکعت را اداء نمود او سلام گشتاند پس اکنون امام رو بہ قبلہ نشستہ است و در مابین مقتدیان زمزمہ و شور شغب شد در مورد تعداد رکعت کہ چند رکعت اداء شدہ است آیا چہار یا سہ و باشنیدن این زمزمہ امام اللہ اکبر گفتہ ایستادہ شد و رکعت چہارم را تکمیل نمودہ سجده سہوہ را اداء کرد و سلام گشتاند فلہذا آیا نماز امام و مقتدیان درست شدہ است یا نہ؟

جواب: اگر امام چیزی تکلم نکرده بود پس نماز او درست شدہ است و آن عدہ مقتدیان کہ سخن ننمودہ بودند نماز آنها نیز درست شدہ است و مقتدیان کہ سخن نمودہ بودند نماز ایشان درست نشدہ است و آنان نماز خود را اعادہ نمایند^(۳) فقط.

کسی کہ در رکعت ششم شریک شد نمازش درست نیست: سوال: (۲۱۱۸) امام بر رکعت پنجم ایستادہ شد و رکعت ششم را تکمیل نمودہ سجده سہوہ را اداء فرمود و سلام گشتاند و در

(۱) رد المحتار باب صلاۃ الصلوۃ مطلب واجبات الصلوۃ قبل مطلب مهم فی تحقیق متابۃ الإمام ج ۱ ص ۴۳۸، ط.س. ج ۱ ص ۴۷۰. ظفر

(۲) رد المحتار باب سجود السہو ج ۱ ص ۶۹۱، ط.س. ج ۲ ص ۷۸. ظفر

(۳) سلم معمل الظہر مثلا علی رأس الركعتین توہما إتماما أنہما أربعا وسجد للہو لأن السلام ساعیا لا یطلل لأنہ دعانہ من وجہ (در محراب) قوله لأنہ دعانہ من وجہ ای فلذا خالف الکلام حیث کان بیطلا و لرساعیا (رد المحتار باب سجود السہو ج ۱ ص ۷۰۴، ط.س. ج ۲ ص ۹۱). ظفر الدین غفر لہ

رکعت پنجم شخصی دیگر شریک شد آیا نماز او صحیح شده است یاخیر؟

جواب: اگر امام در رکعت چهارم بعد از نشستن بقدر تشهد سهوا ایستاده شد و سجده رکعت پنجم را نیز ادا نمود پس او باید که رکعت ششم را نیز همراهش یکجا نماید و در آخر سجده سهوه بکند فلذا نماز فرضش کامل شده است و اگر شخصی در رکعت پنجم یا ششم مقتدی این امام گردید در این صورت نماز مقتدی درست نخواهد شد بخاطر این دو رکعت امام نفل است^(۱) هکذا فی الشامی.

در جمعه وعیدین سهوه است یا نه؟ سوال: (۲۱۱۹) در نماز جمعه وعیدین سهوه است یا نه؟

جواب: در این مورد قول مختار متأخرین آنست و قتیکه در عیدین و جمعه از دحام و اجتماع مردم زیاد میباشد فلذا سجده سهوه را نکند کذا فی الدر المختار و الشامی^(۲).

در فرض فجر بفراموشی بجای التحیات الحمد را خواند و قتیکه بیادش آمد پس التحیات

را نیز خواند آیا نماز درست شده است یا نه؟ سوال: (۲۱۲۰) در نماز فجر صبح امام سهوا بجای التحیات الحمد شریف یا دیگر آیات قرآنی را قرائت نمود سپس بیادش آمد و التحیات را نیز خوانده و سجده سهوه اداء کرد در این صورت آیا سجده سهوه واجب است و آیا نماز درست شده است یا نه؟

جواب: چونکه در این صورت تاخیر واجب انجام شده است فلذا سجده سهوه واجب است و باداء نمودن سجده سهوه نماز دوست شده است.

امام بفراموشی در قعده او هر دو طرف سلام گرانید آیا او متباقی نماز را اداء نموده

میتواند یا نه؟ سوال: (۲۱۲۱) امام در قعده اولی بنا بفراموشی هر دو طرف سلام گشتاند پس اکنون متباقی نماز را اداء نموده میتواند یاخیر؟ و با هر دو طرف سلام گردانیدن نماز درست میشود یا نه؟

جواب: با هر دو طرف سهوا سلام گردانیدن نماز فاسد نمیشود و متباقی رکعات را اداء نماید و سر

(۱) لو إلتدی به مفترض فی لیلیم الخامسة بعد القعود لقر الشهد لم یصح ولو عاد إلى القعدة لأنه لما قام إلى الخامسة فقد شرع فی الفعل لکن إلتداء المفترض بالتفعل (رد المحتار باب سجود السهو ج ۱ ص ۷۰۱، ط.س. ج ۲ ص ۸۸). ظفر

(۲) و السهو فی صلاة العیدین والجمعة والمکونة والتطوع سواء والمختار عد المناظرین عدمه فی الأولین لدفع الفتنة (درمختار) ولی جمعة حاشیة إلى السموذ عن العزيمة أنه لیس المراد عدم جوازه بل الأولى تركه لتلا بقع الناس فی فتنة (رد المحتار باب سجود السهو ج ۱ ص ۸۸، ط.س. ج ۲ ص ۹۲). ظفر

انجام سجده سہوہ را اداء کند پس نماز صحیح خواهد شد.^(۱)

اگر در قعدہ او بعد از تشهد درود بخواند یا سلام بگرداند آیا سجده سہوہ بر آن لازم است یا نہ؟
سوال: (۲۱۲۲) در نماز چہار رکعتی بعد از تشهد رکعت دوم یک چند الفاظ درود شریف را اضافی خواند آیا بر او سجده سہوہ واجب باشد یا نہ؟ واگر ہر دو طرف سلام گردانید در این مورد حکم چیست؟

جواب: سجده سہوہ بر او واجب است و در صورتیکہ ہر دو طرف سلام گردانید نیز سجده^(۲) سہوہ واجب می باشد کہ باید اداء نماید.

اگر سجده سہوہ بر او واجب شود وبعد از ہر دو طرف سلام گردانیدن بیادش شود پس چہ باید بکند؟ سوال: (۲۱۲۳) اگر در یک نماز سجده سہوہ واجب شد وبعد از ہر دو طرف سلام گردانیدن برایش یاد شد کہ در این مورد حکم چیست؟
جواب: سجده سہوہ را بکند.^(۳)

در کم از سہ آیات اگر از وی فراموش شد آیا سورت دیگر را یکجا نماید یا نہ؟ سوال: (۲۱۲۴) اگر از نماز گذار در کم از سہ آیات فراموش شود و سورت دیگر را ضمیمہ و یکجا نماید در این کدام حرج است؟ واگر ضم سورت دیگر نمود آیا سجده سہوہ بکند یا نہ؟
جواب: سجده سہوہ لازم نخواهد شد.^(۴)

اگر در سنت فجر بفراموشی بہ رکعت سوم ایستادہ شد پس چہ باید کرد؟ سوال: (۲۱۲۵) اگر شخصی در سنت فجر در رکعت اول سورت قل و در رکعت دوم سورت الناس را قرائت نماید وبعد از رکعت دوم بفراموشی بہ رکعت سوم ایستادہ شد پس چہ باید کرد؟
جواب: وقتی کہ در حالت قیام بیادش آمد پس بنشیند و بعد از تشهد خواندن سجده سہوہ را اداء

(۱) إلا السلام ساهبا للتحليل أي للخروج من الصلاة قبل إتمامها على طن إكمالها فلا يفسد (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب ما يفسد الصلاة وما يكره فيها ج ۱ ص ۵۷۵). فقیر

(۲) وتأخير قيام إلى الثالثة بزيادة على التشهد بقدر ركن وقبل بحرف وفي الزملي الأصح وجوبه باللهم صل على محمد (ابن سبويه) باب سجود السهو ج ۱ ص ۶۹۴ ط.س. ج ۲ ص ۸۱. طعیر

(۳) ولو نسي السهو أو سجدة صلوية أو تلاوة يلزمه ذلك مادام في المسجد (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب سجود السهو ج ۱ ص ۷۰۴ ط.س. ج ۲ ص ۹۱. طعیر

(۴) يكره أن يفتح من ساعة كما يكره للإمام أن يلجئه إليه بل ينتقل إلى آية أخرى لا يلزم من وصلها ما يفسد الصلاة أو إلى سورة أخرى (ردالمحتار باب ما يفسد الصلاة وما يكره فيها ج ۱ ص ۵۸۲ ط.س. ج ۱ ص ۶۲۲. ط

کند^(۱) فقط**تنہا سورت فاتحہ یا تنہا سورت را قرائت نمود وبہ رکوع رفت دراین مورد حکم چیست؟**

سوال: (۴۱۲۶) اگر کسی در نماز فجر تنہا بعد از قرائت نمودن سورت بہ رکوع برود یا الحمد را بگذارد ویک سورت را قرائت نماید وبہ رکوع برود پس حکم آن چیست؟
جواب: در ہر دو صورتین سجدہ سہوہ واجب است ونمازش درست شدہ است^(۲).

اگر سجدہ سہوہ واجب شد وآن را اداء ننمود حکم آن چیست؟ سوال: (۲۱۲۷) اگر

سجدہ سہوہ واجب گردید وآن را اداء نکند حکم آن چیست؟

جواب: اگر سجدہ سہوہ واجب شد وآن را اداء ننمود پس اعادہ^(۳) نماز واجب است.**برای اداء نمودن چیزی باماندہ از رکوع بطرف قیام رجوع نمودن چگونه است؟ سوال:**

(۲۱۲۸) از رکوع بطرف قیام بدان فکر رجوع نمودن کہ یک سنت باقیماندہ یا واجب را اداء نماید سخن عام است کہ واقعا چیزی از آن ہر دو باقیماندہ باشد یا نہ؟ و بطرف قیام واپس من قصدا یا سہوا رجوع نمودن در سائر صورت ہای متذکرہ از رکوع بطرف قیام آمدن چہ حکم دارد؟

جواب: در سائر صورت ہای متذکرہ مسئلہ سجدہ سہوہ واجب است واعادہ نماز لازم نیست^(۴) لکن متاخرین ترک سجدہ سہوہ را در عیدین وجمعہ اولی فرمودہ اند بسبب انبوه وازدحام مردم فقط.

در رکعت سیم جلوس نمود لکن فوراً ایستادہ شد حکم آن چیست؟ سوال: (۲۱۲۹) امام

(۱) سہا عن القعود الأول من الفرض عملا أما الفعل ليعود ما لم يقعد بالسجدة ثم تذكره عاد إليه وتشهد ولا سهر عليه في الأصح (درمختار) لا سهر عليه في الأصح يعني إذا عاد قبل أن يستتم قائما الخ وأما إذا عاد وهو إلى القيام القرب فعله سجود السهو (رد المحتار باب سجود السهو ج ۱ ص ۶۹۶، ط.س. ج ۲ ص ۸۳)، ظفر

(۲) ولها واجبات لا تفسد بتركها وتعاد وجوبا في العمد والسهو الخ وهي الخ لقراءة فاتحة الكتاب فيسجد للسهو بترك أكثرها لا للها لكن في المجتبى يسجد بترك أية منها وهو أولى الخ وحسم الفهر سورة والدر المختار على هامش رد المحتار باب صفة الصلوة ج ۱ ص ۱۲۴، ط.س. ج ۱ ص ۱۵۶، ظفر

(۳) ولها واجبات لا تفسد بتركها وتعاد وجوبا والدر المختار على هامش رد المحتار مغتب واجبات الصلوة ج ۱ ص ۱۲۴، ط.س. ج ۱ ص ۱۵۶، ظفر

(۴) ولو نسيه أي الفوت ثم تذكره في الركوع لا يقتضيه في الفوات محلله ولا يعود إلى القيام لأن الأصح لأن فيه رفض الفرض للواجب فان عاد إليه وقت لم يعد الركوع لم يفسد صلواته الخ وسجد للسهو (الدر المختار على هامش رد المحتار باب الوتر والربط ج ۱ ص ۶۲۶، ط.س. ج ۲ ص ۹)، ظفر

در رکعت سوم سهوا نشست وبا الحمد لله گفتن مقتدی فوراً ایستاده شد و در حین جلوس بوجه شک به انتظار الحمد لله چیزی را نخوانده بود و بدنبال آن سجده سهوه را نکرد آیا نماز درست شده است یا نه؟

جواب: اگر معمولی و اندک نشست صورت گرفته بود و مدت طولانی را در نشست دربر نگرفته بود پس در این صورت سجده سهوه واجب نیست و نمازش درست شده است^(۱).

بعد از قعده اخیر بفراموشی ایستاده شد پس چه باید کرد؟ سوال: (۲۱۳۰) در نماز بعد از اداء نمودن قعده آخر نماز خوان ایستاده شد و قتیکه بیادش آمد واپس نشست بناء اکنون او برای اداء نمودن سجده سهوه بعد از خواندن التحيات به یک طرف سلام بگرداند و یا آنکه بغیر از قرائت آن؟

جواب: دوباره برای خواندن التحيات ضرورت نیست زیرا قعده و تشهد قبلاً خوانده شده است و نشسته او سلام بگرداند و سجده سهوه را اداء نماید و بعد از خواندن التحيات و غیره سلام اختتام را بگرداند در شامی مذکور است: قوله عاد وسلم الخ وفيه اشارة الى آنه لا يعيد التشهد وبه صرح في البحر^(۲).

بعد از ثناء خواندن به رکوع رفت سپس بیادش آمد که قرائت ترک شد: سوال: (۲۱۳۱) (۱) زید بعد از نیت نمودن سبحانک اللهم را خواند و به رکوع فرود رفت و بعد از تسبیح گفتن بیادش آمد که قرائت را ترک نمودم اکنون برایش چه کردن بکار است؟

رکوع را فراموش نمود: سوال: (۲۱۳۲) (۲) نماز خوان بعد از نیت نمودن قرائت خواند اما رکوع ننود بلکه بطرف سجده رفت و بعد از اداء نمودن هر دو سجده بیادش آمد که رکوع را اداء نمودم الان برای او چه کردن بکار است؟

تنها یک سجده کرد: سوال: (۲۱۳۳) (۳) نماز گذار در رکعت اول تنها یک سجده را کرد و در رکعت دوم بیادش شد که من یک سجده کردم اکنون برای او چه کردن بکار است؟

امام بفراموشی به رکعت ایستاده شد آیا مقتدی متابعت او را بکند؟ سوال: (۲۱۳۴) (۴)

(۱) ریکره للبهوض علی صدر قدمه بلا اعتماد وقعود الراحة ولو فعل لا بأس به (در مختار) ولا یبالی هذا ما قدمه الشارح فی الروایات حیث ذکر مها ترک لقعود قبل ثانیة وراهة لأن ذلک محمول علی القعود الطویل ولذا قیدت الجلسة هنا خفیفه (رد المحتار) فصل فی بیان تألیف الصلوة، ط.س. ج ۱ ص ۱۹۷. ظفر

(۲) رد المحتار باب سجود السهو ج ۱ ص ۷۰۰. ظفر

امام چہار رکعت را اداء نمود و در قعدہ اخیر تنہا التحیات را خواند و سہوا ایستادہ شد و مقتدی اورا فتحہ ندادونہ میخواد کہ او را فتح بدهد و برای مقتدیان معلوم است کہ این رکعت پنجم است پس اکنون مقتدیان بعد از کامل خواندن التحیات سلام بگرداند و یا اقتداء امام را بکند؟

زید در دورکعت آمد و یا امام یکجا شریک شد و امام بعد از اداء نمودن قعدہ آخر سہوا قیام نمود و مقتدی اورا فتحہ داد اما امام فتحہ را نگرفت اکنون برای زید اقتداء و تقلید امام بکار است یا نہ؟

فتح دادن: سوال: (۲۱۳۵) (۵) امام در داخل سہ آیات برایش متشابہ عارض شد اکنون مقتدیان برایش فتح بدهند یا نہ؟

فتح دادن بعد از قرائت سہ آیات: سوال: (۲۱۳۶) (۶) امام بعد از الحمد سہ آیات را درست قرائت نمود اکنون برایش فتح داده شود یا نہ؟

سائر رکعات را بر اداء نمود حکم آن چیست؟ سوال: (۲۱۳۷) (۷) امام سہ یا چہار رکعات را بر اداء نمود اکنون برایش سجده سہوہ کردن بکار است یا نہ؟

قرائت در سنن و نوافل: سوال: (۲۱۳۸) در سائر دو رکعت نخستین نماز ہای نوافل سنن و لمرائض قرائت نمودن سورت فاتحہ واجب است آیا در دورکعت آخری نیز واجب است یا خیر؟ اگر در آخری دورکعت سورت فاتحہ را نخواند نمازش صحیح باشد یا نہ؟

جواب: (۱) خواندن بکار است و در آخر سجده سہوہ را اداء نماید: المترک ثلثۃ انواع فرض و سنۃ و واجب ففي الاول ان أمکنہ التدارک بالقضاء یقضي الی قوله ولا یجب السجود الا بترک واجب او تاخیرہ او تاخیر رکن الخ عالمگیری کشوری: ج ۱ ص ۱۲۴ ظفیر.

جواب: (۲) از سجده قیام نماید و رکوع کند سپس در آخر سجده سہوہ بکند: ولا یجب السجود الا بترک واجب او تاخیر رکن او تقدیمہ او تکرارہ عالمگیری کشوری: ج ۱ ص ۱۲۴ ظفیر.

جواب: (۳) آن سجده را اکنون اداء نماید و بعد از اداء نمودن رکعت در آخر سجده سہوہ را بکند (۱)

جواب: (۴) ہر دو اختیار را دارد لکن ہر کسی کہ از ابتداء شریک نیست مسبوق است اگر

(۱) فلن ترک سجداً من رکعة فذاکرهما فی اخر الصلوة سجدها وسجد للسہو لترك التریب لہ ولیس علیہ إعادة ما قبلہا. (عالمگیری کشوری ج ۱ ص ۱۱۵). ظفیر

افتداء او را بکند فرض باطل^(۱) خواهد شد.

جواب: (۵) نه خير لو قام الى الخامسة فتابعه فان كان الامام قد عد على الرابعة فسدت صلوۃ المسبوق الخ غنية المستملي: ج ۱ ص ۴۴۱ ظفیر.

جواب: (۶) برایش اختیار است لکن اگر امام ۱ زمان دیگر قرائت را شروع ننمود دراین صورت برای مقتدیان ضروری است که فتح بدهند^(۲).

جواب: (۷) اختیار دارد لکن اگر قسماً قرائت غلط نماید که مفسد الصلاة باشد پس ناگزیر ضرورت است که برایش رهنمائی درست و صحیح نمایند ورنه نماز های سائر آنان فاسد خواهد شد. الا یرى الى أنه عليه السلام قال لَأَبِي هَلَّا فَتَحْتَ عَلَى غِنِيَةِ الْمَسْتَمَلِي: ص ۴۱۷ ظفیر.

جواب: (۸) نه خير ولو قرا في الاخيرين الفاتحة والسورة لا يلزمه السهو وهو الاصح عالمگیری کشوری: ج ۱ ص ۱۲۵ ظفیر.

جواب: (۹) صحیح نیست و يجب قراءة الفاتحة وضم السورة او ما يقوم مقامها من ثلث آیات قصار او آية طويلة في الاولين وفي جمع ركعات النفل والوتر هكذا في البحر الرائق عالمگیری کشوری: ج ۱ ص ۶۹ ظفیر.

در قعدة ه اخیر برایش شک عارضی شد که قعدة او را اداء ننموده ام پس چه باید کرد؟

سوال: (۲۱۳۹) در قعدة ه اخیر برایش شبهه عارضی شد بکه قعدة اولی را اداء نمودم یا نه؟ آیا سجده سهو را اداء کند یا نه؟

جواب: اداء نماید فقط والله اعلم.

سجده سهو را بعد از سلام اداء نماید: سوال: (۲۱۴۰) سجده سهو را قبل از سلام یا بعد

از سلام اداء نمودن بکار است و یا آنکه در میان امام و منفرد فرق است؟

جواب: راجح و صورت بهتر آنست که تنها بعد از سلام گردانیدن بطرف راست سجده سهو بکند و در آن هیچ فرق در میان امام و منفرد معلوم نمیشود فی الدر المختار: يجب له بعد سلام واحد عن يمينه الى آن قال لانه المعهود وبه يحصل التحلل وهو الاصح^(۳) الخ فقط.

(۱) ومن جعلها أنه لو قام إمامه إلى الخامسة فتابعه فإن كان الإمام قد عد على الرابعة فسدت صلوۃ المسبوق لإلتهائه في موضع الألفاظ غنية

المستملي ص ۴۴۱. ظفیر

(۲) والفتح إن لم يقرأ قدر الراجح لهذه تأكيد الراجب وأمره من الفرائض (غنية المستملي ص ۴۱۸). ظفیر

(۳) الدر المختار على هامش ودالمختار باب سجود السهو ج ۱ ص ۱۰۱، ط.س. ج ۲ ص ۷۸. ظفیر

حکم ترک شہد اول: سوال: (۲۱۴۱) بترک تشهد اول نماز میشود یا نه؟ در صورتیکه سجده سهوہ را بفراوشی اداء نکند؟

جواب: اعاده نماز واجب است ^(۱) فقط.

حکم خواندن مقدم ومؤخر سورت: سوال: (۲۱۴۲) (۱) در نماز بقرائت نمون مقدم ومؤخر سورت سجده سهوہ لازم میگردد یا نه؟

اگر شک باشد چه باید کرد؟ سوال: (۲۱۴۳) (۲) برای امام شک عارض شد که من یک سجده کردم یادو دراین صورت سجده سهوہ اداء کند ویا آنکه نماز را اعاده نماید؟

سجده سهوہ بلا ضرورت: سوال: (۲۱۴۴) بلا ضرورت اداء نمودن سجده سهوہ موجب اعاده نماز است یا نه؟

جواب: (۱) سجده سهوہ لازم نیست اما عمداً همچو کردن مکروه است ویکره الفصل بسورۃ قصصۃ وان یقرء منکوساً الدر المختار ^(۲).

جواب: (۲) اگر ظن غالب به یک طرف نباشد پس یک سجده دیگر را بکند سجده سهوہ نماید وجب علیه سجود السهو فی جمیع صور الشک سواء عمل بالتحری اوبنی علی الاقل لکن فی السراج انه یسجد للسهو فی اخذ الاقل مطلقاً وفي غلبۃ الظن ان تفکر قدر رکن الخ در المختار ^(۳).

خلاف ترتیب سور قرائت نمودن: سوال: (۲۱۴۵) خلاف ترتیب سورت ها قرائت نمودن موجب سجده سهوہ است یا نه؟

جواب: سجده سهوہ واجب نیست قزله بترک واجب ای من واجبات الصلوۃ لاکل واجب اذ لو ترک ترتیب السور لایلزمه الخ شامی ^(۴) فقط.

درون نماز حکم قرائت بلا ترتیل: سوال: (۳۱۴۶) شخصی در نماز جهری قرآن مجید را بلا ترتیل قرائت نمود آیا این نماز شد یا نه حلاً نکه سجده را نیز نکرده؟

(۱) و منها قراءة الشهد فإنها واجبة في القمطين الأولى والأخيرة وإلى هذا أشار صاحب الهداية في باب سجود السهو فأوجب السجود بترک الشهد في القعدة الأولى (غنية المستعلى ص ۲۹۰). غفر

(۲) الدر المختار فصل رجوع الإمام ج ۱ ص ۴۸۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۴۶. غفر

(۳) ایضا: ج ۱ ص ۱۰۳ ظفر

(۴) ردالمحتار ابتداء باب سجود السهو. غفر

جواب: اگر چنان غلطی مفسد الصلوٰۃ نشده باشد پس نمازش شدہ و نیازي براي سجده سہرہ احساس نمیشود^(۱) فقط.

امام ربہ سبحان اللہ گفتن تنبیہ دادن: سوال: (۲۱۴۷) اگر از امام سہرہ قعدہ آخر ترک شود و امام عنقریب قیام رسید آیا براي مقتدي بگفتن سبحان اللہ ایستاد شدن اولی است و یا نشسته سبحان اللہ را بگوید اولی چگونه است؟

قعدہ اخیر را فراموش نموده ایستاد شد سپس ببادش امد اکنون چہ باید کرد؟ سوال: (۲۱۴۸) (۲) اگر از کسی قعدہ اخیر فراموش شد و قیام نمود پس^(۲) آیا آنکس بمجرد یا دشن قعدہ بکند یا بقدر الحمد قیام نماید فقط.

جواب: (۱) درحالت نشستن گفتن اولی معلوم میشود و در آن مورد کدام جزئیہ از نظرم نگذشته است و صحیح ہر دو طریقہ است.

جواب: (۲) اگر فوراً ببادش آمد در آن صورت قعدہ نمودن بکار است یعنی تا وقتیکہ سجده نکرده باشد کما ہو عامۃ المعبرات ولو سہا عن القعود الاخير الخ عاد الخ مالم یقید بالسجدة الخ فقط.

در نماز خوابیدن: سوال: (۲۱۴۹) در نماز شخصی طوری خوابید کہ مفسد الصلاۃ نیست و در آن اثنا دراداء نمودن فرض بقدرسہ بار تسبیحات تأخیر شد آیا سجده سہرہ لازم خواهد یا نہ؟
جواب: قال فی الدر المختار: فان اتى بها او باحدها بان قام اوركع او سجد او قعد الاخير نائما يعتد بما اتى به بل يعيده وهل يسجد لتاخير الركن؟ الظاهر نعم^(۳).
از عبارت فوق الذکر شامی معلوم شد کہ لزوم سجده سہرہ بکار است^(۴).

الباب الثانی عشر فی سجود التلاوة

سجده تلاوة چہ وقت و در کجا واجب میگردد؟

اگر بعد از تلاوت نمودن آیت سجده معنی آنرا نیز بگوید در آن صورت چند سجده

(۱) و معها القراءة بالألحان إن غير المعنى وإلا لا، إلا في حرف مد ولين إذا لعش وإلا لا، (الدر المختار ج ۱ ص ۹۰). ظهير

(۲) الدر المختار باب سجود السهر ج ۱ ص ۱۰۲، ط.س. ج ۲ ص ۸۵. ظهير


(۳) الدر المختار باب صفة الصلوة ج ۱ ص ۷۱، ط.س. ج ۱ ص ۴۵۵. ظهير

(۴) رد المحتار باب صفة الصلوة قبل مطلب واجبات الصلوة ط.س. ج ۱ ص ۴۵۵. ظهير

پښتند؟ سوال: (۲۱۵۰) شخصي بعد از تلاوت نمودن آیت سجده آن آیت متذکره را معنی نیز کرد آیا این شخص یک سجده بکند یا دوسجده؟
جواب: یک سجده بزمه اش لازم است ^(۱) فقط.

در سجده تلاوت گنجایش تأخیر است یا نه؟ سوال: (۲۱۵۱) یک واعظ در جریان تقریر آیت سجده را جهرا تلاوت نمود لکن خودش سجده را اداء نمود و نه برای حاضرین در مورد اداء سجده چیزی گفت و تکیه هدف اعتراض قرار گرفت پس در پاسخ با عرض معذرت گفت: که در مجمع عام جهرا تلاوت نمودن ایت سجده کدام مضایقه ندارد و انسان با سهو خطا و نسیان مواجه است زیرا ابو البشر حضرت آدم علیه السلام بفراموشی گندم را نوشیده بود و همچنان از حضرت موسی (علیه السلام) ما هي فراموش شده بود فلذا آیا در مقام عذر برای واعظ مذکور بطور شهادت خطا و نسیان انبیاء کرام (ص) راپیش نمودن درست بوده یا نه و آیا عذر او شرعا معقول است یا نه؟

جواب: در شامی است: قوله يجب اي وجوباً موسعاً في غير صلوة الخ از آن عبارت معلوم شد که وجوب سجده تلاوت موسع است و فوراً واجب نیست بناء بالای واعظ اعتراض نمودن بی مورد بود هر گاه مورد اعتراض قرار گرفت پس واعظ موصوف نیز عذر خود را تقدیم میتوان کرد که اداء نمودن سجده تلاوت في الفور واجب نیست بویژه در مجلس وعظ.

و در پیش نمودن خطا و نسیان انبیاء کرام بطور استشهاد نیز کدام ممانعت و حرج نیست و در حدیث شریف نیز همچو مضمون وارد شده است: فَنَسِيَ آدَمُ الْخَ فَنَسِيتَ ذَرِيَّتَهُ أَوْ كَمَا قَالَ  فقط.

در رکوع یا سجده صلاتیه نیت نمودن سجده تلاوت میشود یا نه؟ سوال: (۲۱۵۲) اگر امام یا منفرد در نماز فرض یا تراویح یا تهجد و غیره یک رکوع از سورت های اعراف یا سورت نجم یا سورت علق یا دیگر رکوع که مشتمل بر سجده تلاوت باشد آنرا قرائت نماید و بجای سجده

(۱) يجب بسبب تلاوة آية ای اکثرها مع حرف السجدة (در مختار) قوله بسبب تلاوتها احتراز عما لو كتبها أو نجاها لئلا يسجد عليه (رد المحتار باب سجود التلاوة ج ۱ ص ۷۱۵، ط.س. ج ۲ ص ۱۰۳). ظفر

تلاوت در رکوع نیت اداء نمودن سجده تلاوت را کرد آیا در همچو صورت سجده تلاوت امام ومقتدیان اداء خواهد شد یا نه؟ وعلی هذا بعد از آیت سجده امام همانطور دو چهار آیات را قرائت نموده رکوع کرد ودرآن نیت سجده تلاوت را نیز بست بناء آیا این چنین نیز درست است یا نه؟ سورت بنی اسرائیل بعد از آیت سجده بر دو آیت دیگر ختم میگردد وهمچنان سورت انشاق بعد از آیت سجده بر چهار آیات دیگر اختتام می یابد بناء آیا بعد از ختم شدن سورت های فوق الذکر در رکوع نیت نمودن سجده تلاوت اداء خواهد شد یا نه؟

جواب: اگر بعد از تلاوت نمودن آیت سجده فوراً دوسه آیت را قرائت نمود و رکوع کرد ودر رکوع نیت سجده تلاوت را بست پس سجده تلاوت اداء خواهد شد و برای مقتدیان همچنان نیت نمودن ضروری است وبغیر از نیت سجده تلاوت از ذمه آنها اداء نخواهد شد ^(۱) وفوریت از سه آیات بیشتر منقطع میگردد فقط.

سجده آخری سورت حج وحکم آن: سوال: (۲۱۵۳) سجده آخری سورت حج عند الشافعی

رحمت الله علیه را جب است ودر حالت اقتداء آیا حنفی المذهب نیز در اتباع شافعی المذهب این سجده را اداء نماید یا نه وحتیکه امام حنفی باشد ومقتدیان شوافع باشند پس مقتدیان ان سجده را چگونه اداء خواهند نمودند؟

جواب: در شامی آمده است که بخاطری متابعت امام شافعی المذهب مقتدیان احناف نیز در سجده آخری سورت حج سجده را اداء کنند والظاهر انه يتبعه فيها لو كان في الصلوة ^(۲) الخ شامی وهرگاه امام حنفی باشد پس این سجده را نکند از ذمه مقتدی همچنان مطابق قواعد احناف این سجده ساقط است لکن اگر بنزد شوافع اداء نمودن سجده صلاکيه بتعقیب نیز جائز باشد پس

(۱) تؤدي بركوع صلوة إذا كان الركوع على الفور من قراءة آية أو آيتين وكذا الثلاث على الظاهر كما في البحر إن نواه أي كون الركوع لسجود التلاوة على الراجح (درمختار) وفي الإمداد الاحتياط قول شيخ الإسلام خواهر زاده بانقطاع الفور بالثلاث وقال خمس الأمانة الحلواني لا يقطع ما لم يقرأ أكثر من ثلاث وقال الكمال ابن الهمام قول الحلواني هو الرواية الخ (رد المحتار باب سجود التلاوة ج ۱ ص ۷۲۳، ط.س. ج ۲ ص ۱۱۱). فقير

(۲) ردالمحتار باب سجود التلاوة ج ۱ ص ۷۱۷، ط.س. ج ۲ ص ۱۱۱. فقير

ایشان اداء نموده میفرمایند و اما بتزد احتلاف هر سجده که در نماز لازم شود و در آن وقت اداء نگردد پس آن سجده بتعقیب اداء نمیشود^(۱) فقط

اگر در نماز سجده تلاوت را فراموشی نماید: سوال: (۲۱۵۴) اگر در نماز سجده تلاوت را فراموش کند و در رکعت دیگر بیادش آید پس چگونه آن را اداء کند؟

جواب: اگر سجده تلاوت را در آن رکعت فراموش نموده باشد که در آن آیت سجده را قرائت نموده بود پس هر گاه که در رکعت دوم یا سوم بیادش آمد آن را اداء نماید^(۲) و بعد از آن سجده سهو بکند فقط.

در نماز آیت سجده تلاوت را قرائت نمود پس چه باید کرد؟ سوال: (۲۱۵۵) اگر کسی آیت سجده را در نماز قرائت نمود پس سجده را چه وقت اداء نماید؟

جواب: بهتر آنست که در همان وقت سجده را اداء فرماید در کدام و قتیکه آیت سجده را تلاوت نموده است و فقهاء کرام تحریر نموده اند که اگر بعد از آن بیادش آمد و در آن وقت آن را اداء کرد پس سجده سهو بر او لازم است^(۳) فقط.

تاخیر سجده تلاوت: سوال: (۲۱۵۶) تاخیر سجده تلاوت جائز است یا نه؟

جواب: قال فی الدر المختار و هی علی التراخی علی المختار^(۴) و فی شامی قوله یجب ای وجوباً موسعاً فی غیر صلوۃ الخ شامی^(۵) و یکره تاخیرها تنزیهاً^(۶) الخ فقط پس معلوم شد.

(۱) و هی علی التراخی الخ إن لم تکن صلوۃ فان كانت صلوۃ فعلی الفور لصیرونها جزء منها و یأثم بتأخیرها و یقضیها مادام فی حرمۃ الصلوۃ ولو بعد السلام (در مختار) ای ناسیاً مادام فی المسجد و روی أنه لا یسجد بعد السلام ناسیاً (رد المختار باب ایضا ج ۱ ص ۷۲۱، ط.س. ج ۲ ص ۱۰۹). ظفر

(۲) المصلی إذا نسی سجدة التلاوة فی موضعها ثم ذکرها فی الركوع أو السجود أو فی القعود فانه یحیر لها ساجداً ثم یعود إلی ما کان فیہ و یعید استحساناً وإن لم یعد جازت صلوته کذا فی الظہیریة فی فصل البہر (عالمگیری کشوری کتاب الصلوۃ باب ثالث عشر فی سجدة التلاوة ج ۱ ص ۱۳۲، ط.س. ج ۱ ص ۱۳۴). ظفر

(۳) ولو تلا فی الصلوۃ سجدها فیها لا خارجها الخ (در مختار) أما لو سهواً و تذکرها ولو بعد السلام قبل أن یفعل ما فی تأتی بها و یسجد للسهو (رد المختار باب سجود التلاوة ج ۱ ص ۷۲۳) و اذا کان المختار وجوب سجود السهو لو تذکرها بعد فعلها (ایضا ج ۱ ص ۷۲۲، ط.س. ج ۲ ص ۱۱۰). ظفر

(۴) الدر المختار علی هامش و المختار باب سجود التلاوة ج ۱ ص ۷۲۱، ط.س. ج ۲ ص ۱۰۹. ظفر

(۵) و المختار باب سجود التلاوة ج ۱ ص ۷۱۵، ط.س. ج ۲ ص ۱۰۳. ظفر

(۶) الدر المختار علی هامش و المختار باب سجود التلاوة ج ۱ ص ۷۲۱، ط.س. ج ۲ ص ۱۰۹. ظفر

بعد از نماز فجر وقبل از طلوع آفتاب وبوقت زوال وھمچنان بعد از نماز عصر سجده

تلاوت جائز است یا نہ: سوال: (۲۱۵۷) بعد از نماز فجر وقبل از طلوع آفتاب ودر وقت زوال

وبعد از صلوة عصر وقبل از غروب آفتاب آیا سجده تلاوت جواز دارد یاخیر.

جواب: جواز دارد: كما في الدر المختار لا يكره قضاء فاتئة ولو وترا اوسجدة تلاوت وصلوة جنازة^(۱) الخ.

آیت سجده را از تیپ (ضبط صوت) یا پرنده شنیدن موجب سجده تلاوت نیست: سوال:

(۲۱۵۸) اگر بذریعہ تیپ (ضبط صوت) یا ازپرنده آیت سجده شنیده شود آیا سجده تلاوت واجب خواهد شد یا نہ؟

جواب: دردالمختار آمده است کہ از پرنده یا صدای نقل کننده آواز اگر آیت سجده شنیده شود موجب سجده تلاوت نیست وصدای نقل آواز وحکایت آن میباشد کہ از کوه وغیرہ بطریق انعکاس معلوم میشود وبھمان طریق اگر از تیپ ضبط صوت وغیرہ شنیده شود موجب سجده تلاوت نیست^(۲) فقط.

اگر بغیر از نیت تلاوت آیت سجده را قرائت نمود نیز تلاوت واجب نمیگردد: سوال:

(۲۱۵۹) اگر بغیر از نیت تلاوت آیت سجده قرائت شود آیا سجده واجب خواهد شد یا نہ؟

جواب: درآن صورت سجده واجب است^(۳) فقط.

دردل بتلاوت سجده سجده تلاوت واجب نمیگردد: سوال: (۲۱۶۰) اگر کسی آیت سجده

را نگاہ کردہ دردل تلاوت نماید آیا بالای او سجده واجب است یا نہ؟

جواب: تلاوت نمودن ضروری است بغیر از تلاوت سجده واجب نمیشود قال في الدر المختار بسبب^(۴) تلاوت الخ فقط.

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الصلاة قبل باب الاذان ج ۱ ص ۳۴۸، ط.ب.س. ج ۱ ص ۳۴۵، ظفر

(۲) لا يجب سماعه من الصدى والظير (ردمختار) الصدى هو ما يجب لك مثل صوتك في الجبال والصخاري ونحوهما (رد المحتار باب سجود التلاوة ج ۱ ص ۷۲۱، ط.ب.س. ج ۲ ص ۱۰۸)، ظفر

(۳) يجب سبب تلاوة اية اي اكفرها مع حرف السجدة (ردالمحتار علی هامش ردالمحتار باب سجود التلاوة ج ۱ ص ۷۱۵، ط.ب.س. ج ۲ ص ۱۰۲)، ظفر

(۴) قوله بسبب تلاوة احترز عما لو كتبها او لهجاها فلا سجود عليه (ردالمحتار باب سجود التلاوة ج ۱ ص ۷۱۵، ط.ب.س. ج ۲ =

اگر در مجمع از واعظ آیت سجدہ شنیده شود پس سائر حاضرین علیحدہ سجدہ بکنند:

سوال: (۲۱۶۱) یک واعظ در محضر صدها نفر آیت سجدہ را قرائت نمود آیا سجدہ تلاوت بر سائرین آنها ضروری است اگر باشد پس آیا واعظ برای آنها سجدہ را بجماعت داده میتواند؟
جواب: بتلاوت و سمع نمودن آیت سجدہ سجدہ تلاوت واجب میگردد فلہذا بر سامع و تلاوت کنندہ سجدہ لازم شد و علیحدہ ہر یکی سجدہ را اداء فرمائید^(۱).

بعد از تلاوت نمودن آیت سجدہ سجدہ را اداء کرد کہ قبلاً بیادش نبود پس اکنون چه

باید کرد: **سوال:** (۲۱۶۲) زید قاری است زید نماز را اداء نمود و در اثناء تلاوتش آیت سجدہ آمد و فوراً سجدہ تلاوت را اداء نمود و بعد از سجدہ ایستاد شد اما برای او قرآن شریف در پیش بیادش نیامد زید در وقت سجدہ تلاوت رکوع را نیز بنا بر لاعلمی یا فراموشی نکرد بناءً آیا زید بعد از قیام نمودن از سجدہ تلاوت رکوع بکنند یا چه خواهد کرد؟

جواب: وقتی کہ در نماز آیت سجدہ را تلاوت نمود و پیش از آن چیزی را قرائت نمی نماید باز هم در حالت رکوع بنیت سجدہ نمودن سجدہ تلاوت اداء میگردد و اگر سجدہ تلاوت را اداء کرد پس بہتر آن است کہ قیام نماید و بعد از تلاوت نمودن چند آیات باز رکوع بکند و اگر قیام نماید و فوراً بر رکوع برود پس در آن نیز کدام حرج نیست نمازش صحیح است^(۲) فقط.

اگر تمام سجدہ های تلاوت قرآن مجید را در آخر تلاوت یکجاہ اداء نماید آن

چیست: **سوال:** (۲۱۶۳) آیا تمام سجدہ های تلاوت را بعد از ختم قرآن مجید یکبار اداء نموده میتواند یا نہ؟

= ص ۱۰۳. ظہیر

(۱) و ذکر فی المحمی أن الموجب للسجدة أحد ثلاث: التلاوة والسماع والإنتمام (رد المحتار باب سجود التلاوة ج ۱ ص ۷۱۷، ط.س. ج ۲ ص ۱۰۴). ظہیر

(۲) و نزدی بر رکوع و سجود غیر رکوع الصلوة و سجودها فی الصلوة و کذا خارجها ینوب عنها الرکوع (درمختار) قال فی الحلیة والأصل فی أدائها السجود وهو الفضل ولو رکع علی علی الفور جاز وإلا لا آید ای وإن فات الفور لا یصح الخ ولی الحلیة إذا سجد أو رکع لها علیحدہ فوراً یعود إلی القیام و یستحب أن لا یعلقه بالفور بل یقرأ البین أو ثلاث فصاعداً ثم یرکع (رد المحتار باب سجود التلاوة ج ۱ ص ۷۲۳، ط.س. ج ۲ ص ۱۱). ظہیر وھی علی الترامی علی المختار، ویکره تأخیرها تنزیهاً الخ إن لم تکن صلوة (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب سجود التلاوة ج ۱ ص ۷۲۱، ط.س. ج ۲ ص ۱۰۹). ظہیر الدین غفرلہ

جواب: این ہم جائز است اما بهتر آنست که در همان وقت اداء شود فقط لکن گنجائش تاخیر در آن صورت است که در نماز نباشد و در نماز فوراً باید اداء شود فقط.

سجده تلاوت واجب است: سوال: (۲۱۶۴) در قرآن مجید که بکدام تعداد سجده های تلاوت است آنها واجب اند یا فرض؟

جواب: سجده های تلاوت واجب اند ^(۱).

اگر نشسته آیت سجده را تلاوت نماید بناء آیه سجده را نشسته اداء نموده میتواند یا نه؟ سوال: (۲۱۶۵) (۱) اگر سجده تلاوت را در حالت جلوس قرائت کند آیه سجده را نشسته اداء میتواند یا آنکه ایستاد شود؟

بعد از فجر وعصر سجده نمودن: سوال: (۲۱۶۶) (۲) آیا بعد از نماز فجر وعصر تنها اداء نمودن سجده نیز حرام است؟

بلا وضوء سجده تلاوت درست نیست: سوال: (۲۱۶۷) (۳) اگر شخصی بغیر از وضوء آیت سجده تلاوت نمود آیا سجده تلاوت را اداء کند یا نه؟

جواب: (۱) در کتاب های فقه نگاشته اند مستحب آنست که ایستاد شود و سجده نماید و بعد از سجده قیام نماید در هر حالیکه قرائت نموده باشد ظفیر لکن اگر نشسته سجده تلاوت را اداء نمود در آن نیز کدام حرج نیست ^(۲).

جواب: (۳) سجده تلاوت و غیره درست است و اما نماز نوافل در آن وقت مکروه است ^(۳) بعداً وضوء بکند و سجده را اداء نماید ^(۴) فقط زیرا سجده تلاوت واجب است و بلا وضوء اداء نمودن سجده تلاوت جواز ندارد ظفیر.

(۱) والسجدة واجبة في هذه المواضع على التالي والسماع الخ (عالمگیری مصري الباب الثالث عشر سجود النلاوة ج ۱ ص ۱۲۴، ط. س. ط. ماجدية ج ۱ ص ۱۳۲). ظفیر

(۲) والمستحب أنه إذا أراد أن يسجد للنلاوة يقوم ثم يسجد وإذا رفع رأسه من السجود يقوم ثم يقعد كذا في الظهيرة (عالمگیری مصري باب سجود النلاوة ج ۱ ص ۱۲۷، ط. ماجدية ج ۱ ص ۱۳۵). ظفیر

(۳) ويكره أن يتفل بعد الفجر حتى تطلع الشمس وبعد العصر حتى تغرب الخ ولا بأس بأن يصلي في هذين الوقتين الفوائت ويسجد للنلاوة ويصلي على الجائزة (هداية باب المواقيت ج ۱ ص ۸۱). ظفیر

(۴) وشروط هذا السجدة شرائط الصلوة إلا التحريم (عالمگیری مصري باب سجود النلاوة ج ۱ ص ۱۲۶، ط. ماجدية ج ۱ ص ۱۳۵). ظفیر

سجدہ تلاوت واجب میشود بہ تکرار نمودن قرائت آیۃ سجدہ: سوال: (۲۱۶۸) یک نفر

در نماز سورۃ سجدہ را تلاوت نمود و سجدہ را اداء کرد سپس بنابر کدام وجہ ضرورت برای اعادہ نماز شد ثانیاً نیز همان سورت را قرائت نمود فلہذا آیا دوبارہ سجدہ اداء نمودن لازم است و یا سجدہ قبلی کافی خواہد شد؟

جواب: سجدہ ثانی لازم است ^(۱) فقط.

اگر برخی از آیات سجدہ را بخواند و برخی را نتواند حکیم آن چیست؟ سوال:

(۲۱۶۹) آخرین الفاظ آیت سجدہ را قرائت نمود آیا سجدہ تلاوت بروی لازم شد یا نہ؟

جواب: اگر کلمہ را قرائت نمودہ است کہ مشتمل بر لفظ سجدہ باشد در آن صورت سجدہ تلاوت بروی لازم و واجب ^(۲) خواہد شد.

ان عدہ سجدہ های تلاوت را کہ اداء ننمودہ است اکنون طریقہ اداء نمودن آنها چگونه

است؟ سوال: (۲۱۷۰) یک حافظ علاوہ از رمضان المبارک ہیچگاہ سجدہ تلاوت را اداء

نمی کرد اکنون اومیخواہد کہ سجدہ ها را اداء کند قدرت کفارہ را ندارد؟

جواب: مقدار و اندازہ آن را معلوم نمایند و سجدہ های تلاوت را تکمیل کند و روزانہ ہر چندی کہ

ممکن باشد بنیت قضاء آن سجدہ ها را اداء کند و کفارہ آنها همان است کہ سجدہ را اداء کند

^(۳) فقط.

اطلاع سجدہ تلاوت: سوال: (۲۱۷۱) قبلاً برای امام چنین گفتن کہ من در فلانی رکعت

سجدہ تلاوت را اداء می نمایم بناء خبردار باشید آیا این جائز است یا نہ؟

(۱) و شرط الفاعل إعاد الآیۃ والحاد المجلس والحدت الآیۃ أو إحد المجلس واعتلت الآیۃ لا تتداخل کذا فی المحیط زیاضاً ج ۱ ص ۱۲۵، ط. ماحدۃ ج ۱ ص ۱۳۷، ظفر

(۲) یجب بسبب ثلاثۃ آیۃ ای اکثرها مع حرف السجدة (دومختار) هذا خلاف الصحيح الذي جزم به فی نور الإيضاح فی السراج وهل تجب السجدة بشرط قراءة جميع الآیۃ أم بعضها فیہ إختلاف والصحيح أنه إذا قرأ حرف السجدة ولبثه كلمة أو بعده كلمة رجب السجدة وإلا فلا الخ (ردالمحتار باب سجود التلاوة ج ۱ ص ۷۱۵، ط. س. ج ۲ ص ۱۰۳)، ظفر

(۳) وهي على التراخي على المختار وبكره تأخيرها تنزيهاً الخ إن لم يكن صلواته (دومختار) حتى لو أداها بعد مدة كان مؤذياً إتفالاً لا فاضياً الخ لو تراخي كان أداء مع أن المرجح أنه على الفور وإلثم تأخيرها (رد المحتار باب سجود التلاوة ج ۱ ص ۷۲۱، ط. س. ج ۲ ص ۱۰۳)، ظفر الدين

جواب: در آن کدام حرج نیست فقط.

سجده تلاوت فرض است یا واجب وطریقه اداء نمودن آن چگونه است؟ سوال: (۲۱۷۲)

(۱) سجده تلاوت فرض است یا واجب و چگونه اداء نمودن آن بکار است یعنی در سجده و قبل از شروع نمودن سجده و یا بعد از آن چه چیز قرائت نمودن بکار است و هنگامیکه در تلاوت قرآن مجید مصروف باشد و آیت سجده را بخواند پس آیا در همان وقت نشسته سجده را اداء کند و یا آنکه ایستاد شود؟

سوال: (۲۱۷۳) (۲) دیگر آنکه اگر یکبار آیت سجده را در لسان عربی بگوید و بعد از آن ترجمه اش را تکرار و اعاده نماید و بهمین طریقه برای کسی می آموزد و یا خودش حفظ می کند. آن آیت سجده را که بدفعات تلاوت میشود فلہذا آیا در سایر صورتهای فوق الذکر اداء نمودن سجده تلاوت یکدفعه خواهد باشد علیحدہ علیحدہ؟

سوال: (۲۱۷۴) (۳) دیگر آنکه در کدام اوقات اداء نمودن هر نوع نماز مکروه است که در آن سجده نمی تلاوت جائز است؟ مثلاً بعد از فرض فجر تا به طلوع آفتاب یا در وقت چاشت یا بعد از نماز عصر و همچنین در وقت صبح صادق و قبل از سنت فجر و یا در میان سنت و فرض؟

سوال: (۲۱۷۵) (۳) دیگر آنکه اگر کسی برای طفل نابالغ درس می آموزد آیا از طرف طفل خودش سجده را اداء کند و یا آنکه برایش معاف است؟

سوال (۲۱۷۶) (۵) یا اگر در وقت تلاوت آیت سجده را کسی از تلاوت کننده بشنود اگر او خودش در آن مورد فهمید و آن را اداء نمود پس لبها و رتبه عدم اداء نمودن سجده آیا بالای قرائت کننده باعث کدام گناہ میگردد و یا آنکه از طرف سامع نیز قرائت کننده اداء نماید؟

جواب: سجده تلاوت واجب است و طریقه اداء نمودن سجده تلاوت از آن قرار است که بعد از گفتن **الله اکبر** برود سه دفعه یا زیاد تر از آن بر عبارت **سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى** را بگوید سپس از آن بگفتن **الله اکبر** برخیزد پس سجده اش اداء شده است و اگر در حالت نشسته سجده رفت و بعد از سجده نشست باز هم کدام حرج در آن نیست لکن الفضل آنست که بعد از قیام نمودن بسجده برود و بعد از اداء نمودن سجده ایستاد شود و بجهت تلاوت آیه ای اکثرها مع حرف

المسجدة الدر المختار وهي سجدة بين تكبرتين مستونتين جهراً وبين قيامين مستحيين بلا رفع يد وتشهد وسلام وفيها تسبيح السجود الدر المختار جميل الرحمن.

جواب: (۲) در سائر صورت های متذکره یک سجده واجب خواهد شد و کررها فی مجالس تکررت وفي مجلس واحد لا تتكرر بل گفته واحدة الخ الدر المختار سجدة التلاوة.

جواب: (۳) در وقت طلوع آفتاب و غروب آفتاب و در وقت زوال سجده تلاوت نیز حرام است لیکن وقتی که این سجده را در همان اوقات تلاوت کند پس سجود نیز در همان اوقات درست است و بعد از نماز فجر تا به طلوع آفتاب و بعد از نماز عصر تا به غروب آفتاب و بعد از صبح صادق سجده تلاوت درست است. ذکره تحریراً صلوة ولوعلى جنازة وسجده تلاوة وسهو مع شروق واستواء وغروب الخ و کره نقل الى قوله بعد صلاة فجر وصلوة عصر لا قضاء فائتة وسجدة تلاوة وصلوة جنازة وكذا بعد طلوع فجر سوى سنة الخ تنویر.

جواب: (۴) بر طفل تا بالغ سجده تلاوت واجب نمیگردد.

جواب: (۵) بر سامعین سجده کردن واجب میشود اگر ایشان آن را اداء نکنند بر تلاوت کننده کدام قسم گناه نیست و قرائت کننده از طرف سامعین سجده را اداء نموده نمیتواند فالسبب التلاوة وان لم يوجد السماع كتلاوة الاصم والسماع شرط في حق غير التالى الدر المختار جميل الرحمن.

الباب الثالث عشر

فی صلوة المريض

وعایت ها برای مریضان در ارکان نماز

بوينال نماز گذار نسیته القداء شخصی قیام کننده درست است: سؤال: (۲۱۷۷) هر

امامی که نماز را نشسته میدهد اما او چیزی معذرت و تکلیف نیز دارد که از آن تکلیف توان ایستاد شدن را ندارد و سائر امور را ایستاده اجرا می نماید بناء آیا نماز امام و مقتدیان درست

است یا نه؟

جواب: اگر معذوری باشد که قیاما نماز را اداء نموده نمیتواند پس نماز او نشسته اداء کردن درست است و بعقب او نماز مقتدیان نیز درست است ^(۱) همچنین معذور نباشد بلکه قیاما بر اداء نمودن نماز قادر باشد در آن صورت نماز او درست نیست و بعقب وی نماز مقتدیان نیز صحیح نخواهد ^(۲) باشد فقط.

تنها دریک چادر خود را بپجاندن نماز درست است: سوال: (۲۱۷۸) اگر مریض بسبب سردی لحاف یا چادر را از خویشتن بپجاند و در آن نماز میخواند که سائر جسم او را با سر و رویش در آن پنهان باشد مواضع ستر او مانند زانو فخذین و سرین او مکشوف و غیر مستور باشد از نگاه مرض و آنکس که در پهلویش باشد از نظر اونیز پنهان نباشد آیا نماز همچو مریض جائز خواهد باشد یا نه؟

بنا بر مجبوری نماز در لباس نجس: سوال: (۲۱۷۹) اگر مریض مجبورا مع نجاست نماز را اداء نماید آیا بعد از صحت یابی شدن قضاء بذمة اش لازم است یا نه؟

جواب: (۱) نماز آن مریض صحیح است ^(۳)

جواب: (۲) اگر در حالت مجبوری تطهیر لباس نباشد و باقی مانده نخواهد شد پس نماز او صحیح است و اگر لباس را تبدیل نموده میتواندست اما او تبدیل نکرد پس در آن صورت قضاء بر ذمه اش لازم است ^(۴) فقط.

در حالت مریضی شدید ترک نمودن روزه و نماز و کفاره آن: سوال: (۲۱۸۰) مادر کلان جده زید تا به مدت پنج سال در چنان مریضی مبتلا بود که بسبب آن مریضی یک دست و پایش را

(۱) ریح القیام القائم بالقاعد الذی یرکع و یسجد لا إلهاء الراضع والرائع والساجد بالمؤمی (عالمگیری مصری باب الإمامة ج ۱ ص ۷۹، ط. مآجده ج ۱ ص ۸۵). ظفر

(۲) من لرائضها التي لا تصح بدونها التحريم الخ ومنها القيام الخ في الفرض الخ لقادر عليه (الدور المختار علی هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة بحث القيام ج ۱ ص ۴۱۴، ط. س. ج ۱ ص ۴۴۴). ظفر

(۳) والشرط سترها عن غيره ولو حكما كمكان مظلم لا سترها عن نفسه به يفي فلو واهما من زيفه لم تصد وإن كره (الدور المختار علی هامش ردالمحتار باب شروط الصلوة ج ۱ ص ۳۸۰، ط. س. ج ۱ ص ۴۹۰). ظفر

(۴) ون يسرع عذر تمام وقت صلوة مفروضة الخ وحكمه الوضوء لما غسل لوبه ونحوه الخ وإن سال علی ثوبه فوق الدرهم جاز له ان لا يسله ان كان لو غسله نجس لب الفراع منها ای الصلوة ولا الخ فلا يجوز ترك غسله (الدور المختار علی هامش ردالمحتار احكام المعذور ج ۱ ص ۲۸۱، ط. س. ج ۱ ص ۳۰۵). ظفر

مرض فالح زده بود سپس اودر عمر ۵۸ سالگی وفات شد و تا کدام وقتیکه او گشت و گذر می نمود هوش و حواس او قائم بر حال بود تا به همان وقت او نماز و روزه را اداء می نمود اما از آن مدتی که از گشت و گذر باقی درماند و هوش و حواس را نیز از دست داد پس نماز و روزه نیز از او ترک شد اگر خودش یا بگفتار کسی برای ادای نماز در چارپائی او را بجهت قبله متوجه می نمود پس در اداء نمودن نماز می پرداخت اما در نماز یکسو و سوي دیگر نظر می نمود بناء او در حالت مذکورہ وقتیکه اکثر اوقات از شکستادن وضوء نیز مطلع نمی بود آیا بر او نماز روزه واجب بود یا نه اگر فرض بود پس اکنون اداء نمودن آن بکدام حساب و چگونه باید شد؟

جواب: روزه در همچون بیماری مؤخر میگرد و در چنین حالت فدیہ روزه واجب میشود (۱) و این کافی است و اما نماز بذمه اش فرض میباشد البتہ نمازهای راکہ در آن حالت اداء نموده است آنها صحیح است (۲) و آن عده نمازهای را کہ قطعاً اداء نموده است برای ورثہ در عوض آن فدیہ دادن بکار است و اگر بلا وصیت و بدون آنکہ چیزی ترکہ را گذاشته باشد در آن صورت دادن فدیہ بذمه ورثہ واجب نمیگردد لکن با آنہم فدیہ دادن بہتر است و امید است کہ این فدیہ نمازهای فایہ اش گردد (۳) فقط.

بیماران قسح چگونه نماز را اداء نمایند: سوال: (۲۱۸۱) در مورد جرح چشم پریش بعمل می آید کہ بسیار اطباء تاکید می ورزند کہ سر را اندک نیز نباید جنبید پس در مورد نماز چه حکم خواهد باشد آیا قطعاً آن را اداء نکنند و اگر اداء کند پس چگونه؟ و در مورد حرکت سر ممانعت قطعی است بناء اگر وضوء می کند پس بکدام طریقه؟ و یا اگر تیمم می کند پس چگونه

(۱) و للشيخ الفاني العاجز عن الصوم الفطر ولفدي وجوبا الخ (درمختار) للشيخ الفاني أي الذي ثبت قوته أو اشرف على الفناء ولذا عرضه بأنه الذي كل يوم في نفس إلى أن يموت الخ عن الكرمانی المرض إذا تحقق اليأس من الصحة فعليه الفدية بكل يوم من المرض أنه ورد المختار كتاب الصوم فصل في العوارض المبيحة لعدم الصوم ج ۲ ص ۱۶۳، ط.س. ج ۲ ص ۱۴۷، ظفر

(۲) من تعلم عليه القيام لمرض الخ صلى قاعدا ولو مستندا إلى وسادة الخ كيف شاء (المحرر المختار على هامش ردالمحتار باب صلوة المريض ج ۱ ص ۷۰۸، ط.س. ج ۲ ص ۱۵۵، ظفر

(۳) ولو مات وعليه صلوات ثلاثة وأوصى بالكتابة يعطى لكل صلوة نصف صاع من بر كالقنطرة وكذا حكم الوتر والصوم وإنما يعطى من ثلث ماله (درمختار) و أما إذا لم يوصَ فنقطع بها الوارث قال محمد في الزيادات أنه يحزبه إنشاء الله تعالى (رد المحتار باب قضاء الفرائض ج ۱ ص ۶۸۵ - ۶۸۶، ط.س. ج ۲ ص ۷۲، ظفر

وبعد از آن تا به مدت سه روز جبیره بسته مییابد و در آن حالت و قتیکه وضوء می کند یا بنا بر کدام وجه دیگر تیمم میکند؟ آیا تنها آن جلدي را مسح کند و یا بر سائر روی مسح نماید یعنی تمام روی را نشوید یا آن جلدي که از کام علیحده است آن را بدست خود مرطوب نماید زیرا آن را شسته نمیتواند؟

جواب: درشامی آمده است قوی: وان تعذر القعود ولو حکماً کما لو قدر علی القعود ولکن بزغ الطیب الماء من عینیه وامره با الاستلقاء ایاماً اجزاء ان یستلقي ویرمی لان حرمة الاعضاء کحرمة النفس.^(۱) الخ حاصل عبارت آنست که قعود برایش دشوار است اگر چه حکماً باشد مثلاً نشسته میتواند لکن داکتر چشم او را ساخت و سپس برایش گفت که یک چند روز مستقیماً بشکل خوابیده استراحت کنید پس برای مریض این کافی است که مستقیم به پشت استراحت بدهد و به اشاره نماز را اداء نماید و این سخن واضح و روشن است که در اشاره نمودن جنبیدن سر ضروری است و بدون اشاره نماز نخواهد شد و ترک نمودن نماز نیز ناممکن است بخاطر آنکه عقلش سالم است و بیهوشی برایش طاری نشده است قاری عبدالرحمن صاحب پانی پتی رح و قتیکه چشم را ساخته بود با اشاره نماز را اداء می نمود و داکتر نیز او را اجازه فرموده بود و باعتبار ظاهر برایش کدام نقصان وارد نشده بود بناء بخاطری ادای نماز اخذ نمودن اجازه برای اشاره سر بکار است و اگر اجازه برایش میسر نشود با آنهم ترک نمودن نماز بکار نیست و اما و قتیکه بر چشم جبیره^(۲) باشد پس در آن وقت متبای روی را بشوید و بر جبیره مسح کند و اگر در صورت نشستن روی اثر رطوبت بطرف چشم سرایت می نمود و برای چشم مضر لیر باشد در این صورت بر سائر روی مسح نمودن نیز درست و متبای اعضا را باید بشوید و اگر بنا بر کدام معاذیر تیمم رایی نمود پس تیمم را موافق قاعده باید کرد به این معنی که بعد از یک ضرب بالای جلد دست را بمالد و بضرب ثانی دست ها را با آرنج ها مسح کند فقط.

(۱) رد المحتار باب صلوة المریض ج ۱ ص ۷۱۱ ط.س. ج ۲ ص ۹۹ ظفر

(۲) وحکم مسح جبیره الخ او غرلة قرحة وموضع لصد وکی ونحو ذلك عصاة جراحة کذلک لا تحبها لیكون لرحا الخ وجمع الخ مع ای غسل الاخری الخ وینکر المسح کالمسح إن ضرر ولا. لا ینکر (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب مسح علی الخفین ج ۱ ص ۲۵۷ ط.س. ج ۱ ص ۲۷۸). ظفر

بوجه ضعف نشسته نماز خواندن درست است؟ سوال: (۲۱۸۲) یکفر بسیار ضعیف است

و حواشی نادرست میباشد و نمازهای پنجگانه را قعوداً اداء می نماید نماز او صحیح است یا نه؟
جواب: هر قدریکه قدرت داشته باشد موافق آن نمازش اداء خواهد شد اگر قدرت قیام را ندارد پس قعوداً اداء نماید و اگر قدرت قعود را نداشته باشد پس بهیئت خوابیدن اداء نمودن نماز صحیح^(۱) است غرض آنکه تکلیف بقدر وسع است: قال الله تعالی^(۲) لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا (الایة فقط).

و قنیکه قدرت وضو و تیمم را نداشته باشد آیا نماز بر او فرض است یا نه؟ سوال: (۲۱۸۳)

(۱) مریض آنقدر قوت ندارد که خودش وضو یا تیمم بکند آیا بدمه اش نماز واجب است یا نه؟
بعضی اوقات معاون میباشد و بعضی اوقات موجود نمیشود پس چه باید کرد؟ سوال:
 (۲) برای مریض مذکور بعضی اوقات کسی تیمم دهنده موجود میباشد و بعضی اوقات نمیشود پس در این صورت حکم نماز چیست؟

و قنیکه برای مریض قدرت توجه بجهت قبله نباشد پس چه باید کرد؟ سوال: (۲۱۸۵)

(۳) مریض خودش روی بجهت قبله آورده نمیتواند و همراهش کسی نیز موجود نیست پس در این مورد حکم چیست؟

در آخری وقت نماز های بسیاری اوقات را اداء ننموده پس چه باید کرده شود؟ سوال:

(۴) شخصی بتاریخ بیستم شوال وفات شد و از ماه رجب تا به بیستم شوال چنین وضعیتی را دنبال داشت که احیاناً نماز را اداء می نمود و احیاناً اداء نمی نمود حالانکه وی آنقدر قدرت را بر خور دار بود که آب را مطالبه نموده میتواند و سر خود را بلند نموده میتواند؟
جواب: (۱) (۲) در صورت فوق الذکر از شخص دیگر در تیمم یا وضو و غیره اعانت بگیرد و بغیر او وضو و تیمم او بجهت قبله نمودن و بدون این موارد متذکره نماز را اداء ننماید و نماز

(۱) وإذا حجز المريض عن القيام صلى لاهدا برقع وسجد الخ فان لم تستطع الركوع والسجود أو ما يهين معنى لاهدا الخ فان لم يستطع القعود استلقى على ظهره وجعل رجله إلى القبلة الخ (هداية باب صلوة المريض ج ۱ ص ۱۴۴). ظفر

(۲) سورة البقرة، المبري و كرع. ظفر

نیز در آن صورت ها ساقط نگردید هروقتیکه برایش میسر شد آن نماز را اداء یا قضاء^(۱) بجاء آورد. فقط

جواب: (۴) بذمه اش او لازم بود پس در صورت وصیت از یک ثلث ترکہ فدیہ نمازها پیش اداء گردد و در بیشتر از ثلث برای ورثه اختیار است اگر ایشان میخواهند اداء نمایند و این افضل است ورنه کدام گناه برای ایشان متوجه نمیشود^(۲) فقط.

کسیکه قدرت ندارد آیا او فدیہ نماز را داده میتواند یانه: سوال: (۲۱۸۷) هر شخصیکه

قدرت ندارد و میخواهد که فدیہ روزه و نماز های فوت شده خود را بدهد آیا این پول در مدرسه دینی مصرف شده میتواند و نیز در آن تملیک ضروری است یانه؟

جواب: برای شیخ فانی دادن فدیہ روزه درست است لکن فدیہ^(۳) نماز برای شخص او اعطاء نمودن درست نیست و نماز هایش بذریعہ این فدیہ ساقط نخواهد شد بخاطر آنکه در نماز چنین وسعت است که اگر ایستاده آن را اداء نموده نمیتواند پس بنشیند و آن را اداء نماید^(۴) و اگر نشسته اداء نموده نمیتواند پس به هتیت خوابیدن نماز را اداء کند و اگر از رکوع و سجده ناتوان بود پس بارش را نماز را اداء نماید البته اگر بعد از وفاتش هر مقدار نمازها نیکه باقی بماند یا روزه بماند و میت وصیت اداء نمودن فدیہ آنها را نموده باشد و مال رانیز گذاشته باشد در آن صورت

(۱) برای نماز چونکہ وضو یا تیمم شرط است خواه خودش بکند یا بذریعہ دیگران. اما الشرائط المجمع علیها لمسة الخ الطهارة من الحدث الخ الطهارة من الحدث قديما لكونها أهم الشروط واكدھا حتى انها لا تسقط بحال ولا يجوز الصلوة بدونها اصلا بخلاف غيرها من الشروط (غنية المستعصي ص ۱۳) ورو آوردن بجهت قبله نیز شرط است لکن فلها تصريح نموده اند کہ برای عاجز بر هر جهت که قادر باشد همان کافی است و مريض صاحب فرائض لا يملكه أن يحول وجهه وليس بحضوره أحد يوجهه يحزبه صلوته إلى حلقا شاء الخ (عالمگیری كشوري كتاب الصلوة باب ثالث فصل ثالث ج ۱ ص ۶۲، ط. ماحل ج ۱ ص ۶۳). ظفر

(۲) ولومات وعليه صلوات فاتنة وإوصى بالكفارة يعطى لكل صلوة نصف من بر وكذا حكم الوتر والصوم وإلما يعطى من ثلث ماله (درمختار) فل زادت الوصية على الثلث لا يلزم الولى إخراج الزائد إلا باجازه الورثة (رد المحتار باب قضاء الفوات ج ۱ ص ۶۸۵، ط. س. ج ۲ ص ۷). ظفر الدين غفر له

(۳) والشيخ الفاني الذي لا يقدر على الصيام يفطر ويصوم لكل يوم مسكينا كط يعظم في الكفارات (مذهب كتاب الصوم باب يوجب القضاء والكفارة ص ۲۰۴). ظفر

(۴) من تعذر عليه القيام إلى كله لمرض الخ صلى قاعدا الخ كيف شاء الخ وإن تعذر الخ أوما قاعدا الخ وإن تعذر الفعود أوما مستلقا الخ وإن تعذر الإيماء برأسه وكثرت الفوات الخ سقط القضاء عنه (الدر المختار على هامش ودر المختار باب صلوة المريض ج ۱ ص ۷۰۸، ط. س. ج ۲ ص ۹۵). ظفر

بذمہ ورلہ اش اداء نمودن لندیہ ضروری است وحکم آن مانند زکات است ودرآن تملیک فقیر ضروری میباشد بناء اگر درمدارس اسلامی برای طلاب مساکین تأدیہ شود آن ہم درست است و باعث ثواب مزید است زیرا این مساعدت وکرمک است باطلاب علوم دینی فقط.

خارج کشتی پایان شد ونماز را اداء نمود آیا این نماز شد یانه: سوال: (۲۱۸۸) یکمرتبه

من بملاقات پیر صاحب رفته واز کشتی پایان شدم نماز را اداء نمودم بناء این جواز دارد یانه؟
جواب: صلی الفرض فی فُلک جار قاعداً بلاعذر صح لعلیة العجز واساء وقال لا یصح الا بعذر وهو الا ظهر برهان والمربوطة فی الشط کا الشط فی الاصح الخ درمختار ^(۱) قوله جاری سائرا احتراز من المربوطة قوله والمربوطة فی الشط كما الشط فلا تجوز الصلوة فیها قاعداً اتفاقاً وظاهر ما فی الهدایہ وغیرها الجواز قائماً مطلقاً استقرت علی الارض اولاً وصرح فی الايضاح بمنعه فی الثانی ای فی عدم الاستقرار حیث امکنه الخروج الحاقاً لها با الدایة هر واختاره فی المحيط والبدائع وعزاه فی الامداد آیشاً الی مجمع الروایات عن المصنفی وحزم به فی نور الايضاح وعلی هذا ینبغی ان لاتجوز الصلوة فیها سائرة مع امکان الخروج الی البر وهذه المسئلة الناس عنها غافلون شرح ^(۲) النیة والمربوطة بلجة البحران کان الريح یحرکها شدیداً فکا السایرة والا فکا الواقعة ویلزم استقبال القبلة عند الافتتاح وكلما دارت ولوام قوماً فی فلكین مربوطين والا لا درالمختار از روایات فوق الذکر واضح است در هدایة وغیره جواز ان منقول است وهمین احوط است كما هو ظاهر فقط.

بعد از بیهوشی اگر بیهوش آمد پس در مورد نماز هایش چه حکم است: سوال: (۲۱۸۹)

اگر شخصی بوجه ازدیا وکثرت مرض مدت بیست وچهار ساعت بیهوش باشد وبعد درآن اگر احياناً بیهوش می آید اوعلوه از اشاره بطریق دیگر نماز را اداء نمیتواند بناء آیا بذمہ اش قضا آوردن نماز های فوت شده است یانه اگر قضاء بذمہ اش باشد وانرا درحالت مذکوره باشاره اداء نماید آیا کافی خواهد باشد یانه واگر اضافه تر از بیست وچهار ساعت بیهوش باشد در آن مورد

(۱) المر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلوة المريض مطلب فی الصلوة فی المنفة ج ۱ ص ۷۱۳، ط.س. ج ۲ ص ۱۰۱، ظفر

(۲) رد المحتار باب صلوة المريض ج ۱ ص ۷۱۳ - ۷۱۴، ط.س. ج ۲ ص ۱۰۱، ظفر

حکم چیست؟

جواب: در درمختار صلوٰۃ المریض آمده است ومن جن او اغمی علیہ الخ يوماً وليلة قضی الخمس وان زاد وقت صلوٰۃ سادسة لا للخرج^(۱) الخ از این عبارت معلوم شد اگر زیاد تر از بیست و چهار ساعت بیهوشی بود و شش نماز یا بیشتر از آن قضاء شده پس قضاء بدمه اش لازم نمیباشد و در صورت لزوم قضاء اگر در حالت مرض نمازهای فوت شده را با اشاره اداء کند سپس نمازش اداء خواهد شد^(۲) فقط.

آیا کفاره سائر نمازهای یک سال بیک نسخه قرآن ممکن است: سوال: (۲۱۹۰)

شخصی سائر نمازهای یک سال را قضاء نمود و در حین وفات او گفت که در بدل کفاره نمازهای فوت شده بنده یک جلد قرآن مجید را اعطاء نمایند زیرا من آنقدر توان ندارم که کفاره سائر نمازها را اداء نمایم آیا از نگاه شریعت این نسخه قرآن مجید برای سائری نمازهای فوت شده یک سال اش کفاره خواهد گشت؟

جواب: باعطاء نمودن یک نسخه قرآن مجید کفاره سائر نمازهای فوت شده اداء نخواهد شد بلکه کفاره نمازهای یک روز بوزن انگلیسی ده نیم سیر یا قیمت آن میباشد که تقریباً یکم روپیه همان عصر میشود و کفاره نمازهای یک ماه ۵۴۰ میشود و کفاره دوازده ماه از آن تخمین و اندازه کرده شود صامالمعنه فلہذا اگر در ترکیه آنکس در یک ثلث آن گنجایش باشد پس در آن صورت اداء نمودن کفاره کامل نمازها بیکار است^(۳) فقط.

اگر قیود جلوس را ندارد پس چگونه نماز را اداء نماید: سوال: (۲۱۹۱) شخصی آنقدر

(۱) اندر المختار علی هامش رد المحتار باب صلوٰۃ المریض ج ۱ ص ۷۱۴، ط.س. ج ۲ ص ۱۰۲، ظفر

(۲) وان تعدل القعود اوما بالركوع والسجود مستظلاً علی ظہره وجعل رجلہ بآلی القبلة الخ (عالمگیری کشوری الباب الرابع عشر فی صلوٰۃ المریض ج ۱ ص ۱۳۴، ط. ماجنبہ ج ۱ ص ۱۳۶)، ظفر

(۳) ولو مات وعلیہ صلوات فاتتہ واوصی بالکفارة یعنی لكل صلوٰۃ نصف صاع بر کافطرة وكذا حکم الوتر والصوم وإنما يعطى من ثلث ماله الخ (اندر المختار علی هامش رد المحتار باب قضاء اللوات ج ۱ ص ۶۸۵ - ۶۸۶، ط.س. ج ۲ ص ۷۲) وكذا حساب که درج است آن از سنہ ۱۳۴۴ هجری است و در عصر ما سنہ ۱۳۸۱ هجری در قیمت امتیاز زیاد می آید زیرا قیمت ده نیم سیر گندم بروزن انگلیسی تقریباً چهار روپیه است و در حین ترجمه پشتو سنہ ۱۴۲۴ نیز به اختتام رسیده است و نه نیم گندہ وزن انگلیسی اکنون بصد روپیه نیز نخواهد شد عارف بهر حال حساب گندم همان خواهد باشد که درج است لکن اندازه قیمت در عصر موجوده تعیین میشود خواه کم باشد یا زیاد والله اعلم، ظفر الدین

لاغر و ضعیف شد کہ قادر بنشستن نیست بناء چگونہ نماز را اداء نماید و آیا سنت و نوافل رانیز اداء کند یا آنکہ تنها فرض را اداء نماید؟

جواب: ہر انکسکہ نماز را نشستہ باشارہ اداء نمودہ نمیتواند او نماز را بشکل خوابیدن باشارہ اداء کند و اداء نمودن سنت و نوافل برایش ضروری نیست اگر اداء کند بہتر است ورنہ کدام گناہ عائد حالش نیست ^(۱) فقط.

پیچہ مریضی جبیرہ شراب رابستہ نمود پس نماز را چگونہ اداء نماید: سوال: (۲۱۹۲)
ہای یکفر زخمی بود و داکتر بر آن جبیرہ شراب بستہ نمود و برایش تاکید ورزید کہ این جبیرہ را دور نباید کرد بناء آیا اکنون با این جبیرہ نماز اداء نمودہ میتواند؟

جواب: درہمان حالت اونماز را باید اداء کند و نمازش درست ^(۲) است فقط.

خانم دروقت ولادت نماز را چگونہ اداء نماید: سوال: (۲۱۹۳) زن ۵: حین ولادت طفل با موجودیت آنکہ ہوش و حواس او درست باشد و ظاہر اندیشہ ضیاع طفل نیز نخواہد باشد لکن خون و رطوبت و غیرہ راش جاری باشد و بعضی حصہ طفل از جسم خارج و برخی باقی باشد و وقت نماز نیز باشد و او تنها بخاطری آداب طہارت یا برای حرمت نماز و یا بدان فکر کہ سائر جسم خون آلودہ خواہد شد و نماز را اداء نمود آیا در آن صورت گنہگار خواہد شد یا نہ و آیا نماز را اداء نماید یا نہ.

جواب: درہمچہ حالت اگر اندیشہ فوت شدن نماز محسوس شود پس آن زن مریضہ اگر ممکن باشد وضو چاراندام بسازد ورنہ تیمم نماید نماز را اداء کند و در فکر جریان خون نباشد زیرا این خون استحضاضہ است کہ مانع عن الصلوۃ نیست در شامی آمدہ است و لو لم تصل تکن

(۱) وإن تعلمہ القعود ولو حکما أو ما مستلقا علی ظہرہ و وجہہ نحو القبلۃ الخ أو علی جنبہ الایمن أو الأیسر و وجہہ إلیہا الخ (الدرا المنہار علی هامش ردالمحتار باب صلوة المریض ج ۱ ص ۷۱۱ - ۷۱۲، ط.س. ج ۲ ص ۹۹). ظہیر

(۲) إمراة خرج رأس ولدها و خافت فوت الوقت یوحا أن فترت ولا تیمم و جعلت رأس ولدها فی قدر أو حفرة و وصلت قاعدة بركوع و سجود فإن لم تستطعها یزعی إیماء ای تعلی بحسب طائفتها ولا فترت الصلوة عن وقتها لأنها لم تصر نساء بخرج بعض الولد ما لم یر الدم بعد خروج الولد كله و الدم الذي تراه فی حالة الولادة قبل خروج الولد إسمحاضة لا تضع الصلوة فكانت مكلفة بقدر وسعها فلا يجوز لها فترت الصلوة عن وقتها إلا أن عجزت بالكلية كما فی سائر المرحی (غنیة المستملی ص ۲۹۵ - ۲۹۶). ظہیر

عاصیة لربِّها الخ ودرشرح الخ ودرشرح المنیة است. فلا يجوز لها تقویة الصلوة الخ فقط.

اگر در داخل نماز از مریضی ریح خارج شود حکم آن چیست: سوال: (۲۱۹۴)

اگر شخصی مبتلا به مرض نفخ وریح باشد پس با وضوء مسجد نماز را اداء نموده میتواند و اگر در اثناء نماز از او ریح خارج شود حکم آن چیست؟

جواب: اگر آن شخص معذور شرعی گردیده باشد یعنی مرضی خروج ریح برای او آنقدر زیاد شده باشد که در یک وقت چنان حالت عارض شده است که در سائر وقت از آن مرض آنقدر مهلت برایش داده نمیشود که وضوء نماید و نماز فرض را بغیر از آن عذر اداء کرده بتواند برای او جواز دارد که یک مرتبه وضوء بکند و در همان وقت نماز را اداء کند اگر چه خروج ریح از او جریان داشته باشد. درمختار^(۱) فقط.

آیا در آن کشتی نماز جائز است که در کنار ساحل بسته شده باشد یانه: سوال:

(۲۱۹۵) اگر کشتی در کنار دریاب بسته شده باشد بناءً آیا ایستاده بغیر از مستقر زمین در آن نماز جائز است یانه ودر خلاصة الفتاوی جلد اول ص ۱۹۴ ناجائز مینگارد؟

جواب: در هدایة ذکر است و المربوط کالشط هو الصحیح^(۲) ومثله فی الدر المختار و فی رد المحتار.

قوله: و المربوطة والشط فلا تجوز الصلوة فيها قاعداً اتفاقاً فظاهر ما فی الهدایة و غیرها الجواز قائماً مطلقاً ای استقرت علی الارض اولا وصرح فی الايضاح بمنعه فی الثانی حیث امکنه الخروج^(۳) الحاقاً لها با الهدایة الخ معلوم گردید که صحیح آنست کشتی که در کنار بسته شده باشد در آن نماز قیاما درست است و نشسته نماز اداء نمودن در آن جائز نیست لکن احوط آنست که خارج از کشتی موصوف در گوشه نماز را اداء کند برای اینکه از خلاف بیرون شود فقط.

(۱) و صاحب عذر من به سلسل البول لا یمکنه إمساكه او استطلاق بطن او بغلات ورج الخ إن إستوعب عذره تمام وقت صلوة مفروضة بأن لا یجد فی جمیع وقتها زماً یخرجاً ویصلی فیہ خالیاً عن الحدث ولو حکماً الخ و حکمه الوضوء لا غسل ثوبه و نحوه لکل فرض ثم یصلی به فیہ فرضاً و نفل الخ و الدرد المحتار علی هامش رد المحتار مطلب احکام المعذور ج ۱ ص ۷۸۰، ط.س. ج ۱ ص ۳۰۵. ظفر

(۲) هدایة باب صلوة المریض ج ۱ ص ۱۴۵. ظفر

(۳) رد المحتار باب صلوة المریض مطلب فی الصلوة فی السفیة ج ۱ ص ۷۱۴، ط.س. ج ۲ ص ۱۰۱. ظفر

الباب الرابع عشر في صلاة المسافر

مسافر چگونه نماز را اداء نماید ومتباقی مسائل این باب

اگر بلا اختیار اتفاقاً پانزده یومکت نماید پس چه باید کرد: سوال: (۲۱۹۶) چند اشخاص

بخاطری تجارت رخت میروند و در یک مکان قیام می نمایند و در مناطق عنقریب آنها بفروش می رسانند و شبانه واپس بجای قیام باز گشت می نمایند و نماز را قصر میخوانند و میگویند که ما اراده قیام را نداریم و هر وقتیکه رخت ها فروخته شود در آن وقت میرویم پس درهمجو حالت اگر پانزده روز یا از آن بیشتر بانوبت بگذرد پس در آن مورد حکم چیست؟

جواب: وقتیکه نخست در آنجا اراده موثق مکث نمودن پانزده روز نداشته باشد اگر چه اتفاقاً پانزده یا زیاد تر از آن قیام صورت گیرد باز هم در هجو حالت نماز را قصر باید کرد ^(۱) فقط.

بگدام راه که سفر شده باشد همان قابل اعتبار است: سوال: (۲۱۹۷) اجمیر از منطقه

مایان براه پیاده بمسافت بیست میل قرار دارد و بذریعہ ریل راه آهن هشتاد میل است بناء اگر بذریعہ ریل سفر می نماید آیا قصر بکند یا نه؟

جواب: اگر بذریعہ ریل سفر می نماید باز هم قصر واجب است ^(۲) فقط.

چنانیکه پدر فقیم باشد در آنجا پسر بقیر از نیت پانزده روز قصر نباید کرد: سوال:

(۲۱۹۸) یک شخص بخاطری معیشت و روزگار از وطن خویش بمنطقه بهر تپور آمد و در آنجا مدت چهل سال را سپری نمود و در آن جریان احیاناً رخصتی می گرفت و بوطن اصلی خود میرفت لکن احیاناً اعضای خانواده خود را نیز به آنجا می آورد و در بهر تپور در مسکن بکرایه سکونت می نمودند و پسرش محمد رفیق نیز همراهش بود اکنون او برای روزگار به دهلی رفت و در دهلی مدت چهار سال سکونت نمود الان اگر محمد رفیق از دهلی نزد پدر خود تشریف میرد

(۱) ولا يزال علی حکم السفر حتی یؤدی الإقامة فی بلدة او قرية خمسة عشر یوما او اکثر الخ ولو دخل مصر او علی عزم ان یمرح غذا او بعد غد ولم یمد یوم الإقامة حتی یقی علی ذلک سنن لهر (هدایہ باب صلوۃ المسافر ج ۱ ص ۱۴۹). ظہیر

(۲) لان قصد بلدة والی مقصدہ طریقان أحدهما سیرة لثلة أيام ولایالها والآخر دونها لساکن الطريق الأبعد کان مسافراً عندنا هكذا فی فتاویٰ لاضحان (دعالمکبری کشور ج ۱ ص ۱۳۶، الباب الخامس فی صلوۃ المسافر ط. ماجنبه ج ۱ ص ۱۳۸). ظہیر

آیا نماز را کاملاً اداء نماید ویا آنکه قصر بکند؟

جواب: اگر بمنطقه بھر پور بنیت پانزدہ روز قیام رفتن او نباشد پس قصر در نماز بکار است زیرا بھر پور وطن اقامتش بود و بسفر نمودن آن باطل شد ^(۱) فقط.

منطقه امیر سر را ترک گفت و لاهور را وطن اقامت گرفت اکنون او در امیر سر نماز را

چگونه اداء کند: سوال: (۲۱۹۹) شخصی نخست در منطقہ امیر سر سکونت داشت سپس از آن از چہار سال بدینسو با اہل و عیال خود در لاهور سکونت گزین شدہ است و در امیر سر اندک زمین نیز دارد برادران و خواہرانہاں نیز در لاهور زیست دارند بناءً اگر در میان امیر سر و لاهور مسافت سفر باشد پس آنکس در امیر سر قصر نماید یا نہ؟

جواب: اگر این شخص لاهور را وطن اصلی قرار دادہ باشد و سکونت امیر سر را وداع گفتہ باشد سپس اگر در امیر سر نیت پانزدہ روز را نمودہ باشد او در آنجاہ قصر باید کرد کما فی الدر المختار الوطن الاصلی یطل بمثلہ اذا لم یبق لہ با الاول اہل الخ ^(۲) فقط.

مسافت قصر ۴۸ میل است: سوال: (۲۲۰۰) منزل چند میل است و بحساب میل انگلیسی

برای قصر نماز سہ منازل بکار است یا چطور؟

جواب: بنزد ما معمولاً ۴۸ میل برای قصر نماز سفر کردن است و شانزدہ میل یک منزل قرار دادہ شدہ است فقط.

در وقت اطمینان مسافر سنت را اداء نماید: سوال: (۲۲۰۱) مسافر تنها فرض را اداء نماید

یا سنت را نیز؟

جواب: در رد مختار است و یاتی المسافر با السنن ان کان فی حال امن و قرار والا بان کان فی خوف و قرار لا یاتی بہاؤ المختار لانه ترک لعذر الخ قبل الاسنۃ الفجر الخ وفي الشامي: قال شرح المنية والاعدل ما قاله الهندوانی قلت والظاهران ماہو فی المتن هو هذا ^(۳) ص ۵۳۲ جلد

(۱) وطن الإقامة بطن الوطن وباتشاء السفر وبالوطن الأصلي (دعالمکبری کشور ی باب صلوة المسافر ج ۱ ص ۱۴۰ ط.س. ج ۱ ص ۱۴۲). فقیر

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج ۱ ص ۷۴۲ ط.س. ج ۲ ص ۱۳۲ فقیر

(۳) رد المحتار باب صلوة المسافر ج ۱ ص ۷۴۲ ط.س. ج ۲ ص ۱۳۱ فقیر

اول شامی از آن عبارت واضح معلوم شد کہ اگر درحالت اطمینان قرار داشته باشد پس سنت را اداء باید کرد و اگر حالت اطمینان نباشد بلکه در صدد سرعت باشد و خوف نیز باشد در آن صورت سنت را ترک نماید و بعض فقہای کرام فرمودہ اند کہ با آنہم سنت فجر را ترک نباید کرد فقط.

مسافر در چقدر مسافت قصر نماید: سوال: (۲۲۰۲) برای مسافر در چقدر فرسخ قصر نمودن بکار است و ہر فرسخ چند میل میباشد؟

جواب: اگر سفر بہ اندازہ سہ منزل یعنی سہ روز باشد پس برای مسافر قصر لازم است و بعضی فقہاء کرام تجدید آنرا بعرض منازل بفرسخ و میل فرمودہ ^(۱) اند و در آن مورد سہ اقوال است ۱۵ فرسخ یعنی ۴۵ میل مقرر نمودہ اند و قول مفتی بہ قول ثانی یا ثالث است قال: فی شامی ثم اختلفوا فقیل احد وعشرون و قیل ثمانية عشر و قیل خمسة عشر و الفتوی علی الثانی لانه الاوسط و فی المجتبٰی فتویٰ ائمة خوارزم ^(۲) علی الثالث و اما مذهب ثالث آنست کہ عادتاً در مدت سہ روز ہر چند سفر کہ سہری میشود در آن قصر واجب اس۔ و میل چہار ہزار ذراع یا چہار ہزار قدم است کذا فی الشامی ^(۳) فقط.

ہو مسافر اگر بجای قصر نماز را کامل اداء نماید حکم آن چیست: سوال: (۲۲۰۳)

یک مسافر حنفی در نماز قصر ننمود و قتیکہ از او پرسش بعمل آمد او گفت ہر گاہ نماز را قصر اداء کنم چنین برایم معلوم میشود مثلیکہ قطعاً نماز را اداء نکرده باشم و اطمینان قلبی برایم فراہم نمیشود پس ناگزیر قصر نمی نمایم و مجبوراً بر قول امام شافعی رحمۃ اللہ عمل می نمایم بناء آیا در آن صورت نماز این مسافر شد یا نہ؟

(۱) قاصد سیرۃ ثلاثۃ ایام و لیلایہا من العصر ایام السنۃ ولا بشرط سفر کل یوم إلی اللیل بل إلی الزوال ولا إعتبار بالفراخ علی المذہب (در مختار) قال فی النہایۃ ای التقدير بثلاث مراحل فرب من التقدير بثلاثة ایام الخ و کذا ما فی الفتح من أنه قبل یقدر بأحد وعشرين فرسخاً و قبل بثمانیۃ عشر و قبل بخمسة عشر و کأن من قدر عینہا إعتقد أنه سیرۃ ثلاثۃ ایام (رد المحتار باب صلوة المسافر ج ۱ ص ۷۳۱ ط.س. ج ۳ ص ۱۲۲). ظہیر

(۲) رد المحتار باب صلوة المسافر ج ۱ ص ۷۳۵ ط.س. ج ۲ ص ۱۲۳ ظہیر

(۳) الفسخ ثلاثۃ ایام و المیل أربعة الاف ذراع (رد المحتار باب صلوة المسافر ج ۱ ص ۷۳۵ ط.س. ج ۲ ص ۱۲۳ ظہیر

جواب: مسافر موصوف این عمل قبیح وبد را انجام نمود و درآن مورد برای او بر مذهب شافعی عمل نمودن درست نیست و موافق مذهب خود حتما قصر بکند و قصر نمودن واجب است ^(۱) باقی آنکه اگر او علیحدہ تنها نماز را اداء نمود پس نمازش شد و اگر امام گردید پس نماز مقتدیان نخواهد ^(۲) شد فقط.

اگر اولاً درجای نیت اقامت پانزدہ روز نمود بناء در آن مدت نماز را کامل اداء نماید:

سوال: (۲۲۰۴) یک مامور دولت جای سکونتش سکندر آباد است و او با اہل و عیالش میباد و دریک طرف سکندر آباد منطقہ قرار دارد بسافت ۳۲ میل و بطرف دیگر پنج میل و بطرف آخرش ۲۱ میل و طرف دیگر عنقریب ۲۲ میل میباد و در مدت دوران وظیفہ اش دریکي بیشتر از ده روز اقامت نمی داشته باشد پس درآن صورت مامور مذکور در سکندر آباد یاد دیگر مناطق نماز را قصر اداء کند یا پورہ درآن مورد حکم چیست؟

جواب: قاعدہ آنست کہ درجای اقامت تا وقتیکہ بہم نیت اقامت پانزدہ روز را نکند تابه آن وقت قصر نمودن بکار است و در حین دور و گردش چونکہ هیچ مقام مسافت شرعی یعنی قابل قصر نیست بناء اگر نخست در سکندر آباد نیت اقامت پانزدہ روز شدہ باشد پس در مدت دوران وظیفہ هیچ جای قصر نخواہد باشد و اگر در سکندر آباد اول نیت اقامت پانزدہ روز نشدہ بود و نہ در مقام دیگر نیز نیت اقامت پانزدہ روز شدہ باشد پس درآن صورت ہموار یکسان قصر باید کرد یعنی در سکندر آباد و در حین دورہ وظیفہ نیز ^(۳) فقط.

احکام مامور ہوا پیم: **سوال:** (۲۲۰۵) (۱) بعضی مردم بہ مناطق دور افتیدہ مانند رنگون وغیرہ میروند و در چنان طیارہ ہا وظیفہ ماموریت را انجام میدہند کہ علاوہ از شہرستان و بناء

(۱) والقصر لازم عندنا إلخ والآثار في ذلك كثيرة وهي تدل إلى أن الفرض ركعتان وأن الإمام مكر ولو كان جازوا بفعله عليه الصلوة والسلام مرة تعلما للجواز (غنية المستملی ص ۴۹۹ - ۵۰۰). ظفر

(۲) فلو أتى مسافر إن لم يدر في القعدة الأولى ثم فرسه ولكنه أساء أو غامدا، لتأخير السلام وترك واجب القصر وواجب تكبيرة إفتتاح وخلط النفل بالقرض إلخ (الدر المختار على هامش واد المختار باب صلوة المسافر ج ۱ ص ۷۳۹، ط.س. ج ۲ ص ۱۲۸). ظفر

(۳) لا يزال على حكم السفر حتى يبري الإقامة في بلدة أو قرية خمسة عشر يوما أو أكثر وإن نوى أقل من ذلك قصر (هداية باب صلوة المسافر ج ۱ ص ۱۴۸). ظفر

درخویش به شهر های دیگر رفت و آمد کرده نمیتواند بلکه در همان شهر بخاطری رفت و آمد طیارات یک دیگر راه و شرکت ها را انتظیف و تصفیه می نماید؟

آن عدنی مردمیکه همیشه دریند رگاہ بسو میبرند: سوال: (۲۲۰۶) (۲) و برخی از در چنان طیارات وظیفه اجراء میکنند که همیشه مربوط بند رگاہ و هموار بر مکان خود ثابت میباشد؟ **کسیککه هموار در سفر باشد: سوال:** (۲۲۰۷) (۳) بعضی مردم در طیارات تجارتی موظف میباشد که البته وظیفه آنها تنها انتقال من مصر الی مصر میباشد و هیچگاه اطمینان قیام نمیداشته باشد بلی احوانا در شهر اقامتگاهش نیز یک ماه میباشد لکن موظفین در آن مورد تابع آمر میباشد بلکه برای ایشان اطلاع نیز نمیشد که طیاره تا به چه وقت در آنجا باقی ماند و چه وقت پرواز خواهد نمود در آن هر سه صورت ها آیا برای ملا زمان طیاره قصر بکار است یا نماز را کامل اداء نماید و یا در آن صورت ها کدام فرق وجود دارد؟

جواب: (۲-۱) آن عدنی مردمیکه در صورت مسئله اول و دوم میباشد آنها مقیم اند و نماز را برای ملا زمت رفتند و در آنجا نیت اقامت پانزده یا بیشتر را کردند و سپس در چنان طیاره وظیفه و نوکری را اجرایی نمودند که برای سفر نباشد پس ایشان مسافر محسوب نیستند بناء نماز را کامل اداء نمایند.

جواب: ۳ و در صورت مسئله سوم ایشان مسافر میباشد و نماز را قصر اداء کنند و دلیل اداء نمودن نماز کامل در صورت اول و دوم این عبارت در مختار است حتی یدخل موضع مقامه الخ او ینوی اقامة نصف شهر بموضع واحد صالح لها من مصر او قرية^(۱) الخ و دلیل مسئله سوم آن است فیقصران نوي الاقامة في اقل منه اي من نصف شهر اونوي فيه لكن في غير صالح كبحر او جزيرة الخ او یکن مستقلاً براه الخ در مختار قوله: او لم یکن مستقلاً براهه عطف علی قوله ان نوي اقل منه و صورته نوي التابع الاقامة و لم یوھا المتبوع اولم یدر حاله فانه لایتم الخ شامی فقط.

جائیکه نیت اقامت پانزده روش نباشد در آنجا قصر باید کرد: سوال: (۲۲۰۸) و وطن

اصلي زیددھلی است و مکان اقامتش در کانپور میباشد و مدت اقامت وی در کانپور به پانزده روز

نمیرسد بناء آيا درمکان اقامت خود زيد نماز را قصر اداء نموده ميتواند يانه؟

جواب: بعد از سفر نمودن از جاي اقامت ان وطن اقامت باطل ميگردد ^(۱) سپس ازان اگر اودر آنجانب اقامت پانزده روز را نکرد ناگزير قصر نمود في بکار است فقط.

آنکسيکه دومکان سکونت دارد او نماز را چگونه اداء نمايد: سوال: (۲۲۰۹) یک

شخصي در موضع را براي سکونت انتخاب کرده یک در کوئته و ديگري درجيبک آباد در گرما در کوئته مقيم مياشد ودر سرما جيبک آباد ودرميان هر دو موضع مسافت سفر است اگر براي کار وبار در جيبک آباد يا کوئته آمد قصر کند باتمام در خواند عيال واطفال باخود هر جا که می باشد همراه او مي باشد ودر موضع گرما و سرما مکانات و عقار و ديگر سامان گذر است وبس؟

جواب: اگر هر دو موضع را وطن اصلي و جای قرار گرفته است ودر هر دو موضع مکان و عقار است واهل و عيال در هر دو موضع مي باشند در هر دو موضع نماز تمام کند قال: في الشامي من شرح المنية ولو كان له اهل ببلدين فايتهما دخل صار مقيماً الخ فقط.

جائيكه مسلسل نيت اقامت پانزده روز نباشد قصر بايد كرد: سوال: (۲۲۱۰) ما مردم از

پانزده سال بدینسو در قصبه بنام تراور تجارت مي نمائيم مال مي آوريم و بفروش ميرسانيم و بعد از آمدن به آنجا به ديهات ميرويم لکن خانه را بکرايه اخذ نموديم وقتيکه از خانه بيایم چار پنج ماه در آنجا بسر ميبريم اما پانزده روز اقامت نميباشد بلکه دو روز بيرون ميرويم و دو روز در منطقه بنام تراور مياشيم وچنين نيت داشته مياشيم که بعد (از چار ماه بوطن خواهيم رفت بناء آيا نماز را قصر بخوانيم ياپوره؟

جواب: وقتيکه شما جاي بغرض تجارت ميرويد و نيت اقامت پانزده روز را ننموده باشيد بلکه چنان نيت داشته باشد که بعد از اقامت دويا چهار روز بديهات ميرويم و در آنجا گشت خواهيم نمود و بعضي قريه ها دو روز و دربرخی چهار روز مياشيم که بهمان طريقه چهار و پنج ماه گذشت پس در همچو صورت نماز قصر بايد کرد کذا في کتب الفقه ^(۲) فقط.

(۱) رد المحتار باب صلوة المسافر ج ۱ ص ۷۳۷ - ۷۳۸ ط.س. ح ۲ ص ۱۲۵ طعير

(۲) لا يزال على حكم السفر حتى يبري الإقامة في بلدة أو قرية خمسة عشر يوماً أو أكثر وإن أقل ذلك قصر (هداياه باب صلوة =

حکم صاحب دوخانہ: سوال: (۲۲۱۱) شخصی دوخانہ دارد در میان ہردو خانہ مسافت سفر

است عیال باخود ہر جا کہ می باشد می برد اہلیہ یکی است در یک خانہ پس اگر برای کار و بار در خانہ دیگر آید کہ عیال باخود نمیدارد قصر کند یا نہ؟

اگر ہردو را وطن اصلی بشمار دو ارادہ ترک یکی از انہا نکرده است و یک مقام را ترک کردہ بدیگر مقام سکونت نگرفته است ہردو وطن اصلی است در ہر یک اذان نماز تمام کند. والتفصیل فی شرح ^(۱) المنیۃ فقط.

اگر معلوم نباشد کہ چقدر وقت اقامت نمود پس چہ باید کرد: سوال: (۲۲۱۲) :

مادر مد جائی آمدہ ایم کہ در آنجا اقامت خواہم نمود و یا چقدر سفر خواہم کرد لکن اکثر در مورد سفر انقدر روشن است کہ از دہ یا پانزدہ میل بیشتر نمیباشد و در مورد قیام آنقدر معلوم است کہ در همان جایی یکماہ اقامت خواہم نمود و از همان جایی بعد از دہ روز کوچ خواہم نمود غرض آنکہ ما مردم در اختیار نود نمیباشیم پس در ہمجو حالت آیا نماز را قصر نمایم یا تمام در حالیکہ هیچ حال قیام و سفر معلوم نیست؟

جواب: در ہمجو حالت شما نماز تمام اداء کنید زیرا کہ این اصل است در مؤرد قصدا و نیت حکام و امراء معلومات نیست ^(۲) فقط.

اگر مسافر چہار رکعت ظہر و اتمام اداء نمود پس اعادہ واجب است: سوال: (۲۲۱۳)

مسافر سہوا نماز ظہر را چہار رکعت اداء نمود آیا اعادہ بکند یا نہ؟

جواب: وجوب ^(۳) اعادہ نماید.

= المسافر ج ۱ ص ۱۴۸. ظہر

(۱) للأصلي وهو مولد الإنسان أو موضع بابل به الخ وفي المتوسط هو الذي نشأ فيه أو أوطن فيه أو تاهل كقوله أو توطن فيه يتناولها عزم القرار فيه وعدم الإرتحال وإن لم يتاهل لعنلى هذا أو عزم من له أبوان في بلد على القرار فيه وترك الوطن الذي كان قبله لا يكون وطناً ولو تزوج المسافر ببلد ولم يتر الإقامة به فقبل لا يصير مقبلاً وقيل يصير مقبلاً وهو الأوجه لما مر من حديث عثمان ولو كان له أهل ببلدين فأتتهما دخلها صار مقبلاً وإن ماتت زوجته في أحدهما وبقي له فيها ورد عقار الخ (غنية المسنلي ص ۵۰۵). ظہر

(۲) ولم يكن مستقلاً بل يراه كعبد أو إمرأة أو ولده ولم يزوجها أى مدة الإقامة الخ ولو بقي سنين الخ والمعتبر نية المتبرع لأنه الأصل لا التابع كما رواه الخ وعبد الخ وجندي إذا برزوه من الأهر أو بيت المال وأجير وأسير وغريم وتلميذ (الدر المختار على هامش رد المحتار باب صلوة المسافر ج ۱ ص ۷۳۸، ط.س. ج ۲ ص ۱۲۶). ظہر

(۳) فلو أتم مسافر إن لعد في القعدة الأولى ثم فرغه ولكنه أساء ولو عادداً لتأخير السلام وترك الواجب القصير الخ وهذا لا يصلح كما =

امام مسافر اگر قصداً چهار رکعت اداء نمود پس نماز مقتدی نشد: سوال: (۲۲۱۴) امام مسافر اگر قصداً چهار رکعت اداء نمود و برایش معلوم است که قصر کردن بکار است بناءً آیا نماز مقتدیان شد یا نه و برای مقتدی بعد از ختم نماز معلوم شد که امام مسافر عمداً چهار رکعت اداء کرده است فلذاً در آن اثنا مقتدی چه باید کرد و در مورد امام چه حکم است حالانکه هر دو احناف میباشند بنیوا توجروا؟

جواب نماز مقتدیان نشد و اما فرض امام اداء شد اگر قعدہ درمیانی کرده باشند لکن بوجه تأخر واجب در صورت عدم اداء نمودن سجده سهوہ براو اعاده واجب است (۱) فقط.

بهر راه که سفر میکنند همان قابل اعتبار است: سوال: (۲۲۱۵) (۱) سه آشناس جایی رفتند که آن مکان سه نوع راه های مختلف عبور و مسافت مختلف دارد یک شخص براه راست و مسافت میرود که به اندازه سی ۳۰ میل است و شخص دیگر براه سرک پخته میرود که برای سیاحت و چکر زدن گذشته متعین است و مسافتش سی و شیش ۳۶ میل است و شخص سوم بذریعہ ریل آهن میرود که مسافتش چهل ۴۰ میل است پس دران صورت نمبر ۱ و نمبر ۳ مسافر دانسته میشود یا نه و برای آنها نماز قصر نمودن بکار است یا نه و در آن هر سه نوع راه ها کدام راه صحیح پذیرفته خواهد شد؟

مسافت را کم پنداشته نماز را اتمامی نمود و قتیکه بتحقیق برایش روشن شد که مسافت

قصر بود پس باید قصر کرد: سوال: (۲۲۱۶) (۲) شخصی جایی رفت که مسافت آنرا بعد از تحقیق بفکر خود از حد سفر کم می پندارد فلذاً او نماز را تمام می نمود و بعد از چهار و پنج روز برایش معلوم شد که مسافت از حد سفر زیاد است و او نماز ها را به اتمام اداء نموده بود بناءً آیا آن نماز ها را اعاده نماید یا نه و همچنان شخصی در یک مقام که مسافت آن از حد شرعی

= حرره القضاة بعد أن فرس ساء باثم واستحق الارب (در مختار) فلعلم ان الاساءة هنا كراهة التحريم (ردالمحتار باب صلاة المسافر ج ۱ ص ۷۳۹ - ۷۴۰ ط.س. ج ۲ ص ۱۴۸). ظهير

(۱) فلو أتم سفر إن قعد في القعدة الأولى ثم فرضه ولكنه أساء الخ وما زاد نفل كمصلي القجر اربعاً وإن لم يقعد بطل فرضه (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صلاة المسافر ج ۱ ص ۷۳۹ - ۷۴۰) ونماز مقتدیان مقیم بخاطری نمیشود که نماز مفترض یعقب متفل درست نیست و در صورت مسئله متبای در رکعت امام نفل شد والله اعلم ظهير.

کم می باشد و در آنجا بفکر مسافت شرعی قصر می نمود و بعد از چند روز برایش هوید اشد که این مقام از حد سقر کم است بناء آیا آن شخص آن نماز ها را اعاده کند یا نه؟

نماز های قضاء شده حالت سفر در صورت قصر می باشد: سوال: (۲۲۱۷) (۳) نمازها نیکه در حالت سفر قضاء شده باشد آیا آنها را در حضر قصر اداء کند یا اتمام و همچنان اگر در حالت سفر اتمام نماز شده باشد آیا آن را اعاده نماید و آیا آنکه نمازش شد.

جواب: (۱) کسی که بهر راه سفر می نماید همان راه اعتبار دارد بناء آشخاص نمبر ۱ و نمبر ۲ مسافر شرعی اند و ایشان قصر باید بکنند^(۱).

جواب: (۲) شخص اول اگر در قعده درمیانی نشسته باشد پس نماز فرض او درست شده است و اعاده اش فرض نیست و شخص دوم آن نماز ها را اعاده نماید^(۲).

جواب: (۳) در مورد آن همان است که نماز های قوت شده حالت سفر را در حالت حضر نیز قصر اداء کند^(۳) و آن عده نماز ها را که در سفر اتمام نموده است اگر در آنها قعده اولی را کرد باشد پس آن نماز ها درست شده اند فقط.

معلوم نیست که چند روز اقامت خواهد باشند پس چه باید کرد: سوال: (۲۲۱۸) زید برای بکر حکم داد که از راه زمین برو و مقام متنها را بصره متعین نمود لکن متیقن نیست که پانزده روز اقامت خواهد باشد یا زیاد یا کم و برای بعضی مردم دستور داده میشود که شما در آن مقام مستقل بسر ببرید و برای شخصی حکم داده میشود که از هر جای مطالبه صورت گیرد پس شما بهمان جای ارسال خواهد شد لکن در آن مورد هیچ یکی درست یقین مؤلق ندارد که چند

(۱) ولو لموضع طرفان أحدهما مدة السفر والآخر أقل لصر في الأول ولا الثاني (در مختار) آی ولو كان إختيار السلوك فيه بلا غرض صحيح خلافاً للشافعي كما في البدائع (رد المحتار باب صلوة المسافر ج ۱ ص ۷۳۵، ط.س. ج ۲ ص ۱۲۳). ظفیر

(۲) فلز أتم مسافر إن قعد في القعدة الأولى لم فرجه ولكنه أساء الخ وما زاد نفل الخ وإن لم يقعد بطل فرجه (الدر المختار على هامش رد المحتار باب صلوة المسافر ج ۱ ص ۷۳۹ - ۷۴۰، ط.س. ج ۲ ص ۱۲۸) وشخص آخر در بدل چهار رکعت دو رکعت کرد لهذا نمازش صحيح نه شد: بقی من المفصلات ارتداد بقیه وموت الخ وترك ركن بلا قضاء (ایضا باب ما یفسد الصلوة ج ۱ ص ۵۸۸ - ۵۸۹، ط.س. ج ۱ ص ۶۲۹). ظفیر

(۳) فلز أتم مسافر إن قعد في القعدة الأولى لم فرجه الخ (الدر المختار على هامش رد المحتار باب صلوة المسافر ج ۱ ص ۷۳۹، ط.س. ج ۲ ص ۱۲۸). ظفیر

روز در آنجا اقامت خواهد باشد بناء در این صورت قصر نماز بکار است یا اتمام؟
جواب: در همجو حالت تردد قصر نمودن بکار است ^(۱) فقط.

نوافل وسنن را مسافر ترک نموده میتواند یا نه؟ سوال: (۲۲۱۹) برای مسافر در مورد اداء نمودن سنن ونوافل چه حکم است اگر آنها را ترک نماید آیا گنہکار خواهد شد یا خیر؟
جواب: در این مورد مذهب احناف آنست که اگر مسافر در حیات اطمینان قرار داشته باشد و از تعجیل وسیر ایمن باشد پس سنت رواتب را اداء باید بکند و اگر حالت مطمئن و قرار نباشد بلکه تعجل وخوف احساس باشد در این صورت سنت را ترک نماید و در الدر المختار باب صلاة المسافر مذکور است: ویتی المسافر بالسنن ان کان فی حال امن وقرار والا بان کان فی خوف وقرار لا یاتی بها هو المختار ^(۲) فقط.

شخصی که هموار درگشت و دور ن باشد اونماز را چگونه اداء نماید؟ سوال: (۲۲۲۰)
 شخصی به اساس وظیفه محوله اش در جای مقرر است که علی الدوام درگشت میباشد و هیچ جای پانزده (۱۵) روز اقامت نموده نمیتواند پس در این صورت اگر او سه منزل سفر کند و بعلاقه خود مواصلت ورزد آیا دادن نماز را قصر کند یا اتمام؟

جواب: اصل مسأله آن است که وطن اقامت یعنی جائیکه با اساس مأموریت و غیره در آنجا مقیم است که از آنجای اگر سه منزل سفر نماید پس وطن اقامت باطل میگردد بناء اگر بعد از سه منزل یا بیشتر از سه منزل دوره نمودن به انجا یعنی بجای اقامت واپس آید پس اگر نیت اقامت پانزده ۱۵ روز را داشته باشد او باید که نماز را اتمام نماید و اگر نیت اقامت پانزده ۱۵ روز را داشته باشد در آن قصر نمودن بکار است ^(۳) فقط.

(۱) والمعتبر نية المصنوع لأنه الأصل لا التابع كإقامة الخ وعبد الخ وجندي وأجير الخ ولا بد من علم التابع بنية المصنوع فلو نوى المصنوع الإقامة ولم يعلم التابع فهو مسافر حتى يعلم على الأصح (الدر المختار على هامش ودر المختار باب صلاة المسافر ج ۱ ص ۷۴۵، ط.س. ج ۲ ص ۱۳۳) او لم يكن مسافراً براه الخ او دخل بلدة ولم يوهاى مدة الإقامة بل ترقب السفر الخ (ابن ج ۱ ص ۷۳۸، ط.س. ج ۲ ص ۱۲۹)،
 ظهير الدين غفر له

(۲) الدر المختار على هامش ودر المختار باب صلاة المسافر ج ۱ ص ۷۴۲، ط.س. ج ۲ ص ۱۳۱، ظهير

(۳) وبطل وطن الإقامة بمثله وبالوطن الأصل وبإشياء السفر (در المختار) قال في البدائع لو قام حراساني بالكوفة نصف شهر ثم خرج منها إلى مكة فليل أن يسير ثلاثة أيام عاد إلى الكوفة لاحتاجة فنه يقصر لأن وطنه قد بطل بالسفر (در المختار باب صلاة المسافر ج ۱ ص ۷۴۳، =

بلا نیت سفر قصر نسبت: سوال: (۲۲۲۱) شخصی نیت سر رانمود لکن مشخص نیت جای

معین را ننموده بود بناء اوماه ها و سال ها درسفر بود آیا اونماز راقصر کند یا اتمام؟

جواب: آن شخص که ابتداء از یک جای نیت سه روز سفر را ننموده باشد او نماز را اتمام اداء

کند وقصر نباید کرد ^(۱) ومن طاف الدنيا بلا قصد لم يقصر ^(۲) فقط.

شخصی که بخاطر تجارت میروید و هیچ جای زیاد از یک شب اقامت نمی ورزد بناء او

نماز را چگونه اداء کند؟ سوال: (۲۲۲۲) یک نفر بیرون ازخانه بفاصله سی ۳۰ میل

وتقریباً بمسافت چهل یا پنجا یا بیشتر از آن گشت نموده تجارت می نماید ودرهیچ شهری زیاد

تراز یک شب بسر نمیرد آیا آن شخص درحق صوم وصلاة حکم مسافر رادارد یا نه؟

جواب: شخص موصوف مسافر است واحکام سفر برایش متوجه میشود بناء نماز را قصر نماید

^(۳) فقط.

وقتیکه مسافر به امام در رکعت سوم اقتداء کند پس اونماز را چگونه اتمام نماید؟

سوال: (۲۲۲۳) (۱) امام مقیم است وقتیکه امام دورکعت نماز ظهر وعشاء را اداء نمود پس

دراین اثنا یک مسافر همراهش در رکعت سوم شامل شد پس آیا این مسافر بعداز اداء نمودن دو

رکعت آخری مع الامام سلام بگرداند ویا آنکه دورکعت متباقی را بر اداء کند سپس سلام بگر

داند؟

وقتیکه مسافر بعقب امام مقیم اقتداء می نماید پس او نیت چهار رکعت را بگندیا ازدو؟

سوال: (۲۲۲۴) (۲) امام مقیم است پس مسافر بعقب او نیت چهار رکعات را بگندیا یا ازدو؟

جواب: (۱) دو رکعت دیگر را اداء کند ^(۴).

= ط.س. ج ۲ ص ۱۳۲. ظفر

(۱) ولا يزال على حكم السفر حتى يزوي الإقامة في بلدة أو قرية خمسة عشر يوماً أو أكثر وإن نوى أقل ذلك قصر الخ (هداية باب صلوة

المسافر ج ۱ ص ۱۴۶. ظفر

(۲) ولا يزال على حكم السفر حتى يزوي الإقامة في بلدة أو قرية خمسة عشر يوماً أو أكثر وإن نوى أقل من ذلك قصر الخ ولو دخل مصراً

على عزم أن يخرج غداً أو بعد غد ولم يزل مدة الإقامة حتى يلى على ذلك ستين قصر (هداية باب صلوة المسافر ج ۱ ص ۱۴۹. ظفر

(۳) ولا يزال على حكم السفر حتى يزوي الإقامة في بلدة أو قرية خمسة عشر يوماً أو أكثر (هداية باب صلوة المسافر ج ۱ ص ۱۴۹. ظفر

(۴) إن إقدي مسافر بمقيم ثم اربعاً (عالمگیری مصري باب صلوة المسافر ج ۱ ص ۱۳۳. ط. ماجدية ج ۱ ص ۱۴۲. ظفر

جواب: (۲) نیت چهار رکعات رابیکند^(۱) فقط.

عمله ورائنده قصر کند یا اتمام؟ سوال: (۲۲۲۵) و قیکه عمله ورائنده ریل سفر می نمایند آنها روزانه بعد از طی نمودن دوصد میل هشت ساعت استراحت و قیام می ورزند آیا در این اثنا ایشان قصر کنند و یا آنکه مانند اهل اخیه نماز را اتمام نمایند؟

جواب: ظاهر است عمله و غیره که روزانه سفر می نمایند ایشان قصر نمایند و اهل اخیه (طبقه کوچی) نیز در این وقت اتمام کنند که ایشان نیت اقامت نمایند و این سخن روشن است که عمله و غیره نیت اقامت پانزده روز رانمی نمایند^(۲) فی الدر المختار: بخلاف اهل الاخیه نوروها فی المفازة فانها تصح فی الاصح^(۳) الخ فقط.

شخصی که خودش در یک شهر تجارت می نماید و اطفالش در شهر دیگر باشند پس در آنجا او نماز را چگونه اداء کند؟ سوال: (۲۲۲۶) شخصی در آن شهر دوکان دارد و اطفال و اولادش در شهر دیگر بسر میبرند که فاصله ۴۸ میل مسافت بلکه زیاد تر از آن واقع است و این دوکاندار احیاناً بخاطر خبر گیری اولادش به آنجا میروند بناء ایا نماز را در آنجا قصر کند یا اتمام؟

جواب: قصر کند^(۴) فقط.

زید تجارت سیار می نماید و اسباب را در جای میگذارد لکن در آنجا او خودش بیشتر از یک هفته بود و باقی نمیکنند بناء آیا او نماز را قصر کند یا اتمام؟ سوال: (۲۲۲۷) زید سامان تجارت خود را از وطن خویش بفاصله صد میل دور میبرد و در آنجا مکان را برای سامان بکرایه اخذ نموده است که از آنجا سامان را گرفته زید دیهات بفروش میرساند و از آن اماکن احیاناً بعد از یک هفته و احیاناً ده ۱۰ روز بعد بمکان قیام خود عودت می نماید و در آنجا دو یا چهار روز یا یک هفته قیام می نماید سپس سامان را گرفته عازم دیهات میشود و آن را بفروش

(۱) ایضا. ظفر

(۲) ولا يزال علی حکم السفر حتی یزوری الإمامة فی بلدة او قرية خمسة عشر یوما او اکثر (هدایه باب صلوة المسافر ج ۱ ص ۱۴۹). ظفر

(۳) الدر المختار علی هامش رد المحتار باب صلوة المسافر ج ۱ ص ۷۳۸، ط.س. ج ۲ ص ۱۲۷. ظفر

(۴) ولا يزال علی حکم السفر حتی یزوری الإمامة فی بلدة او قرية خمسة عشر یوما (هدایه باب صلوة المسافر ج ۱ ص ۱۴۹). ظفر

میرساند و تقریباً در حدود ہشت یادہ ۱۰۰ روز واپس می آید و بہمان منوال چہار ہاش روز راسبری نمودہ و بوطن اصلی خویش بازگشت می نماید بناء زید کہ در کدام مقام سامان تجارت را میگذارد آیا آن مقام وطن اقامتش شدہ میتواند یانہ؟ و آیا برای زید نماز قصر اداء نمودن بکار است یا اتمام؟

جواب: اگر زید اولاً در آن مکان نیت اقامت پانزدہ روز را کردہ باشد پس در این صورت اودر آنجا در دیہات قریب و همجوار کہ فیما بین آنها مسافت قصر نباشد نماز را اتمام نماید و اگر درجای اقامتش در مرتبہ اول نیز نیت اقامت پانزدہ روز را نکرده باشد پس در این صورت ہموار^(۱) قصر باید کرد فقط.

بستہ کنندہ گان سفینہ کہ در بحر سکونت دارند آیا آنها نماز را قصر کنند یا اتمام؟

سوال: (۲۲۲۸) باشندہ پنجاب سفینہ را در دریاب جمنا وغیرہ بستہ نمودہ یعنی چوب وغیرہ را از جنگلات می آورد و بدریاب پرتاب می نماید و بشہر های متباقی از ہمین راہ آن ار می برد و غالباً اودر همان سفر مدت نہ ۹ ماہ را سپری می نماید و احیاناً ۱۰ روز و احیاناً بیست روز و احیاناً کمتر از آن بود باش اودر آنجا باقی میماند و سفر ایشان در داخل دریاب میباشد و بالای چوب ہا ایشان نشستہ جریان سفر را دنبال می نماید و در ہر مکان کہ چوب را بستہ می نماید در آنجا قیام بیشتر میباشد و احیاناً از دریاب خارج میشوند زنان وغیرہ راپختہ می نمایند فلہذا در مورد ایشان حکم اداء نمون نماز چگونہ است آیا برای ایشان قصر کردن بکار است یاخیر؟

جواب: وفتیکہ سفر ایشان سہ منزل یا بیشتر از آن است ناگزیر برای ایشان قصر نمودن بکار است و نماز راحتی المقدور در وقتش اداء نمودن بکار استہ و بہتر آنست کہ ہر گاہ بخاطر ضرورت نان وغیرہ در کنار پایان نمود و آن عمل را انجام نماید همچنان برای نماز نیز همانطور باید کرد^(۲) و برای ایشان پرتختہ ہا و مجتمع وغیرہ نیز اداء نمودن نماز درست است قسمیکہ

(۱) ولا يزال علی حکم السفر حتی یزوی الإقامة فی بلدۃ او قریۃ خمسۃ عشر یوماً او اکثر (عالمگیری مصری ج ۱ ص ۱۳۰، ط. ماجدیہ ج ۱ ص ۱۳۹)، طفر.

(۲) وإن نوى الإقامة أُلل من خمسۃ عشر یوماً قصر (عالمگیری مصری باب صلوة المسافر ج ۱ ص ۱۳۱، ط. ماجدیہ ج ۱ ص ۱۳۹)، ضمیر.

درکشتی اداء مشرود^(۱) فقط.

مسافری کہ بعد از سیاحت بوطنی بنا برناردانی نماز واقصر می نماید برای او و برای

اقتداء کنندہ اش اعادہ ضروری است: سوال: (۲۲۲۹) درحالت سفر با اداء نمودن نماز قصر

بوطن اصلی رسید فلہذا دروطن درآوان قیام نیز نماز را قصر می نمود اگر امامت میداد نیز قصر می نمود بناء دراین مورد برای امام و مقتدیان چه حکم است؟

جواب: دراین صورت ہر چند نماز ہا را کہ در وطن اصلی خود قصر نموده است اعادہ آنها بذمہ اش وبذمہ آن عہدہ مردم کہ بعقب او نماز اداء نموده است لازم میباشد^(۲) فقط.

مقتدی مقیم بعقب امام مسافر چگونه نماز را کامل نماید؟ سوال: (۲۲۳۰) امام مسافر

است و مقتدیان مقیم میباشند و نماز چہار رکعتی است و قتیکہ امام دو رکعت را اتمام نمود او سلام گردانید اکنون مقتدیان اَلْحَمْدُ بگویند و یا بعد از خاموش ایستادہ شدن برکوع بروند؟

جواب: و قتیکہ امام مسافر باشد دراین صورت مقتدی متبانی نماز را بدون قرائت و فاتحہ اتمام نمایند و صبح اقتداء المقیم بالمسافر فی الوقت و بعدہ فاذا^(۳) قام المقیم الی الا تمام لا یقرأ.

چنانکہ عقد نکاح نمود آیا اودر وطن است یا نہ؟ سوال: (۲۲۳۱) (۱) بطور مثال زید

باشندہ دیوبند در منطقہ الہ آباد عقد نکاح نمود پس اکنون بمحض عقد نکاح زید الہ آباد وطن اصلی زید شدہ میتواند و یا آنکہ در آنجا گزینش سکونت می نویسند و در کبیری وغیرہ قید سکونت را نیز گذاشتہ است بناء فتویٰ بر کدام قول است؟

دختر اگر بعد از عروسی بخانہ والدین برود و نیت از پانزدہ روز را بکند آیا نماز را قصر

نماید یا تمام؟ سوال: (۲۲۳۲) (۲) بعد از عقد نکاح و قتیکہ خانم بخانہ شوہرش رفت سپس

از آن اگر بخانہ والدین میروہ و ارادہ کمتر از پانزدہ روز قیام را داشتہ باشد آیا او نماز را قصر

(۱) أما الصلوة فی السفینة فالمنسحب أن یمخرج من السفینة للفریضة إذا قدر وإذا صلی قاعدا فی السفینة و می تجری مع القدرة علی القيام لجزء مع الکرامة الخ (عالمگیری مصری باب صلوة المسافر ج ۱ ص ۱۳۴، ط. ماجدیة ج ۱ ص ۱۴۳). ظہیر

(۲) الوطن الأصلي هو موطن ولادته أو تأمله أو توطنه یطه بطنه إذا لم یبق بالأول أهل للو یبقی لم یطل بل یتیم فیہما (درمختار) ای بمحرد الدخول وإن لم یبق إلا ما (ردالمحتار) باب صلوة المسافر ج ۱ ص ۷۴۲ - ۷۴۳، ط.س. ج ۲ ص ۱۳۱). ظہیر

(۳) الدرالمختار علی هامش و الدامختار باب صلوة المسافر ج ۱ ص ۷۴۰، ط.س. ج ۲ ص ۱۳۰. ظہیر

کند یا اتمام؟

بیخانه خیسو رفت و نماز را اتمام نمود حکم آن چیست؟ سوال: (۲۲۳۳) (۳) اگر زید

مذکور از دیوبند به اله آباد برود و نماز را اتمام می نماید و برای مقیمین نماز را به اتمام می دهد آیا نیازی برای اعاده است؟

جواب: (۱) شامی در ردیل قول در المختار تاهله از شرح منیه نقل نموده است: ولو تزوج المسافر ببلد ولم یز الاقامة به لقیل لایصر مقیما وقیل یصر مقیما وهو الاوجه^(۱) الخ از این عبارت واضح معلوم شد که بمحض تزوج عروسی کردن در آنجا مقیم میگردد و همین اصح و اوجه میباشد یعنی و قتیکه آنجا رفت پس نماز را اتمام نمودن بکار است.

جواب: (۲) نماز را اتمام نماید بخاطر آنکه این نیز وطن اصلی اش است^(۲).

جواب: (۳) حکم آن از واجب نمبر ۱ معلوم شد که برای او اتمام نماز بکار است فقط.

درحالت سفر از کدام وقت قصر واجب است و آیا نماز را اتمام نموده نمیتواند؟ سوال:

(۲۲۳۴) درحالت سفر نماز چه وقت واجب میشود و در صورت وجوب قصر اگر برای ثواب نماز اتمام اداء شود آیا درست خواهد بود یا نه؟

جواب: باراده قصر مسافت یعنی سه منزل از شهر خارج شود و از آبادی و عمرانات بیرون گردد پس از همان وقت نماز را قصر بخواند^(۳) و درحالت سفر اتمام نمودن نماز ممنوع است و تنها حکم قصر میباشد و اهتمام حکم شرعی و پابندی نمودن آن بکار است^(۴) فقط.

و قتیکه امام مسافر از قعده اولی بر خاست و رکعت سیوم را ضم کند آیا نماز مقتدی

(۱) ردالمحتار باب صلوة المسافر مطلب فی الوطن الأصلي ووطن الإقامة ج ۱ ص ۷۴۶، ط.س. ج ۲ ص ۱۳۱. ط.

(۲) الوطن الأصلي هو موطن الأصلي هو موطن ولادته أو تأمله أو توطئه (الدور المختار علی هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر مطلب فی الوطن الأصلي الخ ج ۱ ص ۷۴۲، ط.س. ج ۲ ص ۱۳۱). ظفر

(۳) من خرج من عمارة موضع إقامته من جانب خروجه الخ فصدا الخ مسیرة ثلاثة أيام وليلاتها من العصر إلی السعة الخ صلی الفرض الرباعي رکعتین (الدور المختار علی هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج ۱ ص ۷۳۲، ط.س. ج ۲ ص ۱۳۱). ظفر

(۴) صلی الفرض الرباعي رکعتین وجوبا لقول ابن عباس إن الله فرض علی لسان نبيكم صلوة المقيم اربعاً والمسافر رکعتین (درمختار) لوله وجوبا فيكره الإتمام عدنا حتى روى عن أبي حنيفة أنه قال من أتم الصلوة فقد أساء وخالف السنة شرح المنية (ردالمحتار باب صلوة المسافر ج ۱ ص ۷۳۵، ط.س. ج ۲ ص ۱۳۳). ظفر

فاسد خواهد شد یا نه؟ سوال: (۲۲۳۵) مسافرات کرد بعد از قعدہ اولی کہ در حق او مفروض است برخاست و رکعت ثالث را بسجده مقید کرد نماز جماعت مقیمین فاسد می گردد یا نه؟ و در المختار بسبب المسافر تحت قوله لم یصر مقیماً تحریر می کند: فلو اتم المقيمون صلوتهم معه فسدت لانه اقتداء المفترض بالمتنفل ظهیریة ای اذا قصد متابعة امانو وامفارقته ووافقوا صورة فلا فساد الفاده الخیر الرملي^(۱) يجب تقیده بما اذا لم ينووا مفارقتة اما اذا نوا مفارقتة لا تفسد صلوتهم وان وافقوه في الاتمام صورة اذ لا مانع من صحة مفارقتة بعدا تمام فرضه الخ: ج ۲ ص ۱۴۶ بحر الرائق درین صورت چه حکم است؟

جواب: این مسأله همانطور است قسمیکه در رد المحتار وبحر الرائق منقول است و تنقید ذکر شده ضروری است فقط یعنی اگر به نیت متابعت مقیم نماز را اتمام نمود نمازش فاسد خواهد شد ظفیر.

مسافر بعقب امام مقیم نیت چهار رکعات را باید کرد؟ سوال: (۲۲۳۶) مسافر را بعقب امام مقیم در نماز ظهر بعد نیت چهار رکعات بکار است یا دو رکعت و هرگاه برای مقیم در نماز ظهر بعد از اداء نمودن دو رکعت قعدہ کردن واجب است و برای مسافر فرض است پس بکدام دلیل نماز مسافر بعقب امام مقیم صحیح است؟

جواب: نیت کردن چهار رکعات فرض میشود و قعدہ اولی بمذمه اش فرض باقی نمی ماند^(۲) فقط.

عساکر قصر کنند یا اتمام؟ سوال: (۲۲۳۷) در اینجا تقریباً سه صد (۳۰۰) نفر سکونت دارند و سایر مردان آنان در توپخانه و غیره انگلیسیها نوکر و اجیر اند و برای صاحب منصبان نیز معلوم نیست که در آنجا تا چه مدت اقامت خواهد نمودند بناء ایا در این صورت نماز ظهر وعشاء و غیره را چهار رکعت اداء نمایند یا دو رکعت اگر در این مورد حکم دو رکعت باشد و چهار رکعت را اداء نماید آیا نماز ایشان درست خواهد شد یا نه؟

(۱) رد المحتار باب صلوة المسافر ج ۱ ص ۷۴۱، ط.س. ج ۴ ص ۱۳۰، ظفیر

(۲) وإن إفتی المسافر بالمقیم في الوقت أتم أربعة لأنه يتغير فرضه إلى أربع للتحية (مذهب باب صلوة المسافر ج ۱ ص ۱۴۹)، ظفیر

جواب: درہمجو حالت بکار است کہ چہار رکعت اداء شود زیرا اگر دو رکعت واجب باشد و چہار رکعت اداء گردد بدان شرط کہ قعدہ درمیانی را کردہ باشد دراین صورت نماز میشود کذا فی کتب الفقہ^(۱) فقط.

در وطن اقامت اگر نیت پانزدہ روز باشد پس نماز را اتمام کند ورنہ قصر نماید؟ سوال:

(۲۲۳۸) وطن اصلی زید آلہ آباد است اما وظیفہ اش درشہر انبالہ میباشد و علی الدوام در گشت و دوران میباشد و درشہر انبالہ تنها دو روز اقامت داشتہ میباشد و برخی از مناطق ولسوالی بفاصلہ ۳۲ میل قرار دارد بلکہ از آن بیشتر میباشد و احياناً دورہ اش در ماحول عنقریب و ہمجوار شہر انبالہ میباشد بناہ آہا برای زید دو نماز قصر نمودن بکار است یا اتمام؟

جواب: وطن اصلی زید آلہ آباد میباشد و شہر انبالہ وطن اقامتش است اگر در آنجا نیت اقامت پانزدہ (۱۵) روز را کردہ باشد نماز را اتمام باید کرد ورنہ قصر نماید^(۲) و اگر در شہر انبالہ نیت اقامت پانزدہ (۱۵) روز را کرد و در آنجا نماز را اتمام می نمود پس ہر گاہ از انبالہ بفاصلہ ۴۸ میل قصد سفر را نمود نماز را قصر باید کرد ورنہ نماز را اتمام باید نمود^(۳) فقط.

اگر مسافر سہوا نیت چہار رکعت را نمود پس چند رکعت را اداء نماید؟ سوال: (۲۲۳۹)

(۱) مسافر سہوا نیت چہار رکعت را بست اکنون او دو رکعت را اداء نماید یا چہار رکعت و آیا سجدہ سہوہ را بکند یاخیر؟

مسافر امام را پینداشتہ بتقیب اقتداء نمود پس چہ باید کرد؟ سوال: (۲۲۴۰) (۲)

شخصی مسافر امام مقیم پنداشتہ بعقب او اقتداء نمود و بعد از گردانیدن سلام ہر ایش معلوم شد کہ امام نیز مسافر بود آیا اکنون اومع الامام سلام بگرداند و یا آنکہ چہار رکعت را اتمام نماید؟

(۱) لانه اجمع فی هذه الصلوة ما يوجب الاربعة وما يمنع فربما جاعا يوجب الاربعة احتياطاً (رد المحتار باب صلوة المسافر ج ۱ ص ۷۳۳، ط.س. ج ۲ ص ۱۲۲) فلو اتم مسافر إن قصد في القعدة الأولى ثم فرغه الخ وما زاد غل (الرد المحتار على هامش رد المحتار باب صلوة المسافر ج ۱ ص ۷۳۹، ط.س. ج ۲ ص ۱۲۸). ظفر

(۲) او بوي إقامة نصف شهر حليفة او حکما الخ بوضع واحد صالح لها الخ فيقصر إن نوى الإقامة في أقل منه أي من نصف شهر (الرد المحتار على هامش رد المحتار باب صلوة المسافر ج ۱ ص ۷۳۶، ط.س. ج ۲ ص ۱۲۵). ظفر

(۳) ويهطل وطن الإقامة بمثله وبالوطن الأصلي وباتشاء السفر الخ (ابن ج ۱ ص ۷۴۳، ط.س. ج ۲ ص ۱۲۹). ظفر

جواب: (۱) او نیز دو رکعت را اداء کند و سجدہ سہوہ را نباید کرد^(۱).

جواب: (۲) مع الامام سلام بگرداند^(۲) فقط.

شخصی کہ از منطقه کالکا بمنطقہ شملہ میروہ اوقصر کند یا اتمام؟ سوال: (۲۲۴۱)

یک نفر در ریل موظف است و روزانہ از منطقہ کالکا بسوی منطقہ شملہ دررفت آمد دارد و میان ہردو منطقہ مذکور بفاصلہ (۶۰) امیل است بناء آیا برای او در نماز قصر نمودن بکار است یا اتمام اگر قصر باشد پس نماز ہای را کہ قبل از آن اتمام نمودہ است آیا آنها درست اداء شدہ است یا نہ؟ و علاوہ از این در حالت سفر سنت اداء نمودن دشوار می باشد و تنہا بہ پایان شدن از ریل فرض را اداء نمودہ میتواند زیرا فرصت چہار دقیقہ می باشد و در داخل ریل برای نماز مکان و گنجایش نمی باشد و شخص مذکور در ہر دو منطقہ کالکا و شملہ مسافر محسوب میشود یا نہ؟

جواب: در این صورت نماز را قصر نمودن بکار است^(۳) و اگر قبل از آن نماز ہا را اتمام نمودہ باشد و قعدہ درمیانی را کردہ باشد پس این نماز ہا درست شدہ اند و نیازی بہ اعادہ اش نیست^(۴) و سبب نیز^(۵) قضا ندارد و در منطقہ کالکا و شملہ ہر دو او مسافر محسوب می باشد فقط.

اگر سفر سہ منزل باشد قصر باید کرد: سوال: (۲۲۴۲) اگر شخصی علی الدوام در سفر

بحری باشد یا در طیارہ اخیر باشد یا دہ (۱۰) روز در یک ماہ در طیارہ سفر می نماید و دہ (۱۰) پانزدہ (۱۵) روز در خانہ خودش می باشد آیا او در نماز قصر کند یا اتمام؟

(۱) صلی الفرض الرباعی و کتب و جرحا لقول ابن عباس رضی اللہ عنہ إن فرض علی لسان لیکم صلوة المقیم اوبعا و للمسافر رکعتین (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج ۱ ص ۷۳۵، ط.س. ج ۲ ص ۱۲۳)

(۲) لا بد من التعمین عند النية الخ لفرض الخ دون تعیین عدد رکعاته لحصولها حتما فلا یضر الخطأ فی عددها (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب شروط الصلوة مطلب فی النية ج ۱ ص ۳۸۸ - ۳۹۰، ط.س. ج ۱ ص ۴۱۸)، ظفر

(۳) ولا یزال علی حکم السفر حتی یبری الإمامة فی بلدہ اوفریہ حسنة عشر یوما واکثر وإن نوى أقل من ذلك قصر (هدایہ باب صلوة المسافر ج ۱ ص ۱۴۹)، ظفر

(۴) لأن علی أربعة ولقد فی الآية قدر الشہد اخرته والاخبر بان ثالثة وبعبر مسیتا لتاخر السلام (عالمگیری کشوری صلوة المسافر ج ۱ ص ۱۳۷، ط. ماجدہ ج ۱ ص ۱۴۱)، ظفر

(۵) ولا یقضیهما إلا بطریق التبعۃ لقضاء فرضہا قبل الزوال لا بعده الخ بخلاف سنة الظهر وکذا الجمعة فإنه إن غاب فوت رکعة ینرکھا وینقصد لم یأتی بها علی أنها سنة فی وقتها ای الظهر (درمختار) فلا یلغی بعده لا تبعاً ولا مقصوداً الخ (رد المحتار باب إدراک الفریضة ج ۱ ص ۶۷۲، ط.س. ج ۲ ص ۵۷)، ظفر

جواب: وقتیکہ در سفر باشد و در طیارہ سفر می نماید بشرط آنکہ سفرش سہ منزل باشد او باید قصر کند ^(۱) و ہر گاہ بوطن خویش مواصلت نمود و در آنجا سکونت ورزید پس در آن آیام نماز را اتمام نماید ^(۲) فقط.

وقتیکہ شب او در اقامتگاہش بگذارد او از طوف روز جکر میزند حکم آن چگونه است؟

سوال: (۲۲۴۳) شخصی از رخصتی واپس آمد و در یک جای متعین شد کہ روزانہ از آن جای سہ چہار میل سفر می نماید لکن شبانہ بہ اقامت گاہ خودش عودت می نماید آیا آنکس مسافر محسوب میشود یا مقیم؟

جواب اگر شخص مذکور نخست درجای متعین خود نیت اقامت پانزدہ روز را نمودہ بود او مقیم میباشد سہس اگر روزانہ او دو چہار میل جای سفر میکند با این سفر او مسافر نمیگردد و برای او اتمام نماز بکار است و اگر بجای دیگر تبدیل شد پس در آنجا نیز همین حکم است ^(۳).

برای ملازم سفینہ معلوم نیست کہ در کجا و چند روز باقی ماند بناء قصر باید نمود:

سوال: (۲۲۴۴) اینجانب در سفینہ کہ اموال و انتقال می نماید ملازم میباشم و سفینہ بکشور ہای بعید و دور افتیدہ گشت و گذر می نماید احياناً در یک جادہ (۱۰) روز پانزدہ روز ماہ دوماہ ایستادہ میباشد و معلوم نمیباشد کہ چہ وقت از آنجا روان و سفر می نماید و برخی از سفینہ ہا از یک جای معین بمقام معین سفر می نمایند و برای مایان بعد از شش (۶) ہفت (۷) یا نو (۹) و دہ (۱۰) ماہ یا بعد از یک یا دو سال موقع رفتن خانہ میسر میشود بناء آیا برای مایان در ہمچو حالت در نماز قصر نمودن بکار است یا اتمام؟

جواب: در این صورت تا وقتیکہ بوطن خویش نرسدیدہ باشد نماز را قصر نمودن بکار است

(۱) ولا يزال على حكم السفر حتى يبري الإقامة في بلدة أو قرية حسب عشر أو أكثر وإن نوى أقل من ذلك قصر (مداہ باب صلوة المسافر ج ۱ ص ۱۴۹). ظہیر

(۲) الوطن الأصلي الخ يظل بمحل إذا لم يقل له بالأول أهل فلو بقى لم يظل بل فيهما (درمختار) ای بمجرد الدخول وإن لم يبر إقامة (رد المحتار باب صلوة المسافر ج ۱ ص ۷۴۲ - ۷۴۳، ط.س. ج ۲ ص ۱۲۸). ظہیر

(۳) وإن دخل أولا ما نوى البيت فيه يصير فيه مقاما ثم بالخروج إلى الموضع الآخر لا يصير مسافرا لأن موضع إقامة الرجل حيث يبيت فيه (رد المحتار باب صلوة المسافر ج ۱ ص ۷۳۸، ط.س. ج ۲ ص ۱۲۸) او يبري الخ إقامة نصف شهر الخ موضع واحد الخ بقصر إن نوى الإقامة في أقل منها (الدر المختار على هامش رد المحتار باب صلوة المسافر ج ۱ ص ۷۳۶، ط.س. ج ۲ ص ۱۲۵). ظہیر

وقتیکه بوطن رسیدی پس درآن وقت نماز را اتمام کن وکدام سفینه که از مکان معین بمکان معین میرود ملا زمان آن نیز همین حکم دارند که علی الدوام درحالت سفر نماز را قصر کند^(۱).

رفتن براهی که موجب قصر است و بازگشت نمودن براهی که موجب قصر نیست پس

او درحین بازگشت قصر بگند یا نه؟ سوال: (۲۲۴۵) یک قریه دارای دو راه است اگر در ریل میرود موجب قصر است و اگر پیاده براهی نزدیک میرود نماز را اتمام باید کرد و بهمان قریه شخصی در ریل رفت و چند روز اقامت در آنجا نمود و نماز را قصر می نمود و درحین عودت براهی مشی الاقدام آمد فلهاذا آیا تا به رسیدن بخانه نماز را قصر کند یا اتمام؟

جواب: دراین صورت این شخص درحین بازگشت نیز قصر باید کرد تا وقتیکه بوطن خویش نرسیده باشد زیرا درآن قریه او نیت اقامت پانزده روز را نکرده بود و قریه مذکور تا به آن وقت وطن اقامتش نشده^(۲) بود.

بعد از طی نمودن ده میل راه نیت سفر را فسخ نمود پس اکنون چه باید کرد؟ سوال:

(۲۲۴۶) زید بقصد سفر رفت و بعد از سپری نمودن نیت سفر را فسخ کرد و بوطن عودت نمود آیا او در وقت مراجعت نماز را قصر کند یا اتمام؟

جواب: دراین صورت نماز را اتمام نماید در عالمگیری مذکور است: اما اذا لم یسر ثلثة ایام لعزم علی الرجوع او نوى الإقامة یصیر^(۳) مقیمًا وان كان فی المفازة فقط.

مسافری که معتقد قصر نیست حکم او چیست؟ سوال: (۲۲۴۷) زید بقصر مسافر معتقد

نیست یا معتقد است لکن قصر نمیکند در هر دو صورت حکم چیست؟

جواب: برای مسافر سفر شرعی قصر نمودن واجب است و هر شخصیکه معتقد قصر نباشد یا قصر نمیکند او مبتدع و عاصی است و تارک واجب میباشد کما بسط فی الاحادیث و تفصیله فی

(۱) او دخل بلدة ولم ينزها ای مدة الإقامة بل قریب السفر لهذا اوبعده ولو بقى ذلك سنين (درمختار) قوله ولم ينزها وكذا إذا نزلها وهو متربط السفر كما فی البحر لأن حاله تواف عزمته (رد المحتار باب صلاة المسافر ج ۱ ص ۷۳۸، ط.س. ج ۲ ص ۱۶۹). ظفر

(۲) ولو لموضع طريقان احدهما مدة السفر والآخر أقل قصر فی الأول لا الثاني الخ حتى يدخل موضع مقام الخ او یزى الخ إقامة نصف شهر (الدرالمختار علی هامش رد المحتار باب صلاة المسافر ج ۱ ص ۷۳۵ - ۷۳۶، ط.س. ج ۲ ص ۱۶۳). ظفر

(۳) عالمگیری مصری باب صلاة المسافر ج ۱ ص ۱۳۰، ط. ماجدیه ج ۱ ص ۱۳۹، ظفر

کتاب الفقہ ^(۱) فقط۔

دوسرو منزل قابل اعتبار است یا فرسخ؟ سوال: (۲۲۴۸) فال فی الہدایۃ: ولا عبرۃ بالفراسخ وهو الصحیح آہ وفی الدر المختار: ولا اعتبار لی فراسخ علی المذہب انتہی وفی حاشیۃ الہدایۃ قولہ ہوالصحیح احترازاً عن قول عامۃ المشایخ لانہ قدرہ بالفراسخ ثم اختلفوا فیما بینہم فقیل احد وعشرون فرسخاً وقیل ثمانیۃ عشر وقیل خمسۃ عشر والفتویٰ علی ثمانیۃ عشر کذا فی المحيط ^(۲) انتہی ودر حاشیہ ما لابد منہ لکن آنست کہ در مذہب حنفیہ اعتبار امبال و فراسخ نیست و در عالمگیری از ہدایہ می آورد: ولا تغیر بالفراسخ اما چہل و ہشت میل چنانکہ مصنف رح اختیار کردہ مذہب شافعی رح است ہر گاہ بنزد احناف میل و فرسخ اعتبار ندارد بناء در سفر سفینہ بکدام طریقہ نماز را قصر نمائیم؟

جواب: اصل مسالہ بیشک آنست کہ منازل اعتبار دارد یعنی مسافت سہ روز معتبر است لکن (۴۸) نیز سہ منزل می باشد و بخاطر آن معمول همان است و در کتاب ما لابد منہ آن را اختیار نمودہ است ^(۳).

و در سفر بحری اعتبار بمسافت کشتی و سفینہ است یعنی در مدت سہ روز ہر قدر سفر کہ با اعتدال ریح قطع میشود در آن حکم قصر می باشد ^(۴) فقط.

خانہ خسر وطن اصلی نیست: سوال: (۲۲۴۹) کسی از وطن اصلی خود بہ نیت نکاح بجای دور بمسافت قصر رفتہ زنی را نکاح کردہ در وطن اصلی خود بیارود و آن زن بعد نکاح بمکان شوہر خود قریب از بیست سال بطور مستند می ماند مگر خانہ پدرش در آنجا موجود است در این حالت اگر زوجش گاہ گاہ نیت سفر بخانہ آن خسر یا در اطراف آن برود آیا زوج نماز قصر بخواند یا تمام کند و خانہ خسر برای او وطن اصلی است یا نہ؟

جواب: ہر گاہ ان کس ببلد دیگر نکاح کردہ زوجہ خود را بوطن اصلی خود آورد و خود بموضع

(۱) والقصر عندنا واجب کذا فی الخلاصۃ (عالمگیری صلوۃ المسافر ج ۱ ص ۱۳۰، ط.س. ط. ماجدیہ ج ۱ ص ۱۳۹، ط.

(۲) مطالعہ فرماید حاشیہ ہدایہ باب صلوۃ المسافر ج ۱ ص ۱۴۸، ظفر.

(۳) مگر ولکیہ قصد کند دفعۃً واحدۃ سفر چہل و ہشت کردہ را ما لابد منہ فصل نماز مسافر: ص ۶۰، ظفر.

(۴) وإنما یعتبر فی کل موضع منہما ما یلیق بحالہ (عالمگیری مصری باب صلوۃ المسافر ج ۱ ص ۱۳۰، ط. ماجدیہ ج ۱ ص ۱۳۸)، ظفر.

تأهل وتزوج یعنی مسکن زوجہ خود اقامت نکرد ومستقر نہ شد ونہ وزجہ خود در آنجا گذاشت آن بلد وطن او نہ شدہ است پس بمجرد دخول در آن بلد مقیم نخواند شد واتمام نماز لازم نخواهد شد بلکه قصر بکند کذا یظهر من کتب الفقه وفقہاء کہ موضع تزوج را وطن فرمودہ اند مراد آنست کہ وزجہ او در انجا مقیم باشد وہر گاہ زوجہ اش آنجا مقیم نیست بخود نیز در آنجا سکونت نکرده بلکه زوجہ خود را بوطن خود بیآورد پس محض اقامت خسرو وجود خانہ آن خسرو در آنجا مفید این امر نخواہد کہ آن بلد را وطن شوہر گفته شود ولو کان لہ بلدتین فایتھا دخل صار مقيماً فان ماتت زوجته في احدهما وبقي له فيها دور وعقار قليل لا يبقی وطناً لہ اذ المعبر الابل دون^(۱) الدار الخ ونیز در جاتی کہ اشتباہ باشد کہ قصر کند یا نہ کند آنجا اتمام نماز احوط است قال فی الشامی فی موقع الاشتباہ لانه اجتمع فی هذه الصلوة ما یوجب الاربع وما ینع فرجنا ما یوجب^(۲) الاربع احتیاطاً وظاہر است کہ بصورت اختلاف احتیاط در اتمام نماز است نہ در قصر فقط.

اگر در یک شهر وطن اصلی اقامت نمود پس در کشتی یا سفینہ ملازم شد پس چہ باید کرد؟ سوال: (۲۲۵۰) (۱)

بعضی از رانندگان سفینہ و کشتیانان از وطن اصلی خود می آیند ونخست در یک قریہ یا در یک جای بہ نیت اقامت مقیم میشود سپس از آن تلاش وسیعہ می ورزد کہ در یک سفینہ یا در یک کشتی ملازم مقرر شود و برخی از مردم بدون نیت اقامت در آنجا ہالی می مانند کہ در آن حالات فوق الذکر ایشان را قصر واجب است یا اتمام؟

جائیکہ سفینہ دو سہ ماہ باقی بماند آیا در آنجا بہ نیت اقامت مقیم خواہد شد یا نہ؟ سوال: (۲۲۵۱) (۲)

بعضی سفینہ ہای تجارتی از ممالک بعیدہ می آیند و در یک بندر گاہ تا بہ دو سہ ماہ مقیم میباشند در ہمجو حالت اہل کار و منسوبین بہ نیت اقامت مقیم خواہد شد یا نہ؟

ملازمان کشتیہا مقیم نمیشوند: سوال: (۲۲۵۲) (۳)

(۱) رد المحتار باب صلوة المسافر ج ۱ ص ۷۴۲، ط.س. ج ۲ ص ۱۳۱، ظہیر

(۲) رد المحتار باب صلوة المسافر تحت قولہ قاصداً ج ۱ ص ۷۳۳، ط.س. ج ۲ ص ۱۲۲، ظہیر

بطور گودام مال ہمیشہ بند میباید و کارمندان آن کہ از ممالک خارجی میباشند و ہمیشہ در آن سکونت و بود باش دارند آیا ایشان را مقیم گفته میشود یا مسافر؟

جواب: (۱) آن عده مردمی کہ از مسافت بعیدہ تشریف آورده اند و در هیچ جای نیت اقامت پانزدہ روز را نموده اند و سپس در آن دور در سفینہ یا کشتی ملا زمان شدند و بسفر میرفتند خواه سفر کم بود یا زیاد بناء ایشان ہموار مسافرہ اند و قصر باید می نمودند بعدم علتہ الاتمام و آن عده مردمی کہ در جای مقیم بودند و یا از خارج آمدند و مقیم شدند و سپس انہا بارادہ سفر سہ روزہ خارج نشدند فلہذا ایشان نماز را اتمام نمایند و قصر نباید بکنند^(۱).

جواب: (۲) در شامی مذکور است: والملاح مسافر الخ و سفینتہ ایضاً لیست بوطن آہ بحر و ظاہرہ ولو کان مالہ و اہلہ معہ فیہا ثم رایتہ صریحاً فی المعراج^(۲) بناء معلوم شد کہ این عملہ و کار مندان مقیم نمیباشند بلکہ مسافر میباشند و نماز را قصر باید بکنند.

جواب: (۳) مسافر میباشند کما مر فقط.

سفر شرعی چند منزل میباید؟ سوال: (۲۲۵۳) یک منزل چند میل میباید؟

جواب: در کتاب ہای فقہ نوشته شدہ است کہ سفر شرعی سہ منزل میباید و اما صحیح آنست کہ میل معتبر نیست بلکہ منزل معتبر است و بعضی فقہاء میل را قابل اعتبار گفته اند و در آن سہ اقوال منقول است یک منزل را (۲۱) یا (۱۸) یا (۱۵) میل نوشته اند و فتویٰ پر ہژدہ (۱۸) میل است و ہنزد بعضی فتویٰ بر پانزدہ میل میباید^(۳) فقط.

بعد از عودت نمودن از سفر اگر در بازار جدا از خانہ قیام نماید آیا او مسافر میباید یا

(۱) ولابد للمسافر من قصد مسافة مقدرة ببلالة أيام حتى يتخرج من برغصة المسافرین ولا لا يتخرج منها ولو طاف الدنيا جميعها الخ ولا يزال على حكم السفر حتى يهوي الإقامة في بلدة أو قرية خمسة عشر يوماً أو أكثر (عالمگیری مصری باب صلوة المسافر ج ۱ ص ۱۳۰، ط. ماجدہ ج ۱ ص ۱۳۹). ظہیر

(۲) رد المحتار باب صلوة المسافر تحت قوله كبير ج ۱ ص ۷۳۷، ط.س. ج ۲ ص ۱۲۹). ظہیر

(۳) اعلم ان أقل مدة السفر عدنا مسافة ثلاثة أيام من أقصر أيام السنة بالسفر الوسط وإهي مشي الأقدام والإبل في البر واعتدال الريح في البحر الخ وجميع صاحب الهداية أنه لا يعتبر التقدير بالفراخ لكن قال المرغباني وحامدة المشايخ قدوها بالفراخ فقبل أحد وعشرون فرسخاً وقبل ثمانية عشر فرسخاً قال المرغباني وعليه الفتوى وقال الصافي في جوامع الفقه وهو المختار و قبل خمسة عشر فرسخاً الخ (غنية المستملی صلوة المسافر في المدة ص ۴۹۷). ظہیر

فہ؟ سوال: (۲۲۵۴) شخصی از مسافرت بوطن خود تشریف فرما شد و از خانہ خویش بفاصلہ یک و نیم میل دور در بازار دکان خیاطی را باز نمود و خیاطی را شروع کرد و احیاناً دوچار شب نیز در آنجا باقی میماند آیا این شخص قصر کند یا اتمام؟

جواب: درہر قریہ و آبادی کہ زیست می نماید در مورد قصر نماز و عدم قصر خروج و دخول آن معتبر میباشد فلہذا بازایکہ از قریہ مذکور مفصل و علیحدہ است چنانچہ در مناطق ینگلا دیش ممنوع است در آن مناطق دخول و خروج اعتبار ندارد بناء شخص مذکور تا وثیقہ درقریہ و عمرات خویش داخل شدہ باشد تاہ آن وقت او قصر باید کرد. قال فی الشامی: واما الفناء لہو المكان المعد لمصالح البلد كركض الدواب ودفن الموتي والقاء التراب فان اتصل بالمصر اعتبر مجاوزته وان انفصل بقلوة او مزرعة فلا كما یاتی (۱) فقط.

پدر درمکان پسر و پسر درخانہ پدرمسافر است یا مقیم؟ سوال: (۲۲۵۵) (۱) شخصی از مسکن پدر خویش بفاصلہ کافی دور سکونت می نماید بناء اکنون اگر پدر بمکان پسر و پسر بخانہ پدر بروند آیا نماز را قصر کنند یا اتمام؟

جائیکہ جایداد باشد در آنجا قصر کند یا اتمام؟ سوال: (۲۲۵۶) (۲) جایداد و مکانات یک شخص و پدرش و برادر هایش دریک قریہ واقع است و قبلاً سکونت و رہانش مالکانش نیز در همان قریہ بود اکنون بعد از مدتی بمکان دیگر سکونت آنها منتقل گردیدہ و در میان ایشان شخصی درآوان حاصلات انجا رفت بخاطر آنکہ محصولات را وصول نمودہ بیاورد فلہذا آنکس کہ بہ آنجا میرود او قصر نمودہ میتواند یانہ؟

جواب: (۱) ہر گاہ وطن اصلی ہر واحد علیحدہ وجدا شدہ است فلہذا ہر واحد ایشان اگر بوطن یکدیگر میروند ایشان درجای یکدیگر مقیم نمیشوند بلکہ آنها نماز را قصر کنند (۲).

(۱) ردالمحتار باب صلوة المسافر نحت قوله: من خرج من عمارة موضح إقامة ج ۱ ص ۷۳۲، ط.س. ج ۲ ص ۱۲۱. ظفر

(۲) والوطن الأصلي هو موطن ولادته أو نأله أو لوطنه بطل بمثله إذا لم يبق له بالأول أهل (والد المحتار علی هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج ۱ ص ۷۴۲، ط.س. ج ۲ ص ۱۲۸) ولو كان له أهل ببلدين فأبهما دخل صار مقبلاً فان ماتت زوجته في إحداهما وبقي له فيها دور وعقار قبل لا يفي وطناً له إذا المعتز (الأهل دون الدار) رد المحتار باب صلوة المسافر ج ۱ ص ۷۴۲، ط.س. ج ۲ ص ۱۲۸) والوطن الأصلي الخ يطله بمثله إذا لم يبق له بالأول أهل (ردمختار) أي وإن بقي له فيه عقار الخ (والد المحتار علی هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر =

جواب: (۲) اگر در آنجا اراده اقامت کم از پانزده یوم را داشته باشد پس قصر باید کرد و اگر بقصد اقامت پانزده (۱۵) روز یا بیشتر به آنجا برود در این صورت نماز را اتمام کند و اگر اراده راسخ نداشته باشد بلکه چنان اراده داشته باشد که در مدت دو یا چهار روز خواهم رفت و یا هر وقتیکه وصولی شد در آن وقت خواهم رفت پس از آن همواره نماز را قصر کند اگر چه بلا اراده تا به ایام مزید باقی بماند ^(۱) فقط.

درسفر شرعی بتروک نمودن قصر گنہکار خواهد شد یا نه؟ سوال: (۲۲۵۷) شخصی که درسفر قصر نمیکند اگر گنہکار خواهد شد یا نه اگر گنہکار میشود پس چرا و آیا اطلاق آیت ذیل براو میشود یا نه (فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ)

جواب: مذهب امام صاحب آنست که درسفر قصر واجب است و قصد اتمام نماز ممنوع ^(۲) است زیرا که این تجاوز است از حدود الله (وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ) ^(۳) و همچنان در آیت (فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا) نیز داخل نیست بخاطر آنکه خلاف حکم شارع علیه السلام عمل نمودن خیر نیست بلکه شر است.

شخصی در خانه خسر مقیم محسوب می باشد یا مسافر؟ سوال: (۲۲۵۸) (۱) زید در منطقه سهار نپور نکاح نموده است که از وطن بفاصله ضد میل دُور می باشد و زید منکوحه خود را بوطن خویش آورد اگر در همچو صورت حال زید به سهار نپور رفت در حالیکه منکوحه اش نیز در سهار نپور نمی باشد آیا زید مقیم خواهد باشد یا مسافر؟

(ب) سوال: (۲۲۵۹) (۲) اگر منکوحه زید وفات شد و او به سها رنپور رفت آیا مقیم خواهد

= ج ۱ ص ۷۴۲، ط.س. ج ۲ ص ۱۲۰، ظفر

(۱) ولا يزال علی حکم السفر حتی یزنی الإمامة فی بلدة او قرية خمسة عشر یوما او اکثر (دعالمگیری ج ۱ ص ۱۳۰، ط. ماجدیه ج ۲ ص ۱۳۹) او یزنی الخ الإمامة نصف شهر الخ بموجب واحد صالح لها فیفسر إن نزی الإمامة فی أقل منه ای من نصف شهر الخ او دخل بلدة ولم یزنها ای مدة الإمامة بل تولب السفر غدا او بعده ولولبی ذلک سنن (الدومختار علی هامش رد المحتار باب صلوة المسافر ج ۱ ص ۷۳۶، ط.س. ج ۲ ص ۱۲۵)، ظفر

(۲) صلی الفرض الرباعی رکعتین وجوب الخ والإکمال لیس رخصة فی حقه بل إساءة (دومختار) قوله وجوب فیکره الإمام عدنا حتی روی عن أبي حنيفة أنه قال من أتم الصلوة فقد أتم وأخالف السنة (رد المحتار باب صلوة المسافر ج ۱ ص ۷۳۵، ط.س. ج ۲ ص ۱۲۳)، ظفر

(۳) سورة البقرة رکوع : ۲۹، ظفر

باشد یا مسافر؟

(ج) سوال: (۲۲۶۰) (۳) زید باشندہ الہ آباد است و ہندہ باشندہ سہا رنپور می باشد و ہر دو در سفر خویش بمراد آباد مواصلت نمودند و در آنجا ہر دو عقد نکاح بستند فلہذا آیا زید در مراد آباد مقیم خواہد باشد یا نہ؟

جواب: در در المختار مذکور است: ولو كان له اهل ببلدتين فابتعما دخلها صار مقيما فان مات زوجته في احدا هما وبقي له فيها دور وعقار قيل لا يبقی وطنه اذ المعتبر الاهل دون الدار كما لو تاهل ببلدة واستقرت سكناته وليس له فيها دار وقيل بقي الخ از این پاسخ صورت دوم یعنی (ب) واضح گردید کہ بعد از وفات خانمش سہار نپور وطن اصلی او باقی نمی ماند با آنہم کہ او در آنجا خانہ وزمین نیز ندارد زیرا در این صورت کہ دار و عقار باقی باشد اختلاف است و در صورت اختلاف اتمام احوط می باشد.

در صورت اول (الف) نیز و تیکہ خانمش در آنجا نیست پس ظاہرا بہ آنجا رفتن او مقیم نخواہد شد و در صورت سوم (ج) همچنان مراد آباد وطن او نخواہد باشد و در آن کدام شک و شبہ وجود ندارد و تنها شبہ موافق روایت شرح منیۃ در صورت اول است لکن تنہاء کرام این قاعدہ را نیز نگاشته اند جائیکہ شبہ باشد در آنجا اتمام نماز باید بشود و در آن احتیاط می باشد قسمیکہ در شامی در موقع شبہ نوشته است: لانه اجتمع في هذه الصلوة ما يوجب الاربع وما يمنع فرجنا ما يوجب الاربع احتیاط الخ شامی^(۱) فقط

نخستین وطن اصلی در حکم وطن است یا نہ؟ سوال: (۲۲۶۱) اراضی و مکان یک شخص در ولسوالی جالند ہرواقع است و اکنون او مع عیال بخاطر بدست آوردن اراضی بہ ولسوالی لائلپور رفلت و در آنجا سکونت اختیار نمودند و چونکہ او در ولسوالی جالند ہر نیز اراضی و مکان دارد و بعد از سپری نمودن مدت شش ماہ کم و بیش کہ در آنجا بخاطر انتظام و اعمار آن بود و باش نمود بفامیل بازگشت میکند آیا این شخص کہ اینجا تشریف می آورد نماز را قصر کند یا اتمام؟

جواب: دراین مورد اصح و سخن احوط آنست که وطن اول نیز اصلی او می باشد و در آنجا نماز را اتمام نماید چنانچه بنا بر اقرار بعضی فقهاء آن را ترجیح معلوم میشود و دیگر آنکه بتابر قاعده اتمام راجح است که آن قاعده را علامه شامی در مورد ترجیح قول امام ابی یوسف رح نقل نموده است و آن قاعده عبارت است از آنکه هرگاه در میان اتمام و قصر اشتباه واقع شود در این صورت ترجیح برای اتمام است زیرا که احتیاط در همان است و آن عبارت را که در مورد شروع نماز مسافر علامه نقل نموده است از آن قرار است: *كفي التجنيس اذا الفتح الصلوة في السفينة حال اقامته في طرف البحر فنقلتها الريح ونوى السفر يتم الصلوة المقيم عند ابی یوسف رح خلافاً لمحمد رح. لانه اجتمع في هذه الصلوة ما يوجب الاربع وما يمنع فرجحنا مايوجب (۱) الاربع احتياطاً الخ شامی.*

بمجرد خروج از منطقه خویش قصر را شروع کند خواه از آنجا منطقه اش آشکار نیز

شود: سوال: (۲۳۶۲) در این کشور مکانات متصل هستند و در آن باغات نیز می باشد و با وجود اتصال اسمانی مناطق جدا جدا می باشد اگر کسی بقصد سفر از مکان خویش خارج شود و بعد از مواصلت بقریه دیگر وقت نماز فر رسد و از آن مکان برایش قریه اش معلوم و بنظرش می آید بناء آیا این مسافر قصر کند یا اتمام؟

جواب: برای این شخص تجاوز نمودن شرط نیست کما فی الدر المختار: *من خرج من عمارة موضع اقامته من جهة خروجه وان لم يجاوز من الجانب الاخر (۲) الخ فقط.*

بقصد سفر شرعی اگر کسی بیرون شود پس بمجرد خروج قصر را شروع نماید: سوال:

(۲۲۶۳) یک نفر قصد رفتن بمبئی را نمود و تصمیم اتخاذ نمود که در آنجا شش ماه را سپری خواهم نمود اکنون این شخص قصر کند یا اتمام؟

جواب: این شخص نماز را در راه باید قصر کند زیرا که او قصد سفر شرعی از خانه بیرون شده است لهذا علت قصر موجود شده است و باقی آنکه هر گاه به بمبئی مواصلت نمود و در آنجا نیت

(۱) رد المحتار باب صلوة المسافر تحت قوله قاصدا ج ۱ ص ۷۳۳، ط.س. ج ۲ ص ۱۲۲، طعیر

(۲) الدر المختار علی هامش رد المحتار باب صلوة المسافر ج ۱ ص ۷۳۲، ط.س. ج ۲ ص ۱۲۱، طعیر

اقامت شش ماہ را داشته باشد پس در آنجا نماز را اتمام نمایند کما فی الدر المختار: من خرج من عمارة موضع اقامته الخ قاصداً سيرة ثلاثة ايام ولياليها الخ صلى الفرض الرباعي ركعتين وجوبا الخ حتى يدخل موضع اقامته ان سار مدة السفر ^(۱) الخ فقط.

قبلاً نیت اقامت را نموده بود سپس نیت بدل شد اوقصر باید کرد: سوال: (۲۲۶۴) زید مسافر در قصبه نیت اقامت پانزده (۱۵) روز را نمود و چهار رکعت نماز ظهر را امامت داد اما در وقت عصر نیت اقامت پانزده (۱۵) روز را فسخ نمود و نماز های چهار رکعتی را دو رکعت اداء کرد و نیز در امامت دادن دو رکعت شروع نمود آیا این نماز ها صحیح شده اند یا نه؟ و برای مسافر بعد از نیت نمودن اقامت عزم بر فسخ کردن نماز را قصر نمودن بکار است یا اتمام؟
جواب: برای زید اول بنیت اقامت اتمام نماز بکار است و بعد از آن بوجه فسخ نمودن نیت اقامت قصر کردن بکار است ^(۲) فقط.

بقصد سفر اگر در ماحول قریه های مختلف آنقدر گشت و چکر بزنند که مسافت مجموعه آن بمسافت شرعی میرسد پس حکم آن چیست؟ سوال: (۲۲۶۵) شخصی باراده سفر میرود و سفرش در دیهات و مواضع است و یک موضع از مواضع آخر چندان دور نیست که حکم قصر صلاة بر او عائد شود مثلاً بعضی مواضع از یک موضع بر مساوت نه میل و بعضی از بعضی یازده میل و بعضی هشت میل بعضی شانزده میل لکن دوره او در این دیهات زائد از مسیره ثلاثة ايام می شود درین صورت بر اوقصر واجب است یا نه؟
جواب: هرگاه قصد شخص مذکور بوقت خروج برای سفر دوره جمیع دیهات مذکور است که مسافتش سه یوم یا زیاده او میرسد یوم یعنی سه منزل است قصر بر او واجب است من خرج من عمارة موضع اقامته الخ قاصداً مسیره ثلاثة ايام ولياليها ^(۱) الخ در المختار فقط.

(۱) الدر المختار علی هامش رد المحتار باب صلوة المسافر ج ۱ ص ۷۳۲، ط. س. ج ۲ ص ۱۲۱، ظفر

(۲) ولا يزال علی حکم السفر حتی نوي الإقامة في بلدة خمسة عشر يوماً أو أكثر وإن نوي أقل من ذلك قصر (هدایه باب صلوة المسافر ج ۱ ص ۱۴۹) ولو كان مسافراً في أول الوقت إن صلى صلوة السفر لم أقام في الوقت لا يتغير فرصة وإن لم يصل حتى أقام في آخر الوقت يلزم فرصة أربعة وإن لم يبق من الوقت إلا قدر ما يسع فيه بعض الصلوة (عالمگیری مصري صلوة المسافر ج ۱ ص ۱۳۲، ط. ماجدیه ج ۱ ص ۱۴۱)، ظفر

دوسفر شرعی قصر باید کرد اگر چه بفاصلہ اندک اندک اقامت چرا نباشد: سوال:

(۲۲۶۶) (۱) من مسافر منطقہ ماروار ہستم وبمنطقہ احمد آباد بقصد سہری نمودن چہار پنج ماہ میروم اما بخاطر کدما کارو بار ہر روز بفاصلہ یک میل یا دومیل اقامت می نمایم مثلا امروز در اینجا وفردا بہ یک مقام دیگر بفاصلہ دوسہ میل اقامت می ورزم در این صورت قصر نمودن بکار است یا نہ؟

اگر در جنگل تصمیم اقامت یک ماہ را داشته باشد باز ہم قصر باید کرد: سوال: (۲۲۶۷)

(۲) یک مسافر بقصد سہری نمودن یک ماہ کامل در یک جنگل اقامت ورزد در این مدت او نماز را قصر کند یا اتمام؟

جواب: (۱) در این صورت قصر نمودن نماز بکار است^(۱).

جواب: (۲) در جنگل او مقیم نمیگردد بناء برای او قصر نمودن نماز بکار است^(۲) فقط.

وتر دوسفر معاف نیست واداء نمودن سنت نیز ثابت است: سوال: (۲۲۶۸) شخصی ادعا

دارد کہ برای مسافر وتر و سنت معاف است ودر ترک نمودن آن گناہ نیست ونبی اکرم ﷺ نیز آن را در سفر اداء ننمودہ است آیا این ادعا صحیح است یا نہ؟

جواب: وتر واجب است و ترک نمودن آن در هیچ حال جواز ندارد خواہ مسافر باشد یا مقیم باشد ودر مورد سنت بہتر آنست کہ در حالت اطمینان واستقرار آن را اداء کند ودر صورت تعجیل آن را ترک نماید در آن کدما حرج نیست^(۳) ودر ترمذی شریف آمدہ است کہ رسول اللہ ﷺ در حالت سفر سنت را اداء نمودہ اند^(۴) فقط

(۱) الدار المختار علی هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج ۱ ص ۷۴۲، ط.س. ج ۲ ص ۱۶۱، ظفر

(۲) او بنوی الخ الإمامة نصف شهر حقيقة او حکما الخ بموضع واحد صالح لها من مصر او قرية فيقصرون نوى الإمامة في أقل منه ای من نصف شهر اونوی فی لکن فی غیر صالح بحر وجزیرہ او نوى فی موضعین مستظللین الخ او دخل بلدة ولم ينوها ای مدۃ الإمامة بل ترقب السفر غذا او بعدہ ولو بقى علی ذلك سنين (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج ۱ ص ۷۴۶، ط.س. ج ۲ ص ۱۶۵)، ظفر

(۳) وصلاحة الموضع حتى نوى الإمامة في بر او بحر او جزيرة لم يصح (عالمگیری مصري صلوة المسافر ج ۱ ص ۱۳۰، ط. ماجدیه ج ۱ ص ۱۳۹)، ظفر

(۴) وباني المسافر بالنسبة إن كان في حال أمن وقرار وإلا بأن كان في خوف وقرار لا يأتي بها هو المختار (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج ۱ ص ۷۴۲، ط.س. ج ۲ ص ۱۳۱)، ظفر

(۵) وروی عن ابن عمر أن النبي ﷺ كان لا يتطوع في السفر قبل الصلوة ولا بعدها وروی عنه عن النبي ﷺ أنه كان يتطوع في السفر =

گفتی که هموار دوسفر باشد اوقصر باید کرد: سوال: (۲۲۶۰) شخصی در سهار نهور در دفتر ریل مامور است و خانه اش از سهار نهور بفاصله (۲۷) میل دور میباشد اوبیست و چهار ساعت در ریل میباشد و تابه منطقه انباله و سوي دیگر تا به غازي آباد میرود آیا برای او در آن مدت قصر نماز بکار است یا اتمام؟

جواب: در همچو حالت تا وقتی که او بوطن اصلي خود باز گشت نکرده باشد اونماز را قصر کند (۱) فقط.

ساکنین گشتی نماز را قصر کنند: سوال: (۲۲۷۰) سفینه ها نیکه از طرف شب در خلیج بسته میباشد و از طرف روز سه بار برای نیم ساعت از این کناره بکناره دیگر رفت و آمد میکند آیا منسوبین همچو سفینه نماز را قصر کنند یا اتمام حالانکه وطن اصلي آنها بفاصله سفر سه روز دور است و ایشان در آن سفینه سکونت گزین میشوند خورد و نوش و استراحت آنها نیز در آن سفینه میباشد.

جواب: آن عده مردمیکه از فاصله دور بیایند و در سفینه اجرای وظیفه می نمایند مثلا سه روز یا بیشتر از سه روز مسافه را بطی کند و بیایند در سفینه اجیر شوند و هموار در بحر سفینه را می جلاند و در هیچ جای نیت اقامت پانزده (۱۵) روز را نمیکنند که صلاحیت اقامت را داشته باشد پس ایشان مسافر اند و نماز را قصر باید نمودند در در المختار آمده است: لیقصر ان نوى الإقامة فی اقل منه ای من نصف شهر اونوی فیہ لکن فی غیر صالح کبحر اوجزیرة الخ (در المختار) قوله کبحر قال فی المجتبى والملاح مسافر الا عند الحسن وسفینة الخ لیست بوطن آه (۲) الخ فقط.

راننده ریل که اوبا انجن (موتور) در دویدن باشد و قیامش در یکجا بیشتر از چند ساعت نباشد او چه باید کرد؟ سوال: (۲۲۷۱) راننده که ریلی را رانندگی میکند از مکان مستقر خود روزانه صد (۱۰۰) میل کم و بیش دوره می نماید. و هرگاه وظیفه خود را انجام نمود بمستقر

= (رمضی شریف باب ما جاء فی التطوع فی السفر ج ۱ ص ۷۴). ظفر

(۱) من خرج من عمارة موضع إقامته الخ فاصدا الخ مسیرة ثلثة اهام ولیالها الخ صلی العرض الرباعي رکعتین وجوبا الخ حتی یدخل موضع مقامه الخ او یوی الإقامة نصف شهر (والمر المختار علی هامش رد المختار باب صلوة المسافر ج ۱ ص ۷۴۲. ط. س. ج ۲ ص ۱۲۱) ظفر

(۲) رد المختار باب صلوة المسافر ج ۱ ص ۷۴۷. ط. س. ج ۲ ص ۱۲۹. ظفر

دیگر می‌رود و تقریباً کم و بیش دوازده ساعت یا بیست و چهار ساعت استراحت می‌نماید سپس از آن بعد از چند ساعت موتر دیگر را اخذ نموده و پس عودت می‌نماید و قتیکه بمستقر قبلی خویش موصلت و رزدد پس در اینجا نیز برای اوموقع آنقدر قیام میسر میشود فلہذا برای اودر ہردو مکان قصر نمودن نماز بکار است یا اتمام؟

جواب: برای اودر ہردو مکان قصر نمودن نماز بکار است ^(۱) فقط.

اجیر تابعیت مالک خود است اگر او قصر می‌کند اجیر نیز قصر کند: سوال: (۲۲۷۲)

یک مسافر شرعی بہ یک منطقہ رسید و یکی خود بشرط اجیر گرفت کہ تا وقتی من درسفر باشم تومہراہ با من باشی و انتہائی مسافت سفر را قطعاً بیان نکرد و قتیکہ از آن منطقہ خارج شد او بفاصلہ پنج شش میل بہ یک قریہ رسید و بدون نیت اقامت تا بہ چہال ہفتہ در آنجا باقی ماند کہ مسلسل نماز را او قصر می نمود اکنون برای اجیر چہ حکم است؟ آیا بتبعیت مالک و آقاي خود او خودش نیز نماز را قصر کند یا اتمام؟

جواب: اجیر مذکور در این صورت تابع مالک خود است ہر نیت کہ مالک داشته باشد براجیر نیز اتباع آن لازم است لکن معلوم شدن نیت متبوع ضروری است در درالمختار مذکور است: والمعتبر نیت المتبوع ^(۲) الخ و لابد من علم التابع بنية المتبوع الخ وفي رد المحتار قوله واجیر اي مشاہرة او مسانہة ^(۳) الخ پس و قتیکہ اجیر تابع مستأجر است بہمین منوال اجیر مذکور نیز تابع میباشد زیرا کہ او نیز مشاہرة اجیر میباشد فقط.

اگر دو چند قریہ بیچکر رفتن مسافت کامل شود پس حکم آن چیست؟ سوال: (۲۲۷۳)

شخصی مربوط چند قریہ میباشد کہ از وطن او ہر یک قریہ از مسافت قصر کمتر میباشد اگر آن شخص از یک قریہ خویش بقریہ دیگر بدنبال یکی بعد دیگر منتقل میشود کہ در نتیجہ از آن مسافت

(۱) من خرج من عمارة موضع إقامته الخ لاصدا الخ مسرة ثلاثة أيام ولإلها الخ صلى القرض الرباعي وكتب الخ فيصير إن لم يدر الإقامة في أقل منه أي من نصف شهر والبر المختار على هامش ودمختار باب صلوة المسافر ج ۷۳۲ و ۷۳۷ ط. ج ۳ ص ۴۰.

(۱۲۳). ظفر

(۲) البر المختار على هامش ودمختار باب صلوة المسافر ج ۱ ص ۷۴۴ ط. ج ۳ ص ۱۳۳. ظفر

(۳) رد المحتار باب صلوة المسافر ج ۱ ص ۷۴۵ ط. ج ۳ ص ۱۳۴. ظفر

قصر تکمیل میگردید وبہمین ارادہ از وطن خارج شدہ باشد آیا درمورد آن شخص احکام سفر ثابت خواہد باشد یا نہ؟

جواب: برای آن شخص احکام قصر ثابت میباشد ^(۱) فقط.

قصر نمودن غیر مقلدین در مسافت بہ میل وتاویل حدیث مستدل ایشان: سوال:

(۲۲۷۴) عند الفقہاء در فاصلہ (۴۸) میل مسافر دو گانہ نماز را اداء باید نمود واما غیر مقلدین در فاصلہ سہ میل نماز را قصر میکنند و در ثبوت این عمل کرد خویش حدیث حضرت انس رضی اللہ عنہ را پیش می نمایند کہ در آن نبی اکرم صلی اللہ علیہ وسلم در فاصلہ سہ میل دو رکعت اداء نمودہ اند مطلب آن حدیث چیست؟

جواب: وقتیکہ تصمیم سفر مسافت سہ منزل کہ از آن (۴۸) میل میشود داشته باشد پس بمجرد خروج از شہر قصر آغاز می یابد ^(۲) و ہمین تاویل آن حدیث شریف است کہ در آن چنین وارد است کہ نبی اکرم صلی اللہ علیہ وسلم خارج از مدینہ طیبہ بفاصلہ سہ میل قصر نمودند یعنی آنجناب صلی اللہ علیہ وسلم ارادہ مسافت بعید را داشتند لکن بعد از خروج از مدینہ بفاصلہ سہ میل وقت نماز شد پس ایشان نماز را قصر نمودند فقط.

اگر اجیر بوطن خود رسید پس او در می باشد اگر چه مالک همراہش نباشد: سوال:

(۲۲۷۵) اجیر مشاہرہ یعنی ملازم اگر در حالت سفر ہمراہ مالکش بقریہ خویش مواصلت نماید آیا اونماز را قصر کند یا اتمام؟ در فتاویٰ حمادیہ است عبد سافر مع مولیٰ فدخل فی وطن العبد لا یصیر ان مقیمین اما العبد فلاتہ تابع واما المولیٰ لم توجذیۃ الاقامة ولا دخول الوطن اصلی آیا مسألہ فوق تنہا مخصوص بغلام میباشد ویا برای اجیر نیز همین حکم است؟ **جواب:** اجیر مشاہرہ اگر چه بلحاظ متابعت در حکم غلام است و هیچ شک نیست در آن کہ اگر در وطن اقامت همچو صورت عارض شود پس نیت او مانند غلام نیز مدار اعتبار نیست بلکہ اقامت

(۱) فاذا قصد بلدة والى مقصد طريقا احدهما مسيرة ثلاثة ايام وليالها والاخر دونها فسلک الطريق الأبعد كان مسافرا عندنا هكذا في فتاویٰ قاضی خان (عالمگیری مصری باب صلوة المسافر ج ۱ ص ۱۳۰، ط. ماحدیة ج ۱ ص ۱۳۸). ظفر

(۲) من خرج من عمارة موضع إقامته الخ فاصدا الخ مسورة ثلاثة ايام وليالها الخ ولا إعتبار بالتفاسخ على المذهب (الدر المختار علی هامش: الدر المختار باب صلوة المسافر ج ۱ ص ۷۳۵، ط. س. ج ۲ ص ۱۲۹). ظفر

وسفرش موقوف بر نیت مستاجر میباشد لکن در وطن اصلی آن صورت نخواهد بود زیرا کہ در آنجا بمجرد مواصلت نمودن سفر باطل میشود نیت وعدم نیت در آن مورد کدام اثر وارد نمیکند فلہذا اگر اجیر مع مستاجر خود بوطن اصلی خود برسد سفرش فوراً باطل میشود وعلاوہ از آن درجای دیگر تابع نیت متبوع میباشد در الدر المختار مذکور است: والمعتبر نية المتبوع ولانه الاصل لا التابع كما مره فاما مهرها المعجل وعبد الخ واجير الخ مع زوج ومولى ومستاجر^(۱) الخ فقط.

مقتدی مسافر یتقّب امام نیت چند رکعت را بکند؟ سوال: (۲۲۷۶) امام مقیم است

ومقتدی مسافر آیا اکنون مقتدی نیت چهار رکعت را بکند یا دورکعت؟

جواب: برای مسافر اقتداء بمقیم جائز است ومقتدی مسافر بخاطر اتباع امام مقیم نیت چهار رکعت را باید کرد در درالمختار مذکور است: واما اقتداء المسافر بالمقیم فیصح فی الوقت ویتم الخ^(۲).

یک شهر را ترک گفت ویشهر دیگر اکنون اگر بشهر سابق آید در آن مورد حکم چیست؟

سوال: (۲۲۷۷) یک نفر بنا بر کدام دلیل اهل وعیال خود را از شهر (الف) بشهر (ب) گسیل نمود و او خودش در نواحی شهر (الف) منزل نموده وقت را میگذا رنید اگر این شخص بشهر (الف) تشریف آورد کہ در آنجا مکانش مقفل است قلف است آیا در آنجا برای او مقیم گفته میشود یا مسافر ودیگر آنکہ اگر این شخص بشهر (ب) رفت جائیکہ سائر خویشاوندان واقارب او میباشد لکن در آنجا اقامت او کمتر از ده روز نیز میباشد حالانکہ او بشهر الف باز گشت می نماید جائیکہ بطور مستقل قیام پذیر است فلہذا آیا در همچو صورت اودر شهر (ب) مقیم دانسته میشود یا مسافر و برای اودر شهر (ب) هر نوع سهولت واسایش مهیا است و از شهر (الف) اهل وعیال او بطور عارضی جای رفته اند؟

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج ۱ ص ۷۴۴ - ۷۴۵، پہ شامی کی دی: واجیر ای مشاہدہ او مسافہ الخ (رد المحتار باب ایضا ج ۱ ص ۷۴۹، ط.س. ج ۲ ص ۱۳۰، ظہیر

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج ۱ ص ۷۴۹، ط.س. ج ۲ ص ۱۳۰، ظہیر

جواب: از عبارت فوق معلوم میشود کہ وطن اصلی اوشہر (ب) است جاتیکہ سائر اقارب و خویشاوندان او میباشند و اگر واقعا وطن اصلی اوشہر (ب) باشد پس بمجود رسیدن بہ آنجا فوراً در اتمام نماز بہر دازد و در شہر (الف) اگر بخاطر ملازمت سکونت می نماید پس آنجا وطن اقامتش است اگر در آنجا نیت اقامت پانزدہ (۱۵) روز یا بیشتر از آن را داشته باشد پس نماز را اتمام نماید ورنہ قصر باید کرد حاصل آنست کہ در وطن اصلی اتمام نماز بکار است اگر چہ برای یک دو روز بہ آنجا تشریف آورد و اگر در وطن اقامت نیت پانزدہ روز را داشته باشد پس نماز را اتمام نمودن بکار است ورنہ قصر باید کرد و اما وطن اصلی است کہ تولدش در آن شدہ باشد و والدینش در آنجا سکونت داشته باشد و عقد نکاحش شدہ باشد غرض آنکہ باشندہ ہر مکان کہ باشد همان وطن اصلی اش میباشد تا وقتیکہ آن را ترک نگفتہ و وطن دیگر را انتخاب نکند بناء ہمین وطن اصلی اومیشد^(۱) فقط.

در جقدر سفر قصر باید کرد شود؟ سوال: (۲۲۷۸) در جقدر فاصلہ سفر قصر نماز جائز است؟

جواب: سفر سہ منزل قصر واجب است^(۲)

شخصی کہ قصر نمی کند آیا گنہکار خواهد شد یا نہ؟ سوال: (۲۲۷۹) اگر نماز را قصر نکند گنہکار میشود یا نہ؟

جواب: گنہکار میشود^(۳).

در حالت قصر سنت و وتر است یا نہ؟ سوال: (۲۲۸۰) در حالت قصر وتر و سنت است یا خیر؟

جواب: اداء نمودن وتر ضروری است و سنت را نیز در حالت اطمینان و حرصت ترک نماید کرد

(۱) الوطن الأصلي هو موطن ولادته أو تامله أو توطئه يعطل بمثله إذا لم يبق له بالأول أهل فهو غي لم يعطل الخ (والد المختار على هامش ردالمحتار ج ۱ ص ۷۴۲، ط.س. ج ۲ ص ۱۳۱). ظہیر

(۲) السفر الذي يتغير به الأحكام أن يقصد مسيرة ثلاثة أيام ولياليها بمسير الإبل ومشى الأقدام الخ والسير المذكور هو الوسط (هذه به اسـ حلاوة المسافرين ج ۱ ص ۱۴۸). ظہیر

(۳) وفرض المسافر في الرابعة ركعتان لا يزيد عليها الخ وإن صلى أربعاً ولقد هي الثانية قدر تشهد أجزاءه الأولى: عن التعرض والأعراس له نافعة (هذه به ايضاً) ظہیر

(۱) فقط.

در حالت سفر نماز عصر و ظہور را در یک وقت اداء نمودن جواز دارد یا نه؟ سوال:**جواب:** (۲۲۸۱) در یک وقت اداء نمودن هر دو جائز نیست (۲).**بطور گردش سفر کنندہ را قصر جائز است یا نه؟ سوال:** (۲۲۸۲) آن عده مردمی کہ

در حالت ملا زمت بطور گردش سفر می نمایند آیا بر ایشان قصر واجب است یا نه؟

جواب: اگر منزل سفر باشد پس قصر لازم است یعنی در حین گردش جای کہ ارادہ رفتن را دارد

اگر تا بہ آخر بقدر سہ منزل دور باشد قصر نمودن بکار است (۳).

امام قصر کنندہ نماز را اتمام نمود آیا نماز مقتدی و امام درست شدہ است یا نه؟ سوال:

(۲۲۸۳) (۱) یک مسافر قصر کندہ در نماز عشاء امام شد و بجای قصر اون نماز را چہار رکعت

اداء نمود آیا این نماز مقتدیان و امام درست شدہ است یا نہ؟

سفر ریل اتمام نماز چگونه است؟ سوال: (۲۲۸۴) (۲) دیگر آنکہ اگر قصر کنندہ بدان

مکر کہ سفر ریل راحت بخش است قصر نکند آیا گنہگار خواهد باشد؟

جواب: (۱) اگر امام بر دو رکعت نشست نمودہ بود پس نمازش درست شدہ است و مقتدیان اگر

با آنہم نماز را اتمام نمودند پس ایشان درست نشدہ است کما مر فی الشامی: فلو اتم المقیمون

صلاتہم معہ فسدت لانہ اقتداء المفتروض بالمتفل ای اذا قصدوا مباہتہ الخ (۴).

جواب: (۲) برای مسافر قصر کردن لازم است و بدان فکر کہ سفر ریل استراحت بخش و دارای

سہولت است نماز را اتمام نمودن درست نیست (۵) فقط

(۱) و بعضہم جوز للمسافر ترک السجۃ والمحتز انہ لا یالی بها فی حال الخوف ویاتی بہا فی حال القوار و الأمن. (عالمگیری ج ۱ ص ۱۳۰ ط. ماجدیہ ج ۱ ص ۱۳۹). ظہیر

(۲) ولا جمع بین الرضین فی وہا. یعنی سفر و مقر حلالا للشافعی وما رواہ محمول علی الجمع فعلا. لا ولما لان جمع فسدت لو قدم الفرض علی رفته و حرم لو عکس ای آخرہ عندہ وان صح بطریق القضاء: (الدر المختار علی هامش و المختار کتاب الصلوۃ قبل باب الاذان ج ۱ ص ۳۵۴ - ۳۵۵ ط. س. ج ۱ ص ۳۸۱). ظہیر

(۳) اقل مسالۃ تعبر لہا الأحکام مسیرۃ ثلاثۃ ایام الخ والقصر واجب (عالمگیری باب فی صلوۃ المسافر ج ۱ ص ۱۲۹ ط. ماجدیہ ج ۱ ص ۱۳۸). ظہیر

(۴) و المختار باب صلوۃ المسافر ج ۱ ص ۷۴۹ ط. س. ج ۲ ص ۱۳۰. ظہیر

(۵) والقصر لازم عندنا الخ وہی دلیل علی ان الفرض و کتمان وان الاتمام منکر ولو کان جائزا: لعلہ علیہ الصلوۃ والسلام مرۃ تغلب للجوار ۷۷

اگر فاصلہ شصت میل دور باشد آیا قصر کند یا خیر؟ سوال: (۲۲۸۵) (۱) زید از وطن اصلی خود عازم شهر (ب) میشود کہ بفاصلہ بیشتر از شصت میل دور واقع است لکن درحین روانگی او نیت اقامت بیشتر از پانزدہ یوم را در شهر (ب) دارد فلہذا آیا درہمجو صورت در راہ برای اوقصر نمودن بکار است یا نہ؟

وقتیکہ بعد از اقامت پانزدہ یوم واپس میروند پس سفروں از آنجا شمار میشود یا از شہر

سابق؟ سوال: (۲۲۸۶) (۲) مثلاً زید از شہر (ب) بعد از اقامت بیشتر از پانزدہ یوم بشہر (ج) میروند فلہذا آیا بخاطر قصر نمودن شمار فاصلہ از شہر (ب) باید بشود یا از وطن اصلی زید؟
مقیم بعقب مسافر نیت چہار رکعت را باید کرد؟ سوال: (۲۲۸۷) برای مقیم بعقب امام مسافر مثل در نماز عصر نیت چہار رکعت نمودن بکار است یا از دور رکعت؟

جواب: (۱) قصر نمودن نماز بکار است.^(۱)

جواب: (۲) در این صورت شمار فاصلہ از شہر (ب) گرفته خواهد شد.^(۲)

جواب: (۳) نیت چہار رکعت نمودن بکار است دو رکعت را با امام خویش و دو رکعت را بعد از آن تنها اداء نمائید.^(۳) فقط.

جائیکہ نکاح کردہ باشد آیا آن جای مطلقاً در وطن اصلی است؟ سوال: (۲۲۸۸) (۱)
 در در المختار این مکان را نیز در وطن اصلی نوشته است کہ او تاملہ یعنی جای نکاح نمودن بناء آیا در جائیکہ عقد نکاح نمودہ است این جای مطلقاً وطن اصلی او است یا کدام مطلب دیگر از آن است وتفصیل آن چگونه است؟

وطن اصلی زن خانہ خسر است یا خانہ والدین واگر بفاصلہ دہ یا دوازدہ از وطن اقامت سفر نماید آیا مسافر خواهد باشد یا نہ؟ سوال: (۲۲۸۹) (۲) وطن اصلی زن خانہ خسر

= (غیۃ المستملی فصل صلوۃ المسافر ج ۱ ص ۱۹۹). ظہیر

(۱) من خرج من عمارة موضع إقامته فأصلاً مسيرة ثلاثة أيام وإليها الخ صلى الفرض الرباعي ركعتين وجوبا والدر المختار على هامش رد المحتار باب صلوۃ المسافر ج ۱ ص ۷۳۲، ط.س. ج ۲ ص ۱۲۱. ظہیر

(۲) وبطل الإقامة بطله وبالوطن الأصلي وبانشاء السفر (أيضا ج ۱ ص ۷۴۳، ط.س. ج ۲ ص ۱۳۲). ظہیر

(۳) وصح إنشاء المقيم بالمسافر في الوقت وبعدة إذا قام المقيم إلى الإتمام لا يقرأ ويسجد للهو في الأصح لأنه كاللاحق والتعلتان فرس عليه وقيل لا (أيضا ج ۱ ص ۷۴۰، ط.س. ج ۲ ص ۱۳۰). ظہیر

است یا خانه والدین مراد از وطن ولادت چیست؟ آیا مطلقاً است یا آن جائیکه آن را در عرف وطن میگویند اگر شخصی درجای ملازم باشد اما وطن او از آن جای بمسافت سفر شرعی واقع باشد فلهمذا اگر آن شخص از مکان ملازمت ده دوازده میل سفر می نماید آیا او مسافر است یا نه؟

جواب: (۱) معنی وطن اصلی را چنین می نگارند که وطن قرار باشد یعنی در آنجا سکونت مقصود باشد پس موضع تاهل یعنی تزوج وطن وقتی مییابد که در آنجا سکونت مقصود باشد و خانمش در آنجا همراهش باشد و چنین مطلوب نیست که اگر از یک جای بعد از عقد نکاح نمودن خانم را بیاورد سپس آن جای وطن نکاح او شود خلاصه آنست جائیکه خانمش بود و باشد دارد و برای او در آنجا سکونت مقصود باشد پس همان نیز وطن اصلی است اگر دو خانم او در دوشهر سکونت می نمایند پسر هر دو اماکن برایش وطن اصلی است: ولو کان ببلدین فایتیما دخل صار مقیم^(۱) ذمی.

از این عبارت روشن است که سکونت زن در آنجا و موجودیتش معتبر است وزن را از جای آوردن بعد از محض نکاح بودن این سبب وطن شدن نیست.

جواب: (۲) زن تابع مرد است شوهرش هر جائیکه او را نگهداری میکند همای جای وطن او است و اما وطن ولادت آنست جائیکه او وتولد نموده باشد و والدینش در آنجا سکونت می نمایند و در مکان ملازمت جائیکه او مقیم است و بوجه اقامت نماز را اتمام می نماید تا وقتیکه از آن جای بقصد مسافت شرعی سفر ننماید او قصر نکند.

مامور دولت در گردش فاصله (۴۸) یا (۶۰) میل باشد او قصر نماز کند یا اتمام؟ سوال:

(۲۲۹۰) زید مامور دولت است و جای سکونتش شهر (ب) است لکن حسب هدایت مقام ذیصلاح در آن نواحی تا به مقدار (۴۸) میل و گاهی پنجاه شصت و گاهی تا به هشتاد میل گردش داشته مییابد و بجای سکونت مراجعت نمی نماید در این صورت آیا قصر کند یا اتمام؟

جواب: اگر در وقت بیرون شدن از خانه اوقصد نموده بود که در آن گردش منتهای سفر فلانی مقام است جائیکه از مکان سکونت او در فاصله چهل و هشت میل یا زیاد است پس قصر لازم است

ورنہ نیست.

از الہ آباد بہ نیت دوجہار ماہ بصوئہ بمبی روان شد آیا درمسیر راہ قصر کند یا نہ؟

سوال: (۲۲۹۱) زید از الہ آباد روانہ بمبی شد لکن در بمبی میخواہد کہ دو یا چہار ماہ بود باش نماید دراین صورت آیا او درمسیر راہ نماز را قصر کند یا اتمام؟
جواب: درمسیر راہ قصر نماید^(۱).

یک چند سوالات درمورد قصر: **سوال:** (۲۲۹۲) (۱) اگر شخصی از وطن بفاصلہ چہل دو ۴۲ میل دور محصور بماند و در آنجا ارادہ محصور بودن پانزدہ (۱۵) روز یا کم از آن باشد آیا قصر نماز جائز است یا نہ؟

سوال: (۲۲۹۳) جائیکہ حکم قصر نمودن نماز است اگر در آنجا سنت را ترک نمود معصیت نخواستہ بود؟

سوال: (۲۲۹۴) درحالت سفر جمع بین صلاتین مانند نماز ظہر وعصر و یا نماز مغرب وعشاء را یکجا اداء نمودن جائز است یا نہ؟

جواب: (۱) درمسافت سہ يوم قصر میشود و چہل ہشت میل اندازہ ان تعین شدہ است و اگر در آنجا بعد از رفتن ارادہ پانزدہ يوم را داشتہ باشد پس نماز را اتمام نماید و اگر از آن ارادہ کمتر را داشتہ باشد پس نماز را قصر کند.

جواب: (۲) گناہ نیست لکن در حالت قیام اداء نمودن سنت پسندیدہ است^(۲).

جواب: (۳) اگر چنین طرح میان صلاتین جمع کند کہ ظہر را دروقت آخر وعصر را دراول وقت اداء کند این جمع درست است و این جمع صوری است نہ حقیقی یعنی چنین نباید کرد کہ نماز عصر را دروقت ظہر و نماز ظہر را دروقت عصر اداء نماید و این جمع درست نیست^(۳).

(۱) من خرج من عمارة موضع الاقامة الخ قاصدا الخ مسيرة ثلثة ايام ولياليها الخ صلى الفرض الرباعي ركعتين (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج ۱ ص ۷۳۲، ط. س. ج ۲ ص ۱۲۱) قوله قاصدا اشار به مع قوله خرج إلى انه لو خرج ولم يقصد او قصد ولم يخرج لا يكون مسافرا (رد المحتار ج ۱ ص ۷۳۳، ط. س. ج ۲ ص ۱۲۲). ظفر

(۲) وباني المسافر بالنسبة إن كان في حال أمن وقراؤ ولا ياتي بها هو المختار (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج ۱ ص ۷۱۲، ط. س. ج ۲ ص ۱۳۱) ظفر

چند فاصلہ رفتی از خانہ قصر را شروع نماید؟ سوال: (۲۲۹۵) (۱) در چند فاصلہ کہ از

خانہ برسد قصر کردہ نشود؟

ملا زمی کہ در ریل هموارہ درسفر باشد اوجہ باید بکند؟ سوال: (۲۲۹۶) (۲) من کارمند

ریل میباشم و علی الدوام درسفر هستم و اتفاقاً در بعضی مناطق سہ روز و در بعضی چہار روز و در برخی از مناطق دومہ متواتر بود و باش میشود آیا در همچو حالت نماز را قصر نمایم یا اتمام؟

باوجود قصر اتمام شود آیا جواز دارد یانہ؟ سوال: (۲۲۹۷) (۳) اگر من مستحق قصر

باشم و بجای دو رکعت نماز را اتمام نمایم آیا این جواز دارد یانہ؟

دروقت سفر حکم وتر و سنن موکدہ چیست؟ سوال: (۲۲۹۸) (۴) در همچو حالت حکم اداء

نمودن سنن مؤکدہ وتر و نوافل چیست؟

فرض مغرب قصر دارد یانہ اگر دارد پس چگونه خواهد باشد؟ سوال: (۲۲۹۹) (۵) حکم

سہ رکعت فرض مغرب چیست؟

جواب: (۱) اسم این قصر است و در حالت سفر حکم قصر نمودن نماز است بہ این معنی ہر نمازی کہ چہار رکعتی باشد آن را درسفر دو رکعت اداء نماید و در نماز مغرب و فجر قصر نیست و در قصر شرط آنست کہ ارادہ سفر سہ منزل را داشته باشد یا بیشتر از آن و اندازہ سہ منزل چہل و ہشت میل متعین شدہ است.

جواب: (۲) برای مانند شما سفر کنندہ و قتیکہ سفر سہ منزل یا زیاد تر از آن باشد آنست کہ اگر در یک مکان ارادہ اقامت پانزدہ یوم یا زیاد تر از آن باشد پس نماز را اتمام نماید ورنہ قصر کند^(۱).

جواب: (۳) برای مسافر شرعی تا و قتیکہ ارادہ اقامت پانزدہ روز یا بیشتر از آن نکنند قصر نماز

(۳) ولا يجوز الجمع عدنا بين الصلوتين في وقت واحد سوى الظهر والعصر بعرفة والمغرب والمشاء بمزدلفة (هبة المستملی ص ۵۰۷).
ظہیر الدین

(۱) من خرج من عمارة إلامنة فأصدا مسيرة ثلاثة أيام الخ صلى الفرض الرباعي ركعتين وجوبا الخ حتى يدخل موضع مقامه الخ أو يرى الخ إلامنة نصف شهر حلقية أو حكما (در مختار باب صلاة المسافرين ط. س. ج ۲ ص ۱۲۱). ظہیر

واجب است و اتمام برایش بکار نیست کہ این جائز نیست^(۱).

جواب: (۴) سنن موکده را درحالت اطمینان اداء نماید و اگر در عین سفر باشد و تعجیل داشته باشد دراین صورت ترک نماید و اما فرض دروہرحال اداء نمودن آن بکار است^(۲).

جواب: (۵) درنماز مغرب قصر نیست^(۳) فقط.

اگر برای عساکر میدان فہرہ فیباشد آنان چہ باید بکنند؟ سوال: (۲۳۰۰) ما مردم

درمیدان جنگ رافع میاشیم امادہ (۱۰) یوم دریکجا و دہ (۱۰) روز جای دیگر اقامت مییابد و دراین مورد از سابق برای مایان کدام اطلاع نمییابد ممکن است کہ درمدت یک روز بخانہ بیایم و ممکن است کہ تاہ مدت دہ (۱۰) سال باز گشت نکنیم آیا دراین صورت نماز را قصر نمایم یا اتمام و همچنان سنت را اداء کنیم یا نہ؟ و درمورد نماز جمعہ چہ حکم است؟

جواب: درہمچو حالت قصر اداء نمودن بکار است^(۴) و حکم سنت آن است کہ اگر حالت اطمینان بخش باشد پس افضل آنست کہ سنت اداء شود ورنہ ترک شود دردرالمختار مذکور است اگر مسافر درحالت امن و اطمینان قرار داشته باشد پس سنت موکدہ را اداء کند و اگر حالت اطمینان نباشد آن را بگذارد و امام ہندوانی رح میفرماید کہ درحالت حصر بودن سنت را اداء کند و دروقت منزل نمودن نکند^(۵) (کذا فی الشامی و بر مسافر نماز جمعہ فرض نیست اگر موقع برایش میسر شد و نماز جمعہ را اداء نمود بہتر است ضروری نیست اگر نماز جمعہ اداء مسافر اداء نمود پس نماز ظہر از ذمہ اش ساقط میشود ورنہ ساقط نمیگردد بلکہ اداء

(۱) من عرج من عمارة الإمامة لافاضة مسيرة للإمام أبي حنيفة رضي الله عنه في الفرض الرباعي وكتبني وجوب الفتح حتى يدخل موضع مقامه الفتح أو يهوى الفتح الإمامة نصف شهر حقيقة أو حكما (درمختار باب صلوة المسافر، ط.س. ج ۲ ص ۱۲۱). ظہیر

(۲) وبني المسافر بالنسبة إن كان في حال أمن وقرار وإلا لا يأتي بها هو المختار. (الدر المختار على هامش ودرالمختار باب صلوة المسافر ج ۲ ص ۷۴۲، ط.س. ج ۲ ص ۱۳۱). ظہیر

(۳) صلى الفرض الرباعي وكتبني (درمختار) واحتجوا بالفرض عن السنن والوفور وبالثباني عن الفجر والمغرب (ردالمحتار ج ۱ ص ۷۳۵، ط.س. ج ۲ ص ۱۲۳). ظہیر

(۴) ولو دخل مصرًا على عزم أن يخرج غدًا أو بعد غد ولم يزد مدة الإقامة حتى يلقى على ذلك سنين قصر الفتح وإذا دخل المسجد فنور الإمامة بها قصر وكذا إذا حاصروا فيها مدينة أو حصنًا الفتح (مناهج باب صلوة المسافر ج ۱ ص ۱۴۹). ظہیر

(۵) وبني المسافر بالنسبة إن كان في حال أمن وقرار وإلا بان كان خوف وقرار لا يأتي بها هو المختار (درمختار) وقال الهندي رحمه الله الفعل حال النزول والترك حال السير الفتح والأعدل ما قاله الهندي رحمه الله (ردالمحتار باب صلوة المسافر ط.س. ج ۲ ص ۱۳۱). ظہیر

نمودن ظهر بکار است^(۱).

اگر در یک ماحول همواره گردشی می نماید لکن آن اما کن به اندازه مسافت سه یوم

نباشد پس چی باید کرد؟ سوال: (۲۳۰۱) اگر در مدت سفر برایم حکم گردش در دیہات

و نواحی باشد و مسلسل بیست ۲۰ روز یا بیست و پنج (۲۵) روز یا ده (۱۰) روز هر قسمیکه

باشد او مستقر خویش خارج میباشم لکن در یک مقام بیشتر از اقامت یک هفته برایم اجازه

نیست لکن آن مقامات از مکان مستقر بفاصله مسافت سه شبانه روز نباشد بلکه اطراف مستقر در

گردش یک دایره باشد اگر لحاظ مسافت مسلسل شود پس سفر از مدت مقررہ اش افزایش می

یابد و اگر لحاظ تمام سفر شود از آن مسافت بسیار زیاد میشود بناء آیا در این صورت قصر

واجب است یا نه؟

جواب: چونکہ مجموعہ مسافت از مدت سفر شرعی زیاد است بناء تا بہ مراجعت نمودن

بمستقر در صورت فوق الذکر قصر نماز بکار است قال فی الدر المختار: حتی یدخل موضع

مقامه ان سار مدة السفر الخ قيد بقوله حتى یدخل اي انما یدوم علی القصر الى الدخول ان سار

ثلاثة الخ^(۲).

مقتدی مقیم بعد از سلام امام مسافر در دو رکعت متبائی فاتحه را بخواند یا نه؟ سوال:

(۲۳۰۲) اگر مقتدی بعقب امام مسافر نماز میخواند پس هرگاه امام بعد از اداء نمودن در

رکعت سلام بگرداند پس او چهار رکعت را تمام نماید اکنون سخن سوال بر انگیز آنست کہ آیا

اودر دور رکعت متبائی فاتحه را قرأت نماید یا نه؟

جواب: در دو رکعت متبائی هیچ را نگوید بلکه بعد از خاموش وساکت ا پیستاده شدن رکوع

کند^(۳).

در جای خسر قصر کنند یا اتمام: (۱) تا بہ خانہ خسر فاصله ده امید میباشد فلہذا آیا برای زید

(۱) ولا تجب الجمعة علی مسافر الخ لان حصرها لصلوا مع الناس اجزأهم عن فرض الوقت الخ (مناہ باب الجمعة ج ۱ ص ۱۵۲). ظفر

(۲) ودالمختار باب صلوة المسافر ج ۱ ص ۷۳۶. ط.س. ج ۲ ص ۱۲۴. ظفر

(۳) وضع إبقاء المعلم بالمسافر في الوقت وبعدة فإذا قام المعلم إلى الإتمام لا يقرأ ولا يسجد للسهر في الأصح لأنه كاللاحق والقدتان فرض عليه ولا قيل لا (الدر المختار علی هامش ودالمختار باب صلوة المسافر ج ۱ ص ۷۴۰. ط.س. ج ۲ ص ۱۳۰). ظفر

بعد از رسیدن بمکان خسر قصر نماز بکار است یا اتمام؟

امام مسافر نماز را اتمام نمود آیا نماز مقتدی درست شده است یا نه؟ سوال: (۲۳۰۴)

(۲) امام مسافر سهوا نماز را اتمام نمود آیا نماز مقتدیان درست شده است یا نه؟

سوال: (۲۳۰۵) (۳) مسافر نذر نمود که در وقت سفر دو چهار روز نماز را اتمام خواهم نمود

فلهذا آیا او نماز ایام منذورا را اتمام کند یا قصر؟

جواب: (۱) وفتیکه بجای خسرخیل رسید نماز را اتمام کند کما فی الشامی: قوله او تأهله ای

تزوجہ قال فی شرح ^(۱) المنیة: ولتزوج المسافر ببلد ولم یؤی الاقامة به فقیل لایصیر مقيما وقيل

یصیر مقيما وهو الوجه الخ ده (۱۰) میل مسافت قصر نیست فلهذا در صورت مسؤلہ در مورد

قصر سوال پیدا نمیشود ظفیر.

جواب: (۲) نماز مقتدیان فاسد شده است شامی: ج ۱ ص ۳۹۱ ، ولو اقتدی مقيمون بمسافر

واتم بهم بلانية اقامة وتابعوه فسدت صلاتهم لكونه متفلا فی الاخيرین.

جواب: (۳) قصر نمودن بکار است واین نذر او لغوه میباشد زیرا که معصیت است و خلاف شرع

می باشد قصدا به اتمام نمودن نماز گنہکار میشود و نماز مقيم نیز بعقب او درست نخواهد شد:

کما مر فلو اتم مسافر ان قعد فی الاولى تم فرضه وساء الخ در المختار ^(۲) فقط.

مقيم بعد از یک رکعت امام مسافر اقتداء نمود پس چگونه نماز خود را به انجام

پرساند؟ سوال: (۲۳۰۶) مقيم وقتی اقتداء بعقب مسافر نمود که امام مسافر یک رکعت را

اداء نموده بود پس اکنون بعد از سلام امام مسافر برای مقيم چگونه اداء نمودن نماز بکار است؟

جواب: نخست دو رکعت را خالی اداء نماید و در رکعت سوم قرائت بخواند ^(۳) فقط.

مسافر امام جمعه شده میتواند؟ سوال: (۲۳۰۷) مسافر در نماز جمعه امام شده میتواند یا نه؟

(۱) غنية المستعني ص ۵۰۵. ظفیر

(۲) الدر المختار علی هامش وذا المختار باب صلوة المسافر ج ۱ ص ۱۰۹. ط.س. ج ۲ ص ۱۲۸. ظفیر

(۳) ولو اقتدی المقيم بالمسافر مع (الی قوله) فاذا علی المسافر رکعتین یسلم ویقوم المقيم فیم صلوة بغير قراءة لی الأصح الخ بخلاف

المسبوق (غنية المستعني ص ۵۰۴). ظفیر

جواب امام جمعہ شدہ میتواند (۱) فقط.

دلیل قصر در حال: سوال: (۲۳۰۸) در ہر سفر باوجود تامین امنیت حتماً وجوب نماز قصر ثابت نمیشد.

جواب: دلیل وجوب حدیث آتی است: وعن یعلیٰ بن امیة قال قلت لعمر بن الخطاب رضی اللہ عنہ قال اللہ تعالیٰ: (أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا. فَقَدْ أَمَّا النَّاسُ فَقَالَ نَعَمْ) رضی اللہ عنہ: عَجِبْتُ مِمَّا عَجِبْتُ مِنْهُ فَسَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی اللہ علیہ وسلم فَقَالَ صَدَقَ تَصَدَّقَ اللَّهُ بِهِ عَلَيْكُمْ فَأَقْبَلْتُمْ صَدَقَتَهُ، رواه مسلم حاصل آنکہ یعلیٰ بن امیة میگوید کہ من برای حضرت عمر رضی اللہ عنہ عرض کردم کہ اللہ پاک میفرماید کہ برای شما خوف فتنہ کفار باشد پس نماز را قصر کنید و اکثر مردم بہ امنیت قرار دارند و ہر اس وجود ندارد پس اکنون قصر کردن بکار نیست مترجم برایم این شبہہ عارضت شدہ بود بناء من برای جناب رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم در این مورد عرض نمودم پس ایشان صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند کہ این یک انعام خداوندی است بناء ان را بپذیرید.

در ریل بیقدر مسافت قصر نماید؟ سوال: (۲۳۰۹) در سفر ریل تا بہ جقدر مسافت قصر نمودن بکار است؟

جواب: اگر بہ اندازہ سہ منزل سفر پیادہ باشد پس در ریل نیز بدان مسافت قصر کردن بکار است مثلاً (۴۸) میل سفر باشد پس قصر درست و ضروری است (۲) فقط ..

آن حضرت صلی اللہ علیہ وسلم در سفر چند رکعت را اداء نموده است؟ سوال: (۲۳۱۰) جناب رسالت پناہ در سفر دو رکعت اداء نمودہ بودند یا چہار رکعت؟

و دیگر آنکہ ایشان در غزوات دو رکعت اداء نمودہ اند و بعقیدہ مردم روشن فکر عصر جدید تنہا دو رکعت نماز فرض است نہ چہار رکعت بنا ارقام این مسالہ مفصل بفرمائید؟

جواب: در عصر جناب رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم در وقت سفر در غزوات بجای چہار رکعت دو رکعت

(۱) و يجوز للمسافر والعبد والمريض أن يؤم في الجمعة (مداہہ ج ۱ ص ۱۵۲) ظہیر

(۲) اعلم أن المدة السفر عندنا مسافة ثلاثة أيام من أقصر أيام السنة بالسیر الوسط (إلى قوله) وغاية المشايخ لقدروا بالفراسخ الخ (مخبة

المسعملي ص ۴۵۷) ظہیر

اداء نمودن بسبب قصر شده است و در سفر شرعی چہار رکعت دو رکعت فرض میباشد در قرآن مجید آمدہ است: (وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ) الاية وفي الحديث: عن ابن عباس رضی اللہ عنہ وعن ابن عمر رضی اللہ عنہ قالوا: سَنَّ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ السَّفَرَ رَكَعَتَيْنِ وَهُوَ تَمَامٌ غَيْرُ قَصْرِ الْحَدِيثِ ^(۱) فقط.

در حالت سفر وتر وسنت: سوال: (۲۳۱۱) درحالت قصر وتر وسنت اداء نمودن بکار است یا نہ؟ اگر شخصی در گردش باشد و روزانہ در کوچ و اقامت باشد پس در ہمچو حالت قصر کند یا اتمام و در چقدر فاصلہ دور باشد از وطن کہ قصر لازم شود؟

جواب: در درالمختار مذکور است: ویاتی المسافر بالسنن ان كان في حال امن وقرار والا بان كان في خوف وقرار لايتي بها هو المختار ^(۲) حاصل آنست کہ مسافر اگر در جای باشد و عجلہ نداشته باشد پس سنت را اداء نماید و اگر در سفر تعجیل داشته باشد یا احساس ہراس باشد پس سنت را ترک نماید سپس گفته است کہ عند البعض سنت فجر با آنہم ترک نکند ^(۳) و اگر از اقامتگاہ بدورہ بقصد فاصلہ آنقدر دور رفتہ باشد کہ سہ منزل یعنی (۴۸) میل میشود بناء در سائر گردش خود او قصر باید کرد و ہرگاہ بہ اقامتگاہ خویش بازگشت نمود و اقلاً نیت اقامت پانزدہ یوم را داشته باشد پس نماز را اتمام نماید ^(۴) فقط.

برای قصورتتمیر ساختن معتبر نیست: سوال: (۲۳۱۲) شخصی در وطن اصلی خود سکونت دارد و در شہر دیگر تہا بخاطر بود و باش و سکونت خانم دوم خانہ ساخت و بعد از یک چند سال بخاطر عدم موافقت آب ہوا خانم دوم را بوطن اصلی آورد و خانہ کہ در آن شہر دوم داشت آن را قفل و بعضی اثاثیہ خانہ داری نیز در آنجا ہمراہ داشت و همچنان بازگشت خانم در آنجا نیز

(۱) مشکوٰۃ باب صلاة السفر ص ۱۱۹، أخرجه مسلم في صحيحه عن مجاهد عن ابن عباس فرض الله الصلاة على لسان نبيكم في الحضر اربع ركعات وفي السفر ركعتين (نصب الراية ج ۱ ص ۱۸۹). ظفر

(۲) مطالعہ فرماید الدر المختار علی ہاشم و درالمختار باب صلوة المسافرين ج ۱ ص ۱۱۸، ط.س. ج ۲ ص ۱۳۱. ظفر

(۳) و قبل يصلی سنة الجرح خاصة و قبل سنة المغرب ايضاً، بحر و درالمختار ج ۱ ص ۷۰۷، ط.س. ج ۲ ص ۱۲۱. ظفر

(۴) من خرج من حارة موضع اقامة لاصدا مسيرة ثلاثة ايام و ليلتها الخ او نوي اقامة نصف شهر حليفة او حكما (إلى قوله) اتم مختصراً و درالمختار علی ہاشم و درالمختار باب صلوة المسافرين ج ۱ ص ۷۰۷، ط.س. ج ۲ ص ۱۲۱. ظفر

مشکوک میاشد اگر در این صورت شخص مذکور بخاطر ضرورت بشهر دوم تشریف ببرد آیا او قصر کند یا چهار رکعت را کاملاً اداء نماید؟

جواب: در این حالت فوق الذکر قصر باید کرد کما فی شرح المنیة اذا المعتبر الایہل دون الدار^(۱) و هكذا فی رد المحتار فقط.

مسافری کہ نیت پانزدہ روز را نموده است: سوال: (۲۳۱۳) یک نفر بفاصله سی و شش (۳۶) میل دور از مکان خویش طوری تجارت میکند کہ در یک شهر مکان را خریداری می نماید و در آن سکونت می ورزد و بدیہات بغرض فروختن روزانہ میرود و شام بہ اقامت گاہ مراجعت می نماید و بعضی اوقات دو روز در یک قریہ مکث می نماید در این صورت آیا نماز را قصر کند یا اتمام؟

جواب: اگر پانزدہ یوم یا بیشتر از آن در آن مقام نیت اقامت را داشته باشد پس نماز را اتمام نماید و اگر بعد از نیت اقامت بطور پیروہ دو دو یا چہار چہار میل بدیہات برود و شام بہ اقامت گاہ واپس بیاید در این وقت برای او حکم قصر نمودن نماز نیست بلکہ نماز را اتمام کند لکن اگر در آنجا نیت اقامت پانزدہ روز را نداشته باشد بلکہ از ابتداء چنین قصد داشته کہ در فلانی منطقہ کہ بفاصله سی و شش (۳۶) میل دور قرار دارد مکان را خواہم گرفت و از آنجا بدیہات گردش خواہم نشود و در اقامتگاہ خود قیام خواہم کرد بناء او قصر باید بکند^(۲) فقط.

بمسافر بدان نیت رفتن کہ خدامی داند کہ چہ وقت عودت باشد پس چہ باید کرد؟ سوال: (۲۳۱۴) شخصی با این فکر بفر طولانی روان شد کہ خدا عالم است کہ چہ وقت بازگشت خواہم نمود آیا او قصر کند یا اتمام؟

جواب: برای او قصر نماز یعنی دو رکعت اداء نمودن بکار است تا وقتی کہ در یک شہر نیت اقامت پانزدہ (۱۵) روز را نکند^(۳) فقط.

(۱) غنیۃ المستملی ص ۵۰۶. ظہیر

(۲) عن عبد اللہ بن عمر قال اذا کنت مسافرا فرطت لنفسک علی إقامة خمسة عشر یوما قائم الصلاة وان کنت لا تدري متى تظعن فانصر

(غنیۃ المستملی ص ۵۰۱). ظہیر

(۳) او دخل مصر علی عزم ان یخرج غدا او بعد غد ولم یتر مدة الإقامة حتی یلی علی ذلک سنین قصر لان ابن عمر ؓ الام =

خانہ خسر بفاصلہ سے میل قرار دارد آیا در آنجا قصر کند یا نہ؟ سوال: (۲۳۱۵) اگر بخانہ

خسر برود کہ بفاصلہ سے منزل واقع است آیا در آنجا قصر کند یا نہ؟ یعنی بقصد کم از پانزدہ روز برود و همچنان اگر ہندہ نیز بقصد کمتر از پانزدہ روز بخانہ خسر برود کہ بفاصلہ سے منزل قرار دارد آیا ایشان قصر کنند یا اتمام؟

جواب: قال فی المسئلۃ المختارۃ: الوطن الاصلي هو موطن ولادته او تاهله او توطنه الخ قوله او تاهله اي تزوجه قال في شرح المنية ولو تزوج المسافر ببلد ولم ينو الاقامة به ففيل لا يصير مقيما وقيل يصير مقيما وهو الاوجه^(۱) الخ شامي از اين عبارت معلوم شد کہ زيد و ہندہ در صورت مذکور ہا سار را اتمام نمايند فقط.

سفر بلا قصر: سوال: (۲۳۱۶) اگر بايمانش نمودن در قريہ هاي ماحول گردش باشد و مکان قيام در سائر مکانها از سه منزل کمتر باشد و با پيمانش کردن اين قريہ تابه قريہ ديگر و از آنجا نہ فريہ سوم و چہارم کہ ہمین متوالي فاصلہ بسا قريہ ها از سه منزل بسيار افزايش مي يابد يا آنکہ جيزي معلوم نباشد فلہذا در مورد قصر نماز چہ حکم است؟

جواب: گشت نمودن با اين پيمانش در حالیکہ ابتداء او نيت سفر سے منزل را نداشته باشد و با آنکہ معلوم نباشد اگر با گشت و گذر افزايش يابد حکم قصر نماز نيت و نماز را اتمام نمودن بکار است^(۲) فقط

آيا براي قصر بيرون شدن از شهر ضروري است؟ سوال: (۲۳۱۷) اگر کسی بر وطن اقامت مقيم گرديده است و ہر گاہ ارادہ رفتن وطن اصلي کند قصر صلاۃ لازم آمد یا نہ؟ از بلد اقامت بيرون شدن شرط است؟

جواب: بيرون شدن از بلد اقامت بہ قصد سفر شرعي شرط قصر است از محض ارادہ رفتن قصر لازم نخواہد^(۱) شد فقط والله اعلم کتبہ عزيز الرحمن

۱۔ ياد رہيچان سنۃ اشہر و کان بقصر ومن جماعۃ الصحابة مثل ذلک (ہدایہ باب صلوۃ المسافر ج ۱ ص ۱۴۹) طبر

(۱) مطالعہ فرمايد و المختار باب صلوۃ المسافر ج ۱ ص ۷۴۲ ط. س. ج ۳ ص ۱۳۱. فالاصلي وهو مولد الإنسان أو موضع تأمل به قصد التنشيط لا الانتقال عنه (غنية المستملی ص ۵۰۵) طبر

(۲) ومن طاف الدنيا بلا قصد لم يقصر (الدر المختار باب صلوۃ المسافر ج ۱ ص ۱۰۷ ط. س. ج ۳ ص ۱۲۲) ط

اگر مسافر بفراوانشی نماز را اتمام نماید حکم آن چیست؟ سوال: (۲۳۱۸) مسافر بعد از نشستن در رکعت دوم ایستاده شد و چهار رکعت را کاملاً اداء نمود آیا نماز او درست شده است یا نه؟

جواب: اگر مسافر قعدہ در میانی را کرد و در حال و علمی نماز را چهار رکعت اداء نمود پس نماز درست شده است و معصیت نیز انجام نشده است و اگر قصداً همچنان کرد نمازش درست شده است اما گنہکار نیز است و اگر مسافر امام شخص مقیم شد در این صورت نماز مقیم نخواهد شد زیرا برای او اطلاع دادن لازم است لو اتم مسافر ان لقد فی القعدة الاولى تم فرضه ولكنه اساء لو عامدا، در المختار علی هامش الشامي: ص (۸۲۵) وما زاد نفل لمصلي الفجر اربعا ايضا لا يصح الاقتداء الى قوله و لا مفترض بمتنفل در المختار علی هوامش الثاني: ص ۶۰۶.

اگر در راه باشد و او براه قصر رفت در این مورد چیست؟ سوال: (۲۳۱۹) شخصی از جای سفر می نماید و بجای که مرود آنجای دو راه دارد یک راه دارای مسافت قصر است و مسافت راه دیگر کمتر است اکنون اگر آن شخص به آنجا براه برود که در آن مسافت قصر است آیا برای او قصر نماز جواز دارد یا نه؟ یعنی برای جواز قصر در آن هر دو مسافت اعتبار بکدام مسافت داده میشود آیا بکدام راه که میرود همان اعتبار دارد یا آنکه مسافت کمتر است و مسافت قصر چقدر است؟

جواب: بکدام راه که سفر می نماید مسافت همان راه در قصر وعدم قصر اعتبار دارد و بپهر راه که آن شخص میرود اگر مسافت آن راه سی و شش ۳۶ میل یا چهل و هشت میل باشد برای او قصر لازم است اگرچه مسافت راه دیگر از آن کمتر باشد ادا قصد بلدة والی مقصده طریقان احدهما مسیره ثلثة ایام و لیلایها والاخر دونها فسلک الطريق الی بعد کان مسافة قتر عدنا وان سلک الاقصر یتیم عالمگیر: ج ۱ ص ۱۳۶ حمیل الرحمن

(۱) المصنوع فی السفر ابرار احدهما عزم السير وتنتهي الخروج من البلدان عن جنوز بیوت المصر غیر فاصد للسفر لا یون مسافرا وان جاروها فاصدا مدة مادون السفر لا یكون سفرا آه. بیانہ شرح الہدایہ. هو ان قصد سیرا و سکا ثلاثة ایام و لیلایها و لاری بیوت بلدة آه. شرح و لایہ (مولانا مفتی سید مہدی حسن صاحب):

شخصی کہ از منطقہ میرتہ بدھلی میروود قصر کند یا نہ؟ سوال: (۲۳۲۰) چہ میفر مایند علماء دین درین مورد کہ مسافت سفر شرعی حساب میل انگلیسی است کہ مقدار آن ہفدہ صد و شصت (۱۷۶۰) میباشد فلہذا آیا شخصی کہ از منطقہ میرتہ بدھلی سفر میکند نماز را قصر کند یا اتمام در حالیکہ در میان ہر دو مسافت (۴۵) میل است و از شہر (۴۲) میل میباشد؟

جواب: مذهب حنفی آنست کہ در مسافت سہ منزل سفر نمودن قصر انست بناء اگر در میان مرتہ تابہ دھلی مسافت سہ منزل باشد قصر کردہ میتواند ورنہ قصر نمیتواند و موافق ظاہر مذهب فراسخ و میل اعتبار ندارد و آن عدہ مشایخ کرام رح کہ اعتبار فرسخ را بغرض سہولت عوام نمودہ اند در این مورد سہ اقوال موجود است: بیست و یک فرسخ یعنی (۶۳) سہ میل شرعی یا ہژدہ فرسخ یعنی پنجہ و چہار (۵۴) میل شرعی یا پانزدہ فرسخ یعنی (۴۵) میل شرعی و اما فتویٰ بر قول دوم و سوم دادہ شدہ است کذا فی رد المحتار و میل شرعی چہار ہزار ذراع است؟ و ذراع شش مشت یعنی تقریباً ہشت بہرہ ذراع مروج انگلیسی و قتیکہ ہفدہ صد و شصت گز است فلہذا در میان میل شرعی و میل انگلیسی دوصد و چہل (۲۴۰) گز فرق بمیان آمد بناء (۴۵) میل شرعی تقریباً پنجہ میل انگلیسی میشود و در صورت اعتبار نمودن فرسخ اقلاً قصر مسافت پنجہ میباشد لکن ہر گاہ اعتبار نمودن فرسخ خلاف اصل مذهب است پس گزیر اکنون مدار آن بمنازل میباشد و این مسالہ و این سخن موقوف بر عرف عادت و تجربہ است و آن ہم در کتاب ہای فقہ موجود احت کہ مراد از سہ روز سفر آنست کہ در میان کوتاہ و مختصر از صبح تا بہ زوال ہر چند سفر ممکن باشد کہ طی شود همان مقدار میل ہا معتبر است و همان وجہ معلوم میشود کہ حضرات استاذہ ما روزانہ سفر شانزدہ میل را اختیار فرمودہ اند زیرا اگر روزانہ شش ساعت برای سفر مقرر شود پس در یک ساعت یک نفر پیادہ برفتار در میانہ دومیل راہ را طی نمودہ میتواند و بنا بر این اعتبار مسافت قصر را چہل و ہشت ۴۸ میل مقرر نمودہ اند.

(تم المجلد الرابع بتوفیق اللہ تعالیٰ وعونہ و کرمہ فالحمد للہ رب العالمین والصلاۃ والسلام علی سید المرسلین و علی آلہ وصحبہ اجمعین و یلیہ المجلد الخامس انا العاجز المقتدر ای رحمۃ اللہ تعالیٰ محمد ظفر الدین المفتاحی غفر اللہ ذنوبہ الخفی والجلی.)